

نور از فضایل

۱۰۰۱  
نور از فضایل



امیرالمؤمنین  
علیه السلام

اولاد  
محمد رضا مردم







۲۹. برترین شاهد خدا ..... ۵۷
۳۰. فضلی عظیم ..... ۵۸
۳۱. حق آشکار ..... ۵۸
۳۲. ولایت راه صعود به آسمان ..... ۵۸
۳۳. صفتی مخصوص ..... ۵۹
۳۴. مجاهد اکبر ..... ۵۹
۳۵. شأنی شریف ..... ۵۹
۳۶. حدیث کساء ..... ۶۰
۳۷. عهدی نورانی ..... ۶۰
۳۸. دستگیره‌ای محکم ..... ۶۱
۳۹. وعده‌ای بزرگ ..... ۶۱
۴۰. سلسله‌ای از نور ..... ۶۱
۴۱. اصحاب نور ..... ۶۲
۴۲. یگانه‌ای شریف ..... ۶۲
۴۳. علی در قیامت ..... ۶۲
۴۴. صاحب عصر ..... ۶۳
۴۵. صورت‌های نورانی بر لب کوثر ..... ۶۳
۴۶. شمس و قمر آمد ..... ۶۳
۴۷. علیؑ به آن‌ها می‌خندد ..... ۶۴
۴۸. ابرار در قرآن کریم ..... ۶۴
۴۹. بزرگ‌ترین نشانه خدا ..... ۶۵
۵۰. دانای اسرار کتاب‌الله العظیم ..... ۶۵
۵۱. تهمت به رسول خداﷺ ..... ۶۵
۵۲. مابین دو پیامبر ..... ۶۶
۵۳. خیر بزرگ ..... ۶۶
۵۴. دو دریای ربانی و نورانی ..... ۶۶
۵۵. مرد با ایمان ..... ۶۷
۵۶. جنب‌الله علیست ..... ۶۷
۵۷. راهی به آسمان ..... ۶۷
۵۸. نشانه قیامت ..... ۶۸
۵۹. صاحب کره زمین ..... ۶۸
۶۰. اولین مفسر حروف و معانی آن ..... ۶۸
۶۱. بزرگ‌ترین مرد زمینی ..... ۶۹

۶۲. همکلام با کره زمین ..... ۷۰
۶۳. مفسری بزرگ و بی همتا ..... ۷۰
۶۴. قلب شب قدر ..... ۷۱
۶۵. قبله ليله القدر ..... ۷۱
۶۶. معجزه علوی ..... ۷۲
۶۷. بزرگ ترین نشانه خدا ..... ۷۳
۶۸. وسیله نجات در قیامت ..... ۷۳
۶۹. تیزبین و باریک بین ..... ۷۳
۷۰. مؤمنی بی نظیر ..... ۷۴
۷۱. ماء غدق ..... ۷۴
۷۲. خبر پر خیر ..... ۷۴
۷۳. علی علیه السلام در قرآن کریم ..... ۷۴
۷۴. راهنمای امت محمد صلی الله علیه و آله ..... ۷۵
۷۵. قدر ولایت ..... ۷۶
۷۶. شاهد و مشهود ..... ۷۶
۷۷. نامی آسمانی ..... ۷۶
۷۸. قرآن ناطق ..... ۷۷
۷۹. عالم به علوم قرآن ..... ۷۷
۸۰. بی همتا در شناخت قرآن ..... ۷۸
۸۱. دستش را گرفته و بالا آوردم ..... ۷۸
۸۲. کتاب نورانی کمالات ..... ۷۹
۸۳. علمدار عمل به قرآن ..... ۷۹
۸۴. معنای واقعی ایمان ..... ۷۹
۸۵. هفت حرف نورانی ..... ۷۹
۸۶. ظاهر و باطن قرآن نزد علی علیه السلام ..... ۷۹
۸۷. قاری ملکوتی ..... ۸۰
۸۸. قمر عالم تاب ..... ۸۰
۸۹. عابد شب زنده دار ..... ۸۱
۹۰. خورشید خورشیدها ..... ۸۱
۹۱. آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری ..... ۸۱
۹۲. صبر علی علیه السلام ..... ۸۲
۹۳. محبتی واجب ..... ۸۲
۹۴. نشانه نفاق ..... ۸۳



۹۵. مفسری ممتاز و اعلم ..... ۸۳
۹۶. امیر بی رقیب ..... ۸۳
۹۷. نشانه‌های علم در دست اوست ..... ۸۴
۹۸. ریشه‌ای ربانی ..... ۸۴
۹۹. صاحب اسرار وحی ..... ۸۴
۱۰۰. مخزن اسرار الهی ..... ۸۵
۱۰۱. دریای عمیق، علی علیه السلام است ..... ۸۵
۱۰۲. آزمایش فراگیر ..... ۸۵
۱۰۳. طریق الجنة ..... ۸۶
۱۰۴. صفاتی ملکوتی ..... ۸۶
۱۰۵. بحر پر گوهر ..... ۸۶
۱۰۶. صراط سعادت ..... ۸۷
۱۰۷. صراط صعود ..... ۸۷
۱۰۸. شاهدی بی‌بدیل ..... ۸۸
۱۰۹. عملی نورانی ..... ۸۸
۱۱۰. آیه محبت و دوستی ..... ۸۸
۱۱۱. آیه انفاق ..... ۸۹
۱۱۲. نور زمین و آسمان ..... ۹۰
۱۱۳. شعله شوق ..... ۹۰
۱۱۴. پیشگامان سعادت‌خواه ..... ۹۱
۱۱۵. اقراری به حق ..... ۹۱
۱۱۶. فضیلتی استثنائی ..... ۹۲
۱۱۷. مؤذن خدا ..... ۹۳
۱۱۸. مهرویان عرشی نسب ..... ۹۳
۱۱۹. خیر البریه ..... ۹۴
۱۲۰. ویژگی ربانی ..... ۹۴
۱۲۱. مظهر رحمت خداوند ..... ۹۵
۱۲۲. عامل آیه نجوا ..... ۹۵
۱۲۳. کشفی عرفانی ..... ۹۶
۱۲۴. جبل الله کیست؟ ..... ۹۶
۱۲۵. سخنگو با زمین ..... ۹۷
۱۲۶. دلیل پاکی‌ها ..... ۹۷
۱۲۷. لطف جاری و جاوید ..... ۹۷





۱۵۷. محو کننده باطل ..... ۱۱۲
۱۵۸. ریشه‌ای شریف ..... ۱۱۳
۱۵۹. برترین و شریف‌ترین‌ها ..... ۱۱۳
۱۶۰. ماه شب چهاردهم ..... ۱۱۳
۱۶۱. حسرت حسودان ..... ۱۱۴
۱۶۲. معنای مولا ..... ۱۱۴
۱۶۳. احادیث قدسی ..... ۱۱۴
۱۶۴. واضح‌تر از خورشید ..... ۱۱۵
۱۶۵. امام مبین ..... ۱۱۵
۱۶۶. عذری برای نبود راهنما نیست ..... ۱۱۶
۱۶۷. اسم اعظم پروردگار ..... ۱۱۶
۱۶۸. بیم رسان امت ..... ۱۱۷
۱۶۹. مرز عشق ..... ۱۱۸
۱۷۰. مثالی رسا ..... ۱۱۹
۱۷۱. توصیف مؤمن ..... ۱۱۹
۱۷۲. توصیف مردان عهدشکن ..... ۱۱۹
۱۷۳. جامع صفات ملکوتی ..... ۱۲۱
۱۷۴. مردی ممتاز ..... ۱۲۱
۱۷۵. مردی ناشناخته ..... ۱۲۲
۱۷۶. اتاقی مخصوص عبادت ..... ۱۲۲
۱۷۷. باب الله‌اکبر ..... ۱۲۲
۱۷۸. مرز توحید و کفر ..... ۱۲۳
۱۷۹. مثل پیامبران و شهیدان ..... ۱۲۳
۱۸۰. مثل رسول خدا ﷺ ..... ۱۲۴
۱۸۱. مرز دینداری ..... ۱۲۴
۱۸۲. حصنی حصین ..... ۱۲۴
۱۸۳. نور خدا در زمین ..... ۱۲۵
۱۸۴. لوح عرشی ..... ۱۲۵
۱۸۵. صبر عجیب فاطمه علیها السلام ..... ۱۲۶
۱۸۶. صراط راست ..... ۱۲۷
۱۸۷. بهترین و برترین همسر ..... ۱۲۷
۱۸۸. طرفدار حق ..... ۱۲۷
۱۸۹. امام حق ..... ۱۲۷



۱۹۰. کلماتی عرشی ..... ۱۲۸
۱۹۱. راه بهشت ..... ۱۲۸
۱۹۲. جوشن کبیر ..... ۱۲۸
۱۹۳. وجودی عجیب ..... ۱۲۹
۱۹۴. اسلام یعنی ..... ۱۲۹
۱۹۵. مولود با برکت ..... ۱۳۰
۱۹۶. جلوه‌ای از رخ ساقی ..... ۱۳۱
۱۹۷. دعای استثنایی ..... ۱۳۱
۱۹۸. قطعه‌ای از آتش جهنم ..... ۱۳۲
۱۹۹. ساده‌پوشی ..... ۱۳۲
۲۰۰. زاهد دهر ..... ۱۳۳
۲۰۱. اسماء سمائی ..... ۱۳۳
۲۰۲. معلم عرشیان ..... ۱۳۴
۲۰۳. عاقبت منکران ولایت ..... ۱۳۴
۲۰۴. کائنات جمله به بوی تو زنده‌اند ..... ۱۳۵
۲۰۵. صراط سقوط ..... ۱۳۵
۲۰۶. نکته‌ای خوش از عالم اسرار ..... ۱۳۵
۲۰۷. پایه‌های دین ..... ۱۳۶
۲۰۸. حقی روشن ..... ۱۳۶
۲۰۹. خوبروتر از آفتاب و ماه ..... ۱۳۶
۲۱۰. ستارگان اهل زمین ..... ۱۳۷
۲۱۱. دوست واقعی پیامبر اسلام ﷺ ..... ۱۳۷
۲۱۲. عامل استقرار هستی ..... ۱۳۸
۲۱۳. نوشته عرشی ..... ۱۳۸
۲۱۴. خدا علی را تأیید کرد ..... ۱۳۸
۲۱۵. قرآن ناطق میان مردم ..... ۱۳۹
۲۱۶. صاحب رازهای الهی ..... ۱۳۹
۲۱۷. شمس و قمرجان ..... ۱۳۹
۲۱۸. نفس پیامبر اکرم ﷺ ..... ۱۳۹
۲۱۹. چهره‌های نورانی ..... ۱۴۰
۲۲۰. نوری واحد ..... ۱۴۰
۲۲۱. دو هزار قبل از... ..... ۱۴۱
۲۲۲. چهل و سه دلیل ..... ۱۴۱





- ۲۲۳. حدیثی عجیب ..... ۱۴۳
- ۲۲۴. مظلومی تنها ..... ۱۴۳
- ۲۲۵. ۴ دوست برگزیده ..... ۱۴۴
- ۲۲۶. کشتی نجات امت محمد صلی الله علیه و آله ..... ۱۴۴
- ۲۲۷. اولین اسم خدا علی عظیم است ..... ۱۴۴
- ۲۲۸. کانون دانش ..... ۱۴۵
- ۲۲۹. محبت علی علیه السلام گنج بی پایان ..... ۱۴۵
- ۲۳۰. بزرگ‌ترین وصی عالم ..... ۱۴۵

### فصل سوم

#### شبهات‌های انبیائی امام علی علیه السلام

- ۲۳۱. دانش انبیائی امام علی علیه السلام ..... ۱۴۹
- ۲۳۲. عهد و پیمانی بزرگ و نورانی ..... ۱۴۹
- ۲۳۳. نتیجه دعای ابراهیم خلیل علیه السلام ..... ۱۵۰
- ۲۳۴. سواران قیامت ..... ۱۵۱
- ۲۳۵. سنت ایوبی ..... ۱۵۲
- ۲۳۶. اولین مطیع رسول خدا صلی الله علیه و آله ..... ۱۵۲
- ۲۳۷. گفتگوی وصی عیسی علیه السلام با امام علی علیه السلام ..... ۱۵۳
- ۲۳۸. روی آفتاب از تو خجل ..... ۱۵۴
- ۲۳۹. انکار انبیاء الهی ..... ۱۵۴
- ۲۴۰. دوستدار علی علیه السلام ..... ۱۵۵
- ۲۴۱. علی علیه السلام برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله ..... ۱۵۵
- ۲۴۲. علی علیه السلام در بین دو خلیل الهی ..... ۱۵۵
- ۲۴۳. شبیه عیسی پیامبر ..... ۱۵۶
- ۲۴۴. علی علیه السلام امیر انبیاء است ..... ۱۵۶
- ۲۴۵. وصی موسی نزد امام علی علیه السلام ..... ۱۵۷
- ۲۴۶. شأنی شریف و بی‌بدلیل ..... ۱۵۷
- ۲۴۷. هم کلام خضر علیه السلام ..... ۱۵۸
- ۲۴۸. همراه همه انبیاء ..... ۱۵۸
- ۲۴۹. نور نبوت و امامت از خداست ..... ۱۵۹
- ۲۵۰. عید غدیر ..... ۱۶۲
- ۲۵۱. علی علیه السلام امام اهل تقوا ..... ۱۶۳

۲۵۲. مرز حزب خدا و حزب شیطان ..... ۱۶۴
۲۵۳. حزب همه انبیاء ..... ۱۶۵
۲۵۴. منشاء اثر در نبوت انبیاء ..... ۱۶۵
۲۵۵. قاری صحف انبیاء گذشته ..... ۱۶۵
۲۵۶. نور اهل اطاعت ..... ۱۶۶
۲۵۷. لحن کلام خداوند در شب معراج ..... ۱۶۶
۲۵۸. اساس دعوت انبیاء گذشته چه بود؟ ..... ۱۶۶
۲۵۹. امام هستی ..... ۱۶۷
۲۶۰. راز دار هستی ..... ۱۶۸
۲۶۱. وصی کیست؟ ..... ۱۶۸
۲۶۲. دعای مخصوص رسول خدا ﷺ ..... ۱۶۹
۲۶۳. خیر الاوصیاء کیست؟ ..... ۱۶۹
۲۶۴. بزرگی بی مانند ..... ۱۶۹
۲۶۵. عجب اقرار عجیبی ..... ۱۷۰
۲۶۶. ملائکه و انبیاء به چه اقرار کردند؟ ..... ۱۷۰
۲۶۷. صاحب سنت انبیاء ..... ۱۷۱
۲۶۸. مثل وصی موسی ..... ۱۷۱
۲۶۹. همانند عیسی بن مریم ..... ۱۷۳
۲۷۰. صاحب سیره انبیائی ..... ۱۷۴
۲۷۱. ملازم نبی اکرم ﷺ ..... ۱۷۶
۲۷۲. او را دوست بدار ..... ۱۷۶
۲۷۳. وزیر نبی ﷺ ..... ۱۷۷
۲۷۴. پدر و مادرم فدای علی ﷺ ..... ۱۷۸
۲۷۵. باطن همه هستی ..... ۱۷۹
۲۷۶. بزرگترین آیه الهی ..... ۱۷۹
۲۷۷. صاحب صفت یحیی ..... ۱۷۹
۲۷۸. مایه مباهات ملائکه ..... ۱۷۹
۲۷۹. در سه محل همراه پیامبر ﷺ ..... ۱۸۰
۲۸۰. امین خدا در زمین ..... ۱۸۰
۲۸۱. حق آشکار ..... ۱۸۱
۲۸۲. نشانه رحمت حق تعالی ..... ۱۸۲
۲۸۳. اولین سلام کننده به رسول الله ﷺ ..... ۱۸۲
۲۸۴. حقیقتی که قابل انکار نیست ..... ۱۸۳



- ۲۸۵. امام همه امم و فرمانروای جهان ..... ۱۸۳
- ۲۸۶. شجره طیبه ..... ۱۸۴
- ۲۸۷. سید شعیب پیغمبر ..... ۱۸۴
- ۲۸۸. علی علیه السلام شبیه به ده نفر از پیامبران است ..... ۱۸۵
- ۲۸۹. خصائص انبیائی علیهم السلام امام علی علیه السلام ..... ۱۸۵
- ۲۹۰. ذوالقرنین امت ..... ۱۸۶
- ۲۹۱. سئوالات صعصعه از علی علیه السلام ..... ۱۸۷
- ۲۹۲. پدران امت ..... ۱۸۹
- ۲۹۳. همدست نبی صلی الله علیه و آله ..... ۱۸۹
- ۲۹۴. اولین مخلوقات قبل از ملائکه ..... ۱۹۰
- ۲۹۵. نوری واحد ..... ۱۹۰
- ۲۹۶. گوش و چشمی واحد ..... ۱۹۰
- ۲۹۷. دو دستی واحد ..... ۱۹۱
- ۲۹۸. دو عمل واحد ..... ۱۹۱
- ۲۹۹. همراه و همراز و همخوی پیامبر صلی الله علیه و آله ..... ۱۹۱
- ۳۰۰. برتر از هستی ..... ۱۹۲
- ۳۰۱. امتیازات علی علیه السلام ..... ۱۹۲
- ۳۰۲. ظرف پر آب ..... ۱۹۳
- ۳۰۳. صاحب سر پیامبر صلی الله علیه و آله ..... ۱۹۳
- ۳۰۴. هفتاد نیک نامی و نیک بختی ..... ۱۹۳
- ۳۰۵. صاحب نور حکمت الهی ..... ۱۹۵
- ۳۰۶. راهنما علیست ..... ۱۹۵
- ۳۰۷. مردم شرور ..... ۱۹۶
- ۳۰۸. بزرگ‌ترین و با فضل‌ترین‌ها ..... ۱۹۶
- ۳۰۹. قتل انبیاء الهی ..... ۱۹۶

### فصل چهارم

#### شبهات‌های امام علی علیه السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله

- ۳۱۰. ولی خدا در زمین ..... ۲۰۱
- ۳۱۱. ده ویژگی ممتاز ..... ۲۰۱
- ۳۱۲. سعادت‌مندی ابدی ..... ۲۰۱
- ۳۱۳. خداوند فرموده ..... ۲۰۲





۳۴۷. سایه پیامبر ﷺ ..... ۲۱۶
۳۴۸. آیه‌ای در شأن دو انسان متعالی ..... ۲۱۶
۳۴۹. صدیق در قرآن علیست ..... ۲۱۷
۳۵۰. نوشته زرین بر عرش ..... ۲۱۷
۳۵۱. بزرگ‌ترین نعمت توئی ..... ۲۱۸
۳۵۲. ملک اقلیم راستی ..... ۲۱۸
۳۵۳. پیامبر ﷺ برای علی علیه السلام قربانی کرد ..... ۲۱۸
۳۵۴. محبوب‌ترین خلق ..... ۲۱۹
۳۵۵. دوستدار علی علیه السلام ..... ۲۲۰
۳۵۶. خدا فرمود نوش جانت ..... ۲۲۰
۳۵۷. آرام جان رسول خدا ﷺ ..... ۲۲۰
۳۵۸. همیشه با رسول ﷺ ..... ۲۲۱
۳۵۹. سؤالات آخرین ..... ۲۲۱
۳۶۰. پرورده رسول الله ﷺ ..... ۲۲۲
۳۶۱. انار بهستی ..... ۲۲۲
۳۶۲. شیفته‌ای بی‌قرار ..... ۲۲۳
۳۶۳. صاحب علمی بی‌انتها ..... ۲۲۳
۳۶۴. پدران امت ..... ۲۲۳
۳۶۵. ایمن از عذاب الهی ..... ۲۲۵
۳۶۶. ایمن از عذاب ..... ۲۲۵
۳۶۷. علی علیه السلام باب علم نبی ﷺ ..... ۲۲۵
۳۶۸. صیحه‌ای به حق ..... ۲۲۶
۳۶۹. صدیق اکبر در امت محمد ﷺ ..... ۲۲۷
۳۷۰. از سرشت محمد ﷺ ..... ۲۲۷
۳۷۱. ترغیب ابوطالب ..... ۲۲۷
۳۷۲. فضیلتی بزرگ ..... ۲۲۸
۳۷۳. عملی بی‌مانند ..... ۲۲۸
۳۷۴. علی همانند اسماعیل ذبیح‌الله است ..... ۲۲۹
۳۷۵. السلام علیک یا امیرالمؤمنین ..... ۲۳۰
۳۷۶. دید ملکوتی ..... ۲۳۰
۳۷۷. وارث علم انبیاء ..... ۲۳۱
۳۷۸. فضیلتی در بدر ..... ۲۳۲
۳۷۹. صاحب نعمتی ویژه ..... ۲۳۲





۴۰۹. جنگ با شیطان ..... ۲۴۶
۴۱۰. نشانه‌های حلال زادگی ..... ۲۴۷
۴۱۱. رمز پاکی ..... ۲۴۷
۴۱۲. محور پاکی ..... ۲۴۸
۴۱۳. دشمنان علی چه کسانی هستند؟ ..... ۲۴۸
۴۱۴. راه شناخت منافقان ..... ۲۴۸
۴۱۵. شناخت منافقان ..... ۲۴۹
۴۱۶. عاقد بهشتیان ..... ۲۴۹
۴۱۷. پنج سجده عجیب ..... ۲۴۹
۴۱۸. دوی درد اهل باطل ..... ۲۵۰
۴۱۹. همدم امام علی علیه السلام ..... ۲۵۰
۴۲۰. مهمان عزیز کعبه ..... ۲۵۲
۴۲۱. بیست و دو هزار سال قبل از آدم ..... ۲۵۳
۴۲۲. برپا کننده دین ..... ۲۵۳
۴۲۳. همه اقرار دارند ..... ۲۵۴
۴۲۴. فضیلتی عرشی و بی‌بدیل ..... ۲۵۴
۴۲۵. روزه و عبادت بی‌ثمر ..... ۲۵۴
۴۲۶. فرزندان صالح ..... ۲۵۵
۴۲۷. او را امام متقین معرفی کرد ..... ۲۵۵
۴۲۸. همیشه اولین‌ها علی بود ..... ۲۵۵
۴۲۹. اولین پیشتاز ..... ۲۵۶
۴۳۰. نور زمین و آسمان ..... ۲۵۶
۴۳۱. راه پذیرش عمل بندگان ..... ۲۵۶
۴۳۲. منبر هزار پله ..... ۲۵۷
۴۳۳. باطن تاریک ..... ۲۵۷
۴۳۴. امام زمین و زمان ..... ۲۵۷
۴۳۵. خطبه‌های خرد بخش ..... ۲۵۸
۴۳۶. ذوالفقار عدل ..... ۲۵۸
۴۳۷. اهل دنیا نیستم ..... ۲۵۹
۴۳۸. معجزه علوی ..... ۲۵۹
۴۳۹. تفسیر ناقوس ..... ۲۶۰
۴۴۰. کتاب علی علیه السلام راهنمای ائمه علیهم السلام ..... ۲۶۰
۴۴۱. سینه‌ای پر علم ..... ۲۶۱







۴۷۵. ثمره رسول خدا ﷺ ..... ۲۷۵
۴۷۶. فرمان خداوند است ..... ۲۷۵
۴۷۷. فریادرس غمدیده گان ..... ۲۷۶
۴۷۸. تسویه حساب‌های سیاسی ..... ۲۷۷
۴۷۹. یعسوب المومنین ..... ۲۷۸
۴۸۰. راه رسیدن به مقامات معنوی ..... ۲۷۹
۴۸۱. زهدی بی نظیر ..... ۲۷۹
۴۸۲. عدالتی همه گیر در کوفه ..... ۲۷۹
۴۸۳. جانشین رسول اکرم ﷺ ..... ۲۸۰
۴۸۴. کرم الله وجهه ..... ۲۸۰
۴۸۵. اولین رتبه‌ها از اوست ..... ۲۸۱
۴۸۶. حرکتی عجیب ..... ۲۸۲
۴۸۷. یآوری یگانه ..... ۲۸۳
۴۸۸. حلم علی ﷺ ..... ۲۸۳
۴۸۹. دو بال نبوت ..... ۲۸۴
۴۹۰. منافق شناس بزرگ ..... ۲۸۴
۴۹۱. پیامبر ﷺ عزا دار شد ..... ۲۸۵
۴۹۲. حق نزد اوست ..... ۲۸۶
۴۹۳. سخن گوی قرآن کریم ..... ۲۸۷
۴۹۴. کسی چون من نمی یابید ..... ۲۸۷
۴۹۵. پرورش یافته رسول اکرم ﷺ ..... ۲۸۷
۴۹۶. قدردانی خدای بزرگ ..... ۲۸۸
۴۹۷. اسماء با برکت ..... ۲۸۸
۴۹۸. فضایل منحصر به فرد ..... ۲۸۸
۴۹۹. مایه افتخار امام علی ﷺ ..... ۲۸۸
۵۰۰. سربلندی ویژه ..... ۲۸۹
۵۰۱. اولین گرد آورنده قرآن ..... ۲۸۹
۵۰۲. قرآن نویس ..... ۲۹۰
۵۰۳. مصحف علی ﷺ ..... ۲۹۰
۵۰۴. قرآن نازل در دست اهل بیت ﷺ ..... ۲۹۰
۵۰۵. اولین مصنف ..... ۲۹۰
۵۰۶. فضیلت واقعی ..... ۲۹۱
۵۰۷. افتخاری استثنایی ..... ۲۹۱





- ۵۴۱. هفتاد ویژگی ویژه ..... ۳۱۰
- ۵۴۲. حبّ حیدر کرار ..... ۳۱۰
- ۵۴۳. عبادتی بی‌بدیل ..... ۳۱۱
- ۵۴۴. هفت گنج نورانی ..... ۳۱۱
- ۵۴۵. بهترین مردم بعد از پیامبر ﷺ ..... ۳۱۱
- ۵۴۶. فدائی پیامبر ﷺ ..... ۳۱۲
- ۵۴۷. احدی با او قابل مقایسه نیست ..... ۳۱۲
- ۵۴۸. راه رفتن حرام ..... ۳۱۳
- ۵۴۹. زیارتگاه فرشتگان ..... ۳۱۳
- ۵۵۰. اسلام شناس ..... ۳۱۳
- ۵۵۱. اولین کسی که به بهشت می‌رود ..... ۳۱۳
- ۵۵۲. ۳ ستاره بهشتی ..... ۳۱۴
- ۵۵۳. تکلم فی المهد به القرآن ..... ۳۱۴
- ۵۵۴. خواسته‌های پیامبر ﷺ از خداوند ..... ۳۱۴
- ۵۵۵. بر دوش جبرئیل ..... ۳۱۵
- ۵۵۶. عشقی عجیب ..... ۳۱۸
- ۵۵۷. چراغ دل هستی ..... ۳۱۸
- ۵۵۸. مطیع محمد ﷺ ..... ۳۱۸
- ۵۵۹. من مظلوم ..... ۳۱۹
- ۵۶۰. رهایم کردند ..... ۳۱۹
- ۵۶۱. کوه اندیشه و تفکر ..... ۳۱۹
- ۵۶۲. دنیا گریز بی‌همتا ..... ۳۲۰
- ۵۶۳. راه یافته است ..... ۳۲۰
- ۵۶۴. عدالت پیشه بزرگ ..... ۳۲۰
- ۵۶۵. هفتاد صفت برتر ..... ۳۲۱
- ۵۶۶. میر میدان سختی‌ها ..... ۳۲۴
- ۵۶۷. عالمی بی‌بدیل ..... ۳۲۵

### فصل ششم

#### رابطه امام علیؑ با ملائکه الهی

- ۵۶۸. یکه تاز میدان ایمان ..... ۳۲۹
- ۵۶۹. مایه مباهات ملائکه ..... ۳۲۹





- ..... ۳۵۰ ۶۰۳ پران تر از جبرئیل
- ..... ۳۵۱ ۶۰۴ فرشتگان خدمتکار ما هستند
- ..... ۳۵۱ ۶۰۵ جای جبرئیل می نشیند!
- ..... ۳۵۲ ۶۰۶ جبرئیل با او معامله می کند
- ..... ۳۵۳ ۶۰۷ زمان ظهور نبوت رسید
- ..... ۳۵۳ ۶۰۸ هدیه ای مقدس
- ..... ۳۵۳ ۶۰۹ اهداف شیطان
- ..... ۳۵۵ ۶۱۰ علی در آغوش جبرئیل
- ..... ۳۵۵ ۶۱۱ حقیقتی واقعی
- ..... ۳۵۶ ۶۱۲ همواره همراه و همیار
- ..... ۳۵۷ ۶۱۳ شایسته خلافت علی است
- ..... ۳۵۷ ۶۱۴ نجوا با قدسیان
- ..... ۳۵۸ ۶۱۵ صاحب لیلۃ القدر
- ..... ۳۵۹ ۶۱۶ محرم ملکوتیان است
- ..... ۳۵۹ ۶۱۷ چهار فرشته مقرب کمک کار علی
- ..... ۳۶۰ ۶۱۸ فرشتگان تو را دوست دارند
- ..... ۳۶۰ ۶۱۹ سلام جبرئیل به علی
- ..... ۳۶۱ ۶۲۰ شرط کلمه توحید
- ..... ۳۶۲ ۶۲۱ یاوران علی در میدان نبرد
- ..... ۳۶۲ ۶۲۲ نیروی جبرئیل در بازوان علی
- ..... ۳۶۳ ۶۲۳ صدای جبرئیل در عزای علی

## انتشار از سیدنا رسول

### فصل هفتم

#### امام علی در میادین نبرد

- ..... ۳۶۹ ۶۲۴ سخنی که بر ایمان او افزود
- ..... ۳۶۹ ۶۲۵ سرپرست همه علی است
- ..... ۳۷۰ ۶۲۶ غمخوار امت
- ..... ۳۷۰ ۶۲۷ سوز جان گداز
- ..... ۳۷۱ ۶۲۸ نابود کننده باطل
- ..... ۳۷۱ ۶۲۹ شمشیر هدایتگر و پیروز
- ..... ۳۷۱ ۶۳۰ صاحب سر رسول خدا
- ..... ۳۷۲ ۶۳۱ مخزن اسرار الهی علی

|     |   |
|-----|---|
| ۳۷۲ | ..... ۶۳۲. ولی مثل نبی  |
| ۳۷۳ | ..... ۶۳۳. رهبر دلسوز   |
| ۳۷۳ | ..... ۶۳۴. قدرت یداللهی   |
| ۳۷۳ | ..... ۶۳۵. همراهانی ممتاز   |
| ۳۷۴ | ..... ۶۳۶. محافظ نبی الله   |
| ۳۷۴ | ..... ۶۳۷. توصیف یار بی نظیر  |
| ۳۷۵ | ..... ۶۳۸. سد بی خلل  |
| ۳۷۵ | ..... ۶۳۹. بخشش بزرگ  |
| ۳۷۵ | ..... ۶۴۰. اشداء علی الکفار   |
| ۳۷۶ | ..... ۶۴۱. مرد خدایی  |
| ۳۷۶ | ..... ۶۴۲. امام المجاهدین   |
| ۳۷۷ | ..... ۶۴۳. ذکر صبح  |
| ۳۷۷ | ..... ۶۴۴. همه جا رهبر علیست  |
| ۳۷۷ | ..... ۶۴۵. معراج علی و سیر تا عرش                                       |
| ۳۷۸ | ..... ۶۴۶. اسلام شناس بزرگ  |
| ۳۷۸ | ..... ۶۴۷. صاحب تأویل قرآن  |
| ۳۷۹ | ..... ۶۴۸. عملی برتر از اعمال همه مردم                                  |
| ۳۷۹ | ..... ۶۴۹. نور عمل، خورشید ربانی  |
| ۳۸۰ | ..... ۶۵۰. عمل و فضلی بزرگ  |
| ۳۸۰ | ..... ۶۵۱. پاک رو و پاک خو، علی <small>علیه السلام</small> است          |
| ۳۸۰ | ..... ۶۵۲. رحمت الهی از مظهر العجائب                                    |
| ۳۸۱ | ..... ۶۵۳. چهار صفت عرشی  |
| ۳۸۲ | ..... ۶۵۴. مقاوم شجاع   |
| ۳۸۲ | ..... ۶۵۵. نور هدایت در قلب علی <small>علیه السلام</small>              |
| ۳۸۳ | ..... ۶۵۶. فاتح خیر   |
| ۳۸۳ | ..... ۶۵۷. یاری دهنده رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> |
| ۳۸۳ | ..... ۶۵۸. صالح المؤمنین  |
| ۳۸۴ | ..... ۶۵۹. همه جا صاحب پرچم است   |
| ۳۸۴ | ..... ۶۶۰. دو ضربه بیشتر نزد  |
| ۳۸۴ | ..... ۶۶۱. علی <small>علیه السلام</small> در جنگ حنین                   |
| ۳۸۵ | ..... ۶۶۲. قتل مرحب خیبری   |
| ۳۸۵ | ..... ۶۶۳. اقرار زبیر به برتری امام علی <small>علیه السلام</small>      |
| ۳۸۶ | ..... ۶۶۴. نبرد با یهودیان فدک  |



- ۶۶۵ فاتح بزرگ ..... ۳۸۶
- ۶۶۶ شصت نگین زخم بر تن دارد ..... ۳۸۷
- ۶۶۷ شیر کوه احد ..... ۳۸۷
- ۶۶۸ شیرمرد میدان دینداری ..... ۳۸۸
- ۶۶۹ سردار همیشه سرافراز ..... ۳۸۹
- ۶۷۰ مبلغ بزرگ ..... ۳۸۹
- ۶۷۱ جانباز پر جرأت ..... ۳۸۹
- ۶۷۲ عامل شکست سپاه اسلام ..... ۳۹۰
- ۶۷۳ آینه کردار خدا ..... ۳۹۰
- ۶۷۴ شمشیر بران رسول عربی ..... ۳۹۱
- ۶۷۵ به فدای آن همه مهربانی ..... ۳۹۱
- ۶۷۶ قاصم جبارین ..... ۳۹۱
- ۶۷۷ اجرای فرمان رسول الله صلی الله علیه و آله ..... ۳۹۲
- ۶۷۸ پرچم دار احد ..... ۳۹۲
- ۶۷۹ صاحب پرچم توحید ..... ۳۹۳
- ۶۸۰ پرچم دار جنگ بدر ..... ۳۹۴
- ۶۸۱ کشتگان مشرک ..... ۳۹۴
- ۶۸۲ محور جنگ‌ها در اسلام علی است ..... ۳۹۵
- ۶۸۳ قاطعیت امام علی علیه السلام ..... ۳۹۶
- ۶۸۴ پرچمدار فتح مکه ..... ۳۹۶
- ۶۸۵ مظهر خشم الهی ..... ۳۹۶
- ۶۸۶ فاتح همیشه پیروز ..... ۳۹۷
- ۶۸۷ منزلت رخشنده خورشیدی علوی ..... ۳۹۷
- ۶۸۸ هر کس از مهره مهر توبه نقشی مشغول ..... ۳۹۸
- ۶۸۹ با نور خدا جلو رفتم ..... ۳۹۹

### فصل هشتم

#### فضایل امام علی علیه السلام در روایات اهل سنت

- ۶۹۰ زحمتی بزرگ از عالمی سترگ ..... ۴۰۳
- ۶۹۱ راه نجات ..... ۴۰۴
- ۶۹۲ دوستی پر سعادت ..... ۴۰۴
- ۶۹۳ هم شأن و هم دست ..... ۴۰۴

- ۴۰۴ ..... ۶۹۴ آب دهان شیطان بر صورت
- ۴۰۵ ..... ۶۹۵ مرز خیر و سو عاقبت
- ۴۰۵ ..... ۶۹۶ صاحب گنج بی پایان
- ۴۰۵ ..... ۶۹۷ رزقی از جنس نور
- ۴۰۶ ..... ۶۹۸ راه نجات
- ۴۰۶ ..... ۶۹۹ ستون دین
- ۴۰۶ ..... ۷۰۰ صاحب بهشت و دوزخ
- ۴۰۶ ..... ۷۰۱ سرور دو دنیا
- ۴۰۶ ..... ۷۰۲ به مرگ جاهلی
- ۴۰۷ ..... ۷۰۳ مرز دوستی با خدا علیست
- ۴۰۷ ..... ۷۰۴ حامدان عالم ازل
- ۴۰۸ ..... ۷۰۵ باب علم نبی باب بهشت
- ۴۰۸ ..... ۷۰۶ گل گُفتی
- ۴۰۸ ..... ۷۰۷ همدم بهشتی نبی
- ۴۰۸ ..... ۷۰۸ حد قبولی عمل
- ۴۰۸ ..... ۷۰۹ توحیدگری بی بدیل
- ۴۰۹ ..... ۷۱۰ صاحب یقینی بی مثال
- ۴۰۹ ..... ۷۱۱ عقل مجرد
- ۴۰۹ ..... ۷۱۲ صاحب یقین بی بدیل
- ۴۰۹ ..... ۷۱۳ صاحب علم نبی
- ۴۱۰ ..... ۷۱۴ مرز اسلام و کفر
- ۴۱۰ ..... ۷۱۵ راه علی حق است
- ۴۱۰ ..... ۷۱۶ علی امام شماسست
- ۴۱۱ ..... ۷۱۷ وصی نبی
- ۴۱۱ ..... ۷۱۸ یهودی مذهب در قیامت
- ۴۱۱ ..... ۷۱۹ دو جسم واحد
- ۴۱۱ ..... ۷۲۰ عمل جهنمیان
- ۴۱۲ ..... ۷۲۱ میدان دار دائمی حق
- ۴۱۲ ..... ۷۲۲ خبر عظیم
- ۴۱۲ ..... ۷۲۳ منبع نور علم
- ۴۱۲ ..... ۷۲۴ دوازده نور عرشی
- ۴۱۳ ..... ۷۲۵ منفعت عمل در گرو عشق است
- ۴۱۳ ..... ۷۲۶ در رحمت خدا بودن





۷۲۷. مزد رسالت ..... ۴۱۳
۷۲۸. تو دنبال علی باش ..... ۴۱۳
۷۲۹. شوق آتش سوز ..... ۴۱۴
۷۳۰. به راه علی رو ..... ۴۱۴
۷۳۱. برترین مرد عالم ..... ۴۱۴
۷۳۲. سرور برگزیده ..... ۴۱۵
۷۳۳. خوشبخت واقعی ..... ۴۱۵
۷۳۴. از جهان تا جنان ..... ۴۱۵
۷۳۵. نسیم آسودگی ..... ۴۱۶
۷۳۶. عالم امت ..... ۴۱۶
۷۳۷. از علی جدا مشو ..... ۴۱۶
۷۳۸. حب محبوب خدا حب خداست ..... ۴۱۷
۷۳۹. راه خدای بزرگ ..... ۴۱۷
۷۴۰. توقف و سؤال از ولایت ..... ۴۱۷
۷۴۱. خیر حق ..... ۴۱۸
۷۴۲. هفت سال صلوات ..... ۴۱۸
۷۴۳. پر نورترین در قیامت ..... ۴۱۸
۷۴۴. امین امت ..... ۴۱۸
۷۴۵. سعادتمند ابدی ..... ۴۱۹
۷۴۶. اطاعت رسول خدا ﷺ ..... ۴۱۹
۷۴۷. حق قطعی ..... ۴۱۹
۷۴۸. روحی واحد ..... ۴۱۹
۷۴۹. عمل کافران ..... ۴۱۹
۷۵۰. همیشه در راه راست ..... ۴۲۰
۷۵۱. علی باب الله است ..... ۴۲۰
۷۵۲. سفینه سعادت ..... ۴۲۱
۷۵۳. عمل هفتاد پیامبر ..... ۴۲۱
۷۵۴. حقش اداء نشد ..... ۴۲۱
۷۵۵. صاحب هزار باب علم ..... ۴۲۱
۷۵۶. امیر حکمت ..... ۴۲۲
۷۵۷. عدل قرآن ..... ۴۲۲
۷۵۸. مقام و شأن قرآنی علی علیه السلام ..... ۴۲۲
۷۵۹. سبب سعادت ..... ۴۲۳

- ۴۲۳ ..... ۷۶۰. امیر حماسه
- ۴۲۴ ..... ۷۶۱. حامل دانش قرآن
- ۴۲۴ ..... ۷۶۲. جان نبوی
- ۴۲۴ ..... ۷۶۳. راه صعود
- ۴۲۴ ..... ۷۶۴. امنیت در دو دنیا
- ۴۲۵ ..... ۷۶۵. طریق آشکار
- ۴۲۵ ..... ۷۶۶. شیوه انبیائی
- ۴۲۵ ..... ۷۶۷. منکر انبیای قبل
- ۴۲۶ ..... ۷۶۸. سبب هدایت رهجویان
- ۴۲۶ ..... ۷۶۹. راه ورود به بهشت
- ۴۲۶ ..... ۷۷۰. شجره طیبه
- ۴۲۶ ..... ۷۷۱. همشین رسول خدا ﷺ در بهشت
- ۴۲۷ ..... ۷۷۲. امیر زاهدان
- ۴۲۷ ..... ۷۷۳. از ولایت با محبت تا اطاعت
- ۴۲۷ ..... ۷۷۴. ولایتی از جنس بهشت
- ۴۲۸ ..... ۷۷۵. درخت طوبی
- ۴۲۸ ..... ۷۷۶. انا عین الله
- ۴۲۸ ..... ۷۷۷. شاهدان ازدواج فاطمه
- ۴۲۹ ..... ۷۷۸. از من پرس
- ۴۲۹ ..... ۷۷۹. از نور چهره او
- ۴۳۰ ..... ۷۸۰. صدای علی علیه السلام در معراج
- ۴۳۰ ..... ۷۸۱. جان نبی ﷺ
- ۴۳۰ ..... ۷۸۲. حب و شوق جهنم سوز
- ۴۳۰ ..... ۷۸۳. پدر امت محمد ﷺ
- ۴۳۰ ..... ۷۸۴. شجره‌ای از نور
- ۴۳۱ ..... ۷۸۵. خلقتی بزرگ
- ۴۳۱ ..... ۷۸۶. چراغ هدایت
- ۴۳۱ ..... ۷۸۷. حدیثی پر در و گوهر
- ۴۳۱ ..... ۷۸۸. بهترین مردان
- ۴۳۲ ..... ۷۸۹. پیشوای اهل تقوا
- ۴۳۲ ..... ۷۹۰. همه جا سرور اوست
- ۴۳۲ ..... ۷۹۱. عمود بهشت
- ۴۳۳ ..... ۷۹۲. علی صاحب اللواء



۷۹۳. قدرت قلبی امام علی علیه السلام ..... ۴۳۳
۷۹۴. سلسله‌ای نورانی ..... ۴۳۳
۷۹۵. صدیق اکبر علیست ..... ۴۳۴
۷۹۶. کفو فاطمه ..... ۴۳۴
۷۹۷. صراط رستگاری ..... ۴۳۴
۷۹۸. دستور خداست ..... ۴۳۴
۷۹۹. غفران حق تعالی را بخوان ..... ۴۳۵
۸۰۰. پیشرو ممتاز ..... ۴۳۵
۸۰۱. طنین یا علی ..... ۴۳۵
۸۰۲. امام اول همیشه اولین است ..... ۴۳۵
۸۰۳. خورشید ربانی ..... ۴۳۶
۸۰۴. برترین‌ها ..... ۴۳۶
۸۰۵. بی‌قیاس بی‌مانند ..... ۴۳۶
۸۰۶. خیرالبریه ..... ۴۳۶
۸۰۷. باب بیت‌الحکمة ..... ۴۳۷
۸۰۸. صاحب حکمت ..... ۴۳۷
۸۰۹. فهمیدید مولا کیست؟ ..... ۴۳۷
۸۱۰. راه تشخیص ..... ۴۳۷
۸۱۱. صراط راست ..... ۴۳۸
۸۱۲. اعلام جنگ با خدا ..... ۴۳۸
۸۱۳. نشانه بزرگی ..... ۴۳۸
۸۱۴. امیرالمؤمنین ازلی است ..... ۴۳۸
۸۱۵. آقای بهشتیان ..... ۴۳۹
۸۱۶. صفات انبیائی علی ..... ۴۳۹
۸۱۷. روایت پیامبر بعد از خیر ..... ۴۴۰
۸۱۸. اذان حق ..... ۴۴۰
۸۱۹. بهترین و برترین خانه‌ها ..... ۴۴۱
۸۲۰. صالح مؤمنین کیست؟ ..... ۴۴۱
۸۲۱. زدیکان محمد صلی الله علیه و آله چه کسانی هستند؟ ..... ۴۴۱
۸۲۲. علی علیه السلام با قرآن است ..... ۴۴۲
۸۲۳. محبت جاری در دل‌های پاک ..... ۴۴۳
۸۲۴. اعلم الناس ..... ۴۴۳
۸۲۵. صفات آسمانی ..... ۴۴۳





- ۸۵۵ ممتازی بی‌بدیل ..... ۴۵۸
- ۸۵۶ شمه‌ای از شمیم یار ..... ۴۵۹
- ۸۵۷ افضل بشر ..... ۴۵۹
- ۸۵۸ خبری پر غصه ..... ۴۵۹
- ۸۵۹ حامیان رسول الله ﷺ ..... ۴۵۹
- ۸۶۰ علی ﷺ مظلوم است ..... ۴۶۰
- ۸۶۱ عالمی مؤمن ..... ۴۶۰
- ۸۶۲ علی اعلی می‌تواند ..... ۴۶۱
- ۸۶۳ چه اقرار زیبایی ..... ۴۶۱
- ۸۶۴ یار و معین پیامبر ﷺ علی ﷺ است ..... ۴۶۱
- ۸۶۵ علی ﷺ از اهل بیت است ..... ۴۶۲
- ۸۶۶ علی ﷺ برتر است چون عالم است ..... ۴۶۲
- ۸۶۷ گنج نهان ..... ۴۶۲
- ۸۶۸ حرف بوعلی ..... ۴۶۳
- ۸۶۹ پرده دار کعبه عشق علی ﷺ ..... ۴۶۳
- ۸۷۰ ای اصل همه آبادی ..... ۴۶۴
- ۸۷۱ مرتضای پاک دین ..... ۴۶۴
- ۸۷۲ ولایت معنوی ..... ۴۶۵
- ۸۷۳ به بلوغ بلاغت رسیدم ..... ۴۶۶
- ۸۷۴ غیر قابل وصف ..... ۴۶۶
- ۸۷۵ دریای بی‌کرانه ..... ۴۶۶
- ۸۷۶ جامعیتی عجیب ..... ۴۶۷
- ۸۷۷ مرتبط با عالم ملکوت ..... ۴۶۸
- ۸۷۸ آگاه‌ترین مردم ..... ۴۶۸
- ۸۷۹ حبی جان فزا ..... ۴۶۸
- ۸۸۰ پر زن دیار قدس ..... ۴۶۹
- ۸۸۱ رهبر مذهب عشق ..... ۴۶۹
- ۸۸۲ سایه لطف تو بود ..... ۴۶۹
- ۸۸۳ ناله‌های دل یک مسیحی ..... ۴۶۹
- ۸۸۴ ریشه رسالت در ولایت ..... ۴۷۰
- ۸۸۵ خورشید جهان آرای هستی ..... ۴۷۱
- ۸۸۶ واقف سر کتاب ..... ۴۷۱
- ۸۸۷ مولوی علوی منش ..... ۴۷۲

- ۴۷۳ ..... ۸۸۸ سجده به نهج البلاغه
- ۴۷۳ ..... ۸۸۹ سرچشمه دانش تفسیر قرآن
- ۴۷۳ ..... ۸۹۰ بی مقدار بی عقل، بی هویت
- ۴۷۴ ..... ۸۹۱ پیشتاز دانش تفسیر
- ۴۷۴ ..... ۸۹۲ خورشید محراب اندیشه
- ۴۷۴ ..... ۸۹۳ در سایه سار سرو هستی
- ۴۷۵ ..... ۸۹۴ معجزه رسول خدا ﷺ
- ۴۷۵ ..... ۸۹۵ بزرگ روزگار
- ۴۷۵ ..... ۸۹۶ مورد حسد حاسدان
- ۴۷۵ ..... ۸۹۷ زیور زمین
- ۴۷۶ ..... ۸۹۸ سرّ جمیع انبیاء
- ۴۷۶ ..... ۸۹۹ کلید هر چیز
- ۴۷۶ ..... ۹۰۰ جلوه جمال او در هستی
- ۴۷۷ ..... ۹۰۱ از ولایت می پرسند
- ۴۷۷ ..... ۹۰۲ محبوبترین مخلوقات در نزد خداوند
- ۴۷۸ ..... ۹۰۳ امیر مسلمانان علیست
- ۴۷۹ ..... ۹۰۴ صاحب فضایل بی حد
- ۴۸۰ ..... ۹۰۵ او اساس اسلام است
- ۴۸۰ ..... ۹۰۶ شاعری که تمام فضایل او را به شعر آورد
- ۴۸۱ ..... ۹۰۷ روایتی عجیب
- ۴۸۲ ..... ۹۰۸ کعبه در زنجیر
- ۴۸۲ ..... ۹۰۹ خاتم ولایت
- ۴۸۳ ..... ۹۱۰ عارف بی همتا
- ۴۸۳ ..... ۹۱۱ جمع بین اضداد
- ۴۸۴ ..... ۹۱۲ عاشقی دلباخته
- ۴۸۴ ..... ۹۱۳ باب آسمانها
- ۴۸۴ ..... ۹۱۴ تو با من وفا نکنی
- ۴۸۵ ..... ۹۱۵ عجائب علی ﷺ
- ۴۸۶ ..... ۹۱۶ اعتراف عایشه
- ۴۸۶ ..... ۹۱۷ در دینداری تو برتری
- ۴۸۶ ..... ۹۱۸ از یاد تو مستند
- ۴۸۷ ..... ۹۱۹ مزد ولایت، شهادت
- ۴۸۷ ..... ۹۲۰ حق مدار میدان خشم و خشنودی علی ﷺ



۹۲۱. علی علیه السلام اهل الله است ..... ۴۸۷
۹۲۲. گفتار ابومریم قرشی مکی به علی علیه السلام ..... ۴۸۸
۹۲۳. صاحب اسفار ..... ۴۸۸
۹۲۴. عشق چاره‌ساز ..... ۴۸۸
۹۲۵. معقول به محسوس ..... ۴۸۹
۹۲۶. نور قیامت علیست ..... ۴۸۹
۹۲۷. صاحب علم رسول اکرم صلی الله علیه و آله ..... ۴۸۹
۹۲۸. هفتاد مدال درخشان ..... ۴۹۰
۹۲۹. صد ویژگی ..... ۴۹۰
۹۳۰. برترین فضل او عاشقی است ..... ۴۹۰
۹۳۱. ذکر حین وفات ..... ۴۹۱
۹۳۲. شیطان و راه توسل ..... ۴۹۱
۹۳۳. شیطان هم نپسندیده است ..... ۴۹۲
۹۳۴. شیطان آب دهان بر چهره او انداخت ..... ۴۹۳
۹۳۵. تمام فضایل به او ختم می‌شود ..... ۴۹۳
۹۳۶. سرآمد همه علوم ..... ۴۹۴
۹۳۷. صبر علی علیه السلام عجیب است ..... ۴۹۴
۹۳۸. فرزند نازنین ابی طالب ..... ۴۹۵
۹۳۹. خورشید بی غروب و بی افق ..... ۴۹۵
۹۴۰. صاحب حوض ..... ۴۹۵
۹۴۱. الگوئی برای جهانیان ..... ۴۹۶
۹۴۲. آفتاب آمد دلیل آفتاب ..... ۴۹۶
۹۴۳. رخ چهره خورشید جهان ..... ۴۹۶
۹۴۴. سوره شفاء ..... ۴۹۷
۹۴۵. کلمات، شادمانه اسیر او شدند ..... ۴۹۸
۹۴۶. حرکتی سخیف ..... ۴۹۸
۹۴۷. رئوف بی‌مانند ..... ۴۹۹
۹۴۸. طیب عاشقان ..... ۴۹۹
۹۴۹. دابة الارض ..... ۵۰۰
۹۵۰. لذت عشق تو در جان من است ..... ۵۰۱
۹۵۱. قصه مستی ..... ۵۰۱
۹۵۲. امیرمؤمنان راستین هستی ..... ۵۰۲
۹۵۳. راه رستگاری ..... ۵۰۳







- ..... ۹۸۷. اولین‌ها و برترین‌ها علی علیه السلام ۵۱۷
- ..... ۹۸۸. سی هزار ویژگی و برتری ۵۱۸
- ..... ۹۸۹. پرچم دار مؤمنان در قرآن ۵۱۸
- ..... ۹۹۰. گوی سبقت از همه ربود ۵۱۸
- ..... ۹۹۱. نورانی‌ترین بخشش زندگی علی علیه السلام ۵۱۹
- ..... ۹۹۲. گفتاری حکیمانه از سر انصاف ۵۱۹
- ..... ۹۹۳. راه انحراف ۵۲۰
- ..... ۹۹۴. علی علیه السلام در میان شماسات ۵۲۰
- ..... ۹۹۵. صاحب روح کلی جهان علیست ۵۲۱
- ..... ۹۹۶. ۱۸ شرف و شایستگی ۵۲۱
- ..... ۹۹۷. اولین بار که به منبر نشست ۵۲۱
- ..... ۹۹۸. ۲ نکته عجیب ۵۲۱
- ..... ۹۹۹. حدیثی از حضرت معصومه علیها السلام ۵۲۲
- ..... ۱۰۰۰. سبع العلویات ۵۲۳
- ..... ۱۰۰۱. موحیتی وسیع ۵۲۳

### فصل دهم

#### اشعار شعراء در باب ولایت و امامت

- ..... اشاره‌ای بشار ۵۲۷
- ..... شادباش ای دل ۵۲۷
- ..... علی علیه السلام قرآن جامع ۵۲۸
- ..... سروده حسان بن ثابت ۵۳۲
- ..... سروده‌ای از امام شافعی ۵۳۳
- ..... ولایت و مثال آن در فیه ما فیه مولانا ۵۳۳
- ..... سروده‌ای از حکیم وفایی شوشتری ۵۳۴
- ..... شعر استاد علی موسوی گرمارودی ۵۳۴
- ..... شعر استاد اخوان ثالث ۵۳۴
- ..... سروده‌ای از ابن‌یمین ۵۳۵
- ..... سروده‌ای از فیاض لاهیجی ۵۳۵
- ..... سروده‌ای از عالم بزرگ ملامحسن فیض کاشانی ۵۳۹
- ..... سروده‌ای از حزین لاهیجی ۵۴۰
- ..... فضل امیرالمؤمنین ۵۴۱

|     |       |  |      |
|-----|-------|--|------|
| ۵۴۲ | ..... | سروده‌ای از سنائی غزنوی  | ♦♦♦♦ |
| ۵۴۴ | ..... | آن ولی نازنین یعنی علی <small>علیه السلام</small>                | ♦♦♦♦ |
| ۵۴۵ | ..... | بی‌قراری‌های مولانا در اشعار ستایشی‌اش                           | ♦♦♦♦ |
| ۵۵۰ | ..... | سروده‌ای از حضرت آیت‌الله الهی قمش‌های                           | ♦♦♦♦ |
| ۵۵۳ | ..... | سروده‌ای از استاد شهریار   | ♦♦♦♦ |
| ۵۵۴ | ..... | سروده‌ای از میرزا حبیب خراسانی                                   | ♦♦♦♦ |
| ۵۵۵ | ..... | درباره ولایت و امامت مولی‌الموالی علی <small>علیه السلام</small> | ♦♦♦♦ |
| ۵۵۶ | ..... | در تهنیت غدیر  | ♦♦♦♦ |
| ۵۵۷ | ..... | سروده‌ای از آیت‌الله محمدحسین اصفهانی (مفتقر)                    | ♦♦♦♦ |
| ۵۵۸ | ..... | غدیریهای از عمان سامانی  | ♦♦♦♦ |
| ۵۶۰ | ..... | سروده‌ای از فردوسی   | ♦♦♦♦ |
| ۵۶۰ | ..... | گنجینه اسرار   | ♦♦♦♦ |
| ۵۶۱ | ..... | کوه وقار   | ♦♦♦♦ |
| ۵۶۲ | ..... | سروده‌ای از عبدالرحمن جامی                                       | ♦♦♦♦ |
| ۵۶۲ | ..... | قصر جلال   | ♦♦♦♦ |
| ۵۶۳ | ..... | سروده‌ای ناب از خواجوی کرمانی                                    | ♦♦♦♦ |
| ۵۶۶ | ..... | از سروده‌های حافظ شیرازی   | ♦♦♦♦ |
| ۵۶۶ | ..... | سروده‌ای از محتشم کاشانی   | ♦♦♦♦ |
| ۵۶۷ | ..... | جمال یزدان   | ♦♦♦♦ |
| ۵۷۰ | ..... | حافظ شیرازی این گونه سروده است                                   | ♦♦♦♦ |
| ۵۷۰ | ..... | سروده‌ای از شیخ فریدالدین عطار نیشابوری                          | ♦♦♦♦ |
| ۵۷۰ | ..... | غزلی پر مغز از وحشی بافقی  | ♦♦♦♦ |
| ۵۷۳ | ..... | بو علی سینا در شعری زیبا گفته است                                | ♦♦♦♦ |





## فصل اول

امام صادق علیه السلام فرمود:



تفسیر عیاشی، جلد ۱، صفحه ۲۹۶

فضایل امام علی علیه السلام در قرآن





## ۱. مثالی بی مثال

در تفسیر صافی از امام حسن عسگری علیه السلام روایت شده که فرمودند: مقصود از قریه در آیه شریفه: «**واذ قلنا ادخلوا هذه القرية**».

شهر اریحا (در فلسطین اشغالی) از شهرهای شام است و وقتی که بنی اسرائیل از بیابان خارج شد، به شهر آمدند به آن‌ها گفته شد: از نعمت‌های شهر (قریه) استفاده کنید و در آسایش باشید و چون از در قریه وارد می‌شوید سجده کنید (و علت سجده این بود که) خداوند بر در آن قریه مثال محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام را تمثیل کرده بود و آن‌ها را امر نمود که برای تعظیم به آن‌ها سجده کنند و بیعت و عهد و میثاقی را که از آن‌ها به عهده داشتند تجدید نمایند و بگویند: سجده ما برای خدا از جهت تعظیم مثال‌ها می‌باشد و اعتقاد ما به ولایت آن‌ها سبب پاک شدن از گناه است.

خداوند به آن‌ها فرمود: اگر چنین کردید گناهان گذشته شما را می‌بخشیم و به کسانی که اهل گناه نبوده و بر عهد ولایت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام باقی مانده‌اند ثواب افزوده ولی ستمکاران آن‌ها به جای استفاده از این وسیله و وعده آمرزش خداوند (از روی مسخره) سخن دیگری را گفتند آن‌ها از پشت وارد شدند و به جای گفتن حطه چیزی گفتند که معنای آن عبارت بود از این که اگر حنطه و گندم سرخ را بخوریم و از خود دفع کنیم نزد ما بهتر از گفتن این سخن و انجام این کار است در قرآن کریم آیات زیادی در شأن والا و پر شمیم مولی‌الموحدین علی بن ابیطالب و سایر ائمه اطهار علیهم السلام نازل شده است. چنان که مرحوم سید هاشم بحرانی در کتاب اللوامع النورانیة صفحه ۱۱۵۴ با عنوان علی و اهل بیت علیهم السلام او، در قرآن مطالبی ذکر نموده است.

## ۲. نهایت آرزوی مؤمنان

خزیمه به امام علی علیه السلام نگاه کرد امام علی علیه السلام به او فرمود: ای خزیمه! آیا نمی‌بینی مردم نسبت به فضل خداوند بر من و موقعیت من نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و آنچه خداوند از علم و دانش به من عطا فرموده چگونه حسد می‌ورزند؟  
خزیمه گفت:

|                                  |                             |
|----------------------------------|-----------------------------|
| راو انعمة الله ليست عليهم        | عليك وفضلًا بارعاً لاتنازعه |
| من الدين والدنيا جميعاً لك المنى | وفوق المنى اخلاقه وطبايعه   |
| فعضوا من الغيظ الطويل اكفهم      | عليك ومن لم يرض فالله خادعه |



– نعمت خدا و فضل او را بر تو دیدند و چنین نعمت و تفضلی به آن‌ها عطا نشده بود. – و چون دیدند که تو از جهت دین و دنیا در منتهای آرزوی هر کسی و فوق آن قرار داری.

– از ناراحتی و حسد انگشت به دهن جویدند و چون از داده خداوند نسبت به تو راضی نشدند خداوند آن‌ها را مؤاخذه خواهد نمود.<sup>۱</sup>

### ۳. سعادت‌مندی در آخرت

از سلمان فارسی نقل شده که گفت: بیش از ده بار از رسول خدا ﷺ شنیدم که به علی علیه السلام فرمود:

یا علی! تو و اوصیاء از فرزندان تو در قیامت در اعراف بین بهشت و دوزخ قرار خواهید گرفت و کسی به بهشت نخواهد رفت مگر آنکه شما را شناخته باشد و شما نیز او را پذیرفته باشید و کسی به دوزخ نخواهد رفت مگر آن که منکر شما بوده و شما او را نپذیرفته باشید.<sup>۲</sup>

### ۴. صراطی پرنور

در تفسیر آیه شریفه: **وان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیلہ ذلکم وصیکم به لعلکم تتقون.**

از رسول خدا ﷺ نقل شده که فرمود: **سالت الله ان يجعلها لعلی علیه السلام ففعل؛** من از خدای خود خواستم که علی را صراط مستقیم قرار دهد و او اجابت فرمود.<sup>۳</sup>

### ۵. اخلاص علی علیه السلام

مرحوم مجلسی در بحار الانوار از عمر بن خطاب آورده که او گفت: به خدا سوگند من چهل انگشت در حال رکوع صدقه دادم تا آنچه درباره‌ی علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شد برای من نیز نازل شود ولی چیزی نازل نشد.

۱. *شواهد التنزیل*، ج ۱، ص ۱۴۴.

۲. *ینابیع الموده*، ص ۱۰۲.

۳. *روضه الواعظین*، ص ۱۰۶ – انعام / ۱۵۳.

«والله لقد تصدقت بربيعين خاتما وانا راعع لينزل في ما نزل في علي بن ابي طالب فما نزل». <sup>۱</sup> ولیکن در شأن امام علی علیه السلام آیه: «انما وليکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة ویؤتون الزکوة وهم راععون» نازل شده است حتی این مطلب در کتب اهل سنت نیز آمده ابن مغزلی شافعی در مناقب آورده این آیه در شأن علی علیه السلام نازل شده است. حضرت امیر علیه السلام می فرماید: من در مسجد در حال رکوع بودم سائلی از من در خواست کرد و من انگشترم را به او دادم و آن گاه خدا این آیه را نازل فرمود.

### ❖ ۶. با نور برهان نجاتم ده ❖

در تفسیر آیه شریفه: «یا ایها الناس قد جائکم برهان من ربکم و انزلنا الیکم نورا مبینا». <sup>۲</sup> امام صادق علیه السلام فرمود: مقصود از برهان محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و مقصود از نور و صراط مستقیم در این آیه علی علیه السلام می باشد. <sup>۳</sup>  
در تفسیر شریف مجمع البیان نیز امام صادق علیه السلام فرمود: مقصود از نور، ولایت علی علیه السلام است «النور ولایة علی صلوات الله وسلامه علیه».

### ❖ ۷. ملاقات آخرین انسانها ❖

در تفسیر عیاشی از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «وان من اهل الكتاب الا لیومئن به قبل موته...» <sup>۴</sup> فرمود: احدی از اولین و آخرین نبوده و نخواهد بود جز این که در وقت مرگ خود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علیه السلام را خواهد دید.

### ❖ ۸. صدیق نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ❖

انس بن مالک گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روزی نماز را با ما خواند آن گاه روی مبارک خود را

۱. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۸۳ - روضة الواعظین، ص ۱۰۲ - تفسیر نور الثقلین، در ذیل آیه ۵۵ مائده.

در کتاب تفسیری شیعه و سنی ماجرای خاتم بخشی سید الموحدین علی بن ابیطالب علیه السلام آمده است.

۲. نساء / ۱۷۴.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۶.

۴. نساء / ۱۵۹.





به ما نمود، من عرض کردم: یا رسول الله ممکن است آیه شریفه: «**فاولئك مع الذين انعم الله...**»<sup>۱</sup> را برای ما تفسیر بفرمایید؟

پیامبر ﷺ فرمود: مقصود از التَّيْبِين، من هستم و مقصود از الصَّادِقِينَ، برادرم علی بن ابیطالب است و مقصود از الشَّهَدَاء، عمویم حمزه و مقصود از الصَّالِحِينَ دخترم فاطمه و فرزندان او حسن و حسین علیهما السلام هستند.

انس گوید: وقتی این سخنان را عباس عموی پیامبر ﷺ شنید از جای خود بلند شد و در مقابل آن حضرت نشست و عرض کرد: یا رسول الله آیا ما و شما و علی و فاطمه و حسن و حسین از یک منبع نیستیم؟

رسول خدا ﷺ فرمود: چطور ای عمو؟

عباس گفت: شما تنها علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را معرفی می کنید و ما را از خودتان نمی دانید؟

پیامبر ﷺ تبسمی نمود و فرمود: اما اینکه گفتم ما از یک منبع و ریشه هستیم راست می گویی ولیکن خداوند من و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را قبل از آدم خلق نمود که هنوز آسمان و زمین و نور و ظلمت و بهشت و دوزخ و خورشید و ماه... آفریده نشده بود.<sup>۲</sup>

## ۹. حبل الله در قرآن کریم

ابن عباس گوید: خدمت رسول خدا ﷺ بودیم که یک نفر از اعراب بادیه نشین وارد شد و عرض کرد: یا رسول الله از شما شنیدم که فرمودید: «**واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا**» پس حبل الله کدام است که ما به آن تمسک جوییم و به آن چنگ زنیم؟

رسول خدا ﷺ دست مبارک خود را بر دست علی علیه السلام زد و فرمود: «**تمسکو بهذا هو حبل الله المتين**؛ به این تمسک جوئید که او حبل الله متین و ریسمان محکم خداوند است».<sup>۳</sup>

۱. نساء / ۶۹

۲. مصابیح الانوار شیخ طوسی - مصباح الهدایه، ص ۱۵۷ - بحار الانوار، ج ۵۴ ص ۹۲. نساء / ۶۹.

۳. ینابیع الموده، ص ۱۱۹ - نهج السعادة، ج ۷، ص ۲۰۱.

## ۱۰. ایثار، سیری سریع

امام صادق (ع) فرمود:

علی (ع) مصداق عالی و افضل این آیه: «ومثل الذين ينفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله وتثبيتا من انفسهم كمثل جنة...» است.<sup>۱</sup>

و او از کسانی بود که مال خود را برای جلب خشنودی خداوند در راه او می بخشید.<sup>۲</sup> و در تفسیر عیاشی نیز از امام باقر (ع) روایت شده که این آیه در شأن علی (ع) نازل شده است.

## ۱۱. نشانه‌ای قرآنی

امام باقر (ع) درباره «سَلَم» در آیه ۲۰۸ سوره‌ی بقره: «يا ايها الذين آمنوا ادخلوا في السلم...» ولایت علی بن ابیطالب (ع) و ولایت اوصیای بعد از اوست.<sup>۳</sup>

## ۱۲. قرآن ناطق

وقتی رسول خدا (ص) خبر شهادت جعفر بن ابیطالب را به امیرالمؤمنین علی (ع) داد امام علی (ع) آیه: «انالله وانا اليه راجعون» را خواند و به دنبال آن آیه ۱۵۶ بقره نازل شد.<sup>۴</sup> مرحوم مجلسی در بحار از ابن عباس روایت کرده که وقتی خبر شهادت حمزه در جنگ احد به امیرالمؤمنین (ع) رسید حضرت این آیه فوق را قرائت و به دنبال آن آیه نازل گشت.<sup>۵</sup>

۱. بقره / ۲۶۵.

۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۶۳.

۳. امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۰۶ - مناقب ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۳، ص ۹۶.

۴. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۶۸.

۵. بحارالانوار، ج ۹، ص ۱۲۰.



### ❖ ۱۳. خاشعین آن‌ها هستند ❖

ابن عباس گوید: مقصود از خاشعین در آیه ۴۵ بقره: «واستعینوا بالصبر والصلوة وانها لکبیرة الاعلی الخاشعین»<sup>۱</sup>.

همانا آن‌ها رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ هستند که در نماز خود اقبال و خشوع و ذلت در پیشگاه خداوند را رعایت می‌نمودند.

### ❖ ۱۴. حزب پیروز خدا ❖

محدث و مفسر حسین بن حکم خبری در کتاب «ما نزل من القرآن فی علی» از سلمان فارسی روایت کرده که: سلمان همیشه به مردم می‌گفت: ای مردم دل‌های خود را نسبت به محبت و ولایت علی ﷺ بررسی کنید زیرا هر وقت من خدمت رسول خدا ﷺ می‌رسیدم و علی ﷺ وارد می‌شد رسول خدا ﷺ دست بر شانه من می‌زد و می‌فرمود: «یا سلمان هذا و حزبه هم المفلحون؛ ای سلمان تنها علی و حزب او رستگارند». «... الا ان حزب الله هم المفلحون»<sup>۲</sup>.

### ❖ ۱۵. حدیثی جامع ❖

عبدالرزاق بن قیس رحبی می‌گوید: با علی بن ابیطالب ﷺ جلوی در دارالاماره کوفه نشسته بودیم تا اینکه نور آفتاب حضرت را وادار کرد تا کنار دیوار زیر سایه نشیند همین که از جا برخاست مردی از همدان دامن حضرت را گرفت و گفت: ای امیرمؤمنان یک حدیث جامعی برایم بازگو تا خداوند به وسیله آن سودی به من رساند. امام فرمود: مگر این سود در بسیاری از احادیث نهفته نیست؟ عرض کرد: چرا ولیکن حدیث جامعی برایم بازگو.

امام فرمود: دوستم رسول خدا ﷺ برایم باز گفت: «که من و شیعیانم که چهره آن‌ها از سپیدی می‌درخشد سیراب بر سر حوض کوثر وارد می‌شویم و دشمنان ما با روئی سیاه عطشان و لب تشنه بر آن وارد می‌گردند».

۱. ما نزل من القرآن فی علی ﷺ، حسین بن حکم خبری، ص ۲۳۸.

۲. ما نزل من القرآن فی علی ﷺ، ص ۲۳۱، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۴۰ مجادله، ۲۲.

سپس امام فرمود: این را بگیر که نمونه‌ای از خروار است تو با آن کسی هستی که دوستش داری و برای توست آنچه به دست آورده‌ای مرا رها کن ای برادر همدانی سپس امام داخل دارالاماره شد.<sup>۳</sup>

### ۱۶. تقسیم کننده بهشت و دوزخ

ابوبصیر از امام باقر (ع) از پدرانش (ع) روایت کند که رسول خدا (ص) فرمود: ای علی! حال تو چگونه است آن گاه که صراط بر روی دوزخ کشیده شود و تو بر لب پرتگاه دوزخ ایستاده باشی و به مردم گفته شود: «عبور کنید». آن گاه تو به دوزخ می‌گویی: این شخص از آن من و این شخص از آن تو. علی (ع) عرض کرد: ای رسول خدا اینان (که من برای خود بر می‌گزینم) چه کسانی هستند؟ فرمود: آن‌ها شیعیان تو هستند و هر کجا که باشی با تو خواهند بود.

### ۱۷. پاکان پاک سیرت

حارث می‌گوید: علی بن ابیطالب فرمود: رسول خدا (ص) هر روز صبح نزد ما می‌آمد و می‌فرمود: نماز - خدا شما را رحمت کند - نماز (به درستی که خداوند اراده کرده که فقط از شما خانواده هر گونه پلیدی را بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند).<sup>۴</sup>

### ۱۸. پیشروان به سوی بهشت

ابن عباس گوید: از تفسیر قول خداوند: «السابقون السابقون اولئك المقربون فی جنات النعیم». از رسول خدا (ص) پرسیدم؛ فرمود: جبرئیل به من گفته: ایشان علی و شیعیان او هستند آنانند که به بهشت پیشی گیرند و به جهت کرامتی که خداوند به آنان نمود مقربان درگاه خدای متعال می‌باشند.<sup>۵</sup>

۳. امالی مفید، ص ۳۸۷.

۴. احزاب / ۳۳ - امالی شیخ مفید، ص ۳۶۳.

۵. امالی مفید، ص ۳۳۹ - واقعه / ۱۲.



## ۱۹. کوثر چیست؟

عبدالله بن عباس گوید: وقتی سوره کوثر نازل شد علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا کوثر چیست؟  
فرمود: نهری است که خداوند به من کرامت نموده است.  
علی علیه السلام عرض کرد: این نهر گرانبقدر است پس آن را برای ما توصیف کن ای رسول خدا؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آری ای علی! کوثر نهری است که از زیر عرش الهی جاری است آبش از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر و از کره نرم تر است سنگریزه هایش زبرجد و یاقوت و مرجان و گیاهش زعفران و خاکش مشک خوشبو و پایه هایش به زیر عرش خدا استوار است.

آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله دست به پهلوئی امیرالمؤمنین زد و فرمود: «ای علی! این نهر از آن من و تو و دوستان تو پس از من خواهد بود»<sup>۱</sup>.

## ۲۰. اجابت سه درخواست

امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله در سرزمین قدید جایی در نزدیکی شهر مکه فرود آمد به امام علی علیه السلام فرمود: ای علی! من از خدا خواسته ام که میان من و تو دوستی برقرار سازد و ساخت و از او خواستم که میان من و تو برادری افکند که افکند و از او خواستم که تو را وصی و جانشین من قرار دهد و داد.

مردی از آن قوم گفت: به خدا سوگند یک صاع خرما در مشکی پوسیده بهتر از آن چیزی است که محمد از پروردگار خود خواسته است چرا او مُلک و سلطنتی درخواست نکرده که او را بر دشمنش یاری دهد یا گنجی که به وسیله آن بر فقر و تهیدستی خود چیره گردد پس خدای متعال آیه ۱۲ سوره هود را نازل فرمود: «فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضُ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا كِتَابًا مِنْ سَمَوَاتِنَا لِنُبَيِّنَ لَكَ آيَاتِنَا وَنُنَزِّلُ لَكَ الْقُرْآنَ فَاحْتَسِبْ»<sup>۲</sup>.

۱. امالی مفید، ص ۳۳۴.

۲. امالی مفید، ص ۳۱۵.

## ۲۱. صراط مستقیم چه راهی است؟

امام عسگری (ع) در تفسیر «صراط الذین انعمت علیهم» چنین فرمود: یعنی گویند ما را به راه اشخاصی راهنمایی فرما که آنان را به نعمت دین و فرمانبرداریت کامیاب کرده‌ای و ایشان همان افرادی هستند که خداوند در حَقِّشان فرموده است: «ومن یطع الله والرسول فاولئک مع الّذین انعم الله علیهم من النّبیین والصدیقین والشهداء والّصالحین وحسن اولئک رفیقاً» (کسانی که خدا و پیغمبرش را اطاعت نمایند همراه با اشخاصی هستند که پروردگار نعمت خود را به آنان مرحمت فرموده است؛ یعنی پیغمبران، درستکاران، شهیدان، و نیکان، آنان چه خوب دوستان و همراهانی هستند).<sup>۱</sup>

از امیرالمؤمنین (ع) این مطلب روایت شده است و سپس امام افزود: این نعمت، ثروت دنیا و یا تندرستی بدن نبوده است.

گرچه تمامی اینها از نعمت‌های آشکار خداوند است مگر نمی‌بینی گاهی کافران بی‌دین دارای این نعمت‌ها هستند ولی شما را تشویق نفرموده است که دعا کنید تا راه آن‌ها را به شما نشان دهد، بلکه فقط دستور داده شده که بخواهید راه اشخاصی که نعمت ایمان و تصدیق پیامبر خدا و ولایت خاندان پاکیزه پیامبر (ص) به آنان عطا گشته، هدایت شوید و تقیه نیک، شما را راهنمایی کند که بدان وسیله از گزند بندگان خدا ایمن شوید.

تقیه‌ای که با آن از افزودن گناهان و کفرورزی دشمنان خدا جلوگیری می‌شود به این گونه با آن‌ها مدارا کنید و آن‌ها را به مرزی نکشانید که تحریک شده و به تو و مؤمنین آزار رسانند، و همچنین مأمور گشته‌اید تا از خدا بخواهید که شما را به شناختن حقوق برادران مؤمنان راهنمایی فرماید.

بنابراین هیچ بنده، مرد یا زنی نیست که محمد (ص) و آل محمد (ع) را دوست بدارد و با دشمنان آنان دشمنی کند مگر آن که خود را جهت جلوگیری از عذاب خداوند در پشت دژی استوار و سپری محکم قرار داده باشد و نیز هرکس از بندگان، مردان و زنان که با مردمان به بهترین وجه سازش و مدارا کند از این کار به باطل مبتلا نگردد و از مرز حق گام بیرون نهد تا آنجا که پروردگار هر نفس او را تسبیحی قرار داده، و عملش را پاکیزه گرداند و بینشی به او دهد که بتواند راز ما را پوشیده نگه دارد.

۱. نساء / ۲۷۱.



و خشم خود را فرو برد و به هرچه از دشمنان می‌شنود بردباری کند اگر چنین باشد خداوند پاداش کسی را به او می‌دهد که در راه خدا در خون خود غوطه‌ور گشته است و هیچ بنده‌ای نیست که خود را موظف به ادای حقوق برادرانش بداند و با کوشش خویش حقوق آنان را به طور کامل و یا به اندازه‌ای که برایش مقدور باشد بپردازد و عفو آنان مایه خشنودی او گردد.

و لغزش‌های ایشان را جستجو و کنجکاو می‌نکند و آن‌ها را نادیده بگیرد و درگذرد مگر این که خداوند در روز قیامت به او بگوید: ای بنده من تو حقوق برادرانت را پرداختی و در حق‌هایی که به سود تو و زیان آن‌ها بود پی جویی نکردی.

پس من که بخشنده‌ترم و بزرگواریم بیشتر است شایسته است همان گونه که تو کرم و گذشت کردی با تو مسامحه و بزرگواری نمایم، بنابراین امروز نه تنها آنچه را که به تو نوید داده‌ام می‌دهم بلکه از بخشش و فضل بی‌پایانم بیشتر از آنچه وعده داده بودم خواهم داد و کوتاهیت را در برخی از حقوقم پیگیری نخواهم کرد.

امام علیه السلام فرمود: پس او را به محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خاندانش ملحق می‌سازد و از برگزیدگان پیروان ایشان قرارش می‌دهد.

سپس آن حضرت چنین فرمود: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به یکی از یاران خود گفتند: ای بنده خدا! دوستی و دشمنی و جنگ و آشتی‌ات را برای رضای خدا و در راه خدا کن زیرا ولایت خدا شامل حال تو نخواهد گردید مگر از این رهگذر، و هیچکس تا به این صورت نگردد مزه ایمان را نخواهد چشید؛ اگرچه نماز و روزه‌اش زیاد باشد.

مردم بیشتر برادریشان در این دوران به خاطر دنیاست بر پایه آن یکدیگر را دوست می‌دارند؛ آن شخص عرض کرد: یا رسول الله! چگونه می‌توانم بدانم که دوستی و دشمنی و کینه‌ورزی در راه خداست یا نه؟

و ولی خدا کیست تا دوستدار او باشم؟ و دشمن وی کیست تا با او ستیز کنم؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام اشاره کرد و فرمود: آیا او را می‌بینی؟ گفت: بلی! فرمود: دوستدار و مطیع او محب و فرمانبردار خداوند است پس علی علیه السلام را دوست بدار و دشمن وی را دشمن دار و با هرکس که دوست علی علیه السلام بود دوستی کن

حتی اگر چنین شخصی قاتل پدر و یا قاتل فرزندت باشد؛ و با دشمن او دشمن باش اگرچه پدر یا پسرت باشد.<sup>۱</sup>

## ۲۲. کشتی نجاتبخش

عبادین عبدالله گوید: مردی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و عرض کرد: ای امیرمؤمنان مرا از معنی فرمایش خداوند متعال که فرمود: «افمن كان على بينة من ربه ويتلوه شاهد منه»<sup>۲</sup> خبر ده؟ امام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله آن کسی است که بر دلیلی روشن از جانب خدای خود است و من گواه او و از او هستم.

سوگند به آن که جانم در دست اوست احدی از قریش نیست که تیغ سرتراشی بر سرش کشیده شده باشد؛ جز این که خداوند درباره‌ی او مطلبی در کتاب خود فرو فرستاده است.

و سوگند به آن که جانم در دست اوست اگر بدانند آنچه را که خدای متعال درباره‌ی ما خانواده بر زبان پیامبر امی خود جاری ساخته (این دانستن آنها) نزد من محبوبتر است از این که به اندازه ظرفیت این صحن (صحن مسجد کوفه) برایم طلا باشد به خدا سوگند مثل ما در میان این امت جز همانند کشتی نوح و باب حطه در میان بنی اسرائیل چیز دیگری نیست.<sup>۳</sup>

## ۲۳. دست خدا، حزب خدا

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی! این دین با شما شروع شده و به دست شما پایان پذیرد صبر را پیشه سازید که سرانجام امور از آن پرهیزکاران است شما حزب خدائید و دشمنانتان حزب شیطان.

خوشا به حال آنکس که از شما فرمان برد...<sup>۴</sup>

۱. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۷۸.

۲. هود / ۱۷.

۳. امالی مفید، ص ۱۶۰.

۴. امالی مفید، ص ۱۷۰.





## ۲۴. آرامش قیامت در کنار کوثر

رسول خدا ﷺ به امام علی علیه السلام فرمود:

«یا علی انت وشيعتك على الحوض تسقون من احببتم و تمنعون من كرهتم وانتم الامنون يوم الفزع الاكبر في ظل العرش ويفزع الناس ولا تفزعون و يحزن الناس ولا تحزنون وفيكم نزلت هذه الاية: ان الذين سبقت لهم منا الحسنی...! یا علی! تو و شیعیان تو در کنار کوثر، هر که را خواهید آب می‌دهید و هر که را خواهید منع می‌کنید و شما میاید که در آن روز که روز فزع اکبر است زیر سایه عرش خداوند جای دارید در حالی که مردم در شدت و سختی و هراس هستند و شما در امن و آرامش به سر می‌برید و این آیه: «ان الذين سبقت لهم منا الحسنی...»<sup>۱</sup>

درباره شما نازل شده است.<sup>۲</sup>

## ۲۵. یاد علی علیه السلام در قرآن

امام باقر علیه السلام در تفسیر «ولقد صرفنا للناس في هذه القرآن ان ليدكروا وما يزيدهم الا نفورا»<sup>۳</sup> فرمود:

مقصود این است که ما علی علیه السلام را در همه جای قرآن یاد کردیم و او نزد ما ذکر است با وجود این مردم از او فاصله گرفتند.

«ولقد ذكرنا عليا في كل القرآن وهو الذكر وما يزيدهم نفورا»<sup>۴</sup>

## ۲۶. تفسیری جامع

ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان از مغیره بن سعید آورده که می‌گوید: مقصود از «بالعدل» در آیه شریفه: «ان الله يامر بالعدل والاحسان...»<sup>۵</sup>

۱. انبياء / ۱۰۱.

۲. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۳۰۷.

۳. اسراء / ۴۱.

۴. تفسیر فرات کوفی، ص ۲۴۱ - شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۵۶.

۵. نحل / ۹۰.

علی بن ابیطالب است و مقصود از «الاحسان» فاطمه علیها السلام است و مقصود از «وایتاه ذی القربی» حسن و حسین علیهم السلام هستند.<sup>۱</sup>

## ۲۷. راه خدا

امام باقر علیه السلام فرمود: «علی بن ابیطالب یامر بالعدل وهو علی صراط مستقیم». یعنی: فرمان دهنده به عدل و کسی که در صراط مستقیم است علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.<sup>۲</sup>

## ۲۸. عالم امت محمد صلی الله علیه و آله

امام باقر علیه السلام فرمود: «ومن عنده علم الكتاب» درباره‌ی علی نازل شده و او عالم این امت است.<sup>۳</sup>  
«هذه الآية نزلت في علي عليه السلام انه عالم هذه الأمة».

یعنی: این آیه نازل شد در شأن والای امام علی علیه السلام چرا که اوست عالم این امت.

## ۲۹. برترین شاهد خدا

شخصی از امام علی علیه السلام پرسید: بهترین فضیلت شما کدام است؟  
امام این آیه را تلاوت فرمود: «ومن عنده علم الكتاب».<sup>۴</sup>  
و فرمود: مقصود از این آیه من هستم.<sup>۵</sup>  
سئل امیرالمؤمنین علی علیه السلام «عن افضل منقبة له فتلا هذه الآية (افمن كان علی بينة من ربه ويتلوه شاهد منه)».<sup>۶</sup>

وقال: «انا الشاهد من رسول الله صلی الله علیه و آله» از امام علی علیه السلام سؤال شد: بهترین منقبت و فضیلت شما کدام است؟

۱. لسان المیزان، ج ۶، ۷۶، چاپ حیدرآباد.

۲. توضیح الدلائل، ص ۱۶۳ - تأویل الایات، ج ۱، ص ۲۵۸ - كشف الغممة اربلی، ج ۱، ص ۳۲۴.

۳. رعد / ۴۳ - ينابيع المودة، ص ۱۰۴.

۴. رعد / ۴۳.

۵. کافی، ج ۱، ص ۲۵۷.

۶. هود / ۱۷.



امام این آیه را تلاوت نمود و فرمود: مقصود از شاهد در این آیه من هستم.<sup>۱</sup>

### ۳۰. فضلی عظیم

امام باقر علیه السلام درباره‌ی آیه شریفه: «وَبِوتِ كَلِّ ذِي فَضْلٍ فَضْلُهُ...»<sup>۲</sup> یعنی: خداوند به هر صاحب فضیلتی فضل او را (به تناسب کمالش) عطا کند. فرمودند: مقصود از این آیه علی بن ابیطالب است.<sup>۳</sup>

### ۳۱. حق آشکار

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: منظور از آیه شریفه: «وَيَسْتَبْثِنُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قَلَّ أَى وَرَبِّ انْه لِحَقِّ وَمَا أَنْتُمْ بِمَعْجُزِينَ»<sup>۴</sup>

فضایلی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای علی علیه السلام بیان فرمود؛ ای رسول من این مردم از تو می‌پرسند آیا آنچه درباره‌ی علی علیه السلام می‌گویی حق است؟ به آن‌ها بگو: بلی! به پروردگرم که حق است و شما نمی‌توانید از آن جلوگیری کنید.<sup>۵</sup>

### ۳۲. ولایت راه صعود به آسمان

زید بن علی بن الحسین علیه السلام گوید: مقصود از آیه شریفه: «وَيَهْدِي مِنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» ولایت علی بن ابیطالب است.

(جالب این که حاکم حسکانی در شواهد التنزیل نیز این روایت را آورده و بر آن تصریح و تأکید کرده که «وَيَهْدِي مِنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» ولایت علی علیه السلام است، ج ۱، ص ۲۶۳).

۱. احتجاج، ج ۱، ص ۲۳۲ - تفسیر صافی - کافی، ج ۱، ص ۱۹۰.

۲. هود / ۳.

۳. توضیح الدلائل، ص ۱۶۱ - ارجح المطالب، ص ۸۶ - تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۲۱ - دلائل الصدق، ج ۲، ص ۲۶۰ - مناقب ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۳، ص ۹۸.

۴. یونس / ۵۳.

۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳۰ - تفسیر شریف نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۰۶ - امالی صدوق، ص ۲۷۱.

### ۳۳. صفتی مخصوص

امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام در زمان خلافت عثمان به مهاجرین و انصار فرمود: شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا به یاد دارید که چون این آیه «یا ایها الذین آمنوا اتقواالله وكونوا مع الصادقین»<sup>۱</sup> نازل شد سلمان فارسی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: یا رسول الله این آیه به عموم مردم مربوط است یا به عده‌ای خاص؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: صادقین در این آیه، مخصوص برادرم علی و جانشینان بعد از او تا قیامت است اما کسانی که مؤظف به پیروی از آنها هستند همه مؤمنین هستند؟ گفتند: آری به یاد داریم.<sup>۲</sup>

### ۳۴. مجاهد اکبر

در تفسیر صافی نقل شده که امام باقر علیه السلام فرمود: «نزلت هذه الآية في علي بن ابي طالب».

یعنی: این آیه درباره علی بن ابیطالب نازل شده است که:

«اجعلتم سقاية الحاج وعمارة المسجد الحرام كمن آمن بالله واليوم الآخر وجاهد في سبيل الله...»<sup>۳</sup>

یعنی: آیا آب دادن به حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را مانند (کار) کسی قرار داده‌اید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟ این دو یکسان نیستند.

امام باقر علیه السلام فرمود: این آیه درباره علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده است.

### ۳۵. شأنی شریف

امام صادق علیه السلام درباره‌ی شأن نزول آیه ۶۴ انفال: «یا ایها النبی حسبك الله ومن اتبعك

من المؤمنین».

۱. توبه / ۱۱۹.

۲. کمال‌الدین مرحوم صدوق، ص ۲۷۸.

۳. توبه / ۱۹ (حاکم حسکانی نیز در شواهد التنزیل همین رای را داده، ج ۱، ص ۲۵۰).

در تفسیر بزرگ نورالتقلین نیز همین مطلب تصریح شده است، ج ۲، ص ۱۹۴ و در ینابیع الموده ص ۹۳ و در الدر المنثور سیوطی و تفسیر القرآن ابن کثیر دمشقی و ثمار القلوب ثعالبی و ربیع الابرار زمخشری.



یعنی: ای پیامبر! خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی کرده‌اند تو را بس است فرمود: این آیه در شأن علی علیه السلام نازل شد. و ترمذی در مناقب ص ۵۴ و علامه مظفر در دلائل الصدق ج ۲ ص ۱۸۵ آورده که این آیه در شأن والای امیرموحدان عالم، حضرت سیدالکونین علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده است.<sup>۱</sup>

### ۳۶. حدیث کساء

حاکم حسکانی که از علمای بزرگ اهل سنت است در شواهد التنزیل ج ۲ از ص ۱۰ تا ۹۲ را به بیان روایات متعدد در خصوص حدیث کساء به طرق مختلف اختصاص داده و تصریح و تأکید کرده که اصحاب کساء همان کسانی هستند که آیه شریفه: «**إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ عَنكُمُ الرِّجْسَ...**»<sup>۲</sup>؛ درباره‌ی آن‌ها نازل شده و آن‌ها عبارتند از علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام.

### ۳۷. عهدی نورانی

امام علی علیه السلام در سخن خود با مردی یهودی فرمود: «**ولقد كنت عاهدت الله ورسوله انا وعمى حمزة واخي جعفر و...**»؛ من و عمویم حمزه و برادرم جعفر و پسر عمم عبیده از قبل با خدا و رسول او عهد و پیمانی بستیم و به آن وفا نمودیم و خدا خواسته بود که آن‌ها قبل از من به لقای او برسند و به این جهت خداوند آیه «**من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضی نجه ومنهم من ينتظر وما بدلوا تبديلاً**»<sup>۳</sup> را در شأن ما نازل نمود.<sup>۴</sup>

۱. احقاق الحق، ج ۳، ص ۱۹۶.

۲. احزاب / ۳۳.

۳. احزاب / ۲۳.

۴. خصال، ج ۲، ص ۱۴.

### ۳۸. دستگیره‌ای محکم

قال رسول الله ﷺ: «انت العروة الوثقى التى لا انفصام لها» رسول خدا ﷺ به علی ﷺ فرمود: تویی عروه‌الوثقی و دستگیره محکم رسیدن به خدا که هرگز گسسته نمی‌شود.<sup>۱</sup> سپس فرمود: «معاشر الناس من أحب ان تمسك بالعروة الوثقى التى لا انفصام لها فليتمسك لولاية علی بن ابیطالب ﷺ فان ولايته وولایتی وطاعته طاعتی» ای مردم هر کس که دوست دارد به عروه‌الوثقی و دستگیره محکم که هرگز گسسته نخواهد شد چنگ بزند باید به ولایت علی بن ابیطالب ﷺ چنگ بزند که همانا ولایت او ولایت من و پیروی از او پیروی از من است.<sup>۲</sup>

### ۳۹. وعده‌ای بزرگ

از امام صادق ﷺ نقل شده که فرمود: مقصود از آیه «وعدناه وعدا حسنا». امیرالمؤمنین ﷺ است که خداوند به او وعده داده است که در دنیا از دشمنان او انتقام بگیرد و در آخرت او و دوستانش را به بهشت ببرد.

«... وعده الله ان ينتقم له من اعدائه في الدنيا ووعده الجنة له ولا ووليائه في الآخرة».<sup>۳</sup>

### ۴۰. سلسله‌ای از نور

ابوسعید خدری از رسول خدا ﷺ نقل کرد که فرمود: به جبرئیل گفتم مقصود از «ازواجنا» (در آیه ۷۴ سوره فرقان) کیست؟ گفت: خدیجه، گفتم: مقصود از «ذریاتنا» کیست؟ گفت: فاطمه.

گفتم: مقصود از «قرة عين» کیست؟ گفت: حسن و حسین.

گفتم: مقصود از «واجعلنا للمتقين اماما» کیست؟ گفت: علی ﷺ است.<sup>۴</sup>

۱. مناقب خوارزمی، ص ۳۵.

۲. مائة منقبة لامير المؤمنين ﷺ شيخ فقيه محمد بن احمد بن شاذان قمی، ص ۷۱ و بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۷۹.

۳. تأویل الايات، ج ۱، ص ۴۲۲ - قصص / ۶۱.

۴. تفسير فرات كوفي، ص ۲۹۱ - شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۵۳۸.



#### ۴۱. اصحاب نور

«القمی عن الصادق علیه السلام انه سئل عن هذه الایة فقال: «الذین آمنوا وعملوا الصالحات»؛ امیرالمؤمنین و اصحابه و «کالمفسدین فی الارض»؛ حنتر و زریق (کنایة عن الاول والثانی) و اصحابهما و «ام نجعل المتقین»؛ امیرالمؤمنین علیه السلام و «کالفجار» حنتر و دلام و اصحابهما (وهذه الالفاظ کنایات عن الثلاثة).

شیخ بزرگوار قمی در تفسیر خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: مقصود از «الذین آمنوا وعملوا الصالحات» امیرالمؤمنین و اصحاب او هستند و مقصود از «کالمفسدین فی الارض» اولی و دومی و یاران آنها می باشند. چنان که مقصود از «ام نجعل المتقین» نیز امیرالمؤمنین علیه السلام و اصحاب او هستند و مقصود از «کالفجار» آن دو نفر و یاران آنها هستند.<sup>۵</sup>

#### ۴۲. یگانه ای شریف

ابن عباس گوید: «جمع الله هذه الخصال کلها فی کل علی علیه السلام» «الا الذین آمنوا وعملوا الصالحات...» «كان والله اول المؤمنین ايمانا وعملوا الصالحات وكان من صلّى وعبدالله من اهل الارض مع رسول الله صلّى الله علیه و آله...» خداوند متعال همه خصلت های یاد شده در این آیه (سوره عصر) را در علی علیه السلام جمع نموده زیرا او نخستین کسی بود که ایمان آورد و با رسول خدا صلّى الله علیه و آله عبادت نمود به نماز ایستاد و رسول خدا صلّى الله علیه و آله او را سفارش نمود که او را غسل دهد و دیون او را ادا کند و اطراف قبر او دیواری قرار دهد که زن ها با نشستن بر قبر او، او را اذیت نکنند و او را سفارش نمود به حفظ حسن و حسین علیهما السلام و این است معنای «وتواصوا بالصبر».<sup>۶</sup>

#### ۴۳. علی در قیامت

حسکانی از بزرگان اهل سنت در کتاب شواهد التنزیل آورده؛ که ابن عباس گفت: اول کسی که روز قیامت کفه حسنات او در میزان سنگین می شود علی بن ابیطالب علیه السلام است زیرا در میزان او جز حسنات و اعمال خیر چیزی وجود ندارد و کفه سئیات او خالی از

۵. ص / ۲۸ - تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۷.

۶. دلائل الصدق، ج ۲، ص ۳۷۴ - شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۸۳.

گناه است چون او به اندازه یک چشم بر هم زدن هم نافرمانی خدا را نکرده است؛ سپس فرمود: و این است معنای آیه شریفه: «فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينَهُ...»؛ یعنی میزان اعمال علی از عبادات و حسنات او سنگین تر است و او در بهشت زندگی شادمانی خواهد داشت.<sup>۱</sup>

#### ۴۴. صاحب عصر

فی تفسیر نورالثقلین ج ۵ ص ۶۶۶ «عن الاحتجاج باسناده الى الباقر عليه السلام عن النبي صلى الله عليه وآله قال: «وفي عليٍ والله نزلت سورة العصر «بسم الله الرحمن الرحيم والعصر» الى آخره ورواة في البحار جلد ۲۴ صفحه ۲۱۴».

در تفسیر شریف نورالثقلین از کتاب احتجاج و در بحار الانوار علامه مجلسی از امام باقر عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل شده که فرمود: به خدای سوگند این سوره (والعصر) درباره‌ی علی عليه السلام نازل شد.

#### ۴۵. صورتهای نورانی بر لب کوثر

حسکانی در شواهد التنزیل از شرحیله الانصاری کاتب امام علی عليه السلام نقل کرده که او گفت: از علی عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: وقتی که رسول خدا صلى الله عليه وآله بر من تکیه نموده بود و من او را به سینه گرفته بودم به من فرمود: آیا این آیه را شنیدی؟  
«ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات اولئك هم خير البريه»<sup>۲</sup> سپس فرمود: مقصود از این آیه تو و شیعیان تو هستند و چون در قیامت امت‌های دیگر برای حساب جمع شوند شما با صورتهای نورانی در کنار حوض کوثر با من خواهید بود.<sup>۳</sup>

#### ۴۶. شمس و قمر آمد

از ابومحمد نقل شده که گوید: از امام صادق عليه السلام درباره‌ی سوره شمس سؤال کردم

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۶۷.

۲. بیئة / ۷ (چه زیباست که گلی چون پیامبر تکیه‌گاه انسان باشد و جالب‌تر اینکه مولای ما شاهد وحی الهی بوده و چه ویژگی ممتازی؛ و عجیب‌تر این که این روایت در بسیاری از منابع اهل سنت من جمله در شواهد التنزیل نقل شده).

۳. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۵۶.





فرمود: مراد از «والشمس وضحاها» رسول خدا ﷺ می باشد که خداوند به واسطه او برای مردم دین خود را روشن نمود و مقصود از «والقمر اذا تلاها» امیرالمؤمنین ﷺ است که بعد از رسول خدا ﷺ او هادی و راهنمای مردم بوده و رسول خدا ﷺ علوم خود را به او تعلیم نموده است...<sup>۱</sup>

#### ۴۷. علی ﷺ به آن‌ها می خندد

امام سجاده ﷺ می فرماید: چون روز قیامت شود دو تخت مزین از بهشت خارج و در کنار دوزخ قرار گیرد، سپس امیرالمؤمنین ﷺ بر آن‌ها قرار گیرد و وقتی بخندد جهنم زیر و رو شود و آن دو نفر (اولی و دومی) را از دوزخ خارج کنند و مقابل امیرالمؤمنین ﷺ قرار دهند. و چون مقابل آن حضرت قرار گیرند گویند: ای امیرمؤمنان ای وصی رسول خدا ﷺ آیا به ما ترحم نمی کنی و برای ما در نزد پروردگار خود شفاعت نمی نمایی؟ امام سجاده ﷺ می فرماید: سپس علی ﷺ به آن‌ها می خندد و آن‌ها از جای خود حرکت می کند و داخل بهشت می شود و آن دو تخت بالا می روند و اولی و دومی نیز به دوزخ باز می گرداند سپس فرمود: این است معنای آیه ۳۴ سوره مطفین: «فالیوم الذین آمنوا من الکفار یضحکون علی الارائک ینظرون هل ثوب الکفار ما کانوا یفعلون».<sup>۲</sup>

#### ۴۸. ابرار در قرآن کریم

امام حسن ﷺ فرمود: «وکلمنا فی کتاب الله عزوجل من قوله: «انّ الابرار»، «فوالله ما اراد به الا علی بن ابیطالب وفاطمة وانا والحسین لانا نحن الابرار...»<sup>۳</sup> به خدا سوگند هرچه کلمه ابرار در قرآن کریم آمده جز علی بن ابیطالب و فاطمه و من و حسین ﷺ اراده نشده است چرا که ما اییم نیکان از فرزندان پدر و مادرهای خود و دل‌های ما به واسطه طاعت‌ها و اعمال نیک رشد و آگاهی یافته و از دنیا و محبت به آن بیزار شده است و ما اییم که خدای خود را در همه واجبات اطاعت نمودیم و به وحدانیت او ایمان آوردیم و رسول او را تصدیق کردیم.<sup>۳</sup>

۱. کافی، ج ۸، ص ۵۰.

۲. دلائل الصدق، ج ۲۲، ص ۳۳۹ - بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۶۶.

۳. تفسیر نورالقلوب، ج ۲، ص ۳۲۶.

## ۴۹. بزرگترین نشانه خدا

از امام هشتم (ع) درباره‌ی آیه: «عم یتسالون» سؤال شد؟ حضرت فرمود: که امام علی (ع) فرموده است: «مالله بنا اعظم منی ومالله آیه اکبر منی وقد عرض فضلی علی الامم الماضیه علی اختلاف السننها فلم تقر لفضلی»؛ هیچ خبر و آیه‌ای نزد خدا بزرگ‌تر از من نیست و چون ولایت من بر امت‌های گذشته عرضه شد آن‌ها به فضل من اعتراف نکردند.<sup>۱</sup>

## ۵۰. دانای اسرار کتاب‌الله العظیم

وقتی علی (ع) به کوفه آمد تا چهل روز در نمازهای خود سوره «سبح اسم ربك الاعلی» را قرائت می‌نمود تا این که منافقان گفتند: به خدا سوگند علی (ع) چیزی از قرآن را حفظ ندارد و الا سوره دیگری را می‌خواند.

اصبغ بن نباته گوید: چون این سخنان به امام رسید؛ فرمود: وای بر آن‌ها من قرآن را خوب می‌شناسم و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و فواصل و حروف و معانی آن را می‌دانم به خدا سوگند هیچ کلمه‌ای به رسول خدا (ص) نازل نشد مگر آن که من دانستم درباره‌ی چه کسی و در چه روزی و در چه محلی نازل شده است.

وای بر آن‌ها مگر آیه «انّ هذا لفي الصحف الاولى...» را نخوانده‌اند؟ به خدا سوگند همه صحف ابراهیم و موسی (ع) را من از رسول خدا (ص) به ارث بردم و به آن‌ها آگاه هستم.

سپس فرمود: وای بر آن‌ها به خدا سوگند این آیه «وتعيها اذن واعيه» درباره‌ی من نازل شده و چون آیه‌ای نازل می‌شود همه اصحاب می‌شنیدند من حفظ می‌کردم ولی آن‌ها فراموش می‌نمودند وقتی که از نزد رسول خدا خارج می‌شدند به یکدیگر می‌گفتند: رسول خدا (ص) چه گفتند؟<sup>۲</sup>

## ۵۱. تهمت به رسول خدا (ص)

رسول خدا (ص) فرمود: «ما من مومنٍ خلص ودّي الى قلبه الا وقد خلص ودّ علي الى قلبه كذب

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۰۱ - شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۱۷.

۲. مصباح الهدایه علامه بهبهانی، ص ۱۳۱ - حاقه / ۱۲.



یا علی من زعم انه یحبنی ویبغضک» هر بنده‌ای که از روی اخلاص مرا دوست داشته باشد علی را نیز دوست خواهد داشت.

سپس فرمود: یا علی دروغ می‌گوید کسی که فکر می‌کند مرا دوست دارد در حالی که با تو دشمن است.

امام باقر می‌فرماید: بعد از این سخن رسول خدا، دو نفر از منافقان گفتند: رسول خدا فریب این جوان را خورده است پس درباره‌ی آنها این آیه نازل شد: «فستبصر ویبصرون بایکم المفتون»<sup>۱</sup>.

### ۵۲. مابین دو پیامبر

سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کند که گوید: نخستین کسی که لباس‌های زیبای بهشتی را بر تن می‌کند حضرت ابراهیم خلیل الرحمن و محمد صلی الله علیه و آله هستند سپس علی است که بین آن دو پیامبر با عزت به بهشت وارد خواهد شد.

سپس ابن عباس این آیه را تلاوت نمود و گفت: مقصود از آیه شریفه: «والذین آمنوا معه» علی و اصحاب او هستند.<sup>۲</sup>

### ۵۳. خبر بزرگ

«... عن روضه الكافی قال امیرالمؤمنین فی خطبة الوسيلة: «وَأَنَّ النَّبَاَ الْعَظِيمَ وَالصِّدِّيقَ الْاَكْبَرَ».

از روضه کافی نقل شده که امیرالمؤمنین در خطبه وسیله فرمود: نباء عظیم و صدیق اکبر من هشتم.<sup>۳</sup>

### ۵۴. دو دریای ربانی و نورانی

«عن الصادق قال: علی وفاطمة صلوات الله علیهما بحران عمیقان لایبغی احدهما علی صاحبه» «یخرج منهما اللؤلؤ و مرجان»<sup>۴</sup> قال: الحسن و الحسین. امام صادق فرمود: مقصود

۱. تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۹۲، ذیل آیه ۵، سوره قلم.

۲. النورالمشتمل، ص ۲۶۲ - تحریم / ۸.

۳. تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۴۳.

۴. بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۹۶.

از این آیه (الرحمن آیه ۱۹) علی و فاطمه علیهم السلام هستند که دو دریای عمیق (از علم و معرفت) می‌باشند و به یکدیگر ظلم نمی‌کنند و از آن‌ها لؤلؤ و مرجان یعنی حسن و حسین به وجود آمده است.

### ۵۵. مرد با ایمان

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: آگاه باشید که در قرآن نامهایی است که مخصوص من است پس بپرهیزید از اینکه خود را به آن‌ها بنامید که گمراه خواهید شد و از جمله آن‌ها قول خداوند است که فرمود: «ورجلاً سلماً لرجل»<sup>۱</sup> که مقصود از آن من هستم که تسلیم رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم.<sup>۲</sup>

### ۵۶. جنب الله علیست

ابن شهر آشوب از امام سجاده علیه السلام و امام باقر و امام صادق علیهم السلام نقل کرده که فرمودند: «فی هذه الآية: جنب الله علی علیه السلام و هو حبه الله علی الخلق یوم القيامة»<sup>۳</sup>: در آیه شریفه جنب الله علی علیه السلام است که در روز قیامت حجت خدا بر مردم خواهد بود.<sup>۴</sup>

### ۵۷. راهی به آسمان

القمی عن الصادق علیه السلام انه ذکر خطر امیرالمؤمنین علیه السلام وقال: «وانه لعلم للساعة فلا تمترن بها واتبعون هذا صراط مستقیم» قال: یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام، در تفسیر قمی از امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت عظمت مقام امیرالمؤمنین علیه السلام را ذکر کرد و سپس این آیه را تلاوت کرد و فرمود: مقصود از صراط مستقیم امیرالمؤمنین علیه السلام است.<sup>۵</sup>

۱. زمر / ۲۹.

۲. بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۳.

۳. زمر / ۵۷.

۴. بحارالانوار، ج ۲۴ / ۱۹۱.

۵. تفسیر قمی ذیل آیه فوق زخرف / ۶۱.



### ۵۸. نشانه قیامت

امام باقر علیه السلام فرمود: مقصود از آیه شریفه: «**وَأَنَّهُ لَعَلَّمٌ لِلسَّاعَةِ**»<sup>۱</sup> علی علیه السلام است او نشانه‌ی قیامت است برای تو و قوم تو، در قیامت در مورد محبت علی بن ابیطالب علیه السلام از شما سؤال خواهد شد.<sup>۲</sup>

### ۵۹. صاحب کره زمین

عبایه بن ربیع گوید: به عبدالله بن عباس گفتم: چرا پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به ابوتراب کُنیه داد؟ گفت: زیرا او مالک و صاحب کره زمین می‌باشد و بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله حجت خدا بر ساکنان زمین است و بقای زمین به او و آرامش زمین از برکت وجود اوست از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: روز قیامت چون شخص کافر نعمت‌هایی را که از خداوند به عنوان پاداش و کامیابی برای شیعه علی علیه السلام فراهم آورده است بنگرد، گوید: «**یا لیتنی کنت ترابا**»؛ ای کاش من هم شیعه علی بودم و این است که خداوند فرموده: «**و یقول الکافر یا لیتنی کنت ترابا**» کافر در آن روز می‌گوید: ای کاش خاک بودم. (نبأ: ۴۰).  
(از روی حسرت می‌گوید: ای کاش خاک بودم تا به عذاب آتش نمی‌سوختم).<sup>۳</sup>

### ۶۰. اولین مفسر حروف و معانی آن

روزی شخصی یهودی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و پرسید به کار بردن حروف الفبا چه سودی دارد؟ در آن وقت علی علیه السلام در محضر آن بزرگوار حضور داشت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: پاسخ او را بده! پس دست به دعا برداشت و چنین گفت:  
پروردگارا! او را یاری فرما و استوارش بدار، آن‌گاه علی علیه السلام فرمود: هر یک از حروف، نامی از نام‌های خداوند است پس چنین ادامه داد:

اَمَّا «الف» - الله - معبود به حقی نیست جز او که زنده کننده و برپا دارنده و نگهدارنده همه موجودات است. بقره: ۲۵۵ «**بَا**» باقی جاودانه‌ای است که پس از نابود شدن آفریدگانش پایدار خواهد بود «**تَا**» تَوَاب (هشت جای قرآن آمده است) خداوند

۱. زخرف / ۶۱

۲. بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۲۹۱.

۳. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۲۷۸.

پس توبه‌پذیر و مهربان است بازگشت از گناه را از بنده‌اش می‌پذیرد «ثا» ثابت و پایدار همیشه است «یثبت الله الّذین آمنوا بالقول الثّابت» خدا آنان را که ایمان آوردند به سبب سخن راست و محکمی که در دل‌های ایشان جای گرفته است ثابت می‌دارد (ابراهیم: ۲۷) «رجیم» - جلّ - بس باشکوه و منزّه است نام‌های او و «حا» حقّ وجودی ثابت و زنده و بردبار است «خا» - خبیر - آگاه به کردار بندگان «دال» دّیان، جزا دهنده روز رستاخیز «ذال» دارای شکوه و بزرگواری «را» - رأفت - نسبت به بندگان خود بسیار مهربان «زا» زینت پرستش کنندگان «سین» سمیع شنوا و بینا «شین» شاکر سپاسگزار بندگان مؤمن خویش «صاد» صادق یعنی در نوید و وعیدش راستگو.

«ضادّ» آسیب‌رسانی که به خاطر بهره‌مند ساختن است «طا» طاهر پاک سازنده بندگان از گناه و خود نیز از هر پلایشی پاکیزه است «ظا» - ظاهر - آشکار در آینه جهان آفرینش که نشانگر عظمت او است «عین» عالم و آگاه به حال بندگان خود «غین» غیاث فریادرس در ماندگان و دادخواهان «فا» شکافنده دانه و هسته «قاف» قادر و تواناست بر تمامی آفریدگانش «کاف» بی‌نیاز کننده‌ای است که همتایی برایش نیست نه زائیده شده و نه زائیده است «ل» لطیف مهربان و رساننده نیکی‌ها به بندگان و «میم» مالک پادشاه اقلیم وجود است «نون» نور و روشنی آسمان‌ها است و زمین شمه‌ای از فروغ عرش و عظمت او می‌باشد «واو» واحد یکتای بزرگواری که نه زائیده است و نه خود زائیده شده از چیزی است «ها» هدایتگر و راهنمای بندگان خود «لام» هیچکس سزاوار پرستش نیست جز ذات پروردگار یگانه‌ای که شریکی برایش نیست «یا» - ید - دست قدرت خدا بر سر آفریدگانش گسترده است وقتی سخن علی علیه السلام به اینجا رسید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این همان گفتاری است که خداوند برای خود آن را از بنده‌اش پسندید و در نتیجه با این موشکافی و دقت امیرالمؤمنین، مرد یهودی اسلام را پذیرفت.<sup>۱</sup>

## ۶۱. بزرگ‌ترین مرد زمینی

روزی مردی به نزد ابن عباس آمد و پرسید معنای «انزع البطين» چیست؟ زیرا مردم در این مورد نظرات گوناگونی دارند وی چنین پاسخ داد:  
ای مرد به خدا سوگند که از شأن و مقام کسی سؤال کردی که بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۹۹.



هیچکس بر روی ریگ‌های زمین پا ننهد که در فضیلت برتر از او باشد و بی‌شک او برادر رسول خدا و پسر عموی او و خلیفه او بر امتش می‌باشد و شرک را از خود دور ساخت همانا او شرک ستیز و سینه‌اش از دانش پر بود و از پیامبر خدا ﷺ شنیدم که فرمود: هر کس می‌خواهد فردای قیامت نجات یابد چنگ بر دامن این «انزع» بزند، یعنی علی علیه السلام.<sup>۱</sup>

### ۶۲. همکلام با کره زمین

اسماء بنت عمیس نقل می‌کند حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرمودند: شبی که به خانه علی علیه السلام رفتم در بستر مرا فزع گرفت و شنیدم که زمین با علی علیه السلام صحبت می‌کند و علی علیه السلام نیز با زمین حدیث می‌فرمود. صبح این واقعه را به رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر دادم پدرم وقتی آن را شنید سجده طولانی کرد سپس سر برداشت و فرمود: یا فاطمه! تو را بشارت باد به طیب نفس که خداوند همسر تو را بر سایر خلق برتری داده و زمین را امر کرده که با او صحبت کند و خبرهای خود را و آنچه بر زمین جاری می‌شود در شرق و غرب عالم به او خبر دهد.<sup>۲</sup>

### ۶۳. مفسری بزرگ و بی‌همتا

سلیمان بلخی از ینابیع الموده نقل می‌کند که ابن عباس گفت: «اخذ بیدی الامام علی علیه السلام فی لیلۃ مقمرة فخرج بی الی البقیع بعد العشاء وقال: اقرا یا عبدالله فقرات: بسم الله الرحمن الرحیم فتلکم لی فی اسرار البأ الی بزوغ الفجر». در شب مهتابی علی دست مرا گرفت و به سوی قبرستان برد بعد از نماز عشا فرمود: بخوان من بسم الله الرحمن الرحیم را قرائت کردم آن گاه از اسرار «بأ» بسم الله برای من سخن گفت تا طلوع فجر.

۱. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲. طرائف سید بن طاووس، ص ۲۶۲.

## ۶۴. قلب شب قدر

مردی به امام محمدتقی (ع) عرض کرد: پسر پیامبر بر من خشم مکن امام فرمود: برای چه چیزی؟ عرض کرد: برای آنچه می‌خواهم از شما بپرسم. امام فرمود: بگو عرض کرد: خشم نمی‌کنی. امام فرمود: خشم نمی‌کنم. عرض کرد: بفرمائید این که راجع به شب قدر معتقدید که فرشتگان و جبرئیل به سوی اوصیا نازل می‌شوند آیا برای آن‌ها امر عامی آورند؟ که پیغمبر (ع) آن را نمی‌دانسته یا امری را می‌آورند که پیغمبر (ع) آن را می‌دانسته است با آن که شما می‌دانید که وقتی پیغمبر (ع) وفات کرد علی (ع) تمام علوم او را فرا گرفته بود؟ امام فرمود: ای مرد مرا با تو چکار است؟ چه شخصی تو را نزد من آورد؟ عرض کرد: سرنوشت مرا برای طلب این مطلب نزد شما آورد.

آن‌گاه امام فرمود: پس آنچه را به تو می‌گویم خوب بفهمم همانا چون رسول خدا (ص) را به معراج بردند فرود نیامد تا این که خداوند علم گذشته و آینده را به او آموخت و مقدار زیادی از آن علم مجمل و سر بسته بود که تفسیر و توضیحش در شب قدر می‌آمد علی بن ابیطالب (ع) نیز هم مانند پیغمبر (ع) بود علوم مجمل را می‌دانست و تفسیرش در شب‌های قدر می‌آید مانند آنچه برای پیغمبر (ع) بود.

عرض کرد: یا بن رسول الله مگر در آن علوم مجمل و سر بسته تفسیری نبود؟ امام فرمود: چرا ولی در شب‌های قدر از طرف خدای تعالی به پیغمبر (ع) نسبت به آنچه می‌دانند دستور می‌آید که چنین و چنان کن و در آن شب دستور می‌گیرند که نسبت به آنچه می‌دانند چگونه رفتار کنند...<sup>۱</sup>

## ۶۵. قبله لیله القدر

امام صادق (ع) می‌فرماید: علی (ع) غالباً و مکرر می‌فرمود: هرگاه که تیمی و عدوی (ابوبکر و عمر) خدمت رسول خدا (ص) بودند و آن حضرت سوره قدر را با خشوع و گریه تلاوت می‌نمود می‌گفتند: چقدر در تلاوت این سوره دلت می‌سوزد پیغمبر (ع) می‌فرمود:

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۴۹.





برای آنچه چشمم دیده و دلم فهمیده و نیز برای آنچه دل این شخص (علیؑ) پس از من در می‌یابد. آن‌ها می‌گفتند: مگر شما چه دیده‌ای و او چه می‌بیند؟ حضرت برای آن‌ها روی خاک می‌نوشت «تنزل الملائكة والروح فیها باذن ربهم من كل امر».

سپس می‌فرمود: پس از این که خدای عزوجل فرماید: «هر امری» دیگر چیزی باقی می‌ماند؟ می‌گفتند: نه. می‌فرمود: می‌دانید آنکه هر امری بر او نازل می‌شود کیست؟ می‌گفتند تو هستی ای رسول خداﷺ.

می‌فرمود: آری اما شب قدر بعد از من هم می‌باشد؟ می‌گفتند: آری، می‌فرمود: در شب‌های قدر پس از من هم آن امر نازل می‌شود؟ می‌گفتند: آری. می‌فرمود: به چه کسی نازل می‌شود؟ می‌گفتند: نمی‌دانیم پیغمبر دست بر سر من می‌گذاشت و می‌فرمود: اگر نمی‌دانید بدانید، آن شخص پس از من این مرد است سپس آن دو نفر شب قدر را بعد از رسول خداﷺ می‌شناختند به واسطه هراس سختی که در دل آن‌ها می‌افتاد.<sup>۱</sup>

### ❖ ۶۶. معجزه علوی ❖

در تفسیر منسوب به امام حسن عسگریؑ نقل است که فرموده‌اند: چون یهودیان با علیؑ درباره نبوت مناظره کردند و زیر بار حق نرفتند. حضرت به شتران آن‌ها دستور داد: ای شتران گواهی دهید برای محمدﷺ و وصی او، ناگهان همه شتران و لباس‌های یهودیان به نطق آمدند و گفتند: یا علی! راست فرمودی که محمدﷺ رسول خداست و تو وصی او بی به حق، چون یهودیان چنین دیدند اکثر آن‌ها ایمان آوردند و بعضی از آن‌ها نیز بر کفر خود باقی ماندند در همین بین آیات زیر بر رسول خداﷺ نازل شد «ام ذلک الكتاب لا ریب فیہ هدی للمتقین» کتاب در این آیه امیرالمؤمنین و متقین شیعیان اویند.

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۶۴.

## ۶۷. بزرگترین نشانه خدا

ابوحمزه گوید: به امام باقر (ع) عرض کردم: قربانت گردم شیعیان از شما تفسیر این آیه را می‌پرسند «عَمَّ يَتَسَالُونَ عَنِ النَّبَأِ الْعَظِيمِ» یعنی از چه از یکدیگر می‌پرسند از خبر بزرگی می‌پرسند؟

امام فرمود: اختیار با من است اگر خواهم به آن‌ها بگویم و اگر نخواهم نگویم. سپس فرمود: ولی من تفسیرش را برای تو می‌گویم عرض کردم: «از چه از یکدیگر می‌پرسند؟ عَمَّ يَتَسَالُونَ» امام فرمود: این آیه درباره‌ی امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه است؛ آن حضرت (ع) می‌فرمود: خدا را آیه‌ای بزرگ‌تر از من نیست خدا را خبری بزرگ‌تر از من نیست.<sup>۱</sup>

## ۶۸. وسیله نجات در قیامت

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: چگونه است حال مردمی که سنت پیامبر (ص) را دگرگون ساختند و از وصی او رو گردان شدند آیا آن‌ها نمی‌ترسند که عذاب بر آن‌ها نازل شود؟ سپس این آیه را تلاوت فرمود: «إِلَّمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كَفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ»؛ یعنی مگر آن کسانی را که نعمت خدا را به ناسپاسی تغییر دادند ندیدی و قوم خویش را به دوزخ که سرای هلاکت است در آوردند.

سپس امام فرمود: ما هستیم آن نعمتی که خدا به بندگانش انعام فرمود هر کس در روز قیامت کامیاب شود به وسیله ما است.<sup>۲</sup>

## ۶۹. تیزبین و باریک‌بین

امیرالمؤمنین علی (ع) درباره‌ی آیه ۷۵ سوره حجر: «ان في ذلك لآيات للمتوسمين»؛ یعنی: به یقین در این برای هوشیاران عبرت‌هاست، فرمود: رسول خدا (ص) باریک‌بین و تیزهوش بود و پس از او من و امامان از ذریه من باریک‌بین و بافراست هستیم.<sup>۳</sup>

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۹۷.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۱۵.

۳. کافی، ج ۱، ص ۴۱۸.



### ۷۰. مؤمنی بی نظیر

امام باقر علیه السلام آیه ۱۰۵ سوره توبه: «فسیری الله عملکم ورسوله والمؤمنون» را یاد نمود و فرمود: به خدا که آن مؤمن علی بن ابیطالب علیه السلام است.<sup>۱</sup>

### ۷۱. ماء غدق

حضرت ابو جعفر علیه السلام درباره‌ی آیه ۱۶ سوره جن: «وان لو استقاموا علی الطریقه لاسقیناهم ما غدقا»؛ اگر بر آن روش استوار شوند آبی فراوانشان نوشانیم. فرمود: اگر بر ولایت علی بن ابیطالب امیرمؤمنان و اوصیا از فرزندان او استوار شوند و اطاعت آن‌ها را در امر و نهی‌شان بپذیرند آب فراوانی به آن‌ها نوشانیم به این معنی که ایمان را در دلشان جایگزین کنیم و مقصود از طریق و راه همانا ایمان به ولایت علی و جانشینان اوست.<sup>۲</sup>

### ۷۲. خبر پر خیر

ابان بن تغلب روایت کرده از امام محمد باقر علیه السلام در مورد تفسیر النبأ العظیم پرسیدم؟ امام فرمود: مقصود از نبأ عظیم علی بن ابیطالب علیه السلام است که مردم در شأن او اختلاف دارند.<sup>۳</sup>

### ۷۳. علی علیه السلام در قرآن کریم

در قرآن کریم مکرر کلمه طیبه «علیا» آمده برای نمونه: «فان اطعنکم فلا تبغوا علیهن سبیلا ان الله کان علیا کبیرا».<sup>۴</sup>  
«ووهبنا لهم من رحمتنا و جعلنا لهم لسان صدق علیا».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۱۸.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۲۰.

۳. تفسیر منهج الصادقین، ج ۱۰، ص ۱۲۰.

۴. نساء / ۳۴.

۵. مریم / ۵۰.

- «انه كان صديقا نبيا ورفعناه مكانا عليا<sup>١</sup> - ولا يوده حفظهما وهو العلي العظيم»<sup>٢</sup>.
- «وان ما يدعون من دونه هو الباطل وان الله هو العلي الكبير»<sup>٣</sup>.
- «ان الله هو العلي الكبير»<sup>٤</sup>.
- «وهو العلي الكبير»<sup>٥</sup>.
- «وان يشرك به تومنوا فالحكم لله العلي الكبير»<sup>٦</sup>.
- «له ما في السموات وما في الارض وهو العلي العظيم»<sup>٧</sup>.
- «انه علي حكيم»<sup>٨</sup>.
- «وانه في ام الكتاب لدينا لعلي حكيم»<sup>٩</sup>..

**العلی:** به طوری که در آیات گذشته اشاره شد در قرآن بیشتر از این‌ها آمده و خداوند متعال خود را به این صفت وصف فرموده است علی از اسماء صفات خداوند است که در هفت جای قرآن «العلی» و در یک مورد (علی) و در سه جا (علیا) نازل شده است نمی‌دانم چرا بعضی‌ها در ختم تلاوت قرآن کریم وحشت دارند **صدق الله العلی العظيم** بگویند مرحوم ملاهادی سبزواری در شرح الاسمای خود علی را مطابق اسم اعظم دانسته است (ص ۸۹) فافهم و تأمل.

#### ۷۴. راهنمای امت محمد ﷺ

از رسول خدا ﷺ روایت شده که دست بر سینه خود گذاشت و فرمود: «انا منذر ولكل قوم هاد واو ما بیده الی الامام علی».

یعنی: من بیم دهنده این امتم و برای هر قومی هدایتگری است سپس خود را به سمت علی ﷺ برد و فرمود: این مرد هدایت کننده شماست.

۱. مریم / ۵۷.

۲. بقره / ۲۵۵.

۳. حج / ۶۲.

۴. لقمان / ۳۰.

۵. سبأ / ۲۳.

۶. غافر / ۱۲.

۷. شوری / ۴.

۸. شوری / ۵۱.

۹. زخرف / ۴.



«فقال: انت الهادی یا علی بك یمتدی المهتدون بعدی».

آن گاه فرمود: یا علی! تو راهنما هستی پس از من؛ هدایت نشده‌ها با تو هدایت می‌شوند و راه راست را در پیش می‌گیرند.<sup>۱</sup>

### ۷۵. قدر ولایت

اصبغ بن نباته از حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام روایت نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: یا علی آیا می‌دانی معنی شب قدر چیست؟ عرض کردم: نه یا رسول الله. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند تبارک و تعالی در آن شب به تقدیر و سرنوشتی که در روز قیامت خواهد بود قضا و حکم و اندازه‌گیری نموده و در آنچه خدای عزوجل فرمان داد ولایت تو بود و نیز ولایت امامان از نژاد تو تا روز قیامت.<sup>۲</sup>

### ۷۶. شاهد و مشهود

عبدالرحمن هاشمی از امام صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه: «وشاهد و مشهود»<sup>۳</sup> یعنی: سوگند به شاهد و مشهود، روایت کرده که فرمود: مقصود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام است.<sup>۴</sup>

### ۷۷. نامی آسمانی

حارث نصری می‌گوید: از امام صادق علیه السلام از تفسیر آیه ۳ سوره توبه: «واذان من الله ورسوله الی الناس یوم الحج الاکبر»؛ پرسیدم؟ فرمود: نامی است که خداوند از آسمان اختصاص به علی علیه السلام داده است زیرا اوست که از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله بیزاری از مشرکین را اعلام کرد پیغمبر صلی الله علیه و آله نخست آن را به ابوبکر داده بود.

جبرئیل فرود آمد و گفت: ای محمد! خدا به تو می‌فرماید: خودت یا مردی که از خودت باشد و دیگری حق ابلاغ آن را از جانب تو ندارد بعد از آن فرمان، پیغمبر علی علیه السلام

۱. مستدرک صحیحین، ج ۳، ص ۱۲۹ - کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۷ - فخررازی و سیوطی و طبرسی هر یک در تفسیر آیه ۵۵ مائده این روایت را در تفسیر خود آورده‌اند.

۲. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۲۵۰.

۳. بروج / ۳.

۴. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۲۱۷.

را فرستاد و او به ابوبکر رسید و صحیفه را از دستش گرفت و برد و به دیوار کعبه نصب نمود از این جهت خداوند او را «أذان» نامید همانا آن نامی است که خداوند از آسمان اختصاص به علی (ع) داده است.<sup>۱</sup>

مفضّل بن عمر می‌گوید: در محضر امام صادق (ع) از آیه مبارکه: «انا انزلناه فی لیلۃ القدر».... سخن به میان آمد امام فرمود: چقدر برتری آن بر سوره‌های دیگر آشکار است گوید: عرضه داشتیم: برتری آن چه می‌باشد؟

فرمود: در آن شب ولایت امیرالمؤمنین (ع) نازل شده گفتم: در شب قدری که ما آن را در ماه رمضان امید داریم.

فرمود: آری شبی که در آن شب آسمان‌ها و زمین اندازه‌گیری شده و ولایت امیرالمؤمنین در آن تقدیر و معین شده است.<sup>۲</sup>

## ۷۸. قرآن ناطق

یعقوب بن جعفر روایت کرده که در مکه با امام علی (ع) بودم مردی به امام عرض کرد: همانا تو از کتاب خدا چیزی را که نشنیده‌ای تفسیر می‌کنی؟ امام به او فرمود: کتاب خدا قبل از مردم بر ما نازل شده و پیش از آن که در میان مردم تفسیر شود برای ما تفسیر شده ما حلال و حرام و ناسخ و منسوخ و سفری (نازل شده در سفر) و حضری (نازل شده در وطن) آن را می‌شناسیم و می‌دانیم در چه شبی چقدر آیه درباره‌ی چه کسی و درباره‌ی چه چیزی نازل شده است.<sup>۳</sup>

## ۷۹. عالم به علوم قرآن

رسول خدا (ص) فرمود:

«ان الله عزوجل انزل علی القرآن وهو الذی من خالفه ضلّ ومن ابتغی علمه عند غیر علی هلك».

۱. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۲۱۴.

۲. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۲۵۱.

۳. بصائر الدرجات، ص ۱۹۸، جزء ۴، باب ۸، حدیث ۴.



همانا خداوند قرآن را بر من نازل کرده است که هر کس با آن مخالفت کند گمراه است و هر کس علم آن را در نزد غیر علی علیه السلام طلب کند هلاک می شود.<sup>۱</sup>

### ۸۰. بی‌همتا در شناخت قرآن

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «فمن عمی علیه من علمه شیئٌ لم یکن علمه منی ولا سمعه فعلیه بعلی بن ابی طالب علیه السلام فانه قد علم کما علمته ظاهره و باطنه و محکمه و متشابهه». هر کس که علم قرآن برایش پوشیده است و از من یاد نگرفته و نشنیده است باید به علی بن ابیطالب رجوع کند زیرا او ظاهر و باطن و محکم و متشابه آن را همان گونه که من می دانم می داند.<sup>۲</sup>

### ۸۱. دستش را گرفته و بالا آورد

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «معاشر الناس! تدبروا القرآن وافهموا آیاته وانظروا الی محکماته ولا تتبعوا متشابهه! فوالله لن یبین لکم زواجه ولا یوضح لکم تفسیره الا الذی انا آخذ بیده ومصعده الی و سائل بعضده و معلمکم ان من کنت مولاه فهذا (علی) مولاه وهو علی بن ابی طالب اخی و وصیتی...»<sup>۳</sup> ای مردم! در قرآن تدبر کنید و آیات آن را بفهمید و به محکمت آن نظر کنید و از متشابه آن پیروی نکنید. به خدا سوگند!

هرگز نواهی آن را برای شما تبیین نمی کند و تفسیر آن را برای شما توضیح نمی دهد مگر کسی که دستش را گرفته و به نزد خود بالا آورده و بازویش را بالا گرفته ام به شما اعلام می کنم که هر کس من مولای اویم این شخص مولای او است و او علی بن ابیطالب برادر و وصی من است....

۱. بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۹۴، حدیث ۱۰.

۲. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۱۶.

۳. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۰۹.

## ۸۲. کتاب نورانی کمالات

عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که فرمود: «لاریب فیه هدی للمتقین کتاب علی لاریب فیه»؛  
یعنی علی کتابی است که شکی در او نمی‌باشد زیرا کمالات آن امام منصوب از خدا و رسول اوست.<sup>۴</sup>

## ۸۳. علمدار عمل به قرآن

حضرت امیرمؤمنان فرمود: در کتاب خدا آیه‌ای است که هیچ کس قبل از من به آن عمل نکرده و هیچ کس پس از من نیز به آن عمل نخواهد کرد و آن آیه «یا ایها الذین آمنوا اذا نجا تیمم الرسول...» است.<sup>۵</sup>

## ۸۴. معنای واقعی ایمان

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: ایمان در قرآن، علی بن ابیطالب است.

## ۸۵. هفت حرف نورانی

ابن عباس روایت کرده است.  
بیشتر آنچه از تفسیر قرآن آموخته‌ام از علی بن ابیطالب است همانا قرآن بر هفت حرف نازل شده است و هیچ حرفی از آن حروف نیست مگر این که برای آن ظاهر و باطنی است و به راستی علی علیه السلام آن ظاهر و باطن را می‌داند.<sup>۶</sup>

## ۸۶. ظاهر و باطن قرآن نزد علی علیه السلام

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «انّ القرآن انزل علی سبعة احرف ما منها حرف الا له ظهر و بطن وان علی بن ابی طالب عنده علم الظاهر والباطن» همانا قرآن بر هفت حرف نازل شده است و هیچ

۴. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۹۱.

۵. تفسیر طبری، ج ۱۴، ص ۲۰ - مناقب خوارزمی، ص ۲۷۷، حدیث ۲۶۲.

۶. مرآة الانوار، ص ۵.





حرفی از آن حروف نیست مگر این که ظاهر و باطنی دارد و به راستی که علم ظاهر و باطن قرآن تنها در نزد علی علیه السلام است.<sup>۱</sup>

### ۸۷. قاری ملکوتی

حاکم حسکانی از دانشمندان اهل سنت با سند متصل از حضرت علی علیه السلام روایت کرده که: «ما فی القرآن آیه الا وقد قراتها علی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم وعلّمتنی معناها»؛ هیچ آیه‌ای در قرآن نیست مگر این که آن را بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قرائت کردم و معنای آن را به من تعلیم داد.<sup>۲</sup>

در بسیاری از روایات شیعه و سنی آیه «ومن عنده علم الكتاب»<sup>۳</sup> ... به حضرت علی علیه السلام تفسیر و تطبیق شده است از علمای اهل سنت حاکم حسکانی هفت روایت بر این مطلب آورده<sup>۴</sup> و از علمای شیعه سیدهاشم بحرانی در تفسیر برهان در تفسیر این کلمه ۲۵ روایت آورده است<sup>۵</sup> که در هفده حدیث این کلمه به امام علی علیه السلام اطلاق شده و در ۷ مورد به همه امامان معصوم تفسیر شده است که به تبع علی علیه السلام نیز یکی از آنهاست.

### ۸۸. قمر عالم تاب

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اذا فقدتم الشمس فاتوا القمر واذا فقدتم القمر فاتوا الزهرة فاذا فقدتم الزهرة فاتوا الفرقدین»؛ اگر خورشید را از دست دادید به سوی ماه بشتابید و اگر ماه پنهان شد به جانب زهره بروید اگر به زهره نتوانستید دست پیدا کنید به جانب فرقدین روید. فردی سؤال کرد یا رسول الله! شمس و قمر و زهره و فرقدان چیستند؟ آن حضرت فرمود: شمس آسمان هدایت، من هستم. قمر عالم تاب آسمان، ولایت

۱. حلیة اولیاء، ج ۱، ص ۶۵ (یکی از وجوه تقدیم خبر بر مبتدا افاده حصر است به این جهت تقدیم (عنده) بر علم الظاهر و الباطن در حدیث بالا دلالت بر اختصاص علم ظاهر و باطن قرآن به امام علی علیه السلام دارد).  
 ۲. بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۲۳۵ و ج ۲۶ ص ۱۱۱، ج ۶۹ ص ۸۱، و ج ۹۳، ص ۵۷.  
 ۳. رعد / ۴۳.  
 ۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۰، حدیث ۴۲۲.  
 ۵. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۰۲ - ۳۰۴.

علی بن ابیطالب (ع) است ستاره زهره در شب تاریک و ظلمانی، فاطمه (ع) است و فرقدان دو فرزندم حسن و حسین (ع) هستند.<sup>۱</sup>

### ۸۹. عابد شب زنده‌دار

ابن عباس در توضیح آیه ۱۷ ذاریات «کانوا قلیلاً من اللیل ما یهجعون...» گفت: این آیه در حق علی و حسن و حسین و فاطمه (ع) نازل شد. علی بن ابی طالب (ع) چنان بود که دو ثلث آخر شب را به نماز و مناجات و تلاوت قرآن مشغول بود و ثلث اول شب را استراحت می‌کرد. چون سحرگاهان فرا می‌رسید آن حضرت به دعا و استغفار مبادرت می‌کرد. در سیره امام علی (ع) وارد شده است که در هر شب هفتاد رکعت نماز و یک ختم قرآن در پایان آن نماز انجام می‌داد.<sup>۲</sup>

### ۹۰. خورشید خورشیدها

عبدالله بن عباس در تفسیر آیه کریمه بیان کرد، «والشَّمْسُ وضحیها» یعنی رسول الله (ص) که شمس و آفتاب در بین مردم است. «والقمر اذا تلیها» یعنی علی بن ابی طالب (ع) که قمر و مهتاب در کنار خورشید است. «والتَّهَارُ اذا جَلَّها» در آیه شریفه حسن و حسین (ع) هستند. «واللیل اذا یغشاها» یعنی بنی امیه که شب تاریک و ظلمانی هستند و در ظلمات جهل و گمراهی ماندند.<sup>۳</sup>

### ۹۱. آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری

روزی پیامبر اکرم (ص) در کنار قبرستان بقیع برای نماز حاضر شد و علی (ع) او را همراهی می‌کرد جعفر بن ابی طالب هم به آن حضرت پیوست، رسول اکرم (ص) فرمود: یا جعفر! در کنار برادرت علی (ع) بایست.

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۶۴.

۳. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۳۲.



هر سه به نماز ایستادند در پایان نماز رسول خدا به جعفر بن ابی طالب فرمود: یا جعفر! هم اکنون جبرئیل از جانب رب العالمین خبر آورد که برای تو در بهشت دو بال سبز رنگ از زبرجد و یاقوت قرار داده است که در صبح و شب به هر مکانی که بخواهی می توانی پرواز کنی.

امام علی علیه السلام گفت: یا رسول الله! این کرامت برای برادرم جعفر است اما برای من چه چیزی است؟

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی! خدای عزوجل طایفه ای از امتم را خلق کرده که تا روز قیامت برایت استغفار و طلب رحمت می کنند.

امام علی علیه السلام پرسید: آنان چه کسانی هستند؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خدای رحمان در کتاب مُنزل فرمود: «وَالَّذِينَ جَاؤا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِأُولَآئِ الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ»؛

یا علی! آیا احدی در ایمان از تو سبقت گرفته است نه تنها تو سابق در ایمان و اسلام هستی بلکه مؤمنان تا قیامت برای تو دعا و استغفار می کنند.<sup>۴</sup>

### ۹۲. صبر علی علیه السلام

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر سوره عصر فرمودند: «وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ» قسم به عصر که انسان در خسران و زیان است و بالاخص ابوجهل بن هشام که زیان بارتین آنان است.

«وتواصوا بالصبر» بدانید توصیه کننده به صبر علی بن ابیطالب علیه السلام است و این آیه در شأن آن بزرگوار است.<sup>۵</sup>

### ۹۳. محبتی واجب

درباره آیه شریفه «قُلْ لَا إِسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرَ إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»<sup>۶</sup> بیشتر مفسرین منظور از (قربى النبى) را خویشاوندان پیغمبر صلی الله علیه و آله می دانند که عبارتند از علی و فاطمه و حسن

۴. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۳۳ - حشر / ۱۰.

۵. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۸۰.

۶. شوری / ۲۳.

و حسین زمخشری در تفسیر کشاف خود در این باره می‌نویسد: پس از نازل شدن آیه فوق‌الذکر از پیغمبر اکرم ﷺ پرسیدند:

این اقوام تو که محبتشان بر ما واجب است چه کسانی هستند؟  
پیامبر اکرم ﷺ فرمود: علی علیه السلام، فاطمه و پسرانشان.

و در کتاب مسند احمد حنبل نیز روایت شده که از پیامبر ﷺ درباره کسان ذکر شده در این آیه پرسیدند؟

پیامبر فرمود: علی و فاطمه و ابناءها فخر رازی در تفسیر کبیر نیز همین روایت را آورده است.

#### ۹۴. نشانه نفاق

صاحب کتاب تنبیه الغافلین در ذیل آیه شریفه «ولتعرفنهم فی لحن القول (محمد ۳۰)» آورده که؛ اینکه منافقان در لحن قول شناخته می‌شوند یعنی لحن کینه‌آمیز آن‌ها نسبت به علی علیه السلام منظور می‌باشد.<sup>۱</sup>

#### ۹۵. مفسری ممتاز و اعلم

امام علی علیه السلام می‌فرماید: از من هر آنچه در مورد آیات الهی می‌خواهید پرسید چه این که تمام آیات الهی را می‌دانم که کی و کجا نازل شده است.

در فرازها و یا فرودها در روز و یا شب، خداوند به من قلبی فهمیم و زبانی گویا عنایت کرده است.<sup>۲</sup>

و در فرمایشی دیگر فرمود: به خداوند سوگند تمام آیات الهی را می‌دانم درباره چه و کجا نازل شده است پروردگار به من قلبی فهمیم و زبانی پرسنده بخشیده است.<sup>۳</sup>

#### ۹۶. امیر بی‌رقیب

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

۱. تنبیه الغافلین، ص ۱۷۷.

۲. غرر الحکم، حدیث ۵۶۳۲.

۳. بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۱۵۷.



تمام آیات الهی را بر رسول خدا ﷺ خواندم و پیامبر معانی آیات را به من تعلیم داد.<sup>۱</sup> و در روایتی دیگر فرمود: خداوند از میان اصحاب محمد ﷺ مرا به دانش ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عام ویژه ساخت و این متنی بود بر من و بر رسول خدا ﷺ.<sup>۲</sup>

### ۹۷. نشانه‌های علم در دست اوست

امام علی علیه السلام می‌فرماید: هر آیه‌ای را که خداوند به رسول خدا ﷺ فرو فرستاد آن را جمع کردم و تمام آیات را رسول خدا ﷺ بر من فرو خواند و تأویلش را به من آموخت.<sup>۳</sup>

### ۹۸. ریشه‌ای ربانی

همه بر این نکته تصریح و تأکید دارند که مصداق آیه شریفه: «من عنده علم الكتاب»<sup>۴</sup> امام علی بن ابیطالب علیه السلام است چنانچه رسول خدا ﷺ بر این نکته نیز تأکید ورزیده‌اند.<sup>۵</sup> اصحاب و آشنایان با قرآن مانند ابن عباس، سلمان فارسی، ابوسعید خدری، قیس بن سعد، محمد بن حنفیه و زید بن علی نیز این گونه گفته‌اند.<sup>۶</sup>

### ۹۹. صاحب اسرار وحی

امام علی علیه السلام می‌فرماید: هر آیه‌ای که نازل می‌شد پیامبر ﷺ شیوه قرائت آن را به من می‌آموخت. آن گاه املا می‌کرد و من می‌نوشتم سپس تأویل - تفسیر - ناسخ و منسوخ - محکم و متشابه آن را می‌آموخت و دعا می‌کرد که آن حقایق را دریابم و حفظ کنم و من پس از آن هیچ گاه آنچه را که دریافتم فراموش نکردم.<sup>۷</sup>

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳.

۲. الخصال، ص ۵۷۸.

۳. کتاب سلیم بن قیس هلالی، ج ۲، ص ۵۸۱.

۴. رعد / ۴۳.

۵. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۰، غایة المرام، ص ۳۵۸، باب ۶۰، حدیث ۱۱۲.

۶. ینابیع المودة، ج ۱، ص ۳۰۷ و احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۸۰ و (مرحوم علامه طباطبائی در ج ۱۱، ص ۳۸۶ نیز نظر بلندی در این باره دارند).

۷. کافی، ج ۱، ص ۶۴ - الخصال، ص ۲۵۷ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۴ - تحف العقول، ص ۱۹۶ - کمال الدین، ص ۲۸۴ - شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۸.

### ۱۰۰. مخزن اسرار الهی

امام علی علیه السلام می فرماید: «ذلك القرآن فاستنطقوه ولن ينطق ولكن اخبركم عنه: الا ان فيه علم ما يأتي والحديث عن الماضي ودواء دائكم ونظم ما بينكم... فلو سالتهموني عنه لعلمتكم...»  
 آن قرآن است از آن بخواهید تا سخن بگوید و هرگز سخن نگوید اما من شما را از آن خبر می دهم بدانید در قرآن علم آینده و سخن از گذشته ها و درمان درد شما و راه سامان دادن کارتان در آن است.  
 که اگر از آن همه بپرسید شما را آگاه می کنم.<sup>۱</sup>

### ۱۰۱. دریای عمیق، علی علیه السلام است

علامه سید عبدالحسین شرف الدین نوشته است.  
 علی علیه السلام پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله قرآن را بر اساس نزول جمع کرد و در آن به عام و خاص، مطلق و مقید محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ آیات اشاره کرد و اسباب نزول آیات را گزارش کرد و برخی از مواردی که فهم آن دشوار بود را توضیح داد...  
 بدین سان آنچه آن بزرگوار گرد آوردند به تفسیر قرآن شبیه تر بود.<sup>۲</sup>

### ۱۰۲. آزمایش فراگیر

امام علی علیه السلام فرمود: وقتی آیه ۲ سوره عنکبوت «**لم احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا امنا وهم لا يفتنون**» بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد از آن حضرت پرسیدم: یا رسول الله! این چه فتنه و آزمایشی است که در کلام خداوند سبحان ذکر شد؟  
 فرمود: «**يا علي! انك مُبتلى ومُبتلى بك**» تو مورد آزمایش واقع می شوی و مردم هم به سبب تو آزمایش می شوند و در فتنه می افتند و مفتون می شوند.<sup>۳</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸.

۲. این مصحف که به مصحف امام علی علیه السلام مشهور است اولین تفسیر مکتوبی است که در تاریخ اسلام آن هم توسط شخصی شخیص مانند امام علی علیه السلام گردآوری شده است. المراجعات، ص ۴۱۱.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۶۵.



### ۱۰۳. طریق الجنة

ابان بن ابی عیاش از سلیم بن قیس هلالی نقل کرده که امام علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آیه ۵۹ نساء «اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم» به من فرمود: اولی الامر که خدای متعال او را در کنار نام خویش و رسولش در آیه «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم» قرار داده است و در منازعات، خداوند مردم را به آن‌ها رجوع داده آیا می‌دانی چه کسانی هستند؟  
عرض کردم: یا رسول الله آن‌ها چه کسانی هستند؟  
فرمود: یا علی! تو اولین نفر از آن‌ها هستی.<sup>۱</sup>

### ۱۰۴. صفاتی ملکوتی

اصبغ بن نباته می‌گوید: از امیرالمؤمنین علی علیه السلام شنیدم که فرمود: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله دستم را گرفت و گفت: ای برادرم! آیا معنی کلام خداوند متعال (۱۹۵ آل عمران): «ثوابا من عند الله والله عنده حسن الثواب» و ۱۹۸ آل عمران «ما عند الله خیر للابرار» را می‌دانی؟  
عرض کردم: بفرمائید تا بدانم.  
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:  
«انت الثواب وشیعتک الابرار» تو ثواب هستی و شیعیانت ابرارند.<sup>۲</sup> و نیز فرمود: یک چهارم قرآن درباره ما (اهل بیت) نازل شده است.

### ۱۰۵. بحر پر گوهر

تسنیم نهری بهشتی است که مخصوص محبین امام علی علیه السلام است و امام علی علیه السلام نیز صاحب تسنیم می‌باشد. و در روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر دریاها مرکب، درختان قلم، جنیان حسابگر و انسان‌ها نویسنده باشند نمی‌توانند فضایل علی بن ابیطالب علیه السلام را شماره کنند و نیز فرمود: علی را جز من و خدا نشناختیم.

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۸۹.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۵۱.

## ۱۰۶. صراط سعادت

سلام بن مستنیر جعفری می گوید: روزی در منزل امام باقر (ع) خدمت امام رسیدم و عرض کردم فدایت شوم سؤالی دارم.

حضرت فرمود: از هر چه دوست داری سؤال کن.

گفتم: اجازه می فرمایی از مسائل قرآن بپرسم.

فرمود: سؤال کن پرسیدم معنی آیه شریفه: «هذا صراط علی مستقیم»<sup>۱</sup> چیست؟

فرمود: آن صراط، علی بن ابی طالب (ع) است.

پرسیدم: آیا صراط، علی بن ابیطالب منظورتان است؟

فرمود: بلی آن صراط، علی بن ابیطالب (ع) است.<sup>۲</sup> و در روایتی دیگر امام صادق (ع)

فرمود: صراط مستقیم وجود مقدس امیرالمؤمنین علی (ع) می باشد.

## ۱۰۷. صراط صعود

حضرت باقر (ع) روایت کرده اند که روزی رسول اکرم (ص) برای وضو گرفتن خود آب وضو طلب کردند و چون از وضو گرفتن فارغ شدند دست امیرالمؤمنین علی (ع) را گرفته

و به دست خود محکم چسبانیدند و گفتند: **اها انت منذر**، یعنی من دعوت کننده به سوی خدا هستم و سپس آن دست را به سینه امیرالمؤمنین برگردانده و گفتند: **ولکل قوم هاد**؛ و

برای هر دسته ای از جانب خدا هادی و رهبری است و بعد فرمودند: ای علی تو اصل و پایه دین خدا هستی و کانون تابش انوار ایمان و نهایت درجه هدایت و پیشوای مردمان

مؤمن متقی سپید پیشانی و نورانی چهره که آثار نورانیت از صورت و دست ها و پاهای آن ها در روز قیامت مشهود است می باشی و من این مطالب را درباره تو گواهی می دهم.

ثم قال: يا علي! «انت اصل الدين ومنار الايمان وغاية الهدى وقائد الغر المحجلين اشهد لك

بذلك»<sup>۳</sup>.

۱. فجر / ۴۰.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۷۸.

۳. غایة المرام، ص ۲۳۶، حدیث نهم.





### ۱۰۸. شاهی بی بدیل

امام علی علیه السلام در پاسخ به مردی که از برترین منقبت حضرت پرسیده بود فرمود: آن چیزی که خداوند در کتابش نازل فرموده است. آن مرد پرسید: چه چیزی درباره تو نازل شده است. امام فرمود: آیه «افمن كان علی بينة من ربه ويتلوه شاهد منه» فرمود: من هستم آن شاهد رسول خدا صلی الله علیه و آله.<sup>۱</sup>

### ۱۰۹. عملی نورانی

خوابیدن امام علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام تهدید جان آن حضرت به دفعات از جمله در شب لیلة المبیت انجام شد و آیه ۲۰۷ سوره بقره در شأن این عمل نورانی امام المتقین علی علیه السلام نازل شد و مورد تحسین کلام حق تعالی قرار گرفت.<sup>۲</sup>

قال الله تعالی فی سوره یوسف علیه السلام: «ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی»، بگو این است راه من که دعوت می کنم به سوی خدا از روی بصیرت؛ من و آن که متابعت کرد مرا.<sup>۳</sup>

یعنی: امیرالمؤمنین علیه السلام «وفی الصافی ای الدعوة الی التوحید: وعن الباقر علیه السلام علی اتبعه».<sup>۴</sup>

یعنی ان قوله: «ادعوا الی الله بیان لقوله: هذه سبیلی وان المراد من الموصول امیرالمؤمنین علیه السلام» و در تفسیر صافی است؛ یعنی دعوت به توحید و از امام باقر علیه السلام است که علی از او پیروی نمود یعنی این کلام خدا که «به سوی خدا» توضیحی است برای این سخنش که «این راه من است» و مراد از موصول امیرالمؤمنین علیه السلام است.

### ۱۱۰. آیه محبت و دوستی

در شواهد التنزیل روایات متعددی از براء بن عازب و ابورافع و جابر بن عبدالله انصاری و ابن عباس و ابوسعید خدری و محمد بن حنفیه<sup>۵</sup> به طرق مختلف نقل شده است که

۱. بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۳۸۷.

۲. بحارالانوار، ج ۴۱.

۳. یوسف / ۱۰۸.

۴. تفسیر صافی ملامحسن فیض کاشانی ذیل آیه ۱۰۹ سوره یوسف.

۵. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۶۵، حدیثهای ۵۰۴ - ۴۸۹ - ۴۹۰ - ۵۰۵ تا ۵۰۹.

اشاره کرده آیه شریفه «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا»<sup>۱</sup> درباره‌ی علی بن ابیطالب علیه السلام است و خداوند محبت او را در دل هر فرد با ایمانی جای داده است. ابوسعید خدری می‌گوید:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: ای ابوالحسن! بگو خداوندا برای من نزد خودت عهد و پیمانی قرار ده و محبت مرا در دل‌های مؤمنان بیفکن در این هنگام آیه «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات...» نازل شد سپس افزود: به همین جهت فرد با ایمانی را ملاقات نمی‌کنیم مگر این که در دل او محبت علی بن ابیطالب علیه السلام است.

زمخشری در تفسیر کشاف ج ۳ ص ۴۷ و ابن جوزی در تذکره ص ۲۰ و گنجی و شافعی و قرطبی<sup>۲</sup> در تفسیر خود و طبری در ذخائر العقبی ص ۸۹ و ابن صباغ مالکی در فصول المهمه ص ۱۰۶ و سیوطی در تفسیر در المنثور ج ۴ ص ۲۸۷ و هیثمی در صواعق ص ۱۷۰ و ثعلبی در تفسیر خود طبق نقل احقاق الحق ج ۳ ص ۸۳ و ابن صبان در اصعاف الراغبین ص ۱۱۸ و ابوعلی فضل بن حسن طبرسی در تفسیر جوامع الجامع ج ۴ ص ۶۶ این حدیث را آورده‌اند.

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام روایت شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آخر نماز خود با صدای بلند به طوری که مردم می‌شنیدند در حق امیرمؤمنان علی علیه السلام چنین دعا می‌کرد: خداوندا محبت علی علیه السلام را در دل‌های مؤمنان بیفکن و هم چنین هیبت و عظمت او را در دل‌های منافقان، در این هنگام آیه محبت نازل شد.<sup>۳</sup>

### ❖ ۱۱۱. آیه انفاق ❖

ابن عباس می‌گوید: آیه ۲۷۴ بقره: «الذین ینفقون اموالهم باللیل و النهار سرا و علانیة» درباره‌ی امام علی علیه السلام نازل شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «ما حملک علی هذا؟» یعنی: چه چیز تو را بر این کار واداشت؟!

امام علی علیه السلام عرض کرد: «حملنی علیها رجاء ان استوجب علی الله ما وعدنی؛» یعنی برای این بود تا استحقاق وعده‌ای که خدا به من داده است را پیدا کنم.

۱. مریم / ۹۶.

۲. تفسیر قرطبی، ج ۴ ص ۴۲۰.

۳. تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۶۳.



پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «**الا ذلك لك**»؛ یعنی آگاه باش که آن وعده درباره‌ی تو تحقق یافت در این هنگام آیه انفاق نازل شد حدیث فوق را حاکم حسکانی در شواهد التنزیل ج ۱ ص ۱۰۹ به اضافه هفت حدیث دیگر به همین مضمون از طرق مختلف آورده است و سیوطی در تفسیر الدر المنثور ج ۱ ص ۳۶۳ همین مضمون را از ابن عباس نقل می‌کند این روایت در ذخایر العقبی ص ۸۸ و در نور الابصار ص ۱۰۵ و قندوزی در ینابیع المودة ص ۹۲ و ابن اثیر در اسدالغابه ج ۴ ص ۲۵ و ابن حجر در الصواعق المحرقة ص ۷۸ و واحدی در اسباب النزول ص ۶۴ و در کفایة الطالب علامه گنجی ص ۱۰۸ و قرطبی در تفسیرش ج ۲ ص ۱۱۵ و ابن جوزی در تذکره الخواص ص ۱۷ جملگی آورده‌اند.

### ❖ ۱۱۲. نور زمین و آسمان ❖

در تفسیر آیه شریفه «**یجعل لکم نورا تمشون**» در سوره حدید آیه ۲۷ امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «**من تمسک بولاية علی فله نور**» کسی که به ولایت علی علیه السلام تمسک جوید نور و روشنایی (دنیا و آخرت) دارد.<sup>۱</sup>  
و در تکمیل مطلب، ابوسعید خدری نقل می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به خدا سوگند هیچ بنده‌ای اهل بیت مرا دوست نمی‌دارد مگر این که خداوند عزوجل در قیامت نوری به او می‌دهد تا در کنار حوض کوثر نزد من آید.<sup>۲</sup>

### ❖ ۱۱۳. شعله شوق ❖

در تفسیر آیه «**یوتکم کفلین من رحمته**» از ابن عباس روایت شده منظور حسن و حسین علیهما السلام هستند که خداوند آن‌ها را به علی علیه السلام مرحمت فرموده است و منظور از آیه «**یجعل لکم نورا تمشون**» امام علی بن ابیطالب علیه السلام است و او نور امت اسلام و مایه هدایت آن‌ها است.<sup>۳</sup>

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۲۸.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۲۸.

۳. حدید / ۲۷.

این روایت از جابر بن عبدالله نیز نقل شده که گفت: پیامبر اکرم (ص) به همان شکل این آیه را تفسیر کرده‌اند.<sup>۱</sup>

### ۱۱۴. پیشگامان سعادت خواه

ابن عباس از رسول خدا (ص) تفسیر آیه شریفه: «**وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقْرَبُونَ...**»<sup>۲</sup> پرسید: رسول خدا (ص) فرمود: آن اشاره به علی (ع) و شیعیان او دارد که پیشگام در رفتن به بهشت هستند.<sup>۳</sup>

و در تفسیر نورالثقلین در ادامه این حدیث آمده است و «آن‌ها» مقربان درگاه خدایند به خاطر احترامی که خدا برای آن‌ها قائل شده است.<sup>۴</sup>

### ۱۱۵. اقراری به حق

کتاب ابطال نهج الحق نوشته قاضی روزبهان است که در رد کتاب نهج الحق نوشته علامه حلی می‌باشد و نویسنده این کتاب در مسائل مربوط به امامت و خلافت تعصب خاصی دارد لیکن هنگامی که او در مقام پاسخ‌گویی به علامه کبیر حلی در مورد آیه «**وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقْرَبُونَ**» بر می‌آید، (علامه حلی در کتاب خود از طریق اهل سنت از ابن عباس نقل می‌کند: **سابق هذا الامة علی بن ابیطالب**، پیشگام این امت در ایمان علی بن ابیطالب است) در همان کتاب مورد اشاره چنین می‌نویسد: این حدیث در روایات اهل سنت آمده است ولی به عبارت: **سباق لامة ثلاثه: مؤمن آل فرعون و حبیب النجار و علی بن ابیطالب**؛ سپس می‌افزاید شک نیست که علی پیشقدم در اسلام بود و سابقه و فضایل بی‌شماری داشت ولی این‌ها دلیل بر امامت او نمی‌شود!!!

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۷۸، حدیث ۹۴۴.

۲. واقعه / ۱۰.

۳. شواهد التنزیل، ص ۲۱۵، ج ۹۲۷.

۴. تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۰۶ و تفسیر الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۵۴ و همین روایت در کتاب العمده ابن مغزالی و سبط بن جوزی در کتاب تذکره و ابن کثیر در تفسیر خود و ابن حجر در صواعق و علامه شوکانی در فتح‌القدیر و شیخ سلیمان قندوزی در ینابیع‌الموده و در احقاق‌الحق، ج ۳، ص ۱۱۴ این روایت را آورده است.



۱۱۶. فضیلتی استثنائی

تقریباً تمام مفسران و مورخان اتفاق نظر دارند که در سال نهم هجری هنگامی که آیات برائت نازل شد و پیمان‌های این گروه از مشرکان را نقض کرد پیامبر اکرم ﷺ ابوبکر را برای ابلاغ این فرمان انتخاب نمود تا به هنگام حج در مکه آن را برای مردم بخواند. اما احمد حنبل، امام معروف اهل سنت در کتاب مسند خود (که یکی از کتب معروف حدیثی نزد آن‌ها است) چنین آورده: پیامبر اکرم ﷺ سوره برائت را با ابوبکر به سوی اهل مکه فرستاد تا اعلام کند که بعد از آن سال هیچ مشرکی حق حج خانه خدا را ندارد و هیچ کس نباید به صورت عریان و برهنه طواف خانه خدا کند. ولی پس از آن که ابوبکر به راه افتاد پیامبر خدا ﷺ به علی ﷺ فرمود: خود را به ابوبکر (در وسط راه مکه و مدینه) برسان و ابوبکر را به سوی من باز گردان و خود سوره برائت را ابلاغ کن وقتی ابوبکر نزد رسول خدا ﷺ رسید عرض کرد: آیا چیزی بر علیه من نازل شده که من نباید سوره را ابلاغ کنم.

پیامبر اکرم ﷺ به او فرمود: «امرت ان لا یبلغه الا انا و رجل منی» من مأمور شده‌ام که این سوره را ابلاغ نکنم مگر خودم یا مردی از اهل خودم.<sup>۵</sup> اما ترمذی در سنن خود همین حدیث را در بحث تفسیر القرآن از انس بن مالک به نحو دیگری نقل می‌کند که پیامبر ﷺ به ابوبکر فرمود:

«لا ینبغی لاحد ان ینبغ هذا الا رجلاً من اهلی مذعاً علیاً قاعطاه ایه». سزاوار نیست بر احدی که این سوره برائت را ابلاغ کند مگر مردی از خاندانم سپس علی ﷺ را فرا خواند و سوره را به او داد.<sup>۶</sup>

این روایت را سیوطی در الدر المنثور از عبدالله بن احمد حنبل و ابن مردویه و سعدابی و قاص و ابوسعید خدری و ابورافع از علی ﷺ نیز نقل می‌کند و می‌آورد که رسول خدا فرمود: «انه لا یؤدی عنی الا انا و رجل منی» کسی از سوی من ادای مطلب نمی‌کند مگر من یا مردی از خاصان من.<sup>۷</sup>

اما حاکم حسکانی در شواهد التنزیل حدود دوازده روایت در مورد همین مطلب از

۵. مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۳.

۶. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۷۵، حدیث ۳۰۹۰.

۷. تفسیر الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۰۹ و ۲۳۱.

انس بن مالک و ابن عباس و سعد و ابوسعید خدری و ابوهریره و غیره از آن‌ها نقل کرده است<sup>۱</sup> و مرحوم علامه امینی فرهنگبان شیعی بزرگ در کتاب شریف و وزین الغدیر آورده که این حدیث (ابلاغ سوره برائت) متواتر، بلکه نزد بعضی مافوق حد تواتر است آن‌گاه نام ۷۳ نفر از دانشمندان اهل سنت که این حدیث را در کتب خود ذکر کرده‌اند به طور مشروح و با ذکر نام کتب آن‌ها بر می‌شمارد.<sup>۲</sup>

اما آلوسی در تفسیر روح المعانی هنگامی که این حدیث را ذکر می‌کند می‌گوید این خبر به طور خلاصه دلالت بر فضیلت علی علیه السلام ... دارد.<sup>۳</sup>

### ۱۱۷. مؤذن خدا

امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به هنگام بازگشت از میدان جنگ نهروان مطلع شد معاویه آشکارا او را دشنام می‌دهد و یارانش را به قتل می‌رساند. حضرت برخاست و خطبه‌ای ایراد کرد و در ضمن آن فرمود: ندا دهنده در دنیا و آخرت منم همان گونه که در سوره اعراف آیه ۴۴ خداوند می‌فرماید: «فأذن مؤذن بینهم ان لعنته الله علی الظالمین»؛ به هنگام حج باید از طرف خدا و پیامبر این صدا به گوش مردم برسد...» آن مؤذن نیز من بودم.<sup>۴</sup>

### ۱۱۸. مهرویان عرشی نسب

در شواهد التنزیل از سلمان فارسی در تفسیر آیه شریفه: «مرج البحرين یلتقیان - بینهما برزخ لایبغیان - فبای الاریکما تکذبان - یخرج منهما اللؤلؤ والمرجان»<sup>۵</sup>. چنین نقل شده است که منظور، علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیهما السلام است سپس می‌افزاید؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: منظور از «یخرج منهما اللؤلؤ والمرجان» حسن و حسین علیهما السلام است.<sup>۶</sup>

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۳۲ تا ۲۴۳، حدیث ۳۰۹ تا ۳۲۵.

۲. الغدیر، ج ۶ ص ۳۴۱ به بعد.

۳. روح المعانی، ج ۱، ص ۴۷. (آلوسی در تفسیر خود شدیداً فضایل امام علی علیه السلام را نفی می‌کند ولی در اینجا به اقرار آمده و این فضیلت امام را بیان نموده است).

۴. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۷.

۵. الرحمن / ۱۹ تا ۲۲.

۶. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۰۹، حدیث ۹۱۹.



## ۱۱۹. خیر البریه

علی علیه السلام می‌فرماید: در حالی که سر مبارک پیامبر نزد گوش من قرار گرفته بود (در حین ارتحال) ... به من فرمود: یا علی! سخن خداوند متعال را می‌بینی؟ «ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه»؛

یعنی کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای نیک انجام دادند اینان بهترین خلق هستند.

سپس پرسید یا علی! آیا می‌دانی آن‌ها چه کسانی هستند؟ (اشاره شد در آیه فوق) عرض کردم: خدا و پیامبرش داناتر است.

فرمود: آن‌ها شیعیان و یاران تو هستند وعده‌گاه من و وعده‌گاه آنان در روز قیامت کنار حوض کوثر است.

وقتی که امت‌ها به زانو در می‌آیند (در قیامت) و مردم به خدا عرضه می‌شوند و مردم به سوی چیزی که ناچارند خوانده می‌شوند خداوند تو و شیعیانت را می‌خواند شما با نورانیت مواضع وضو<sup>۱</sup> می‌آئید در حالی که سیر و سیراب هستند.<sup>۲</sup>

## ۱۲۰. ویژگی ربانی

در ینابیع الموده از ثعلبی و ابن مغازلی از عبدالله بن عطا روایت می‌کند که با محمد بن علی علیه السلام در مسجد بودم فرزند عبدالله بن سلام را دیدم، گفتم: این فرزند کسی است که علم‌الکتاب نزد اوست؟<sup>۳</sup>  
امام فرمود: این آیه درباره علی بن ابیطالب علیه السلام است.<sup>۴</sup>

۱. مواضع وضو یعنی صورت و دست‌ها و جای مسح و سر و پا؛ این اشاره به یکی از القاب حضرت علی علیه السلام است قائد غرالمحجلین، به این معنی که: قائد یعنی رهبر، غر: به گاوی می‌گویند که تمام بدنش سیاه است ولی پیشانی‌اش سفید است و محجل به اسبی گفته می‌شود که دستهایش سفید می‌باشد و این کنایه‌ای است به این که امام علی علیه السلام رهبر کسانی که اهل وضو گرفتن هستند.

۲. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۴۹۸.

۳. بعضی معتقدند که عبدالله بن سلام صاحب این فضیلت است.

۴. درلمنثور، ج ۴، ص ۶۹.

## ۱۲۱. مظهر رحمت خداوند

در تفسیر آیه ۱۰۵ بقره: «والله یختص برحمته من یشاء»<sup>۱</sup> از امام صادق (ع) روایت شده که مختص رحمت خدا؛ رسول خدا و جانشینان او (ع) هستند.

سپس حضرت فرمودند: به راستی که خداوند رحمتش را به صد قسمت تقسیم فرموده و نود و نه قسمت آن را نزد خود برای محمد (ص) و علی (ع) و عترت آن‌ها (ع) ذخیره فرموده و یک قسمت دیگر را بین تمام موجودات گسترانیده است.<sup>۲</sup>

## ۱۲۲. عامل آیه نجوا

درباره وجوب صدقه قیل از نجوا کردن با پیامبر اکرم (ص) آیه‌ای در قرآن کریم نازل شده است پیامبر اکرم (ص) درباره تعیین مقدار این صدقه با علی (ع) مشورت کرد.<sup>۳</sup> پیامبر (ص) فرمود: دینار را چگونه می‌بینی؟ علی (ع) عرض کرد: مردم توانایی آن را ندارند.

فرمود: نصف دینار چطور؟

عرض کرد: توانایی آن را هم ندارند.

فرمود: پس چه اندازه باشد خوب است.

عرض کرد: شعیره (به اندازه وزن یک جو طلا).

پیامبر اکرم (ص) فرمود: **انک لزهید؛ یعنی مقدار آن را کم گفתי.**

چیزی نگذشت که آیه شریفه «اشفقتم...»<sup>۴</sup> نازل شد.

و حکم سابق نسخ شد.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: به وسیله من خداوند به این امت تخفیف داد و بار آن‌ها را سبک کرد.<sup>۵</sup>

۱. بقره / ۱۰۵.

۲. تأویل الایات، ج ۱، ص ۷۷.

۳. مجادله / ۱۲.

۴. مجادله / ۱۳.

۵. الدرالمختور، ج ۶، ص ۱۸۵.





این روایت را زمخشری در کشاف ج ۴ ص ۴۹۴ و همچنین قرطبی در تفسیر الا  
جامع لاحکام القرآن ج ۹ و طبرسی در مجمع البیان ج ۹ و در تفسیر روح المعانی آوردند.

### ۱۲۳. کشفی عرفانی

عارف کبیر شیخ جعفر مجتهدی می فرماید: در ایام اقامت در نجف اشرف یک روز  
که مشغول تلاوت قرآن بودم به این آیه برخورد نمودم: «کل نفس بما کسبت رهینه الا  
اصحاب الیمین».

به فکر افتادم که اصحاب الیمین چه کسانی هستند که در روز قیامت همه در گرو  
اعمالشان می باشند الا آن‌ها؟

هرچه جستجو کردم و مراجعه نمودم متوجه این مطلب نشدم تا این که خدمت  
حضرت مولا علی علیه السلام رسیدم به آقا عرض کردم مولای من! اصحاب یمین چه کسانی  
هستند که در گرو عملشان نمی باشند؟

حضرت فرمود: شیخ جعفر شما که اهل حساب و عدد (ابجد) هستید چطور کلمه  
یمین را حساب نکردید؟

سپس هنگامی که کلمه یمین را حساب کردم متوجه شدم که عدد ۱۱۰ حاصل  
است در آن موقع فهمیدم که «کل نفس بما کسبت رهینه» الا شیعیان حضرت علی علیه السلام یعنی  
در قیامت همه گرفتار حساب و کتاب اعمالشان هستند مگر شیعیان و پیروان حضرت  
امیرالمؤمنین علیه السلام که به عنایت و شفاعت حضرت مولا حساب و کتابی بر آن‌هاست.<sup>۱</sup>

### ۱۲۴. حبل الله کیست؟

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد میان اصحاب نشست بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اکنون کسی  
از در وارد می شود که اهل بهشت است پس از چند لحظه مرد بلند قامتی که به اهالی  
مصر شبیه بود وارد شد و عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله این که خداوند می فرماید:  
«واعتصموا بحبل الله جمعیاً ولا تفرقوا» مقصود از حبل الله کیست؟ حضرت با دست مبارک

۱. لاله‌ای از ملکوت، ص ۵۴.

خود به علی (ع) اشاره نمود و فرمود این است جبل الله هر که بدین شخص تمسک جوید در دنیا و آخرت گمراه نگردد آن مرد علی (ع) را بغل نمود و بوسید و از مسجد خارج شد.<sup>۱</sup>

### ❖ ۱۲۵. سخنگو با زمین ❖

حسین بن علی (ع) فرمود: سوره «اذا زلزلت الارض» را می خواندم چون به این آیه رسیدم «وقال الانسان مالها يومئذ تحدث اخبارها» پدرم فرمود: آن انسانی که از زمین سؤال می کند و زمین با او سخن می گوید منم. و در روایتی دیگر در تفسیر نورالثقلین ج ۵ نیز این گونه آمده است.

### ❖ ۱۲۶. دلیل پاکی ها ❖

جابر جعفی روایت کرده که او گفت: من از امام باقر (ع) در تفسیر آیه ۱۱ سوره انفال «وينزل عليكم من السماء ماء ليطهركم به...» پرسیدم؟ امام فرمود: مراد از «سما» در باطن آیه حضرت رسول (ص) است و مراد از «ماء» علی بن ابیطالب (ع) است... «ليطهركم به» این است که پاک می گرداند خدایتعالی به سبب علی بن ابیطالب دل کسی را که به جان و دل قبول ولایت آن حضرت کرده باشد...<sup>۲</sup>

### ❖ ۱۲۷. لطف جاری و جاوید ❖

عبدالله بن ابان که در نزد حضرت امام رضا (ع) اعتبار تام داشت نقل کرده: من از آن حضرت التماس دعا برای خود و برای اهل بیت خود کردم. امام فرمود: بدون استدعای تو، من تو را دعا می کنم به خدا قسم که اعمال شما در هر شب و روز بر من عرضه می شود عبدالله گفت: من این کلام را عظیم دانستم پس حضرت فرمود: آیا تو کتاب خدای تعالی را نخوانده ای که فرموده: «وقل اعملوا فیسری الله

۱. تفسیر جامع، ذیل آیه مذکور.

۲. تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ذیل آیه مذکور.



عملکم ورسوله والمؤمنون» و بعد از این فرمودند:... اولین مؤمن حضرت امیرالمؤمنین است و دیگر فرزندان او<sup>۱</sup>.

### ❖ ۱۲۸. ابراز و اظهار کن ❖

سعید بن جبیر از ابن عباس چنین نقل می‌کند:  
 هنگامی که آیه «قل لاسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربى...»<sup>۲</sup>  
 بر پیامبر خدا ﷺ نازل شد اصحاب به پیامبر ﷺ عرض کردند: ای رسول خدا این‌ها چه کسانی هستند که خداوند ما را به محبت آن‌ها امر می‌فرماید؟  
 پیامبر اکرم ﷺ فرمود: آن‌ها حضرت علی ﷺ و فاطمه زهرا ﷺ و فرزندان آن دو می‌باشند.<sup>۳</sup>

### ❖ ۱۲۹. رعایت حق اهل بیت ❖

سیوطی در تفسیر الدر المنثور از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ در تفسیر آیه ۲۳ شوری فرمود:  
 «ان فی اهل بیتی وتودوهم بی» منظور این است که حق مرا در اهل بیتم حفظ کنید و آن‌ها را به خاطر من دوست دارید.<sup>۴</sup>  
 احمد حنبل در فضائل الصحابه از سعید بن جبیر از عامر نقل می‌کند: هنگامی که آیه ۲۳ شوری نازل شد پیامبر در پاسخ به سؤال مردم فرمود: «علی و فاطمه و ابناهما و قالها ثلاثة» آن‌ها علی و فاطمه و دو پسر او هستند و این سخن را سه بار تکرار کرد.<sup>۵</sup>

### ❖ ۱۳۰. اولین حق و آخرین حقیقت ❖

حاکم حسکانی در شواهد التنزیل چندین روایت از محمد بن فرات و محمد بن سهل

۱. اصول کافی - توبه / ۱۰۵.

۲. شوری / ۲۳ (موده از ماده وُد می‌باشد و آن محبت و دوستی را گویند که باید به زبان آید و ابراز شود به محبتی که صرفاً در قلب انسان پنهان باشد «ود» گفته نمی‌شود).

۳. شواهد التنزیل حاکم حسکانی، ج ۲، ص ۱۳۰ تا ۱۳۵.

۴. در المنثور، ج ۶ ص ۷.

۵. احقاقی الحق، ج ۳، ص ۲.



و علی بن عباس از جعفر بن الصادق علیه السلام نقل می کند که در تفسیر آیه شریفه: «وقلیل من الاخرین»<sup>۱</sup>

فرمود: منظور از این آیه شخص امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است.<sup>۲</sup>

### ۱۳۱. رکن اعظم

ابن عباس می گوید: «ما نزل فی احد من کتاب الله ما نزل فی علی علیه السلام» برای هیچ کسی به اندازه علی علیه السلام در قرآن آیه نازل نشده است.<sup>۳</sup>

### ۱۳۲. سرور مومنان

عکرمه از ابن عباس چنین آورده: «ما فی القرآن آیه «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» الا وعلی امیرها و شریفها...» در قرآن کریم هر آیه ای با عنوان الذین آمنوا و عملوا الصالحات ذکر شده است علی علیه السلام امیر آن مؤمنان و شریف ترین آن صالحان است و از اصحاب محمد صلی الله علیه و آله کسی نیست که مورد عتاب خدای سبحان قرار نگرفته باشد مگر علی بن ابیطالب علیه السلام که همیشه به خیر و نیکویی توصیف شده است.<sup>۴</sup>

### ۱۳۳. حقیقت عالم

از عبدالله بن مسعود روایت شده که گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای عبدالله فرشته ای نزد من آمد و گفت: یا رسول الله: «سل من ارسلنا من قبلك من رسلنا»<sup>۵</sup> بپرس از پیامبرانی که قبل از تو فرستادیم به چه دلیلی مبعوث شده اند؟ گفتیم: به چه دلیلی فرستاده شدند؟ گفت: برای ولایت تو و ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام.<sup>۶</sup>

۱. واقعه / ۱۴.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۱۸، حدیث ۹۳۲ تا ۹۳۵.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۲.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۰.

۵. زخرف / ۴۳.

۶. مائة منقبة، حدیث ۷۳ و ترجمه امام علی ابن عساکر، ج ۲، ص ۹۷.



### ۱۳۴. باطن قرآن

روزی مردی از امام حسین علیه السلام از معنای «کهیصص» سؤال کرد حضرت در پاسخ او فرمود: اگر آن را برای تو تفسیر کنم بر آب راه روی<sup>۱</sup> و آن حضرت در تفسیر آیه شریفه «تراهم رکعا سجدا»<sup>۲</sup> آنان را در حال رکوع و سجود بسیار می بینی» فرمود: این آیه شریفه در شأن علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده است<sup>۳</sup> و در روایتی دیگر حارث بن عبدالله اعور به امام حسین علیه السلام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله از تفسیر کلام خدا که فرمود: سوگند به آفتاب و تابش هنگام بر آمدنش «والشمس وضحیها» مرا آگاه فرما! حضرت فرمود: ای حارث! منظور از آفتاب محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست گفت: عرض کردم فدایت شوم قسم به ماه آن گاه که از پی آفتاب بر آید «والقمر اذا تلاها» فرمود: مراد از ماه امیرمؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام است که از پی محمد صلی الله علیه و آله می آید.

گوید: عرض کردم سوگند به روز هنگامی که جهان را روشن سازد «والنهار اذا جلیها» فرمود: مراد از روز قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است که گستره زمین را پر از روشنایی عدل و داد می سازد.

علامه مجلسی افزوده است که سوگند به شب وقتی که جهان را در سیاهی کشد «واللیل اذا یغشها» فرمود: بنی امیه است.<sup>۴</sup>

### ۱۳۵. حقیقت قرآن

عن عبدالرحمن بن ابی لیلی قال: «نزلت فی علی علیه السلام ثمانون آیه صفوا فی کتاب الله عزوجل ما شرکه فیها احد من هذه الامة» عبدالرحمن بن ابی لیلی گوید: درباره ی علی هشتاد آیه خالص قرآن نازل شده که هیچ کس از امت در آن ها با علی علیه السلام شرکت نداشت. و مجاهد گوید: هفتاد آیه درباره علی علیه السلام فرود آمد که هیچ کس در فضیلت آن ها با او شریک نیست.<sup>۵</sup>

۱. احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۴۳۲.

۲. فتح / ۲۹.

۳. بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۲۰۳.

۴. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۷۹.

۵. خصال، ص ۷۰۲ و ۷۱۵.

### ۱۳۶. آئینه ایزدنا

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بدانید و آگاه باشید علمی را که خداوند به آدم و تمام پیغمبران الهی تا حضرت خاتم الانبیاء از آسمان نازل فرمود در نزد من و عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد.<sup>۱</sup>

### ۱۳۷. امام، مظهر اسم اعظم

در ذیل آیه ۱۰۸ یوسف «قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی...» ابی جارود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: مراد از کلمه انا، نفس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است و منظور از «من اتبعنی» علی بن ابیطالب و آل محمد علیهم السلام است.<sup>۲</sup>

### ۱۳۸. برتر از انبیاء

صاحب کتاب بصائر الدرجات به سند خود از عبدالله بن بکیر و او از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده گفت: در حضور آن حضرت راجع به حضرت سلیمان و سلطنت و مقام علمی و منزلتش بحث و مذاکره شد.

امام فرمود: خداوند به سلیمان فقط یک حرف از اسم اعظم را عطا فرموده بود ولی مصاحب شما (یعنی خود آن حضرت) کسی است که خداوند درباره اش می فرماید: «قل کفی بالله شهیدا بینی و بینکم ومن عنده علم الکتاب»<sup>۳</sup> سپس فرمود: به خدا قسم علم کتاب نزد امیرالمؤمنین علیه السلام و ما ائمه می باشد عرض کردم: فدایت شوم راست فرمودید.<sup>۴</sup>

### ۱۳۹. افضل اول و اعلم

در کافی ذیل آیه شریفه: «قل کفی بالله شهیدا»<sup>۵</sup>.

۱. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۴۱۶.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۷۳.

۳. رعد / ۴۳.

۴. بصائر الدرجات، ص ۲۱۳.

۵. رعد / ۴۳.



از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: در این آیه خداوند به ما نظر داشته ولی بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله علی امیرالمؤمنین علیه السلام اول و افضل و اعلم و بهتر از ماست.

### ❖ ۱۴۰. رکن علم نبی ❖

این شهر آشوب از تفسیر و کیع و تفسیر سفیان و تفسیر سدی و تفسیر ابی صالح که هر چهار تفسیر از منابع اهل سنت است روایت کرده که عبدالله بن عمر این آیه<sup>۱</sup> را در حضور امیرالمؤمنین علیه السلام قرائت کرد و به امام عرض کرد:

شما رکن مهم علم و دانش هستید و با وفات شما رکن ایمان ناقص خواهد شد. خداوند در آیه ۴۳ همین سوره می فرماید: کافران می گویند که تو پیامبر نیستی بگو خدا و هر کسی که از کتاب آگاهی داشته باشد به شهادت میان من و شما کافی است، خداوند در این آیه در حالی که امام علی علیه السلام ۱۳ ساله است امام را شاهد نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داده و روایات زیادی است آن کسی که تمام علم کتاب در نزد اوست امام علی علیه السلام نامیده شده است لذا با توجه به این که این سوره مکی است و در مکه نازل شده امام علی علیه السلام در آن وقت صاحب همه علم کتاب بوده و خداوند او را شاهد نبوت نبی خود معرفی می نماید.

### ❖ ۱۴۱. زمین خبر می دهد ❖

امام باقر علیه السلام فرمود: در حضور امیرالمؤمنین تلاوت شد: «اذا زلزلت الارض زلزالها» امام فرمود: منم آن انسان و زمین خبرهایش را به من می دهد.<sup>۲</sup>

### ❖ ۱۴۲. دارای علم الهی ❖

امام علی علیه السلام فرمود: اگر نبود آیه شریفه «يُحَوَّلُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ ام الكتاب»<sup>۳</sup> در قرآن، هر آینه خبر می دادم به هر چه واقع خواهد شد تا روز قیامت.<sup>۴</sup>

۱. اوام، يروا انا ناتي الارض ننقصها من اطرافها والله يحكم لامعقب لحكمه وهو سريع الحساب. رعد / ۴۱.

۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۴۹.

۳. رعد / ۳۹.

۴. تفسیر جامع، ج ۳، ص ۴۱۳.

### ۱۴۳. کلامی که به خشم پیامبر (ص) انجامید

ابن شاذان در کتاب مناقب امیرالمؤمنین یکصد منقبت و فضیلت از آن امام ذکر کرده است او در منقبت و فضیلت هشتاد و پنج روایت نموده که حضرت باقر (ع) فرمود: پدرم امام زین العابدین (ع) فرمودند:

روزی عمرین خطاب در حضور رسول خدا (ص) از جای خود برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! شما همیشه درباره‌ی علی بن ابیطالب (ع) می‌فرمایید: «انت منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لانی بعدی» تو ای علی! به منزله هارون نسبت به موسی در نزد من هستی جز آن که پس از من نبوت وجود نخواهد داشت. سپس ادامه داد که مقام هارون و موسی در قرآن بیان گردیده ولی برای علی (ع) در قرآن ذکری نشده است.

رسول خدا (ص) از گفتار عمر سخت غضبناک شد و فرمودند: ای عرب خشن، ای غلیظ! سخن خداوند را که در قرآن می‌فرماید: «هذا صراط علی مستقیم»<sup>۱</sup> را نشنیده‌ای؟<sup>۲</sup>

### ۱۴۴. کسب رضایت خداوند

امام علی (ع) فرمود: من نخستین کسی هستم که زیر درخت با رسول خدا (ص) بیعت کرد و خدا فرمود: خداوند از مؤمنان آن گاه که زیر درخت با تو بیعت می‌کردند خشنود شد<sup>۳</sup> «لقد رضی الله عن المؤمنین اذا بیایعونک تحت الشجرة».

### ۱۴۵. عابد بی‌بدیل

قال الامام الحسین (ع): «تراهم رکعاً سجداً»<sup>۴</sup> نزلت فی علی بن ابیطالب (ع) «امام حسین (ع) فرمود: این آیه درباره علی بن ابیطالب (ع) نازل شد. یعنی علی (ع) را همواره در رکوع و سجود می‌نگرید که در شبانه روز هزار رکعت نماز می‌خواند»<sup>۵</sup>.

۱. حجر / ۴۱.

۲. بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۵۹.

۳. تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۹۴.

۴. فتح / ۲۹.

۵. مناقب ابن‌شهر آشوب، ج ۲، ص ۱۵ - بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۲۰۳.





### ۱۴۶. در ده آیه، مؤمن خوانده شده

امام حسین علیه السلام به ولیدبن عقبه لعنه الله علیه فرمود: تو چه کسی هستی ای ولیدبن عقبه؟! سوگند به خدا تو را سرزنش نمی کنم که چرا نسبت به علی علیه السلام بغض و کینه داری زیرا علی علیه السلام تو را هشتاد و پنج تازیانه زد<sup>۱</sup> و پدرت را در جنگ بدر با دست خودش به شکیبایی کشت.

تو چگونه علی را دشنام می دهی در حالی که خداوند در ده آیه از قرآن او را مؤمن نامید و تو را در قرآن فاسق معرفی فرمود: «ان جاءکم فاسق ببناء فتبینوا ان تصیبا قوما بجهالة فتصحبوا علی ما فعلتم نادمین»<sup>۲</sup>.

### ۱۴۷. شأن انبیائی علی

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که سوار بر اسب بود از شهر مدینه خارج شد ناگاه دید که امام علی علیه السلام پیاده به دنبال او روان است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: علی جان! یا با من سوار شو و یا به خانه برگرد همانا خداوند به من دستور داده که اگر سوارهام تو نیز سوار شوی و اگر پیاده راه می روم تو نیز پیاده راه روی و اگر نشستم تو نیز بنشین جز آن که برای اجرای حدود الهی برخیزی.

خداوند مرا به کرامت و ارزشی بزرگ نداشت جز آن که آن را به تو نیز عطا فرمود: خداوند مرا به نبوت برگزید و تو را نیز جانشین من قرار داد که در اجرای حدود الهی قیام کنی و مشکل ترین کارها را به انجام رسانی.

سوگند به خدایی که محمد را به حق برای رسالت برگزیده آن کس که تو را انکار کند به من ایمان نیاورده و آن کس که تو را نشناسد به رسالت من اقرار نکرده است آن کس که امامت تو را باور ندارد به من نیز ایمان نیاورده است.

فضیلت و ارزش های تو از ارزش های من و ارزش های من از خداست و سخن خداوند متعال است که فرمود: «قل بفضل الله وبرحمته فبذلك فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون»<sup>۳</sup>.

۱. ولید در زمانی که در کوفه بود شراب خورد او را عثمان حاکم آنجا کرده بود و مایل نبود که او شلاق خورد تا اینکه گرفتار دستان خیبر کشای مرتضی علی علیه السلام شد و حضرت به او حد جاری کرد.

۲. حجرات / ۶ - تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۸۲، حدیث ۱۱.

۳. یونس / ۵۸.

معنای این آیه این است که فضل خدا؛ یعنی نبوت پیامبرتان، و رحمت پروردگار، یعنی امامت علی بن ابیطالب؛ از این رو فرمود: با نبوت و ولایت شادمان باشید... سوگند به خدای علی! تو آفریده نشدی جز برای پرستش پروردگار و برای آن که به وسیله تو احکام و مسائل دین را مردم بیاموزند و به وسیله تو راه‌های کهنه شده هدایت آبادان می‌شود. همانا گمراه شد آن کسی که نسبت به تو آگاهی ندارد و گمراه است و به راه خدا هدایت نشد آن کسی که نسبت به تو و ولایت تو هدایت نشده است و این سخن خداوند بزرگ است که فرمود:

«وَأَنَّى لَغَفَّارٍ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى»<sup>۱</sup>

یعنی: ولایت تو را بپذیرد، خداوند مبارک و بزرگ آنچه از حق مرا واجب شمرد حق تو را نیز واجب کرد.

حق تو بر آن کس که به من ایمان آورد واجب است.

علی جان! اگر تو نبودی حزب خدا شناخته نمی‌شد که به وسیله تو دشمنان خدا شناسایی شوند و کسی که به ولایت تو علاقه‌ای ندارد به چیزی علاقه‌ای نخواهد داشت....

سپس فرمود: من چیزی نمی‌گویم جز آنچه را که پروردگار بزرگ من فرمود: امروز آنچه را که درباره تو گفتم از طرف پروردگار بزرگ بود که در حق تو نازل فرمود.<sup>۲</sup>

### ۱۴۸. نور ولایت

ابوجعفر علیه السلام در توضیح آیه «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وامنوا برسوله یونکم کفلین من رحمته ویجعل لکم نورا تمشون به».

فرمود: هرکسی به ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام تمسک کند برایش نوری حاصل شود و قلبش نورانی گردد.<sup>۳</sup>

۱. طه / ۸۲

۲. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۸۸، حدیث ۲.

۳. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۰۸.





## فصل دوم

حضرت علی علیه السلام فرمود:



«اینها الناس! انا امام البریة...»

ای مردم! منم امام مردم...

بخارا الانوار، جلد ۲۹، صفحه ۲۲۵، حدیث ۲.

امام علی علیه السلام در کتب شیعه





### ❖ ۱۴۹. بنده ممتاز در همه اعصار ❖

امام صادق علیه السلام فرمود: «انَّ عَلِيًّا كَانَ عَبْدًا نَاصِحًا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَنَحْصَهُ وَاحِبًا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَاحْبُهُ»؛ علی علیه السلام بنده‌ای خیرخواه برای خدای عزوجل بود و خداوند هم خیرخواه او شد و خدای عزوجل را دوست می‌داشت و خدا هم دوستدار او گردید.<sup>۱</sup>

### ❖ ۱۵۰. علی راهنمای حق ❖

«فی کتاب الاحتجاج باسناده الی ابی جعفر الباقری علیه السلام فی حدیث طویل وفیه یقول: وقد ذکر علی علیه السلام فهو الذی یرشد الی الحق ویعمل به یرزق الباطل وینهی عنه ولا تأخذه فی الله لومة لائم»؛ از امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن حدیث مفصلی آمده که آن حضرت بعد از ذکر نام علی علیه السلام فرمود:

تنها علی راهنمای حق و عمل کننده به حق است و اوست که باطل را از بین می‌برد و از آن نهی می‌کند و از ملامت احدی هراس ندارد.<sup>۲</sup>

### ❖ ۱۵۱. چه کسی حبل الله است ❖

امام کاظم علیه السلام فرمود: «علی بن ابیطالب علیه السلام حبل الله المتین» حبل الله متین و ریسمان محکم خدا علی بن ابیطالب علیه السلام است.<sup>۳</sup>

### ❖ ۱۵۲. دو ضلع عرش در زمین ❖

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من در میان شما دو چیز گرانبه‌تر از من می‌گذارم قرآن و عترتم که اهل بیت من هستند و این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا این که بر حوض کوثر بر من وارد گردند مانند این دو و میانه دو انگشت شهادت و اشاره را به هم چسبانند؛ آن گاه جابر بن عبدالله انصاری برخاست و عرض کرد: یا رسول الله! عترت تو چه کسانی هستند؟ فرمود: علی و حسن و حسین و امامان از نسل حسین تا روز رستاخیز...

۱. کافی، ج ۸، ص ۱۴۶.

۲. احتجاج، ج ۱، ص ۷۴.

۳. امالی صدوق، ص ۲۶۴.



مرحوم صدوق می‌گوید: عترت به فرزند مرد و نوه‌های او که از صلبش باشند گویند و به همین جهت فرزندان محمد ﷺ که از علی و فاطمه ﷺ بوده‌اند عترت محمد ﷺ نامیده شده‌اند.

ثعلب گفت: به ابن‌اعرابی گفتم پس معنای گفته ابوبکر که در سقیفه گفت: «ما عترت پیغمبر هستیم» چیست؟

پاسخ داد: منظورش شهر و محل زندگیش بود و عترت محمد ﷺ بی‌تردید فرزندان فاطمه‌اند و دلیل آن برگردانیدن ابوبکر است به هنگام مأموریت ابلاغ سوره براءة و فرستادن علی ﷺ جهت خواندن سوره براءة بر مشرکین و طبق فرموده پیغمبر ﷺ «به من دستور داده شد که خودت و یا مردی از خودت این کار را بکنند» و آن را از ابوبکر گرفت پس کسی که از خودش محسوب می‌شد ابوبکر نبود اگر ابوبکر از حیث نسب از عترت پیامبر ﷺ بود نباید پیغمبر ﷺ سوره براءة را از او می‌گرفت و این مأموریت را به علی ﷺ می‌داد.<sup>۱</sup>

### ۱۵۳. علی رایت حق

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: خداوند عزوجل درباره‌ی علی ﷺ پیمانی به عهده من نهاد و عرض کردم: پروردگارا! آن را برایم آشکار ساز فرمود: بشنو گفتم: آماده شنیدنم، فرمود: علی پرچم هدایت و امام دوستان مخلص من و روشنگر راه کسی که فرمانبردار من است می‌باشد و او کلمه‌ای است که پرهیزکاران پیوسته ملازم اویند «حضرت اشاره به آیه ۲۶ از سوره فتح نمود؛ کسی که او را دوست بدارد، مرا دوست داشته و شخصی که فرمانبرداری او را بکند مرا اطاعت نموده است.<sup>۲</sup>

### ۱۵۴. قاضی بی‌بديل

امام صادق ﷺ فرمود: ندیدم علی ﷺ قضاوتی نموده باشد جز این که اصل و ریشه‌ای برای آن در سنت یافتم.

۱. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۲۱۷ - ۲۱۶ - ۲۱۵.

۲. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۲۹۰.







محمد ﷺ دار فانی را وداع گوید و به سرای جاودانه بهشت خداوند بشتابد بسیاری از آنان که فقط از ظاهر ایمان بهره‌ور گشته‌اند روی گردان و مرته می‌گردند. و تأویل‌های آن را تحریف و جابجا می‌کنند معنایش را دگرگون و چهره حقایقش را برخلاف آنچه هست جلوه‌گر می‌سازد در همان هنگام است که بنابر تأویل قرآن علی بن ابیطالب با آن‌ها نبرد خواهد کرد و به حدی با آن‌ها خواهد جنگید که شیطان فریبده آنان خوار، رانده و به غل و زنجیر کشیده شود.<sup>۱</sup>

### ۱۵۶. باب قضاوت

محمد بن سلم از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: آگاه باشید در نزد هیچ یک از مردم مطلب حق و درستی نیست مگر آن که آن چیز را از ما اهل بیت فرا گرفته‌اند و هیچ یک از مردم به حق و عدالت قضاوت و حکم نکند جز آن که کلید و در و آغاز و راه اصلی آن قضاوت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است. پس هرگاه که امور بر آنان متشبه شود و خطا کنند خطا از جانب خود آن‌هاست و اگر به حق رسند و درست قضاوت کنند آن درستی از جانب علی بن ابیطالب علیه السلام می‌باشد.<sup>۲</sup>

### ۱۵۷. محو کننده باطل

از امام باقر علیه السلام ضمن حدیث مفصلی که در آن خطبه غدیر را ذکر می‌فرماید - نقل شده: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «معاشر الناس لاتضلوا عنه ولا تنفروا منه ولا تستنكفوا من ولايته فهو الذي يهدي الى الحق ويعمل به ويزهق الباطل وينهي عنه»؛ ای مردم از راه علی منحرف نشوید و از او فاصله نگیرید و از قبول ولایت او روی گردان نشوید زیرا اوست راهنمای حق و عامل به آن و محو کننده باطل و باز دارنده آن.<sup>۳</sup>

۱. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۵۷ و ۵۶.

۲. امالی مفید، ص ۱۰۸.

۳. بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۲۰۸.

### ❖ ۱۵۸. ریشه‌ای شریف ❖

امام باقر علیه السلام فرمود: «مثلنا اهل البيت كمثل شجرة قائمة على ساقٍ من تعلق بغصن من اغصانها كان من اهلها» قلت: من الساق: قال: علی علیه السلام.

مثل ما اهل بیت مثل درختی است که پابر جا باشد و هر که به شاخه‌ای از آن تعلق پیدا کند اهل آن خواهد بود.

عرض کردم: مقصود از ساقه درخت کیست؟ فرمود: علی علیه السلام است.<sup>۱</sup>

### ❖ ۱۵۹. برترین و شریفترین‌ها ❖

وفی الکافی ج ۸ ص ۸۰ باسناده الی ابی عبدالله علیه السلام «حدیث طویل وفی آخره یقول: کان علی افضل الناس بعد رسول الله صلی الله علیه و آله واولی الناس حتی قالها ثلاثا».

در کتاب روضه کافی از امام صادق علیه السلام در حدیثی مفصل نقل شده که در پایان آن امام می‌فرماید: علی علیه السلام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله افضل مردم بود و او سزاوارتر به مردم بود از خود آن‌ها...

تا این که گوید: امام صادق علیه السلام سه مرتبه این سخن را تکرار نمود.

### ❖ ۱۶۰. ماه شب چهاردهم ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی! تخرج انت وشيعتك من قبورکم ووجوهکم کالقمر ليله البدر وقد فرجت عنکم الشدائد وذهب عنکم الاحزان تستظلون تحت العرش يخاف الناس ولا تخافون ويحزن الناس ولا تحزنون وتوضع لكم مائدة والناس في المحاسبة.

یعنی: یا علی! تو و شیعیانت از میان قبرهای خود بیرون می‌آیید در حالی که چهره‌هایتان مثل ماه شب چهاردهم می‌درخشد سختی‌ها از شما برطرف شده و غم‌ها و غصه‌ها از شما زایل گشته است عرش الهی بر شما سایه می‌افکند مردمان دیگر می‌ترسند و شما نمی‌ترسید آن‌ها غمناکند و شما هیچ گونه غمی ندارید و برای شما سفره بگسترانند در حالی که مردم مشغول حسابرسی هستند.<sup>۲</sup>

۱. کافی، ج ۴، ص ۴۶.

۲. القطره، ج ۱، ص ۳۰۵.



### ۱۶۱. حسرت حسودان

از امام باقر علیه السلام درباره تفسیر آیه «سَيِّتٌ وَجْهَ الَّذِينَ كَفَرُوا...»<sup>۱</sup> سؤال شد فرمودند: مخالفان و منکران فضایل علی علیه السلام در روز قیامت چون مقام و منزلت او را در نزد خداوند مشاهده کنند به خاطر ظلمها و حق کشی‌هایی که نسبت به او داشته‌اند از حسرت دست‌های خود را به دندان گیرند.<sup>۲</sup>

### ۱۶۲. معنای مولا

ابواسحاق گوید به امام سجاد علیه السلام عرض کردم: مقصود از «مولا» در فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «هر کس من مولای اویم علی نیز مولای اوست» چیست؟ فرمود: به مردم اعلام کردم که علی علیه السلام بعد از او صاحب منصب امامت و رهبری است.<sup>۳</sup>

### ۱۶۳. احادیث قدسی

عالم جلیل‌القدر مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب نورانی جواهرالسنیه احادیثی را نقل کرده است که از خداوند متعال صادر شده است به این دسته از احادیث که در قرآن نیامده است ولیکن از طرف ذات ربوبی خداوند صادر شده است احادیث قدسی گفته می‌شود او در کتابش فصلی را به احادیث قدسی درباره امیرالمؤمنین علی علیه السلام اختصاص داده که دارای احادیث زیاد و جالبی است.

در اینجا صرفاً به یک مورد از آن اشاره می‌شود: جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد و فرمود: یا محمد! خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: هفت آسمان و هر آنچه را که در آن‌هاست آفریدم و در هفت زمین و آنچه که بر روی آن است جایی عظیم‌تر از رکن و مقام نیافریدم اگر بنده‌ای از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفریدم در آنجا مرا

۱. ملک / ۲۷.

۲. تفسیر فرات کوفی، ص ۱۸۷.

۳. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۱۵۱.

بخواند ولی منکر ولایت علی علیه السلام باشد روزی که مرا ملاقات کند او را به صورت در جهنم خواهم انداخت.<sup>۱</sup>

### ۱۶۴. واضح‌تر از خورشید

ابان گوید: از امام باقر علیه السلام درباره‌ی گفته پیامبر علیه السلام که فرمود: «هر که را من مولایم علی نیز مولای اوست» پرسیدم فرمود: ای ابوسعید مطلب به این روشنی سؤال دارد؟ رسول خدا علیه السلام به ایشان (به اصحابش) فهماند که در میان آنان علی علیه السلام قائم مقام او خواهد بود.<sup>۲</sup>

### ۱۶۵. امام مبین

امام حسین علیه السلام روایت نموده‌اند که وقتی این آیه بر پیامبر خدا علیه السلام نازل شد «وکل شیء احصیناه فی امام مبین» (همه چیز را دانسته و شمرده‌ایم در لوح محفوظ آن پیشوای روشن آشکار - یس / ۱۲) در سوره حجر آیه ۷۹ نیز فرموده: «انهما لبامام مبین» ابوبکر و عمر از جایگاه خود برخاستند و گفتند: ای پیامبر خدا علیه السلام آیا امام مبین که همه چیز در آن آورده شده تورات است؟ فرمود: نه، امام حسین علیه السلام فرمود: در همین هنگام بود که علی علیه السلام وارد شد و رسول خدا علیه السلام در حالی که با دست او را نشان می‌داد فرمود: این امام مبین است بی‌تردید او امامی است که خداوند علم همه چیز را به او داده و احصا فرموده است.

مرحوم صدوق رضی الله عنه گوید: در شهر مدینه از ابوبشر پرسیدم: امام یعنی چه؟ در پاسخ گفت: امام در زبان عرب پیشرو و پیشوای مردم در فضایل است و امام شاقول یا ریسمان کار است که بتأیian با آن اندازه می‌گیرند تا دیوار راست در آید و امام مثل همان طلای نابی است که در کارگاه سکه‌سازی برای نمونه برداری و ضرب سکه از آن استفاده می‌شود تا عیار سکه‌های مضروب بر طبق آن واقع شود و امام رشته نخی است که مهره‌های گردن‌بند به آن کشیده می‌شود و امام راهنمایی است که مسافران در

۱. جواهر السنیه شیخ حرعاملی، باب امیر المؤمنین، ص ۴۴۹.

۲. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۱۵۱.



تاریکی شب در پی او راه را طی می‌کنند و تیری است که به عنوان نمونه در کارگاههای اسلحه سازی مورد استفاده قرار می‌گیرد تا دیگر تیرها مانند آن ساخته شوند.<sup>۱</sup>

### ❖ ۱۶۶. عذری برای نبود راهنما نیست ❖

انس بن مالک گوید: چون رسول خدا ﷺ نماز صبح و تعقیباتش را انجام داد چهره آبرومندش به درگاه خدا را به جانب ما نموده فرمود: مردم (افراد بشر جهت حرکت و راه‌یابی) از خورشید استفاده می‌نمایند و هر کسی که خورشید را از دست داد باید فوراً به نور ماه بپیوندد و هر کس که از ماه نیز محروم شد فوراً به ستاره ناهید تمسک جوید و اگر ستاره زهره نیز از دیدش نهران گردید باید به فرقدین (ستاره نزدیک قطب شمال که در فارسی به آن دو برادران گویند) چشم بدوزد.

آن‌گاه پیامبر ﷺ فرمود: من خورشیدم و علی ماه و فاطمه زهره و حسن و حسین فرقدان (دو برادران) که با کتاب خدا از هم جدا نگردند تا این که بر لب حوض کوثر بر من وارد گردند.<sup>۲</sup>

### ❖ ۱۶۷. اسم اعظم پروردگار ❖

از امام علی علیه السلام روایت شد که فرمود: حضرتش در راهی می‌رفت و مردی از اهل خیبر با او همراه شد عبورشان به رودی افتاد که آب فراوانی داشت آن مرد یهودی بر عبای خود نشست و جمله‌ای گفت و از آن آب عبور کرد سپس امیرالمؤمنین را خطاب کرد و گفت: ای مرد اگر تو نیز مانند من شناخت داشتی همانند من عبور می‌کردی!! امام علی علیه السلام فرمود: در جای خود باش سپس با دست مبارک به آب اشارتی کرد آن منجمد شد و حضرت از آن گذشت.

آن مرد خیبری وقتی چنین دید بر قدم‌های امام افتاد و گفت: ای جوان چه گفتی که آب را به سنگ تبدیل کردی؟

حضرت فرمود: تو چه گفتی که بر آب گذشتی؟

۱. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۲۲۵ - ۲۲۴.

۲. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۲۶۷.

گفت: خدا را به اسم اعظم او خواندم.

حضرت فرمود: آن اسم کدام است؟

عرض کرد: از خداوند به اسم وصی محمد صلی الله علیه و آله درخواست نمودم.

امیرالمؤمنین فرمود: من وصی محمد صلی الله علیه و آله هستم.

آن مرد گفت: به راستی که تو بر حق هستی سپس مسلمان شد.

### ❖ ۱۶۸. بیم رسان امت ❖

امام محمدتقی علیه السلام فرمود: ای گروه شیعیان با سوره قدر مخاصمه و مباحثه کنید تا پیروز شوید به خدا که آن سوره پس از پیامبر حجت خدای تبارک و تعالی است بر مردم و آن سوره سرور دین شماست...

ای گروه شیعه: خدای متعال می فرماید: «هیچ امتی نیست مگر آن که بیم رسانی در میان آن‌ها بوده است»<sup>۱</sup>.

شخصی عرض کرد: ای اباجعفر! بیم رسان امت، محمد رسول الله صلی الله علیه و آله است؟

امام فرمود: درست گفתי ولی آیا پیامبر در زمان حیاتش چاره‌ای از فرستادن نمایندگان در اطراف زمین را داشت؟ یعنی می توانست آن‌ها را نفرستد؟

عرض کرد: نه. امام فرمود: به من بگو مگر فرستاده پیامبر، بیم رسان او نیست چنان

که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرستاده خدای عزوجل و بیم رسان او بود؟

گفت: چرا؟

فرمود: پس همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله برای پس از مرگ خود هم فرستاده و بیم رسان دارد اگر بگویی ندارد پس آن‌هایی را که در طلب مردان امتش بوده‌اند را ضایع کرده و آن‌ها را بدون رهبر گذاشته است.

آن مرد گفت: مگر قرآن برای آن‌ها کافی نیست؟

امام فرمود: چرا در صورتی که مفسری برای قرآن داشته باشند.

گفت: مگر پیغمبر صلی الله علیه و آله قرآن را تفسیر نفرموده است. فرمود: چرا تنها برای یک نفر

تفسیر کرد و شأن آن مرد را که علی بن ابیطالب علیه السلام است به امت خود گفت.

۱. فاطر / ۲.



عرض کرد: ای اباجعفر! این مطلبی است خصوصی که عامه مردم زیر بار آن نمی‌روند. امام فرمود: خدا حتما می‌خواهد که در نهان پرستش شود تا هنگامی که دینش آشکار شود همچنان که سال‌های اول بعثت، پیامبر ﷺ با خدیجه در نهان پرستش خدا را می‌کردند تا آن زمانی که مأمور به اعلان آن شد. آن مرد گفت: آیا صاحب این دین باید آن را نهان دارد فرمود: مگر علی بن ابیطالب از روزی که با رسول خدا ﷺ اسلام آورد نهان نکرد تا آن زمانی که امرش ظاهر گشت؟  
کار ما نیز همچنین است تا نوشته خدا مدتش برسد...<sup>۱</sup>

۱۶۹. مرز عشق

امام حسن عسگری از پدرش از پدران بزرگوارش روایت نموده که روزی پیغمبر خدا ﷺ به یکی از یاران خود فرمود: ای بنده خدا در راه خدا دوستی کن و در راه رضای خدا دشمنی نما و برای خدا دوست بدار و در راه او ستیز کن! حقیقت این است که کسی ولایت خدا را درک نخواهد کرد، جز به آن طریق، و هیچ کس مزه ایمان را نخواهد چشید تا چنین نشود؛ اگرچه نماز و روزه‌اش بسیار باشد و مسلما برادری مردم امروز بیشترش درباره‌ی دنیاست و بر اساس آن به یکدیگر اظهار دوستی می‌نمایند و بر همان اساس به یکدیگر خشم و کینه می‌ورزند و آن از پروردگار بی‌نیازشان نسازد و در این موقع آن مرد عرض کرد: ای پیامبر خدا! چگونه میسر خواهد شد که بفهمم یقینا و مطمئنا در راه خدا دوستی و دشمنی کرده‌ام و ولی خدای عزوجل کیست تا دوستدار و فرمانبردار او باشم؟ و دشمن خدا چه کسی است تا به او کینه و دشمنی ورزم؟

پیغمبر خدا ﷺ در حالی که اشاره به علی می‌نمود به او فرمود: آیا این مرد را می‌بینی و می‌شناسی عرض کرد: بلی، فرمود: این مرد ولی و سرپرست، از جانب خداست پس فرمان بردار او باش! و دشمن این (علی) دشمن خداست پس با دشمن او دشمنی نما و با دوستدارش پیوستگی و دوستی کن! اگرچه او قاتل پدر و فرزند تو باشد و با دشمن این «علی» دشمنی کن اگرچه حقیقتا او پدر و اولاد تو باشد.<sup>۲</sup>

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۶۴.

۲. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۴۲۲.

### ۱۷۰. مثالی رسا

جابر جعفی گوید: از امام پنجم حضرت باقر علیه السلام معنی این قول خدای عزوجل را پرسیدم: «كشجرة طيبة اصلها ثابت وفرعها في السماء توفى اكلها كل حين باذن ربها». «مانند درخت پاکی که ریشه آن در زمین محکم و پا برجا باشد و شاخه آن از بس بلند است، سر به جانب آسمان کشیده، در هر زمان که خدا حکم نموده به ثمر دادن، ثمر خود را می دهد و به اراده و تکوین آفریدگار میوه خود را می دهد.<sup>۱</sup> ایشان فرمود: اما آن درخت پیامبر خدای علیه السلام و شاخه آن علی علیه السلام و جوانه شاخه آن درخت فاطمه دخت رسول خدای علیه السلام و میوه آن اولاد او و برگش شیعیان ما هستند آن گاه فرمود: هرگاه مؤمنی از شیعیان ما بمیرد از آن درخت برگی می افتد و چون نوزادی از شیعیان ما متولد شود آن درخت برگی آورد.<sup>۲</sup>

### ۱۷۱. توصیف مؤمن

حفص کُنَاسی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: کمترین چیزی که به سبب آن بنده به درجه ایمان می رسد چیست؟ فرمود: گواهی بدهد بر این که جز الله معبود بر حقی نیست و محمد بنده و پیامبر اوست و به فرمانبری او اقرار کند و امام زمانش را هم بشناسد؛ پس هرگاه این گونه اقرار و عمل کرد او مؤمن است.<sup>۳</sup>

### ۱۷۲. توصیف مردان عهدشکن

عبدالله بن حسن گوید: مادرم فاطمه دخت گرامی امام حسین علیه السلام فرمود: چون بیماری جدهام حضرت فاطمه علیه السلام دختر بزرگوار پیامبر خدای علیه السلام به وخامت گرائید و گلشن جوانیش پژمرده، چند تن از زنان مهاجر و انصار به قصد عیادت به خانه آن حضرت آمدند و گرد بستر وی حلقه زدند و عرضه داشتند: ای دختر نازنین پیامبر، شب را با مریضی چگونه به صبح رساندی و اکنون حالت چطور است؟

۱. ابراهیم / ۲۵.

۲. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۴۲۵.

۳. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۴۱۲.





زهرای مرضیه که خود را در آستانه انتقال به ابدیت می‌دید در پاسخ آنان به جای این که از درد و درمان خود سخن گوید با لحنی غم‌آلود اما جدی و طوفانی، از درد کشنده اجتماع سخن گفت و زنگ خطر در گوش مسلمین نواخت تا شاید بتواند در آخرین لحظات زندگی خود با آگاهی دادن، آنان را از نابودی حتمی برهاند آن‌گاه فرمود: به خدا سوگند شبم را به صبح رساندم در حالتی که از طعم ناگوار میوه دنیای شما سخت متنفّر و بیزارم و از مردان کج‌اندیش و کج رفتارتان که ثمره این دنیایند دلخون و دشمن آنانم و چون آنان را در دهان آزمودم همچون میوه تلخ و نارس از دهان به دور افکندم و پس از آن که با محک آزمایش سنجیدم و از نیات بد و خوبیهای ناهنجار آنان باخبر شدم ایشان را دشمن داشتم.

چه بسیار زشتند مردانی که خصلت مردی ندارند؛ لبه تیز شمشیر آنان کند و شکسته شده و سر نیزه‌هایشان کارآئی ندارند.

مردانی که عقیده و رأیشان دیگر رنگ ثابت ندارد و هر لحظه به رنگی در آیند و به جای افتخار آفرینی و صعود به قله ترقی هر دم با سرعتی بیشتر گامی به کشاندن خود به تباهی و سقوط بر می‌دارند. آه که چه کار نکوهیده‌ای دست زدند و چه بد توشه‌ای پیشاپیش برای خود فرستادند و با کنار زدن حق از مقر خود و گذاشتن ناحق به جای آن خود را مستوجب خشم خداوند کرده و به عذاب همیشگی دوزخ گرفتار ساختند...

وای به حالشان چگونه خلافت را جابجا کردند و آن را از بنیان استوار کوههای ثابت خاندان رسالت برگردانیده و دور ساختند و از پایه‌های استوار نبوت و منزلگاه وحی جبرئیل امین جدا کردند و آن کس «علی علیه السلام» را که در امر دنیا و دین ماهر و متخصص بود کنار زدند و از حقش محروم نمودند؟! آگاه باشید این کار زیانی است آشکارا! این چه انتقامی بود که از ابوالحسن کشیدند و با این کیفر خون بهای مشرکین را که به دست او ریخته شده بود پرداختند؟!

به خدا سوگند علی علیه السلام را دستخوش انتقام و کینه‌توزی نساختند مگر از ترس شمشیر برآنش که صاعقه‌وار بر فرق دشمنان خدا کوبیده بود... به خدا سوگند اگر دست باز می‌داشتند و زمام خلافت را که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله به دست او نهاده بود از وی باز پس نمی‌گرفتند و در اختیارش باقی می‌گذاشتند کاروان (ره گم کرده) بشریت را با کمال

آرامش با سیری ملایم به سوی سعادت و حق رهبری می نمود... آری حق علی را غضب کردند ولی دیری نخواهد پایید که خداوند آنان را به کیفر دست آوردهای ناپسندشان مبتلا خواهد ساخت... ای تباه باد (چنین مردمی) و دماغ چنین مردمی به خاک مالیده باد که این گونه کوتاه بین هستند و گمان دارند کار خوبی انجام داده اند متوجه باشید اینان مفسد و تباه کارند و به دقایق و عاقبت امر توجه ندارند....

دریغ و افسوس! هیچ نمی دانید که در چه مسیر خطرناکی افتاده اید سر رشته، گم شده و از عواقب زیان بار آن بی اطلاعید بی گمان، کور کورانه خود را به ظلمت انداخته اید و بالاخره کشته خویش را درو خواهید کرد مگر ما که حامی حقوق شمائیم می توانیم شما را ملزم و مجبور سازیم که به راه هدایت باز گردید در حالی که خود از آن بیزارید؟!۱

### ۱۷۳. جامع صفات ملکوتی

ابن مغازلی شافعی نقل می کند از اصبع بن نباته که: امام علی علیه السلام در خطبه های خود می فرمود: «ایها الناس انا امام البریه ووصی خیر الخلقه و ابو العزّة الطاهره الهادیة انا خورسول الله ﷺ ووصیه وولیه و صفیّه وحبیبه انا امیر المؤمنین و قائد الغر المحجلین و سید الوصین حربی حرب الله و سلمی سلم الله و طاعتی طاعه الله و ولایتی و لایه الله و اتباعی اولیاء الله و انصاری انصار الله»؛ ای مردم منم امام مردم و وصی بهترین مخلوقات و پدر عترت طاهره، هادیه منم، برادر رسول خدا و وصی او و ولی او و صفی او و حبیب او منم، امیر المؤمنین و پیشوای دست و پا و پیشانی سفیدان و آقا و سید اوصیا، جنگ با من جنگ با خداست و صلح با من صلح با خداست اطاعت از من اطاعت خداست و دوستی من دوستی با خداست و پیروان من دوستان خدا هستند.

### ۱۷۴. مردی ممتاز

«الامام الصادق علیه السلام کان امیر المؤمنین ﷺ یضرب بالمر و یستخرج الارضین... وانه» اعتق الف

مملوک من ماله و کذّیده».<sup>۲</sup>

۱. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۳۳۴ تا ۳۳۸.

۲. کافی، ج ۵، ص ۷۴.



امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام بیل می‌زد و کشاورزی و نهال کاری می‌کرد آن حضرت هزار بنده را از مال و دسترنج خود می‌خرید و آزاد می‌کرد.

### ❖ ۱۷۵. مردی ناشناخته ❖

فی کتاب البشائر: ان عمر دخل مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله یوما و علی بن ابی طالب علیه السلام واقفا بین یدی النبی صلی الله علیه و آله وقال عمر....

یعنی: روزی عمر به مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد و دید علی علیه السلام رو در روی رسول الله نشسته است، به پیامبر عرض کرد: من از ابوذر سراغ شما را گرفتم. گفت: پیامبر در مسجد است. پرسیدم: چه کسی نزد ایشان است؟ گفت: مردی نزد پیامبر بود که من او را نشناختم ولی اینک می‌بینم علی نزد شماست. پیامبر فرمود: ابوذر راست گفته است ای عمر! به خدا سوگند این علی مردی است که جز خدا و پیامبرش کسی او را نشناخته است.

### ❖ ۱۷۶. اتاقی مخصوص عبادت ❖

امام صادق علیه السلام فرمود: امام علی علیه السلام اتاقی داشت که در آن چیزی جز یک فرش و یک شمشیر و یک قرآن نبود که در آن جا نماز می‌خواند. و در روایتی دیگر فرمودند: علی علیه السلام در منزل خود اتاقی را که نه کوچک بود نه بزرگ مخصوص نمازش قرار داده بود.<sup>۱</sup>

### ❖ ۱۷۷. باب الله اکبر ❖

امام صادق علیه السلام فرمود: «...کان امیرالمؤمنین علیه السلام باب الله الذی لایوق الامنه وسیله الذی من سلك بغیره هلك...» امیرالمؤمنین علیه السلام باب منحصر به فرد خداشناسی است و راه به سوی خداست هر که جز آن را بیوید هلاک شود.<sup>۲</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۶۱ و ج ۸۴، ص ۲۴۴.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۸۰.

## ❖ ۱۷۸. مرز توحید و کفر ❖

امام باقر علیه السلام فرمود: فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام این است که هر چه آورده به آن عمل می‌کنم و از هر چه نهی کرده ترک می‌کنم اطاعت او بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله همان اطاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله است...

هر که از او پیش افتد چون کسی است که از خدا و رسولش صلی الله علیه و آله پیش افتاده و کسی که بر او برتری جوید مانند کسی است که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله برتری جسته و هر کس در امر کوچک یا بزرگ او را رد کند در مرز شرک به خداست...

رسول خدا صلی الله علیه و آله باب منحصر معرفت خدا بود و راهی بود که هر کس آن را بیوید به خدای عزوجل رسد و همچنین است امیرالمؤمنین علیه السلام و پس از وی ائمه اطهار علیهم السلام یکی پس از دیگری که به همین روش هستند. خدای متعال ایشان را ارکان زمین مقرر فرموده تا اهلش را نلرزاند و ستون‌های اسلام و مرزدار راه هدایت ساخته، کسی جز با هدایت ایشان هدایت شود...<sup>۱</sup>

## ❖ ۱۷۹. مثل پیامبران و شهیدان ❖

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمودند:

«من أحب أن يحيى حياة تشبه حياة الانبياء وموت ميتة تشبه ميتة الشهداء ويسكن الجنان التي غرسها الرحمن فليتوّل عليا وليوال وليه وليقتد بالائمة من بعده فانهم عترق خلقوا من طينتي اللهم ارزقهم فهمة وعلمى وويل للمخالفين لهم من امتى اللهم لاتنلهم شفاعتى».

هر کس خواهد که مانند پیغمبران زندگی کند و مانند شهیدان بمیرد و در بهشتی که خدای رحمن کاشته ساکن شود باید از علی پیروی کند و با دوست او دوستی کند و به امامان پس از وی اقتدا کند زیرا ایشان عترت منند و از طینت من آفریده شده‌اند. خدایا فهم و علم مرا به ایشان روزی کن پس وای بر آن‌ها از امت من که مخالف ایشان باشند خدایا شفاعت مرا به آن‌ها نرسان.<sup>۲</sup>

۱. کافی، ج ۱، باب حجت، ص ۲۸۴.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۹۸.



❖ ۱۸۰. مثل رسول خدا ﷺ ❖

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید: کسی که می‌خواهد زندگی و مرگش مانند زندگی و مرگ من باشد و به بهشت برینی که خداوند به دست قدرت خود کاشته در آید باید از علی بن ابیطالب علیه السلام پیروی کند و با دوستش دوستی و با دشمنش دشمنی نماید و نسبت به اوصیا پس از وی تسلیم باشد زیرا ایشان از خاندان من و از گوشت و خون منند و خدا فهم و علم مرا به ایشان عطا فرموده است به خدا شکایت می‌کنم از حال آن دسته از مردم که فضیلت ایشان را منکر شود و پیوند مرا با آن‌ها قطع کنند. به خدا سوگند که دو فرزندم را می‌کشند خدا شفاعتم را به آن‌ها نرساند.<sup>۱</sup>

❖ ۱۸۱. مرز دینداری ❖

از سعید بن جبیر روایت شده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: **جحد نعمة الله كفر وجحد نبوتی كفر وجحد ولاية علی كفر لان التوحيد لا یبنی الا علی الولاية.** یعنی: انکار نعمت خداوند کفر است و انکار نبوت و رسالت من کفر است و انکار ولایت علی نیز کفر می‌باشد زیرا بنیان توحید بر ولایت است.<sup>۲</sup>

❖ ۱۸۲. حصنی حصین ❖

علی بن بلال گوید:  
حضرت رضا علیه السلام از پدر خود موسی بن جعفر از جعفر بن محمد از محمد بن علی از علی بن الحسین از حسین بن علی از علی بن ابیطالب علیه السلام از پیغمبر صلی الله علیه و آله از جبرئیل از میکائیل از اسرافیل از لوح و آن از قلم گفت: خداوند تبارک و تعالی می‌فرمود: **«ولاية علی بن ابیطالب - صلوات الله علیه - حصنی فمن دخل حصنی امن ناری».**  
یعنی: ولایت علی حصار محکم و نفوذناپذیر من است هر کس داخل حصار من شود از آتش جهنم من ایمن خواهد شد.<sup>۳</sup>

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۹۹.

۲. مشارق الانوار، ص ۸۱.

۳. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۳۶۸.

### ۱۸۳. نور خدا در زمین

اسماء بن خزرج روایت کرده است که رسول خدا ﷺ فرمود: یا علی! لا یتقدمک بعدی الا کافر....

یعنی: یا علی! بعد از من جز کافر بر تو مقدم نمی‌شود و جز کافر از تو روی گردان نمی‌شود تو نور خدا در میان بندگان اویی و تو حجت خدا در سرزمین‌های اویی و تو شمشیر تیز خدا علیه دشمنان اویی یا علی تو وارث علوم انبیاء و کلمه‌الله برتر او و بزرگترین آیه از آیات پروردگاری، خداوند جز به ولایت تو ایمان کسی را نخواهد پذیرفت.<sup>۱</sup>

### ۱۸۴. لوح عرشی

حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پدرم امام باقر علیه السلام به جابر بن عبدالله انصاری فرمودند: من با تو کاری دارم چه وقت برایت آسان‌تر است که تو را تنها ببینم و از تو سؤال کنم؟ جابر گفت: هر وقت شما بفرمایید. پس روزی با او در خلوت نشست و به او فرمودند: درباره آن لوحی که آن را در دست مادرم فاطمه علیه السلام دختر رسول خدا ﷺ دیده‌ای و آنچه مادرم به تو فرمود که در آن لوح نوشته شده به من خبر ده.

جابر گفت: خدا را گواه می‌گیرم که من در زمان حیات رسول خدا ﷺ به خدمت مادرت فاطمه علیه السلام رفتم و او را به ولادت حسین علیه السلام تبریک گفتم؛ در دستش لوح سبزی بود که گمان کردم از زمرد است و مکتوبی سفید در آن دیدم که چون خورشید درخشان بود. عرض کردم: ای دخت رسول خدا ﷺ پدر و مادرم فدای شما باد این لوح چیست؟ فرمود: لوحی است که خدا آن را به رسولش ﷺ اهدا نمود که در او اسم پدرم و شوهرم علی و اسم و دو پسر و اسم اوصیا از فرزندانم در آن نوشته است و پدرم آن را به عنوان چشم روشنی به من داد.

جابر گفت: پس مادر شما فاطمه علیه السلام آن را به من داد من آن را خواندم و رونویسی کردم پدرم به او گفت: ای جابر! آن را بر من عرضه می‌داری عرض کرد: آری.

آن‌گاه پدرم همراه جابر به منزل او رفت جابر ورق صحیفه‌ای را بیرون آورد پدرم

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۲۱۹.



فرمود: ای جابر! تو در نوشته ات نگاه کن تا من برایت بخوانم جابر در نسخه خود نگریست و پدرم قرائت نمود حتی حرفی با حرفی اختلاف نداشت. آن گاه جابر گفت: خدا را گواه می‌گیرم که این گونه در آن لوح نوشته دیدم. به نام بخشنده مهربان.

این نامه از جانب خداوند عزیز و کریم است برای محمد پیامبر او و نور و سفیر و دربان (واسطه میان خالق و مخلوق) و راهنمای به سوی او، که جبرئیل امین از جانب خداوند عالم بر او نازل می‌شود.

ای محمد! اسماء مرا بزرگ بشمار و نعمت‌های مرا سپاسگزار باش و الطاف مرا انکار مکن همانا منم خدایی که جز من سزاوار پرستش نیست منم درهم شکننده زورگویان و به دولت رساننده مظلومان و پاداش دهنده روز رستاخیز.

همانا منم خدایی که جز من سزاوار پرستش نیست هر که جز فضل مرا امیدوار باشد و از غیر عدالت من بترسد او را عذابی خواهم نمود که هیچ کدام از جهانیان را نکرده باشم پس تنها مرا پرستش کن و تنها بر من توکل بنما. من هیچ پیامبری را مبعوث نکردم که دورانش تمام شود و مدتش سر آید جز این که برای او وصی و جانشینی معین نمودم. و من تو را بر پیامبران برتری دادم و وصی تو را بر دیگر اوصیا برتری دادم و تو را گرامی داشتم به دو شیعه زاده و نوهات حسن و حسین را بعد از سپری شدن روزگار پدرش، کانون علم خود قرار دادم و حسین را خزانه‌دار وحی خود ساختم و او را به شهادت گرامی داشتم و پایان کارش را به سعادت رسانیدم.<sup>۱</sup>

### ۱۸۵. صبر عجیب فاطمه

در روزی که امام علی را به سوی مسجد می‌بردند و حضرت فاطمه زهرا آن امت گوساله‌پرست نافرمان را تهدید به نفرین کرد و به سوی مرقد رسول خدا روانه شد وقتی پیام امام علی را که فرموده بود «این‌ها را نفرین نکن» شنید فرمود: علی جان! جانم فدای تو باد، و جان و روح من سپر بلاهای جان تو!!

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷۰، حدیث ۳۶۰۳.

یا اباالحسن! همواره با تو خواهیم بود اگر تو در خیر و نیکی به سر می‌بری با تو خواهیم زیست و یا اگر در سختی و بلاها گرفتار شدی باز هم با تو خواهیم بود.<sup>۱</sup>

### ۱۸۶. صراط راست

ابن ابی‌الحدید از سلیم بن قیس از رسول خدا ﷺ نقل کرده است که آن بزرگوار فرمود:  
**لولا انا و علی ما عرف الله ولولا انا و علی ما عبد الله ولولا انا و علی ما کان ثوابا ولا عقابا...؛**  
 یعنی: اگر من و علی نبودیم هیچ کس خدای را نمی‌شناخت و اگر من و علی نبودیم هیچ کس خدا را عبادت نمی‌کرد و اگر من و علی نبودیم ثوابی و عذابی در کار نبود....

### ۱۸۷. بهترین و برترین همسر

روزی رسول خدا ﷺ درباره علی علیه السلام از حضرت فاطمه زهرا سلامتی علیها سؤال کرد آن حضرت فرمود:  
**«یا آبه! خیر زوج»؛ پدرجان! علی بهترین همسر است.**<sup>۲</sup>

### ۱۸۸. طرفدار حق

روزی رسول خدا ﷺ در یکی از جلسات به ارزش‌های علی علیه السلام پرداخته و شدت محبت و علاقه قلبی خود نسبت به علی علیه السلام را برای دخترش حضرت فاطمه زهرا سلامتی علیها بیان فرمود. فاطمه سلامتی علیها در حالی که به عظمت امام خود اعتراف می‌کرد فرمود: پدرجان! سوگند به خدایی که تو را به رسالت انتخاب کرد و برای هدایت انسان‌ها برگزیده، تو را هدایت کرده و امت اسلامی را به وسیله تو هدایت نمود تا زنده‌ام همواره به ارزش‌های علی علیه السلام اعتراف خواهیم داشت.<sup>۳</sup>

### ۱۸۹. امام حق

یحیی بن سعید از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدرش بیان فرمود: **«ویستنبونک احق**

۱. کوکب الدرری، ج ۱، ص ۱۹۶.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۳، ص ۲۵۷.

۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۸.





هو»<sup>۱</sup> یعنی ای محمد ﷺ! اهل مکه درباره‌ی علی بن ابیطالب می‌پرسند آیا امام است یا نه؟ در پاسخ آنان بگو: به خدا سوگند امامت او حق است.<sup>۲</sup>

### ۱۹۰. کلماتی عرشی

امام علی علیه السلام می‌فرماید: امکان ندارد که هوا و هوس بر من پیروز شود و حرص و طمع مرا بر سر سفره‌های رنگارنگ بکشاند.

- من بر راه‌های آسمان داناتر از راه‌های زمین هستم.

- اگر پرده برداشته شود چیزی به یقین من نمی‌افزاید.<sup>۳</sup>

- من به طور قطع مشتاق لقاء خدایم. خدایا من تو را به خاطر بیم از کیفیت و یا به خاطر طمع در بهشت پرستش نکرده‌ام من تو را بدان جهت پرستش کردم که شایسته پرستش یافتم.

- به خدا سوگند باکی ندارم که من وارد مرگ شوم یا مرگ به من روی بیاورد...

- به خدا سوگند فرزند ابی طالب به مرگ مأنوس تر است از کودک شیرخوار به پستان مادر.

### ۱۹۱. راه بهشت

بارها رسول خدا ﷺ فرمود: آنان که از علی علیه السلام پیروی کنند اهل نجات و بهشتند.

و در روایتی دیگر فرمود: اگر از علی تبعیت کنید و با او بیعت کنید او شما را به بهشت می‌برد.

### ۱۹۲. جوشن کبیر

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: روزی علی علیه السلام به من فرمود: فرزندم آیا رازی از رازهای خداوند را به تو بیاموزم؟

۱. یونس / ۵۳.

۲. تفسیر عیاشی، حدیث ۳۶۴.

۳. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱، محمدتقی جعفری.

عرض کردم: آری پدرجان فدایت گردم.

آن گاه امام فرمود: روز یکشنبه در جنگ احد جبرئیل بر پیامبر ﷺ نازل شد آن روز بسیار روز سخت و گرمی بود و بر تن رسول خدا ﷺ زرهی بود که بر اثر شدت گرمای آفتاب در آن روز گرم شده بود به واسطه داغ شدن زره، پیامبر ﷺ توان حمل آن را نداشت. پیامبر ﷺ فرمود: سرم را به آسمان بلند کردم و خداوند را خواندم آن گاه دیدم درهای آسمان گشوده شد و جبرئیل در هاله‌ای از نور بر من نازل شد و گفت:

سلام بر تو ای رسول خدا ﷺ گفتم: سلام بر تو ای جبرئیل؛ سپس گفت: خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: زره را از تن خارج کن و این دعا را بخوان (دعای جوشن کبیر) اگر آن را بخوانی و آن را همراه خود کنی همچون آن است که زره در تن داری و تو را محافظت خواهد کرد.

سپس امام حسین ﷺ فرمود: پدرم امیرمؤمنان علی بن ابیطالب ﷺ نسبت به این دعا و حفظ آن به من سفارش مؤکد کرده و فرمود: فرزندم این دعا را بر کفن من بنویس من نیز همان گونه که پدرم دستور داده بود آن را انجام دادم.<sup>۱</sup>

### ۱۹۳. وجودی عجیب

رسول خدا ﷺ فرمود: یا علی! ما عرفك الا الله وانا وما عرفني الا الله وانت وما عرف الله الا انا وانت؛

یعنی: یا علی! تو را نشناخت مگر خداوند و من و مرا نشناخت مگر خدا و تو و نشناخت خدا را کسی مگر من و تو.<sup>۲</sup>

### ۱۹۴. اسلام یعنی

ابودعامه می‌گوید: روزی به محضر امام دهم حضرت هادی ﷺ برای عیادت آن حضرت رفتم در بستر بیماری بود هنگامی که تصمیم گرفتم از محضرش بروم امام فرمود: ای ابو دعامه حق تو واجب شد (به من حق پیدا کردی) آیا می‌خواهی تو را به

۱. خصائص الکبری، ج ۲، ص ۱۲۴.

۲. مشارق انوار الیقین، ص ۱۷۳.



چیزی که به وسیله آن خوشحال گردی خبر دهم؟ عرض کرد: بسیار به چنین خبری نیازمندم؟

امام فرمود: پدرم از پدرش تا امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: بنویس. گفتم: چه بنویسم؟ فرمود: بنویس «بسم الله الرحمن الرحيم الايمان ما قرته القلوب و صدقته الاعمال و الاسلام ما جرى به اللسان و حلت به المناكحة»؛ به نام خداوند بخشنده مهربان، ایمان آن است که در دل‌ها جای گیرد و کردار انسان آن را تصدیق کند اما اسلام آن است که در زبان جاری می‌گردد و داشتن اسلام برای ازدواج کافی است.... سپس فرمود: این مطلب در صحیفه‌ای به خط علی علیه السلام با املائی رسول خدا صلی الله علیه و آله نوشته شد و پس از آن نسل‌ها برای ما ارث مانده است.<sup>۱</sup>

❖ ❖ ❖ ۱۹۵. مولود با برکت ❖ ❖ ❖

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در منزل فاطمه علیها السلام بودند و حسین علیه السلام در دامانش بود ناگهان گریستند و به حال سجده بر روی زمین افتادند. آن‌گاه فرمودند: ای فاطمه! ای دختر محمد! خداوند بزرگ خودش را به بهترین صورتی و نیکوترین شکل در همین خانه تو و در همین ساعت به من نشان داد. به طوری که در نظر داشت او را ببینم و به من گفت: ای محمد! آیا تو حسین را دوست داری؟!

گفتم: ای پروردگار من! او موجب طراوت و تازگی و خنکی چشم من (نور چشم من) است و نوگل خوشبوی بوستان من! دل من و پوست نازک در میان دو چشمم (که حیات و دیدن چشم بسته با او است) می‌باشد!

خداوند در حالی که دست خود را بر سر حسین علیه السلام گذارده بود گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله! چقدر به این مولود برکت داده شده است... اما نعمت من و لعنت من و غضبم و خاری و نکال من برای کسی است که او را می‌کشد و او را دشمن می‌دارد و از سر عداوت با او بر می‌خیزد و با او منازعه و جنگ می‌کند آگاه باش که او سید و سالار شهیدان است

۱. سفینة البحار، ج ۱، ص ۶۴۳

از پیشینیان و پسینیان در دنیا و آخرت و سید و سالار جوانان اهل بهشت است از میان جمیع خلائق و پدرش از او افضل و برتر و بهتر است.

به پدرش سلام مرا برسان! و بشارت بده: که اوست پرچم هدایت و کانون نوربخش اولیای من و نگهدارنده و پاسدار من و گواه من بر خلق من و گنجینه علم من و حجت من بر اهل آسمان‌ها و اهل زمین‌ها و بر دو چیز سنگین و پر اهمیت که جن و انسان باشند.<sup>۱</sup>

### ❖ ۱۹۶. جلوه‌ای از رخ ساقی ❖

سعید بن کلثوم می‌گوید: خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم سخن از وجود مقدس امیرالمؤمنین به میان آمد امام ششم علیه السلام آن چنان که حق علی علیه السلام بود از آن جناب تمجید کرد و حضرتش را به بهترین صورتی که لیاقت داشت ستود سپس فرمود:

به خدا قسم هرگز حرامی نخورد تا عمرش پایان گرفت و از دو برنامه‌ای که رضای خداوند در آن بود سخت‌ترینش را برای عمل انتخاب می‌کرد حادثه‌ای برای رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش نیامد مگر این که آن حضرت را به عنوان تکیه گاه برای رفع حادثه خواست؛ جز او کسی همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله طاقت عبادت نداشت...

ثواب حق را امید داشت و از عذابش خائف بود در راه رضای خداوند و دوری از عذاب فردا، از کارکرد و دستمزد کار روزانه‌اش هزار بنده در راه خدا خرید و آزاد کرد غذای اهلش روغن و سرکه و خرما می‌بهم انباشته بود لباسی جز لباس کرباس نداشت...<sup>۲</sup>

### ❖ ۱۹۷. دعای استثنایی ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره امام علی علیه السلام به درگاه خداوند متعال اینگونه دعا کرده‌اند: اللهم لا تخف عن علی شیئا من الدنيا حتی تجعلها کلها بین عینیة مثل المائدة الصغیرة بین یدیة.

۱. کامل الزیات، ص ۱۴۷.

۲. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۷۵.



یعنی: خدایا! چیزی از دنیا را از علی پنهان مدار تا همه دنیا پیش چشم او مانند سفره کوچک گسترده‌ای باشد که در پیش روی او قرار داده‌ای.<sup>۱</sup>

### ۱۹۸. قطعه‌ای از آتش جهنم

امام باقر علیه السلام همسری را اختیار کرده بودند و به آن نیز شدیداً علاقمند بودند ولی پس از مدتی او را طلاق داده و از او جدا شدند.

افرادی علت این کار را از آن امام سؤال کردند، امام باقر علیه السلام فرمود: روزی من نام علی علیه السلام را نزد او بردم او ناراحت شد و فهمیدم که او در دل با علی علیه السلام دشمنی دارد از اینرو او را طلاق دادم و نخواستم سنگی از سنگ‌های جهنم با بدن من تماس بگیرد.

### ۱۹۹. ساده‌پوشی

امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند شیوه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام این گونه بود که چون بندگان خوراک می‌خورد و بر زمین می‌نشست و دو پیراهن سنبلانی می‌خرید و خدمتکار او با اختیار خود جامه بهتر را بر می‌داشت و خود دیگری را می‌پوشید اگر آستین لباسش از انگشت‌هایش بلندتر بود آن را قطع می‌کرد و اگر دامنش از روی پایش می‌گذشت آن را می‌چید؛ پنج سال خلیفه مسلمین بود نه آجری گذاشت و نه خشتی بر خشتی و نه دهی را مالک شد و نه پول نقره یا طلائی به جا گذاشت.

به مردم نان گندم و گوشت می‌خوراند ولی وقتی خود به منزل بر می‌گشت نان جو با سرکه می‌خورد هرگاه با دو کار خدایسند مواجه می‌شد آن که سخت‌تر بود را انتخاب می‌کرد.

هزار بنده را با دسترنج خود آزاد کرد؛ که در زحمت آن کارها دستش خاک‌آلود و از چهره‌اش عرق ریخته می‌شد. او در شبانه روز هزار رکعت نماز می‌خواند و نزدیک‌ترین مردم در عبادت به او همانا علی بن الحسین سیدالساجدین علیه السلام بود و کسی بعد از او توان کار او را نداشت و در روایتی دیگر آمده که<sup>۲</sup> ساده‌پوشی امام علی علیه السلام در خوراک و لباس

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۱۶.

۲. الغار، ص ۴۴.

و زندگی به حدی بود که مخالفان و دشمنان آن حضرت را متعجب می‌ساخت و بعضا مورد اعتراض آنان قرار می‌گرفت.

### ❖ ۲۰۰. زاهد دهر ❖

زیدبن‌وهب می‌گوید: پس از جنگ جمل گروهی از مردم بصره که در میان آن‌ها مردی از سرکردگان گروه گمراه خوارج به نام «جعده بن نعجة» بود خدمت امام رسیدند. لذا وقتی که لباس ساده امام را دیدند (جعده) با پوزخند و تعجب گفت: چه چیزی باعث شده که از پوشیدن لباس خوب خودداری کنی؟ امام در پاسخ به او فرمود: این لباس ساده مرا از غرور زدگی دور می‌کند و بهترین روشی است در ساده‌پوشی، جعده به امام گفت: از خدا بترس تو روزی خواهی مُرد. امام فرمود: به خدا سوگند با ضربتی که بر سرم فرود می‌آید به شهادت خواهم رسید و این عهد الهی است که واقع می‌شود اما سیاه روی کسی است که به مردم تهمت و افترا می‌زند.<sup>۳</sup>

### ❖ ۲۰۱. اسماء سمائی ❖

امام علی علیه السلام فرمود: نام من در انجیل به «الیا» و در تورات به «بری» و در زبور «اری» آمده است....

مادرم مرا «حیدره» نامید و پدرم به «ظهیر» نام نهاد...<sup>۴</sup>  
نام‌های دیگر امام عبارت است از: صفدر - عین‌الله - اسدالله و القاب آن حضرت مرتضی - امیرالمؤمنین - اخ الرسول - زوج البتول می‌باشد مرحوم میرزا جواد آقاملکی تبریزی در کتاب المراقبات ص ۱۴۶ برای حضرت ۱۰۴ اسم و لقب و صفت آورده است که ۲۳ مورد این اسماء با رسول خدا ﷺ مشترک می‌باشد.

۳. بحارالانوار، ج ۸، ص ۶۲۲

۴. بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۵۴



### ❖ ۲۰۲. معلم عرشیان ❖

حبیب بن مظاهر (شهید میدان عاشورا) به امام حسین علیه السلام عرض کرد: یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله پیش از آن که خدا آدم را بیافریند شما اهل بیت چگونه بودید؟ امام فرمود: ما اشباح نوری بودیم که پیرامون عرش الهی طواف می کردیم و به فرشتگان **سبحان الله ولا اله الا الله والحمد لله** می آموختیم.<sup>۱</sup>

### ❖ ۲۰۳. عاقبت منکران ولایت ❖

روزی عده‌ای از مردم به حضور امام علی علیه السلام رسیدند و عرض کردند: یا ابالحسن در بازار مسلمانان مارماهی می فروشند؟ حضرت تبسمی کرد و فرمود: برخیزید همراه من بیایید تا مطلب عجیبی را به شما نشان دهم تا درباره‌ی وصی بلافضل پیامبر خود جز خیر و نیکی نگویید. سپس به کنار شط فرات آمدند و امام آب دهان مبارک خود را داخل فرات انداختند و سخنانی چند فرمودند (دعا کردند). ناگاه مارماهی را دیدیم که از آب سر بیرون آورد. علی علیه السلام به او فرمود: تو کیستی و از چه طایفه می باشی... آن حیوان در پاسخ عرض کرد: ما به شکل مردم شهری هستیم که در کنار دریا سکونت داشتند ولایت تو را به آن‌ها عرضه داشتند ولی عده‌ای از بنی اسرائیل (مردم آن شهر) قبول ولایت نکردند؛ لذا خداوند بعضی از آن‌ها را در دریا به شکل مارماهی و عده‌ای از آن‌ها را در خشکی به صورت سوسمار مسخ فرمود: آن گاه امام به ما توجه کرد و فرمود: آیا حرف‌های این مارماهی را شنیدید؟ عرض کردیم: بلی. فرمود: به خدائی که محمد صلی الله علیه و آله را به راستی مبعوث کرد اینها مانند زنان شما دچار عادت می شوند.<sup>۲</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۳.

۲. تفسیر جامع، ج ۲.

### ۲۰۴. کائنات جمله به بوی تو زنده‌اند

امام علی علیه السلام فرمود: به خدا سوگند اگر بخواهم به هر فردی از شما خبر دهم که از کجا بیرون می‌رود و از کجا داخل می‌شود و همه حالاتش را بیان کنم این کار را می‌کنم. اما می‌ترسم که به پیامبر خدا ﷺ کافر شوید (و مرا پیامبر بدانید). بدانید که من این اخبار را به خاصگان خود که بیم چنین انحرافی در آنها نمی‌رود می‌رسانم.<sup>۱</sup>

### ۲۰۵. صراط سقوط

از امام باقر علیه السلام در رابطه با این آیه: «یوم القیامة تری الذین کذبوا علی الله وجوههم مسودة الیس فی جهنم مثوی للمتکبرین». یعنی: روز قیامت خواهی دید کسانی که به خدا دروغ بسته‌اند صورت‌هایشان سیاه شده آیا در جهنم جایگاهی برای متبکران نیست؟ سؤال شد امام فرمود: منظور کسی است که خود را امام می‌پندارد و واقعا امام نیست.<sup>۲</sup>

### ۲۰۶. نکته‌ای خوش از عالم اسرار

رسول خدا ﷺ فرمودند: بگیریید میان (جایی که کمر بسته می‌شود) این مرد انزع<sup>۳</sup> را زیرا او صدیق اکبر بوده و تابعین خود را هدایت می‌کند و کسی که بر او سبقت گیرد از دین خارج شود. آن کس که او را مخذول کند خداوند نابودش می‌نماید و کسی که به او متصل شود به خدا وصل شده و آن کسی که به ولایتش اخذ نماید خدا هدایتش نموده و هر کس که ولایت او را ترک نماید خداوند گمراهش کند، دو سبط امت من حسن و حسین علیهما السلام از ایشان است و آنها امام و پیشوایان امتند و مهدی از فرزندان حسین است پس ایشان

۱. امام علی علیه السلام نحوه شهادت بعضی از اصحاب خود را به آنها فرموده‌اند از جمله کمیل - میثم تمار نهج البلاغه / ابن ابی الحدید.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۶۲.

۳. انزع به کسی می‌گویند که موهای دو طرف بالای پیشانی‌اش ریخته باشد.





را دوست بدارید و با دشمنانشان دوستی نکنید که در این صورت غضب پروردگار متوجه شما خواهد شد و در زندگی دنیا خوار و ذلیل خواهید شد.<sup>۱</sup>

### ❖ ۲۰۷. پایه‌های دین ❖

امام باقر علیه السلام از پدرش از جدش روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی بن ابیطالب فرمود: ای علی من و تو و دو فرزندت حسن و حسین و نه نفر از اولاد حسین پایه‌های دین و استوانه‌های اسلام هستیم هر کس از ما پیروی کند نجات و هر کس از فرمان ما سر پیچید راهش به سوی آتش خواهد بود.<sup>۲</sup>  
و در روایتی دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کسی را که خداوند متعال به معرفت و ولایت اهل بیت من ممنون ساخت همه خوبی‌ها را برایش فراهم کرده است.<sup>۳</sup>

### ❖ ۲۰۸. حقی روشن ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الحق مع علی و علی مع الحق یدور الحق مع علی کیف ما دار». یعنی: حق با علی است و علی با حق است حق با علی می‌گردد بدانگونه که او بگردد.<sup>۴</sup>

### ❖ ۲۰۹. خوبتر از آفتاب و ماه ❖

ابن عباس گفت: وقتی از حجه الوداع برگشتیم با رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بودیم حضرت فرمود: آیا می‌دانید چه مطلبی را می‌خواهم برای شما بگویم؟  
مردم گفتند: خدا و رسولش داناترند.  
آن‌گاه فرمودند: بدانید که خداوند بر اهل دین منت گذاشت آن زمان که آن‌ها را به وسیله من هدایت کرد و من بر اهل دین منت گذاشتم آن وقتی که آن‌ها را به

۱. کامل الزیارات.

۲. امالی صدوق، ص ۴۷۴.

۳. امالی مفید، ص ۲۳۹.

۴. مناقب خوارزمی، ص ۲۲۳.

علی بن ابیطالب علیه السلام که پسر عمویم و پدر فرزندانم است هدایت کردم آگاه باشید کسی که به واسطه این‌ها هدایت شود نجات یافته و کسی که از فرمان اینها تخلف نماید گمراه شده و سرگردان و نابود می‌گردد.

سپس فرمود: ای مردم! خدا را، خدا را، در مورد عترت و اهل بیت من مراعات کنید فاطمه پاره‌ای از من است و دو فرزندش دو عضو من هستند و من و شوهرش همانند نوری از یک نور هستیم، بار خدایا! مهربان باش با کسی که به این‌ها مهربان باشد و نیامرز کسی را که به این‌ها ستم روا دارد.<sup>۱</sup>

### ❖ ۲۱۰. ستارگان اهل زمین ❖

عثمان بن عفان گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اهل بیت من ستارگان اهل زمین هستند خود را بر آن‌ها مقدم ندارید بلکه آن‌ها را بر خود مقدم دارید آنان ولی امر بعد از من بر شما هستند. در این هنگام مردی برخاست و به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله اهل بیت شما چه کسانی هستند؟ آن حضرت فرمود: علی علیه السلام و فرزندان پاک او.<sup>۲</sup>

### ❖ ۲۱۱. دوست واقعی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ❖

امام علی علیه السلام فرمود: دوست من رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی (از بیت‌المال) را برای فردا ننگه نمی‌داشت و ابوبکر نیز چنین می‌کرد اما عمر به فکر افتاد که در این زمینه‌ها دفترها ترتیب دهد و اموال را از سالی تا سال دیگر ذخیره می‌کرد لیکن من همان کاری را می‌کنم که دوستم رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌کرد راوی ضحاک بن مزاحم می‌گوید: علی جمعه به جمعه عطا می‌داد و می‌فرمود:

این میوه‌ای است که من چیده‌ام و خوب‌هایش هم در میان آن‌هاست در حالی که هر میوه‌چین دستش به سوی دهان خودش می‌رود (و آنچه می‌چیند خودش می‌خورد).<sup>۳</sup>

۱. احقاق الحق، ج ۹، ص ۱۹۸.

۲. امالی صدوق، ص ۲۲۹.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۸۳.



## ❖ ۲۱۲. عامل استقرار هستی ❖

ابن عباس گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: سوگند به آن خدایی که مرا به حق، بشارت دهنده به رحمت خود قرار داد.  
 عرش و کرسی استقرار نیافت و فلک به گردش نیفتاد و آسمان و زمین استوار نگردید مگر به واسطه آن که روی آن‌ها نوشته شد.  
 «لا اله الا الله محمد رسول الله علی امیرالمؤمنین...»<sup>۱</sup>

## ❖ ۲۱۳. نوشته عرشی ❖

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: در شب معراج دیدم بر ساق عرش الهی نوشته شده است: «انی اناالله لا اله غیری، خلقت جنة عدن بیدی، محمد صفوق من خلقی، ایدتة بعلی، نصرته علی»؛  
 یعنی: منم خدای بی‌همتا، بهشت جاویدان را به دستم آفریدم و محمد را از میان مردم برگزیدم و او را بواسطه علی ﷺ مدد کردم و به وسیله او یاریش نمودم.

## ❖ ۲۱۴. خدا علی را تأیید کرد ❖

ابن عباس نقل نموده که روزی عباس بن عبدالمطلب اظهار فضیلت خود می‌نمود می‌گفت: من از علی بن ابیطالب افضل هستم زیرا اقرب به رسول خدا ﷺ هستم چرا که من عمّ پیغمبرم و علی ﷺ پسر عمّ او می‌باشد و نیز سقایت حجاج با من است و علی ﷺ این منصب را ندارد.  
 طلحه بن شیبه گفت: شرف و فضیلت از آن من است که صاحب بیت‌الله و کلیددار آن و عامر مسجدالحرام می‌باشم هیچ کس از قریش در مرتبه من نیست هر دو در این سخن بودند که علی بن ابیطالب وارد شد و فرمود: «انا افضل منکم انا المجاهد فی سبیل الله وفضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما»<sup>۲</sup>.  
 یعنی: من افضل و اشرف از شما هستم زیرا من در ترویج دین پیامبر و نصرت او کوشیده‌ام و خدای متعال تفضیل داده مجاهدین را بر قاعدین...

۱. غایة المرام، ص ۶۲۰.

۲. نساء / ۹۵.

و چون این تنازع بین آنها واقع شد حق تعالی برای تجلیل و تعظیم حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام آیه شریفه «اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن امن بالله والیوم الاخر وجاهد فی سبیل الله لایستوون عند الله والله لایهدی القوم الظالمین»<sup>۱</sup>.

### ❖ ۲۱۵. قرآن ناطق میان مردم ❖

امام علی علیه السلام فرمود: «انا کلام الله الناطق<sup>۲</sup> انا کتاب الناطق»<sup>۳</sup>.  
یعنی: منم کلام ناطق و گویای خدای بزرگ و منم کتاب گویای خدای متعال.

### ❖ ۲۱۶. صاحب رازهای الهی ❖

امام علی علیه السلام می فرماید: به خدا سوگند تمام آیات الهی را می دانم درباره چه موضوعی و در مورد چه کسی نازل شده است پروردگرم به من قلبی فهیم و زبانی پرسنده بخشیده است.<sup>۴</sup>

### ❖ ۲۱۷. شمس و قمرجان ❖

در روضه کافی از حضرت امام باقر علیه السلام روایت کرده که خداوند مثال زده محمد صلی الله علیه و آله را به آفتاب و وصی او علی مرتضی علیه السلام را به ماه که البته وصی کسب علوم و حقایق را از پیغمبر می کند چنانچه قمر کسب نور خود را از شمس می نماید.

### ❖ ۲۱۸. نفس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ❖

روزی مأمون عباسی به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد: یا ابالحسن بزرگترین فضیلتی که قرآن درباره ی علی علیه السلام گفته است را بفرمایید؟  
حضرت فرمود: آن آیه مباحله است که خداوند علی علیه السلام را نفس پیامبر صلی الله علیه و آله خوانده زیرا

۱. منهج الصادقین، ج ۴ - توبه / ۱۹.

۲. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۹.

۳. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۷۲.

۴. بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۱۵۷.



مسلم است که ابناء (فرزندان) که با پیغمبر اکرم ﷺ همراه بودند حسن و حسین ﷺ بودند و نساء حضرت فاطمه ﷺ است و کسی دیگر که «انفسنا» بر آن صدق کند جز خود پیغمبر و علی ﷺ نبوده مأمون گفت: لفظ جمع در این آیه به دو نفر (ابناء) و یک نفر (نساء) اطلاق شده است پس ممکن است که مراد از (انفس) یک نفر و آن شخص پیغمبر باشد. امام رضا ﷺ فرمود: این نشاید زیرا آیه می گوید: «ندع» (می خوانیم) و این صحیح نیست که دعوت شونده عین دعوت کننده باشد و چنان که امر نتواند با مأمور یکی باشد داعی نیز با پیغمبر اکرم ﷺ کسی را جز علی ﷺ دعوت نموده پس مدعو همان علی ﷺ باشد.<sup>۱</sup>

### ۲۱۹. چهارمهای نورانی

در ماجرای مباحله رسول خدا ﷺ با مسیحیان آمده است که وقتی اسقف مسیحیان اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ را دید به دوستان خود گفت: من صورت هایی را می بینم «علی ﷺ و حسنین و فاطمه زهرا ﷺ» که اگر از خداوند تقاضا کنند کوه ها را از جا بر کند، چنین خواهد کرد هرگز با آنها مباحله نکنید که هلاک خواهید شد و یک نصرانی تا روز قیامت بر صفحه زمین نخواهد ماند و حتی مرغان که بر شاخه های درختان شما هستند هلاک خواهند شد.<sup>۲</sup>

در روایتی دیگر پیامبر اکرم ﷺ فرمود: قسم به آن که جانم در قبضه قدرت او است هلاک آنان نزدیک شده بود و اگر مباحله می کردند همگی به صورت بوزینه و خوک مسلح می شدند و بیابان بر آن وادی آتش می شد.<sup>۳</sup>

### ۲۲۰. نوری واحد

روزی رسول خدا ﷺ به خانه فاطمه زهرا ﷺ آمد در حالی که او زیر دیگی آتش روشن کرده بود تا برای فرزندانش غذا آماده کند و حسن و حسین ﷺ در کناری خوابیده بودند

۱. معارف و معاریف، ج ۹، ص ۶۲.

۲. علی و قرآن، ص ۱۱.

۳. تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۴۲۷.

رسول خدا ﷺ در حالی که با دختر خود مشغول صحبت بود امام حسن ﷺ از خواب بیدار شد و خدمت رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: یا رسول الله من آب می‌خواهم. پیامبر ﷺ او را در آغوش کشید و برخاست و به سوی شتر خود رفت و با دست خود شیر از شتر دوشید و آن را نزد حسن ﷺ آورد تا بیاشامد؛ در این هنگام حسین ﷺ بیدار شد و عرض کرد «یا ابا اسقنی» پدر من آب می‌خواهم پیامبر ﷺ فرمود: فرزندم! برادرت از تو بزرگ‌تر است او پیش از تو آب خواسته؛ حسین ﷺ عرض کرد: باید مرا قبل از او سیراب کنی.

پیامبر ﷺ با نرمی از او خواست تا ابتدا حسن بیاشامد ولی امام حسین ﷺ نمی‌پذیرفت حضرت فاطمه ﷺ عرض کرد: پدرجان! شاید حسن را بیشتر دوست داری؟ حضرت فرمود: او را بیشتر دوست ندارم هر دوی آن‌ها در نزد من برابرند ولی حسن بود که اول آب می‌خواست؛ سپس فرمود: دخترم من و تو و حسن و حسین و این که در خواب است (علی ﷺ) جملگی در بهشت در یک جا و در یک درجه هستیم.<sup>۱</sup>

### ❖ ۲۲۱. دو هزار قبل از... ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «مکتوب علی باب الجنة لا اله الا الله محمد رسول الله علی اخو رسول الله ﷺ قبل ان یخلق الله السماوات والارض بالفی عام».

دو هزار سال پیش از آن که خداوند آسمان‌ها و زمین را بیافریند به در بهشت نوشته شد نیست معبودی جز خدا و محمد فرستاده خداست و علی برادر رسول خداست.<sup>۲</sup>

### ❖ ۲۲۲. چهل و سه دلیل ❖

امام صادق ﷺ می‌فرماید: چون در کار ابوبکر و بیعت مردم بر او و کاری که با علی بن ابیطالب کردند و آنچه شدنی بود انجام گرفت ابوبکر همواره به علی روی خوش نشان می‌داد ولی از علی ﷺ گرفتگی مشاهده می‌نمود و این موضوع برای ابوبکر سنگین بود.

۱. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۸۶  
 ۲. خصال صدوق، ج ۲، ص ۲۷۹.



لذا علاقه پیدا کرد که علی را ملاقات کند و از نظر او اطلاع حاصل نمایند و در این که مردم جمع شدند و کار امت را بر گردن او انداختند عذرخواهی کند و بی‌اعتنایی خود را به خلافت ابراز کند...

لذا بی‌خبر خدمت آن حضرت آمد و اجازه ملاقات خصوصی خواست پس از شرفیابی عرض کرد:

یا اباالحسن! به خدا قسم که برای این کارها از طرف من زمینه‌سازی نشده بود و من به کاری که گرفتار آن شدم مایل نبودم و حرصی به آن نداشتم و اطمینانی به خود ندارم که نیازمندی‌های امت را رفع نمایم... سپس به امام عرض کرد: چرا تو از من چیزی را که مستحق‌اش نیستم به دل گرفته‌ای؟

و در این کار که برای من روی داده از خود کراهت نشان می‌دهی؟ و به چشم بدبینی به من نگاه می‌کنی؟

امام ششم فرمود: حضرت به او فرمود: اگر حرصی به این کار نداری و به خویشتن اطمینانی نداری که بتوانی به این امر قیام کنی و رفع نیازمندی‌های آن را در خود نمی‌بینی برای چه زیر این بار رفتی...؟

آن‌گاه امام علی چهل و سه دلیل بر علیه او اقامه کرد که همه آن‌ها نشان دهنده فضایل بی‌مثال امام علی می‌باشند و در همه آن‌ها امام ابوبکر را قسم می‌داد و او نیز به آن‌ها اقرار کرد.

آن‌گاه حضرت اشاره به قضیه غدیر و آیه تطهیر و این که فاطمه همسر اوست نمود سپس امام فرمود: تو را به خدا قسم می‌دهم آن تو بودی که پیش از همه با رسول خدا خویشاوندی داشت یا من؟

عرض کرد: البته تو بودی....

امام فرمود: تو را به خدا قسم می‌دهم آن تو بودی که خدای عزوجل به هنگام نیازش یک دینار به او مرحمت فرمود جبرئیل آن را به تو فروخت و تو محمد و فرزندان او را طعام کردی؟

راوی گفت: ابوبکر را گریه دست داد و عرض کرد: البته تو بودی...

در آخر این گفتگو او از امام مهلت خواست تا خلافت را به امام برگرداند آن گاه او با عمر روبرو شد و عمر از ابوبکر خواست تا فریب جادوگری بنی هاشم را نخورد...<sup>۱</sup>

### ۲۲۳. حدیثی عجیب

قال الامام الحسين عليه السلام: (ان دفع الزاهد العابد لفضل علي عليه السلام على الخلق كلهم بعد النبي صلى الله عليه وسلم ليصير كشعلة نار في يوم ريح عاصفٍ وتصير سائر اعمال الدافع لفضل علي عليه السلام كالحلفاء وان امتلات منه الصحارى واشتعلت: فيها تلك النار وتخشاشها تلك الريح حتى تاتي عليها كلها فلا تبقى لها باقية».

شخصی که زاهد و عابد است اما فضیلت و برتری امام علی علیه السلام را بر دیگر انسان‌ها پس از رسول خدا ﷺ باور ندارد انکار ولایت در وجود او مثل شعله آتشی در روز طوفانی است و دیگر اعمال او هرچند فراوان باشد چون علف‌های خشک بیابان است (یعنی آن آتش آن علف‌ها را می‌سوزاند) هرچند سراسر بیابان را فرا گرفته باشد اما آن گاه که شعله آتش در آن زبانه کشد و باد وزیدن گیرد همه آن علف‌ها خواهند سوخت و چیزی از آن باقی نخواهد ماند.<sup>۲</sup>

### ۲۲۴. مظلومی تنها

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: يا علي، انت المظلوم بعدى فويل لمن قاتلك، وطوبى لمن قاتل معك، يا علي، انت الذى تنطق بكلامى وتتكلم بلسانى بعدى فويل لمن رد عليك وطوبى لمن قبل كلامك، يا علي، انت سيد هذه الامة بعدى، وانت امامها وخليفتي عليها، من فارقك فارقتى يوم القيامة، ومن كان معك كان معى يوم القيامة...<sup>۳</sup>

ای علی! تنها مظلوم پس از من تویی، وای به حال آن که علیه تو بجنگد و خوشا به حال آن کس که در رکابت بجنگد، ای علی! پس از من، تو به کلام من و از زبان من سخن می‌گویی؛ پس وای به حال کسی که سخن تو را نپذیرد و خوشا به حال آن که سخنت را بپذیرد. ای علی! تو پس از من سرور این امت، امام آنان و خلیفه‌ی من

۱. خصال صدوق، ص ۶۵۵ (امام علی علیه السلام در روز شورا انتخاب خلیفه نیز به این گونه فضایل و خصایل منحصر به فرد خود اشاره فرموده‌اند).

۲. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۳۰۲، حدیث ۱۱۳.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۲.





در میان ایشان هستی؛ هر کس از تو جدا شد در رستاخیز از من جدا باشد و آن که با تو باشد در قیامت با من خواهد بود...

جماعت جمل که به جنگ با امام علی علیه السلام برخاستند و منشاء به شهادت رسیدن ۵۰۰۰ نفر از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام و باعث کشته شدن ۱۳ هزار نفر از اصحاب و طرفداران طلحه و زبیر شدند در فردای قیامت به رسول خدا صلی الله علیه و آله چه پاسخی خواهند داد. فافهم و تأمل.

### ❖ ۲۲۵. ۴ دوست برگزیده ❖

بریده گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای عزوجل مرا به دوستی چهار نفر از یارانم امر فرموده و مرا خبر داده که خداوند نیز آن‌ها را دوست می‌دارد.  
عرض کردیم: یا رسول‌الله! آن‌ها چه کسانی هستند؟ فرمود: هشدار که علی یکی از آن‌هاست سپس لحظه‌ای سکوت کرد و مجدد فرمود: هشدار که علی یکی از آنان است و ابوذر و سلمان فارسی و مقداد بن اسود.<sup>۱</sup>

### ❖ ۲۲۶. کشتی نجات امت محمد صلی الله علیه و آله ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لکل امة صديق و فاروق و صديق هذه الامة و فاروقها علی بن ابیطالب ان علیا سفينة نجاتها و باب حطتها...».

در هر امتی را صدیق و فاروق بوده است و صدیق و فاروق این امت علی بن ابیطالب رضی الله عنه است علی کشتی نجات این امت و باب حطه آن‌ها (یعنی وسیله آمرزش امت من) است.<sup>۲</sup>

### ❖ ۲۲۷. اولین اسم خدا علی عظیم است ❖

محمد بن سنان گفت: از حضرت رضا رضی الله عنه پرسیدم: آیا خداوند قبل از آفرینش پدیده‌های خلقت خود را می‌شناخت؟ فرمود: بلی عرض کردم: نفس خود را می‌دید و صدای خویش را می‌شنید؟ فرمود: نیازی به این کارها نداشت زیرا از نفس خود سؤالی نمی‌کرد و از او درخواستی نداشت او خودش و خودش نیز او بود قدرتش رسا و مؤثر است پس نیازی نداشت که اسمی بر خود بگذارد البته به این خاطر که دیگران بتوانند او را بخوانند

۱. خصال صدوق، ج ۱، ص ۲۸۰.

۲. عیون اخبار الرضا رضی الله عنه، ج ۲، ص ۱۳ - بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۱۱۲.

نام‌هایی برای خویشتن انتخاب کرد؛ زیرا اگر به نامی نخواندش، شناخته نخواهد شد و نخستین نامی که برای خود اختیار کرد «علیّ عظیم» بود چون او برتر از همه چیزها است بنابراین ماهیت و حقیقت او «الله» و نامش «علیّ عظیم» است و این اولین اسم‌های اوست زیرا برتر از فهم و وهم و اندیشه می‌باشد.<sup>۱</sup>

### ۲۲۸. کانون دانش

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: ما خانواده درخت نبوت و محل رسالت و آمد و شد فرشتگان و خانه رحمت و کانون دانشیم.<sup>۲</sup>

### ۲۲۹. محبت علی علیه السلام گنج بی‌پایان

عن علی بن ابیطالب علیه السلام: «ان رسول الله ﷺ قال: يا علي ان لك كنزاً في الجنة وانت ذو قرينها...». ابوالطفیل از امیرالمؤمنین روایت نمود که رسول خدا ﷺ فرمود: یا علی! برای تو در بهشت گنجی است و تو مالک دو سوی آن هستی...<sup>۳</sup>

### ۲۳۰. بزرگترین وصی عالم

رسول خدا ﷺ: خداوند عزوجل یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر آفرید که من - خودستایی نباشد - گرامی‌ترین آنان نزد خداوند هستم.

و خدای عزوجل یکصد و بیست و چهار هزار وصی آفرید که علی گرامی‌ترین آنها نزد خداوند و برترین ایشان است.

«خلق الله عزوجل مائة الف نبی واربعة وعشرين الف نبی انا اكرمهم علی الله ولا فخر وخلق الله

عزوجل مائة الف وصی واربعة وعشرين الف وصی فعلى اكرمهم علی الله وافضلهم».<sup>۴</sup>

۱. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۶

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۲۱.

۳. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۲۶.

۴. امالی صدوق، ص ۱۹۶.





## فصل سوم

رسول خدا ﷺ به حضرت علی ﷺ فرمود:

«كنت مع جميع الانبياء سرّاً و  
معى جهرّاً»

«ای علی! تو با همه پیامبران همراه  
نهانی بودی و با من همراه آشکار»

نفحات الازهار، جلد ۵، صفحه ۲۰۵.

شباهت‌های انبیائی امام علی ﷺ





### ۲۳۱. دانش انبیائی امام علی علیه السلام

شیخ قمی در تفسیر خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده که مقصود از «ومن عنده علم الكتاب»<sup>۱</sup> علی علیه السلام است، سپس می‌گوید: از آن حضرت سؤال شد: فرق بین «ومن عنده علم من الكتاب» و آیه «من عنده علم الكتاب» در چیست؟

امام فرمود: دانش کسی که علم بعض کتاب را داراست (مانند عاصف بن برخیا وصی حضرت سلیمان) در مقابل عالم به جمیع کتاب (که امام علی علیه السلام است) مانند آبی است که پشه با بال خود از دریا بگیرد در مقابل دریا!!!  
آن‌گاه امام صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل فرموده است: دانش حضرت آدم و جمیع انبیاء تا حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در عترت این پیامبر جمع است...

### ۲۳۲. عهد و پیمانی بزرگ و نورانی

ابن عباس می‌گوید: وقتی خداوند آیه «واوفوا بعهدکم...» و شما به عهد من وفا کنید تا من هم به عهد خود با شما که گفتم شما را داخل بهشت خواهم نمود وفا کنم (بقره / ۴۰) را نازل کرد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: به خدا سوگند حضرت آدم از دنیا رفت در حالی که با قومش پیمان بسته بود تا به فرزندش شیث وفادار بمانند و به آن وفا نکردند و حضرت نوح چشم از جهان پوشید و با قومش برای وصیش سام وفاداری خواست اما، امتش وفا نکردند و حضرت ابراهیم علیه السلام دار دنیا را ترک نکرد تا این که از قومش بر وفادار بودن به وصیش اسماعیل پیمان گرفت.

اما امتش انجام ندادند و حضرت موسی از دنیا رفت در حالی که با مردمش عهد بسته بود که به وفای وصیش یوشع بن نون امتش وفادار بمانند و حضرت عیسی بن مریم به آسمان بالا برده نشد مگر میثاق بست با قومش تا وفادار بمانند به وصیش شمعون بن حمون صفا ولی امتش وفا نکردند.

(ای مردم) من نیز به زودی از شما جدا خواهم شد و از میان شما می‌روم... و به تحقیق عهد کردم با اتمم درباره‌ی علی بن ابیطالب و او هم به سرنوشت اوصیا پیامبران

۱. رعد / ۴۳.



پیشین از جانب امتشان دچار خواهد شد و با وصی من مخالفت خواهند کرد و نافرمانیش خواهند کرد.

آگاه باشید عهدهم را درباره‌ی علی علیه السلام بار دیگر به شما ابلاغ می‌کنم «فمن نکث فإمّا نیکث علی نفسه...» پس هرکس که آن را بشکند به زیان خودش کوشش نموده و کسی که پایدار بماند به چیزی که بر سر او میثاق بسته شده به زودی پاداش بزرگی از خدا دریافت خواهد داشت»<sup>۱</sup>.

ای مردم قطعا بعد از من علی امام و رهبر شما و قائم مقام من بر شما است و او وصی من و مددکار و برادر و یاورم و همسر دخترم و پدر فرزندان من است و اختیار دار شفاعت من و صاحب حوض من و حمل کننده درفش من خواهد بود هرکس او را نادیده گیرد مرا نادیده گرفته و هرکس که مرا انکار نماید تحقیقا خدای عزوجل را انکار نموده و نادیده گرفته و آن کس که به امامت وی اعتراف کند قطعا به نبوت من اعتراف نموده... ای مردم کسی که از علی فرمان نبرد مرا نافرمانی نموده...

ای مردم شخصی که علی را در گفتار یا کرداری رد نماید قطعا من را رد نموده... ای مردم قطعا علی سرور همه اوصیا و پیشوای دست و رو سپیدان و پرهیزکاران و مولای مؤمنان است...

ای مردم به پیمانی که خدا درباره‌ی علی از شما گرفته شده وفا کنید خدا هم روز قیامت برای شما در بهشت وفا خواهد کرد.<sup>۲</sup>

### ۲۳۳. نتیجه دعای ابراهیم خلیل علیه السلام

ابن مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: من نتیجه دعای ابراهیم علیه السلام هستم. عبدالله مسعود گوید: به آن حضرت عرض کردم چگونه شما نتیجه دعای پدرتان ابراهیم هستید؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند به ابراهیم علیه السلام وحی نمود: من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم.

۱. فتح / ۱۰.

۲. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۳۷۲.

ابراهیم خشنود شد و گفت: آیا از ذریه من نیز امام خواهند بود؟  
 خطاب شد: ای ابراهیم من عهد و پیمانی که قابل انجام نباشد با تو نمی‌بندم. ابراهیم  
 عرض کرد: آن عهد چیست؟

خطاب شد: عهد امامت را به افراد ظالم و ستمگر از اولاد تو نخواهم داد.  
 در این هنگام ابراهیم علیه السلام دعا نمود و گفت: پروردگارا مرا و فرزندانم را از بت‌پرستی  
 دور فرما که آن‌ها (بت‌ها) مایه گمراهی بسیاری از مردم هستند.  
 پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بعد از دعای ابراهیم مقام امامت و دعوت به من و علی داده  
 شد که هیچ کدام از ما در مقابل بت سجده نکردیم و خداوند مرا به پیامبری و علی را  
 به وصایت و جانشینی من برگزید.<sup>۱</sup>

### ۲۳۴. سواران قیامت

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم ما تنها چهار نفریم که در قیامت سواره‌ایم و سواره  
 دیگری جز ما نیست؟

مردی عرض کرد: پدر و مادرم فدایت ای رسول خدا آن سواران چه کسانی هستند؟  
 فرمود: من بر براق خود سوارم و برادرم صالح بر همان شتری که قومش آن را پی کردند  
 و دخترم فاطمه به شتر غضبای من و علی بن ابیطالب بر اشتهای از اشتران بهشتی سوار  
 است که افسار آن از مروارید آبدار و چشمانش از یاقوت سرخ و شکمش از زبرجد سبز  
 است بر روی آن شتر قبه‌ای است از مروارید سپید که درون آن از شفافی نمایان است  
 بیرونش از رحمت سرشار و درونش از عفو خدا انباشته است وقتی مرکب حرکت می‌کند  
 آن قبه می‌درخشد و تلالوی ویژه‌ای دارد و او (علی) در جلوی من در حرکت است.  
 او تاجی از نور بر سر دارد که برای اهل محشر نورافشانی می‌کند و آن تاج هفتاد  
 پایه دارد که هر پایه‌ای چون ستاره درخشانی در افق آسمانی می‌درخشد و پرچم حمد به  
 دست اوست و در قیامت ندا کند:

«لا اله الا الله محمد رسول الله» او از نزد هیچ دسته‌ای از فرشتگان الهی عبور نمی‌کند  
 مگر این که آن‌ها می‌گویند او پیامبر مرسلی است و بر هیچ پیامبر مرسلی نمی‌گذرد

۱. اثبات الهدایة، ج ۲، ص ۳۳۲ - مصباح الهدایة، ص ۶۱





مگر آن که آن‌ها گویند او فرشته مقربی است پس آواز دهنده‌ای از اندرون عرش ندا می‌دهد: ای مردم این مرد نه فرشته مقرب است و نه پیامبر مرسل و نه حامل عرش بلکه او علی بن ابیطالب است

آن‌گاه پس از او شیعیان و پیروانش می‌آیند پس منادی به آن‌ها می‌گوید: شما چه کسی هستید؟

آن‌ها می‌گویند: ما علویان (پیروان علی) هستیم.

پس ندا رسید: ای علویان شما همگی در امانید بنابراین با هر کس که او را دوست می‌داشتید در بهشت وارد شوید.<sup>۱</sup>

### ۲۳۵. سنت ایوبی

عبایه اسد می‌گوید: از علی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «انا سید الشیب و فی سنة من ایوب

والله لیجمعن الله لی اهل کما جمعوا لیعقوب».

من آقا و سرور کهن سالانم و در من سنتی از ایوب است، به خدا سوگند هر آینه خداوند اهل و خانواده‌ام را گرد من جمع آورد، همان گونه که خاندان یعقوب گرد او جمع آمدند (مقصود هنگام ظهور امام مهدی علیه السلام و رجعت خود امام می‌باشد).<sup>۲</sup>

### ۲۳۶. اولین مطیع رسول خدا صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ان الله عزوجل خلق الارواح قبل الاجساد بالفی عامٍ وعلقها بالعرش

وامرها بالتسلیم علی و الطاعة لی وکان اول من سلم علی و اطاعنی من الرجال روح علی بن ابیطالب علیه السلام»؛

خداوند ارواح را دو هزار سال پیش از اجساد آفرید و آن‌ها را به عرش آویخت و به آنان فرمان داد تا بر من سلام و درود فرستاده و از من فرمان برند.

نخستین کسی که از مردان بر من سلام کرد و از من اطاعت نمود روح

علی بن ابیطالب علیه السلام بود.<sup>۳</sup>

۱. امالی مفید، ص ۳۰۶.

۲. امالی مفید، ص ۱۶۰.

۳. امالی مفید، ص ۱۲۴.



۲۳۷. گفتگوی وصی عیسی علیه السلام با امام علی علیه السلام



«عن قیس مولى علی بن ابیطالب علیه السلام قال: ان علیا امیرالمؤمنین علیه السلام کان قریبا من الجبل بصفین حضرت صلاة المغرب فامعن بعیدا ثم اذن فلما فرغ من اذانه اذا رجل مقبل نحو الجبل ابيض الراس واللیحة والوجه فقال: السلام علیک یا امیرالمؤمنین ورحمه الله وبرکاته مرحبا بوصی خاتم النبیین وقائد الغر المحجلین والاغر الممامون...».

قیس غلام علی بن ابیطالب علیه السلام می گوید: در صفین امام علی علیه السلام نزدیک کوه ایستاده بود که هنگام نماز مغرب شد حضرت به مکان دوری رفت و اذان گفت وقتی از اذان فارغ شد مردی با سر و روی سفید به سوی کوه روی آورد و گفت: سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد! آفرین بر وصی خاتم پیامبران و پیشوای سپید رویان و گرمی مرد بی آزار و فاضل و رستگاری که به پاداش راستگویان فائز آمده و سید اوصیا.

امام علی علیه السلام فرمود: سلام بر تو حالت چطور است؟

عرض کرد: خوب است من منتظر روح القدس هستم و من کسی را که امتحان و گرفتاریش در راه خداوند بیشتر و پاداشش نکوتر و مقام و منزلتش نزد خدا بالاتر از تو باشد سراغ ندارم.

برادرم!

«بر این همه گرفتاری‌ها صبر کن تا به دیدار دوست بشتابی...»

آن‌گاه آن مرد با دست خود به سوی اهل شام و اصحاب معاویه اشاره کرد و گفت: اگر این چهره‌های بدبخت و زشت می‌دانستند چه عذاب و عاقبت شومی که در جنگ با تو در انتظار آن‌هاست هر آینه در این کار کوتاه می‌آمدند.

آن‌گاه اشاره‌ای به اصحاب امام کرد و گفت: «و اگر این چهره‌های سفید و نورانی می‌دانستند از آن پاداشی که به جهت اطاعت آن‌ها بر تو مهیا شده هر آینه دوست می‌داشتند که با قیچی ریز ریز شوند، درود و رحمت و برکات خداوند بر تو باد!».

سپس آن مرد از جایی که بود از دیده‌ها پنهان و غایب شد.

در این هنگام عمار بن یاسر و ابوالهیثم بن تیهمان و ابو ایوب انصاری و عباد بن صامت و خزیمه بن ثابت و هاشم مرقال در میان جمعی از شیعیان امام که همه آن‌ها سخنان آن مرد را شنیده بودند برخاستند و گفتند: ای امیرمؤمنان این مرد چه کسی بود؟



حضرت فرمود: او شمعون وصی عیسی علیه السلام است خداوند او را بر انگیخته تا مرا در جنگ بر دشمنانش صبر و دلداری دهد.  
 عرض کردند: پدر و مادرمان فدایت به خدا سوگند ما به همان صورت که رسول خدا صلی الله علیه و آله را یاری دادیم تو را یاری خواهیم داد...  
 امیرالمؤمنین علیه السلام به آنان سخن نیکی فرمود و از آن‌ها تشکر نمود.<sup>۱</sup>

### ❖ ۲۳۸. روی آفتاب از تو خجل ❖

ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده: خداوند بندگانی دارد که پیامبران الهی غطبه و حسرت آن‌ها را می‌خورد... (که) صورت‌های آن‌ها نورانی است و چون مردم هراس و ترس و یا غم و اندوهی داشته باشند آن‌ها نه هراسی دارند و نه غم و اندوهی. سپس فرمود: آیا می‌دانید آن‌ها چه کسانی هستند؟  
 عرض کردیم: نه. فرمود: آن‌ها علی بن ابیطالب و حمزه بن عبدالمطلب و جعفر و عقیل هستند سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه را قرائت نمود: «الان اولیاء الله لاخوف علیهم ولا هم یحزنون».<sup>۲</sup>

### ❖ ۲۳۹. انکار انبیاء الهی ❖

«عن ابن عباس أنّها لما نزلت قال النبی صلی الله علیه و آله: من ظلم علیا مقعدی هذا بعد وفاق فکأما...»  
 ابن عباس نقل کرده که این آیه ۲۵ از سوره مبارکه انفال: «واتقوا فتنة لاتصیب الذین ظلموا منکم خاصة واعلموا ان الله شدید العقاب»؛ درباره‌ی امام علی علیه السلام نازل شده و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس در حق علی و خلافت او بعد از من ظلم کند و جای او را غصب نماید همانند این است که پیامبری من و پیامبران قبل از من را انکار کرده باشد.<sup>۳</sup>

۱. امالی مفید، ص ۱۱۷.

۲. یونس / ۶۲ (شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۷۰).

۳. بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۶۰ - شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۶ - تأویل‌الایات، ج ۱ / ۱۹۲ / ۱۹۳ - تفسیر برهان، ج ۲، ص ۷۲ و احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۴۶.

### ۲۴۰. دوستدار علی

ابن مردویه در مناقب از امام صادق نقل نموده که فرمود: حضرت ابراهیم دعا کرد؛ خدایا! علی را از ذریه‌ی من قرار ده و خداوند دعای او را مستجاب نمود.

### ۲۴۱. علی برادر رسول خدا

انس بن مالک بعد از سخنانی از رسول خدا پرسید: آیا علی برادر شماست؟ رسول خدا فرمود: آری او برادر من است.

انس گوید: گفتم: ای رسول خدا چگونه علی برادر شماست؟

رسول خدا فرمود: «ان الله عزوجل خلق ماءً، تحت العرش قبل ان يخلق آدم بثلاثة آلاف عام

واسكنه في لؤلؤ فاجراه في صلب آدم الى ان قبضه الله تعالى ثم...»؛ خداوند عزوجل سه هزار سال قبل از خلقت آدم آبی را خلق نمود و آن را در ظرفی از لؤلؤ سبز زیر عرش خود قرار داد که علم آن مخصوص به ذات مقدس او بود و چون آدم را آفرید آن آب را در صلب او جاری نمود و چون آدم را قبض روح نمود آن را به صلب وصی او شیث منتقل کرد پس در هر زمانی از صلبی به صلب دیگر منتقل شد تا این که در صلب عبدالمطلب قرار گرفت و بعد از عبدالمطلب آن را دو نصف نمود نصف آن در صلب پدر من عبدالله و نصف دیگر آن در صلب ابوطالب قرار گرفت و من از نصف آن آفریده شدم و علی از نصف دیگر از آن پس علی برادر من می‌باشد در دنیا و آخرت...!

### ۲۴۲. علی در بین دو خلیل الهی

حذیفه می‌گوید: رسول خدا فرمود: «ان الله اتخذني خليلاً كما اتخذ ابراهيم خليلاً فقصرى في الجنة وقصر ابراهيم في الجنة متقابلين وقصر علي بن ابيطالب بين قصرى وقصر ابراهيم فياله من حبيب بين خليلين».

خداوند مرا خلیل خود قرار داد، چنان که ابراهیم را خلیل خود قرار داد پس قصر من در بهشت مقابل قصر ابراهیم خواهد بود و قصر علی بن ابیطالب بین قصر من و

۱. بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۳۶۲.



قصر ابراهیم علیه السلام می‌باشد و چقدر زیبا و عالی است مقام علی علیه السلام که خداوند او را بین دو خلیل خود قرار داده است.<sup>۱</sup>

◆ ۲۴۳. شبیه عیسی پیامبر ◆

از سلمان فارسی نقل شده که گفت: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در بین اصحاب و یاران خود نشست بود آن گاه به آن‌ها فرمود: «**انه یدخل علیکم الساعة شبیه عیسی بن مریم علیه السلام**»؛ یعنی: در این لحظه کسی که شبیه به عیسی بن مریم علیه السلام است نزد شما خواهد آمد پس بعضی از آن مجلس خارج شدند تا این که اول کسی باشند که بر آن حضرت وارد می‌شوند ولی موفق نشدند و علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شد پس آن مرد (عمر) به رفقای خود گفت: محمد راضی نشد به برتری دادن علی بر ما تا این که او را به عیسی بن مریم تشبیه نمود. آن گاه عمر گفت: به خدا سوگند بت‌هایی را که ما در زمان جاهلیت می‌پرستیدیم بهتر از علی علیه السلام است...<sup>۲</sup>

◆ ۲۴۴. علی علیه السلام امیر انبیاء است ◆

سیوطی در کتاب اکیلی ص ۹۸ و صاحب کتاب اللوامع ج ۹ ص ۲۷۲ که از کتب اهل سنت است نقل نموده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «**لو یعلم الناس متی سمی علی امیرالمؤمنین ما انکروا فضله سمی امیرالمؤمنین و آدم بین الروح والجسد قال عزوجل واذا اخذ ربك من بین آدم... قالت الملائكة: بلی فقال الله تعالی: انا ربکم ومحمد نبیکم علیه السلام وعلی امیرکم**».

اگر مردم می‌دانستند چه زمانی علی علیه السلام امیرالمؤمنین نامیده شده هرگز مقام او را انکار نمی‌کردند؛ او در حالی امیرالمؤمنین علیه السلام نامیده شد که آدم بین روح و جسد بود و هنوز به عالم جسمانی وارد نشده بود.

سپس فرمود: خداوند چون در عالم دَر به مقتضای آیه «**واذا اخذ ربك من بنی آدم**»؛ از

۱. احقاق الحق، ج ۱، ص ۶۸۲  
 ۲. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۳۶

بنی آدم و ملائکه میثاق گرفت و ملائکه به ربوبیت خداوند اعتراف نمودند خطاب شد: من پروردگار شمایم و محمد ﷺ پیامبر شماست و علی ﷺ امیر شما خواهد بود.<sup>۱</sup>

### ۲۴۵. وصی موسی نزد امام علی ﷺ

از عبایه بن ربیع اسدی روایت شده است که گفت: بر امیرالمؤمنین ﷺ وارد شدم و دیدم که در نزد آن حضرت مردی با صورتی شکسته و لباس ژنده نشسته و حضرت با او مشغول گفتگو بودند. چون آن مرد برخاست عرض کرد: یا امیرالمؤمنین این مرد که بود؟ فرمود: یوشع بن نون وصی حضرت موسی ﷺ.<sup>۲</sup>

### ۲۴۶. شأنی شریف و بی بدلیل

یوسف بن ابی سعید گفت: من روزی خدمت امام صادق ﷺ بودم و حضرت به من گفتند چون روز قیامت برپا گردد و خداوند تبارک و تعالی خلائق را در آن روز گرد آورد اولین کسی که او را بخوانند نوح ﷺ است پس به او گفته می شود آیا تبلیغ نمودی؟ نوح می گوید: آری به او گفته می شود: شاهد بر گفتارت کیست؟ نوح می گوید: محمد بن عبدالله ﷺ پس نوح ﷺ از مکان خود بر می خیزد و می آید و از مردم سبقت می گیرد تا به نزد پیامبر ﷺ می آید و او بر روی تلی از مشک قرار دارد و با او می باشد.

نوح به محمد ﷺ می گوید: ای محمد: خداوند تبارک و تعالی از من سؤال نموده است: که آیا تبلیغ نمودی؟! گفتم: آری! گفت: گواه تو کیست؟

گفتم: محمد، پس محمد ﷺ می گوید: ای جعفر و ای حمزه بروید و شهادت دهید که او تبلیغ خود را کرده است.

پس حضرت صادق ﷺ گفتند: جعفر و حمزه دو نفر گواهی هستند که برای تبلیغ پیامبران گواهی می دهند.

پس من عرض کردم: فدایت شوم پس علی ﷺ در آن موقع کجاست؟!

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۷۸.

۲. بصائر الدرجات، ص ۸۰.



حضرت فرمود: منزله و درجه علی از این بالاتر است.<sup>۱</sup>

۲۴۷. هم کلام خضر

محمدابن حنفیه روایت کند که گفت: همین طور که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب به دور خانه کعبه در حال طواف بود به مردی برخورد که دست به پرده کعبه زده و می گفت:

«یا من لایشغله سمع عن سمع یا من لایغلطه السائلون یا من لاییرمه الحاح الملحین اذقنی برد

عفوک و حلاوة رحمتک»؛ امام علی به او فرمود: این دعای توست؟

او پاسخ داد مگر آن را شنیدی؟ امام فرمود: آری. گفت: در پایان هر نمازی این دعا را بخوان به خدا سوگند هیچ مؤمنی این دعا را در پایان نمازش نخواند جز این که خداوند گناهان او را بیامرزد هرچند به شمار ستارگان آسمان و قطرات باران و به تعداد ریگ ریگزارها و ذره‌های خاک زمین باشد.

امیرالمؤمنین به او فرمود: علم آن نزد من است و خداوند وسعت دهنده و کریم است آن مرد که حضرت خضر بود گفت: به خدا سوگند راست گفתי ای امیرمؤمنان...<sup>۲</sup>

۲۴۸. همراه همه انبیاء

پیامبر خدا فرمودند: من و علی نور آفریده شدیم، دو هزار سال قبل از آفرینش حضرت آدم؛ ما در سمت راست عرش به تسبیح خدا مشغول بودیم آن گاه که پروردگار آدم را آفرید آن نور را در صلب او نهاد و وقتی که در بهشت ماوی گزید در صلب او و هنگامی که به آن ترک اولی دست یازید باز هم در صلب او بودیم و زمانی که نوح بر عرصه کشتی قرار گرفت ما در پشت وی بودیم چون ابراهیم را در آتش افکندند ما در پشت او جای داشتیم همواره خدای بزرگ ما را از پشت‌های پاکیزه پدران به رحم‌های پاک مادران منتقل می ساخت تا پشت عبدالمطلب سپس آن را دو نیم کرد مرا در پشت عبدالله و علی را در صلب ابوطالب و دیعه نهاد و برای من پیامبری و رشد زیاد، و برای

۱. روضه کافی، ص ۲۶۷.

۲. امالی مفید، ص ۱۰۴.

علی خوش بیانی و تیزهوشی و دلآوری را قرار داد و برای هر یک از ما از دو نام خود نامی اقتباس کرد پس خداوند مالک عرش محمود است و من محمد و پروردگار اعلی است و در حالی که به امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره نمود فرمود: نام او علی است.<sup>۱</sup>

### ❖ ۲۴۹. نور نبوت و امامت از خداست ❖

محمد بن حرب هلالی چنین گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال نمودم و عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا، از نزد خود سؤالی دارم که می‌خواهم از تو بپرسم فرمود: اگر مایلی قبل از آن که تو از من چیزی بپرسی آنچه که در نظر داری برایت مطرح می‌سازم در غیر این صورت خودت بپرس من به آن بزرگوار عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا، چگونه سؤال مرا قبل از آن که خود بگویم از لابلای پرده‌های دلم دریافتید؟!

فرمود: به دقت و زیرکی. مگر فرموده خدای عزوجل «ان فی ذلك لآیات للمتوسمین»؛ (همانا در هلاک نمودن قوم لوط، نشانه‌هایی است برای عبرت دقت کنندگان که بظنانت در نگرند و حقیقت ایشان را به نشانه‌ها و علامات بشناسند حجر / ۷۵)؛ و نیز فرمایش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله «از زیرکی مؤمن بپرهیزید چون او به وسیله نور خدا می‌نگرد» را نشنیده‌ای؟ به او عرض کردم: ای فرزند پیغمبر خدا پس مرا از مسأله‌ای که دارم باخبر کن. فرمود: قصد کرده‌ای از من بپرسی درباره‌ی پیغمبر صلی الله علیه و آله که چرا هنگامی که او بت‌های بام کعبه را فرو ریخت علی علیه السلام توان بلند کردن پیغمبر را نداشت با همه نیرو و توانش، و با آن قدرتی که در موقع کندن در «قموس» در قلعه خیبر و پرتاب آن به فاصله چهل ذراع پشت سر خود، در صورتی که چهل مرد نتوانستند آن را از جای بلند نمایند، از خود نشان داد، در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وزنی نداشت و سوار بر شتر ماده و اسب و قاطر و الاغی می‌گشت و شب معراج بر براق سوار شد و همه این‌ها نیرو و توانشان از حضرت علی علیه السلام کمتر بود.

عرضه داشتم:

به خدا سوگند قصد کرده بودم همین را از تو بپرسم ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله پس مرا از پاسخش آگاه فرما!

۱. معانی‌الاصحبار، ج ۱، ص ۱۲۸.





فرمود: همانا علی علیه السلام به واسطه پیامبر صلی الله علیه و آله شرافت یافت و بلند مرتبه شد و به سبب پیغمبر آتش شرک و دوگانه پرستی را خاموش کرد و بر هر معبودی جز خدای عزوجل خط بطلان کشید، و اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله برای فرو افکندن بت‌ها بر دوش علی بالا رفته بود، هر آینه به سبب علی رفیع و شرافتمند و موفق به فرو افکندن بت‌ها می‌گشت و اگر چنان می‌شد علی برتر از او می‌بود مگر نمی‌بینی علی علیه السلام را که فرمود: چون بر پشت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بالا رفتم شرافتمند گشتم و آن چنان بالا رفتم که اگر می‌خواستم به آسمان دست یابم می‌توانستم.

مگر ندانسته‌ای چراغ چیزی است که در تاریکی به وسیله آن راهنمایی گردی، قدرت پرتو افشانی آن چراغ از روغن آن است و شاخ و برگ درخت از ریشه برانگیخته شود و نیرو گیرد و علی علیه السلام فرمود: نسبت من به احمد همانند نوری است از یک نور.

مگر ندانسته‌ای محمد و علی در پیشگاه خدای جل و جلاله دو هزار سال پیش از این که مخلوقات آفریده شوند، هر دو یک نور بودند و فرشتگان وقتی آن نور را مشاهده کردند ریشه‌ای برایش دیدند که شعاع درخشانی از آن منتشر شده، پس عرض کردند: ای معبود و بزرگ ما این نور چیست؟ خداوند به ایشان وحی فرستاد: این فروغی است از نور من که ریشه آن نبوت و شاخه‌اش امامت می‌باشد و اما «نبوت» برای بنده و فرستاده‌ام محمد است و «امامت» برای حجت و ولی من علی است و اگر به خاطر آن دو نبود آفریدگانم را پدید نمی‌آوردم.

آیا نمی‌دانی که پیغمبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم دو دست علی را چنان بلند کرد که مردم تا سفیدی زیر بغل علی علیه السلام را دیدند او را مولای مسلمین و امام ایشان قرار داده و روز حظیره بنی‌نجار پیغمبر صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهما السلام را به دوش برداشت و چون بعضی از یارانش به او عرض کردند:

یا رسول‌الله! یکی از آن دو را به ما بده. فرمود: چه خوب حاملان و چه خوب سوارانی و پدرشان از اینها بهتر و در خبر دیگری روایت شده: که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حسن را برداشت و جبرئیل حسین را بدین جهت فرمود: چه خوب دو بردارنده‌ای!

یک بار که پیغمبر صلی الله علیه و آله همراه یارانش نماز را با جماعت می‌خواند یکی از سجده‌ها به طول کشید چون نماز را سلام داد عرضه داشتند: ای رسول‌خدا! چرا این سجده را

طولانی نمودی؟ فرمود: آری دو پسر بر من سوار شده بودند و کراهت داشتم از این که عجله کنم تا آنان زود فرود آیند و قطعا حضرت با آن، عمل والائی و شرافتمندی آنان را قصد نموده، پس پیامبر ﷺ رسول مردم است، و علی ﷺ امام آنها است، ایشان (امام علی ﷺ) نه پیامبر نه رسول می‌باشد، بنابراین او توان برداشتن مسئولیت‌های گران نبوت را نداشته است.

محمد بن حرب هلالی گوید: به امام صادق ﷺ عرض کردم: ای فرزند پیامبر خدا برایم بیشتر بگو. فرمود: تو شایستگی بیش از این را داری قطعا پیامبر خدا ﷺ به این دلیل علی ﷺ را بر دوش خود حمل کرد که با این کار به مردم بفهماند او پدر فرزندانش و پیشوای امامان از صلب اوست چنان که در نماز استسقاء ردای خود را وارونه کرد تا با آن کار به صحابه خود بفهماند: زمین‌هایی که بر اثر بی‌بارانی تفتیده و گیاهانش خشک شده بود دگرگون شده و به زمین‌های پر گیاه و محصول مبدل گردید.

گوید: عرضه داشتم: ای فرزند پیامبر خدا! بیشتر برایم بفرمایید؟ فرمود: وقتی که پیغمبر خدا ﷺ علی ﷺ را به پشت خود برداشت مقصودش آن بود که به قومش بفهماند اوست که با پرداخت وام‌ها و وعده‌ها و باز پس دادن (امانت‌ها) پس از درگذشت پیامبر خدا ﷺ از این جهان پشت او را خواهد داشت.

گوید: عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا ﷺ بیشتر به من بیاموزید؟ فرمود: او را برداشت تا به خود علی ﷺ بفهماند که وی او را برداشت و با آنچه بر دوش دارد، زیرا او معصوم است و بار سنگین گناه را به دوش نخواهد کشید پس کردارش نزد مردم حکمت است و درست، و پیغمبر ﷺ به علی ﷺ فرمود: ای علی! همانا خدای تبارک و تعالی گناهان شیعه تو را بر دوش من نهاد آن گاه به خاطر من آنان را بخشید و آن است قول خداوند عزوجل «ليغفرلك الله ما تقدم من ذنبك وما تأخر»<sup>۱</sup>.

یعنی: از ذنوب گذشته و اکنون تو در گذریم.<sup>۲</sup>

۱. فتح / ۲.

۲. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۳۲۳ تا ۳۱۸.



## ۲۵۰. عید غدیر

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: هنگامی که قیامت شود چهار روز را زینت می‌دهند. شخصی پرسید: این چهار روز کدام هستند؟ حضرت فرمود: روز عید قربان، فطر، جمعه و روز عید غدیر، اما روز غدیر در این بین تابنده‌تر است.

روز عید غدیر روزی است که حضرت ابراهیم علیه السلام از آتش (نمرود) نجات پیدا کرد و برای شکرگزاری آن روز را روزه گرفت روز عید غدیر روزی است که خداوند دین را کامل گردانید و حضرت رسول صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به خلافت و حکومت برای مردم برگزید.

روز عید غدیر روزی است که جبرئیل علیه السلام کرسی مخصوصی را که خداوند کرامت کرد، را در مقابل بیت‌المعمور قرار داده و بالای آن رفته و بر محمد درود و تهنیت می‌فرستند و برای شیعیان علی و اولاد او استغفار می‌کنند.

غدیر روزی است که خداوند کاتبان اعمال مردم را فرمان می‌دهد که از نوشتن اعمال (منه‌ی) دوستان اهل بیت و شیعیان آن‌ها خودداری کنند.

روز غدیر روزی است که خداوند آن را برای محمد و آل او مخصوص گردانید و کسانی که در آن عبادت کنند و یا بر اهل و عیال خود انفاق نمایند مورد لطف و احسان پروردگار قرار گرفته‌اند؛ خداوند در آن روز سعی و کوشش شیعیان را تقدیر می‌کند.

غدیر روزی است که در آن علم و فضیلت نشر می‌گردد و روز مژده و بشارت و عید اکبر است و در آن دعا مستجاب می‌باشد.

غدیر روزی است که در آن باید جامه نیکو پوشید و آن روزی است که غم‌ها در آن زوده می‌شود.

غدیر روزی است که خداوند در آن روز دین اسلام را کامل کرد و روز عید آل محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد.

غدیر روز دوستی و رسیدن به رحمت خداوند است روزی که باید خداوند را عبادت کرد و روزه‌داران را افطار داد.

غدیر روز تبریک و تهنیت است هر کس در این روز با برادران ایمانی خود با چهره

خندان روبرو شود خداوند نیز روز قیامت با نظر رحمت به وی نگاه خواهد کرد و هزار حاجتش را روا خواهد نمود.

- غدیر روز زینت است هرکس در این روز خود را زینت کند خداوند گناهان او را می‌آمرزد و فرشتگان را مبعوث می‌کند تا برای او حسنات بنویسند.

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: و این (روز غدیر) بزرگ‌ترین عید خداوند است و خدای عزوجل هیچ پیامبری را مبعوث نکرده جز این که این روز را عید داشته و حرمت آن را شناخته است.

### ❖ ۲۵۱. علی علیه السلام امام اهل تقوا ❖

یکی از شعرای عرب اشعاری در مدح علی علیه السلام می‌گوید:

|   |                        |
|---|------------------------|
| قیل لی قل لعلی مدحا                         | حبه یحمد نارا موصده    |
| قلت لا اقدم فی مدح امر                      | حارذ واللب الی ان عبده |
| والنبی المصطفی قال لنا                      | لیلة المعراج لما صعده  |
| وضع الله بکتفی یده                          | فاحس البرد ان قد لمسہ  |
| وعلی <small>علیه السلام</small> واضع اقدامه | فی محل وضع الله یده    |

(به من گویند مدحی از علی کن از آقائی که عقلا حیرانند در مقام او تا این که عده‌ای گفتند علی خدا است و رسول الله صلی الله علیه و آله خبر داد که در لیله المعراج خدا دست لطفش را بر کتف من گذاشت و خنکی آن را احساس نمودم آن وقت در بت خانه (کعبه قبل از فتح) علی علیه السلام پا بر کتف رسول الله صلی الله علیه و آله گذاشت و بت‌ها را شکست و علی علیه السلام پا گذاشت جای دست خدا (یعنی محل ظهور رحمت خدا)؛ پس از آن که سینه رسول الله خنک شد و از حال غشوه‌ئی که از مشاهده عظمت الهی به او دست داده بود بیرون آمد ندا رسید محمد صلی الله علیه و آله!

تو بندگان ما را امتحان کرده‌ای در بین بندگان ما کیست که تو را مطیع تر باشد؟

رسول الله صلی الله علیه و آله عرض کرد: پروردگارا! علی علیه السلام را یافتیم. فرمود: درست گفתי پس ندا رسید آیا جانشین برای خود معین کرده‌ای؟ عرض کرد: خدایا خودت انتخاب فرما، امر شد که علی علیه السلام را وصی خود قرار ده، علی علیه السلام است بیرق هدایت، علی علیه السلام است امام اهل تقوا، امر شد باید این بشارات را که به تو دادیم به علی برسانی و رسول الله چنین کرد و به



علی علیه السلام فرمود: در سدره‌المنتهی خدا احوال تو را پرسید و تو را امام قرار داد، علی فرمود: «انا عبدالله وفي قبضته ان يعذبني فبذنوبي ولم يظلمني شيئا وان يتم لي ما وعدني فالله اولي بي»؛ من بنده خدايم اگر مرا عذاب کند به عدل رفتار نموده و اگر برای من آنچه را که وعده داده است به انجام رساند پس او اولی به فضل و کرم است.<sup>۱</sup>

در این هنگام پیغمبر دست خود را بلند کرد و دو دعا برای علی علیه السلام کرد «اللهم اجلاء قلبه واجعل ربيعه ايمانه بك...»؛ خدایا روشن کن قلب او را و خوشی او را در ایمان به خودت، برایش قرار ده، این دو دعا را که رسول خدا برای علی علیه السلام کردند، ایشان برایش بلند شدند «قد فعلت ذلك به»؛ یعنی: دادیم به او، اما قرار دادیم برای او (علی علیه السلام) بلایی را که مبتلا شود که هیچ یک از انبیاء به این شکل از بلا مبتلا نشده‌اند، رسول الله صلی الله علیه و آله عرض کرد: خدایا! او وصی و برادر من است بلا را از او دور کن. فرمود: گذشته است در علم من و قضای حتمی است و علاج ندارد این بلا ۲۵ سال خانه‌نشینی با آن مصائب بود.

### ❖ ۲۵۲. مرز حزب خدا و حزب شیطان ❖

مرحوم صدوق در امالی آورده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند در آن شب (معراج) چند مطلب را امر فرمود یکی از آن‌ها این بود که فرمود: یا محمد! خضوعت فقط برای ما باشد دیگر آن که جز به خدا به چیز دیگری اتکا نداشته باشی همانا ما راضی شدیم که تو بنده ما باشی..

سپس فرمود: علی علیه السلام را به خلافت و ولایت بر خلق پسندیده‌ایم و به واسطه‌ی او ائمه از نسل علی علیه السلام خواهد بود، به واسطه او به امت و بندگان خود رحم خواهیم کرد و به واسطه علی حزب شیطان را از حزب رحمان تمیز خواهیم داد...

۱. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۰۳. (از آنجایی که روز عید غدیر بنا بر نقلی در روز نوروز بوده شایسته است هر سال پس از سال تحویل بخشی یا همه‌ی زیارت مخصوص امام علی علیه السلام در روز غدیر مندرج در مفاتیح‌الجنان که اشارات بسیار زیادی به فضایل آن حضرت علیه السلام دارد خوانده شود، امیدواریم در تنها کشور شیعی این سنت فرهنگ‌سازی شود).

### ۲۵۳. حزب همه انبیاء

حضرت ابوالحسن علیه السلام فرموده است. «ولایة علی علیه السلام مکتوبه فی جمیع صحف الانبیاء ولن یبعث الله رسولا الا بنبوته محمد صلی الله علیه و آله ووصیه علی علیه السلام». ولایت علی علیه السلام در تمام صحف انبیاء نوشته شده است و خدا هرگز پیامبری را مبعوث نکرد جز به نبوت محمد صلی الله علیه و آله و وصیت علی علیه السلام.<sup>۱</sup>

### ۲۵۴. منشاء اثر در نبوت انبیاء

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «والذی نفسی بیده ما استوجب آدم ان یخلقه الله وینفخ فیهِ من روحه و این یتوب علیه ویرده الی جنته الا بنبوته والولایة لعلی بعدی والذی نفسی بیده ما...». قسم به آن که جانم در دست اوست آدم علیه السلام مستوجب این نشد که خدا او را بیافریند و از روحش در او بدمد و او را بیمارزد و به بهشت برینش باز گردد مگر به نبوت من و ولایت علی بعد از من و قسم به آن که جانم در دست اوست. به حضرت ابراهیم علیه السلام ملکوت آسمان و زمین را ارائه نداد و او را خلیل خود نکرد مگر به نبوت من و اقرار برای علی بعد از من قسم به آن که جانم در دست اوست. خدا با موسی علیه السلام با کلام خاصی سخن نگفت و حضرت عیسی علیه السلام آیه‌ای برای جهانیان اقامه نکرد؛ مگر به نبوت من و معرفت علی بعد از من و قسم به آن که جانم در دست اوست هرگز پیامبری به نبوت نرسید جز به معرفت او و اقرار به ولایت ما.<sup>۲</sup>

### ۲۵۵. قاری صحف انبیاء گذشته

مرحوم شیخ طوسی در امالی از ابی عمر و ابی سعید الخدری از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت آورده که امام علی علیه السلام وقتی در بغل رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفت. امام علی علیه السلام صحفی که آدم و شیث به آن قیام نمود را از حرف اول تا حرف آخر آن تلاوت کرد سپس صحف نوح و صحف ابراهیم و تورات موسی و زبور داود و انجیل عیسی را خواند که اگر عیسی علیه السلام حاضر بود اقرار می نمود که علی علیه السلام از او بهتر انجیل را در حفظ دارد.

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۳۷، حدیث ۶.

۲. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۳ - معانی الاخبار، ص ۵۴.



سپس امام علی علیه السلام سوره مؤمنون را قرائت نمود...

❖ ۲۵۶. نور اهل اطاعت ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «وما عرج بی الی السماء، وکلمنی ربی الا قال: یا محمد اقرامنی علیا السلام وعرفه انه امام اولیائی و نور اهل طاعتی».

هیچ گاه پروردگام مرا به آسمان بالا نبرد و با من سخن نگفت مگر آن که فرمود: ای محمد! علی را از جانب من سلام برسان و او را آگاه کن که وی پیشوای اولیاء و نور اهل اطاعت من است.<sup>۱</sup>

❖ ۲۵۷. لحن کلام خداوند در شب معراج ❖

عبدالله بن عمر از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید که خداوند در شب معراج با چه لحنی با تو سخن گفت؟ حضرت فرمود: «خاطبنی بلغة علی بن ابیطالب...». یعنی: خداوند خطاب کرد با من با صدای علی علیه السلام .... سپس خداوند به رسولش فرمود: ای پیامبر صلی الله علیه و آله تو را از نور خودم خلق کردم و علی را از نور تو.<sup>۲</sup>

❖ ۲۵۸. اساس دعوت انبیاء گذشته چه بود؟ ❖

رسول الله صلی الله علیه و آله در شب معراج در آسمان پنجم صورت نورانی علی بن ابیطالب علیه السلام را دید از جبرئیل سؤال فرمود مگر ابن عم من قبل از من آمده است؟ جبرئیل عرض کرد: خیر، ملائک مشتاق دیدن علی علیه السلام بودند خداوند ملکی را به شکل علی علیه السلام در آورده تا ملائک هم لذت ببرند و در روایت دیگر است که هر شب جمعه هفتاد هزار ملک به زیارت این صورت می آیند و ثواب این زیارت برای دوستان علی علیه السلام می باشد.

یکی از عجائبی که خدا در شب معراج پیامبر، نشان رسول اکرم صلی الله علیه و آله داد ارواح انبیاء بود مجمع انبیاء در مسجد اقصی بود که انبیاء جمع شدند جبرئیل هم در مسجد اقصی

۱. امالی صدوق، ص ۲۷۲.

۲. ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۸.

اذان گفت و بازوی رسول خدا ﷺ را گرفت و عرض کرد: یا رسول الله ﷺ جلو بایست رسول خدا ﷺ فرمود: تو بایست.

جبرئیل عرض کرد: از روزی که خدا نور تو را خلق کرد ما تقدیمی بر تو نداریم و این آیه نازل شد: «سئل من ارسلنا قبلك من رسلنا اجعلنا لهم الهة من دون الرحمن آللهٔ یعبدون»؛ ای پیغمبر از این انبیاء که قبل از تو برگزیدیم بپرس که اساس دعوت آن‌ها چه بوده است؟ رسول خدا ﷺ پرسید: آن‌ها گفتند: اساس دعوت ما لا اله الا الله بود و گرفتن عهد از امت راجع به تو و برادرت علی<sup>۱</sup>.

### ۲۵۹. امام هستی

خالد بن سعید بن عاص روایت کرده که با امام علی ﷺ از کوفه بیرون رفتیم تا رسیدیم به مزرعه‌ای که در آنجا پنجاه مرد یهودی آمدند و گفتند: تویی علی بن ابیطالب که امام است. حضرت فرمود: آری منم. گفتند ما در کتاب‌های خود خوانده‌ایم که سنگی داریم که اسمش شش پیامبر بر او نقش بسته است و هر چه آن سنگ را می‌جوئیم نمی‌یابیم اگر شما امام هستی آن سنگ را به ما نشان بده.

حضرت فرمود: همراه من بیایید آن گروه پشت سر حضرت رفتند تا میان بیابانی رسیدند نزد کوهی بزرگ از ریگ سپس امام فرمود: ای باد به حق اسم اعظم خداوند ریگ‌ها را از روی سنگ کنار بزن.

آن‌گاه باد با حرکت خود ریگ‌ها را از روی آن سنگ کنار زد و سنگ بزرگی ظاهر شد. حضرت فرمود: این همان سنگ مورد نظر شماست.

گفتند: بله! و طبق آنچه شنیده‌ایم اسم شش پیامبر بر آن نقش بسته است ولی آن را نمی‌بینیم.

حضرت فرمود: آن اسم‌ها بر آن طرف سنگ نقش بسته است که روی زمین است. سنگ را برگردانید تا آن را ببینید همگی جمع شدند و نتوانستند سنگ را تکان دهند. حضرت فرمود: کنار روید آن‌گاه دست مبارک را بر آن سنگ زد و آن را به راحتی

۱. تأویل الآیات، ص ۵۴۷.





برگردانید و دیدند اسم شش پیغمبر صاحب شریعت بر آن نوشته شده است: آدم - نوح - ابراهیم - موسی - عیسی - محمد صلوات الله علیهم.

آن پنجاه نفر یهودی همه با هم گفتند: «اشهد ان لاله الا الله وان محمدا رسول الله وانک امیرالمؤمنین وسید الوصیین ووجه الله فی ارضه من عرفک سعد ونجا ومن خالفک ضلّ وغوی والی الجحیم هوی جلت مناقبک عن التحدید وکثرت آثار نعتک عن التعدید».<sup>۱</sup>

### ۲۶۰. رازدار هستی

نقل است که بعضی از یاران به امام علی علیه السلام عرض کردند: گروهی از اصحاب موسی علیه السلام و وصی عیسی علیه السلام دلائل به آیات به امت خود نشان می دادند تو نیز اگر به ما معجزه و آیتی نشان می دادی دل ما به آن مطمئن می گردید حضرت فرمودند: دل شما نمی تواند علم و برهان و آیات عالم را تحمل کند.

آن ها اصرار کردند حضرت آن ها را برد تا آن که به خانه های هجریین رسیدند و بر شوره زار مشرف شدند. آن گاه حضرت دعایی پنهانی خواند و فرمود: ای زمین! پرده خود را باز کن ناگهان بهشت ها و نهرها در یک جانب و آتش ها در حال زبانه کشیدن در جانب دیگر مشاهده کردند گروهی از آن جماعت گفتند: این سحر است و گروهی دیگر تصدیق کردند و ثابت ماندند.<sup>۲</sup>

### ۲۶۱. وصی کیست؟

انس بن مالک گفت: به سلمان فارسی گفتم: از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کن وصی او کیست؟

«فقال سلمان یا رسول الله من وصیک؟ فقال صلی الله علیه و آله یا سلمان من کان وصی موسی؟ فقال: یوشع بن نون قال صلی الله علیه و آله ان وصی ووارثی یقضی دینی وینجز موعدی علی بن ابیطالب». سلمان عرض کرد: یا رسول الله وصی شما کیست؟ فرمود: ای سلمان! وصی مؤمن که بود؟

۱. کشف الیقین، علامه حلی، ص ۴۰۳ - باب ۱۴۶ و بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۲۵۷.  
 ۲. بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۲۵۸.

عرض کردم: یوشع بن نون. (وصی حضرت موسی علیه السلام) فرمود: وصی من و وارث من و ادا کننده دین من و وفا کننده به وعده من علی بن ابیطالب است.<sup>۱</sup>

### ۲۶۲. دعای مخصوص رسول خدا صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله برای امام علی علیه السلام اینگونه دعا کرده‌اند: اللهم اعطه جلادة موسى واجعل فی نسله شبيه عيسى علیه السلام؛ اللهم انك خلیفتی علیه...؛

یعنی: خدایا صلابت موسی را به او عطا کن و در نسل او کسی مثل عیسی قرار ده، خداوند تو خلیفه منی بر او و عترت و تبار پاک او که از آنان هر پلیدی و آلودگی را برده‌ای...<sup>۲</sup>

### ۲۶۳. خیر الاوصیاء کیست؟

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ان الله تعالى جعل لكل نبی وصیاً، جعل شیث وصی آدم و یوشع وصی موسی و شمعون وصی عیسی و علیا وصی و وصی خیر الاوصیاء فی البداء و انا الداعی و هو المضیی»؛<sup>۳</sup> به درستی که خداوند متعال برای هر پیغمبری جانشین و وصی قرار داد شیث را وصی آدم و یوشع را وصی موسی و شمعون را وصی عیسی و علی را وصی من و وصی من بهترین اوصیاء می‌باشد منم دعوت کننده حق و علی است روشن کننده (حق و حقیقت).<sup>۳</sup>

### ۲۶۴. بزرگی بی‌مانند

ابن ابی الحدید در نهج البلاغه خود دلایل ابو جعفر اسکافی را که از بزرگان اهل سنت می‌باشد را در رد شبهات ابو عثمان جاحظ در اثبات افضلیت علی علیه السلام بر ابوبکر خلیفه اول آورده و می‌گوید:

۱. تذکرة الخواص ابن جوزی، ص ۲۶.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۱۷.

۳. مودة القری، میرسید علی همدانی شافعی و بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۱۸ و مناقب ابن شهر آشوب ماخرندرائی، ج ۳، ص ۴۷.



«قال علماء المسلمین انّ فضیلة علیؑ تلك اللیلة لانعلم احدا من البشر نال مثلها الا ما كان من اسحق و ابراهیم عند استسلامه للذبح».

یعنی: اتفاق و اجماع علما مسلمین بر آن است که احدی از بشر به فضیلت خواییدن علی در فراش پیامبر نرسیده است مگر اسحاق و ابراهیم در تسلیم به قربانی شدن در راه خدا (عقیده اکثر مفسرین آن است که ذبیح اسماعیل بوده نه اسحاق).<sup>۱</sup>

### ❖ ۲۶۵. عجب اقرار عجیبی ❖

روزی عمر بن خطاب گفت:

وا گذارید علی را (یعنی آنقدر از علی غیبت نکنید) زیرا من شنیدم از رسول خداﷺ که فرمود: در علی سه خصلت است که اگر یکی از آنها برای من که عمر هستم بود دوست تر می داشتیم از هر چه آفتاب بر او می تابد.

آن گاه گفت: «كنت انا وابوبکر وابوعبیده بن الجراح ونفر من اصحاب رسول الله وهو متكى على بن ابيطالب حتى ضرب بيده منكبیه ثم قال: انت يا على اول المؤمنین ايمانا واولهم اسلاما ثم قال انت منى بمنزلة هارون من موسى وكذب على من زعم انه بجنى ويغضك».

یعنی: من و ابوبکر و ابو عبیده جراح و عدهای اصحاب حاضر بودیم که رسول خداﷺ به علی بن ابیطالب تکیه داده بود آن گاه بر شانۀ او زد و فرمود: یا علی تو اول مؤمنی هستی از حیث ایمان و اول مسلمانی که به اسلام ایمان آوردی؛ آن گاه فرمود: یا علی! تو برای من به منزله هارونی برای موسی و دروغ گفته کسی که گمان می کند مرا دوست دارد در حالی که تو را دشمن می دارد.<sup>۲</sup>

### ❖ ۲۶۶. ملائکه و انبیاء به چه اقرار کردند؟ ❖

امام صادقؑ فرمود: امیرالمؤمنینؑ بسیار می فرمود: «انا قسیم الله بین الجنة والنار وانا الفاروق الاکبر وانا صاحب العصاء والمیسم لقد اقرب لی جمیع الملائكة والروح والرسول؛ بمثل ما اقر وابه لمحمدﷺ...».

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۲۶۹ ادامه این گفتار بسیار زیباتر و شنیدنی تر است.

۲. فصول المهمه، ص ۱۲۵.

من از طرف خدا قسمت کننده بهشت و دوزخم و من بزرگ‌ترین فرق گذارم و من صاحب عصا و میسمم تمام ملائکه و روح القدس و پیغمبران به فضیلت من اقرار نمودند، چنان که به فضیلت محمد ﷺ اقرار کردند.

مرا بر مسندی مانند مسند او نشانیده‌اند و آن مسند (هدایت و خلافت) خدایی است همانا رسول خدا ﷺ (در قیامت) خوانده شود و جامه در بر شود من هم خوانده شوم و جامه در بر شوم او بازپرسی شود و من هم بازپرسی شوم و طبق گفته او سخن گویم. به من خصلت‌هایی عطا شده که هیچ کس نسبت به آن‌ها بر من پیش نگرفته است: مرگ مردم و بلاها و نژادها و فصل الخطاب را می‌دانم آنچه پیش از من بوده از دستم نرفته و آنچه نزد من حاضر نیست (از امور آینده) بر من پوشیده نیست با اجازه خدا بشارت می‌دهم و از جانب او ادای وظیفه می‌کنم همه این‌ها از طرف خداست که او به علم خود مرا نسبت به آن‌ها توانا ساخته است.<sup>۱</sup>

### ❖ ۲۶۷. صاحب سنت انبیاء ❖

فضیل بن سبار می‌گوید: از امام صادق ﷺ شنیدم که فرمود: «ان فی علی سنة الف نبی من الانبیاء...» در علی ﷺ سنت هزار پیغمبر بود.<sup>۲</sup>

### ❖ ۲۶۸. مثل وصی موسی ❖

امام صادق ﷺ می‌فرماید: روزی امیرالمؤمنین علی ﷺ در مسجد کوفه نشسته بود عده‌ای را خدمت امام آوردند که در ماه رمضان غذا می‌خورند!! امام از آن‌ها سؤال کرد: شما در ماه رمضان افطار کردید، گفتند: آری. امام فرمود: شما یهودی هستید. گفتند: خیر. فرمود: از اهل نصاری هستید؟ عرض کردند: خیر.

فرمود: اهل کدام ملل و ادیان مخالف اسلامید؟ گفتند: ما از فرقه‌ی اسلام و از جماعت مسلمانانیم!!

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۸۰.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۲۲.



امام فرمود: شما مسافرید. عرض کردند: خیر.  
 فرمود: شاید مریض می‌باشید؟ عرض کردند: خیر.  
 امام تبسمی کرد و فرمود: آیا شما شهادت به وحدانیت خدا می‌دهید و به رسالت  
 حضرت محمد ﷺ معترفید؟  
 گفتند: ما وحدانیت خدا را قبول داریم ولی نبوت محمد را هرگز، و ما او را مردی  
 اعرابی می‌دانیم که مردم را به سوی خود دعوت می‌کرد.  
 حضرت فرمود: اگر منکر نبوت باشید شما را به قتل می‌رسانم. گفتند: اگر این کار را  
 هم کنی باز عقیده‌ی ما همین است. حضرت آن‌ها را به شرطه‌الخمیس<sup>۱</sup> سپرد تا آن‌ها  
 را در پشت کوفه بردند، سپس فرمود: دو حفره‌ای کنند در کنار هم و از یکی به دیگری  
 راهی قرار داد.  
 آن‌گاه به آن‌ها فرمود: اگر اقرار به نبوت محمد ﷺ ننمائید شما را در این حفره خواهیم  
 کشت. گفتند: آنچه می‌خواهی انجام ده!!  
 حضرت دستور داد تا در یک حفره آتش و در حفره‌ی بعدی آن جماعت را قرار دهند  
 تا از سوراخ وسط دو حفره آن جماعت به واسطه دود آن آتش خفه شوند.  
 وقتی دود آن‌ها را گرفت امام مجدد تا چند مرتبه آن‌ها را از این کار نهی فرمود تا  
 اینکه آن‌ها خفه شدند وقتی این خبر به قبائل کوفه و نواحی و شهرهای دیگر رسید  
 روزی جماعتی از یهود که از مردم یثرب بودند و تمامی قبایل یهود به اعلمیت آن‌ها  
 اذعان داشتند خدمت امام رسیدند آن‌ها پس از ورود به مسجد شخصی را خدمت امام  
 فرستادند که ما جماعتی از یهود یثرب آمده‌ایم و به شما حاجتی داریم؟  
 حضرت وقتی آن‌ها را دید فرمود: حاجت شما چیست؟  
 عرض کردند: ای پسر ابوطالب این چه بدعتی است که در دین محمد گذارده‌ای؟  
 حضرت فرمود: کدام بدعت؟  
 گفتند: به ما خبر رسیده که شما جماعتی که می‌گفتند **اشهد ان لا اله الا الله**، ولی اقرار  
 به نبوت محمد نداشته‌اند را با دود خفه کرده‌ای؟

۱. نیروهای مخصوص و وفادار امام بودند.



حضرت فرمود: شما را قسم به آیات نه‌گانه‌ای که خداوند متعال به موسی در طور سینا نازل فرمود...

آیا می‌دانید که یوشع بن نون جماعتی را بعد از وفات موسی به نزدش آوردند که شهادت به وحدانیت خداوند می‌دادند ولی اقرار به نبوت موسی نداشتند؛ پس یوشع آن‌ها را همین طوری که من این‌ها را کشتم به قتل رساند.

جماعت یهود گفته امام را تصدیق کردند... سپس آن مرد یهودی در زیر قبا خود کتابی بیرون آورد و به آن حضرت داد حضرت به کتاب نظری کرد و گریست. مرد یهودی گفت: شما را چه شد تا به این کتاب نظر کردید گریستی؟ مگر می‌توانی آن را بخوانی؟ این کتاب به زبان سریانی است و زبان شما عربی. امام فرمود: این اسم من است که در اینجا مکتوب است و چون آن را دیدم گریستم. یهودی گفت: آن را به من نشان ده؟

حضرت نام خود را به او نشان داد و فرمود: نام من به سریانی ایلیا است؛ مرد یهودی چون نام آن حضرت را در آن صحیفه دید گفت:

«اشهد ان لاله الاالله محمد رسول الله واشهد انك وصی محمد واشهد انك اولی الناس بالناس

من بعد محمدﷺ».

سپس با آن حضرت بیعت کرد و با آن حضرت داخل مسجد کوفه شد.<sup>۱</sup>

### ۲۶۹. همانند عیسی بن مریم

امام علی علیه السلام فرمودند: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرا فرا خواند و گفت: یا علی! شخصیت وجودی تو مثل عیسی بن مریم علیه السلام است، یهودیان او را دشمن شدند و در دشمنی و بغض و کینه تا آنجا پیش رفتند که به مادرش مریم بهتان زدند و افترا بستند از طرف دیگر نصاری چنان در دوستی به او افراط کردند تا او را به جایگاه خدایی نشانند.

امام علی علیه السلام در ادامه فرمودند: «وانه یهلك فی محب مطری یقرظنی بما لیس فی ومبغض مفتری یحمله شنائی علی ان یبهتنی الا وانی لست بنبی ولا یوحی الی ولیکن اعمل بکتاب الله ما

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۱۸۰.



استطعت فما امرتکم به من طاعه الله فحق علیکم طاعتی فیما احببتم وکرهتتم وما امرتکم به او غیری...».

دو طایفه به واسطه‌ی من هلاک شدند محبی که افراط کرد و دشمنی که عناد بی‌اندازه ورزید، ای دوستان آگاه باشید که من پیامبر مرسل و نبی مکرم نیستم ولی عامل به کتاب خداوند بزرگ هستم اطاعت و پیروی من در آنچه اکراه یا اشتیاق دارید بر شما واجب شد پس با امر و نهی من مخالفت نکنید.<sup>۱</sup>

### ۲۷۰. صاحب سیره انبیائی

اصبغ بن نباته می‌گوید: وقتی علی علیه السلام به خلافت رسید و مردم با او بیعت کردند حضرت به مسجد آمد عمامه رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر سر داشت و بُرد او را در تن کرد و نعلین پیامبر صلی الله علیه و آله را در پا و شمشیر او را بر کمر بست و بر بالای منبر رفت و با تحت الحنک بر آن نشست و انگشتان خود را درهم نمود و زیر شکم نهاد سپس فرمود: «ای گروه مردم از من بپرسید پیش از آن که مرا نیابید... از من بپرسید که علم اولین و آخرین نزد من است اگر بنشینم، با اهل تورات از کتابشان فتوی دهم، تا جایی که تورات به سخن آید و گوید (درست گفت علی و دروغ نگفت به راستی که علی شما را به همان فتوی داد که در من نازل شده) و با اهل انجیل از انجیل خودشان فتوا دهم تا جائی که انجیل نیز به سخن آید و گوید (علی درست گفت و دروغ نگفته به راستی علی شما را به همان که فتوا داد در من نازل شده) و اهل قرآن را با قرآن فتوا دهم تا قرآن به سخن آید و گوید (علی راست گفته و دروغ نگفته هر آینه علی شما را فتوائی داده که در من نازل شده است) ای مردم شما که شب و روز قرآن می‌خوانید در میان شما کسی است که بدانند چه در آن نازل شده؟ اگر این آیه در قرآن نبود (رعد / ۳۹) شما را خبر می‌دادم به آنچه در گذشته بود و هست و خواهد بود تا روز قیامت».

آن‌گاه امام مجدد فرمود: از من بپرسید پیش از آنکه مرا نیابید...

ابتدا مردی به نام ذعلب که مردی تیز زبان و سخنور و پر دل بود بلند شد و گفت: پسر ابوطالب به جای بسیار بلندی قدم نهادی من امروز او را به واسطه سؤالم شرمسار

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۲۸.

می‌کنم آن گاه گفت: یا علی! آیا پروردگار خود را دیده‌ای؟ (جواب این سؤال قبلاً در داستانی نقل شده است) علی علیه السلام جواب او را کامل و جامع داد؛ سپس مجدد حضرت فرمود: بپرسید از من قبل از آن که مرا نیابید.

بعد اشعث بن قیس کندی سؤالی نمود که حضرت جواب او را نیز داد باز حضرت فرمود: از من بپرسید پیش از آن که مرا از دست بدهید.

آن گاه مردی از دورترین نقطه مسجد بر عصای خود تکیه کرده و گام بر می‌داشت تا نزدیک آن حضرت رسید آن گاه عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! مرا به کاری رهنمائی کن تا به انجام آن از دوزخ رهایی یابم؟ حضرت جواب او را مفصل دادند؛ سپس آن مرد از نظرها غائب شد و ما او را ندیدیم مردم به دنبالش گشتند او را نیافتند علی علیه السلام از بالای منبر لبخندی زد و فرمود چه می‌خواهید.

او برادرم خضر بود. سپس فرمود: بپرسید قبل از آنکه مرا نیابید؟ آن گاه کسی برنخاست سپس امام خدا را حمد کرد و صلوات بر پیغمبر فرستاد و فرمود: ای حسن بر منبر آی و سخن بگو مبادا قریش پس از من تو را نشناسند و گویند حسن خطبه نتواند بخواند.

امام حسن علیه السلام عرض کرد: پدرم چگونه با حضور شما بالای منبر رفته و سخن بگویم و تو در میان مردم مرا ببینی و سخنم را بشنوی؛ امام علی علیه السلام فرمود: پدر و مادرم به قربانت من خود را از تو پنهان می‌کنم و سخن تو را می‌شنوم و تو را می‌بینم ولی تو مرا نمی‌بینی.

امام حسن علیه السلام بر منبر رفت و خدا را ستایش کرد و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد. سپس فرمود: ای مردم! من از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: من شهر علمم و علی در آن است.

آیا می‌توان وارد شهر شد جز از در آن؟ سپس از منبر پایین آمد، آن گاه امام علی علیه السلام او را به سینه خود چسبانید سپس به حسین فرمود: پسر جانم برخیز و به منبر برو تا قریش به حال تو نادان نماند تو دنبال سخن برادرت حسن را بگو، امام حسین علیه السلام به منبر رفت و حمد خدا کرد و ستایش الهی را نمود و صلوات مختصری بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد.

سپس فرمود: ای مردم! از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: علی پس از من شهر علم





است و هر که در آن در آید نجات یابد و هر که از او تخلف کند هلاک شود، آن گاه از منبر پایین آمد و امام علی علیه السلام او را نیز در آغوش کشید و بوسید و فرمود: ای گروه مردم گواه باشید که این دو فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند و دو امانتی که به من سپرده شده‌اند و من آن‌ها را به شما می‌سپارم و رسول خدا صلی الله علیه و آله از شما و رفتار شما نسبت به آن‌ها بازپرسی و سؤال خواهد کرد.<sup>۱</sup>

### ❖ ۲۷۱. ملازم نبی اکرم صلی الله علیه و آله ❖

از امّ سلمه نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که علی بن ابیطالب بر او داخل شد فرمود: ای امّ سلمه آیا او را می‌شناسی؟  
 پس گفت: این علی بن ابیطالب است.  
 سپس پیامبر فرمود: بلی گوشت او گوشت من است، خون او خون من است، و او از من است و من از او؛ به منزله هارون است از موسی، ولی حتماً بعد از من پیامبری نیست ای امّ سلمه!  
 گوش کن و گواه باش این علی است امیرالمؤمنین و سید مسلمین و کیف (خزانة) علم من است...  
 بعد از من خلیفه‌ی من است و ملازم من است در قیامت و او با من است در مرحله بسیار عالی، گواه باش او می‌کشد بی‌وفاها و پیمان‌شکنی‌ها را و از دین برگشته‌ها را.<sup>۲</sup>

### ❖ ۲۷۲. او را دوست بدار ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد شب معراج خود این گونه فرمود: یا علی! در شب معراج بر بال راست جبرئیل نشسته بودم و او در حالی که مرا به سوی آسمان سیر می‌داد در مسیری آوازی شنیدم که به من گفت: یا محمد! چه کسی را جانشین خود در زمین قرار دادی؟  
 گفتم: «خیر اهلها لها اهلاً؛ علی بن ابیطالب علیه السلام اخی و حبیبی و صهری و ابن عمی». بهترین اهل زمین علی بن ابیطالب علیه السلام حبیب و داماد و پسر عم خویش را جانشین خود قرار دادم.

۱. امالی شیخ صدوق، ص ۳۴۴.

۲. غایبة الهرام، ص ۱۱۱، باب ۳۰.

آن‌گاه خدای تعالی به من فرمود: یا محمد! آیا او را دوست داری؟  
 گفتم: بلی یا رب العالمین! او را بسیار دوست دارم.

خدای سبحان فرمود: «**احبه ومرامتك بحبه فانی انا العلی الاعلی اشتقت له من اسمائی اسما فسميته علیاً**».

یا محمد! او را دوست بدار و امت را امر کن او را دوست بدارند من علی اعلی هستم  
 و نام او را از نام خویش مشتق کردم و او را علی نامیدم.

سپس جبرئیل به نزد آمد و گفت: یا رسول الله ﷺ خدایت سلام فرستاد و فرمود:  
 بخوان. گفتم: چه چیز را بخوانم.

جبرئیل آیه «**وهبنا لهم من رحمتنا وجعلنا لهم لسان صدق علیاً**» را قرائت کرد و گفت  
 این آیه را بخوان.<sup>۱</sup>

### ۲۷۳. وزیر نبی ﷺ

ابن عباس نقل می‌کند:

روزی از روزها پیامبر اکرم ﷺ دست من و علی را گرفته به ثبیر برد. ابتدا دو رکعت  
 نماز گزارد سپس دستش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! موسی بن عمران از  
 تو خواهشی کرد و من محمد که برگزیده توأم از تو می‌خواهم به من شرح صدر عنایت  
 فرمایی و کارهایم را آسان گردانی و زبانی گویا و ناطق به من مرحمت فرمایی تا عرب و  
 عجم سخنم را بفهمند بعد فرمود: «**واجعل لی وزیرا من اهلی علی بن ابیطالب**» اخی اشدد به  
**ازدی و اشركه فی امری**؛ خدایا! وزیر و معاونی مثل علی بن ابیطالب ﷺ که از اهل بیت و برادر  
 من است برایم قرار ده تا پیشخوانه من در غم‌ها و گرفتاری‌ها و شریک در کارهایم باشد.  
 ابن عباس ادامه می‌دهد:

در پایان سخنان پیامبر اکرم ﷺ شنیدم که منادی ندا داد: یا محمد! آنچه خواستی به  
 تو عطا کردم آن‌گاه پیامبر اکرم ﷺ به علی را فرمود: یا ابالحسن! دستت را به آسمان بلند  
 کن و از خدایت درخواست کن تا آنچه را خواسته باشی به تو عنایت فرماید.

علی دست را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «**اللهم اجعل لی عندک عهدا واجعل لی**

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۶۲.



عندک ودًا» و خدای سبحان آیه شریفه «انّ الذّین آمنوا و عملوا الصّالحات سیجعل لهم الرّحمان ودًا» را نازل کرد سپس پیامبر اکرم ﷺ آن آیه را برای اصحاب خویش تلاوت کرد. وقتی اصحاب از این صحنه تعجب کردند، رسول الله ﷺ فرمود: ای یاران! از چه چیزی تعجب می کنید بدانید آیات قرآن چهار قسمت است، یک قسمت مختص ما اهل بیت است و یک قسمت اختصاص به مذمت دشمنان دارد و یک چهارم درباره‌ی حلال و حرام و یک چهارم باقی مانده در واجبات و فرایض است خدای رحمان درباره علی ﷺ کرائم قرآن را نازل فرمود.<sup>۱</sup>

۲۷۴. پدر و مادر فدای علی

ابان بن تغلب از انس بن مالک خدمتکار رسول الله ﷺ نقل کرد در یک سرزمینی که عده‌ای به تجاوز و نافرمانی پرداختند آن حضرت عده‌ای از اصحاب را به فرماندهی فردی به نام مصدق برای سرکوبی آنان فرستاد آن متجاوزان مصدق را به قتل رساندند چون خبر کشتن او به رسول الله ﷺ رسید خیلی متأثر و ناراحت شد. بلافاصله علی مرتضی ﷺ را به فرماندهی عده‌ای از اصحاب به سرکوبی و تنبیه آنان اعزام کرد. علی ﷺ مثل صاعقه بر سر آن یاغیان فرود آمد جنگجویان آنان را کشت و فرزندانشان را اسیر گرفت و به سوی مدینه بازگشت. وقتی خبر پیروزی به پیامبر اکرم ﷺ رسید بسیار مسرور و دلشاد شد. حضرت علی ﷺ چون به نزدیک مدینه رسید پیامبر اکرم ﷺ به استقبال وی آمد و او را در آغوش گرفت و میان دو چشم او را بوسید و فرمود:

«باپی انت و امی من شدّ عَضْدی به گما شدّ عَضْدَ موسی بهارون». پدر و مادرم فدای آن یار و یابوری که خدای تعالی بازوان مرا به وسیله‌ی او تقویت کرد همان طور که بازوی موسی را به وسیله‌ی هارون محکم کرد.<sup>۲</sup>

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۶ - کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۱۴.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۶۱.





آنجا رسیده که در آن مقام ذکر شوم؟ فرمود: آری علی! پروردگارت را شکر کن علی رو بر خاک نهاد و سجده کرد به شکرانه این نعمتی که خدا به او داده، رسول خدا ﷺ فرمود: ای علی سر بردار که خدا به تو بر ملائکه خود مباحثات دارد.<sup>۱</sup>

۲۷۹. در سه محل همراه پیامبر ﷺ

روزی رسول خدا ﷺ به علی ﷺ فرمود: یا علی! همانا من در سه جا اسم تو را همراه اسم خود دیدم و با نظر بر آن انس یافتم: هنگامی که در معراجم به آسمان، به بیت المقدس رسیدم بر صخره آن یافتم که «خدایی جز الله نیست و محمد فرستاده‌ی خداست؛ او را به وسیله وزیرش تأیید کرده‌ام و به وسیله وزیرش یاری نموده‌ام».

به جبرئیل ﷺ گفتم: وزیر من کیست؟ گفت: علی بن ابیطالب ﷺ و بار دوم هنگامی بود که به سدره المنتهی رسیدم دیدم بر آن نوشته است «منم خداوند یکتا که معبودی جز من نیست، محمد برگزیده من از آفریدگانم می‌باشد، او را به وسیله وزیرش تأیید کرده‌ام و به وسیله وزیرش یاری نموده‌ام».

پس به جبرئیل ﷺ گفتم: وزیر من کیست؟ گفت: علی بن ابیطالب. و چون از سدره المنتهی گذشتم به عرش پروردگار جهانیان جل جلاله رسیدم دیدم بر پایه‌ی آن نوشته است «منم خداوند یکتا که معبودی جز من نیست محمد حبیب من است، او را به وسیله وزیرش تأیید کرده‌ام و به وسیله وزیرش یاری نموده‌ام».<sup>۲</sup>

۲۸۰. امین خدا در زمین

در روایتی در امالی مرحوم صدوق آمده: رسول خدا ﷺ به علی بن ابیطالب ﷺ فرمود: ای علی! تو صاحب حوض منی، پرچمدار منی، و بر آورنده‌ی وعده‌های منی، دوست دل منی، وارث علم منی، امانت‌دار موارث پیغمبرانی، تویی امین‌الله در زمینش، تویی حجت

۱. امالی شیخ صدوق، ص ۳۰۰.

۲. نصایح، ص ۴۷۱.



بر خلق خدا، تویی رکن ایمان، تویی چراغ هدایت، تویی.... هر که تو را پیروی کند نجات یافته و هر که از تو تخلف کند هلاک می‌شود.

تویی راه روشن، تویی راه راست، تویی قائد الغرالمجلبین، تویی سرور هر که من سرور او هستم و من سرور هر مؤمن و مؤمنه هستم، تو را دوست دارد انسان پاکزاد و دشمن دارد انسان بدزاد.

پروردگارم هیچ گاه مرا به آسمان بالا نبرد و با من سخن نگفت جز این که فرمود: ای محمد! سلام مرا به علی برسان و به او اعلام کن که امام اولیاء و نور اهل اطاعت من است گوارا باد تو را ای علی این کرامت.

### ۲۸۱. حق آشکار

در منابع اهل سنت آمده است.

حضرت رسول اکرم ﷺ به علی علیه السلام فرمود: ای علی! من در چهار مقام اسم تو را نزدیک به اسم خود دیدم.

وقتی مرا به سوی آسمان به معراج می‌بردند همین که به بیت المقدس رسیدم در روی صخره آن این جملات بود: نیست معبودی مگر خدا، محمد است رسول خدا، او را تأیید کردم به علی که وزیر اوست.

وقتی که به سدره المنتهی رسیدم بر آن دیدم این کلمات را: نیست معبودی مگر من، محمد است برگزیده از میان آفریده‌های من، من او را تأیید کردم به علی وزیر او، او را به علی یاری کردم.

و چون به عرش خداوند رسیدم دیدم بر پایه‌های آن نوشته بود: من خدای هستم هیچ معبودی نیست جز من، محمد است حبیب من از میان بندگان من، او را تأیید کردم به علی وزیر او و او را به علی یاری نمودم.

و چون به بهشت رسیدم دیدم بر در بهشت نوشته بود نیست معبودی مگر من، محمد



است حبیب من از میان مخلوقات من، او را تأیید کردم به علی وزیر او و او را به علی نصرت دادم.<sup>۱</sup>

❖ ۲۸۲. نشانه رحمت حق تعالی ❖

رسول خدا ﷺ فرمود:

شبی که مرا به معراج بردند هرچه از خدای خود طلب کردم به من عطا فرمود و شنیدم که کسی از پشت سر من مرا صدا می‌زد و می‌گفت: ای محمد! تو منذر هستی و برای هر امتی یک راهنمایی است من گفتم: من دعوت کننده و منذر هستم راهبر و راهنما کیست؟

گفت: آن علی بن ابیطالب علیه السلام است که او هادی و مهتدی است، یعنی راهبر و راه رفته اوست که امت تو را به سمت بهشت من می‌رساند «قال: علی الهادی المهتدی القائد امتک الی جنتی غرا محجلین برحمتی» و امت تو سپید چهره و نورانی صورت با علائم و نشانه‌های توحید به رحمت من خواهند پیوست.<sup>۲</sup>

❖ ۲۸۳. اولین سلام کننده به رسول الله ﷺ ❖

در روایتی آمده است که ابوالهیثم بن تبهان انصاری می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند ارواح را دو هزار سال پیش از اجساد آنها آفرید و آنها را به عرش آویخت و به آنان دستور داد تا بر من سلام و درود بفرستند و از من اطاعت کنند بعد پیامبر ﷺ فرمود: اولین کسی که از مردان بر من سلام کرد و از من اطاعت کرد روح علی بن ابیطالب علیه السلام بود.

۱. ینابیع المودة، ص ۲۵۶ - موده/القربی، ج ۲، ص ۵۱.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۹۶.

### ۲۸۴. حقیقتی که قابل انکار نیست

قاطبه محدثان و مؤرخان شیعه و دانشمندان علم انساب در کتاب‌های خود ولادت حضرت امیر در کعبه را نقل کرده‌اند. که در این میان کثیری از دانشمندان اهل سنت نیز به این حقیقت تصریح کرده‌اند و آن را یک فضیلت بی‌نظیر خوانده‌اند. این بزرگی از اول خلقت تا آخر هستی فقط اختصاص به مولای پاکان علی علیه السلام است حضرت علی علیه السلام در پاسخ به سؤال صعصعة بن صوحان در شب شهادت خود نیز به این امتیاز برجسته اشاره می‌نمایند. وقتی صعصعة از امام سؤال می‌کند که شما بهتر و برتر هستید یا حضرت عیسی علیه السلام. امام می‌فرماید: من، چرا که مادر عیسی در حین زایمان طبق فرمان خدا از مسجد اقصی خارج شد اما مادر من بیرون کعبه بود که به داخل آن دعوت شد.

### ۲۸۵. امام همه امر و فرمانروای جهان

یکی از اصحاب علی علیه السلام گوید: روزی سلمان - رضی الله عنه - به حضور امیرالمؤمنین شرفیاب شد و درخواست کرد که آن حضرت راجع به شخصیت خود بیاناتی فرماید. امام علیه السلام فرمود: ای سلمان! من آنم که همه امم به اطاعت از فرمان من خوانده شده‌اند و چون سر به کفر برداشتند در آتش دوزخ گرفتار گردیدند و اینک من خازن و نگهبان جهنم و عذاب آنانم.

ای سلمان! به تحقیق به تو بگویم که هیچ کس نیست که حق مرا بشناسد مگر آن که در ملا اعلی در کنار من خواهد بود، سلمان گوید: در این هنگام حسنین علیهم السلام وارد شدند امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای سلمان! این دو گوشواره‌های عرش پروردگارتند و بهشت به نور ایشان روشن می‌شود و مادرشان بهترین زنان عالم است، خداوند از همه مردمان بر ولایت من پیمان گرفته گروهی تصدیق و گروهی تکذیب کردند و در آتش معذب شدند منم حجت بالغه و کلمات جاودانه و منم سفیر سفیران، سلمان عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! من نیز تو را در کتب آسمانی تورات و انجیل به همین اوصاف خوانده‌ام





پدر و مادرم فدای تو! ای کشته دیار کوفه، اگر مردم را تحمل شنیدن بود و نمی گفتند خدا رحمت کند قاتل سلمان را، دوباره سخنی به زبان می آورم که نفس‌ها از آن بیزاری می جویند زیرا که تو آن حجت خدایی که توبه آدم به خاطر تو مورد قبول حق افتاد و یوسف به واسطه‌ی تو از آن چاه نجات یافت و تویی داستان ایوب و توئی سبب تغییر نعمت بر او علی علیه السلام فرمود: سلمان آیا تو داستان تغییر نعمت او را می دانی؟

عرضه داشت: خداوند و تو یا امیرالمؤمنین بهتر از من می دانید؟ حضرت فرمود: در عالم ذر که جمله مخلوقات برای اذعان ربوبیت برانگیخته شدند ایوب در فرمانروایی من بر جهان دچار تردید گشت و گفت: این امری بس گران و بزرگ است خداوند عزوجل فرمود: ای ایوب! در عظمت چیزی که خود به عنایت خویش بر پای داشته‌ام تردید می کنی؟ آن گاه که آدم به بلایی آزموده و مبتلا ساختم به خاطر آن که نسبت به علی به عنوان امیرمؤمنان، سر تسلیم فرود آورد از گناهش درگذشتم و او را بخشودم سپس سعادت به سراغش باز آمد.<sup>۱</sup>

### ۲۸۶. شجره طیبه

جابر می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای متعال ذریه هر پیغمبری را از تبار و نسل خود قرار داد ولی ذریه‌ی محمد صلی الله علیه و آله را از نسل علی علیه السلام قرار داده است.<sup>۲</sup>

### ۲۸۷. سید شعیب پیغمبر

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

من سید شعیب هستم و روشی از ایوب در من وجود دارد خداوند خاندان مرا در یک جا جمع می کند؛ همان طور که کسان یعقوب را برای او جمع کرد و آن زمان نیست که فلک مدار شود و بگویند او (امام زمان علیه السلام) مُرد و یا کشته شد...

۱. بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲۹۲، باب ۶.

۲. کشف‌الیقین، ص ۵۱۶.





و در روایتی دیگر فرمودند:

صبر علی همانند صبر ایوب

و بکاء و گریه علی همانند بکاء یعقوب

و زهد او زهد موسی

و حب او حب من است.

ابی‌الحمراء روایت می‌کند نزد پیامبر بودیم که در این حین علی به سوی ما آمد رسول خدا با دیدن امام فرمود: کسی که خشنود می‌شود به آدم در علمش و به نوح در فهمش و به ابراهیم در مقام خلیل‌اللهی، پس بنگرد به علی بن ابیطالب که همه این صفات در او جمع است.<sup>۱</sup>

ابن عباس روایت می‌کند که رسول خدا فرمود: کسی که می‌خواهد به ابراهیم در حلمش و به نوح در حکمتش و به یوسف در مردم‌داریش نگاه کند پس به علی بن ابیطالب نگاه کند.<sup>۲</sup>

### ۲۹۰. ذوالقرنین امت

روزی ابن کواء از امام علی پرسید چه کسانی بودند که نعمت خدا را به کفر بدل کردند؟

امام به او فرمود: آنان را در گمراهیشان واگذار، آن‌ها قریش بودند.

او پرسید: ذوالقرنین کیست؟

امام فرمود: او مردی بود که خدا او را بر قومش مبعوث کرد مردم دعوتش را دروغ

شمردند و ضربتی بر یک طرف سرش زدند و او از آن ضربت بمرد.

خداوند بار دیگر او را زنده کرد و بار دیگر به سوی قومش به رسالت فرستاد اما باز

هم دعوتش را دروغ شمردند و ضربتی بر طرف دیگر سرش زدند و او از آن ضربت بمرد

سپس خداوند او را زنده کرد.

این پیامبر ذوالقرنین نام گرفت زیرا بر دو جانب سرش ضربت آمده بود.

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، حدیث ۱۱۶.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، حدیث ۱۴۷.





امت دیدم ابا دربارهی آنها نفرین نکردم و کاملاً صبر نمودم، عرض کرد: شما افضل هستید یا ابراهیم؟ فرمود: من افضل از ابراهیم هستم. عرض کرد: چرا شما افضل از ابراهیم هستید؟ حضرت فرمود: زیرا ابراهیم به خدا عرض کرد: پروردگارا به من نشان بده که چگونه مردگان را زنده خواهی کرد. خداوند به او فرمود: آیا باور نداری عرض کرد: آری باور دارم لکن می‌خواهم به مشاهده آن دلم آرام گیرد<sup>۱</sup> ولی ایمان من به جایی رسیده که گفتم: اگر پرده‌ها بالا رود و کشف حجاب گردد یقین من زیاد نخواهد شد.<sup>۲</sup>

عرض کرد: شما افضل هستید یا حضرت موسی؟ فرمود: من افضل هستم. عرض کرد: به چه دلیل شما افضل از موسی هستید؟ حضرت فرمود: وقتی خداوند او را مأمور کرد تا با دعوت از فرعون به مصر برود موسی عرض کرد: ای خدا من از فرعونیان یک نفر را کشته‌ام می‌ترسم مرا به قتل رسانند با این حال اگر از رسالت ناگزیرم برادرم هارون که نطقش از من فصیح‌تر است با من یار و شریک در کار رسالت فرما تا مرا تصدیق کند می‌ترسم آنها تکذیب رسالتم کنند! اما من وقتی رسول اکرم ﷺ از جانب خدا مأمورم کرد که بروم در مکه معظمه بالای بام کعبه آیات اول سوره براءت را بر کفار قریش قرائت نمایم با آن که کمتر کسی در مکه بود که برادرم یا پدر یا عم یا خال یا یکی از اقارب و خویشان من به دست من کشته نشده باشد «مع ذلك ابداء» خوف نکردم اطاعت امر خدا و رسولش را نموده تنها رفتم که مأموریت خود را انجام دادم و آیات سوره براءت را بر آنها خواندم و مراجعت نمودم.

عرض کرد: شما افضل هستید یا حضرت عیسی؟ فرمود: من افضل از عیسی هستم. عرض کرد: برای چه شما افضل هستید؟ فرمود: پس از آن که مریم به واسطه دمیدن جبرئیل در گریبان او به قدرت خدا حامله شد همین که موقع وضع حمل او رسید وحی شد ای مریم! از خانه بیت المقدس بیرون رو؛ زیرا که این خانه محل عبادت است نه زایشگاه و محل ولادت و زاییدن، فلذا از بیت المقدس بیرون رفت و در میان صحرا پای نخله خشکیده‌ای عیسی را به دنیا آورد اما وقتی مادر من فاطمه بنت اسد را درد

۱. بقره / ۲۶۲.

۲. لو کشف الغطاء ما ازددت یقیناً.

زاییدن گرفت در حالی که وسط مسجدالحرام بود به مستجار کعبه متمسک گردیده و عرض کرد:

الهی به حق این خانه و به حق آن کسی که این خانه را بنا کرده این درد زاییدن را بر من آسان گردان همان ساعت دیوار خانه کعبه شکافته شد و مادرم فاطمه را با ندای غیبی دعوت به داخل خانه نمودند، آن‌گاه فاطمه مادرم وارد خانه خدا شد و من در همان خانه کعبه به دنیا آمدم.<sup>۱</sup>

### ۲۹۲. پدران امت

رسول خدا ﷺ فرمود:

«یا علی! انا وانت ابوا هذه الامة»؛ ای علی! من و تو پدران این امتیم.<sup>۲</sup>  
به غیر از امام علی علیه السلام و محمد ﷺ در میان خلفاء کسی نبود که پدر و مادرش (هر دو) هاشمی باشد.<sup>۳</sup>

### ۲۹۳. همدست نبی ﷺ

روزی مردی نزد ابی بکر آمد و گفت: ای جانشین پیامبر، رسول خدا ﷺ به من وعده فرموده که سه مشت خرما به من بدهد، ابوبکر گفت: علی را نزد من بخوانید علی علیه السلام آمد ابوبکر گفت: یا اباالحسن! این مرد می‌گوید که رسول خدا ﷺ به او وعده فرموده که سه مشت خرما به او بدهد پس شما به او بدهید!!  
حضرت سه مشت خرما به او داد. ابوبکر گفت: تعداد آن خرماها را به شمارید وقتی شمردند دیدند که هر مشت خرما شصت عدد بوده است.  
ابوبکر گفت: راستی که پیامبر ﷺ درست فرموده در شب هجرت که از مکه به سوی

۱. و من الحوار اکتشفت الحقیقه، هشام آل قطیط، ص ۱۱۱.

۲. اسفار، ج ۹، ص ۳۷۹.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۴۶.



مدینه بیرون می شدیم می فرمود: ای ابوبکر! کف من و کف (دست) علی در عدل (یا عدد) برابر است.<sup>۱</sup>

❖ ۲۹۴. اولین مخلوقات قبل از ملائکه ❖

ابن عباس می گوید: روزی با رسول خدا ﷺ نشستیم بودیم که علی رضی الله عنه نزد رسول خدا ﷺ وارد شد آن حضرت فرمود: خوش آمد آنکه پیش از پدران خود چهل هزار سال قبل خلق شد.

از رسول خدا ﷺ سؤال شد یا رسول الله آیا می شود پسری پیش از پدرش خلق شده باشد؟ پیامبر فرمود: بلی! به درستی که خدا خلق کرد مرا و علی را از یک نور پیش از آفریدن آدم به آن مدتی که گفتم و بعد از آن نور را تقسیم کرد و همه مخلوقات را خلق کرد از نور من و نور علی، آن گاه ما را در طرف راست عرش قرار داد سپس ملائکه را آفرید...<sup>۲</sup>

❖ ۲۹۵. نوری واحد ❖

علی بن ابیطالب رضی الله عنه می فرماید: رسول خدا ﷺ فرمود: من و علی از یک نور آفریده شدیم.<sup>۳</sup>

❖ ۲۹۶. گوش و چشمی واحد ❖

امام علی رضی الله عنه در خطبه قاصعه می فرماید: وقتی وحی الهی آمد صدای ناله ای شنیدم... از رسول خدا ﷺ پرسیدم یا رسول الله این صدا چیست؟ رسول خدا ﷺ فرمود: تو می شنوی آنچه را که من می شنوم و تو می بینی آنچه را که من می بینم.

۱. امالی شیخ مفید، ص ۳۳۳، مجلس ۳۵.

۲. بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۲۴.

۳. امالی شیخ صدوق، ص ۲۳۶.

### ۲۹۷. دو دستی واحد

ابوهریره نقل می‌کند روزی خدمت پیامبر ﷺ رسیدم دیدم مقداری خرما مقابل آن حضرت است سلام کردم جوابم را داد و یک مشت از خرماها را به من داد آن‌ها را شمردم ۷۳ عدد بود، سپس نزد علی ﷺ رفتم سلام کردم جوابم را داد و یک مشت خرما به من داد، ۷۳ عدد بود پس از آن به محضر رسول خدا ﷺ برگشتم و گفتم امروز مشت خرمایی که به من دادید به مقداری بود که علی ﷺ به من داد تعجب کردم پیغمبر ﷺ لبخندی زد و فرمود: «یا اباهریره! اما علمت ان یدی علی بن ابیطالب فی العدل سواء».

ای اباهریره! مگر نمی‌دانی دست من و دست علی در عدالت برابر است.<sup>۱</sup>

### ۲۹۸. دو عمل واحد

علی ﷺ می‌فرماید: روزی رسول خدا ﷺ از من خواست که دست خود را بر پستان گوسفندی که از شیر خشک شده بود بکشم تا بدان وسیله شیر در پستان حیوان آید به رسول خدا عرض کردم: یا رسول الله ﷺ! شما چنین کنید که این کار از شما سزاوارتر است حضرت فرمود: ای علی! کار تو کار من است، پس من دست بر پستان آن حیوان کشیدم فوراً شیر در رگ‌های پستان گوسفند جریان یافت قدری از شیر آن دوشیدم و حضرت میل فرمود در این بین پیروزی سر رسید که اظهار تشنگی می‌کرد از همان شیر او را هم سیراب کردم آن‌گاه رسول خدا ﷺ به من فرمود: من در مقام دعا از خدای متعال خواسته‌ام که دست تو را مبارک گرداند و خدا نیز چنین کرده است.<sup>۲</sup>

### ۲۹۹. همراه و همراز و همخوی پیامبر ﷺ

موقعی که علی ﷺ را نزد پیامبر اکرم ﷺ آوردند رسول خدا ﷺ به مادر علی ﷺ، فاطمه فرمود: برو حمزه را از ولادت علی ﷺ باخبر کن. فاطمه بنت‌اسد گفت: یا رسول الله ﷺ! اگر من بروم چه کسی علی ﷺ را شیر می‌دهد؟ رسول اکرم ﷺ فرمود: تو برو من علی را سیراب خواهیم کرد.

۱. تعالی سیوطی، ص ۵۴.

۲. خصال، ص ۶۸۸.





و پیغمبر زبان مبارک خود را در دهان علی علیه السلام گذاشت وقتی که فاطمه بنت اسد برگشت علی علیه السلام را نظیر کودکان دیگر در میان جامه‌های پیچید و بست پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: گهواره علی علیه السلام را نزدیک رختخواب من بگذارید رسول خدا صلی الله علیه و آله شخصا تربیت امیرالمؤمنین علیه السلام را بر عهده گرفت. علی علیه السلام را شستشو می‌داد شیر در گلوی آن حضرت می‌ریخت در وقت خواب گهواره علی علیه السلام را به سینه خود می‌چسبانید آن حضرت را برای گردش به کوههای مکه، شکاف کوهها، رودها و جاده‌ها می‌برد و علوم و اسرار الهی را به گوش آن بزرگوار می‌خواند.

### ۳۰۰. برتر از هستی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من و علی از نوری واحد آفریده شدیم و ۱۴ هزار سال پیش از خلقت آدم، سپس آدم آفریده شد آن‌گاه پروردگار نور ما را در صلب او قرار داد و این صلب به صلب می‌گشت تا این که در صلب عبدالمطلب از هم جدا شد نبوت در من مستقر شد و خلافت در علی علیه السلام <sup>۱</sup> پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر آسمان و زمین در کفهای ترازو و ایمان در کفهای دیگر آن باشد کفهای ایمان علی علیه السلام از آسمان و زمین سنگین تر خواهد بود. <sup>۲</sup>

### ۳۰۱. امتیازات علی علیه السلام

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه امتیاز به من داده که علی علیه السلام در آن‌ها شریک است و سه امتیاز به علی داده که من در آن‌ها شریک ندارم. پرسیدند: سه امتیاز مشترک شما و علی علیه السلام در چیست؟ فرمود: یکی پرچم حمد است که علی علمدار آن است دیگری حوض کوثر است که علی ساقی آن است سوم اختیار بهشت و دوزخ است که علی قسمت کننده‌ی آن‌ها است.

۱. غایة المرام، ص ۷.

۲. فضایل الخمسه، ج ۱، ص ۱۶۱.

اما سر امتیاز مخصوص علی علیه السلام: پدر زنی چون من دارم و زنی چون فاطمه علیها السلام و فرزندانى چون حسن و حسین که من هیچ یک از آنها را ندارم.<sup>۱</sup>

### ۳۰۲. ظرف پر آب

علی علیه السلام می‌فرماید: در برخی از جنگ‌ها در حالی که آب تمام شده بود رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا مأمور ساخت و فرمود: ای علی! ظرفی برایم بیاور وقتی آن ظرف را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردم دست راست خود را به همراه دست من در ظرف گذاشت آن‌گاه فرمود: بجوش آن‌گاه آب از میان انگشتان ما جوشید و بر آمد و ظرف پر از آب شد.<sup>۲</sup>

### ۳۰۳. صاحب سر پیامبر صلی الله علیه و آله

روزی علی بن ابیطالب علیه السلام سوار بر مرکب رسول خدا صلی الله علیه و آله از محلی عبور می‌کرد که گذرش بر گروهی افتاد که سلمان فارسی در میان آنان نشسته بود سلمان به آن‌ها گفت: آیا بر نمی‌خیزید تا دامان این مرد را بگیرید و از او پرسش کنید؟ به خدایی که دانه را شکافت و جانداران را آفرید هیچ کس شما را به راز پیامبران خبر ندهد جز او و همانا که او عالم روی زمین و موجب قوام و استواری آن است و زمین با اوست که آرامش می‌یابد و اگر او را از دست بدهید هر آینه علم را از دست داده‌اید...<sup>۳</sup>

### ۳۰۴. هفتاد نیک نامی و نیک بختی

مکحول روایت کرده است که امیرمؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: بزرگان از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله جملگی می‌دانند که در میانشان مردی نیست که فضیلتی داشته باشد جز آن که من در آن با او شریکم و بر او برتری دارم و برای من هفتاد نیک نامی است که هیچ یک از آنان در آن شریک من نیستند.

۱. نصاب، ص ۱۱۳.

۲. نصاب.

۳. امالی شیخ مفید، ص ۱۵۲، مجلس ۱۷.



عرض کردم: ای امیرمؤمنان علیه السلام مرا از آن‌ها آگاه فرمایید.  
فرمود: اولین فضیلت من این است که به یک چشم به هم زدن به خدا شریک  
نورزیده و پرستش لات و عزی را نکرده‌ام.  
دوم: آن که من هرگز شراب نیاشامیدم.  
سوم: آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا در کودکی از پدرم گرفت و من همسفر و هم کاسه و  
هم دم و هم زبان او بودم.

چهارم: آن که من قبل از همه مردم ایمان آوردم و اسلام را پذیرفتم...  
دیگر آنکه من آخرین نفر از مردم هستم که از پیامبر صلی الله علیه و آله جدا شدم و من او را در  
آرامگاهش نهادم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به من هزار باب از علم آموخت که از هر باب هزار باب گشوده می‌شد  
و آن را به هیچ کس جز من نیاموخت برادرم جعفر در بهشت با فرشتگان پرواز می‌کند  
و به دو بال تزئین شده که از دُر و یاقوت و زبرجد است.

عموم حمزه سرور شهیدان در بهشت است.  
و آن که من هرگز از جنگ با دشمن نگریختم و هیچ کس به مبارزه من نیامد جز  
آن که زمین را از خونش آبیاری کردم.

و آن که من با رسول خدا صلی الله علیه و آله در همه صحنه‌ها و جنگ‌ها همراه بودم و پرچم  
رسول خدا صلی الله علیه و آله در دست من بود من عمرو بن عبدود را که با هزار نفر برابری می‌کرد  
کشتم....

شصت و ششم: آن که خدای متعال دو بار آفتاب را برای من برگرداند و جز من برای  
هیچ کس از امت محمد صلی الله علیه و آله آن را برنگردانده است.

شصت و هفتم: آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمان داد که در حیات و مرگ او من عنوان  
امیرالمؤمنین خوانده شوم و این عنوان را به هیچ کس جز من اطلاق نفرمود.<sup>۱</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۴۳۳. (همان طوری که ملاحظه می‌فرمائید امام علیه السلام تا ۶۸ مورد از برتری‌هایش اشاره  
می‌فرماید، البته این روایات طولانی‌تر است از آنچه که آمده است).

### ۳۰۵. صاحب نور حکمت الهی

روزی رسول خدا ﷺ دست مبارک خود را بر سینه علی ﷺ نهاد و چنین دعا کرد خدایا! قلب علی ﷺ را از علم و شناخت و حکم و نور پر کن علی ﷺ می‌فرماید من به حضرت عرض کردم: ای پیامبر خدا! پدر و مادرم به قربانت از زمانی که آن دعا را درباره‌ی من کردی چیزی را فراموش نکردم و هر آنچه که نوشتم از یادم نرفت اکنون با این حال ترس آن هست که فراموش کنم؟ پیامبر فرمود: «لا لست اتخوف عليك النسيان والجهل»؛ نه، در مورد تو ترس فراموشی و نادانی ندارم.<sup>۱</sup>

### ۳۰۶. راهنما علیست

«ومنها ذكر الرضى في كتاب خصائص الأئمة باسناده عن ابن عباس قال كان رجل على عهد عمر وله ابل بناحية آذربايجان...» در زمان عمر بن خطاب مردی از منطقه آذربایجان نزد عمر رفت و برای اهل شدن و رام شدن حیواناتش درخواست ذکری کرد عمر نیز ذکری به او داد مرد آذربایجانی وقتی به شهر خود برگشت ذکر مورد نظر را در طولیله به گوش حیواناتش خواند همه چهارپایانش رمیده و به او حمله کردند و او را شدیداً زخمی کردند تا این که با سختی و کمک دیگران از دست حیوانات خلاصی یافت. او راهی مدینه شد و از اثر نامطلوب ذکر به عمر شکایت کرد و عمر از او نپذیرفت او سپس نزد امام علی ﷺ رفت حضرت به او فرمود: وقتی به شهر خود رسیدی به گوش حیوان خود بخوان.

«اللهم انى اتوجه اليك نبيك نبى الرحمة واهل البيته الذين اخترتهم على علم على العالمين اللهم فذل لي صعوبتها وحزونها واكفني شرها فانك الكافي المعافى والغالب القاهر» قال ابن عباس قال اميرالمؤمنين ﷺ: «كل من استصعب عليه شى من حال او اهل او ولد او فرعون الفراعنه فليبتهل بهذا

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۶۴



**الدعا:** حضرت فرمود: برای خلاصی از شر اهل یا فرزند شرور یا فرعون و طاغی این دعا را بخوانید.<sup>۱</sup>

### ❖ ۳۰۷. مردم شرور ❖

در بصره مردی را برای جاری کردن حد شرعی نزد امیرالمؤمنین علی علیه السلام آوردند در این هنگام جماعتی از مردم به طرف آن حضرت به راه افتادند. امام فرمود: ای قنبر بین این جمعیت کیستند؟ چون آن عده نزدیک آمدند حضرت به صورت آن‌ها نگاه کرد و فرمود: ناخوش باد چهره‌هایی که جز در صحنه‌های بد و ناخوش‌سایند دیده نمی‌شوند اینان جماعتی فضول هستند ای قنبر آنان را از من دور کن.<sup>۲</sup>

### ❖ ۳۰۸. بزرگترین و با فضل‌ترین‌ها ❖

عن النبی صلی الله علیه و آله قال: «خلق الله عزوجل مائة الف نبی واربعة وعشرين الف نبی انا اكرمهم علی الله ولا فخر وخلق الله عزوجل مائة الف وصی واربعة وعشرين الف وصی فعلى اكرمهم علی الله وفضلهم».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند عزوجل یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر آفرید که من نزد خداوند از همه آنان گرامی‌ترم و این سخن را نه از روی مباهات می‌گویم و خداوند عزوجل یکصد و بیست و چهار هزار جانشین برای پیغمبران آفرید و علی علیه السلام از همه آنان نزد خداوند گرامی‌تر و با فضیلت‌تر است.

### ❖ ۳۰۹. قتل انبیاء الهی ❖

عبدالرحمن ابن ملجم لعنه‌الله، از باقیمانده‌های خوارج نهروان بود، او که از کوفه فرار کرده بود، طبق توطئه‌ای که با همدستان خود، در مکه، طرح آن را به عهده گرفته بود

۱. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۸۴، باب ۱۰۸.

۲. تهذیب، ج ۱۰، ص ۱۵۰.



مخفیانه به کوفه آمد، و سرانجام صبح نوزدهم ماه رمضان سال چهارم هجرت، ضربت خود را بر فرق مقدس علی علیه السلام وارد ساخت (که علی علیه السلام بستری شد و شب ۲۱ همان سال به شهادت رسید)؛ ابن ملجم لعنت‌الله پس از ضربت زدن پا به فرار گذاشت، یکی از مسلمانان که از قبیله همدان، او را دنبال کرد، به او رسیده لباس را که در دست داشت، بر سر او افکنده، و سپس او را به زمین انداخت و شمشیرش را از دستش گرفت و او را نزد امیرمؤمنان علیه السلام آورد.

وقتی که چشم علی علیه السلام به ابن ملجم لعنت‌الله افتاد فرمودند: **النفس بالنفس** (این جمله در آیه ۴۵ سوره مائده آمده و منظور قصاص قاتل است که قاتل باید به قتل برسد). سپس فرمودند: اگر من از دنیا رفتم، همان گونه که او مرا کشت او را به قتل برسانید و اگر از این ضربت سالم ماندم رأی خود را خواهم داد. ابن ملجم لعنت‌الله (این خبیث ناپاک) گفت: (سوگند به خدا، من این شمشیر را به هزار (دینار) خریده‌ام و با هزار (درهم) زهر، آن را مسموم نموده‌ام در این صورت اگر این شمشیر به من خیانت کند (یعنی باعث قتل نشود) نفرین بر آن باد.

مردم او را از کنار بستر علی علیه السلام دور کردند، از شدت ناراحتی به او می‌گفتند: «ای دشمن خدا، این چه کاری بود که کردی؟ تو امت محمد صلی الله علیه و آله را به عزا نشاندی تو بهترین انسان‌ها را کشتی».

او خاموش بود، سخنی نمی‌گفت، او را به زندان افکندند. سپس مردم به حضور امیرمؤمنان علیه السلام آمده و با احساسات پر شور عرض کردند: «ما گوش به فرمان شما هستیم، هرگونه فرمان دهی، همان را در مورد این دشمن خدا (ابن ملجم لعنت‌الله) اجرا می‌کنیم، چرا که او باعث هلاکت امت و تباهی دین شده است».

علی علیه السلام فرمود: (اگر زنده ماندم، رأی خود را خواهم گفتم و اگر از دنیا رفتم، با او همان گونه رفتار کنید، که با قاتل پیامبر، رفتار می‌شود. نخست او را بکشید، سپس بدنش را با آتش بسوزانید. پس از شهادت علی علیه السلام به امر امام حسن علیه السلام او را کشتند و سپس «ام هیثم» (که از زنان قهرمان طایفه نخع بود) پیکر ناپاک او را به آتش کشید.<sup>۱</sup>

۱. اعلام الوری، ص ۲۰۱ - ۲۰۲.





## فصل چهارم

رسول خدا ﷺ به حضرت علی علیه السلام فرمود:

«من آذى شعرة منك فقد  
آذاني...»

هر کس به اندازه یک سر مو تو مرا  
اذیت کند مرا اذیت کرده است...

انساب الاشراف، بلاذری، جلد ۲، صفحه ۱۲۶.

شبهاتهای امام علی علیه السلام با رسول خدا ﷺ







### ❖ ۳۱۰. ولی خدا در زمین ❖

در حدیثی قدسی خداوند متعال می‌فرماید: «... وحتی فی السموات والارضین علی جمیع من فیهن من خلقی لا اقبل عمل عامل منهم الا بالاقرار بولایتہ مع بنوة احمد رسولی». من علی را در آسمان‌ها و زمین بر همه آفریدگان خود حجت قرار دادم و عمل هیچ کسی را بدون اقرار به ولایت او و نبوت پیامبر خود نمی‌پذیرم.<sup>۱</sup>

### ❖ ۳۱۱. ده ویژگی ممتاز ❖

امام صادق علیه السلام از پدرش از جدش علیه السلام روایت کند که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب روزی بر فراز منبر کوفه فرمود: ای مردم ده خصلت از رسول خدا صلی الله علیه و آله به یادگار دارم که در نزد من از آنچه که خورشید بر آن می‌تابد بهتر و محبوب‌تر است.

- رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای علی! تو در دنیا و آخرت برادر منی.
- در روز قیامت در پیشگاه خداوند تو نزدیک‌ترین آفریدگان به من هستی.
- جایگاه تو در بهشت مقابل جایگاه من است. همچنان که منازل دوستان در راه خدا در مقابل هم قرار دارد.
- تو وارث منی و تو پس از من در مورد وعده‌ها و کارهایم وصی من خواهی بود.
- تو حافظ و سرپرست خانواده من در هنگام غیبت من هستی.
- تو پیشوای امت منی.
- تو به پا دارنده‌ی عدالت در میان امت منی.
- تو دوست منی و دوست من دوست خداست و دشمن تو دشمن من است و دشمن من دشمن خداست.<sup>۲</sup>

### ❖ ۳۱۲. سعادت‌مندی ابدی ❖

سلمان فارسی گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز عرفه (نهم ذی‌حجه) بیرون شد و فرمود:

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۲۱۲.

۲. امالی مفید، ص ۱۹۲.



خداوند در این روز به شما افتخار و مباهات کرد تا همگی شما را عموماً و علی را خصوصاً مورد رحمت و بخشایش خود قرار دهد.

آن‌گاه فرمود: ای علی! نزدیک من بیا نزدیک رفت. پیامبر ﷺ دست او را گرفت و فرمود: همانا سعادت‌مند کسی است که پس از من اطاعت تو کند و تو را دوست بدارد و همانا بدبخت کسی است که پس از من با تو مخالفت کند و با توبه دشمنی پردازد.<sup>۱</sup>

### ۳۱۳. خداوند فرموده

رسول خدا ﷺ فرمود: «**احبوا علیاً لحبی واکرموه لکرامتی والله ما قلت لکم هذا من قبلی ولكن الله تعالی امرنی بذلک ویا معشر العرب من ابغض علیاً من بعدی حشره الله یوم القیامة اعمی لیس له حجة**».

علی را به خاطر من دوست بدارید و برای من به او احترام بگذارید؛ سپس فرمود: به خدا سوگند آنچه گفتم از طرف خدا بود و او مرا به آن امر فرمود، ای مردم هر کس بعد از من با علی دشمنی ورزد خداوند در قیامت او را کور محشور خواهد نمود و راه نجاتی نخواهد داشت.<sup>۲</sup>

### ۳۱۴. فضل و رحمت خداوند

در تفسیر مجمع‌البیان در تفسیر آیه شریفه: «**قل بفضل الله وبرحمته فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون**»<sup>۳</sup> از امام باقر روایت شده که فرمود: «**فضل الله، رسوله و رحمته، علی بن ابیطالب**»؛ یعنی: مقصود از فضل الله رسول خدا و مقصود از رحمته علی بن ابیطالب است.

### ۳۱۵. امام مهربانی‌ها

حضرت رضا در وصف امام فرموده‌اند:

۱. *امالی مفید*، ص ۱۷۷.

۲. *بحار الانوار*، ج ۴۰، ص ۳۲.

۳. *یونس* / ۵۸ - *در شواهد التنزیل* از ابن عباس در تفسیر همین آیه همان حدیث فوق آمده است، ج ۱، ص ۲۶۸.

الامام الانیس الرفیق والوالد الشفیق والاخ الشقیق والام البرة بالولد الصغیر....

یعنی: امام مونس‌ی است با رفیق و مدارا و پدری است دلسوز و برادری است تنی (از یک پدر و مادر) و همچون مادری است نیکوکار نسبت به فرزند خردسالش و او پناهگاه بندگان در مصیبت‌های بزرگ.<sup>۱</sup>

### ❖ ۳۱۶. عزیز دل و قلب نبی ❖

صاحب کتاب غایه‌المرام از کتاب فضائل امیرالمؤمنین<sup>ن</sup> روایت از طریق اهل سنت نقل کرده و سپس گوید: یکی از آن‌ها روایتی است که ذرین حبش از علی بن ابیطالب نقل کرده که فرمود: رسول خدا<sup>ص</sup> مرا به آغوش گرفت و فرمود: خداوند مرا امر کرده که به تو نزدیک شوم و از تو دوری نکنم و چنان که گوش من شنوا و نگهدارنده‌ی علوم است بر خداست که گوش تو را نیز شنوا و نگهدارنده‌ی علوم قرار دهد...<sup>۲</sup>

### ❖ ۳۱۷. شانی شریف ❖

در تفسیر صافی نقل شده که رسول خدا<sup>ص</sup> به امام علی<sup>ع</sup> فرمود: یا علی این آیه «القیاه فی جهنم کل کفارٍ عنیدٍ مناعٍ للخیر معتد مریب الذی جعل مع الله الهاء اخر فالقیاه فی العذاب الشدید».

ترجمه: (به آن دو خطاب شود) هر کافر سر سخت و هر باز دارنده از خیر و هر متجاوز شکاکی که با خداوند، خدایی دیگر شریک قرار داده را در دوزخ و عذاب سخت فرو افکنید<sup>۳</sup> این آیه درباره‌ی من و تو نازل شده است.

### ❖ ۳۱۸. زاهد بی نظیر ❖

امام علی<sup>ع</sup> می فرماید: «کان فراش رسول الله<sup>ص</sup> عباءة وکانت مرفقته ادم حشوها لیف فثینت له ذات لیلة فلما اصبح قال: لقد منعتنی الفراش اللیلة الصلاة فامر الله<sup>ع</sup> ان يجعل بطاق واحد».

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۵۶.

۲. غایه‌المرام، ص ۳۶۷ - بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۳۲۷.

۳. ق / ۲۳.



بستر رسول خدا ﷺ یک عبا بود و بالش او پوستی پر شده از لیف خرما یک شب آن را برای پیامبر دولا کردم صبح که شد پیامبر فرمود: این بستر دیشب مرا از نماز باز داشت. امام ﷺ دستور داد آن را یک لا کردند.<sup>۱</sup>

❖ ۳۱۹. او مثل پیامبر ﷺ می بیند ❖

امام علی علیه السلام فرمود: «كنت مع النبي ﷺ مكة فخرجنا في بعض نواحيها فما استقبله جبل ولا مدر ولا شجر الا وهو يقول السلام عليك يا رسول الله».

در مکه با پیامبر اسلام ﷺ بودم و با هم به یکی از نواحی این شهر بیرون رفتیم آن حضرت با هیچ کوه و کلوخ و درختی روبرو نمی شد الا اینکه می گفتند: سلام بر تو ای رسول خدا.<sup>۲</sup>

❖ ۳۲۰. تربیت شده خدا ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «انا اديبُ الله وعلی اديبی» من تربیت شده خدا هستم و علی تربیت شده من.<sup>۳</sup>

❖ ۳۲۱. همو اوست ❖

در تفسیر مجمع البیان از علی علیه السلام نقل شده که آن حضرت در حالی که دست به محاسن شریف خود گرفته بود فرمود: رسول خدا ﷺ در حالی که محاسن خود را به دست گرفته بود به من فرمود: «من آذى شعرة منك فقد آذاني ومن آذاني فقد آذى الله ومن آذى الله فعليه لعنة الله».

هر کس به (اندازه) یک موی تو را اذیت کند مرا اذیت کرده و هر که مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده و هر که خدا را اذیت نماید لعنت خدا بر او خواهد بود.<sup>۴</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۲۱۶، ص ۵.  
 ۲. کنز العمال، حدیث ۳۵۳۷۰.  
 ۳. مکارم الاخلاق، ۱ / ۵۱ / ۱۹.  
 ۴. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۰۶ - وفي انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۴۶.



### ❖ ۳۲۲. بازار صورتگران ❖

امیرالمؤمنین علیه السلام نقل فرمودند از رسول خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت بازاری است که در آنجا هیچ خرید و فروشی نیست مگر صورتهائی از مردان و زنان هرکس میل و اشتیهای صورتی را داشته باشد در آن بازار داخل می‌شود و در آنجا مجتمع حواریین است که به صورتی خوش و دلکش چنان می‌خوانند که خلایق چنان صدائی را شنیده‌اند و این کلمات را می‌خوانند.

ما همیشه خوش و خرم هستیم و هیچ وقت غصه‌دار و اندوهگین نمی‌شویم و ما پیوسته سیر و شاداب هستیم و هیچ وقت گرسنه نمی‌گردیم و ما همیشه با لباس هستیم و هیچ گاه عریان نمی‌شویم و ما پیوسته و جاودان زنده هستیم و هیچ وقت نمی‌میریم و ما همیشه خرسند هستیم و هیچ وقت خشمگین نمی‌شویم و ما پیوسته اقامت داریم و ما هیچ وقت کوچ نمی‌کنیم پس خوشا به حال کسی که ما برای او هستیم و او برای ماست ما زنان نیکو سیرت و نیکو صورت هستیم شوهرهای ما مردمی بزرگووار و کریم می‌باشند.<sup>۱</sup>

### ❖ ۳۲۳. دیندار اقلیه دنیا ❖

عن ابی صادق قال: «سمعت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام یقول دینی دین رسول الله صلی الله علیه و آله و حسبی حسب رسول الله صلی الله علیه و آله فمن تناول دینی و حسبی فقد تناول دین رسول الله صلی الله علیه و آله و حسبه». یعنی: دین من همان دین رسول خداست و فخر و شرف نژادی من همان فخر و شرف نژاد رسول خداست پس هر کس به دین و نژاد من ناسزا گوید البته که دین و نژاد رسول خدا را ناسزا گفته است.<sup>۲</sup>

### ❖ ۳۲۴. استاد علی بن ابیطالب علیه السلام ❖

حسن بن فضال گوید:

به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: چرا کنیه پیغمبر «ابوالقاسم» است فرمود: زیرا پسری

۱. جامع‌الاکخبار، ۲۰۲.

۲. امالی مفید، ص ۱۰۱.



به نام «قاسم» داشت و از این جهت به او کنیه ابوالقاسم دادند. گفتم: ای فرزند پیامبر آیا مرا شایسته می‌دانید تا بیش از این برایم توضیح فرمائید؟  
فرمود: بلی! مگر نمی‌دانی که پیامبر خدا ﷺ فرمود: من و علی هر دو پدر این امت هستیم؟ گفتم: آری، می‌دانم.

فرمود: آیا پیغمبر خدا پدر همه امت و علی هم یکی از افراد امت ایشان نبوده است که پس از او جانشین وی می‌باشد؟ عرض کردم: بلی بوده‌اند. فرمود: علی قسیم بهشت و جهنم است؟

جواب دادم: آری! فرمود: بنابراین، پیامبر ﷺ را بدین جهت ابوالقاسم گویند که ایشان پدر قسیم دوزخ و بهشت است، عرض کردم: پدر بودن ایشان چه معنایی دارد؟ فرمود: او برای امتش همانند پدری مهربان بر فرزندان خویش بوده است و همین طور علی بن ابیطالب که شایسته‌ترین امت او بود؛ پس از وفات رسول اکرم ﷺ وصی و جانشین وی و رهبر امت قرار گرفت او نیز برای امتش همانند پدری مهربان و شفیع عمل می‌کرد، سپس سخن خود را این چنین ادامه داد: روزی پیغمبر ﷺ در بالای منبر فرمود: هر کس از دنیا برود و در حالی که دین و عاقله تهیدستی به جای گذارد بر عهده‌ی من است که دینش را ادا کنم و مخارج خانواده او را پردازم (از بیت‌المال) و اما هر کس از دنیا برود و ثروتی بر جای گذارد ثروتش از آن بازماندگانش خواهد بود.

سپس امام رضا ﷺ فرمود: به این جهت است که گفته می‌شود پیامبر اکرم ﷺ نسبت به امت خود از پدران و مادرانشان دلسوزتر و اختیارات وی نیز از خود ایشان بیشتر بوده است. چنان که خدا فرموده است: «التبی اولی بالمؤمنین من انفسهم» و همچنین امیرالمؤمنین بعد از آن بزرگوار اولی بود بر امت از جانهایشان (همان گونه علی ﷺ عهده‌دار تمام وظایف و مناصب پیغمبر ﷺ بود باید دارای اختیارات او نیز باشد).<sup>۱</sup>

### ۳۲۵. ذکر دم مرگ رسول خدا ﷺ

ابن عباس می‌گوید: هنگام وفات رسول خدا ﷺ در کنار بستر آن بزرگوارم بودم که حال احتضار به آن حضرت روی آورد من متوجه شدم که لب‌های آن وجود مقدس متحرک

۱. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۱۱۹.







یعنی: ولایت علی مثل ولایت من است هر کس را من اولی به تصرف هستم به او از نفس او، پس علی اولی به تصرف است به او از نفس او.

### ❖ ۳۲۸. دو کف نورانی و بی‌همتا ❖

مرحوم راوندی در خرائج از انس بن مالک روایت نموده که روزی رسول خدا ﷺ مشتی سنگریزه برداشت و آن سنگریزه‌ها در دست مبارکش تسبیح گفتند سپس آن‌ها را بر کف دست امام علی ﷺ ریخت سنگریزه‌ها در دست مبارک آن حضرت نیز تسبیح گفتند و ما تسبیح سنگریزه‌ها را شنیدیم اما وقتی آن‌ها را در دست‌های ما ریخت تسبیح نگفتند.

### ❖ ۳۲۹. ناظر حاضر و همراه ❖

شبی که رسول خدا ﷺ به معراج تشریف بردند اول صبح امام علی ﷺ حضور آن حضرت مشرف شد و عرض کرد: یا رسول الله اگر اجازه دهید از آنچه که امشب در آسمان‌ها سیر کرده‌اید شما را خبر دهم. حضرت فرمودند: یا علی! می‌دانم که تو مطلعی به آنچه امشب در آسمان‌ها مشاهده کرده‌ام و به هر کجا قدم گذاشته‌ام تو ناظر احوال من بودی؛ زیرا در مقام قرب حق که خداوند خواست با من سخن گوید به کلام تو ایجاد سخن می‌فرمود و اول سخن که به من فرمود سفارش ولایت تو بود. ....

### ❖ ۳۳۰. مرز کفر و اسلام ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: **من اکرم علیا فقد اکرمی ومن...؛ هر کس علی را اطاعت نماید مرا اطاعت کرده و کسی که مرا اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و کسی که علی را انکار نماید مرا انکار کرده و کسی که مرا انکار نماید خدا را انکار کرده است.**

۱. ارشاد القلوب دیلمی، ج ۲، ص ۲۳۳.





سوره براءت را بر حسب دستور خداوند و رسول خدا ﷺ از ابی بکر گرفت تا در موسم حج آن را اداء نماید.

و نظیر آن حضرت است در مولای امت بودن به دلیل فرمایش رسول خدا ﷺ در ماجرای غدیر خم که فرمود: هر کس را که من اولی به تصرف در امر او هستم پس این علی نیز اولی به تصرف در امر او می باشد.

و همتا و نظیر رسول خداست در اتحاد نفس چرا که نفس علی ﷺ مثل نفس رسول خدا ﷺ است. چنانچه خداوند در آیه مباهله علی را به منزله نفس آن حضرت قرار داده است.

و نظیر آن حضرت است در فتح باب او در مسجد پیامبر به امر رسول خدا ﷺ تمام درهای خانه ها که به مسجد پیامبر ﷺ باز بود بسته شد الا در خانه امام علی ﷺ و جواز ورود در مسجد در حال جنابت مانند رسول خدا ﷺ چنانچه در صحیح مسلم و صحیح بخاری آمده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«لاینبغی لاحد ان یجنب فی المسجد الا انا وعلی».

سزاوار نیست برای احدی که جنب وارد شود در مسجد مگر من و علی.<sup>۱</sup>

۳۳۴. اهل بیت نبی ﷺ

عبدالله بن عمر بن خطاب گفت: زمانی اصحاب پیامبر را می شمردیم لذا گفتیم: ابوبکر و عمر و عثمان اما مردی در پاسخ به ما گفت: «یا ابا عبد الرحمن فعلی ﷺ ما هو؟ قال: علی من اهل البیت لایقاس به احد هو مع رسول الله ﷺ فی درجه»؛

ای ابا عبد الرحمن (کنیه عبدالله بن عمر بود) نام علی را چرا از بیان انداختی او جواب گفت: علی از اهل بیت رسالت است که احدی را نتوان با او مقایسه کرد او با رسول خدا و در درجه آن حضرت می باشد.<sup>۲</sup>

۱. مناقب خوارزمی ص ۲۶۱ (در این خصوص روایتی نیز از عمر بن خطاب نقل شده است).  
 ۲. ینابیع الموده، ج ۲، ص ۳۹۷.

### ۳۳۵. باب الله

امام علی (ع) در خطبه‌ای فرمود: ماییم خاصان و اصحاب (رسول خدا) و خزانه‌داران و درها.  
به هر خانه‌ای جز از در آن نشاید وارد شد و هر که جز از آن درها وارد گردد دزد نامیده شود.<sup>۱</sup>

### ۳۳۶. راه روشن خدا

سعید اعراج می‌گوید: من و سلیمان بن خالد خدمت امام صادق (ع) رسیدیم امام آغاز سخن نمود و فرمود: ای سلیمان هر امری که از امیرالمؤمنین علی (ع) رسیده باید اخذ شود و از هر چه نهی فرموده باید ترک شود، همانا برای علی همان فضیلت است که برای رسول خدا (ص) است و رسول خدا (ص) را بر تمام مخلوق خدا فضیلت است.  
کسی که نسبت به چیزی از احکام او (علی) عیب گیرد مانند کسی است که بر رسول خدا (ص) عیب گرفته و هر که او را در امری کوچک یا بزرگ رد کند در مرز شرک به خدا قرار گرفته است.  
امیرالمؤمنین (ع) دری است که از غیر آن به خدا نتوان رسید و راهی به سوی خداست که هر کسی جز آن را پوید هلاک شود...<sup>۲</sup>

### ۳۳۷. حقیقتی بزرگ و روشن

امام باقر (ع) نقل می‌فرماید از امیرالمؤمنین (ع) : من در میان بهشت و دوزخ مقسمم خدایم کسی جز طبق تقسیم من به بهشت یا دوزخ نرود... کسی جز احمد (ع) بر من پیشی ندارد و من و او در یک روش هستیم.  
جز این که نبوت تنها به نام اوست.  
به من شش فضیلت عطا شده است.  
۱. علم آجال و مرگ‌ها؛

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴.

۲. کافی، کتاب حجت، ج ۱، ص ۱۹۷.



۲. علم بلاها؛

۳. علم وصایا (آنچه اوصیا پیامبران می‌دانند)؛

۴. فصل الخطاب (قرآن یا داوری میان حق و باطل)؛

۵. ومن صاحب کرات (حمله‌های مکرر و مشهور در میدان جنگ یا عالم به حوادث گذشته و آینده)؛

۶. و من صاحب عصا و میسم و جنبده‌ای که با مردم سخن گوید می‌باشم (عصا چوب دستی مخصوصی است که از پیامبران به اوصیائشان رسیده و آن به کنایه از قدرت و تصرف است و اما میسم در لغت به معنی آلت نشانه‌گذاری است و آهنی است که به وسیله آن گوسفندان را داغ می‌کنند تا با گوسفندان دیگر اشتباه نشود صاحب عصا و میسم یعنی او چوپان و گله‌دار امت است بعد از رسول خدا ﷺ و عصا و میسم از وسایل چوپانست).

از روایاتی استفاده می‌شود که امیرالمؤمنین علیه السلام در قیامت ابزاری در دست دارد که میان دو چشم اهل ایمان علامت مؤمن و میان دو چشم کفار علامت کافر را می‌گذارد.<sup>۱</sup>

### ۳۳۸. شمشیر حق تعالی

روزی رسول خدا ﷺ در جمع اصحاب و یاران خود فرمود: کدام یک از شما در شب گذشته مردی را برای خشنودی خدا و رسول او کشته است و غضب او برای خدا و رسول بوده؟

امیرالمؤمنین علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله من و اکنون اولیا مقتول خدمت شما می‌آیند؛ حضرت به امام فرمود: ماجرای خود را بگو.

عرض کرد: یا رسول الله ﷺ دیشب دو نفر با هم مشاجره داشتند که هر دو بر من وارد شدند.

یکی از آن‌ها فلان یهودی و دیگری مردی از انصار بود. مرد یهودی گفت: یا ابالحسن! من با این مرد از انصار دعوائی داشتیم خدمت پسر عمت محمد صلی الله علیه و آله رفتیم او به نفع من حکم فرمود آن‌گاه این مرد مسلمان گفت: من به حکومت محمد راضی نیستم

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۸۴.

چرا که او از راه حق خارج شده و طرفداری تو را نموده بیا برویم نزد کعب بن اشرف (از بزرگان قوم یهود) ولی من راضی نشدم اکنون نزد تو آمدیم تا در میان من و او حکم کنی؟

حضرت فرمود: به آن‌ها گفتم اکنون من میان شما به حق حکم خواهم کرد؛ پس داخل خانه شدم و شمشیر خود را برداشتم بیرون آمدم و گردن آن مرد انصاری را به یک ضربه جدا کردم در این سخن بودند که اولیاء مقتول نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردند: یا رسول الله! علی پسر عمت صاحب ما را به قتل رسانیده باید او را قصاص نمایی. حضرت فرمود: مقتول شما قصاص ندارد. گفتند: پس دیه او را به ما بپردازید. فرمود: دیه هم ندارد؛ مقتول خود را ببرید و در میان قبرستان یهود دفن بنمائید کسی را که علی علیه السلام به قتل رساند جهنم می‌رود. وقتی اقوام مقتول جسد آن مقتول را برداشتند گویا بدن او از پوست خوک پوشانده بودند.

امام علی علیه السلام آن مرد مسلمان را به قتل رساند چون او مکذب رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.<sup>۱</sup>

### ۳۳۹. رسول خدا صلی الله علیه و آله زنده است

دو نفر شخصی را نزد امام علی علیه السلام آوردند و گفتند:

این مرد دزدی کرده است و زرهی را از ما سرقت کرده است در حالی آن مرد قسم یاد می‌کرد که هرگز دزدی نکرده، سپس گفت: به خدا قسم اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله زنده بود، هرگز دست من بریده نمی‌شد.

امام به او فرمود:

برای چه؟ آن مرد گفت: چون خداوند متعال او را از ماوقع خیر می‌داد و او مرا آزاد می‌کرد.

حضرت آن دو نفر شاهد را طلبید و فرمود: از خدا بترسید و سبب نشوید که مرد مسلمانی دستش قطع شود...

حضرت آن‌ها را قسم داد، سپس فرمود: شما اگر می‌دانید او دزدی کرده باید هر دوی

۱. الفین فی امامة امیر المؤمنین علیه السلام نوشته علامه حلی متوفای ۷۲۶ هجری قمری، ص ۹۷۱.



شما او را برده و در آن محلی که دست‌ها را قطع می‌کنند یکی دستش را نگه دارد و دیگری آن را قطع کند.

آن دو مرد شاهد دست آن مرد را گرفته و وقتی که به محل اجراء حکم رسیدند در میان جمعیت متواری شدند آن مرد به خدمت امام علی علیه السلام آمد و عرض کرد: اکنون معلوم شد که این دو نفر به من ظلم کرده و در حق من شهادت دروغ داده‌اند و اگر راست می‌گفتند مرا رها نمی‌کردند و فرار نمی‌کردند حضرت نیز برای مجازات آن دو نفر شاهد دروغ اقدام فرمود.

### ❖ ۲۴۰. مشکل گشای جز علی علیه السلام کیست؟ ❖

شافعی در تاریخ خلاصه‌الوفا از عایشه حدیث می‌کند که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت درباره‌ی محل دفن آن حضرت مردم دچار اختلاف شدند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام حکم فرمود:

در همان مکانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله قبض روح شده است پیامبر را دفن کنید چرا که زمینی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن قبض روح شود گرمی‌ترین قطعه‌ها در نزد خداوند متعال می‌باشد.

### ❖ ۲۴۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله برادر خود را برگزید ❖

از سیره نگاران نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله بین برخی از اصحابه برادری برقرار کرد سپس دست علی را گرفت و گفت: این است برادر من.

با این قرار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برادر علی شد و پیامبر در مناسبت‌های بسیار، علی علیه السلام را برادر خطاب می‌کرد از جمله وقتی که فاطمه زهرا علیها السلام را به طرف خانه شوهر در حرکت بود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ام‌ایمن فرمود: برادر مرا صدا زن.

ام‌ایمن او را صدا زد امام علی علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد.

وقتی نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال احتضار بود گفت: برادر مرا حاضر کنید آن‌ها علی را صدا زدند و او آمد پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

بیا نزدیک من و علی این کار را کرد پیامبر (ص) به علی (ع) تکیه داد و شروع کرد با او صحبت کردن، تا روح از تن مبارکش خارج شد.<sup>۱</sup>

### ۳۴۲. خدا فرمان داده تا به تو نزدیک شوم

واحدی در اسباب النزول از جمعی از راویان روایت کرده که: «ان رسول الله قال لعلی: ان الله امرنی ان اُذنیك ولا اقصیک وان اُعلمک وان تعی وحق علی الله ان تعی فنزلت: و تعیها اذن واعیة».

پیغمبر (ص) فرمود: ای علی! خدا به من فرمان داده که به تو نزدیک گردم و از تو دور نباشم چیزهایی را یادت بدهم تا هشیار گردی خدا نیز هشیاری تو را می‌خواهد...<sup>۲</sup>

### ۳۴۳. شافع بزرگ

رسول خدا (ص) فرمودند: «الا ان شفاعتی لاهل الکبائر من امتی الا من قتل علی بن ابیطالب (ع)». شفاعت من شامل گناهکاران و اهل کبائر از امتم می‌شود مگر قاتل علی بن ابیطالب (ع) که هرگز مورد عفو و شفاعت قرار نمی‌گیرد.<sup>۳</sup>

### ۳۴۴. گوش و دیده‌ای بینا

امام علی (ع) فرمودند: هنگامی که آیه شریفه: «وَتَعْبِهَا أُذُنٌ وَعَیَةٌ» نازل شد. پیامبر اکرم (ص) مرا به حضور طلبید و فرمود: یا علی! از خدای حکیم مسألت کردم گوش‌های تو را «اُذُنٌ واعیة» قرار دهد.<sup>۴</sup>

### ۳۴۵. اُذُنُ اللَّهِ

امام علی (ع) فرمودند: روزی رسول اکرم (ص) مرا به سینه‌اش چسبانید و فرمود: «امرنی

۱. امام علی (ع) برادر رسول خدا (ص) نوشته محمدجواد شیرازی، ص ۱۰۲.

۲. الصواعق المحرقة، ص ۹۶ - نورالابصار شبلنجی، ص ۷۰ - درالمنثور سیوطی، ذیل آیه ۱۲ از سوره حاقه.

۳. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۴۳.

۴. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۷۷.





رَبِّ انْ ادْنِيكَ وَلَا اقْصِيكَ وَأَنْ تَسْمَعَ وَتَعِيَ وَحَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ تَعِيَ؛ خدای بزرگ مرا فرمان داد تو را به خویشتن نزدیک سازم و از خود دور نسازم تا سخنان مرا بشنوی و شنوا گردی و بر خداوند مقرر گردید که گوش تو را شنوا گرداند. آن گاه آیه شریفه: «وَتَعِيهَا أُذُنٌ وَاَعِيه» نازل شد.<sup>۱</sup>

### ❖ ۳۴۶. اولین نمازگزاران ❖

صاحب کتاب تنبیه الغافلین در ذیل آیه شریفه: «ان الله وملائكته يصلون على النبي»<sup>۲</sup> آورده که رسول خدا ﷺ فرمود: هفت سال ملائکه بر من و علی صلوات می فرستادند زیرا به غیر او مرد دیگری با من نماز نمی خواند.<sup>۳</sup>

### ❖ ۳۴۷. سایه پیامبر ﷺ ❖

امام علی علیه السلام می فرماید: من همچون سایه دنبال آن حضرت بودم هر روز از خوی پسندیده اش چیزی به من آموخت و مرا بر آن می داشت که در کارها از او پیروی کنم. آن حضرت هر ساله مدتی را در کوه حرا به سر می برد در آن مدت من او را می دیدم و غیر از من کسی نمی دید.<sup>۴</sup>

### ❖ ۳۴۸. آیه ای در شأن دو انسان متعالی ❖

ابن عباس می گوید: روزی در طواف کعبه رسول خدا ﷺ فرمود: آیا علی بن ابیطالب در میان شماست؟ عرض کردیم: بلی یا رسول الله! آن حضرت او را به خود نزدیک کرد و با دست بر کتف آن حضرت زد و فرمود: **طوبی لك يا علي!** هم اکنون آیه ای برایم نازل شد که نام من و تو در آن به طور مساوی ذکر شده است.

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، از صفحه ۳۶۳ تا ۳۷۷ (۱۲- حاقه)

۲. احزاب / ۵۶.

۳. تنبیه الغافلین، ص ۱۵۳.

۴. نهج البلاغه، ص ۱۴۶. هر چه اخبار درباره احوالات رسول خدا ﷺ در قبل از بعثت آورده شده از امام علی علیه السلام بود، چون کسی قبل از بعثت در همه احوالات همراه نبی اکرم صلی الله علیه و آله نبوده است.

و آن آیه: «اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي...» است.  
 خداوند فرمود: دین را با نبی اکرم ﷺ کامل کردم و با علی ﷺ نعمت را به پایان رساندم  
 و بهترین آئین را که اسلام است برایتان برگزیدم.<sup>۱</sup>

### ❖ ۳۴۹. صدیق در قرآن علیست ❖

حذیفه می گوید:

روزی که آیه شریفه: «اولئك الذين انعم الله عليهم من النبيين والصدیقین والشهداء والصالحین  
 وحسن اولئک رفیقاً» نازل شد حضور آن حضرت شرفیاب شدم...

از رسول خدا ﷺ پرسیدم: یا رسول الله اینها چه کسانی هستند که خداوند اسامی آن‌ها  
 را در کنار هم آورده است؟

فرمود: ای حذیفه؟ من آن نبی هستم که خدای متعال فرمود: «من النبیین الذین انعم الله  
 علیهم»؛ اول آنان در نبوت و آخرشان در بعثت هستم و از صدیقین علی بن ابیطالب ﷺ  
 است چون زمانی که خداوند مرا به رسالت برگزید او اولین کسی بود که رسالت مرا  
 تصدیق کرد و از شهدا حمزه سیدالشهداء و جعفر طیار هستند. و از صالحین حسن و  
 حسین ﷺ سید جوانان اهل بهشت هستند.

و «وحسن اولئک رفیقاً» مهدی زمان خویش است.<sup>۲</sup>

### ❖ ۳۵۰. نوشته زرین بر عرش ❖

انس بن مالک می گوید: که رسول خدا ﷺ فرمود: در شب معراج بر ساق عرش مکتوبی  
 دیدم که روی آن نوشته شده است.

«لا اله الا الله محمد رسول الله ﷺ ایدته بعلى نصرته بعلى»؛ خدایی جز الله نیست محمد ﷺ

رسول من است او را به علی ﷺ تأیید کردم و یاری دادم.<sup>۳</sup>

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۰ تا ص ۲۰۷.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۸، نساء / ۶۹

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۹۳.



### ۳۵۱. بزرگترین نعمت توئی

ابن عباس می گوید: در دارالندوه در حضور پیامبر ﷺ بودیم که آن حضرت از امام علی ﷺ پرسید: یا علی نخستین نعمتی که خدای متعال به تو عنایت فرموده کدام است؟ علی ﷺ گفت: یا رسول الله ﷺ این که مرا مرد خلق کرد. رسول خدا ﷺ فرمود: نعمت دوم کدام است. علی ﷺ گفت: نعمت هدایت و مسلمانی را به من عنایت فرمود. رسول خدا ﷺ فرمود: نعمت سوم چیست؟ علی ﷺ آیه «وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها»<sup>۱</sup> را قرائت کرد (یعنی خداوند نعمت‌های بی‌شماری به من عنایت فرموده است). رسول خدا ﷺ دستش را بر کتف علی ﷺ گذاشت و فرمود: احسنت بر تو یا علی! دشمن تو جز منافق نیست.<sup>۲</sup>

### ۳۵۲. ملک اقلیر راستی

امام مجتبیٰ ﷺ فرمود: چون خداوند متعال قلب پیغمبر اکرم ﷺ را بزرگ‌تر از قلب‌های دیگر دید او را به پیغمبری برگزید. و رسول خدا ﷺ نیز فرمود: علی باب علم من است و علی به منزله‌ی سر من نسبت به بدن من است و دهها و صدها توصیف دیگر؛ در لسان پر نور ائمه اطهار از امام علی ﷺ به عمل آمده که دلیل برتری او و افضلیت آن امام ملک و ملکوت می‌باشد.

### ۳۵۳. پیامبر ﷺ برای علی ﷺ قربانی کرد

ابن اسحاق گوید: رسول خدا ﷺ امام علی ﷺ را (جهت اخذ جزیه از مسیحیان) به سوی نجران فرستاد. سپس در بازگشت آن حضرت را در مکه ملاقات کرد از این جهت قبل از همراهان خود احرام بسته و برای دیدار رسول خدا ﷺ به مکه آمد و آن حضرت را در حالی که احرام

۱. نحل / ۱۸.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲۷.

داشت ملاقات کرد ولی هنگامی که به نزد همسرش فاطمه دختر رسول خدا ﷺ رفت دید فاطمه ﷺ از احرام بیرون آمده از این رو پرسید ای دختر رسول خدا چه شده از احرام بیرون آمده‌ای؟

پاسخ داد: برای آن که رسول خدا ﷺ به ما دستور داده نیت عمره کنیم و از احرام خارج شویم.

علی بن ابیطالب ﷺ به سوی رسول خدا ﷺ بازگشت و پس از فراغت از گزارش اخبار سفر خویش رسول خدا ﷺ به او فرمود: اکنون برخیز و به مسجد برو و طواف کن و سپس مانند دیگران از احرام بیرون آی.

عرض کرد: یا رسول الله هنگامی که من می‌خواستم احرام ببندم گفتم: بارخدا! به همان نحو که پیغمبر و بنده و رسولت محمد احرام بسته من هم به همان نحو احرام می‌بندم.

رسول خدا ﷺ از او پرسید: آیا قربانی با خودت آورده‌ای؟ گفت: نه.

پس رسول خدا ﷺ او را در قربانی خود شریک ساخت و مانند آن حضرت تا هنگام فراغت از حج بر احرام خویش باقی ماند و رسول خدا ﷺ شترانی را برای خود و علی بن ابیطالب ﷺ قربانی کردند.<sup>۱</sup>

### ۳۵۴. محبوب‌ترین خلق

ابن مغازلی در مناقب می‌نویسد: انس بن مالک می‌گوید: چند پرنده را به حضور رسول خدا ﷺ آوردند و به آن حضرت هدیه دادند پیامبر اسلام ﷺ آن‌ها را بین همسران خود تقسیم کرد و به هر یک از آن‌ها سه پرنده رسید یکی از همسران آن حضرت دو پرنده (قطا) از سهمیه خود را پخته و آماده کرده بود و به حضور پیامبر ﷺ آورد و خود به همان یک پرنده قناعت کرد.

رسول خدا ﷺ چنین دعا کرد: خدایا! محبوب‌ترین خلق در پیشگاه خود و در نزد من را به اینجا بفرست تا از غذائی که از این پرنده آماده شده با هم بخوریم...  
امام علی ﷺ حاضر شد و پیامبر ﷺ با آن حضرت از آن غذا میل کردند.

۱. سیرة ابن هشام، ج ۴، ص ۶۰۲



### ❖ ۳۵۵. دوستدار علی

از امیرالمؤمنین نقل شده است که فرمود: برای رسول خدا شاخه موزی هدیه آوردند حضرت موز را با دست خود پوست می کند و در دهان من می گذارد گوینده ای گفت: ای رسول خدا تو علی را دوست می داری؟ حضرت فرمود: آیا نمی دانی که علی از من است و من از علی هستم.<sup>۱</sup>

### ❖ ۳۵۶. خدا فرمود نوش جانت

روزی رسول خدا آب خواست در آن وقت علی فاطمه و حسن و حسین در محضرش بودند و ظرف آب آوردند پیامبر ظرف آب را نخست به حسن و بعد به حسین سپس به فاطمه داد هر کدام که از آن آب می آشامیدند پیامبر به او فرمود: «هنیئا مریئالك...»؛ یعنی «گوارا باد و نوش جانت باد ای...». ولی وقتی که ظرف آب را به علی داد و از آن آب نوشید پیامبر به او فرمود: «هنیئا مریئالك یا ولیی و حجتی علی خلقی»؛ «گوارا و نوش جانت باد ای ولی و حجت من بر مخلوقاتم»؛ آن گاه به سجده رفت و سجده خدا را به جا آورد. فاطمه از رسول خدا پرسید: یا رسول الله! راز سجده شما چه بود؟ پیامبر فرمود: هنگامی که هر کدام از شما آب نوشیدید و من گفتم «گوارا باد و نوش جانت باد...» با گوشم شنیدم که فرشتگان و جبرئیل نیز با من هم صدا شده و همین سخن را گفتند ولی هنگامی که علی آب آشامید و گفتم «هنیئا مریئالك» صدای ذات پاک خدا را شنیدم که همین سخن را فرمود از این رو خدا را به عنوان شکر در برابر نعمت هایش سجده کردم.<sup>۲</sup>

### ❖ ۳۵۷. آرام جان رسول خدا

روایت است روزی رسول خدا مریض شده بود امیرالمؤمنین علی بر بالین آن حضرت حاضر شد آن گاه دست خود را بر سینه مبارک رسول خدا گذاشت و فرمود: «یا

۱. ینابیع الموده، ص ۵۴.

۲. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۷۵.

ام ملامد اخرجی عن رسول الله: «ای تب از رسول خدا بیرون برو که در همان لحظه تب از بدن رسول خدا<sup>ﷺ</sup> بیرون رفت و آن حضرت برخاست و نشست»<sup>۱</sup>.

### ۲۵۸. همیشه با رسول<sup>ﷺ</sup>

حضرت علی<sup>ﷺ</sup> هر روز یک نوبت و هر شب یک نوبت به حضور پیامبر<sup>ﷺ</sup> می رفت. پیامبر<sup>ﷺ</sup> با او خلوت می کرد و در هر موضوعی علی<sup>ﷺ</sup> را به رموز و اسرار آن آگاه می نمود و هیچ چیز را از علی<sup>ﷺ</sup> پنهان نمی کرد اصحاب پیامبر<sup>ﷺ</sup> می دانستند که پیامبر<sup>ﷺ</sup> جز با علی<sup>ﷺ</sup> این گونه خصوصی نبود.

اگر علی<sup>ﷺ</sup> در خانه ی خود بود پیامبر<sup>ﷺ</sup> به نزد علی<sup>ﷺ</sup> می رفت و بیشترین همنشینی پیامبر<sup>ﷺ</sup> با علی<sup>ﷺ</sup> در خانه ی او صورت می گرفت، گاهی که علی<sup>ﷺ</sup> به خانه پیامبر<sup>ﷺ</sup> می رفت پیامبر<sup>ﷺ</sup> زنان خود را از خانه بیرون می کرد و تنها با علی<sup>ﷺ</sup> هم سخن می شد ولی وقتی که پیامبر<sup>ﷺ</sup> به خانه علی<sup>ﷺ</sup> می آمد فاطمه<sup>ﷺ</sup> و پسران فاطمه<sup>ﷺ</sup> یعنی (حسن و حسین<sup>ﷺ</sup>) را از خانه بیرون نمی کرد علی<sup>ﷺ</sup> هر سؤالی می کرد پیامبر<sup>ﷺ</sup> پاسخ می داد وقتی که سؤالش تمام می شد و سکوت می کرد پیامبر<sup>ﷺ</sup> آغاز سخن می کرد هیچ آیه ای بر رسول خدا<sup>ﷺ</sup> نازل نشد مگر این که آن را برای علی<sup>ﷺ</sup> می خواند و املا می فرمود. پیامبر<sup>ﷺ</sup> همه احکام از حلال و حرام و امر و نهی گذشته و آینده و کتابی را که بر پیامبران قبل نازل شد را به علی<sup>ﷺ</sup> آموخت و علی<sup>ﷺ</sup> همه آن ها را به خاطر خود سپرد و حتی یک حرف از آن را فراموش نکرد.

### ۳۵۹. سؤالات آخرین

وقتی رسول خدا<sup>ﷺ</sup> «علیه الاف التحیه والثناء» - لحظه های آخر عمر مبارک را می گذراندند عده ای گریه می کردند حضرت فرمودند: چرا گریه می کنید؟ عرض کردند: برای چند جهت.

اول آن که شما را از دست می دهیم، و محبوب را از دست دادن گریه دارد. دوم: وحی از این به بعد قطع می شود و اخبار آسمان دیگر به زمین نمی رسد. سوم:

۱. بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۲۱۰ باب ۱۱۰.





برای این گریه می‌کنیم که نمی‌دانیم بعد از شما تکلیف چه خواهد شد و کار به دست که می‌افتد و ما از آینده نگران هستیم.<sup>۱</sup>

در آنجا رسول خدا ﷺ علیه آلاف التحية والثناء - به امیرالمؤمنین - می‌فرماید: یا علی! «اذا انامت فغسلنی...»<sup>۲</sup>

یا علی! بعد از آن که من رحلت کردم من را غسل بده و وقتی تجهیز تمام شد و کفن کردی اطراف کفنم را بگیر و مرا بنشان.

وقتی اطراف کفنم را گرفتی و مرا نشاندی هرچه خواستی از من بپرس و من هرچه گفتم یادداشت کن.

### ۳۶۰. پرورده رسول الله ﷺ

وقتی فاطمه بنت‌اسد مادر گرامی حضرت امیرالمؤمنین آن حضرت را به دنیا آورد از عمر مبارک رسول خدا ﷺ سی سال می‌گذشت. پیامبر اکرم ﷺ آن کودک را سخت دوست می‌داشت از این رو به مادرش فاطمه بنت‌اسد گفت: گهواره علی را در کنار بستر من بگذار!

از آن پس رسول خدا ﷺ تربیت و پرورش بیشتر علی را به عهده گرفت، به هنگام شستشو خودش علی را می‌شست و شیر به دهانش می‌ریخت و در موقع خواب گهواره‌اش را می‌جنبانید و در بیداری با او سخن می‌گفت و او را بر سینه خود می‌فشرده... و همیشه او را به دوش می‌گرفت و در کوه‌ها و دره‌ها و بیابان‌های مکه او را به گردش می‌برد.<sup>۳</sup>

### ۳۶۱. انار بهشتی

در روایت است که روزی جبرئیل دو انار را برای رسول خدا ﷺ آورد پیامبر ﷺ یکی از آن انارها را خورد و انار دیگر را دو نصف کرد نیمی از آن را خود خورد و نیم دیگر را به علی داد و آن حضرت آن را خورد سپس پیامبر ﷺ به علی فرمود: برادرم! آیا می‌دانی

۱. امالی شیخ مفید، مجلس ۵، حدیث ۳ و مجلس ۶، حدیث ۶ و ۱۵ و مجلس ۱۲، حدیث ۴.

۲. کحل البصر، محدث قمی، ص ۱۸۰.

۳. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۹.







بروم قلبم این جا است باید علی بن ابیطالب را بینم. امام حسن فرمود: صبر کن من بروم بینم اجازه می دهند یا خیر. اصبح بن نباته می گوید: من چند لحظه صبر کردم. حسن بن علی رفتند از درون اجازه گرفتند و به من فرمودند: بیا، من رفتم وقتی وارد شدم دیدم علی بن ابیطالب - سلام الله علیه - یک پارچه زردی را به سر مبارکشان بسته اند و خون هم مرتب از سر ریخته و رخسار شریفشان هم زرد شده است که من نتوانستم بین آن پارچه با رنگ مبارک صورتشان فرق بگذارم: من نمی دانم آن پارچه زردتر بود یا صورت مبارک حضرت آن گاه خودم را به دامان حضرت انداختم و بوسیدم و گریه کردم. حضرت به من فرمود: «لاتبک یا اصبح فانها والله الجنة»؛ اصبح گریه نکن قسم به خدا من به بهشت می روم.

اصبح بن نباته گفت: یا امیرالمؤمنین! من هم می دانم که شما اهل بهشت هستید اما گریه من برای آن است که ما شما را از دست می دهیم تکلیف ما چیست؟ «انی اعلم والله انک تصیر الی الجنة».

اصبح بن نباته عرض کرد: «حدثنی بحدیث سمعته من رسول الله فقال: نعم»؛ یک حدیثی از پیامبر بفرمائید چون دیگر من حدیثی از شما نمی شنوم. امام فرمود: یک روزی پیامبر من را خواند؛ فرمود: یا علی! به مسجد می روی و مردم را دعوت می کنی به طرف خودت بیایند خدا را حمد می کنی و بر من درود می فرستی. بر خدا ثناء و بر من صلوات می فرستی وقتی خطبهات با این مقدمه شروع شد به مردم بگو: «ایها الناس انی رسول الله الیک»؛ من پیام آور خدایم رسول خدا مرا فرستاد که پیام او را به شما برسانم و پیام رسول خدا این است: «ان لعنة الله ولعنة ملائکته المقربین وانبیائه المرسلین ولعنتی علی من انتمی الی غیر ابیه او ادعی الی غیر موالیه او ظلم اجیرا اجره»؛ لعنت خدا و فرشتگان و انبیاء بر کسی که به غیر پدرش انتساب پیدا کند و به غیر موالیانش ارتباط پیدا کند و این رابطه را قطع کند. لعنت خدا بر کسی که مزد اجیر را ندهد این چند چیز را به من فرمود من هم آدمم به مردم گفتم. آن گاه کسی در بین جمعیت برخاست و گفت: این را توضیح بدهید یعنی چه اینکه لعنت خدا و رسول و ملائکه بر کسی که به غیر پدرش انتساب داشته باشد یا به غیر موالیانش ببیوند و ادعای غیر آن ها را در سر بپوراند یا حق اجیر را ندهد و به اجیر ظلم کند.

منظور چیست و کیست؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من این جریان را به پیامبر می‌گویم تا تفسیرش را از حضرت دریافت کنم و به شما بگویم به حضور پیامبر آمدم و جریان را گفتم. حضرت فرمودند: برو به مسجد این کلمات را تفسیر بکن و بگو «**إِيهَا النَّاسُ مَا كُنَّا لِنَجِيَّكُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا وَعَدْنَا تَأْوِيلَهُ وَتَفْسِيرَهُ**»؛ مردم ما حرفی را نگفتیم که گنگ و مبهم باشد بلکه این سخن نیز تأویل و تفسیرش پیش ما است این که ما گفتیم بر کسی که بر غیر پدرش انتساب داشته باشد «**إِلَّا وَأَنَا ابْنُكُمْ**»؛ من پدر شما هستم هر کسی به پیامبر ارتباط نداشته باشد یعنی به پدرش ارتباط ندارد و بعد هم در این جریان «**أَنَا وَعَلَى ابْنُ هَذِهِ الْأُمَّةِ**» مطرح شد هر کسی به این پدر ارتباط نداشته باشد و فرزند این پدر نباشد مشمول لعنت خدا و فرشتگان خواهد بود.<sup>۱</sup>

### ❖ ۳۶۵. ایمن از عذاب الهی ❖

سلمان روایت می‌کند که گفت: ما در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودیم که در این حال علی بن ابیطالب علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد پیامبر یک دانه ریگ به دست او داد چون ریگ در دست علی علیه السلام قرار گرفت شروع به سخن گفتن کرد و گفت: «**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَلِيًّا**».

### ❖ ۳۶۶. ایمن از عذاب ❖

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که روزگار خود را بگذراند و راضی باشد به ولایت علی بن ابیطالب از عذاب الهی ایمن است.<sup>۲</sup>

### ❖ ۳۶۷. علی علیه السلام باب علم نبی صلی الله علیه و آله و سلم ❖

روزی ده نفر یهودی قصد کردند که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سوالاتی نموده و با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از در مجادله وارد شوند وقتی حضور پیامبر آمدند، عربی بیابانی که سوسماری نیز در عباي خود پنهان کرده بود رسید به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم سوآلی دارم؟

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۴.

۲. امالی شیخ طوسی، ص ۲۸۳، مجلس ۱۰.



حضرت فرمود: این یهودی‌ها قبل از تو آمده‌اند و بر تو مقدم هستند. عرب عرض کرد: من غریب و رهگذر هستم و آن‌ها اهل همین شهر هستند. پیامبر ﷺ فرمود: تو چون غریب هستی مقدم می‌باشی.

اعرابی سؤال خود را گفت: پیامبر ﷺ فرمود: علی بن ابیطالب کجاست؟ همین که علی ﷺ شرفیاب شد عرب گفت: ای محمد! من با علی کاری ندارم و سئوالی از شخص شما داشتم، رسول خدا ﷺ فرمود: سؤال خود را بکن بین من و علی جدائی نیست و علی دارای بیان کافی است من شهر علمم و علی در آن است هر که بخواهد به شهری وارد شود باید از دروازه‌ی آن داخل شود. آن‌گاه پیامبر ﷺ با صدای بلند فرمود: ای بنده خدا! هر کس بخواهد نظر کند در جلالت آدم و به حکمت شیث و هیبت ادریس و به شکرگذاری نوح و به درستی و وفای ابراهیم و در بغض موسی به دشمنان خدا و به محبت و دوستی و حُسن معاشرت عیسی و معجزات او پس نظر کند به علی بن ابیطالب.<sup>۱</sup>

❖ ۳۶۸. صیحه‌ای به حق ❖

عن علی ﷺ قال: «خرجت مع رسول الله ذات يوم مُشي في طرقات المدينة اذ مررنا بنخل من نخلها فصاحت نخلة...». علی ﷺ فرمود: روزی با رسول خدا ﷺ در مدینه راه می‌رفتیم در آن هنگام از بین درختانی گذشتیم، هر درختی به دیگری خطاب می‌کرد این پیامبر برگزیده و او علی مرتضی است، دومی به سومی فریاد می‌زد این موسی و برادرش هارون است، از آن‌ها عبور کردیم سومی به چهارمی گفت: این نوح و ابراهیم است، چهارمی به پنجمی گفت: این محمد سرور پیامبران و این علی سرور اوصیاء است. سپس پیامبر لبخندی زد و فرمود: من این درختان را درختهای فریاد زن می‌نامم چرا که به ویژگی‌های من و تو فریاد زدند.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر جامع، ج ۱.  
۲. فرائد السمطين، ج ۱، ص ۱۳۷.





ابوطالب فرمود: او تو را به درستی و خیر دعوت می کند و از او تبعیت کن.<sup>۱</sup>

### ۳۷۲. فضیلتی بزرگ

یکی از بزرگ ترین فضایل امام علی علیه السلام آن است که متصدی غسل و کفن رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و متولی دفن بدن پاک و مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله آن امام همام بوده است.

### ۳۷۳. عملی بی مانند

در احادیث معتبر ذکر شده که شیطان چهار مرتبه متمثل شد به صورت مردان که همه او را دیدند از جمله در روز دارالندوة.<sup>۲</sup>

در این جلسه شیطان نظریات نظر دهندگان را حک و تنقیح می کرد او در این جلسه مشورتی در پاسخ به سخن عتبه و شیبه و ابوسفیان که گفتند: محمد را از بلاد خود بیرون می کنیم...<sup>۳</sup>

گفت: اگر او را زنده بیرون کنید از همه کس خوشروتر و خوش زبان تر است و به حالات لسان و فصاحت بیان خود جمیع قبایل عرب را فریفته می کند و لشکرهایی از پیاده و سواره بر سر شما می آورد.

در اینجا بود که از او پرسیدند پس چه کنیم؟ شیطان گفت: از هر قبیله ای از قبایل قریش یک نفر را بگیرید و بر سر او بروید و یک دفعه او را بکشید آن وقت بنی هاشم نمی تواند طلب خون او را بکند زیرا که با همه قبایل برابری نمی توانند بکنند.

در اینجا خداوند آیه ی ۳۰ سوره ی انفال را نازل کرد و پیامبر را از مکر آن ها مطلع ساخت.

«واذ یکر بک الذین کفروا لیشتبوک...» پس از محاصره، ابولهب اجازه حمله شبانه را نداد و گفت به جهت ملاحظه زن و فرزند بایستی تا صبح صبر کنیم.

۱. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۳۹.

۲. امالی طوسی، ص ۱۷۶.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۳.

شیخ طوسی به سندهای معتبر از هندیب ابی هاله و عمار بن یاسر آورده که چون جبرئیل خبر تدبیر قریش را آورد و پیامبر (ص) مأمور به هجرت شد.

پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود: که در جای من بخواب تا ندانند من رفته‌ام. پیامبر (ص) از علی (ع) سؤال کرد چه می‌کنی؟ علی (ع) گفت: یا نبی‌الله! آیا تو به سلامت خواهی بود؟ فرمود: بلی! پس علی (ع) خندان شد و برای این مطلب سجده شکر به جا آورد. پیامبر (ص) فرمود: خدا شباهت مرا بر تو خواهد افکند، پس بر فراش من بخواب و بُرد حضرمی مرا به روی بینداز... سپس فرمود: ای برادر! خدا تو را امتحان کرده و مرا دربارهی تو امتحان کرده است، همانند امتحانی که برای ابراهیم خلیل‌الله کرد چرا که خوابانیدن تو در زیر تیغ دشمنان با آن که تو از جان من گرامی‌تری برایم عظیم‌تر، از خوابانیدن اسماعیل در زیر تیغ پدر مهربان بود، پس صبر نیکو کن ای برادر که رحمت خدا نزدیک به نیکوکاران است.<sup>۱</sup>

پس حضرت او را در بر گرفت و بسیار گریست.

پیامبر با قرائت آیه «وجعلنا من بین ایدیهم سدا»؛ در حالی که دستش در دست جبرئیل بود از خانه خارج شد و علی (ع) در جای رسول‌خدا (ص) خوابید: «مفسر معروف اهل تسنن ابواسحاق ثعلبی»؛ نیز بر این مطلب همانند احمد بن حنبل و غزالی چنین آورده‌اند. در احادیث متواتره از طریق خاصه و عامه وارد شده است که: این آیه<sup>۲</sup> در شأن حضرت علی (ع) نازل شده است که در این شب جان خود را سپر بالای رسول‌خدا (ص) کرد.<sup>۳</sup>

### ۳۷۴. علی همانند اسماعیل ذبیح‌الله است

ابن ابی‌الحدید می‌نویسد: ابوطالب بر جان پیامبر (ص) می‌ترسید چه بسا شب هنگام نزد بستر رسول‌خدا (ص) می‌رفت و او را بر می‌خیزاند و علی را به جای او می‌خواباند. شبی علی (ع) به پدر گفت: من کشته خواهم شد.

ابوطالب در چند بیت بدو چنین گفت: «پسرم شکیبیا باش که شکیبایی خردمندانه‌تر

۱. امالی شیخ طوسی، ص ۱۷۶.

۲. آیه لیلۃ‌المبیت: «ومن الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات‌الله...» - بقره / ۲۰۷.

۳. مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۳۰۱ - تفسیر فخر رازی، ج ۵، ص ۲۲۳ و ۲۲۴ - تاریخ طبری، ج ۲، ص ۹۹ تا ۱۰۱.



است و هر زنده‌ای می‌میرد اما خدا خواسته دوستی فدای دوستی شود والا گهر، کریم و نجیب، اگر مرگی رسید تنها برای تو نیست هر زنده‌ای می‌میرد».

علی علیه السلام در پاسخ به ابوطالب می‌گوید: «مرا در یاری احمد به شکیبایی امر می‌فرمایی؟ به خدا آنچه گفتم از ترس نبود من دوست می‌دارم یاری مرا ببینی و بدانی من پیوسته فرمانبردار تو هستم من احمد را که در کودک و جوانی ستوده است برای رضای خدا یاری می‌کنم.»

### ❖ ۳۷۵. السلام علیک یا امیرالمؤمنین ❖

در روز عید غدیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مهاجران و انصار و به همسران خود دستور دادند بر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شوند و چنین فضیلتی بی‌همتا را به او تبریک گویند. زید بن ارقم می‌گوید: از مهاجران «ابوبکر - عمر - عثمان - طلحه - زبیر» جز اولین کسانی بودند که با علی بن ابیطالب علیه السلام دست بیعت دادند. این مراسم و تبریک و بیعت تا غروب ادامه داشته است.<sup>۱</sup>

### ❖ ۳۷۶. دید ملکوتی ❖

امام علی علیه السلام می‌فرماید: جز من کسی وی را نمی‌دید... روشنایی وحی و پیامبری را می‌دیدم و بوی نبوت را می‌بوئیدم من هنگامی که وحی بر او فرود آمد صدای شیطان را شنیدم.

گفتم: ای فرستاده‌ی خدا این آوا چیست؟ فرمود: این شیطان است برای این که او را نپرستند نومید و نگران است. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: همانا تو می‌شنوی آنچه را من می‌شنوم و می‌بینی آنچه را من می‌بینم، جز این که تو پیامبر نیستی و وزیری و به راه خیر می‌روی و مؤمنان را امیری.

۱. الغدیر، ج ۱، ص ۲۷۰.

### ۳۲۷. وارث علم انبیاء

عیاشی در تفسیر خود از ابی حمزه ثمالی از حضرت صادق علیه السلام در باب جفر روایت کرده که:

وقتی الواح را خداوند به موسی داد و در آن الواح بیان هر چیزی از گذشته و آینده تا روز قیامت درج شده بود در وقت اجل موسی وحی آمد که الواح را که از زبرجد بهشت بر تو نازل کرده‌ام در فلان کوه به ودیعه بسپار (در احادیث دیگر آن کوه در یمن بوده و ذکر شده) موسی به کنار آن کوه آمد و به قدرت خداوند کوه شکافت و موسی آن الواح را در آن شکاف نهاد سپس کوه سر به هم آورد.

تا زمان بعثت رسول خدا ﷺ قومی از اهل یمن اراده ملازمت آن حضرت را کردند وقتی به نزدیکی آن کوه رسیدند شکافی در آن پیدا شد و الواح حضرت موسی از آنجا بیرون افتاد آن مردم آن‌ها را برداشته که در این وقت از عالم غیب سروشی به آن‌ها رسید که نظر در آن الواح نیندازید تا وقتی که نزد رسول خدا ﷺ حاضر شدید.

جبرئیل خبر الواح را به پیامبر رساند وقتی آن مردم نزد رسول خدا ﷺ حاضر شدند پیامبر از آنچه آن‌ها یافته بودند سؤال کرد آن‌ها از روی تعجب گفتند: که شما از کجا این را دانستید.

حضرت فرمود: پروردگار من مرا به آن خبر داد و آنچه شما یافته‌اید لوحی چند است آن جماعت پس از این کلام رسول خدا ﷺ ایمان آورده و شهادت به رسالت آن وجود مبارک دادند؛ سپس آن الواح را خدمت حضرت گذاشتند. حضرت نظر کرد دید خطوط آن عبرانی است سپس رسول خدا ﷺ امیرالمؤمنین علیه السلام را به حضور خواستند و فرمودند: یا علی! این الواح را بگیر که در آن‌ها علم اولین و آخرین مندرج است و این الواح موسی است خداوند مرا امر کرده که آن را به تو بدهم. امیرالمؤمنین علیه السلام گفتند: من خوب خط آن را نمی‌توانم بخوانم.

حضرت فرمود: که جبرئیل مرا امر کرده که من تو را امر کنم تا تو آن الواح را در همین شب در زیر سر خود بگذاری تا عالم شوی؛ پس امیرالمؤمنین مطابق امر، آن الواح را در زیر سر مبارک خود نهاد خداوند در آن شب او را تعلیم داد هر آنچه را که در آن





الواح بود، سپس پیامبر ﷺ به امام علی فرمود: از آن نسخه‌ای بردار، پس آن الواح را در جلدی (پوست) نوشتند.

پس امام فرمودند: که مرا از جفر همین جلد است... که در آن جفر علم اولین و آخرین مکتوبست و آن جفر نزد ماست...

### ۳۷۸. فضیلتی در بدر

در کتاب خصال در مناقب امیرالمؤمنین علی از آن حضرت روایت است که در روز بدر حضرت رسول ﷺ فرمود: ای علی! به من یک کف سنگریزه بده که جمع شده باشد در مکان واحد، پس من آن سنگریزه‌ها را برداشتم و از آن رائحه مشک استشمام نموده و به حضرت دادم و حضرت آن را بر چهره مشرکین افشاند و آن چهار سنگریزه بود که هر کدام را از جایی در یک جا جمع کرده بودند؛ سنگریزه‌ای از فردوس و سنگریزه‌ای از مغرب و سنگریزه‌ای از مشرق و سنگریزه‌ای از تحت عرش و با هر کدام از آن سنگریزه‌ها صد هزار فرشته بودند تا امداد ما کنند و این فضیلتی بود که خداوند پیش از ما و بعد از ما به کس دیگری اکرام نکرده بود.

### ۳۷۹. صاحب نعمتی ویژه

امام علی در کودکی به رسول خدا ایمان آورد طبری آورده که: علی وقتی اسلام آورد هفت سال داشت.<sup>۱</sup> و تربیت امام علی از بچگی نزد رسول خدا و در خانه رسول خدا انجام گرفته است چنانچه طبری این گونه آورده... از نعمت‌هایی که خداوند به او داده بود این که علی بن ابیطالب قبل از اسلام در کنار رسول خدا زندگی کرده بود.<sup>۲</sup>

۱. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۳۸.

۲. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۳۸.

### ۳۸۰. حق با علیست

ابوذر گفت: که عمر بن خطاب امر کرد که علی علیه السلام و عثمان و طلحه و زبیر و عبدالرحمن بن عوف و سعد بن ابی وقاص بعد از مرگ او در خانه‌ای بروند و در آن خانه را بر روی خود ببندند و در امر خلافت مشورت کنند و سه روز آنان را مهلت داد که چنانچه پنج نفر از آن‌ها بر خلافت یکی متفق القول شدند و یک نفر از آن‌ها مخالفت کرد باید آن یک نفر کشته شود و اگر چهار نفر از آن‌ها بر خلافت یکی متفق شدند و دو نفر از آن‌ها مخالف باید آن دو نفر کشته شوند.

وقتی همه آن‌ها بر رای واحدی اتفاق کردند علی بن ابیطالب علیه السلام به آن‌ها گفت: من دوست دارم آنچه را که می‌گویم از من بشنوید پس اگر حق بود قبول کنید و اگر باطل بود رد کنید.

همگی گفتند: بگو، امیر المؤمنین علیه السلام، امام یکایک از فضایل خود را بر شمرد و آنچه که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره‌ی او فرموده بود را بازگو کرد و همگی تصدیق می‌نمودند.

تا این که فرمود: «**اتعلمون ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال الحق بعدی مع علی وعلی مع الحق یزول الحق معه حیث زال؟ قالوا: نعم**»؛ آیا می‌دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بعد از من حق با علی است و علی با حق است و هر کجا علی برود حق به دنبال او می‌گردد، همگی گفتند: آری.<sup>۱</sup>

### ۳۸۱. درخواست از خدای متعال

رسول خدا صلی الله علیه و آله به خداوند عرض کرد: «**اللهم انی اسالك بما سالک اخی موسی ان تشرح لی صدی و ان تیسرلی امری و ان تحل عقدة من لسانی یفقهوا قولی واجعل لی وزیرا من اهلی علیا اخی اشدد به ازدی و اشركه فی امری کی نسبحك كثيرا ونذكرک كثيرا انک کنت بنا بصیرا**».<sup>۲</sup>

خدایا! آنچه را برادرم موسی از تو خواست من نیز می‌خواهم این که سینه‌ام را گشاده گردانی و کارم را آسان کنی و گره از زبانم بگشایی تا سخنم را بفهمند و از اهل من وزیر برابم قرار بده که او برادرم علی است پشتم را به او استوار کن و او را در امر من شریک گردان تا این که تو را فراوان تنزیه کنم و ذکر تو را بسیار بگویم چرا که هر آینه تو به حال ما بینا هستی.

۱. امام‌شناسی، ج ۶ ص ۱۹.

۲. درالمنثور، ج ۵، ص ۵۶۶.



### ۳۸۲. معیار قبولی اعمال بندگان

رسول خدا ﷺ فرمود: سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برگزید خداوند متعال هیچ کار نیکی را از بنده نمی‌پذیرد تا این که در مورد محبت حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام از او سؤالی کند.<sup>۱</sup>

### ۳۸۳. مرزدینداری

ابن عباس می‌گوید: روزی رسول خدا ﷺ فرمود: ولایت علی بن ابیطالب ولایت خداست و دوستی خدا و پیرویش فریضه‌ی خدا و اولیائیش اولیاء خدا و دشمنانش دشمنان خدا، نبرد با او نبرد با خدا و سازش با او سازش با خدای عزوجل است.<sup>۲</sup>

### ۳۸۴. مسلمان مقدم

ابوذر می‌گوید: روزی به حضور نورانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدیم و عرض کردیم: یا رسول الله! چه کسی نزد شما دوست داشتنی‌تر است تا پیش از تو اگر امری باشد ما با او باشیم و اگر مصیبتی باشد از جانب او باشیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود: این علی است که از همه شما در اسلام و مسلمانی مقدم‌تر است.<sup>۳</sup>

### ۳۸۵. سه عنوان عرشی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شیبی که خداوند مرا به اوج آسمانها بالا برد در مقام معراج به لقای پروردگارم نائل شدم خداوند درباره‌ی علی بن ابیطالب با سه عنوان به من وحی فرستاد: «انه سید المسلمین و ولی المتقین و قائد الغر المحجلین».<sup>۴</sup>

### ۳۸۶. فضایل بی‌حد و شمار

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: به درستی که خدای متعال قرار داده است برای برادرم

۱. الثاقب فی المناقب، ص ۱۴۳.

۲. امالی شیخ صدوق، ص ۳۲.

۳. مناقب ابن مغازلی، ص ۲۱۰.

۴. کنز العمال، ج ۱۱، ح ۳۳۰۱۱.

علی علیه السلام فضایل بسیاری که از زیادی قابل احصاء نیست و از شمارش بیرون است پس کسی که یاد کند فضیلتی از آن فضایل را و معترف و معتقد به آن باشد خدای متعال گناه‌های گذشته و آینده او را می‌آمرزد و کسی که بنویسد فضیلتی از فضایل او را همانا ملائکه دائماً برای او استغفار کنند تا این کتاب و نام و اثر آن باقی باشد و کسی که گوش بدهد به فضیلتی از فضایل او خداوند گناه‌هایی را که او از راه گوش کرده می‌آمرزد و کسی که نظر کند به کتاب فضایل او خداوند گناه‌هایی را که او از راه دیده و چشم کرده می‌آمرزد.

ثم قال: «النظر الى اخي علي بن ابي طالب عبادة وذكره عبادة ولا يقبل الله ايمان عبد الا بولايته والبرائة من اعدائه»؛ نظر کردن به سوی برادرم علی بن ابیطالب و یاد او عبادت است و خداوند قبول نمی‌کند ایمان بنده‌ای را مگر به ولایت او و برائت از دشمنان او.<sup>۱</sup>

### ۲۸۷. به گل نظری کن تا گل شوی

مردی در کنار کعبه به ابوذر گفت: ای ابوذر! چرا به چهره‌ی علی علیه السلام زیاد نگاه می‌کنی؟ ابوذر در جواب گفت: حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «النظر الى علي بن ابي طالب عبادة والنظر الى الوالدين برفاة ورحمة عبادة».<sup>۲</sup>

یعنی: نگاه به چهره علی بن ابیطالب عبادت است و نظر رأفت به والدین نیز عبادت است.

### ۲۸۸. نشانه محبت

ابوبرده نقل می‌کند که روزی در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودم آن حضرت فرمود: قسم به کسی که جانم در دست قدرت اوست بنده‌ای پا در روز قیامت نمی‌گذارد مگر این که خداوند راجع به چهار مطلب از او سؤال می‌نماید: اول این که عمرش را در چه راهی مصرف نموده، دوم از بدنش که چگونه استفاده کرده، سوم از مالش که چگونه تهیه کرده است، چهارم از محبت ما اهل بیت.

فقال له عمر بن خطاب: «فما آية حبكم من بعدكم» قال «فوضع يده على رأس علي وهو الى جانبه، وقال: ان حبي من بعدى حب هذا». پس عمر بن خطاب پرسید: یا رسول الله! چه چیزی بعد از شما نشانه‌ی محبت به شماست؟

۱. کفایت الطالب، ص ۲۴.

۲. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۴۵.



پیامبر دست خود را بر سر علی علیه السلام نهاد در حالی که علی در کنار آن حضرت بود آن گاه فرمود: همانا محبت به من بعد از من دوست داشتن این است (اشاره به علی علیه السلام).<sup>۱</sup>

### ۳۸۹. عنایتی ویژه

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هنگامی که در جمع اصحاب خود بودند به چپ و راست خود به طور مساوی نگاه می‌انداختند و با آن‌ها صحبت می‌کردند، اما وقتی که علی علیه السلام وارد جمع ایشان می‌شد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمایشات خود را قطع می‌کردند و ادامه صحبت نمی‌دادند و تنها به علی علیه السلام نگاه می‌کردند تا هنگامی که امام علی علیه السلام جلوس می‌نمودند و این نوع رفتار صرفاً اختصاص به علی علیه السلام داشت و بقیه اصحاب بدون استثناء از این عنایت ویژه بهره‌ای نداشتند.

### ۳۹۰. درخت طوبی

«فی تفسیر البرهان عن ابی جعفر علیه السلام قال: سئل رسول الله صلی الله علیه و آله عن طوبی فقال: شجرة فی الجنة اصلها فی دار علی علیه السلام وفرعها علی اهل الجنة فقالوا: یا رسول الله سلناک فقلت اصلها فی داری وفرعها علی اهل الجنة فقال علیه السلام داری ودار علی علیه السلام واحدة فی الجنة بکمال واحد».

در تفسیر برهان است که امام باقر علیه السلام فرمود: درباره درخت طوبی از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شده رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود: طوبی درختی است در بهشت که ریشه آن در خانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام و شاخسار آن بر بهشتیان سایه‌گستر است عرض کردند. یا رسول الله درباره درخت طوبی از شما پرسیدم فرمودید که ریشه‌ی آن در خانه من است و شاخه‌های آن بر اهل بهشت سایه افکنده است؟ فرمود: خانه من و خانه علی علیه السلام در بهشت یکی است و در یک جا می‌باشد.<sup>۲</sup>

### ۳۹۱. علی را فرا بخوان

در جنگ احد رسول خدا صلی الله علیه و آله برای غلبه بر کفار از خداوند کمک خواست جبرئیل علیه السلام از طرف خداوند پیغام آورد.

۱. مناقب خوارزمی، ص ۷۷.

۲. المیزان، ج ۱۱، ص ۴۰۶.

«ناد علينا مظهر العجائب تجده عوناً لك في النوائب»؛ سپس پیامبر صلی الله علیه و آله در دنباله آن فرمودند: «کل هم وغم سینجلی بولایتک یا علی یا علی یا علی!».

یعنی: بخوان ای رسول خدا علی را که او ظاهر کننده امور عجیب است می‌یابی او را از برای خود کمک در امور مهمه، سپس حضرتش فرمودند: هر بلای نیامده و آمده مرتفع می‌شود به سبب ولایت تو یا علی یا علی یا علی!

### ۳۹۲. خیر البریه

جابر روایت می‌کند که در حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودیم که علی بن ابیطالب علیه السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: برادرم به جانب شما آمد سپس روی بر جانب کعبه نمود و با دستش به دیوار کعبه کوبید آن‌گاه فرمود: به آن کس که جان من در دست قدرت اوست این شخص و شیعیان او رستگاران روز قیامتند. سپس فرمود: او نخستین نفر از شما است به جهت ایمان و وفادارترین شما است نسبت به پیمان پروردگار... جابر می‌گوید در این هنگام آیه «ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات اولئك هم خير البریه»؛ نازل شد لذا یاران پیامبر عادت کرده بودند که هرگاه علی علیه السلام را می‌دیدند گفتند: خیر البریه آمد.<sup>۲</sup>

### ۳۹۳. نوری درخشان

روزی امام علی علیه السلام در حالی که امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در محضر مبارک او بودند سوره قدر، را قرائت فرمود: امام حسین علیه السلام عرض کرد: پدرجان! گویا شنیدن این سوره از دهان مبارک تو شیرینی خاصی دارد؟

حضرت در پاسخ او فرمود: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرزندم! من از این سوره خاطره‌ای دارم که تو خبر نداری وقتی این سوره نازل شد جد تو مرا به حضور طلبید و آن را برای من قرائت کرد سپس دست به شانه راست من زد و فرمود: ای برادر من، وصی من، سرپرست امت من، پس از من و ستیزگر با دشمنان من تا روزی که برانگیخته شوند این سوره پس از من برای توست و سپس در شأن فرزندان تو همانا برادرم جبرئیل رویدادهای اتم را در روشهایش برایم بازگو کرد و او آن‌ها را همانند حوادث نبوت برای

۱. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۷۳.

۲. القدير، ج ۳، ص ۹۶.



تو بازگو می کند این سوره در قلب تو و اوصیاء تو تا هنگام طلوع فجر قائم آل محمد<sup>علیهم السلام</sup> نوری درخشان دارد.<sup>۱</sup>

### ۳۹۴. حدیث منزلت

رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> هنگامی که قصد حرکت به سوی تبوک را داشت امام علی<sup>علیه السلام</sup> را جهت سرپرستی خانواده و عیالات خود در مدینه گذارده و به او دستور داد تا نزد آن ها بماند منافقین در این باره به یاوه سرایی پرداخته و گفتند:

بدین خاطر پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> علی را همراه خود نبرد چرا که همراهی علی را بر خود سنگین می دانست و می خواست از دست او آسوده باشد علی - رضوان الله علیه - که این سخنان را شنید سلاح خود را برداشته و به دنبال پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> حرکت کرد و در ناحیه جرف بر آن حضرت وارد شد و به آن حضرت گفت: ای نبی خداوند، منافقین پندارند که چون بودن من در این سفر بر شما گران بوده مرا در مدینه گذارده ای؟

رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> این موضوع را تکذیب نمود و فرمود: من تو را برای رسیدگی به کارهای خود و آنچه به جای نهادم در مدینه گذاردم پس به سوی شهر برگرد و در خانواده خود جانشین من باش.

آیا خشنود نیستی ای علی که مقام تو نسبت به من مانند مقام هارون نسبت به موسی باشد جز این که پس از من پیامبری نیست.

علی<sup>علیه السلام</sup> که این سخنان را شنید به مدینه بازگشت و پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> نیز سفر خود را ادامه داد.<sup>۲</sup>

### ۳۹۵. نام بسیار مقدس

در روایت است که هر روز پیغمبر خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> به منزل علی<sup>علیه السلام</sup> تشریف می آورند. و در هنگام ورود بر آن، حضرت امام علی<sup>علیه السلام</sup> را به اسم صدا می فرمودند. یک روز در بدو ورود وقتی وارد منزل شدند حضرت علی<sup>علیه السلام</sup> را با کنیه صدا فرمودند یعنی فرمودند: یا ابالحسن!

حضرت علی<sup>علیه السلام</sup> علت این که پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> حضرت را با کنیه خطاب کردند را سؤال کردند. رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> فرمودند: امروز هنگام ورود وضو نداشتم نخواستم نام تو را بدون وضو ببرم.

۱. بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۷۰.

۲. سیرة ابن هشام، ج ۴، ص ۵۱۹.

### ❖ ۳۹۶. از او جدا مشو ❖

ابن هشام در تاریخ خود معروف به سیره نبویه آمده است در آغاز اسلام هنگامی که وقت نماز فرا می‌رسید پیامبر اکرم (ص) برای ادای نماز به بعضی از دره‌های مکه می‌رفت و تنها علی بن ابیطالب (ع) به صورت پنهانی همراه او بود...

روزی پدرش ابوطالب گفت: فرزندم این چه دینی است که تو بر آن هستی؟

گفت: ای پدر من به خدا و رسول خدا (ص) ایمان آوردم و با او نماز می‌خوانم...

ابوطالب گفت: آگاه باش که او تو را جز به خیر و نیکی فرانخوانده است هرگز از او جدا مشو.<sup>۱</sup>

### ❖ ۳۹۷. قضم امت ❖

حضرت علی (ع) پیش از آغاز بعثت پیامبر اکرم (ص) ده سال سن داشتم زیرا آن هنگام که مولا علی (ع) به دنیا آمد بیش از سی سال از عمر پیامبر نگذشته بود و پیامبر در سن ۴۰ سالگی به رسالت مبعوث شد، بنابراین علی (ع) به هنگام بعثت بیش از ده سال نداشت. در این دوران نیز امام علی (ع) به سبب دفاع از حریم پیامبر (ص) در مقابل اذیت و آزار و سنگ پرانی‌های کودکان مشرکین که به توسط پدرانش مأمور اذیت کردن پیامبر شده بودند به لقب قضم مشهور گشت، چرا که علی (ع) با مشت بر بینی این کودکان می‌کوبید و به این شکل از حریم پیامبر (ص) دفاع می‌نمود.

### ❖ ۳۹۸. وارث و جانشین ❖

جابر از امام باقر (ع) نقل می‌کند که امیرمؤمنان (ع) هنگام بازگشت از نهروان در کوفه خطابه‌ای ایراد کرد این در زمانی بود که امام شنیده بود معاویه او را دشنام می‌دهد و اصحاب او را به شهادت می‌رساند آن حضرت پس از حمد خدا و درود بر رسول اکرم (ص) فرمود:

اگر نبود آیه «و اما بنعمة ربك فحدث»<sup>۲</sup>؛ در کتاب خدا فضایل خود را بر نمی‌شمردم.

آن گاه فرمود: ای مردم خبرهایی به من رسیده و می‌دانم اجلم نزدیک شده است...

۱. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۶۳.

۲. ضحی / ۱۱.





و من در میان شما و می‌گذارم آنچه را که رسول اکرم ﷺ در میان امت خود بر جای گذاشت و آن کتاب و عترت من است.

«ایها النبی انه بلغنی وانی اری قد اقترب اجلی... وانی تارك فيکم ما ترکه رسول الله ﷺ کتاب الله وعتقی»؛ آن گاه در شمار فضایل خود فرمود: «انا باب مدينة العلم و خازن علم رسول الله ﷺ و وارثه»؛ من دروازه شهر علم و خزانه‌دار علم رسول خدا ﷺ و وارث آن هستم.<sup>۱</sup>

### ۳۹۹. علی ولی خداست

شیخ عبدالله المرأغی از بزرگان اهل سنت در قرن هفتم هجری در کتاب السلافة فی امر الخلافة نقل می‌کند که روزی سلمان فارسی اذان گفت بعد از اذان صحابه او را نزد رسول خدا ﷺ بردند و عرض کردند: که سلمان در هنگام اذان «اشهد ان علیا ولی الله» را زیاد کرده است پیغمبر خدا ﷺ آن‌ها را مورد توبیخ و سرزنش قرار داد و کار سلمان را مورد تأیید قرار دادند. اباذر غفاری نیز بعد از بیعت غدیر در اذان خود کلمه‌ی «اشهد ان علیا ولی الله» را اضافه کرد اصحاب با ناراحتی او را نزد رسول خدا ﷺ بردند. پیامبر ﷺ فرمودند: آیا شما خطبه مرا درباره‌ی ولایت حضرت علی ﷺ در روز غدیر نشنیده‌اید یا فراموش کرده‌اید؟ سپس پیامبر ﷺ بر این امر تأکید فرمودند.

### ۴۰۰. همه اسلام محبت اهل بیت است

مرد عربی خدمت رسول اکرم ﷺ رسید و عرض کرد: ای محمد! اسلام را بر من عرضه کن. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: شهادت می‌دهی به این که معبودی جز الله نیست، یگانه است و شریکی ندارد و این که محمد ﷺ بنده و رسول او است. عرض کرد: آیا از این جهت اجر و پاداشی در برابر آن از من می‌طلبی؟ پیامبر ﷺ فرمود: لا، الا المودة فی القربی، نه، تنها دوستی ذوی القربی را می‌خواهم. عرض کرد: ذوی القربای تو یا بستگان من؟ رسول خدا ﷺ فرمود: بستگان من. عرض کرد: دستت را دراز کن تا با تو بیعت کنم.

۱. بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۲۸۳.



«فعلی من لا یحبک ولا یحب قرباک لعنه الله»؛ پس بر هر کس که تو را دوست ندارد و نزدیکانت را دوست ندارد لعنت خدا باد.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: آمین!

فخر رازی شواهد و قرائن فراوانی اقامه می‌کند که علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام قطعا در آیه شریفه قربی داخل هستند و محبت آنها منظور نظر است.<sup>۲</sup>

### ❖ ۴۰۱. بر چهره خورشید لبخند زد ❖

فاطمه بنت‌اسد بعد از خروج از کعبه رهسپار خانه‌ی خود شد او در اولین خطبه فرزند خود را که تا آن هنگام چشمانش را باز نکرده بود در بغل پیامبر ﷺ گذاشت علی علیه السلام چشمانش را باز کرد و به چهره نورانی محمد نگریست!

پیامبر ﷺ دهان علی علیه السلام را بوسید آن‌گاه در گوش راستش اذان گفت و در گوش چپش اقامه، سپس علی علیه السلام شروع به خواندن سوره مؤمنون نمودند و تا آخر سوره قرائت کردند. ابوطالب نیز به شکرانه این مولود در روز عید قربان ولیمه داد.

### ❖ ۴۰۲. راه جهنم ❖

رسول خدا ﷺ فرمود:

هر کس به علی علیه السلام حسد برد بر من حسد کرده و هر آن که بر من حسد ببرد داخل جهنم شود.<sup>۳</sup>

### ❖ ۴۰۳. شجره طیبه ❖

جابر می‌گوید: پیامبر ﷺ در عرفه بود و علی روبروی آن حضرت قرار داشت رسول خدا ﷺ فرمود:

ای علی! نزدیک من آی و پنجهات را در پنجه من گذار.

ای علی! من و تو از یک درخت آفریده شده‌ایم.<sup>۴</sup>

۱. احقاق الحق، ج ۳، ص ۲.

۲. تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۲۷، ص ۱۶۶ تا ۱۶۷.

۳. تفسیر جامع، ص ۳۱۱، ج ۳.

۴. تاریخ دمشق، ج ۱، ص ۱۲۹.





## فصل پنجم

رسول خدا ﷺ به حضرت علیؑ فرمود:



سواءالتنزیل، ج ۱، ص ۵۶۱.

خصوصیات یگانه امام علیؑ









من چگونه آن طور باشم در حالی که بر دلیلی روشن از جانب خدای خود هستم و حق به دست من است!..

### ۴۰۸. باعث شرافت دین توئی

رسول خدا ﷺ به امام علی رضی الله عنه فرمود: «یا علی! ما خلقت الا لتعبد ربك ويشرف بك معالم الدين ويصلح بك دارس السبيل ولقد ضل من ضل عنك ولن يهتدى الى الله من لم يهتد الى ولايتك...»؛ یا علی! تو آفریده شدی که پروردگار خود را عبادت کنی و معالم دین به وسیله تو شرافت یابد و آنچه از دین کهنه شده برقرار شود و هر که از راه تو منحرف شود گمراه خواهد بود و هر که ولایت تو را نپذیرد به خدا نخواهد رسید.<sup>۲</sup>

### ۴۰۹. جنگ با شیطان

جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده همراه رسول خدا ﷺ بودیم که آن حضرت مردی را در حال رکوع و سجود دید که به درگاه خداوند تضرع و زاری می نمود. عرض کردیم: یا رسول الله! چه نیکوست نماز این مرد؟! پیامبر ﷺ فرمود: این همان کسی است که پدر شما آدم را از بهشت بیرون نمود (شیطان است) در این هنگام امیرالمؤمنین بدون هراس طرف او رفت و او را زمین زده و استخوان های او را درهم فشرد و فرمود: «لاقتلك ان شالله» با خواست خدا تو را خواهم کشت. شیطان به امام گفت: «مرا در نزد خداوند مهلتی است... برای چه می خواهید مرا بکشید؟».

سپس به امام رضی الله عنه فرمود: «فوالله ما ابغضك احد الا سبقت نطفتي من رحم امه قبل ان تسبق نطقه ابيه».

به خدا سوگند تو را دشمن ندارد مگر کسی که من قبل از پدر او نطفه خود را در رحم مادر او ریخته ام؛ سپس گفت: همانا من در اموال و اولاد دشمنان تو شرکت می کنم...

۱. امالی مفید، ص ۱۶۲.

۲. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۹۷.

آن گاه رسول خدا ﷺ به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«صدقك والله يا علي! لا يبغضك من قریش الا سفاحيا ولا من الانصار الا يهوديا ولا من العرب

الادعيا ولا من سائر الناس الا شقيا»؛

به خدا سوگند! ای علی او راست گفت همانا از قریش دشمن تو نیست مگر زنازاده و

از انصار مگر یهودی و از عرب مگر حرامزاده و از سایر مردم مگر شقی و پست.<sup>۱</sup>

#### ۴۱۰. نشانه‌های حلال زادگی

ابوذر غفاری گوید: دیدم رسول خدا ﷺ با دست مبارک به پشت علی بن ابیطالب علیه السلام زد

و فرمود:

ای علی! هرکس ما را دوست بدارد از عرب است و هرکس ما را دشمن بدارد کافر

عجمی است.

شیعیان ما از خانواده‌ها و قبایل شریف و صحیح النسب و حلال‌زاده‌اند و کسی بر

آئین ابراهیم علیه السلام جز ما و شیعیان ما نیست.

سایر مردم از آئین وی بدورند و همانا خدا را فرشتگانی است که گناهان شیعیان ما

را فرو ریزند، همان گونه که کلنگ و تیشه ساختمان را ویران می‌کند.<sup>۲</sup>

#### ۴۱۱. رمزیپاکی

رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود:

«لا يحبك الا طاهر الولادة ولا يبغضك الا خبيث الولادة»؛ تو را دوست نمی‌دارند مگر افراد

پاک طینت (حلال‌زاده) و دشمن نمی‌دارند مگر افراد ناپاک (حرام‌زاده).<sup>۳</sup>

۱. علی الشرايع صدوق، ج ۱، ص ۱۴۲ - این روایت را نیز حاکم حسکانی در *شواهد التنزيل*، ج ۱، ص ۳۴۳ عینا آورده است.

۲. *امالی مفید*، ص ۱۸۷.

۳. *بحار الانوار*، ج ۴۸، ص ۱۰۰.





❖ ۴۱۲. محور پاکی ❖

انس بن مالک گوید: «كان الرجل من بعد يوم خيبر يحمل ولده على عاتقه ثم يقف على طريق علي عليه السلام وإذا نظر إليه يوجّهه تلقائه ووا ما باصبعه: أي بنى تحب هذا الرجل المقبل؟ فان قال الغلام: نعم. قبله وان قال: لا، حرف به الى الارض وقال له: الحق بامك ولا تلحق بابيك فلا حاجة لي فيمن لا يحب علي بن ابي طالب عليه السلام.»

یعنی: بعد از جنگ خیبر مردم فرزندان خود را بر دوش می گرفتند و در مسیر حرکت علی علیه السلام می ایستادند و چون علی علیه السلام عبور می فرمود آن ها به فرزندان خود اشاره می کردند که آیا این آقا را دوست می داری؟ اگر آن فرزند پاسخ مثبت می داد او را می بوسیدند و او را فرزند خود می دانستند و اگر می گفت علی علیه السلام را دوست نمی دارم او را کنار می انداختند و می گفتند تو فرزند مادرت هستی و ما را به فرزندی که علی علیه السلام را دوست نمی دارد نیازی نیست.<sup>۱</sup>

❖ ۴۱۳. دشمنان علی چه کسانی هستند؟ ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «لا يبغض عليا الا منافق او فاسق او صاحب دنيا»؛ دشمن علی نمی شود جز منافق یا فاسق یا دنیاپرست.<sup>۲</sup>

❖ ۴۱۴. راه شناخت منافقان ❖

«وسئل عن جابر عن علي فقال: ما كنا نعرف منافقي هذه الامة الا ببغضهم عليا عليه السلام»؛ جابر گفت: ما منافقان این امت را در زمان رسول خدا ﷺ فقط به وسیله ی دشمنی با علی می شناسیم.<sup>۳</sup> و در روایتی دیگر ابوسعید خدری می گوید: «انا كنا لنعرف المنافقين نحن معشر الانصار

۱. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۶۳.  
 ۲. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۳۱۰.  
 ۳. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۳۱۰.

بیغضهم علی بن ابیطالب<sup>علیه السلام</sup>». ما جماعت انصار همیشه منافقان را به وسیله دشمنی آن‌ها با علی<sup>علیه السلام</sup> می‌شناختیم.<sup>۱</sup>

ابن عباس نیز می‌گوید: «کنا نعرف المنافقین نحن معشر الانصار بیغضهم علی بن ابیطالب» ما در زمان رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> منافقان را به وسیله دشمنی آن‌ها با علی<sup>علیه السلام</sup> می‌شناختیم.<sup>۲</sup>

#### ۴۱۵. شناخت منافقان

ابوذر غفاری می‌گوید: در زمان رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> ما منافقان را به سه علامت می‌شناختیم تکذیب کردن خدا و رسول او<sup>صلی الله علیه و آله</sup>، تخلف از نماز جماعت، دشمنی با علی بن ابیطالب<sup>علیه السلام</sup>.<sup>۳</sup>

#### ۴۱۶. عاقد بهشتیان

ابوحزمه ثمالی می‌گوید: امام باقر<sup>علیه السلام</sup> فرمود: اباحمزه! علی را فروتر از آن مقامی که خداوند قرارش داده نیاورید و او را فراتر از آنجا که خدایش گذارده ننهید همین فضیلت برای علی بس که با مرتدان و افراد از ایمان برگشته به مقاتله پردازد و اهل بهشت را با هم پیوند دهد «وان یزوج اهل الجنة».<sup>۴</sup>

#### ۴۱۷. پنج سجده عجیب

امام صادق<sup>علیه السلام</sup> فرمود: روزی رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> در سفری از مرکب خود پیاده شد و پنج مرتبه به سجده رفت وقتی سوار مرکب شد یکی از اصحاب عرض کرد: ما کاری از شما دیدیم که تاکنون چنان نکرده بودید؟

فرمود: آری! جبرئیل نزد من آمد و مرا بشارت داد که علی اهل بهشت است و من به شکرانه‌ی این نعمت به پیشگاه خدای متعال سجده کردم.

چون سر برداشتم گفت: فاطمه هم اهل بهشت است من به شکرانه‌ی آن نیز سجده

۱. مناقب آل ابیطالب، ج ۲، ص ۷.

۲. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۷۷.

۳. الریاض النضره طبری، ج ۲، ص ۲۱۴.

۴. امالی شیخ مفید، ص ۲۰.



آوردم چون سر برداشتم گفت: حسن و حسین دو سرور جوانان بهشتی‌اند باز هم به شکرانه سجده آوردم، چون سر برداشتم گفت: هر کس هم که ایشان را دوست بدارد اهل بهشت خواهد بود و من به شکرانه‌ی آن سجده کردم.

چون سر برداشتم گفت: هر کس هم که دوست دوستان ایشان باشد اهل بهشت است و من به شکرانه‌ی آن نیز سجده نمودم.<sup>۱</sup>

### ❖ ۴۱۸. دوی درد اهل باطل ❖

امام علی علیه السلام فرمود: اگر از عدل و داد امتناع کنند لبه شمشیر بر آنان عرضه خواهم کرد این شمشیر دوی شفابخش بیماری باطل گرایان است و یاور حق...  
من بر مبنای یقین از پروردگرم و بدون اشتباه در دینم حرکت می‌کنم.<sup>۲</sup>

### ❖ ۴۱۹. همدرد امام علی علیه السلام ❖

میشم تمار گفت:

شبی از شبها مولای من امیرالمؤمنین علیه السلام مرا با خود از کوفه به خارج آن برد و به سوی صحرا می‌رفتیم تا آن که چون به مسجد جعفی رسید رو به قبله نمود و چهار رکعت نماز گذارد و چون سلام داد و تسبیح گفت دست‌های خود را برای دعا گشود و چنین گفت:

«الهی کیف ادعوك وقد عصيتك وكيف لا ادعوك وقد عرفتك وحبك في قلبي مددت اليك یدا بالذنوب مملوءة وعینا بالرجاء ممدودة. الاهی انت مالک العطایا وانا اسیر الخطایا ومن کرم العظماء الرفق بالاسراء الاهی انا الاسیر بجرمی المرتهن بعملی الاهی ما اضیق الطرق علی من لم تکن انیسه...»<sup>۳</sup>

و سپس صدای خود را کوتاه کردند... و آن‌گاه سجده نمودند و چهره‌ی خود را به خاک می‌مالیدند و صد مرتبه در آن حال العفو العفو گفتند و بعد برخاستند و از مسجد جعفی بیرون آمدند و راه صحرا را در پیش گرفتند و من به دنبالش می‌رفتم.

۱. امالی مفید، ص ۳۳.

۲. نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدیید، ص ۱۰۱.

۳. بحارالانوار، ج ۹، ص ۹۳.

در این حال به جائی رسیدیم که حضرت خطی بر روی زمین کشیدند و فرمودند: مبادا از این خط تجاوز کنی! من توقف کردم و آن حضرت به تنهایی رهسپار شدند و آن شب، شب تاریک و ظلمانی بود.

من با خود گفتم: آقای خودت و مولای خودت را با وجود این دشمنان بسیاری که دارد تنها به دست بلا سپردی چه عذری در نزد خدا خواهی داشت؟ و در نزد رسول خدا چه خواهی گفت؟ سوگند به خدا هم اینک به دنبال او روان می‌گردم و از حال او جويا می‌شوم گرچه مستلزم مخالفت امر او شده باشد.

من به دنبال او رفتم تا رسیدم به جایی که دیدم آن حضرت تا نصف بدن خود را در چاهی سرازیر کرده و مشغول گفتگو با چاه است او با چاه سخن می‌گفت و چاه با آن حضرت، حضرت احساس کرد که من آمده‌ام و ملتفت به من شد و فرمود: کیستی؟ عرض کردم: من میثم هستم! فرمود: ای میثم! مگر من به تو امر نکردم که از آن خط تجاوز ننمایی؟

سپس فرمود: آیا از آنچه من در اینجا گفته‌ام چیزی شنیده‌ام؟ عرض کرد: نه، ای مولای من چیزی نشنیدم حضرت فرمود: ای میثم!

«وفي الصدور لبانات، اذا ضاق لها صدري، نكت الارض بالكف، وابدیت لها سري، فمهما تبت الارض، فذاك النبت من بذري»<sup>۱</sup>.

یعنی: در سینه من حاجت‌ها و خواهش‌هایی است که چون سینه من به جهت آن‌ها تنگی کند و خسته شود با دست خود زمین را می‌کاوم و می‌کنم و آن راز و سرّ درون خود را برای زمین ظاهر می‌کنم و بازگو می‌نمایم؛ پس هر وقتی که زمین سبز شود و از آن دانه بروید آن دانه از آن کشت اسراری است که من در زمین نموده‌ام.

باید دانست که مراد از کندن زمین با کف دست و پنهان کردن سرّ در آن و انبات زمین از آن سرّ، با کنایه و استعاره از نداشتن همراز که انسان درد دل خود را به او بگوید می‌باشد و یا واقعا اراده‌ی حضرت این بوده است که با نفس قدسیه خود آن اسرار را در

۱. بحارالانوار، ج ۴، ص ۲۰۰.



درون خاک و روح و ملکوت زمین بسپارند تا آن که بعد از آن زمین اسرار نباتی چون اولیای خدا که صاحب سرّ حضرت باشند پدیدار گردد.

### ۴۲۰. مهمان عزیز کعبه

یزید بن قعنب گوید: من و عباس بن عبدالمطلب و چند تن از طایفه عبدالعزی در گوشه‌ای از مسجدالحرام نشسته بودیم که مشاهده کردیم فاطمه دخت گرامی اسد مادر علی علیه السلام که آخرین روزهای حاملگی علی علیه السلام را می‌گذرانید به آنجا آمد و ناگاه درد زایمان او را گرفت به گونه‌ای که مجال بیرون رفتن از مسجد برایش نبود کنار کعبه ایستاد و دست به طرف آسمان برداشت و گفت: پروردگارا! به تو ایمان دارم و به آنچه از جانب تو آمده است و پیامبران و کتاب‌هایی را که از سوی تو آورده‌اند تصدیق دارم و به گفته جدم ابراهیم خلیل: «که بنابر آیه شریفه «رب اجعل هذا البلد امانا واجنبی و بنی ان نعبد الاصلنام»<sup>۱</sup> از خدا خواسته بود که این بلد را امن و ذریه‌اش را از شرک حفظ نماید». دل سپرده‌ام و او بود که این خانه پر ارج را بنا نهاد پس به حق آن پیغمبری که این خانه را ساخته است و به حق فرزندی که درون من جا دارد زایمانم را آسان گردان.

راوی گوید: همگی دیدیم که دیوار از پشت خانه از طرف درون گشوده گردید و فاطمه به اندرون رفت و از دید ما پنهان شد؛ سپس شکاف دیوار بهم آمده ما به سرعت دویدیم و هرچه تلاش کردیم که قفل در کعبه را بگشاییم نتوانستیم فهمیدیم که در آن سر و حکمتی بوده است او از جانب خداوند عزوجل چهار روز در آنجا ماند سپس بیرون آمد در حالی که امیرالمؤمنین را بر روی دست داشت و می‌گفت مقام من بر زنان پیش از خودم برتری یافته است.

زیرا آسیه دختر مزاحم (همسر فرعون) مخیفانه خداوند را عبادت می‌کرد در جایی که جز مواقع ناچاری خدا دوست نداشت در آنجا پرستش شود زیرا امت موسی و انبیای قبل از او فقط می‌توانستند در معابد و کنیسه‌ها عبادت کنند و مریم دختر عمران تنه درخت خرما را خشکیده را با دست خود تکان داد تا از آن خرما می‌تازه افتاد و میل کرد ولی من وارد بیت‌الله الحرام شدم و از میوه‌ها و اطعمه بهشتی خوردم و هنگامی که خواستم

۱. ابراهیم / ۳۵.

خارج شوم، هاتفی گفت: ای فاطمه! نوزادت را «علی» نام بگذار زیرا او بلند مرتبه است، خداوند علی اعلی می فرماید: من نام او را از نام خود اقتباس کردم و به ادب و اخلاق او را پرورش داده‌ام و او را بر مشکلات علم خود توانا ساختم و اوست که در خانه‌ام بت‌ها را بشکند و در بام خانه‌ام اذان گوید و مرا به پاکی و بزرگواری یاد نماید، خوشا به حال کسی که او را دوست بدارد و وای بر آن کس که او را دشمن دارد و بر او کینه ورزد و فرمانش نبرد.<sup>۱</sup>

### ۴۲۱. بیست و دو هزار سال قبل از آدم

امام کاظم علیه السلام فرمود:

روزی پیامبر خدا نشسته بود و فرشته‌ای به محضر آن جناب شرفیاب گردید که دارای بیست و چهار چهره بود پیغمبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: ای دوست من جبرئیل تاکنون تو را به چنین صورتی ندیده بودم؟ عرضه داشت: من جبرئیل نیستم (نام من محمود است و) خدا به من مأموریت داد که خدمت برسم و نوری را به نوری همسر نمایم. فرمود: کدام را با کدام؟ جواب داد: فاطمه را به علی.

همین که فرشته برگشت تا برود حضرت دید میان دو شانه او این دو جمله نوشته است (محمد فرستاده خدا و علی وصی اوست). حضرت به او فرمود: چند وقت است این عبارت میان دو شانه‌ات نگاشته شده؟ پاسخ داد بیست و دو هزار سال قبل از آنکه پروردگار آدم را بیافریند.<sup>۲</sup>

### ۴۲۲. برپا کننده دین

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ان الله تبارک تعالی آید هذا الدین بعلی علیه السلام»؛ خدای تبارک و تعالی اسلام را به واسطه علی علیه السلام پا بر جا نمود.<sup>۳</sup>

۱. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۱۴۵ - ۱۴۴ - ۱۴۳.

۲. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۲۴۶.

۳. نورالمشعل، ص ۸۲ - حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۲۶.



### ۴۲۳. همه اقرار دارند

قضیه هم غذایی امام علی علیه السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله که رسول خدا صلی الله علیه و آله دعا کرد: خدایا بهترین خلق خود را بفرست که با من از این پرنده بخورد. از جمله وقایعی است که صاحب کتاب غایه المرام از منابع اهل سنت با سی و پنج طریق نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### ۴۲۴. فضیلتی عرشی و بی بدیل

در بین صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله احدی را نمی توان پیدا کرد که در تفسیر قرآن کریم همپای حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام باشد این معنا در کلام خیلی از صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده که توانایی تفسیر قرآن کریم از اختصاصات آن سرور بوده است و در کتب مختلف علمای اهل سنت این توانایی منحصر بفرد امام علی علیه السلام آمده است چنانچه عمر بن خطاب می گوید «علی اعلم الناس بما انزل الله علی محمد»؛ یعنی: علی آگاهترین مردم است به آنچه خدا بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده است.<sup>۲</sup>

### ۴۲۵. روزه و عبادت بی ثمر

از جابر نقل شده که گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی فرمود: یا علی! لو ان امتی صاموا حتی صاموا کاللاتاد وصلوا حتی صاروا کالحنایا ثم ابغضوک لاکبهم الله علی مناخرهم فی النار. یا علی! اگر امت من آنقدر روزه بگیرند که مانند میخها باریک شوند و آنقدر نماز بخوانند که مانند کمان خمیده گردند و پس از آن با تو دشمن باشند خداوند آن‌ها را با صورت به آتش خواهد افکند.<sup>۳</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۳۵۵ - غایه المرام.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۹ روایات تفسیری امام علی علیه السلام نیز درباره قرآن کریم در مجموعه‌ای مستقل توسط مؤلف تدوین گردیده است.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲۶.

### ❖ ۴۲۶. فرزندان صالح ❖

قال امیرالمؤمنین علی علیه السلام: «والله ما سالت ربی ولدا نضیر الوجه ولا سالت ولدا حسن القامة ولكن سالت ربی ولدا مطیعین لله خائفین وجلین منه حتی اذا نظرت الیه وهو مطیع لله قرئت به عینی». امام علی علیه السلام می فرماید: بخدا سوگند من از خدای خود فرزند نیکو صورت و نیکو قامت نخواستم بلکه از خدای خود خواستم که فرزندان مطیع و ترسا به من عطا فرماید که وقتی به آنها نگاه کنم و آنها را مطیع خداوند ببینم چشمم روشن شود.

### ❖ ۴۲۷. او را امام متقین معرفی کرد ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «معاشر الناس ما من علم الا علمینه ربی وانا علمته علیا وقد احصاه الله فی وكل علم علمت فقد احصيته فی امام المتقین وما من علم الا علمته علیا». ای مردم هیچ علم و دانشی نبود مگر آن که خدا آن را به من آموخت و من آن را به علی آموختم و خداوند همه علوم را در من جمع نمود و من آنها را در امام متقین علی علیه السلام جمع نمودم.<sup>۱</sup>

### ❖ ۴۲۸. همیشه اولین‌ها علی بود ❖

عن ابن عباس انه قال: «و اول من قام اللیل معه علی علیه السلام واول من بايع معه علی واول من هاجر معه علی علیه السلام».

- نخستین کسی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب زنده‌داری به عبادت برخاست علی علیه السلام بود.
- نخستین کسی که با او بیعت نمود علی علیه السلام بود.
- نخستین کسی که از مکه با رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه هجرت کرد علی بود.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر نورالتقلین، ج ۴، ص ۳۷۹ - فی الاحتجاج، ج ۱، ص ۷۴.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۸۷.





### ۴۲۹. اولین پیشتاز

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در زمان خلافت عثمان بن عفان در خطبه‌ای خطاب به مهاجران و انصار اینگونه ایراد سخن فرمود:

شما را به خدا سوگند، آیا می‌دانید وقتی آیات «پیشتازان نخستین از مهاجران و انصار» و «پیشتازان مقدم‌اند. آنان همان مقربان الهی» نازل شد، از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره این پیشتازان در آیات فوق پرسیده شد آن حضرت فرمود:

خداوند متعال آن را درباره پیامبران و اوصیای آنان فرستاده و من برترین پیامبرانم و علی بن ابیطالب وصی من و برترین اوصیاست.<sup>۱</sup>

### ۴۳۰. نور زمین و آسمان

امام علی علیه السلام در پاسخ به سلمان و ابوذر که از امام درباره معرفت او به نورانیت سؤال کرده بودند.

فرمود: «معرفتی بالنورانیه معرفه الله عزوجل ومعرفه الله عزوجل بالنورانیة هو الدین الخالص» معرفت و شناخت من به نورانیت همان معرفت خدای بزرگ است و معرفت خدای بزرگ به نورانیت همان دین خالص است.<sup>۲</sup>

### ۴۳۱. راه پذیرش عمل بندگان

شیخ صدوق در مجلس ۳۹ امالی از امام رضا علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که از حضرت جبرئیل از میکائیل از اسرافیل از خدای بزرگ که فرمود: عمل هیچ بنده‌ای را نمی‌پذیرم الا با اقرار به ولایت او (علی علیه السلام) همراه با نبوت فرستاده‌ام احمد هر یک از بندگانم را که دوست بدارم ولایت و معرفت او را به وی می‌شناسانم و هر یک از بندگانم را که دشمن بدارم به جهت انصرافش از معرفت و ولایت او دشمن داشته‌ام.

۱. التحصین، ص ۶۳۲

۲. بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۱.

### ۴۳۲. منبر هزار پله

روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که در روز قیامت منبری از نور که هزار پله دارد در پله اول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قرار داد و در پله دوم امیرالمؤمنین علی علیه السلام و در سایر پله ها بقیه انبیاء به حسب مراتبشان قرار دارند و در پای منبر نیز مؤمنین قرار دارند در این مقام محمود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حمد و ثنای خدا را می کند به طرز بی سابقه ای. آن گاه ملکی به بهترین صورت و هیات در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده و عرض می کند یا رسول الله من خازن بهشت هستم آن گاه کلید آن را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تقدیم می کند.

سپس ملکی در مهیب ترین صورت ها می آید و عرض می کند: من مالک دوزخم و مأمورم که کلید دوزخ را تقدیم شما کنم سپس می رود. آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به امام علی علیه السلام می فرماید: یا علی کلید را بردار که تقسیم بهشت و دوزخ به دست تو است.

### ۴۳۳. باطن تاریک

روزی امام علی علیه السلام درهمی به بلال داد و فرمود: ای بلال خربزه ای برای من خریداری نما چون بلال خربزه ای خرید حضرت دید خربزه ای بسیار تلخ است حضرت از آن میل نکرد و فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: خداوند ولایت مرا به جمیع موجودات عالم عرضه کرد پس هر آب و میوه ای که ولایت مرا قبول نمود شیرین گشت و هر میوه ای و آبی که ولایت مرا قبول ننمود تلخ گردید و این میوه چون ولایت مرا قبول نکرده پس من از او نخواهم خورد.

### ۴۳۴. امام زمین و زمان

امام علی علیه السلام در خطبه البیان فرمود: «انا الّذی اعلم ما یحدثّ آنا بعد آن و ساعة بعد ساعة انا الّذی اعلم خطرات القلوب و ملح العیون و ما تخفی الصدور...».

«انا الّذی اعلم عدد النمل و وزنها و حقّتها و مقدار الجبال و وزنها و عدد قطرات الامطار...»<sup>۱</sup>.

یعنی: من آنم که حوادث را لحظه به لحظه و ساعت به ساعت می دانم من خطورات

۱. بحار المعرف، ج ۲، ص ۶۳۰



دل‌ها، نگاه چشم‌ها و آنچه را که در سینه‌ها پنهان می‌کنند می‌دانم... من آنم که تعداد مورچگان و وزن و سبکی آن‌ها و مقدار و وزن کوهها و تعداد قطرات باران‌ها را می‌دانم.

### ۴۳۵. خطبه‌های خرد بخش

در بین صحابی رسول خدا ﷺ احدی را نمی‌بینیم که دارای دعا‌های بلند توحیدی و عرفانی و خطبه‌های خردبخش باشد جزء امام علی علیه السلام سیدرضی همه خطبه‌های امام را در نهج البلاغه نیاورده است لذا سطر اول ۲ خطبه بدون نقطه و بدون الف امام علی علیه السلام را در اینجا می‌آوریم.

سطر اول خطبه بدون الف: «حمدت و عظمت من عظمت منته و سبغت نعمته و سبقت رحمته غضبه و قمت کلمته و نفذت مشیئته و بلغت قضیته...».

سطر اول خطبه بدون نقطه: «الحمد لله اهل الحمد وماواه وله اوكد الحمد واحلاه واسرع الحمد واسراه واطهر الحمد واسماه واکرم الحمد واولاه الحمد لله الملك المحمود والمالك الودود مصور كل مولود ومال كل مطرود...» هر دو خطبه طولانی هستند که بخشی از آن آورده شد.

### ۴۳۶. ذوالفقار عدل

عمار یاسر می‌گوید: خدمت امام علی علیه السلام بودم که صدایی بلند شد که به واسطه آن مسجد پر شد و حضرت فرمود: ای عمار ذوالفقار مرا بیاور که برنده عمرهاست. وقتی آن را آوردم فرمود: بیرون رو و آن مرد را منع کن از ستم کردن بر آن زن بیچاره، و اگر سخن تو را گوش نکرد با ذوالفقار منعش خواهم کرد.

عمار می‌گوید: بیرون رفتم مرد و زنی را دیدم که به مهار شتری چسبیده‌اند و زن می‌گوید: شتر از من است و مرد نیز همین را می‌گوید، گفتم: ای مرد! امیرالمؤمنین تو را از ستم کردن به این زن نهی فرمود.

آن مرد گفت: علی به کار خودش باشد و دستش را از خون مسلمان بصره بشوید که آن‌ها را کشت...

عمار گفت: برگشتم که به امام مطلب را عرض کنم دیدم امام در حالی که اثر غضب

در صورت مبارکش آشکار است بیرون آمد فرمود: وای بر تو شتر این زن را رها کن و برو.

گفت: شتر از من است علی علیه السلام فرمود: در جلوی چشم من دروغ می گویی. گفت: این زن شاهدی ندارد امام فرمود: کسی گواهی می دهد که احدی از اهل کوفه نتواند تکذیبش کند.

مرد گفت: اگر چنین شاهدی باشد و راست بگوید شتر را به او می دهم. علی علیه السلام فرمود: ای شتر سخن بگو مال کیستی؟ شتر به زبان فصیح گفت: یا امیرالمؤمنین و خیر الوصیین من نوزده سال است که از آن این زن هستم، آن گاه حضرت ضربتی بر آن مرد زد که او را دو نیمه کرد.<sup>۱</sup>

#### ۴۳۷. اهل دنیا نیست

روزی امام علی علیه السلام با اصحاب و یاران خود در مسجد کوفه نشسته بودند که مردی عرض کرد: من تعجب می کنم از این که این دنیا در دست این گروه (معاویه و یارانش) است و نزد شما چیزی نیست.

امام فرمود: گمان می کنی ما دنیا را می خواهیم و به ما نمی دهند؟ سپس امام مشتی سنگریزه برداشت و آن ها به جواهر تبدیل شد، سپس به آن مرد فرمود: این چیست؟ عرض کرد: جواهر.

حضرت فرمود: اگر بخواهیم هست اما نمی خواهیم و سنگریزه ها را ریخت و سنگ ها به حالت اول برگشت.<sup>۲</sup>

#### ۴۳۸. معجزه علوی

حارث اعور می گوید: با امیرالمؤمنین علیه السلام در راهی می رفتیم تا رسیدیم به عاقول آنجا تنه درختی بود خشکیده و پوست هایش ریخته و چوبش مانده بود حضرت دست مبارک

۱. کشف الیقین علامه حلی.

۲. جلوه های اعجاز معصومین علیهم السلام نوشته راوندی، ص ۵۰۹.



خود را به آن درخت خشکیده زد و فرمود: ای درخت به اذن خداوند برگرد و سبز و میوه‌دار شو.

حارث می‌گوید: درخت حرکت کرد و شاخه‌هایش سبز و میوه‌دار شد که میوه آن به فارسی امروز می‌باشد پس از آن میوه چیدیم و خوردیم و با خود نیز مقداری بردیم تا این که فردا صبح نیز آمدیم، دیدیم درخت سبز بود و امروز داشت.<sup>۱</sup>

### ۴۳۹. تفسیر ناقوس

در دیر دیلم به اسقفی که از عمرش ۱۲۰ سال می‌گذشت گفتند که مردی ناقوس را تفسیر می‌کند و مقصود آن‌ها امام علی علیه السلام بود اسقف گفت: مرا به حضور او ببرید و من او را نزد امام علی علیه السلام بردم چون به ملاقات حضرت رسید حضرت صدای ناقوس را برای او تفسیر کردند، اسقف عرض کرد: من صفت او را در انجیل یافته‌ام و من شهادت می‌دهم که او وصی پسر عموی خودش است.

حضرت به او فرمودند:

تو اگر آمدی که ایمان بیاوری من کاری کنم که موجب تقویت ایمان تو شود. اسقف گفت: آری. حضرت فرمودند: مدرعه<sup>۲</sup> خود را از تنت خارج کن و به یاران خودت نشان بده آن خالی را که در میان دو کتف توست. اسقف گفت: «اشهد ان لا اله الا الله وان محمدا عبده ورسوله»؛ آن‌گاه صیحه‌ای زد و جان داد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «عاش في الاسلام قليلاً ونعم في جوارالله كثيرا».

زندگیش در اسلام کم بود ولی در جوار رحمت خداوند مدت بسیاری متنعم است.<sup>۳</sup>

### ۴۴۰. کتاب علی علیه السلام راهنمای ائمه علیهم السلام

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: در کتاب علی علیه السلام نگاه کردم در آن یافتیم که ارزش هر انسان و منزلت او به اندازه معرفتش است.<sup>۴</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۲۴۸.

۲. لباسی است از کتان که راهبه‌های بزرگ می‌پوشند.

۳. حضرت تفسیر ناقوس را در طی اشعاری تحت عنوان اشعار ناقوسیه تفسیر کرده‌اند که شرح آن در کتاب

۱۰۰۱ داستان از زندگی امام علی علیه السلام آمده است مناقب ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۱، ص ۴۲۶.

۴. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۸۶.

و در تاریخ نگارستان از شرح مواقف نقل می‌کند: «انّ الجفر والجامعة کتابان لعلی قد ذکر فیهما علی طریقه علی الحروف الحوادث الی انقراض العالم واولاده یحکمون بهما».

به درستی که جفر و جامعه دو کتاب است، مخصوص علی علیه السلام که در آن دو کتاب جمیع حوادث تا انقراض عالم به طریق علم حروف (یعنی به طریق رمز) ذکر شده و اولاد آن حضرت حکم می‌کنند به آن کتاب.

#### ۴۴۱. سینه‌ای پر علم

گاهی با دست اشاره به سینه نموده می‌فرمود: در اینجا علم فراوانی است بیاید پرسید گاهی می‌فرمود: صحیفه و جفر و جامعه و مصحف فاطمه که علوم گذشته و آینده در آن هاست نزد ماست بیاید و پرسید... و می‌فرمودند: ممکن نیست که از امام چیزی پرسند و او بگوید نمی‌دانم.<sup>۱</sup>

#### ۴۴۲. وصی به حق نبی

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت علی علیه السلام دستور داد تا این که در مدینه منادی ندا کند هر کسی از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله طلبی دارد یا این که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او وعده‌ای داده بیاید و از من بخواهد و همچنین امر فرمود تا این که سه سال در سرزمین منی در موقع حج بانک زنده تا هر کس که از رسول خدا صلی الله علیه و آله طلبی دارد یا این که پیامبر به او وعده‌ای داده جهت مطالبه خدمت امام علی علیه السلام وصی او بیاید اگر راستگو بود حضرت علی علیه السلام گوشه مصلائی خود را که بر می‌داشت همان مقدار وجه در زیر مصلا بود به او می‌داد والا چیزی در زیر مصلا دیده نمی‌شد.

عمر بن خطاب نزد ابوبکر آمد و گفت از علی به واسطه ادای دیون پیامبر صلی الله علیه و آله می‌ترسم تا با این کار مردم را متوجه خود کند و خلافت را از ما بگیرد، ابوبکر گفت چاره چیست؟ عمر گفت: فردا امر می‌کنیم تا این که منادی در مدینه صدا بزند هر کس از پیغمبر طلبی دارد از خلیفه مسلمین و جانشین او ابوبکر مطالبه کند، ابوبکر گفت: می‌ترسم از عهده کار بر نیایم، عمر گفت: چاره‌ای نیست و امید است که مبتلا نشویم لذا فردای

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۰۱.



آن روز دستور دادند تا آن که منادی در مدینه ابوبکر را وصی رسول خدا ﷺ معرفی کند و بگوید هر کس طلبی از رسول خدا ﷺ دارد از خلیفه او ابوبکر مطالبه کند تا او نیز به وعده رسول خدا ﷺ وفا کند.

سلمان این مطلب را به اطلاع امام علی علیه السلام رساند امام فرمود: زود است که از این عمل پشیمان شوند چند روزی نگذشت که شخصی به نام صمصام به قصد زیارت پیامبر اسلام ﷺ وارد مدینه شد به او گفتند: پیامبر از دنیا رفت او از وصی او سؤال کرد، گفتند، در مسجد بالای منبر است وقتی وارد مسجد شد ابوبکر را در بالای منبر دید از او پرسید تو وصی پیامبری؟ گفت: آری. گفت: دیون و وعده‌های او را تو وفا می‌کنی؟ گفت: آری. گفت: من شخص فقیری از طایفه بنی‌سلیم می‌باشم و در میان آن قبیله از من فقیرتر کسی نیست و در زمان پیغمبر خدا ﷺ وارد مدینه شدم و سوسماری را در میان مسجد انداختم و گفتم اگر تو پیامبر خدایی امر کن تا این سوسمار شهادت به پیغمبری تو دهد ناگاه آن حضرت سوسمار را صدا زد و آن سوسمار آمد و به کلمات روشن شهادت به پیغمبری ایشان داد من هم گفتم در شعور و ادراک نباید عقب‌تر از سوسمار باشم و مسلمان شدم آن‌گاه پیامبر اکرم به من احسان فراوانی نمود و به من وعده دادند اگر من برگردم و تمام قبیله خود را مسلمان نمایم آن حضرت هشتادناقه سرخ موی سیاه چشم یک قد و یک میزان بمن مرحمت فرماید.

پس از آن به سوی قبیله خود رفتیم و با زحمتهای فراوان همه آن‌ها را مسلمان کردم، اکنون به مدینه آمده‌ام تا پیامبر به وعده خود وفا کند و اگر تو خلیفه پیامبری باید به وعده آن حضرت وفا کنی والا چرا ادعای باطل می‌کنی و مردم مسلمان را گمراه می‌گردانی. ابوبکر گفت: ای مرد آیا از پیامبر در این ادعایی که می‌کنی شاهد گرفته‌ای؟ صمصام گفت: مگر من پیامبر را دروغگو می‌دانستم که شاهد برای خود بگیرم ابوبکر عاجز شد و رو به عمر کرد که چه باید کرد عمر دید ابداء از برای آن‌ها تهیه هشتاد شتر به این مشخصات ممکن نیست لذا با آن مرد عرب تندی نمود که چنین وعده‌ای را ابداء پیامبر به تو نداده زیرا از عهده او هم خارج بوده که هشتاد شتر به این وصف برای تو تهیه کند چرا خلیفه پیامبر را به زحمت می‌اندازی؟

سپس دستور داد صمصام را از مسجد بیرون نمودند صمصام با چشم گریان در کوچه‌های مدینه می‌گشت و می‌گفت: **آینَ وصی رسول الله؛** وصی رسول الله کجاست؟ سلمان با او برخورد کرد و فرمود: بیا تو را حضور وصی رسول خدا علیه السلام ببرم آن گاه او را به حضور امام علی علیه السلام آورد چون چشم حضرت به او افتاد فرمود: ای صمصام آیا تمام قبیله خود را مسلمان کرده‌ای که اکنون در پی وفا و وعده‌ای که پیامبر صلی الله علیه و آله به تو داده آمده‌ای؟

عرض کرد: آری به خدا قسم تو وصی پیامبری حضرت به فرزند خود امام حسن علیه السلام فرمود: با سلمان و این مرد عرب در فلان وادی در کنار آن سنگ بزرگ که در آن صحرا است برو و بگو یا صالح چون جواب تو را داد بگو پدرم علی می‌فرماید: آن هشتاد ناقه‌ای را که خداوند در توبه و دویعه گذاشته تا به وعده پیغمبر صلی الله علیه و آله وفا شود تحویل بده. چون حضرت امام حسن علیه السلام پیغام پدر را رساند صدایی بلند شد که: (سما و طاعة) و از سنگ صیحه‌ای بلند شد و شکافی در آن پیدا شد و از آن مهار ناقه بیرون آمد حضرت امام حسن علیه السلام آن را گرفت و به دست صمصام داد چون آن مهار را کشید هشتاد ناقه با همان شکل که آن مرد عرب می‌خواست بیرون آمد ناقه‌ها را برداشت و به طرف قبیله خود حرکت کرد و مدح علی علیه السلام را می‌کرد و می‌گفت: «ای مردم گمراه نشوید وصی پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام است»<sup>۱</sup>.

### ۴۴۳. صاحب همه زمین

وقتی که فضا خادمه به خانه حضرت صدیقه کبری علیه السلام وارد شد به جز شمشیر و زره و آسیاب چیزی در خانه ندید فضا که خود دختر پادشاه هند بود و از علم اکسیر قدری مطلع بود قطعه مسی را برداشت و آن را به طلا تبدیل کرد وقتی امام علی علیه السلام به منزل آمد آن را خدمت حضرت نهاد حضرت فرمود: **احسنت یا فضا.** اما اگر جسم آن مس را آب کرده بودی رنگش بهتر و قیمتش گران تر می‌شد فضا عرض کرد: ای سید من شما این علم را می‌دانید. حضرت فرمود: این کودک هم می‌داند (اشاره به امام حسین علیه السلام).

۱. حدیقه الشیعة و مدینه المعاجز.





امام حسین علیه السلام همانند پدرش این کلام را فرمود: ما از این بزرگ‌تر هم می‌دانیم و اشاره فرمود با دست مبارک خود به سوی زمین و زمین تمامی گنج‌های خود را آشکار نمود. سپس رو به فضا فرمود: طلای خود را در آن طلاها انداز و فضا نیز اطاعت کرد.<sup>۱</sup>

#### ۴۴۴. بندگان بزرگ پروردگار

در خراج راوندی نقل شده که روزی امیرالمؤمنین علیه السلام به خانه‌اش آمد و به حضرت زهرا علیها السلام فرمود: آیا از خوردنی چیزی داری؟

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ دادند: یا علی چیزی در منزل نداریم و دو روز است که حسن و حسین را وعده طعام می‌دهم. حضرت علی علیه السلام گلیمی از همسرش گرفت تا آن را نزد کسی گرو گذارد و طعامی تهیه کند آن‌گاه امام به نزد یکی از همسایگان خود که مردی یهودی بود رفت گلیم را به او داد و یک صاع جو گرفت همین که حضرت چند قدم از یهودی دور شد او به امام گفت: تو را قسم می‌دهم و بایستی با تو سخنی بگویم.

یهودی به امام عرض کرد: پسر عمت مدعی است که حبیب خداست و او اشراف رسل نزد خداوند است از او درخواست کن از خدا بخواهد تا شما را از فقر بی‌نیاز کند. حضرت سکوت فرمود: و در حالی که با انگشت خود به زمین می‌زد فرمود: ای یهودی به خدا سوگند خداوند بندگان دارد که اگر پروردگار را قسم بدهند که این دیوار را طلا گرداند می‌گرداند در این لحظه دیوار آنا طلا شد.

حضرت به دیوار فرمود: ای دیوار مقصودم نبود که تو طلا شوی به تو مثل زدم یهودی چون چنین دید شرمسار شد و با این معجزه مسلمان شد.

#### ۴۴۵. ضیافتی ظریف

حافظ برسی در کتاب مشارق الانوار آورده که ابن عباس می‌گوید: مردی خدمت امام علی علیه السلام آمد و درخواست کرد که حضرت او را مهمانی کند حضرت کرده نان جو طلبید و قدحی آب و قطعه نان سخت را جدا کرده و آن‌ها را در آب انداخت و به میهمان فرمود: میل نما.

۱. بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۲۷۳.





❖ ۴۴۸. تکلم در عرش ❖

عبدالله بن عمر از رسول خدا ﷺ پرسید که خداوند در شب معراج به کدام لغت با تو سخن گفت: حضرت فرمود: «خاطبنی بلغة علی بن ابیطالب»<sup>۱</sup>.  
خداوند با زبان علی بن ابیطالب مرا خطاب کرد.

❖ ۴۴۹. قضاوتی بی مانند ❖

در زمان خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام مردی وصیت کرده بود به مردی هزار دینار داده تا هر آنچه را از این هزار دینار دوست دارد صدقه دهد و الباقی را برای خود نگه دارد.  
آن مرد از دنیا رفت آن شخص نیز از هزار دینار نهصد دینار را برای خود نگه داشت و صد دینار آن را انفاق کرد.  
ورثه به او ایراد گرفتند و گفتند پانصد دینار برای تو باشد و پانصد دینار دیگر را صدقه بده او قبول نکرد؛ لذا آن‌ها داوری را خدمت امام آوردند امام به آن مرد فرمود: به آنچه ورثه می‌گویند عمل کن ولی آن مرد قبول نکرد.  
حضرت فرمود: پس بدان که بر تو واجب است که ۹۰۰ دینار صدقه دهی و ۱۰۰ دینار برای خود نگه داری زیرا که آنچه دوست می‌داری آن ۹۰۰ دینار است و آن مرد وصیت کرده به تو که آنچه را دوست می‌داری صدقه کنی و البته تو نهصد دینار را دوست می‌داری.<sup>۲</sup>

❖ ۴۵۰. راهنمای بی مانند ❖

مردی خدمت امام علی علیه السلام رسید و عرض کرد خرمایی در پیش روی من بود زن من دانه خرما را در دهن خود گذاشت من قسم خوردم که آن را نباید بخورد و نباید بیرون بیااندازد و پرسید حال باید چه کنم تا از کفاره آن خلاصی یابم.

۱. ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۸.  
۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۸.

امام فرمود: نصف آن خرما را بخورد و نصف دیگر آن را بیرون اندازد.<sup>۱</sup>

#### ۴۵۱. راهنمای بشر علی

مردی خدمت حضرت علی علیه السلام آمد و عرض کرد: این غلام من بدون اذن من عیال گرفته حضرت فرمودند: ما بین آن‌ها جدایی بینداز. آن مرد به غلام خود گفت: «یا خبیث طلق امراتک» امام علی علیه السلام به آن غلام فرمود: اکنون اگر می‌خواهی عیال خود را طلاق ده و اگر نمی‌خواهی آن را نگه دار صاحب غلام گفت: چرا؟! امام فرمود: تو به غلام خود گفتی: «طلق امراتک» و این رضای تو به ترویج است و اکنون طلاق به دست عبد است می‌خواهد طلاق می‌دهد نمی‌خواهد نگه می‌دارد.<sup>۲</sup>

#### ۴۵۲. قرآن شناس بزرگ

روزی مردی نذر کرد که من یک حین روزه خواهم گرفت و برای آن زمانی را تعیین نمود، سپس دچار تردید شد که این حین چه مدت است. این مطلب را به امام علی علیه السلام عرض کرد امام فرمود: باید شش ماه روزه بگیری سپس امام این آیه ۲۵ سوره ابراهیم را تلاوت نمود «توقی اکلها کل حین باذن ربها»؛ سپس در ادامه فرمود: اشجار از روزی که شکوفه می‌نمایند تا به ثمر برسند شش ماه طول می‌کشد.<sup>۳</sup>

#### ۴۵۳. عارفی بی‌همتا

امام علی علیه السلام به پیشگاه الهی عرض می‌کند: «الهی لیس تشبه مسالتی مسألة السائلین لان السائل اذا منع امتنع عن السؤال وانا لاغناء بی عما سالتک علی کل حال...».

خدانند!! خواهش من چون خواهش گدایان نیست زیرا که اگر گدا را به او چیزی

۱. ارشاد القلوب دیلمی.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶.

۳. کافی، ج ۴، ص ۱۴۲.



ندهند دیگر دست از خواهش خود بر می‌دارد اما من در هیچ حال بی‌نیاز از دراز کردن دست خواهش و نیاز به سوی تو نیستم...<sup>۱</sup>

#### ۴۵۴. تنها راه شناخت اسلام واقعی

رسول خدا ﷺ فرمود: «... یا علی ما عرف الاسلام بعدی الا بك لقد جعل الله نسل كل نبی من صلبه ونسلی من صلبك فانت اعز الخلق لدی واکرمهم لدی ومحبوك اكرم علی من امتی».

یا علی!

اسلام بعد از من فقط به وسیله تو شناخته می‌شود و خداوند نسل هر پیامبری را از صلب آن پیامبر قرار داد و نسل مرا صلب تو قرار داد، پس تو عزیزترین و گرامی‌ترین مخلوق خدا در نزد من هستی و دوستان تو نیز عزیزترین امت من نزد من هستند.<sup>۲</sup>

#### ۴۵۵. کلمه‌ای جاوید و جاودان

رسول خدا ﷺ در بخشی از خطبه غدیر فرمود: کسی که با علی بیعت می‌کند در حقیقت با خدا بیعت نموده زیرا دست خداوند بر فراز دست آن‌هاست، سپس فرمود: ای مردم از خدا بترسید و با علی و حسن و حسین و امامان بعد از آن‌ها بیعت نمایید. آن‌ها کلمه طیبه جاودانه هستند کسی که در بیعت با آن‌ها وفادار باشد مورد رحمت خداوند است و کسی که بیعت خود را بشکند و خیانت کند هلاکت خواهد شد.<sup>۳</sup>

#### ۴۵۶. راهگشای تیزبین

روزی شش کودک برای شنا در رود فرات به بازی پرداختند یک نفر از آن کودکان غرق شد سه تن از آن‌ها شهادت دادند، که دو نفر از آن‌ها او را غرق کردند و دو نفر شهادت دادند که آن سه نفر او را غرق کردند آن‌ها جهت حل این مطلب نزد امام علی بیعت

۱. بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۱۰۴ (یکی از ممتازترین وجه شخصیتی امام علی بیعت دعاهاى آن حضرت می‌باشد که تقریباً بخشی از آن در صحیفه علویه جمع شده است).

۲. بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۷۲.

۳. بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۶.

حاضر شدند آن حضرت فرمود: دیه آن کودک پنج قسمت می‌شود ۵۳ آن را اولیاء آن دو کودک باید بدهند و ۵۲ آن را اولیاء آن سه نفر بدهند.<sup>۱</sup>

#### ۴۵۷. علی رحمت واسعة

در کافی به سند خود از ابراهیم بن ابی‌البلا از بعضی از اصحاب خود نقل کرده که در زمان امام علی زنی به نام ام قیان بود روزی یکی از اصحاب امیرالمؤمنین بر او وارد شد و او را در حزن و اندوه دید از او پرسید: ای ام قیان به چه علت ناراحتی؟ او گفت: آن زنی که مرا آزاد کرده بود از دنیا رفته است وقتی او را به خاک سپردم زمین بدن او را بیرون انداخت و هرچند او را داخل قبر می‌گذاشتم باز او را بیرون می‌انداخت!!!

راوی گفت: وقتی خدمت امام علی رسیدم ماجرای آن زن را با امام در میان گذاشتم امام فرمود: زمین اجساد یهود و نصارا را قبول می‌کند، این نیست مگر یک نوع عذابی برای این میت، ولی اگر از خاک قبر مرد مسلمانی مقداری در قبر او بریزند دیگر آن جسد را بیرون نمی‌ندازد.

راوی گفت: آمدم و فرمایش امام علی را به ام‌قیان گفتم او مقداری خاک از قبر مسلمانی گرفت و در میان قبر آن زن ریخت دیگر آن جسد را بیرون نینداخت من سؤال کردم این زن مگر چه عملی می‌کرده که دچار این نوع عذاب شده، گفت: او اهل زنا دادن بود و وقتی که حامله می‌شد بعد از وضع حمل بچه خود را در تنور آتش می‌سوزاند!!!

#### ۴۵۸. آئینه دار حق

مردی را از قبیله کنده خدمت امام علی آوردند امام به واسطه دزدی دستور داد تا دست او قطع کنند آن‌گاه امام به او فرمود: وای بر تو حیف نبود با این چنین صورت زیبایی و پاکی لباس و نسب بلند تو در میان عرب دست به دزدی زدی؟ مرد کندی سر به زیر انداخت و گفت: یا امیرالمؤمنین من تا به حال دزدی نکرده‌ام و این مرتبه اول است.

۱. وسایل، ج ۵، ص ۴۷.



حضرت به او فرمود: وای بر تو خداوند متعال تو را به گناه اول رسوا و گرفتار نمی‌کند تو چند مرتبه دزدی کرده‌ای تا این که گرفتار شدی.

مردی کندی گفت: یا امیرالمؤمنین من سیزده نفر عیال را باید نان دهم اینها به غیر من ولی و سرپرستی ندارند حضرت مدتی را سر به زیر انداخت، سپس فرمود: باید دستش را قطع کنید.

مردی کندی دامن حضرت را محکم گرفت و التماس کرد حضرت باز سر به زیر انداخت، آن‌گاه پس از مدتی فرمود: راهی نمی‌بینم مگر آن که دست او را قطع کنید وقتی دست او را قطع کردند آن مرد گفت: به خدا قسم ۹۹ مرتبه دزدی کردم و خداوند متعال مرا رسوا نکردند و این مرتبه صدم بود که من دزدی کرده بودم وقتی این خبر را به امام دادند امام فرمود: هم و غم من برطرف شد چرا که او اصرار داشت من یک مرتبه دزدی کردم و خداوند حکیم و کریم است و به واسطه گناه اول تعجیل در عقوبت بندگان نمی‌نماید. مردم از هر طرف برخاستند و دست و پای امام را بوسه زدند.<sup>۱</sup>

### ۴۵۹. روشنای کبریا

سید رضی در نهج‌البلاغه آورده که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

سوگند به خدا - سوگندی که در آن مشیت خدا را مستثنی می‌دانم - نفس خود را چنان ریاضت دهم که اگر گرده نانی برایش فراهم آوردم شاد گردد و به نانخورش نمک بسازد.

و چشم خانه خود را واگذارم که همچون چشمه‌ای که آبش تهی می‌شود اشک‌هایش خالی گردد.

مگر نه این که اشتران بیابان جز وقتی از جویدن سیر شدند می‌آرمند و گوسفندان وقتی چوپانشان آن‌ها را از علف سیر کرد در خفتنگاه خود می‌خسبند؟

آیا علی هم چون قوت و غذای خود را خورد همچون حیوانات بیاساید؟ خشکیده باد چشمش اگر پس از سالیان دراز (جهاد و عبادت) به چارپایان بیابان بدون چوپان و به گوسفندانی که چوپان به چرایشان می‌برد اقتدا کند (روحی فداک مولای من).

۱. بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۲۸۶.

### ۴۶۰. مردی بی تکرار

عمر بن خطاب نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«لو أنّ الریاض اقلّام والبحر مداد والجن حساب والانس کتاب ما احصوا فضایل علی بن ابیطالب»؛  
اگر درختان قلم شوند و دریا مرکب و جنیان حساب کننده و آدمیان نویسنده،  
نمی توانند فضایل علی بن ابیطالب را شمارش کنند.<sup>۱</sup>

### ۴۶۱. برترین ایمان

عمر بن خطاب از رسول خدا ﷺ نقل کرد: «لَوْ وَزَنَ إِيمَانُ عَلِيٍّ بِإِيمَانِ أُمَّتِي لَرَجَحَ إِيمَانُ عَلِيٍّ عَلَيَّ»؛  
اگر ایمان علی را با ایمان امت من بسنجند ایمان علی بر ایمان امت من تا روز قیامت  
بیشتر و برتر خواهد بود.<sup>۲</sup>

### ۴۶۲. سه نور درخشان

رسول اکرم ﷺ فرمود: «سبق الامم ثلاثة لم يشركوا بالله طرفة عين علی بن ابیطالب وصاحب  
یاسین ومؤمن آل فرعون فهم الصديقون - حبيب النجار مؤمن آل یاسین وحزقيل مؤمن آل فرعون  
وعلی بن ابیطالب وهو افضلهم».

سبقت گیرندگان از جمیع مردم سه نفر بودند که شرک به خداوند نیاورند  
علی بن ابیطالب و صاحب یاسین و مؤمن آل فرعون که ایشانند راست گوینان - حبيب  
نجار مؤمن آل یاسین و حزقيل مؤمن آل فرعون و افضل آنها علی بن ابیطالب ﷺ بود.<sup>۳</sup>

### ۴۶۳. مولای هفت آسمان

ثعلبی در تفسیرش نقل کرده عمر بن خطاب گفت: شهادت می دهم از رسول خدا ﷺ

۱. کفایه الطالب، ص ۲۵۱ - مناقب خوارزمی، ص ۳۲۸، ح ۳۴۱.

۲. حلیة الابرار، ج ۲، ص ۵۳.

۳. کفایه الطالب باب ۲۴ و تفسیر ثعلبی و تفسیر کشاف نوشته زمخشری.





شنیدم که فرمود: «لو أنّ السموات السبع والارضین السبع فی کفة میزانٍ ووُضِعَ ایمانُ علیٍّ فی کفةٍ میزانٍ لرجحَ ایمانُ علیٍّ»؛

اگر هفت آسمان و زمین را در یک کفه ترازو قرار دهند و ایمان علی را در کفه دیگر هر آینه ایمان علی برتر و سنگین تر است بر آنها.<sup>۱</sup>

◆ ۴۶۴. حبی عجیب ◆

رسول خداﷺ فرمود: «حَبَّ عَلِيٌّ حَسَنَةً لَا يَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ»؛ دوستی و محبت علی حسنه ایست که هیچ گناهی به او ضرر نمی‌رساند.<sup>۲</sup>

◆ ۴۶۵. پاک بی‌همتا ◆

در نزدیکی ارتحال رسول خداﷺ ایشان به دخترش فرمود: «انَّ الْكِرَامَةَ اللَّهُ آيَاكَ زَوْجِكَ مِنْهُ هُوَ أَقْدَمُهُمْ سَلَامًا وَأَكْثَرُهُمْ عِلْمًا».

یعنی: از جمله کرامت‌های خداوند به تو آن است که تزویج کرد تو را به کسی (علی) که جلوتر از مردم است در اسلام و عالم‌ترین آنها از حیث علم و دانش. آن‌گاه فرمود:

خداوند متعال نظر کرد بر اهل زمین پس مرا به پیغمبری اختیار نمود آن‌گاه نظر دیگری فرمود علی را برگزید به وصایت بعد از من سپس وحی نمود که تو را به ازدواج او در آورم و او را وصی خود قرار دهم.<sup>۳</sup>

◆ ۴۶۶. رستگاران دنیا و آخرت ◆

جابر بن عبدالله نقل نمود: خدمت رسول خداﷺ بودیم که امام علیؑ به سوی ما آمد حضرت فرمود:

۱. موده/القربی و موده هفتم و العمدة نوشته ابن طریق متوفای سال ۶۰۰ هجری قمری.

۲. نهج‌الحق، ص ۲۵۹ نوشته علامه حلی.

۳. ینابیع‌المودة باب ۷۳ - جواهر العقدين - صواعق المحرقة - طبرانی در اوسط و کفایه الطالب با مختصر تفاوتی در الفاظ و عبارات این حدیث را آورده‌اند.

«قد اتاكم اخی»؛ یعنی: به سوی شما آمد برادر من آن گاه رسول خدا ﷺ به سوی کعبه نگاه کرد و دست علی را گرفت و فرمود: «والذی نفسی بیده ان هذا وشیعته هم الفائزون یوم القیمة»؛

یعنی: به آن خدایی که جان من در دست اوست این علی و شیعیان او رستگارانند در روز قیامت.<sup>۱</sup>

### ۴۶۷. دریای اسرار و حکمت

عبدالله بن مسعود نقل کرد که امیرالمؤمنین علیه السلام بر بالای منبر فرمود: «أیها الناس سلونی قبل ان تفقدونی فان بین جوانحی علما جما فسلونی فان عندی علم الاولین والآخرین»؛ ای مردم سؤال کنید از من قبل از آن که مرا نیابید پس به درستی که در سینه من علم فراوانی است سؤال کنید از من که در نزد من است علم اولین و آخرین.<sup>۲</sup>

### ۴۶۸. روحی واحد

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه آورده که امام فرمود: «ولقد قبض رسول الله ﷺ وان راسه لعلی صدری ولقد سألت نفسه فی کفی فامررتها علی وجهی»؛ هر آینه به تحقیق رسول خدا ﷺ قبض روح شد در حالی که سر مبارکش روی سینه من قرار داشت و روح آن حضرت از دست من خارج شد و من دستهایم را بر صورتم کشیدم.<sup>۳</sup>

### ۴۶۹. نسلی نورانی

اجداد و آباء امام علی علیه السلام برخلاف دیگران تا آدم ابوالبشر همگی موحد و خداپرست بودند و در صلب و رحم ناپاکی، آن نور پاک قرار نگرفت و بعد از رسول خدا ﷺ این طهارت و پاکی اختصاص به علی علیه السلام دارد.

۱. مناقب خوارزمی فصل نهم - شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۶۷.

۲. ینابیع المودة - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۷.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۵۶۱.



❖ ۴۷۰. غمخوار امت ❖

امام علی علیه السلام می فرماید: «فصبرت وفي العين قذى وفي الحلق شجى»؛ صبر کردم مانند کسی که در چشمش خار و خاشاک و در گلویش استخوانی مانده باشد.<sup>۱</sup>

❖ ۴۷۱. پرخاش دشمن پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام ❖

ام سلمه به عایشه فرمود: یادت بیاید که من همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله به حجره تو آمدم در آن بین علی وارد شد و با رسول خدا صلی الله علیه و آله نجوی می کرد و آن صحبت به طول کشید تو خواستی بر آن حضرت پرخاش کنی من منعت کردم اما تو گوش ندادی و به آن بزرگوار گفתי، در هر نه روز یک روز نوبت من است آن هم تو آمدی و پیامبر را مشغول نموده ای و رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی این حرکت تو را با علی دید در حالی که صورت مبارکش سرخ شده بود به تو فرمود: «ارجعی وراك والله لا يبغضه احد من اهل بيتي ولا من غيرهم من الناس الا وهو خارج من الايمان»؛

یعنی: برگرد به عقب به خدا قسم احدی از اهل بیت من و نه غیر آنها از مردم با علی دشمنی نکند الا این که او از ایمان بیرون رفته است پس تو پشیمان برگشتی...<sup>۲</sup>

❖ ۴۷۲. برترین ها ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «انا خاتم النبیین وانت يا علی خاتم الوصیین امی يوم الدين»؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله من خاتم الانبیاء الهی هستم و تو یا علی خاتم اوصیاء هستی تا روز قیامت.<sup>۳</sup>

❖ ۴۷۳. کفو فاطمه ❖

در روایتی آمده است که هرگاه کسی به خواستگاری فاطمه علیها السلام می رفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عذر می خواست و می فرمود: «لم ينزل القضاء بعد»؛ هنوز حکم و فرمانی در این باره بر

۱. نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲. ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۲۱۷.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷۴.

من نازل نشده است.<sup>۱</sup> تا این که امام علی علیه السلام به خواستگاری آمد و ایشان را طبق فرمان خداوند متعال پذیرفت.

#### ۴۷۴. آئینه سرور نبی صلی الله علیه و آله

ام سلمه روایت کرده است: آن هنگامی که رسول مکرم صلی الله علیه و آله غضبناک می شد هیچ احدی جز علی جرأت سخن گفتن با حضرت را نداشت.<sup>۲</sup>

#### ۴۷۵. ثمره رسول خدا صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ان الله جعل ذریه كل نبی فی صلبه وجعل ذریتی فی صلب هذا، یعنی: علی»  
خدا نسل هر پیغمبری را از پشت او به ثمر رسانده به جز نسل مرا که از پشت علی به ثمر می‌رساند.<sup>۳</sup>

#### ۴۷۶. فرمان خداوند است

رسول خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمود: خداوند به من فرمان داده تا فاطمه را به همسری تو در بیاورم با چهارصد مثقال نقره اگر تو راضی باشی. گفت: راضی هستم ای پیامبر خدا.

آن گاه انس بن مالک به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید: خدای بزرگ هر دو شما را به هم برساند و تلاشتان را به سوی خوشبختی رهنمون سازد و برکت به زندگیتان اندازد و از شما نیز نوه و فرزندان بسیار و نیکو تکثیر سازد.<sup>۴</sup>

۱. ذخائر العقبی، ص ۳۰.

۲. ینابیع المودة، ص ۳۳۸، الاتحاف بحث الاشراف شافعی، ص ۱۵۴ - تاریخ الخلفاء، ص ۶۶ - صواعق المحرقة ص ۷۳ - الاوسط طبرانی - کنوز الحقایق، ص ۴۶۷ - مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۶ - مناقب سیدنا علی، ص ۴۲ - مستدرک حاکم و تلخیص المستدرک، ج ۳، ص ۱۳۰ - السراج المبین، ص ۱۴۳ - الشرف المؤید، ص ۱۱۳ - الکوکب الدرّیه، ج ۱، ص ۳۹ - مناقب المرتضوی، ص ۱۵۵.

۳. ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی - طبری، ص ۶۷

۴. ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی طبری، ص ۳۰.



## ۴۷۷. فریادرس غم‌دیده‌گان

در زمان عمر پس از حمله به ایران اسیران خانواده یزدگرد سوم را به مسجد آوردند تا خلیفه آن‌ها را ببیند تعداد آن‌ها ۴۵ نفر بود و بین آن‌ها مردی وجود نداشت و همه زن و کودک بودند عمر به دنبال امام علی علیه السلام فرستاد امام علی علیه السلام وارد مسجد شد مشاهده کرد که عده‌ای در آنجا جمع شده‌اند.

عمر گفت: یا علی بیا بین این زن چه می‌گوید؟

علی علیه السلام کنار عمر بر زمین نشست و از زنی که مقابل ایستاده بود پرسید چه می‌گویی؟ آن زن با زبان عربی مخلوط گفت: من تقاضا کردم که با یک نفر فارس زبان صحبت کنم تا بتوانم منظورم را به او بفهمانم علی علیه السلام از او پرسید تو که هستی؟ زن جواب داد: من دختر پادشاه ایران هستم.

امام علی علیه السلام به زبان فصیح پهلوی ساسانی از او پرسید: نامت چیست؟ زن گفت: شهربانو و پس از این گفته به گریه افتاد.

امام علی علیه السلام به زبان فارسی به او فرمود: ای شهربانو گریه نکن.

دختر پادشاه ایران گفت: من از این جهت گریه می‌کنم که تخت نشین بودم و بر سریر سلطنت جای داشتم و اینک پای‌افزار ندارم و پاهای من از سنگ و خار بیابان مجروح شده.

امام علی علیه السلام به زبان فارسی گفت: تو کفاره گناه جد خود خسرو پرویز را می‌دهی که نامه پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله را پاره کرد.<sup>۱</sup>

زن جوان سر به زیر انداخت عمر از علی علیه السلام پرسید این زن چه می‌گوید؟

امام علی علیه السلام آنچه را به زبان پهلوی ساسانی به شهربانو گفته و شنیده بود برای عمر ترجمه کرد و آن‌گاه به شهربانو فرمود: تو درخواست کرده بودی شخصی که زبان فارسی را بداند اینجا بیاید که تو بتوانی منظور خود را به او بگویی اکنون هر چه می‌خواهی بگو. شهربانو قبل از این که منظور خود را بگوید اظهار کرد: من نام تو را شنیدم و دانستم که نامت علی علیه السلام است اما نمی‌دانم بین مسلمین دارای چه مرتبه‌ای هستی؟

۱. به قول مرحوم سعدی از مکافات عمل غافل مشو، گندم از گندم بروید جو زجو = این فرمایش امام ریشه قرآنی دارد آنجا که به خاطر صالح بودن آن مرد خداوند دستور به ترمیم دیوار فرو ریخته توسط خضر و موسی علیهم السلام داد.

علی علیه السلام فرمود: من مردی هستم مانند سایر مسلمین و مرتبه‌ای ندارم. شهربانو گفت: اگر تو دارای مرتبه‌ای نیستی چرا خلیفه نسبت به تو با احترام رفتار می‌نماید.

امام علی علیه السلام فرمود: علتش این است که من جزو مسلمین اولیه هستم. شهربانو گفت: اگر من و سایر زن‌های اسیر گناهکاریم، این کودکان را که می‌بینی گناهی ندارند و مع‌هذا در راه به آن‌ها تازیانه زدند و چون پای‌افزار ندارند پای همگی آن‌ها مجروح و خون‌آلود است. عمر گفت: مسلمین به کودکان تازیانه نمی‌زنند و اگر این اطفال تازیانه خوردند لابد بر اثر عدم اطاعت بوده است.

در این‌جا عمر از علی علیه السلام درباره کودکان اسیر پرسید علی علیه السلام برخاست و به کودکان خانواده سلطنتی ایران که همه لاغر و گردآلود بودند و پاهای مجروح داشتند نزدیک شد و با زبان پارسی با کودکان صحبت کرد اطفال که مشاهده کردند کسی با زبان پارسی با آن‌ها محبت می‌کند خوشحال شدند و علی علیه السلام ضمن صحبت با کودکان یتیم ایرانی دست بر سرشان می‌کشید و آنان را نوازش می‌کرد عمر و دیگران که در مسجد بودند دیدند قطرات اشک از چشم امام علی علیه السلام جاری گشت و روی گونه‌های مبارکش فرود آمد!!

عمر گفت: یا علی! چرا گریه می‌کنی؟

علی علیه السلام فرمود: چون بیت‌المال برای نگهداری این کودکان بی‌سرپرست مجوزی ندارد خود من از آنان نگاهداری می‌کنم.

عمر گفت: یا علی! تو پدر یتیمان هستی.

در همین ماجرا بود که ماجرای ازدواج شهربانو با امام حسین علیه السلام اتفاق افتاد.<sup>۱</sup>

#### ۴۷۸. تسویه حساب‌های سیاسی

عمرین خطاب در روزهای آخر عمرش گفته بود که با کشته شدن ابولولو (فیروز)

۱. امام علی علیه السلام در روایت اهل سنت، ص ۵.



نهبانندی<sup>۱</sup> انتقام خویش گرفته شده است اما در این میان عده‌ای که واهمه داشتند با توجه به توصیه او، به حضرت علی علیه السلام روی آوردند تا او را به خلافت برگزینند، در این میان طلحه بیش از سایرین فعالیت داشت او می‌کوشید عداوت و کینه شخصی ابولولو به شخص خلیفه را نوعی توطئه قلمداد کند و با بهانه خونخواهی عمرین خطاب به کشتار کسانی بپردازد که از صمیم قلب به حضرت علی علیه السلام ارادت داشتند.

ایرانیانی که در مدینه سکونت داشتند هیچ گونه دخالتی در توطئه قتل خلیفه نداشتند حتی در این میان یکی از موبدان زرتشتی ساکن شهر مدینه نهایت تلاشش را به کار برد تا با استفاده از داروهای ایرانی به معالجه و مداوای عمر مبادرت کند اما طلحه با بی‌توجهی به این مسائل، افکار عمومی را علیه ایرانیان ساکن شهر مدینه شورانید و گروهی از اعراب را با خود همدست کرد و به قتل ایرانیان پرداخت در این میان تنها آن عده از ایرانیان که توانستند به بیت‌المال پناهنده شوند جان سالم بدر بردند.

طلحه به سراغ این دسته نیز رفت او هنگامی که قصد داشت افرادی را که به بیت‌المال پناه برده بودند را از محوطه بیت‌المال خارج و آن‌ها را به قتل رساند امام علی علیه السلام سر رسید و به طلحه یادآور شد که ایرانیان مدینه در پناه قوانین اسلام قرار دارند و اسلام هیچ گاه نمی‌پذیرد که قتل یک فرد موجب انتقام گرفتن از جماعتی گردد. در این میان یکی از ایرانیان که مورد ستم طلحه قرار گرفت سلمان فارسی بود او خاطر مسلمان بودنش به قتل نرسید اما زندانی شد تا این که امام علی علیه السلام او را از زندان آزاد ساخت.<sup>۲</sup>

### ۴۷۹. یعسوب المؤمنین

امام علی علیه السلام فرمود: «انا یعسوب المؤمنین و المال یعسوب الظلمة و المال لایروس اما یراس به»، من مهتر مؤمنان هستم و ثروت، رئیس ستمکاران به ثروت خود نمی‌بالد بلکه به آن خودنمایی و برازندگی می‌شود.<sup>۳</sup>

۱. مرقد فیروز در شهر مقدس کاشان می‌باشد.

۲. علی علیه السلام از دیدگاه اهل سنت، ص ۲.

۳. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۲۴۷.







حضرت خود را در توصیف کوفه این چنین می‌فرماید: «ما اصبح بالكوفه الا ناعما ان ادناهم منزلة لياكل البر ويجلس في الظل ويشرب من ماء الفرات».

هیچ کس در کوفه نیست که زندگی او سامانی نیافته باشد پایین‌ترین افراد نان گندم می‌خورند و خانه دارند و از بهترین آب آشامیدنی استفاده می‌کنند.<sup>۱</sup>

### ۴۸۳. جانشین رسول اکرم

علی علیه السلام ۱۳ ساله بود که خداوند به پیغمبر فرمان داد تا خویشان نزدیک خود را از نافرمانی خداوند بیم دهد و دعوت خود را آشکار سازد و «وانذر عشیرتک الاقربین»<sup>۲</sup> رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: به خدیجه بگو غذایی تهیه کند سپس چهل مرد از اولاد عبدالمطلب (پسری و دختری) را خبر کن که دعوت مرا برای صرف غذا اجابت کنند مردان بنی‌هاشم آمدند و بر سفره پیغمبر نشستند، بعد از صرف غذا رسول خدا صلی الله علیه و آله سه بار برخاست و طی سخنانی دعوت خود را آشکار ساخت و فرمود: خداوند مرا به پیغمبری برانگیخته و هر کس از شما زودتر برخیزد و مرا تصدیق کند جانشین بلافصل من خواهد بود در هر سه بار غیر از علی علیه السلام آن پسر بچه ۱۳ ساله کسی برنخواست. پیغمبر فرمود: بدانید که جانشین بلافصل من علی است از او شنوایی داشته باشید از وی فرمان بپذیرید.

با ادای این سخن حاضران که همه مشرک بودند برخاستند و در حالی که می‌خندیدند و بیرون می‌رفتند به ابوطالب که حامی رسول خدا صلی الله علیه و آله بود به طعنه گفتند: محمد تو را بر آن داشت تا از فرمان پسرت علی پیروی کنی و اطاعت او را به گردن بگیری.<sup>۳</sup>

### ۴۸۴. کرم الله وجهه

جلال‌الدین دوانی می‌نویسد: دانسته بودم که نفس شریف ایشان (علی علیه السلام) قدسی و علم ایشان لدنی است به حدی که وقتی در مشیمه مادر خود (در شکم) فاطمه بنت اسد

۱. بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۲۷.

۲. بقره / ۲۱۴.

۳. بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۱۷۴.

بودند چون حضرت سیدالبشر رسول خدا ﷺ فاطمه را می‌دیدند فاطمه بی‌اختیار برای احترام از جای خود برمی‌خاست و چون از حقیقت حال او سؤال نمودند فرمود: هرگاه حضرت سیدالبشر را می‌بینم جنینی که در مشیمه (شکم) دارم حرکت می‌کند که بلند شود (لذا من نیز مجبورم بلند شوم) و چون آن حضرت از طرفی به طرف دیگر حرکت می‌کند جنین من نیز حرکتی می‌کند که می‌دانم روی به آن طرف که حضرت توجه کرده‌اند آورده است!!

و می‌افزاید:

اکثر علمای اهل سنت وجه آن که ایشان را «کرم‌الله وجهه» یعنی: گرامی باد رخسارش می‌خوانند، همین معنی نوشته‌اند پس دانستم که ایشان را حالت و مرتبه جناب نبوی منکشف بوده، در حالتی که تولد نیافته بودند، و این از خواص نفس قدسی است.<sup>۱</sup>

#### ۴۸۵. اولین رتبه‌ها از اوست

جابر بن عبدالله انصاری گفت روزی در حضور رسول اکرم ﷺ نشستیم بودیم علی بن ابیطالب ﷺ به خدمت آن حضرت رسید هنگامی که چشم پیامبر اکرم ﷺ به رخسار علی ﷺ افتاد فرمود: برادرم علی ﷺ به نزد شما آمد سپس رو به کعبه کرد و گفت: به خدای این خانه سوگند این مرد و شیعیانش در قیامت از فائزان و رستگارانند.

آن‌گاه رو به ما کرد و فرمود: ای یاران بدانید: «انّه اولکم ایمانا بالله واقومکم بامرالله و اوافقکم بعهدالله واقضاکم بحکم‌الله واقسمکم بالسویه و اعدلکم فی الرعیه و اعظمکم عندالله مزیه».

علی اولین مؤمن و پایدارترین شما در امرالله و با وفاترین در عهدالله و عالم‌ترین در حکم‌الله با انصاف‌ترین در تقسیم بیت‌المال و عادل‌ترین در حفظ حقوق رعیت و با مزایاترین شخص در نزد خداست.

بعد از این بیانات آیه شریفه «انّ الذّین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه»؛ بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شد.

سپس جابر بن عبدالله ادامه داد و گفت: هرگاه در جمعی بودیم و علی ﷺ از راه می‌رسید

۱. نورالهدایه فی الامامه، پیوست شرح زندگانی جلال‌الدین دوانی، ص ۱۳.



اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می گفتند: ای مردم بهترین بندگان خدا بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به سوی شما می آید.<sup>۱</sup>

### ۴۸۶. حرکتی عجیب

صاحب کتاب الغارات<sup>۲</sup> از استادش نقل می کند و می گوید: من بچه بودم پدرم مرا به مسجد جامع کوفه برد و علی بن ابیطالب رضی الله عنه در حال ایستاده در روز جمعه مشغول خواندن خطبه بود و من دیدم علی بن ابیطالب با آستینش خود را باد می زند مسجد پر از جمعیت بود و من هم بچه بودم پدرم مرا روی گردنش نشانده که من آن صحنه ها را ببینم. من این صحنه را دیدم که امیرالمؤمنین رضی الله عنه با آستین، خود را خنک می کند به پدرم گفتم: پدر چون هوا گرم است امیرالمؤمنین رضی الله عنه با آستین لباسش خود را خنک می کند؟ پدرم به من فرمود: این چنین نیست علی بن ابیطالب رضی الله عنه احساس گرما و سرما نمی کند نه گرما علی رضی الله عنه را آزار می دهد و نه سرما و علتش هم آن است که در یک جریانی رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به امیرالمؤمنین رضی الله عنه دعا کرد و عرض کرد: خدایا اثر برودت و حرارت را به علی نچشان بعد از آن دعا دیگر علی رضی الله عنه نه در تابستان ها از گرما رنج می برد و نه در زمستان ها از سرما رنج می برد. پسرجان! علی بن ابیطالب رضی الله عنه برای این آستین لباسش را حرکت می دهد زیرا که او بیش از یک پیراهن ندارد و چون این لباس را شسته و خشک نشده است آستین را حرکت می دهد که خشک بشود. پسرم! علی رضی الله عنه از این کار لذت می برد چون به غیر حق دل نمی بندد و این را هم هنر نمی داند و به حساب کمال نمی آورد.

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۶۷.

۲. الغارات، ج ۱، ص ۹۸ - بحار الانوار، ج ۸، ص ۷۳۹ «الغارات» تقریباً یک قرن قبل از نهج البلاغه نوشته شده است این کتاب به این مناسب الغارات نامگذاری شده است که در آن به غارت هایی که بنی امیه در زمان حکومت امام رضی الله عنه در قلمرو حکومت حضرت روا داشتند در این کتاب اشاره شده است.

## ۴۸۷. یآوری یگانه

صاحب کتاب تنبیه الغافلین در ذیل آیه شریفه: «یا ایها النبی اذا جاءك المؤمنك بیایعناک»<sup>۱</sup> آورده که فاطمه بنت اسد (مادر علی) نخستین زنی بود که با رسول خدا ﷺ بیعت کرد و نخستین زنی بود که هجرت کرد و با پیغمبر بسیار مهربان بود و پیغمبر ﷺ برای دشواریهای محشر برای او دعا فرمود... و زمانی که درگذشت پیغمبر بسیار اندوهگین شد و فرمود: تو مرا سیر می کردی در حالی که عقیل و جعفر و علی گرسنه بودند خدایت بیامرزد.<sup>۲</sup>

## ۴۸۸. حله علی

معاویه نامه ای برای امام علی ﷺ نوشت که متن نامه اشاره عمیقی به آن گفته مولا دارد که فرمود: خار در چشم و استخوان در گلو تحمل کرده آنچه را که دیدم و اینک متن نامه:

یادت می آورم دیروز را - روزی که مردم با ابوبکر بیعت کردند - که بانوی خانه ات را بر دراز گوشه سوار کرده بودی و دست بچه های حسن و حسین را در دست گرفته بودی احدی را از بدرین و سابقین در اسلام را فرو گذار نکردی مگر این که به سوی خویش دعوت کردی و خود با زن و بچه ات به سوی آن ها رفتی و از آنان یاری طلبیدی که یار رسول الله بوده ای و یاری ات کنند اما جز چهار نفر یا پنج نفر تو را جواب نگفتند و به جان خودم اگر حق بودی جوابت گفته بودند اما تو ادعای باطلی داشتی و آنچه را حقت نبود می خواستی و طلب می کردی و آنچه را نمی رسیدی قصد کرده بودی و اگر فراموش کرده باشی من از یاد نبرده ام که وقتی ابوسفیان تحریکت می کرد گفتی: اگر چهل نفر یار با عزمی می داشتم مقاومت می کردم.<sup>۳</sup>

(این قضیه تا ۴۰ شب ادامه داشت و کسی جز چند نفر که طبق دستور امام سرهای خود را تراشیده بودند اعلام آمادگی نکردند).

۱. ممتحنه / ۱۲.

۲. تنبیه الغافلین، ص ۱۹۰.

۳. کتاب سلیم بن قیس، ص ۳۵۸.



طبری می‌گوید: علی را تا فاطمه بود حرمتی می‌نهادند و چون فاطمه رخ بر نقاب خاک کشید همه از او روی بر تاختند.<sup>۴</sup>  
لذا ابن‌ابی‌الحدید می‌گوید: صبر علی مانند معجزه است.

### ۴۸۹. دو بال نبوت

روزی ابوطالب دید که امام علی در سمت راست پیامبر اکرم نماز می‌گزارد در آن حال رو کرد به فرزند دیگرش جعفر (جعفر طیار که از امام علی بزرگ‌تر بود) فرمود: فرزندم تو هم آن طرف پسر عمویت بایست و نماز بگزار جعفر هم آمد و با رسول خدا نماز گزارد پس از آن ابوطالب قصیده‌ای در مدح پیامبر اکرم سرود و علی و جعفر فرزندانش را مورد وثوق خود قرار داد.<sup>۵</sup>

### ۴۹۰. منافق شناس بزرگ

محمد بن حنفیه بیان می‌کند: روزی پدرم امیرالمؤمنین علی با اصحابش سلمان فارسی، عمار، صهیب، مقداد و ابوذر از بیرون وارد شهر مدینه شدند که با عبدالله بن‌ابی‌سر کرده منافقین مدینه و پیروانش روبرو شدند.  
چون علی نزدیک شده عبدالله بن‌ابی‌زبان نفاق گشاد و گفت: مرحبا به سید بنی‌هاشم «وصی رسول‌الله و اخیه و ختنه و ابی السبطين الباذل له ماله و نفسه»؛ امام علی فرمود: وای بر تو ای ابن‌ابی! ولی من گواهی می‌دهم تو منافقی بی‌دین هستی.  
ابن‌ابی‌گفت: یا علی! آیا این سخنان را درباره من می‌گویی به خدا سوگند من مؤمنی مثل تو و یارانت هستم.

امام علی فرمود: ای ابن‌ابی! مادرت به عزایت بنشیند به یقین می‌دانم تو منافق بی‌دینی هستی، عبدالله بن‌ابی‌به نزد پیامبر اکرم آمد و از آنچه بین او و پدرم علی گذشته بود اظهار ناراحتی کرد.

۴. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۰۸ - صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۰۲.

۵. الغدیر، ج ۳، ص ۲۲۱.

ابن ابی هنوز در مجلس رسول خدا ﷺ بود که آیه شریفه: «وَإِذَا الْقَوَا أَلَدِينَ آمَنُوا» نازل شد.

یعنی: ابن ابی هرگاه امیرالمؤمنین علی ﷺ را که مؤمن و تصدیق کننده قرآن است ملاقات کند می گوید: «قَالُوا آمَنُوا» یعنی به محمد ﷺ و قرآن عظیم ایمان راستین داریم. همین ها وقتی دوستان منافق و شیاطین خود را می بینند اظهار می دارند ما در کفر و شرک با شما هستیم «وَأَمَّا نَحْنُ مُسْتَهْزُونَ» ما علی ﷺ و یارانش را استهزا می کنیم. خداوند فرمود: «وَاللَّهِ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ» خدای تعالی در پاسخ استهزا به علی ﷺ و یارانش آنان را در آخرت عذابی دردناک و مجازاتی سخت می نماید.<sup>۱</sup>

#### ۴۹۱. پیامبر ﷺ عزا دار شد

وقتی که فاطمه بنت اسد مادر امیرالمؤمنین علی ﷺ از دنیا رفت حضرت علی ﷺ گریان به خدمت خاتم الانبیاء آمد حضرت فرمودند: یا علی! چرا گریه می کنی؟ خدا هرگز دیده های تو را گریان نسازد؟ حضرت عرض کرد: مادرم فوت شده است.

رسول خدا ﷺ فرمودند: البته مانند این است که مادر من فوت شده است او فرزندان خود را گرسنه می داشت و مرا سیر می کرد سپس برخاست و به دنبال تجهیز او رفت و پیراهن مبارک خود را داد تا او را کفن کنند و در تشییع جنازه او با پای برهنه آهسته قدم بر می داشت و در نماز او هفتاد تکبیر گفت و در قبر او خوابید و بعد از آن به دست مبارکش او را در لحد گذارد و شهادت و تلقین نمود و چون قبرش را پوشاندند و مردم خواستند برگردند سه مرتبه فرمود: پسر تو نه جعفر و نه عقیل!!

پسر تو علی بن ابیطالب.

مردم گفتند:

یا رسول الله درباره این جنازه چند کار انجام داده اید که در جنازه های دیگر نکرده اید؟ حضرت فرمود:

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۹۴.



این که من آهسته گام بر می‌داشتم برای کثرت و ازدحام ملائکه بود و هفتاد تکبیر گفتن از برای آن بود که هفتاد صف از ملائکه بر او نماز خواندند.

و اما این که در لحدش خوابیدم برای آن بود که در حال حیات روزی برای او از فشار قبر گفتم و او گفت وای از ضعف در آن روز پس در لحدش خوابیدم که زمین بر او فشار نیاورد.

و اما او را کفن کردم به پیراهن خودم چون روزی در حال حیات برایش از قیامت گفتم که مردم عربان محشور می‌شوند گفت:

وای از آن روز لذا او را به پیراهن خود کفن کردم تا در آن روز پوشیده محشور گردد و اما این که به او گفتم فرزندت برای این بود که دو ملک آمدند و از او از خدایش سؤال نمودند گفت: خداوند پروردگار من است گفتند: پیامبر تو کیست؟ گفت:

محمد ﷺ پیامبر من است گفتند: امام تو کیست؟ او شرم نمود از این که بگوید فرزندم علی ﷺ پس به او گفتم بگو: فرزند تو علی بن ابیطالب و خداوند دیده‌اش را به این روشن نمود.<sup>۱</sup>

### ۴۹۲. حق نزد اوست

عبدالرحمن بن عمره می‌گوید: از رسول خدا ﷺ پرسیدم: مرا برای دستیابی به نجات راهنمایی کن؟

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: هان! پسر سمره آن‌گاه که آهنگ‌ها گونه‌گون شود و اندیشه‌ها پراکنده تو، همراه علی بن ابیطالب باش که او پیشوای امت من وظیفه آنان در بعد از من خواهد بود.

او است فاروق که حق را از باطل جدا کرده، می‌شناساند آنکه پرسد، او را پاسخ خواهد داد و آنکه راه جوید او را هدایت خواهد کرد آن که جویای حق است بداند که حق نزد اوست و آن که هدایت را جستجوگر است بداند که هدایت را در علی خواهد یافت.<sup>۲</sup>

۱. حق‌الیقین، ص ۳۹۸.

۲. کمال‌الدین، ص ۲۵۷.







### ۴۹۶. قدردانی خدای بزرگ

ابن عباس گفت: خداوند متعال با دو آیه از قرآن کریم از کارهای با ارزش علی بن ابیطالب علیه السلام تشکر و قدردانی فرمود: یکی در آیه ۱۴۴ آل عمران: «وسيجزي الله الشاكرين» و دیگری در آیه «وسنجزي الشاكرين»<sup>۱</sup>.

### ۴۹۷. اسماء با برکت

سلیمان جعفر می گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم: در خانه ای که اسم محمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا عبدالله و از زنان اسم فاطمه باشد فقر و تنگدستی وارد آن خانه نخواهد شد.<sup>۲</sup>

### ۴۹۸. فضایل منحصر به فرد

هجری از عمویش نقل می کند از امام علی علیه السلام شنیدم که فرمود: من سخنی به زبان جاری می کنم که هر کس بعد از آن را تکرار کند بسیار دروغگو است. من بنده خدا و برادر رسول خدا و وارث پیامبر رحمت می باشم و سرور زنان امت را به همسری خود برگزیدم و من بهترین اوصیاء می باشم.<sup>۳</sup>

### ۴۹۹. مایه افتخار امام علی

در شعری منسوب به امام علی علیه السلام آمده که آن حضرت فرموده است: من به فاطمه و فرزندانش مباحات می کنم آن گاه به رسول خدا افتخار می کنم در آن هنگام که فاطمه را به همسری من در آورد.<sup>۴</sup>

۱. شواهد التنزیل، ج ۱ - آل عمران / ۱۴۵.

۲. سفینة البحار، ج ۴، ص ۲۹۵.

۳. اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۹۸.

۴. دیوان امام علی بن ابیطالب محمد عبدالرحمن عوض، ص ۶۵.

### ۵۰۰. سربلندی ویژه ❖❖

امام علی (ع) در جریان شورای شش نفره که به توصیه خلیفه دوم برای انتخاب جانشین دوم تشکیل شده بود و امام علی (ع) نیز یکی از آن‌ها محسوب می شد خطاب به سایر اعضاء فرمود:

شما را به خدا سوگند می دهیم! آیا در بین شما به جز من کسی هست که همسرش بانوی زنان جهان باشد؟ همگی پاسخ دادند: نه.<sup>۱</sup>

### ۵۰۱. اولین گرد آورنده قرآن ❖❖

ابن ابی الحدید درباره گرد آوری قرآن توسط علی (ع) می گوید: «واما قراءة القرآن واشتغاله به فهو المنظور اليه في هذا الباب اتفق الكل على انه كان يحفظ القرآن على عهد رسول الله (ﷺ) ولم يكن غيره يحفظه ثم هو اول من جمعه نقلوا كلهم انه تاخر عن بيعة ابوبكر...».

همه علمای اسلام اتفاق نظر دارند که در زمان پیامبر (ﷺ) علی تمام قرآن را حفظ کرد آن گاه او نخستین کسی است که قرآن را گرد آورد. همه علماء می گویند:

او در بیعت ابی بکر تأخیر کرد محدثان به گفته های شیعه مبنی بر این که تأخیر وی به منظور مخالفت با ابوبکر بود قائل نیستند بلکه می گویند حضرت به گردآوری قرآن مشغول بود.

پس این دلالت می کند بر این که علی اولین کسی است که قرآن را گردآوری کرد زیرا اگر قرآن در حیات پیامبر گردآوری شده بود نیاز نبود که بعد از وفات آن حضرت به گردآوری قرآن مشغول شوند.<sup>۲</sup>

۱. احتجاج، ج ۱، ص ۳۲۱.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۷.



### ❖ ۵۰۲. قرآن نویس ❖

ابن سعد در طبقات الکبری در روایت مسندی از محمد گوید: همه مسلمانان را اعتقاد بر این بود که علی قرآن را به ترتیب نزول آن نوشته است.<sup>۱</sup> و محدث ابو عمر یوسف بن عبدالله در کتاب الاستیعاب در روایت مسندی از ابن سیرین می گوید: علی قرآن را به ترتیب نزول آن نوشت.<sup>۲</sup>

### ❖ ۵۰۳. مصحف علی ❖

محدثان شیعه و سنی با اتفاق نظر می گویند: مصحف علی (قرآن جمع آوری شده توسط علی) دارای تأویل، تفسیر، تنزیل، ناسخ و منسوخ و متشابهات و... بود. لذا سلیم بن قیس در کتاب خود می آورد: چون علی قرآن را جمع آوری کرد به دست خودش تنزیل تأویل ناسخ و منسوخ آن را نوشت.<sup>۳</sup>

### ❖ ۵۰۴. قرآن نازل در دست اهل بیت ❖

عن جابر قال سمعت ابا جعفر یقول: «ما من احد من الناس یقول ان جمع القرآن کله کما انزل الله الا کذاب وما جمعه وما حفظ کما انزل الله الا علی بن ابیطالب وائمة من بعده». جابر روایت کند که شنیدم امام باقر فرمود: هر کس بگوید قرآن را آن طور که خداوند نازل کرده است من گردآوری کرده ام دروغ گو است. قرآن را جز علی بن ابیطالب و ائمه پس از او هیچ کس دیگر به ترتیب نزول آن حفظ و گردآوری نکرده است.<sup>۴</sup>

### ❖ ۵۰۵. اولین مصنف ❖

ابن شهر آشوب از علمای شیعه در قرن پنجم در کتاب معالم العلماء می نویسد: «بل الصیح ان اول من صنّف فیہ امیرالمؤمنین علی جمع کتاب الله جل جلاله»

۱. طبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۳۸.

۲. الاستیعاب حاشیه الاصابه، ج ۲، ص ۲۵۲.

۳. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۵۲.

۴. اصول کافی ج ۱، ص ۲۲۸ و البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۵.

بلکه درست این است که اولین کسی که در اسلام کتاب تصنیف کرد علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین است که کتاب الهی «قرآن» را گردآوری کرد.

### ۵۰۶. فضیلت واقعی

درباره آیه ۱۹ سوره مبارکه توبه «اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله و الیوم الآخر وجهد فی سبیل الله لایستون عندالله و الله لایهدی القوم الظالمین».

آیا سیراب کردن حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را همانند کسی پنداشته‌اید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده است و در راه خدا جهاد می‌کند؟ (نه این دو) نزد خدا یکسان نیستند و خدا ستمکاران را هدایت نخواهد کرد.

امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمود: همانا پدرم مؤمن راستین به خدا و روز قیامت و مجاهد در راه خدا بود و این آیه درباره وی نازل شده است.<sup>۵</sup>

در روایت دیگر امام باقر (علیه السلام) نیز درباره همین آیه شریفه فرمود این آیه درباره علی بن ابیطالب (علیه السلام) نازل شده است.<sup>۶</sup>

### ۵۰۷. افتخاری استثنایی

طبری نیز در تفسیر خود از محمد بن کعب قرظی نقل کرده که طلحه بن شیبه از بنی عبدالدار و عباس بن عبدالمطلب و علی بن ابیطالب (علیه السلام) بر هم افتخار می‌کردند. طلحه گفت: من متولی خانه خدا هستم و کلید خانه خدا در دست من است اگر بخواهم شب را در آن به سر خواهیم برد.

عباس بن عبدالمطلب نیز گفت: من مسئول آب‌دهی به زائران خانه خدا هستم و اگر بخواهم شب را در مسجدالحرام به سر خواهیم برد. امام علی (علیه السلام) به آن‌ها فرمود: من نمی‌دانم شما چه می‌گویید ولی من شش ماه پیش از دیگران به سوی قبله نماز خواندم و اهل جهاد در راه خدا هستم.

آن‌گاه خداوند آیه فوق را نازل فرمود.

۵. امالی طوسی، ص ۵۶۳.

۶. الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۵۴.



و در نقل دیگر که از تاریخ دمشق آمده است که عباس و شیبیه متولیان خانه خدا نشسته بودند و بر یکدیگر فخرفروشی می کردند عباس به وی گفت: من برتر از توأم من عموی پیامبر خدا و وصی پدرش و ساقی حاجیانم، شیبیه به او گفت: من از تو برترم من امین خانه خدا هستم آیا اینگونه که من مورد اعتمادم تو مورد اعتماد قرار گرفته‌ای؟

در این اثناء امام علی علیه السلام به جمع آن‌ها پیوست. عباس به امام گفت: پسر برادرم لحظه‌ای صبر کن! علی علیه السلام ایستاد. عباس ماجرای گفتگوی خود را گفت. امام علی علیه السلام به او فرمود: عموجان شما به او چه گفتید؟ عباس: جواب خود را به شیبیه گفت:

امام سپس به شیبیه فرمود تو چه گفتی؟ شیبیه نیز جوابش را گفت. امام علی علیه السلام به آن‌ها فرمود: همانا من از هر دو نفر شما برترم، من از بین مردان این امت اولین کسی هستم که ایمان آورد و در راه خدا مهاجرت و در راه دین او به جهاد فی سبیل الله پرداخته است. همه آن‌ها به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند و هر یک از افتخارات خود گفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چیزی جواب نفرمود و همه رفتند، بعد از چند روز وحی درباره آن‌ها نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و آله هر سه نفر آن‌ها را خواست و برای آن‌ها آیه فوق را خواندند.

### ۵۰۸. معیار شناخت

در دعای ندبه آمده: **ثم قال: «انت اخی ووصی و وارث لحکم من لحمی ودمک من دمی و سلمک سلمی و حربک حربی و الایمان مخالط لحکم ودمک کما خالط لحمی ودمی و انت غذا علی الحوض خلیفتی و انت تقضی دینی و تنجز عداقی و شیعتک علی منابر من نور مبیضة و جوههم حولی فی الجنة وهم جیرانی و لولا انت یا علی لم یعرف المؤمنون بعدی...».**

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی تو برادر و جانشین و وارث منی، گوشت تو همانند گوشت من و خون تو مانند خون من است آشتی با تو آشتی من و پیکار با تو پیکار با من است، آن چنان نیروی ایمان با گوشت و خون تو در آمیخته که گویی با گوشت و خون من در آمیخته است تو فردای قیامت جانشین من در حوض کوثر خواهی بود و آنچه را که من به شیعیان تو وعده داده‌ام ادا خواهی کرد و ایشان بر منبری از نور با چهره‌هایی تابناک

در کنار من در بهشت قرار دارند و همسایگان منند و اگر تو نبودی - ای علی - پس از من مؤمنان شناخته نمی شدند.

### ❖ ۵۰۹. صاحب لوائی حمد ❖

قندوزی در ینابیع المودة، صفحه ۱۱۳ روایت نقل کرده که لوائی حمد در قیامت در دست علی علیه السلام است. اقرار به این فضیلت منحصر به فرد مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام در کتب اهل سنت بسیار به چشم می فرود.

### ❖ ۵۱۰. صدیق اکبر ❖

عبادبن عبدالله گفت: شنیدم که علی بن ابیطالب فرمود: من بنده خدا و برادر رسول الله صلی الله علیه و آله و صدیق اکبرم که هر کس پس از من این سخن را بگوید دروغگو باشد که من هفت سال پیش تر از دیگران با رسول الله صلی الله علیه و آله نماز گزاردم.<sup>۱</sup>

### ❖ ۵۱۱. کاتبی امین ❖

مصحف امام علی علیه السلام همان قرآنی است که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در حین نزول آیات با دستور و املائی پیامبر آن حضرت (امام علی علیه السلام) می نوشت و آن نوشته ها تا هنگام ارتحال رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد آن حضرت نگهداری می شد و در حین وفات به علی علیه السلام سپرده شد تا آیات نوشته شده و پراکنده را به ترتیب اسباب نزول گردآوری نماید.

در اخبار ابی رافع است که پیامبر در بیماری خود به علی علیه السلام فرمود: یا علی! این کتاب الهی است پس بگیر در نزد خود، علی آن را در جامعه ای پیچید و به خانه خود برد چون پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت نمود علی که آگاه به قرآن بود در خانه خود نشست و آن را به ترتیب نزول جمع کرد.<sup>۲</sup>

سلیم بن قیس هلالی می گوید: از علی شنیدم که می فرمود: آیه ای از قرآن بر پیامبر

۱. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۳۷.

۲. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۵۱.



نازل نمی‌شد مگر این که بر من می‌خواند و املا می‌کرد و من با خط خود می‌نوشتم و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ آن را به من آموخت...<sup>۱</sup>  
 جبلة بن سحیم از پدرش از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود: اگر کرسی برای من گذاشته شود و قلم برای من معرفی شود هر آینه قرآنی را (برای مسلمانان) برون می‌کنم که پیامبر بر من املاء کرد و من با خط خود نوشتم.<sup>۲</sup>

❖ ۵۱۲. کاتب وحی ❖

در منبع اهل سنت نیز به مصحف امام علی علیه السلام اشاره شده است: چنانچه جلال‌الدین سیوطی در الاتقان روایتی را از ابوداود از ابن‌سیرین به شرح زیر یاد می‌کند!  
 علی علیه السلام فرمود: چون پیامبر وفات کرد من سوگند یاد کردم که تا قرآن را جمع نکنم جز برای نماز ردایم را بر دوش نیندازم و این گونه بود که قرآن را جمع کردم.<sup>۳</sup>

❖ ۵۱۳. نوشتن قرآن به ترتیب نزول ❖

ابن‌سیرین گوید:... به من خبر داد که علی علیه السلام قرآن را به ترتیب نزول نوشت و اگر آن قرآن در مجامع مسلمانان حضور می‌داشت علم زیادی در آن یافته می‌شد.  
 طبرسی در احتجاج روایتی را به شرح زیر نقل کرده است.  
 چون علی علیه السلام بی‌وفایی مردم را دید در خانه خود نشست و به قرآن رو آورد تا آن را گردآوری کند پس از خانه بیرون نیامد تا همه قرآن را گرد آورد و به ترتیب نزول آن را نوشت...  
 آن‌گاه آن را در جامه‌ای پیچید و مهر کرد سپس علی علیه السلام در حالی که مردم با ابوبکر در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله اجتماع کرده بودند مردم را با آواز بلند خطاب کرد و فرمود: ای گروه مردم!  
 از نخستین لحظه وفات پیامبر من به تغسیل و تکفین او مشغول بودم آن‌گاه به قرآن

۱. کمال‌الدین، ص ۲۸۴، باب ۲۴، ج ۳۷.  
 ۲. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۵۱۰.  
 ۳. جلال‌الدین سیوطی الاتقان منشورات الشریف الرضی، ج ۱، ص ۲۰۴.







سؤال شد پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «قسمت الحکمة عشرة اجزاء فاعطى على تسعة اجزاء واعطى الناس جزء واحد»؛

دانش و حکمت به ده قسمت تقسیم شده ۹ قسمت آن به علی داده شده و یک قسمت باقی آن به همه مردم.<sup>۱</sup>

### ۵۱۶. ایثار عاشقانه

در شب لیلة المبيت وقتی که قریش در رختخواب رسول خدا ﷺ امام علی را دیدند یکی از کفار قریش گفت: علی را رها کنید که مجنون محمد است (قریب به این مضامین).

امام علی در پاسخ به او فرمود: عقلی که به من داده شده اگر بین تمام مجانین دنیا تقسیم شود همه شان عاقل می شوند و این اشاره ایست به همان روایت فوق الاشاره فانهم و تأمل.

### ۵۱۷. سخنان امام حسن درباره پدرش

چون علی وفات کرد حسن به خطبه ایستاد و خدا را ستود و بر او ثنا گفت و بر پیامبر ﷺ درود فرستاد و سپس گفت: هان امشب مردی در گذشت که پیشینیان به او نرسیده اند و آیندگان هرگز مانند او را نخواهند دید.

کسی که نبرد می کرد و جبرئیل در طرف راست و میکائیل در طرف چپ او بودند به خدا قسم در همان شبی وفات کرد که موسی بن عمران در گذشت و عیسی به آسمان برده شد و قرآن نازل گردید.

بدانید که او زر و سیمی به جا نگذاشت مگر هفتصد درهم که از مقرری او پس انداز شده بود و می خواست با آن مبلغ برای خانواده اش خادمی بخرد.<sup>۲</sup>

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، حدیث ۱۴۶.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴۰.

## ۵۱۸. برادری در شأن خاتم الانبیاء

ابن اسحاق می گوید:

از جمله کارهایی که رسول خدا ﷺ در ابتدای ورود به مدینه بین اصحاب خود چه از مهاجرین و یا انصار انجام داد ایجاد پیمان برادری در بین آنها بود و به آنها فرمود: «تاخوا فی الله اخوین»؛ پس دست خود را در دست علی بن ابیطالب ﷺ نهاد و فرمود: این برادر من است، پس پیامبر ﷺ که سرور همه انبیاء و پیشوای پرهیزکاران و فرستاده پروردگار جهانیان است و در بین بندگان برای او مثل و ماندنی وجود ندارد با علی بن ابیطالب عقد برادری بست.<sup>۱</sup>

## ۵۱۹. قوت ربانی

شیخ جلیل ابوجعفر محمد بن علی بن محمد آملی معروف به عمادالدین طبری که از اعلام امامیه قرن ششم هجری است در کتاب شریف بشاره المصطفی شیعیه المرتضی<sup>۲</sup> به اسنادش روایت کرده است «عن اصبع بن نباتة» قال: «کتب امیرالمؤمنین ﷺ فی ما کتب الی سهل بن حنیف والله ما فعلت باب خیبر وقذفت به اربعین ذراعا لم یحس به اعضائی بقوة جسدية ولاحركة غذائیة ولکنی ایدت بقوة ملکوتیة ونفس بنور ربها مضيئة فانا من احمد كالضوء من الضوء...».

امیرالمؤمنین امام علی ﷺ در نامه‌ای که به سهل بن حنیف نوشت فرمود: به خداوند سوگند من به قوت جسدی و حرکت غذایی در خیبر را نکنده‌ام و آن را به چهل ذراع دور نیفکنده‌ام ولیکن آن در را کندم به واسطه قوت ملکوتی و نفسی که به نور رب خود مستضیء است.

و به عبارت دیگر: سوگند به خداوند من به تأیید و قوت ملکوتی و نفسی که به نور رب خود مستضیء است در خیبر را نکنده‌ام و به چهل ارش دور افکنده‌ام چنان که اعضایم بدان احساس نکرده است (سنگینی و فشاری برایم نداشته است) نه به قوت جسدی و حرکت غذایی.<sup>۳</sup>

۱. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۵۰۴.

۲. بشاره المصطفی، ص ۲۳۵، چاپ نجف.

۳. هزار و یک کلمه، ص ۱۶۷ - ۱۶۶.



### ۵۲۰. همراه همه انبیاء الهی

امام علی می‌فرماید: من با پیامبران خدا در باطن بودم و به همراه رسول الله در ظاهر بودم.<sup>۱</sup>

### ۵۲۱. حامل قرآن

سلیم بن قیس می‌گوید: که امام علی فرمود: «ما نزلت علی رسول الله آیه الا اقرانها او املاها- علی فاكتبها بخطی و علمنی تأویلها و تفسیرها و ناسخها و منسوخها و محکمها و متشابهها و دعا لله ان يعلمنی فهمها و حفظها».

آیه‌ای نازل نمی‌شد مگر این که رسول خدا آن را بر من می‌خواند و من آن را می‌نوشتیم آن حضرت تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ محکم و متشابه آن آیات را به من آموخت و به برکت دعای او حتی یک حرف را فراموش نکردم و بر اثر دعای آن حضرت خدای سبحان فهم و حفظ و ضبط قرآن را به من عنایت کرد.<sup>۲</sup>

### ۵۲۲. پاک و برگزیده

در دعای ندبه آمده: «و زوجه ابنته سیده نساء العالمین و احل له من مسجده ما حل له و سد الابواب الا بابه ثم اودعه علمه و حکمته».

ودختر خود بانوی بانوان جهانیان را به همسری او برگزید و حلال گردانید آنچه را که بر خود او در مسجد حلال بود.<sup>۳</sup> و همه درها را به روی مسجد خویش بست جز در خانه علی را سپس علم و حکمت خود را به او سپرد.

۱. مصباح الهدایة الى الخلافة والولاية، ص ۱۹۶.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۸.

۳. آنچه برای امام علی حلال بود این بود که در حال جنابت می‌توانست وارد مسجد پیامبر شود.

### ۵۲۳. سیده نساء العالمین

یکی از فضایل بزرگ حضرت علی علیه السلام داشتن همسری چون فاطمه زهرا علیها السلام می باشد. چنانچه حضرتش مکرر به این برتری و امتیاز اشاره می فرمودند. در جریان سقیفه امام علی علیه السلام ضمن بر شمردن فضایل و کمالات خود و این که او باید بعد از پیامبر رهبری جامعه را عهده دار شود به ابوبکر فرمود: تو را به خدا سوگند می دهم آیا آن کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را برای همسری دخترش برگزید و فرمود: خداوند او را به همسری تو (علی) در آورد، من هستم یا تو؟ ابوبکر پاسخ داد: تو هستی.<sup>۱</sup>

### ۵۲۴. پدر زنی چون من داری

امام رضا علیه السلام از پدر و اجداد گرامیش نقل می کند: که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود: یا علی! سه فضیلت به تو داده شد که به من داده نشده است. علی علیه السلام عرض کرد: چه چیزهایی به من داده شده است؟ فرمود: تو پدر زنی همچون من داری که من چنین پدر زنی ندارم همسری چون فاطمه به تو داده شده که به من داده نشده است حسن و حسین به تو داده شده که به من داده نشده است.<sup>۲</sup>

### ۵۲۵. صراط مبین

عبدالله بن نجی می گوید: از علی علیه السلام شنیدم که فرمود: والله تا به حال نه دروغ گفتم و نه دروغ شنیدم، هرگز در شبهه نیفتادم و هیچ گاه فراموشی بر من عارض نشد. بدانید من بینهای هستم که خدای تعالی برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیان فرمود من بر طریق آشکار و صراط مبین هستم.<sup>۳</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۱.

۲. مسند الرضا، ج ۱، ص ۱۱۹، حدیث ۸۱.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، حدیث ۳۸.



### ۵۲۶. چهره‌شناسی قیامت

اصبغ بن نباته می‌گوید: روزی در کنار امام علی علیه السلام نشسته بودم که ابن کواء سر دسته گروه گمراه خوارج وارد مسجد شد و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین مرا از معنای «وعلی الاعراف رجال يعرفون كلا بسيماهم» با خبر کن. امام فرمود: وای بر تو ای ابن کواء «نحن نوقف يوم القيامة بين الجنة والنار فمن ينصرنا عرفناه بسيماه فادخلناه الجنة ومن ابغضنا عرفناه بسيماه فادخلناه النار».

آن مردان ما هستیم که در قیامت بین بهشت و جهنم می‌ایستیم هر بنده‌ای ما را نصرت کرده باشد او را به چهره می‌شناسیم و به بهشت می‌بریم و هر کسی با ما دشمنی داشت او را نیز از سیمایش می‌شناسیم و در جهنم داخل می‌کنیم.<sup>۱</sup>

### ۵۲۷. تحت تعلیم خاتمالانبیاء

علی علیه السلام همراهی خویش با پیامبر صلی الله علیه و آله را و تحت تعلیم و تربیت بودن خود را مکرر در نهج البلاغه بیان داشته‌اند از جمله در خطبه مشهور فاصعه و در خطبه ۱۹ نیز می‌فرمایند: «من همچون نوزاد شتری که به دنبال مادرش می‌رود پیرو و دنباله‌رو پیامبر بودم». در خطبه ۱۹۵ نیز می‌فرمایند: حتی لحظه‌ای در مقابل خدا و رسولش اظهار مخالفت نکردم.

در خصوص جنبه‌های علمی و رفع شبهات، امام علی علیه السلام می‌فرمایند: به نکته مجهولی برنخوردم جز آنکه درباره آن از رسول خدا سؤال کردم و پاسخ آن را در خاطر نگه داشتم. و به تعبیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علی علیه السلام تا آنجا اوج گرفت که به باب شهر علم لقب یافت.

### ۵۲۸. صاحب اسرار عالم

عصر خلافت ابوبکر بود تاجری می‌خواست از مدینه به مسافرت طولانی برود هزار دینار به ابوبکر سپرد سفر او طول کشید و وقتی به مدینه بازگشت دریافت که ابوبکر از دنیا رفته است نزد خلیفه دوم رفت و جریان خود را گفت او اظهار بی‌اطلاعی کرد نزد

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۶۳.

عایشه دختر ابوبکر رفت او نیز اظهار بی‌اطلاعی کرد تاجر با سلمان آشنایی داشت نزد او رفت و پریشانی خود را در مورد هزار دینار بیان کرده سلمان او را به حضور امام علی علیه السلام برد و جریان را گفت.

امام علی علیه السلام به مسجد آمد و فرمود: امانت تاجر در فلان مکان است که ابوبکر آن را در آنجا پنهان نموده است به دستور آن حضرت آن مکان را شکافتند و هزار دینار را که در آنجا بود بیرون آوردند.

عمر به علی علیه السلام گفت: لابد ابوبکر این راز را به تو گفته بود امام فرمودند: نه، نگفته بود و اگر بنای گفتن بود به تو که رازدار محرم او هستی می‌گفت، نه به من.

عمر گفت: پس تو از کجا دانستی؟

امام علی علیه السلام فرمود: «خداوند بر زمین فرمان داده تا هر حادثه‌ای را که بر روی آن پدید می‌آید به من خبر دهد.»<sup>۱</sup>

### ۵۲۹. برگشت آفتاب برای علی علیه السلام

جویریة بن مسهر که از یاران با وفای علی علیه السلام است می‌گوید: با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از قتال با خوارج نهروان می‌آمدیم تا رسیدیم به سرزمین بابل.<sup>۲</sup>

هنگام نماز عصر رسید علی علیه السلام و تمام مردم که با حضرت بودند از اسب پیاده شدند علی علیه السلام فرمود: «ای مردم! این سرزمین ملعون و از رحمت خدا به دور است و به تحقیق در روزگار سه بار و یا به روایتی دو مرتبه اهل آن معذب شدند و خداوند بر آنان عذاب نازل کرد و این سرزمین یکی از شهرهای قوم لوط است که زمین، اهل خود را با شکافته شدن خَسَف از بین برد.

و اولین سرزمینی است که در او بت پرستیده شد برای هیچ پیامبر و یا وصی پیامبر حلال و جایز نیست که در روی آن زمین نماز بخواند.

ای یاران من هر کدام از شما خواستید در این سرزمین نماز بگذارید مانعی نیست پس

۱. مناقب مرتضوی، ص ۲۷۳.

۲. محلی است در عراق فعلی نزدیک منطقه حله و الان مسجد ردالمشمس در آنجاست.



مردم در حاشیه جاده به نماز ایستادند و نماز خویش را به جا آوردند و امیرمؤمنان علیه السلام بر استر رسول خدا صلی الله علیه و آله سوار شد و از آن سامان تشریف برد جویریة گفت:

والله امیرالمؤمنین را تبعیت خواهم کرد و از آن حضرت نمازم را تقلید خواهم نمود و پشت سر آن حضرت به راه افتادم پس سوگند به خدا از جسر سُورا در ارض بابل نگذشته بودیم که آفتاب غروب کرد پس من شک کردم که آیا نماز ما باید فوت شود؟ و آیا نباید حضرت علی علیه السلام نماز بخواند؟ پس ناگهان امام علیه السلام متوجه شد و فرمود: یا جویریة آیا شک نمودی؟ عرض کردم: بلی یا امیرالمؤمنین! حضرت در ناحیه‌ای پیاده شد آن گاه وضو ساخت و برخاست و به کلامی و دعایی سخن گفت که من نفهمیدیم چه می گوید گویا عبرانی سخن گفت سپس ندا سر داد «الصلاة».

نظر کردم به سوی آفتاب، سوگند به خدا دیدم که از بین دو کوه خارج شد.<sup>۱</sup>  
و از برای او صوت و صدای شدیدی بود.

آن گاه حضرت به نماز عصر ایستاد و من نماز را با آن حضرت گزاردم.  
وقتی که از نماز فارغ شدیم فوراً شب شد همچنان که بود.

پس آن هنگام حضرت رو به من کرد و فرمود: ای جویریة بن مسهر همانا خداوند عزوجل به حبیبش می فرماید: ای پیامبر! به نام عظیم پروردگار خود تسبیح گوی ای جویریة من خداوند را به اسم اعظمش خواندم آفتاب را برای من برگرداند جویریة وقتی که این معجزه را از آن حضرت دید گفت: به پروردگار کعبه سوگند که تو وصی نبی هستی.<sup>۲</sup>

### ۵۲۰. گفتگوی علی علیه السلام با خورشید

محمدبن عباس از جابر انصاری روایت کرده گفت: عمار را در یکی از کوچه‌های مدینه ملاقات نمودم پرسیدم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله کجاست؟ جواب داد: با جمعی از اصحاب در مسجد می‌باشند به مسجد رفته به حضورش شرفیاب شدم در آن اثناء علی بن ابیطالب علیه السلام

۱. مسئله برگشت خورشید برای، حضرت سلیمان در قرآن به آن اشاره شده است سوره ص آیه ۳۰ تا ۳۳ و در روایت دیگری است که خداوند برای حضرت یوشع بن نون وصی حضرت موسی نیز آفتاب را برگردانید البته در روایات دیگری مسئله برگشت خورشید به شکل‌های دیگر برای حضرت بیان شده است.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۳.

نیز تشریف آورد پیغمبر از جای خود به احترام آن حضرت بلند شد و میان دیده‌های او را بوسید و پهلوی خود نشاناد پس از آن فرمود: یا علی از جا برخیز و با خورشید صحبت کن پاسخ تو را خواهد داد آن حضرت به خورشید خطاب کرد: ای مخلوق با عظمت خدا چگونه صبح کردی؟ عرض کرد: به خیر و خوشی ای اول و ای آخر و ای ظاهر و ای باطن و ای کسی که به هر چیزی توانایی داری و به اسرار نهایی جهانیان آگاه هستی، ای برادر و وصی پیغمبر آخر زمان؛ تمام مردم از این جواب خورشید مضطرب و حیران گشتند حضور پیغمبر رسیدند و عرض کردند چگونه است که خورشید علی را با این اوصاف الهی خطاب نمود؟!

پیغمبر فرمود:

مراد از اول آنست که علی علیه السلام اول کسی است که به خدا ایمان آورد و منظور از آخرین، کسی است که مرا روی تخته مغتسل مشاهده می‌کند و اولین وصی پیغمبر آخر زمان است و بعد از من دیگر پیغمبری نیست و مراد از ظاهر آن است که او بر مخزون سرّ خداوند و من آگاه می‌باشد و مقصود از باطن، بطون علم من باشد و اما علم خداوند: همانا نازل نکرده است علمی از حلال و حرام و واجب و مستحب و تنزیل و تأویل و محکم و متشابه و مشکل را، مگر آنکه علی به همه آنها داناست و اگر ترس آن نبود که طایفه‌ای در حق او می‌گفتند آنچه را که نصارا در حق عیسی گفته‌اند درباره علی منقبتی می‌گفتم که عبور نمی‌کرد از جایی مگر آنکه مردم خاک زیر قدم او را بر می‌داشتند و از آن طلب شفا می‌نمودند!

### ۵۳۱. تو به منزله خود من هستی

... امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: آن گاه پس از خطبه خواندن حضرت رسول صلی الله علیه و آله در فضیلت ماه رمضان من از جا برخاستم و پرسیدم: ای رسول خدا بهترین کارها در این ماه چیست؟ حضرت فرمودند: ای ابوالحسن! بهترین کارها در این ماه ورع و پرهیزکاری از محرّمات خداوند عزوجل، سپس گریستن من پرسیدم: یا رسول الله چه چیزی شما را به گریه واداشت؟ حضرت فرمودند: ای علی! از حادثه‌ای که در این ماه بر سر تو خواهد آمد گویی

۱. تفسیر جامع، ج ۷.





من هستم و تو مشغول نمازگزاردن برای پروردگارت و شقی‌ترین کس در بین گذشتگان و آیندگان بدتر از پی‌کننده شتر قوم ثمود از جا برمی‌خیزد و ضربتی بر فرق سرت می‌زند که رویت از خون آن رنگین می‌شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: آن‌گاه پرسیدم: ای رسول خدا آیا این حادثه در هنگامی رخ می‌دهد که دین من سالم است؟ حضرت فرمودند: آری در زمان سلامت دینت خواهد بود، آن‌گاه حضرت علیه السلام فرمودند: ای علی هر کس تو را بکشد مرا کشته است و هر کس با تو کینه ورزد با من کینه ورزیده است و هر کس به تو ناسزا گوید به من ناسزا گفته است چرا که تو به منزله خود من هستی، روح تو از روح من است و سرشت تو از سرشت من، خداوند عزوجل مرا آفرید و تو را، و مرا برگزید و تو را، مرا به نبوت برگزید و تو را به امامت لذا هر کس که امامت تو را انکار کند نبوت مرا انکار کرده است ای علی! تو وصی من و پدر فرزندانم و همسر دختر من و جانشین منی در بین امتم، هم در زندگانی و هم در مرگم، امر تو امر من است و نهی تو نهی من، قسم به آن کسی که مرا به نبوت مبعوث کرد و بهترین موجوداتم کرد تو حجت خدا بر آفریدگان و امین او بر سرش و خلیفه او در بین بندگانش هستی.

### ۵۲۲. شانی پر شمیم

صاحب کتاب تنبیه الغافلین درباره آیه «**أَمَّا وَلِيكُمُ اللَّهُ... وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ**»<sup>۱</sup> به تأکید تصریح کرده که این آیه در شأن پر شمیم مولای ملک ملکوت امام علی بن ابیطالب علیه السلام است زیرا او بود که در حال رکوع زکات داد و اینکه علی علیه السلام یکی از افراد مشمول این عموم باشد اختلافی نیست ولی در مورد دیگران اختلاف هست و اهل بیت متفق بوده‌اند که این آیه درباره علی علیه السلام نازل شده است و مراد از ولی صاحب ولایتی از سنخ خدا و رسول است.<sup>۲</sup>

۱. مائده / ۵۵.

۲. تنبیه الغافلین من فضائل الطالبین، ص ۵۹.





از همه بیشتر است و آنچه او مهیا کرده از خیرات، در خزانه عرش رحمان محفوظ است؟ اصحاب عرض کردند: بلی رسول الله.

فرمود: پس نظر کنید به این مردی که می‌آید.

اصحاب چون نظر کردند: دیدند مردی از انصار است با لباسی کهنه، آن‌گاه رسول خدا ﷺ فرمود: در این روز آنقدر طاعات و خیرات از این مرد بالا رفته است که اگر بر همه اهل آسمان‌ها تقسیم شود نصیب آن که از همه کمتر باشد آن است که جمیع گناهان او آمرزیده شود و بهشت به او واجب شود.

عرض کردند: او به واسطه چه عملی به این همه درجات و ثواب‌ها نایل گشته است. پیامبر فرمود: از خود او سؤال کنید.

پس اصحاب جملگی متوجه او شدند و فرمایش رسول اکرم ﷺ را به او خبر دادند و به او مرحبا گفتند و آن‌گاه از عمل او پرسیدند؟ او در پاسخ گفت: امروز از خانه بیرون آمدم چون دیر شد گفتم به حاجت امروز نمی‌رسم با خود گفتم امروز از پی آن خواسته نمی‌روم و در عوض آن به روی و چهره علی بن ابیطالب رضی الله عنه نظر می‌کنم تا اینکه علی رضی الله عنه را پیدا کرده و به او نگریستم. زیرا من از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرموده بود نظر کردن به روی علی بن ابیطالب رضی الله عنه عبادت است.

**قال رسول الله ﷺ «النظر علی وجه علی عبادة و ای عبادة»** در این جا پیامبر به آن مرد انصاری فرمود: ای مرد انصاری به جهت تهیه غذای عیال خود اقدام کردی و چون میسر نشد آن را بدل کردی به نظر کردن به روی علی بن ابیطالب رضی الله عنه در حالی که دوستی او در دل تو جا داشت و اعتقاد به فضل او نموده‌ای....

آن‌گاه حضرت فرمود: این نظر کردن به روی علی بهتر است از برای تو از این که به اندازه دنیا زر سرخ داشته باشی و همه از تو باشد و همه آن را در راه خدا انفاق کرده باشی و بدان که به عدد هر نفسی که در رفتن به سوی علی کشیده‌ای شفاعت هزار نفر را در قیامت خواهی کرد پس به شفاعت تو حق تعالی چندین هزار هزار نفر را از آتش جهنم آزاد خواهد کرد.<sup>۱</sup>

۱. غایة المرام علامه بحرانی، باب ۹۱، حدیث اول.



### ❖ ۵۳۵. عملی سعادت بخش ❖

در روایتی آمده است که: رسول خدا ﷺ فرمود: خدا برای برادر من علی بن ابیطالب فضائل بی‌شماری مقرر کرده هر که یک فضیلت او را ذکر کند با اعتراف به آن خدا گناهان گذشته و آینده‌اش را ببامزد گرچه با گناه جن و انس به محشر آید و هر که یک فضیلت از او بنویسد تا آن نوشته بماند فرشتگان برایش آمرزش جویند و هر که به فضیلتی از او گوش دهد خدا گناهایی که به گوش کرده ببامزد و هر که به فضیلتش نگاه کند خدا گناهایی که با چشم کرده ببامزد سپس رسول خدا ﷺ فرمود: نگاه به علی بن ابیطالب علیه السلام عبادتست و یاد آوریش عبادتست و ایمان بنده پذیرفته نیست جز به ولایت او و برائت از دشمنان او.<sup>۱</sup>

### ❖ ۵۳۶. توصیفی شایسته ❖

در متن زیارتنامه‌ای که امام هادی علیه السلام برای امام عصر علیه السلام روایت کرده‌اند در بخشی از این زیارتنامه امام هادی علیه السلام اینگونه از امام علی علیه السلام یاد فرموده‌اند.  
خداوندا! پروردگارا!

بر ولی خود و رهبر دینت و برپا دارنده قسط پس از پیامبرت علی بن ابیطالب، امیر مؤمنان، پیشوای اهل تقوا، سرور وصی‌ها، فرمانده دین، رهبر و پیشوای سپید رویان روز قیامت، قبله عارفان... درود فرست.<sup>۲</sup>

### ❖ ۵۳۷. اسمی برگزیده ❖

جابر گفت: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: که چرا علی علیه السلام را امیرالمؤمنین گفته‌اند ولی بقیه ائمه اطهار به این نام خطاب نشدند؟  
امام فرمود: خدای متعال در روز میثاق این نام را بر علی علیه السلام نهاد و آیه میثاق را در کتاب خود نازل کرده که:

آیا من پروردگار شما نیستم و محمد فرستاده من و علی امیر مؤمنان؟ و چون حق

۱. امالی شیخ صدوق، ص ۱۳۸.

۲. مصباح الزائر، ص ۴۷۷.



تعالی آن حضرت را به این نام نامیده‌اند لذا اطلاق این نام به آن حضرت می‌کند نه به دیگری.<sup>۱</sup>

### ۵۳۸. قدمت نام امیرالمؤمنین

رسول خدا ﷺ فرمود: «لو يعلم الناس متی سمی علی امیرالمؤمنین...».

اگر مردم می‌دانستند که علی چه موقع به لقب امیرالمؤمنین نامیده شد فضایل او را منکر نمی‌شدند زمانی که آدم بین روح و جسد بود او امیرالمؤمنین نامیده شد آن زمان که خداوند از انسانها سؤال کرد: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری.

خداوند فرمود:

من پروردگار شما هستم و محمد پیامبر شما و علی امیر شماست.<sup>۲</sup>

لذا سالم غلام علی ﷺ نقل می‌کند در مزرعه‌ای در خدمت حضرت بودم که ابوبکر و عمر نزد امام آمدند و گفتند: السلام عليك يا امیرالمؤمنین ورحمة الله وبرکاته عده‌ای گفتند: شما در زمان رسول خدا هم همین طور می‌گفتید؟

عمر گفت: «قد امرنا رسول الله ﷺ وآله بذلك» پیامبر این طور به ما دستور داده بود.<sup>۳</sup>

### ۵۳۹. قهرمان میدان ایمان و جهاد و شهادت

حضرت علی ﷺ در طول زندگانی پر بارش مدال‌های فراوان و ارزنده‌ای از خدا و رسولش دریافت کرد که تنها سینه فراخ و دوش مقاوم او توانست وسعت و توان حملشان را داشته باشد قهرمان ایمان و جهاد وقتی با غاصبین خلافت تنها برای ادای تکلیف درباره شایستگی‌اش به بحث می‌نشیند و تعدادی از این نشانهای افتخار را بر می‌شمارد و می‌فرماید:

- من اولین کسی بودم که دعوت رسول خدا را اجابت کردم.

۱. تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ص ۱۲۶.

۲. فردوس اخبار و کشف الحق و یقین، نوشته سیدبن طاووس، ص ۲۳۵.

۳. مناقب ابن‌مردویه. از منابع و کتب اهل سنت.

- سوره براءت را من به مشرکین ابلاغ کردم.
- در یوم‌المیبت در بستر رسول خدا ﷺ خوابیدم و خطر را به جان خریدم.
- آیه زکات برای من نازل شده است.
- در غدیر خم پیامبر ﷺ مرا مولای مسلمین خواند.
- حدیث منزلت و تشبیه رابطه من با پیامبر به موسی و هارون برای من آمده است.
- رسول خدا من و فرزندانم را برای مباحله با مشرکین برد.
- آیه تطهیر در مورد من و اهل‌بیتم نازل شده است.
- در روز کساء من و فرزندانم مورد دعای رسول خدا بودیم.
- در سوره «هل اقی» صاحب آیه «یوفون بالنذر ویخافون یوما کان شره مستطیرا» من می‌باشم و آیه برای من نازل شده است.
- در روز احد مرا از آسمان جوانمرد «لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار» خواندند.
- در روز خیبر رسول خدا ﷺ پرچمش را به دست من داد و به وسیله من قلعه خیبر را گشود.
- من بودم که با کشتن «عمرو بن عبدود» غم را از چهره مسلمین زدودم.
- رسول خدا دخترش فاطمه را به عقد من در آورد و فرمود: خدا او را در آسمان برای تو ترویج کرده است.
- منم پدر حسن و حسین دو نواده و ریحانه پیغمبر آنجا که فرموده: آن دو سید جوانان اهل بهشتند و پدرشان بهتر از آنهاست.
- برادر من جعفر طیار است که در بهشت به وسیله دو بال با فرشتگان پرواز می‌کند.
- رسول خدا مرا به علم قضا و فصل الخطاب دلالت نمود.
- رسول خدا ﷺ دست‌ور داد که اصحاب به عنوان امیر مؤمنین به من سلام دهند.
- من از نظر قرابت به رسول خدا بر همگان سبقت دارم.
- رسول خدا ﷺ برای شکستن بتهای طاق کعبه مرا روی دوش مبارک خود قرار داد.
- رسول خدا ﷺ به من فرمود: «تو در دنیا و آخرت صاحب لوای من هستی».
- پیامبر ﷺ وقتی در خانه جمیع اهل بیت و اصحابش را به مسجد مسدود کرد در خانه مرا باز گذارد.



### ❖ ۵۴۰. ۱۳ نحس نیست عید است ❖

روز جمعه سیزدهم رجب سی‌ام عام الفیل (۲۳ سال پیش از هجرت) چهار روز بانوی بزرگ، فاطمه بنت‌اسد در درون کعبه بود آن بانو وقتی از خانه خدا بیرون آمد کودکی را در آغوش داشت...  
او گفت: پیامی از غیب شنیدم که گفت: نامش را علی بگذار.

### ❖ ۵۴۱. هفتاد ویژگی ویژه ❖

برای شناخت امام علیؑ می‌توان به خطبه ۱۹۷ نهج‌البلاغه مراجعه کرد اگرچه در این خطبه تنها ۵ خصلت نورانی امام آمده ولی مرحوم علامه خویی در منهاج به ذکر روایتی که مشتمل بر ۷۰ خصیصه از آن حضرت می‌باشد پرداخته است.<sup>۱</sup>

### ❖ ۵۴۲. حبّ حیدر کرار ❖

سلمان فارسی می‌گوید: رسول خداﷺ را دیدم که در حال دعا بود و در دعای خود می‌گفت: «یا الهی و سیدی انّ حب حیدر الکرار جنة، یا رب خفف به اوزاری» یعنی: ای خدای من وای مولای من دوستی حیدر کرار بهشت است تخفیف بده به خاطر او گناهان امت مرا، گفتم پدر و مادرم به فدای تو باد یا رسول‌الله، من نیز به همین نحو دعا می‌کنم ولیکن در مناقب حضرت امیرؑ چیزی به من بفرمائید که همیشه باعث فخر من باشد. فرمود: ای سلمان اگر این را می‌خواهی برو به قبرستان یهود و بگو: «ای بندار» بیا همین که آمد بپرس از او که به دین اسلام مرده‌ای یا به دین یهود و کجا منزل داری؟ در راحتی یا در عذاب؟

سلمان گفت: رفتم و ندا کردم بندار آمد پرسیدم؟ گفت: به دین یهود مرده‌ام ولیکن الان به جهت محبتی که با امیرالمؤمنینؑ داشتم در راحت و نعمتم من او را بسیار دوست داشتم و نمی‌خواستم یک دقیقه از او مفارقت کنم ولیکن توفیق اسلام نصیب من نشد و به دین یهود مُردم پس مرا در میان اشرار به قعر جهنم انداختند و در عذاب

۱. منهاج البراعة، ج ۱۲، ص ۲۵۸ به بعد.

بودم که ناگاه در همان جهنم خیمه‌ای از نور به من احاطه کرد که طول و عرضش به قدر چشم انداز بود و خدا مرا به سبب او از حرارت آتش حفظ نمود سلمان خدمت رسول خدا آمد پیامبر به او فرمود: ای سلمان از من روایت کن هر که یهودی و نصرانی و مجوسی که در دل او محبت حیدر کرار باشد خدا به او نیز در جهنم قبه‌ای از نور مثل بندار کرامت می‌کند.<sup>۱</sup>

### ۵۴۳. عبادتی بی‌بدیل

رسول خدا ﷺ در روز خندق فرمود: «ضربة علی يوم الخندق افضل من عبادة الثقلين». ارزش این مبارزه علی بن ابیطالب در روز خندق از تمام اعمال امت من تا روز قیامت بالاتر است.<sup>۲</sup>

### ۵۴۴. هفت گنج نورانی

معاذبن جبل می‌گوید: از پیغمبر اکرم ﷺ شنیدم که به علی علیه السلام فرمود: «تخصم الناس بسبع ولا يحاجك فيه احد من قريش انت اولهم ايمانا بالله...». تو با مردم به هفت چیز محاجه می‌کنی و هیچ کس از قریش در آن هفت چیز نمی‌تواند به گفت و گو با تو برخیزد (و ادعای برابر با تو را بکند) تو نخستین کسی هستی که به خدا ایمان آوردی...<sup>۳</sup>

### ۵۴۵. بهترین مردم بعد از پیامبر ﷺ

نافع می‌گوید: روزی از پسر عمر بن خطاب سؤال کردم: چه کسی بعد از رسول خدا ﷺ بهترین مردم است؟  
پسر عمر جواب نداد سپس گفت: تو را به این سؤال چه کار؟  
آن‌گاه از عمل خود استغفار کرد و گفت: بهترین مردم کسی است که پیامبر اکرم ﷺ

۱. اسرار الشهادة، ص ۳۹۰.

۲. مستدرک، ج ۳، ص ۲۳.

۳. توضیح الدلائل، ص ۱۷۱.





آنچه را که بر او حلال بود بر او نیز حلال و آنچه را که بر او حرام بود برای او نیز حرام نمود. گفتیم: او کیست؟

گفت: او علی است همه درهای مسجد را پیامبر بست به جز در خانه علی و پیامبر به او فرمود: «**لك في هذا المسجد مالي و عليك فيه ما علي و...**».

برای تو در این مسجد حقی است که برای من است و تو وارث و وصی من هستی، دین مرا ادای کنی و وعده مرا عملی می‌سازی و بر سنت من می‌جنگی.<sup>۱</sup>

### ❖ ۵۴۶. فدائی پیامبر ﷺ ❖

آزار مشرکان تا آنجا پیش رفت تا این که پیامبر ﷺ تصمیم به هجرت گرفت پیامبر به علت حمله توریستی مشرکان به سوی غار ثور رهسپار شد، علی در رختخواب پیامبر آرامید.

تا آن‌هایی که قصد جان پیامبر را داشتند به این وسیله به اشتباه بیفتند؟ علی در هنگام خروج پیامبر به آن حضرت عرض کرد: «سر و جانم به فدای شما! جان چه ارزشی دارد که فدای شما گردد».<sup>۲</sup> بعد از چند روز امام علی نیز به پیامبر در مدینه ملحق شد.

### ❖ ۵۴۷. احدی با او قابل مقایسه نیست ❖

روزی فاطمه در حضور من (امام علی) به رسول خدا گفت: ای رسول خدا فدایت شوم در مورد من چه فکر می‌کنی؟

پیامبر فرمود: تو بهترین زنان جهانی. فاطمه گفت: ای رسول خدا پسر عمویم چه طور؟ فرمود: در میان مخلوقات خدا احدی با او قابل مقایسه نیست.<sup>۳</sup>

۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۲۶، ذخائر العقبی، ص ۷۷.

۲. مناقب، ج ۲، ص ۵۸.

۳. الحافظ محمد بن ابی الفوارس، کتاب الاربعین، ص ۴۳.





که وارد بهشت می‌شوی امام علی علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله آیا پیش از شما وارد بهشت می‌شوم؟ پیامبر خدا فرمود: آری! زیرا تو پرچمدار من در آخرتی همچنان که در دنیا پرچمدار من هستی و پرچمدار پیشرو است.<sup>۱</sup>

### ❖ ۵۵۲. ستاره بهشتی ❖

در تفسیر روح البیان از عبدالله بن عمر خطاب نقل می‌کند که گفت: علی علیه السلام سه فضیلت داشت که اگر یکی از آنها برای من بود بهتر از گروه شتران سرخ می‌بود. نخست: تزویج فاطمه زهرا علیها السلام با علی علیه السلام توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. دوم: دادن پرچم به دستش در روز جنگ خیبر. سوم: آیه نجوا.

### ❖ ۵۵۳. تکلم فی المهد به القرآن ❖

امام علی علیه السلام قبل از نزول قرآن (قبل از ده سال) قرآن را می‌خواند. و به همان که خواند عمل کرد. «قد افلح المؤمنون» و این امتیاز ویژه امام علی علیه السلام است که در مهد قرآن تکلم کرد؛ البته حضرت مسیح نیز در مهد تکلم کرد ولی قرآن نخواند.<sup>۲</sup>

### ❖ ۵۵۴. خواسته‌های پیامبر صلی الله علیه و آله از خداوند ❖

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی! پنج چیز درباره تو از خدا خواستم که خداوند همه را به من عطا کرد:

۱. این که من اول کسی باشم که از قبر بر می‌خیزم و غبار از چهره می‌افشانم و تو هم با من باشی.
۲. خداوند اجازه دهد که من و تو در محل سنجش اعمال بایستیم.

۱. علل الشرایع، ص ۱۷۳.

۲. امالی طوسی، ص ۷۰۸، مجلس ۴۲.





در این هنگام احنف بن قیس ایستاد و عرض کرد: ای امیرمؤمنان اینها چه زمانی اتفاق می افتد؟

حضرت فرمود: ای ابابحر تو آن زمان را هرگز درک نخواهی کرد...

حضرت متوجه سمت راست خود شد و فرمود: چقدر فاصله بین شما و اُبُلّه است؟ منذر بن جارود عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو باد چهار فرسخ.

حضرت به او فرمود: راست گفتی به خدای که پیامبر اسلام ﷺ حضرت محمد ﷺ را به پیامبری برانگیخت و او را به مقام نبوت کرامت بخشید و رسالت را مخصوص وی گردانید.

و مرغ روحش را شتابان در بهشت جاودان جایگزین فرمود از آن بزرگوار شنیدم این گونه که شما هم اکنون از من می شنوید که فرمود: ای علی! آیا می دانی فاصله بین مکانی که بصره نام دارد و بین منطقه ای که آن را اُبُلّه می نامند چهار فرسخ است و به زودی این منطقه محل استقرار خراج گیران خواهد شد در آن مکان هفتاد هزار نفر از امت من شهید خواهند شد که به منزله شهدای بدر می باشند.

منذر عرض کرد: ای امیرمؤمنان ﷺ پدر و مادرم به قربانت چه کسی آنان را می کشد حضرت فرمود: آنان به وسیله کسانی که مانند شیاطین سیاه چهره و بد بو هستند کشته می شوند...

سپس چشمان حضرت پر از اشک گردید و فرمود: وای بر تو ای بصره از لشکری که نه صدا دارد و نه گرد و غبار.

منذر بار دیگر عرض کرد: آنچه فرمودید که از ناحیه غرق برای اهل بصره پیش می آید کدام است؟

حضرت فرمود: این لفظ (وای) دارای دو درب است یکی در رحمت و دیگری در عذاب، آری ای پسر جارود! خونخواهانی بزرگ که گروهی از آنان بعض دیگر را به قتل می رسانند و از آن جمله فتنه و آشوبی است که تخریب خانه ها و شهرها و غارت و اموال را به دنبال خواهد داشت و اسارت زنانی که با وضع بسیار بدی سر بریده می شوند ای وای که تا چه اندازه سرگذشت آنان عجیب است!

و از جمله آن نشانه‌ها دجال بزرگ یک چشم است که چشم راست او ناپیدا است و در چشم دیگرش چیزی مانند گوشت جویده شده دیده می‌شود که آمیخته به خون است. چشم وی مانند دانه انگوری که روی آب در گردش باشد از حدقه بیرون آمده است گروهی از مردم بصره که تعدادشان به اندازه شهدای اُبُلّه می‌رسد و انجیل‌ها حمایل دارند از او پیروی می‌کنند.

در آن زمان عده‌ای کشته می‌شوند و عده‌ای فرار می‌کنند و پس از آن لرزش زمین، به اطراف پرتاب شدن، فرو رفتن، و به صورت دیگر در آمدن قیافه‌هاست، آن‌گاه گرسنگی در اثر قحطی و بعد از آن مرگ سرخ یعنی غرق شدن می‌باشد.

ای منذر! شهر بصره در کتب آسمانی دارای سه نام دیگر غیر از بصره است که جز دانشمندان و علماء آن‌ها را کسی نمی‌داند از آن جمله، خریبه، تَدْمَر و موفتکه است تا این که فرمود: یکی از روزها پیامبر اسلام ﷺ مطلبی را به من فرمود و کسی غیر از من با آن حضرت نبود آن‌گاه فرمود:

جبرئیل روح‌الامین مرا بر شانه راستش حمل نمود تا زمین و آنچه را که بر روی آن وجود دارد را ببینم کلیدهای آن را به من سپرد و به آنچه که در زمین بود و تا روز قیامت خواهد بود مرا آگاه نمود آشنایی و آگاهی این امر برایم دشوار نبود همان طوری که بر پدرم آدم سخت نیامد، همه نام‌ها را به وی آموخت اما ملائکه آن‌ها را ندانستند آن‌گاه من در کنار دریا شهری را مشاهده نمودم که بصره نامیده می‌شد آن شهر دورترین قسمت زمین نسبت به آسمان بود و نزدیک‌ترین شهرها به آب، آن سرزمین از سایر مکان‌ها زودتر خراب می‌گردد و دارای نامرغوب‌ترین خاک و شدیدترین عذاب‌ها خواهد بود که در قرون گذشته، چندین بار به زمین فرو رفته و دیگر بار نیز چنین خواهد شد. ای اهل بصره و ای روستاهای اطراف!

آن روزی که آب آنجا را فرا می‌گیرد برای شما، از نظر بلا و مصیبت روز بس بزرگی خواهد بود من محل فوران و جوشش آب در شهر شما (بصره) را می‌دانم و قبل از آن حوادثی بزرگ و غیرمنتظره به شما روی می‌آورد که از دیدگان شما پنهان است لکن ما به آن آگاهییم کسی که نزدیک غرق شدن آن شهر آن را ترک گوید رحمت خدای او را



شامل شده است و کسی که در آن بدون توجه باقی بماند در گرو گناه خویش است و خداوند نسبت به بندگانش ستم نمی‌کند.<sup>۱</sup>

❖ ۵۵۶. عشقی عجیب ❖

وقتی پیشانی امام علی علیه السلام بر اثر کار و کوشش یا گرما به عرق می‌نشست اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آنجا حاضر بود عرق پیشانی امام را با دست خود می‌گرفتند و به بدن خود می‌کشیدند.

و این از خصائص و فضایل خاص حضرت مولی‌المؤمنین حضرت ابالحسن علی بن ابیطالب علیه السلام است چنانچه فقط آن حضرت بود که می‌توانست با حالت جنابت وارد مسجد پیامبر بشود اینها از فضائلی است که منحصرًا اختصاص به وجود پر برکت امیرمؤمنان علیه السلام دارد.

❖ ۵۵۷. چراغ دل هستی ❖

امام علی علیه السلام فرمود: همانا من در میان شما مثل چراغ در تاریکی هستم که هر کس به حریم آن در آید از نور آن روشنایی گیرد.<sup>۲</sup>

❖ ۵۵۸. مطیع محمد صلی الله علیه و آله ❖

امام علی علیه السلام فرمود: یاران رازدار محمد صلی الله علیه و آله می‌دانند که من حتی لحظه‌ای دست رد به سینه خدا و پیامبر او نزدم در جاهایی با جان خود پیامبر را یاری رساندم که دلبران می‌گریزند و گام‌ها واپس می‌رود این شجاعت و مردانگی را خداوند به من ارزانی داشت...<sup>۳</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۲۵۶، ب ۴.

۲. غرر الحکم، حدیث ۳۸۸۳.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۷.

و در روایتی دیگر فرمود: هیچ گاه دروغ نگفتم و (از پیامبر) دروغ به من گفته نشده است و گمراه نشده‌ام و کسی هم به واسطه من گمراه نشده است.<sup>۱</sup>

#### ۵۵۹. من مظلوم

امام علی علیه السلام فرمود:  
از زمانی که خداوند جان پیامبر خود را ستاند تا روزگار این مردم همواره مظلوم بوده‌ام.<sup>۲</sup>

و در روایتی دیگر هیچ کس به اندازه من سختی ندیده است.

#### ۵۶۰. رهایم کردند

امام علی علیه السلام فرمود:  
- من همان یادی هستم که به فراموشی سپرده شده.  
- همان راهی هستم که از آن منحرف شده‌اند.  
- همان ایمانی هستم که بدان کفر ورزیده شده.  
- همان قرآنی هستم که مهجور مانده.  
- همان دینی هستم که تکذیبش کرده‌اند.  
- همان صراطی هستم که از آن روی گردانده‌اند.<sup>۳</sup>

#### ۵۶۱. کوه اندیشه و تضر

امام علی علیه السلام فرمود: من پرچم هدایت و پناهگاه پرهیزگاری و جایگاه سخاوت و دریای جود و جوانمردی و کوه خرد.<sup>۴</sup>

۱. کنز العمال، حدیث ۳۶۳۸۷.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۳۰۵ و ج ۴، ص ۱۰۳.

۳. نورالتقلین، ج ۴، ص ۴۹۴.

۴. نهج السعادة، ج ۳، ص ۷۹.





امام علی علیه السلام فرمود: همانا من با آرزوی خود در جنگ و پیکارم و چشم به راه اجل خود هستم.<sup>۱</sup>

### ❖ ۵۶۲. دنیا گریزی همتا ❖

امام علی علیه السلام فرمود: منم که دنیا را خوار و بی مقدار شمردم.<sup>۲</sup>  
و در روایتی دیگر فرمود:  
من دنیا را به رو در افکنده‌ام و آن را چنان که در خور است ارج نهاده‌ام و با دیده خودش (به دیده پستی) بدان نگریسته‌ام.<sup>۳</sup>

### ❖ ۵۶۳. راه یافته است ❖

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر علی را به ولایت و سرپرستی گیرید خواهید دید که رهنما و راه یافته است و شما را به راه راست می‌برد.<sup>۴</sup>

### ❖ ۵۶۴. عدالت پیشه بزرگ ❖

امام علی علیه السلام فرمود: ای مردم، آدم علیه السلام نه بنده‌ای به دنیا آورد و نه کنیزی بلکه همه مردم آزادند....  
بدانید که مالی رسیده و ما آن را میان سیاه و سفید به یکسان تقسیم خواهیم کرد.  
مروان به طلحه و زبیر گفت: منظورش کسی جز شما دو نفر نیست.  
پس امام به هر کسی ۳ دینار داد به مردی از انصار سه دینار پرداخت بعد از او غلام سیاهی آمد حضرت به او نیز سه درهم داد مرد انصاری گفت: ای امیرالمؤمنین این غلامی است که دیروز او را آزاد کردم حالا من و او را یکسان قرار می‌دهی؟

۱. غررالحکم، ۳۷۷۴.

۲. تاریخ دمشق، ج ۳، ص ۲۰۲.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۸، ص ۱۲۵.

۴. تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۲۶۰.

امام فرمود: من در کتاب خدا نگریستم اما برای فرزندان اسماعیل برتری نسبت به فرزندان اسحاق نیافتم.<sup>۱</sup>

### ۵۶۵. هفتاد صفت برتر

مکحول به نقل از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می گوید: از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان که مطالب را نیکو به خاطر می سپارند می دانند که در میان آنان کسی نیست که دارای فضایی باشد مگر این که من شریک او بوده‌ام و بر او برتری داشته‌ام ولی هفتاد منقبت و فضیلت برای من است که هیچ یک از آنان را در آن شراکتی نیست.

«...وَفَضَّلْتَهُ وَلِي سَبْعُونَ مَنْقِبَةً لَمْ يَشْرِكْنِي فِيهَا أَحَدٌ مِنْهُمْ». عرض کردم: یا امیرالمؤمنین مرا از آن فضایل آگاه فرما؟

امام فرمود: نخستین فضیلت برای من آن است که من به یک چشم به هم زدن برای خدا شریک نگرفتم ولات و عزا را نپرستیده‌ام.

- این که هرگز شراب نیشامیده‌ام.

- رسول خدا مرا در کودکی از دامان پدرم گرفت و من شریک نان و آب آن حضرت و مونس و هم صحبتش بودم...

- رسول خدا به من فرمود: یا علی در قیامت چیزی به من داده نمی‌شود الا این که همانند آن را برای تو درخواست کرده‌ام.

- رسول خدا صلی الله علیه و آله به من دستور فرمود که دست خود را به پستان گوسفندی که شیرش خشک شده بود بکشم، عرض کردم: یا رسول الله شما دست بکشید فرمود: یا علی! کار تو کار من است پس من دست خود را بر آن کشیدم شیرش جوشیدن گرفت و جرعه‌ای از آن را به رسول خدا دادم... سپس رسول خدا فرمود: همانا من از خدای عزوجل خواستم دست تو را مبارک گرداند و خدا نیز چنین کرد.

- رسول خدا به من وصیت کرد و فرمود: یا علی جز تو کسی نباید مرا غسل دهد و جز تو دیگری نباید کفن بر من بپنجد که اگر کسی جز تو همه جای بدن مرا ببیند دیده‌هایش از کاسه سر بیرون خواهد آمد....

۱. کافی، ج ۸، ص ۶۹



.... رسول خدا ﷺ به من فرمود: یا علی تو از من هستی و من از تو، همچون دست راست من نسبت به دست چپم و من از تو در دنیا و آخرت بی نیاز نیستم.

«یا علی وانت منی وانا منک کیمی من شمالی لاستغنی عنک فی الدنیا والاخرة».

- رسول خدا در حیات خود در حضور همه یاران و عمومی من عباس که افتخار داشتند انگشتر خود و زره و کمر بندش را به من عطا فرمود و شمشیرش را به کمر من بست پس خدای عزوجل مرا به این شرافت مخصوص گردانید نه آن‌ها را.

.... رسول خدا ﷺ به من فرمود: یا علی! همانا خدای تبارک و تعالی بشارتی مرا داده است که آن بشارت را به هیچ پیغمبری پس از من نداده است و آن این که تو سرور اوصیائی، و دو فرزند تو حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشتند در روز قیامت. - این که جعفر برادر من با فرشتگان در بهشت پرواز می کند و با دو بال از دُر و یاقوت و زبرجد آراسته است.

- این که عمومی حمزه در بهشت سرور بهشت است.

- این که رسول خدا دهان بر گوش من نهاد و آنچه واقع شده تا روز قیامت را به من آموخت و خداوند این علم را از برای من به زبان پیغمبرش جاری کرد.

- خدای تبارک و تعالی مرا از میان اصحاب محمد مخصوص گرداند که علم ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عام را به من عطا کرد...

- رسول خدا مرا جائی فرستاد و دعاهایی برای من کرد و مرا بر آنچه پس از آن حضرت واقع خواهد شد آگاه ساخت بعضی از یاران حضرت از این افتخاری که نصیب من گردید ناراحت شدند و گفتند: اگر محمد می توانست پسر عمومی خود را پیغمبر کند مسلماً همین کار را می کرد و خدای عزوجل شرافت آگاهی از این جریان را به وسیله زبان پیغمبرش به من عطا فرمود...

- و اما چهلم: این که رسول خدا در یکی از جنگ‌ها مرا بر سر چاهی فرستاد و در آن چاه آبی نبود من بازگشتم و جریان را به عرض رساندم به من فرمود: آیا در آن چاه گل بود؟

عرض کردم: بلی. فرمود: از آن گل برای من بیاور؟

پس من از چاه مقداری گل آوردم حضرت کلامی در آن فرمود؟

سپس فرمود: این گل را در میان چاه بینداز و من انداختم که ناگاه آب جوشیدن گرفت تا اطراف چاه پر شد.

پس آمدم و خبرش را به حضرت دادم حضرت به من فرمود: «موفق باشی یا علی که جوشیدن آب از برکت تو بود».

و این منقبت مخصوص من گردیده نه اصحاب پیامبر.

- این که شنیدم رسول خدا ﷺ می فرمود: یا علی مژده باد تو را که خانه تو در بهشت روبروی خانه من است و در آنجا با من در بالاترین مقامات خواهی بود.

عرض کردم: یا رسول الله بالاترین مقامات چیست؟

فرمود: گنبدی است از دُر سفید که هفتاد هزار در دارد و جایگاه مخصوص من و تو می باشد.

... پس کسی که مرا دوست بدارد او خوشبخت است و در گروه پیغمبران محشور خواهد شد.

- این که شنیدم رسول خدا ﷺ فرمود: یا علی در آینده نزدیک بنی امیه تو را لعن خواهد کرد و فرشته ای برای هر لعن، هزار لعن بر خود آن ها بر می گرداند و چون حضرت قائم قیام کند چهل سال لعن بر آن ها را رواج دهد.

... (رسول خدا ﷺ فرمود) ... به خدایی که مرا برانگیخته سوگند اگر تو قرآن را به طور اساسی جمع آوری نکنی هرگز جمع نخواهد شد پس خدای متعال مرا به این افتخار مخصوص کرد نه دیگر اصحاب را.

- این که رسول خدا در یکی از جنگ ها که دچار بی آبی شد به من فرمود: «یا علی برخیز و به سوی این سنگ برو و بگو من فرستاده رسول خدا هستم از خود برای من آب بیرون بده».

پس قسم به خدایی که او را به پیغمبری گرامی داشت من پیام را به آن سنگ رساندم و در سنگ همچون پستان گاوی پدید آمد و از هر پستانش آب روان شد...

پس خداوند تنها مرا به این فضیلت مخصوص کرد نه سایر اصحاب را.

- این که رسول خدا ﷺ در یکی از جنگ ها که آب تمام شده بود مرا دستور داد و

فرمود: یا علی کاسه ای برای من بیاور من آوردم پس آن حضرت دست راست خود را با



دست من میان آن کاسه گذاشت و فرمود: بجوش پس آب از میان انگشتان ما جوشیدن گرفت.

- این که من بودم که عمرو بن عبدود<sup>۱</sup> را که با هزار مرد برابر بود کشتم.

- این که رسول خدا ﷺ فرمود: یا علی مَثَلِ تو در امت من مثل سوره قل هو الله احد است...

- این که من هرگز از میدان جنگ فرار نکردم و کسی با من به نبرد نپرداخت مگر این که زمین را از خونش سیراب کردم.

- این که خداوند دو بار آفتاب را برای من باز گردانید و به جز من برای هیچ کس از امت محمد آن را باز نگردانده است.

- این که شنیدم رسول خدا فرمود: اگر تو نبودی منافقین از مؤمنین شناخته نمی شد...<sup>۲</sup>

### ❖ ۵۶۶. میر میدان سختی‌ها ❖

محمد بن حنفیه در جنگ جمل همراه پدر در میدان کارزار وارد شد او از صحنه‌ای اینگونه روایت می‌کند. در حالی با سپاه جمل رو در رو شدیم که آن‌ها بر ما پیشدستی کردند و یک باره به ما حمله کردند. امام علی علیه السلام به من فرمود: پسر من محمد حرکت کن! محمد حنفیه می‌گوید:

طبق فرمان امام در پیشاپیش یاران خود به راه افتادم ولی به جهت فشار دشمن و بارش تیرهای آنان گام‌های کوتاه بر می‌داشتم.

محمد حنفیه می‌گوید: در لحظه‌ای امام علی علیه السلام را پشت سرم یافتم که می‌فرمود: فرزندم! حمله کن ولی من توان جلو رفتن در خود را نمی‌دیدم و پدرم همواره می‌فرمود: پسر من حمله کن.

عرض کردم: من راهی به جلو نمی‌بینم مگر اینکه بر سر نیزه‌ها بروم.

امام علی علیه السلام خشمگین شد و فرمود: من به تو می‌گویم به پیش برو تو می‌گویی بر سر نیزه‌ها بروم. فرزندم بر خدا توکل و اعتماد کن و پیشاپیش من در برابر نیزه‌ها به پیش بیا.

۱. این پیرمرد میادین جنگ به قدری قدرت داشت که در بعضی از جنگ‌ها بچه شتر را بلند می‌کرد و آن را سپر خود می‌نمود.

۲. *خصال صدوق*، ج ۲، ص ۶۸ در این روایت به ۷۰ فضیلت اشاره شده که به ذکر تعدادی از آن‌ها اکتفا شد.

محمد حنفیه می گوید: امام پرچم را از من گرفت و به پیش تاخت و صفوف دشمن را شکافت و جلو می رفت خود را به پدرم رساندم امام پرچم را به من داد و فرمود: حرکت کن و در این لحظه بود که دانستم پدرم از من چه می خواهد.<sup>۱</sup>

### ❖ ۵۶۷. عالمی بی بدیل ❖

شخصی از امام علی علیه السلام پرسید: ما اکبر الکبائر؟<sup>۲</sup>

بزرگ ترین گناهان کبیره چیست؟

آن حضرت در پاسخ فرمود:

الا من مکر الله والیاس من روح الله والقنوط من رحمہ الله.

یعنی:

۱. خود را ایمن دانستن از عذاب مخفی خدا (عذاب مهلت دادن خدا).

۲. نومیدی از لطف خدا.

۳. ناامیدی از رحمت خدا.

انتشارات سجید نفیس

۱. الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۳۹.

۲. میزان الحکمة، ج ۳ (سؤالات متعدد و متنوع از باب علم نبی الله الاعظم، امیرالمؤمنین علیه السلام در کتابی مجزا تحت عنوان ۱۰۰۱ پرسش و پاسخ از امام علی علیه السلام جمع گردیده است که خود از علم بی کرانه آن سرور حکایت می نماید).





## فصل ششم

رسول خدا ﷺ به حضرت علیؑ فرمود:

«بخ یخ یابن ابی طالب اصحبت  
و خادمک جبرئیل...»

مرحبا! مرحبا! ای پسر ابی طالب  
تو به مقامی رسیده‌ای که جبرئیل  
خدمتکار و خادم توست...

بحار الانوار، جلد ۲۹، صفحه ۱۱۵.

رابطه امام علیؑ با ملائکه الهی







### ❖ ۵۶۸. یکه تاز میدان ایمان ❖

سلمه بن اکوع گوید: رسول خدا ﷺ با امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بقیع بودند که وقت نماز رسید وقتی خواستند مشغول نماز شوند جعفر بن ابیطالب برادر امیرالمؤمنین علیه السلام به آنها بر خورد نمود، رسول خدا ﷺ به او فرمود: برای نماز کنار برادر خود بایست. و رسول خدا ﷺ نماز خود را با علی و جعفر علیه السلام خواند چون از نماز فارغ شد به جعفر فرمود: هم اکنون جبرئیل از طرف خداوند به من خبر می دهد که خدا دو بال سبز مزین به زبرجد و یاقوت به تو عطا خواهد فرمود که با آنها هر کجا که خواستی پرواز کنی. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: من به رسول خدا ﷺ گفتم: این پاداش جعفر بود برای من چه پاداشی است؟

رسول خدا ﷺ فرمود: یا علی مگر نمی دانی خداوند کسانی را از امت من خلق نموده که تا قیامت برای تو طلب آموزش می کنند؟ علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله ﷺ آنها چه کسانی هستند؟ رسول خدا ﷺ آیه ۱۰ سوره حشر را تلاوت نمود. سپس فرمود: یا علی آیا کسی در ایمان به خدا و رسالت من از تو سبقت گرفته است؟<sup>۱</sup>

### ❖ ۵۶۹. مایه مباحات ملائکه ❖

«وروی: انّه لما نام علی فراشه قام جبرئیل عند راسه ومیکائیل عند رجليه وجبرئیل ینادی: بخ بخ من مثلك یابن ابیطالب یباهی الله تعالی بك الملائكة: روایت شده که وقتی علی علیه السلام در بستر رسول خدا ﷺ خوابید در (لیله المیبت) جبرئیل بالای سر او و میکائیل نزدیک پای او ایستادند و جبرئیل صدا زد آفرین بر تو ای پسر ابوطالب که خدا به واسطه تو بر ملائکه مباحات می کند.<sup>۲</sup>

### ❖ ۵۷۰. صاحب بهشت و دوزخ ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: هرگاه از پروردگار خویش برای من درخواستی نمودید از او

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۴۸.

۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۷۱.



وسیله بخواهید: از آن حضرت پرسیدم وسیله چیست؟ فرمود: آن نردبان و مقام و مرتبه من در بهشت است که هزار پله دارد و بین هر پله آن به اندازه یک ماه دویدن اسب فاصله می‌باشد و پله‌های آن از انواع گوهرهای گرانبه‌است پله‌ای از زبرجد (یک قسم آلومین رنگین مانند زمرد به رنگ زرد یا سبز) پله‌ای از یاقوت و پله‌ای از طلا و پله‌ای از نقره، روز رستاخیز آن را می‌آورند که در کنار نردبان سایر پیامبران برپا سازند و آن در بین نردبان‌های ایشان همچون ماه در میان اختران است و در آن روز هیچ پیغمبر و انسان نیکوکار مخلص و شهیدی نیست که نگوید خوشا به حال شخصی که این نردبان از آن اوست آن‌گاه از جانب خدا آوازی آید که آن را تمامی پیامبران و همه آفریدگان بشنوند و می‌گوید: این درجه (حضرت) محمد است و من در حالی که لباسی از نور در بر و تاج سلطنت و دیهیم بزرگواری بر سر دارم به صحرای محشر گام نهم و علی بن ابیطالب پرچم مرا که پرچم «حمد» است و نشان «لا اله الا الله المفلحون هم الفائزون بالله» معبود به حقی نیست جز خداوند یکتا رستگاران آن‌اند که به وصل خدا کامیاب شدند. بر آن نوشته شده، در پیشاپیش من برافراشته دارد هنگامی که از مقابل پیامبران بگذریم گویند این دو فرشته مقربند تا به حال اینان را نشناخته و ندیده‌ام و چون از صفوف ملائکه بگذریم گویند: این دو پیامبر مرسلند همچنان به پیش می‌رویم تا به محل نصف آن نردبان برسیم آن‌گاه من بر آن نردبان بالا روم و علی نیز از پی من آید تا بر بالاترین پله‌اش برسم و در آنجا مستقر گردم و علی یک پله پایین‌تر از من قرار گیرد و در آن روز هیچ پیغمبر و انسان نیکوکار و یا شهیدی نیست مگر آن که بگوید چه کامیابند این دو بنده خدا که تا این اندازه در پیشگاه او گرامیند آن‌گاه از طرف خدا آواز بلندی رسید که همه پیامبران و درستکاران و شهدا و ایمان آوردگان بشنوند که: این یار من محمد است و این علی ولی من است خوشا به حال آن کسی که دوستدار او بوده و وای بر کسی که کینه او را در دل پرورانده و دروغش پنداشته است.

سپس پیامبر خدا ﷺ فرمود: یا علی:

در آن روز احدی از دوستداران تو نخواهد ماند مگر این که از شنیدن این پیام شادمان و رو سفید و خشنود گردد و کسی که تو را دشمن داشته و یا نیرویی علیه تو بسیج کرده و حقی از تو را انکار نموده باشد رو سیاه و گام‌هایش لرزان گردد در این میانه دو

فرشته نزد من آیند یکی رضوان، خزانه‌دار بهشت است و دیگری مالک و انباردار دوزخ، رضوان پیش آمده گوید: درود بر تو ای محمد من در پاسخش گویم: درود بر تو ای فرشته کیستی؟ چه زیبا و معطری جواب دهد: من رضوان کلیددار بهشتم و کلیدهایی را ارائه نماید و گوید: این‌ها کلیدهای بهشت است که پروردگار گرامی برایت فرستاده است ای احمد آن‌ها را از من بستان من خواهم گفت: آن را از خدای خودم پذیرفتم و او را سپاسگزارم بر نعمتی که به سبب آن مرا ارجمند داشت آن‌ها را به برادرم علی بن ابیطالب تحویل بده (رضوان کلیدهای بهشت را به علی می‌دهد) بعد رضوان باز می‌گردد و مالک نزدیک می‌آید و می‌گوید: درود بر تو ای احمد من گویم: درود بر تو باد ای فرشته عجب زشت رو و بد منظری تو کیستی؟ گوید: من مالک سرایدار دوزخم و اینها کلیدهای جهنم است من گویم: آن‌ها را به علی برادرم بده و بعد مالک باز می‌گردد آن‌گاه علی می‌آید تا به درب زندان جهنم می‌رسد آنجا توقف می‌کند جرقه‌ها و توده‌هایی از آتش آن به هوا پرتاب می‌شود و شعله‌اش بالا آمده آژیر وحشتناکی می‌کشد حرارتش تندتر می‌شود و علی مهار آن را می‌گیرد پس جهنم به او می‌گوید: یا علی مرا واگذار و بگذر که نسیم نور تو شراره سرکش مرا خاموش کرد علی علیه السلام می‌فرماید: آرام گیر ای دوزخ این کس را بگیر این دیگر را رها کن دشمن مرا بگیرد و دوستم را رها کن و جهنم در آن روز برای علی از برده هر یک از شما برای آقای خود فرمانبرتر است اگر بخواهد آن را به چپ و راست می‌کشانند دوزخ در آن هنگام از تمامی مخلوقات از علی علیه السلام بیشتر فرمانبرداری می‌کند و هرچه به او فرمان دهد اجرا می‌نماید.<sup>۱</sup>

### ۵۷۱. همراه علی علیه السلام در غسل پیامبر

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «... والله لم اخالف رسول الله صلى الله عليه وسلم قط ولم اعصه في امر قط اقيه بنفسي في المواطن التي تنكص فيها الابطال وترعد منها الفرائض بقوة اكرمني الله بها فله الحمد ولقد قبض النبي صلى الله عليه وسلم وان راسه لفي حجري ولقد وليت غسله بيدي ثقلبه الملائكة المقربون معي...»؛  
یعنی: به خدا سوگند من هرگز با رسول خدا صلى الله عليه وسلم مخالفت نوریذم و هرگز در کاری از وی سر نییچیدم جان خود را در مواردی سپردم او ساختم که زورمندان و شجاعان از آن

۱. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۲۶۹ - ۲۷۳.



عقب می‌نشستند و بندهای بدن‌ها از آن می‌لرزید، البته به نیرویی بود که خداوند به من کرامت نموده بود، بر این بخشش او را سپاس می‌گزارم و پیامبر ﷺ در حالی قبض روح شد که سر مبارکش در دامن من بود و خودم با این دستهایم غسل او را به عهده گرفتم و فرشتگان مقرب الهی در این کار یاریم می‌دادند...<sup>۱</sup>

### ۵۷۲. سرور دل آسمانیان

رسول خدا ﷺ فرمود:

وقتی مرا به آسمان بالا بردند و به سدره‌المنتهی رسیدم ندائی به من رسید که، ای محمد سفارش مرا به نیکی درباره علی بپذیر.

«فانه سید المسلمین وامام المتقین وقائد الغر المحجلین يوم القيامة».

او سرور مسلمین و پیشوای متقین و در قیامت پیشوای دست و پا و پیشانی سپیدانی است که در غرفه‌های بهشتی آرمیده‌اند.

### ۵۷۳. فرشته خدمتگزار

علی علیه السلام به رسول خدا ﷺ گفت: یا رسول الله دیشب من جنب شدم و برای غسل کردن به جستجوی آب رفتم ولی آب نیافتم پس حسن و حسین علیهم السلام را به جستجوی آن فرستادم آن‌ها نیز آبی نیافتند... ناگهان شنیدم که هاتفی در تاریکی صدا می‌زند «قم یا علی وخذ السطل واغتسل» یا علی برخیز و سطل آب را بگیر و غسل کن.

پس دیدم سطلی پر از آب با حوله‌ای از سندس حاضر شد سطل را گرفتم و غسل نموده و با آن حوله خود را خشکاندم و آن را بر روی سطل انداختم پس سطل به آسمان بالا رفت و از آن جره‌ای بر سر من ریخت که دل من از آن خنک شد.

پس رسول خدا ﷺ فرمود: «بخ بخ یابن ابيطالب اصبحت و خادمك جبرئيل اما الماء فمن الكوثر

واما السطل والمندیل فمن الجنة...».

یعنی: مرحبا مرحبا ای فرزند ابوطالب.

۱. امالی مفید، ص ۲۶۱.

تو به مقامی رسیده‌ای که جبرئیل خادم تو است بدان که جبرئیل به من خبر داد آن آب از کوثر بود و سطل و حوله آن از بهشت آمده بود.<sup>۱</sup>

### ۵۷۴. علی در جمع فرشتگان

امام باقر فرمود: وقتی رسول خدا قبض روح شد جبرئیل و ملائکه و روح - که اعظم ملائکه است و در شب‌های قدر فرود می‌آیند - به زمین آمدند و جبرئیل پرده از مقابل چشم امیرالمؤمنین برطرف نمود و آن حضرت صف‌های ملائکه را از زمین تا انتهای آسمان مشاهده نمود که مشغول غسل دادن رسول خدا و درود فرستادن بر آن حضرت هستند و قبر آن حضرت را حفر می‌نمایند و به خدا سوگند قبر رسول خدا را تنها فرشتگان حفر کردند و چون بدن مبارک آن حضرت با کمک ملائکه در قبر گذارده شد رسول خدا سخن گفت و پرده از مقابل گوش علی برطرف شد و شنید که رسول خدا به فرشتگان درباره او سفارش می‌کند.

پس امیرالمؤمنین گریان شد و شنید که فرشتگان به رسول خدا می‌گویند: «لا یالونه جهدا واما هو صاحبنا بعدك الا انه لیس یعایننا بصره بعد مرتنا هذه»؛ ما بعد از شما علی را تنها نخواهیم گذاشت و دشمنان به او آسیبی نمی‌توانند برسانند جز آن که او بعد از این ما را به چشم (سر) نخواهد دید...<sup>۲</sup>

### ۵۷۵. در حریم قدس

رسول خدا در حالی که به امام علی اشاره می‌کرد به عمر و ابوبکر فرمود... «ان لم تدريا فادريا هو هذا من بعدی» اگر نمی‌دانسته‌اید بدانید که بعد از من ملائکه (در شب قدر) بر این علی نازل خواهند شد...<sup>۳</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۱۱۵.

۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۴۰.

۳. نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۳۳.



## ۵۷۶. فرشتگان به چه قسم می‌خورند

در تفسیر امام عسگری علیه السلام نقل شده که فرمود: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در بین یاران خود بود و مجلس پر از جمعیت بود پس به اصحاب خود فرمود: کدامیک از شما امروز در راه خدا انفاق کرده است؟

و چون همه آن‌ها ساکت شدند علی علیه السلام گفت: امروز من از خانه خود خارج شدم و دیناری با خود داشتم که می‌خواستم با آن برای اهل خود طعامی تهیه کنم و چون مقدار را دیدم که اثر گرسنگی در صورت او ظاهر بود دینار را به او دادم.<sup>۱</sup> آن‌گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: بهشت برای تو واجب شد.

پس دیگری از اصحاب برخاست و گفت: من امروز بیش از علی علیه السلام انفاق نموده‌ام و آن این بود که هر مرد و زنی قصد سفر داشتند ولی چون هزینه سفر خود را نداشتند من دو هزار درهم به آن‌ها دادم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله ساکت شد و پاسخی به او نداد....

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کدامیک از شما امروز با نیروی خود از برادران خود دفاع کرده است؟ علی علیه السلام گفت: من یا رسول الله صلی الله علیه و آله ...

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کدامیک از شما امروز با آبروی خود از برادران خود حمایت کرده؟ علی علیه السلام گفت: من چنین کرده‌ام...

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کدامیک از شما امروز زکات مال خود را پرداخته است؟

علی علیه السلام عرض کرد: من چنین کرده‌ام...

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اتدري ما سمعت من الملاء الا علی فيك ليلة اسرى بي يا علی؟!»

سمعتهم يقسمون علی الله تعالی بك ويستقضونه حوائجهم ويتقربون الی الله تعالی بمحبتك ويجعلون اشرف ما يعبدون به الصلاة علیّ وعلیک»

یا علی! آیا می‌دانی من در شب معراج از اهل آسمان‌ها درباره تو چه شنیدم؟ از آن‌ها شنیدم که خدا را به حق تو سوگند می‌دادند و حوایج خود را طلب می‌نمودند و با محبت به تو به خدای خود تقرب می‌جستند و بهترین عبادت خود را صلوات بر من و تو می‌دانستند...

۱. برای مطالعه این بخش از ماجرا به فصل دوم از کتاب هزار و یک داستان از زندگانی امام علی علیه السلام مراجعه شود.

تا این که فرمود: من از خطیب ملائکه در بزرگ‌ترین مجالس آن‌ها شنیدم که می‌گفت: علی جامع همه خوبی‌ها و شرافت‌های انسانی است و در او خوبی‌هایی جمع شده که در دیگران پراکنده است پس صلوات و برکات و تحیات خداوند بر او باد. سپس فرمود: و از همه ملائکه آسمان‌ها و حجب و عرش و کرسی و بهشت و دوزخ شنیدم که در پایان سخن خطیب که آمین می‌گفت: آن‌ها نیز می‌گفتند: خدایا ما را به وسیله صلوات بر علی و آل پاک او پاکیزه فرما.<sup>۱</sup>

### ۵۷۷. دو نام نورانی در کنار هم

اسماء بنت عمیس نقل می‌کند که وقتی آیه: «ان تتوبا الى الله فقد صغت قلوبكما وان تظاهرا عليه فان الله هو مولاہ وجبرئیل وصالح المؤمنین الملائكة بعد ذلك ظہیر»<sup>۲</sup> نازل شد رسول خدا ﷺ به امام علی علیه السلام فرمود: «الّا ابشرك انك قرنت بجبرئیل؟!». آیا تو را بشارت بدهم که نام تو با نام جبرئیل قرین شده است سپس این آیه را قرائت نمود و فرمود: «تو و مؤمنان از اهل بیت تو صالحان و شایستگان از مؤمنان هستید»<sup>۳</sup>.

### ۵۷۸. سلام فرشته بر علی علیه السلام

حذیفه گوید: پیامبر روزی به من فرمود: ای حذیفه این شخصی را که با من برخورد کرد دیدی؟  
عرض کردم: آری رسول خدا ﷺ.  
فرمود: او فرشته‌ای است که پیش از این ساعت به زمین نیامده بود از خداوند اجازه خواسته که (به زمین فرود آید) و بر علی سلام دهد و خداوند او را اجازه فرمود: او آمد و سلام داد.  
او به من نیز بشارت داد که حسن و حسین دو سرور جوانان بهشتی هستند و فاطمه سرور زنان اهل بهشت است.<sup>۴</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۸، حدیث ۲۱.

۲. تحریریم / ۴.

۳. ینابیع المودة، ص ۹۳.

۴. امالی مفید، ص ۳۴.





❖ ۵۷۹. دو گل در محفل فرشتگان ❖

روزی رسول خدا ﷺ نشسته بود اُمّ ایمن وارد شد و در زیر چادر و روپوش خود چیزی داشت رسول خدا ﷺ فرمود: ای اُمّ ایمن! در زیر عبای خود چه داری؟ اُمّ ایمن گفت: ای رسول خدا!

دختر شخصی را تزویج کردند و بر او نثار کردند (نقل یا گل بر سر عروس ریختند) و من مقداری از نثار او را برداشتم و پس از آن اُمّ ایمن گریه کرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: چرا گریه می کنی؟ اُمّ ایمن گفت: فاطمه را تو تزویج کردی و چیزی بر او نثار نکردی رسول خدا ﷺ فرمود: گریه مکن! سوگند به آن کسی که مرا به حق پیامبر بشیرو نذیر قرار داده است که بر تزویج فاطمه جبرئیل و میکائیل و اسرافیل در میان هزاران نفر از فرشتگان حضور داشتند و خداوند از درخت طوبی و از در و زمرّد و یاقوت و عطر خود بر آنها (علی و فاطمه) نثار کردند و آن فرشتگان بقدری از آن نثارها برداشتند که ندانستند با آن چه کار کنند و خداوند طوبی را به عنوان مهریه فاطمه به فاطمه بخشید و طوبی در خانه علی بن ابیطالب است.<sup>۱</sup>

❖ ۵۸۰. دوست برگزیده خدا ❖

جابر جعفی از امام باقر ﷺ از جابر بن عبدالله انصاری روایت کند که گفت: جبرئیل بر پیامبر ﷺ فرود آمد و گفت: خداوند ترا دستور فرمود: در یک سخنرانی برای یارانت فضیلت و برتری علی بن ابیطالب ﷺ را بیان کنی تا آن را از جانب تو به آیندگان خود برسانند و تمامی فرشتگان را دستور داده تا به آنچه می فرمایی گوش فرا دهند.

و خداوند به تو وحی فرستاده که هر کس درباره او با تو مخالفت ورزد در آتش خواهد بود و هر کس در این زمینه تو را فرمان برد در بهشت خواهد بود.

رسول خدا ﷺ فرمود: تا بانک دهند همگی جمع شوند وقتی همه جمع شدند پیامبر بر منبر آمد و فرمود: «از شیطان رانده شده به خدا پناه می برم بسم الله الرحمن الرحیم: ای مردم! منم بشارت دهنده و منم پیامبر امّی من از سوی خداوند پیامی برای شما مردم دارم درباره کسی که گوشتش از گوشت من خونش از خون من است و او گنجینه علم

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۱۱.

من است و او کسی است که خداوند وی را از میان این امت برگزیده و انتخاب نموده و دوست خود گرفته و هدایتش فرموده است و من و او را از یک سرشت آفریده پس مرا به رسالت برتری داده و او را به تبلیغ من افزونی بخشیده مرا شهر علم قرار داده و او را در آن و او را خزینه دار دانش من و آن کسی که احکام از او دریافت شود جانشین مخصوص من قرار داده و امرش را آشکار نموده و از دشمنی با او بیم داده و دوستیش را واجب شمرده.

و تمام مردم را به فرمان برداری از او دستور فرموده است، خداوند متعال می فرماید: (هر کس او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته و هر کس دوستش بدارد مرا دوست داشته و هر کس با او ستیز کرده... هر کس او را بیازارد مرا آزرده و هر کس به او کینه ورزد به من کینه ورزیده... و هر که رضای او را جوید مرا راضی ساخته و هر کس مقامش را پاس بدارد مقام مرا پاس داشته... و هر کس به او نیرنگ کند به من نیرنگ زده).

ای مردم! آنچه را به شما امر می کنم بشنوید و فرمان برید که من شما را از عذاب خدا بیم دهم... آن گاه دست امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفت و فرمود: ای مردم! این شخص سرپرست مؤمنان و کشته کافران و حجت خدا بر جهانیان است، خداوندا من ابلاغ کردم و پیام را رساندم.

اینان بندگان تو هستند و تو بر اصلاح آنها توانایی پس به مهر و رحمت خود به صلاحشان درآور... سپس از منبر فرود آمد جبرئیل نزد او آمد و گفت: ای محمد خداوند به تو سلام می رساند و می فرماید: از این که این پیام را رساندی خدا جزای خیرت دهد به راستی که پیامهای پروردگارت را رساندی و برای امت خود دلسوزی و خیرخواهی نمودی و مؤمنان را خشنود و کافران را خشمگین ساختی.

ای محمد! همانا پسر عموی تو (علی) آزمایش خواهد شد و دیگران نیز به وسیله او مورد آزمایش قرار خواهند گرفت «و به زودی آنان که ستم کردند خواهند دانست که به کدامین سرانجام شومی دچار می شوند (شعراء ۲۲۷)»<sup>۱</sup>.

۱. املی مقبید، ص ۹۰.



### ۵۸۱. مجوز عبور

پیامبر خدا ﷺ به علی رضی الله عنه فرمودند: ای علی هرگاه روز قیامت بپا گردد من و تو و جبرئیل بر صراط می‌نشینیم و حق عبور از آنجا به هیچ کس داده نمی‌شود مگر این که برگه عبوری داشته باشد که تبرئه و رهائی او به سبب ولایت تو در آن ثبت گردیده باشد.<sup>۱</sup>

### ۵۸۲. محبوب‌تر از آن‌ها کسی نیست

روزی پیامبر اکرم ﷺ و علی و فاطمه و حسن و حسین رضی الله عنهم در محلی نشسته بودند سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به خدایی که مرا مژده دهنده مبعوث نموده سوگند که هیچ مخلوقی بر روی زمین نزد او محبوب‌تر و گرمی‌تر از ما نیست؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی برای من از اسماء خود نامی اقتباس کرده است نام او محمود و نام من محمد است برای تو نیز ای علی نامی از نام‌های خود گرفت یعنی او «علی الاعلی» است و تو را علی نامید و ای حسن نام تو را هم از یکی از اسماء خود برگرفت زیرا نام او «محسن» است و تو را حسن نام نهاد و برای تو نیز ای حسین از نام‌های خود نامی جدا کرد و او «ذوالاحسان» است و نام تو حسین و برای تو هم ای فاطمه از اسامی خود نامی در آورد نام او «فاطر» است و تو فاطمه، سپس دست به دعا برداشته و گفت: پروردگارا! تو را گواه می‌گیرم که من با کسی که با اینان موافق باشد موافقم و با هر کس که با ایشان به دشمنی برخیزد در ستیزم دوستدار آنان را دوست می‌دارم و بر دشمنشان خشمگینم دوستم با دوستشان به این جهت است که اینان از من و من نیز از آنانم.<sup>۲</sup>

### ۵۸۳. جبرئیل اسم را آورد

جابر گوید: وقتی دوران حاملگی حضرت زهرا رضی الله عنها به حسن رضی الله عنه سپری شد و نوزاد به دنیا قدم نهاد قبلاً پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده بود که او را در پارچه سپید بپیچند ولی خانم‌ها

۱. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۷۷.

۲. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۱۲۷.

نوزاد را در لباس زرد رنگی<sup>۱</sup> قنناق کردند. آن گاه فاطمه علیها السلام به همسرش گفت: یا علی برای این نوزاد نامی انتخاب فرما. امیرالمؤمنین فرمود: من در نامگذاری او بر پیامبر خدا پیشی نخواهم گرفت اندکی بیش نگذشت که پیامبر صلی الله علیه و آله آمد نوزاد را چون دسته گلی به دست گرفت و بوسه‌ای بر رخسار او زد و زبان مبارکش را به دهان او گذارد نوزاد آن را مکید، سپس روی به ایشان نموده و فرمود: مگر پیش از این به شما نگفته بودم که نوزاد را در پارچه سفید بپیچید؟

آن گاه دستور داد پارچه سفیدی آوردند و کودک را در آن پیچید و آن پارچه زرد رنگ را به دور افکند و آن گاه به گوش راست نوزاد اذان و به گوش چپش اقامه گفت، بعد رو به علی علیه السلام نمود و فرمود: نامش را چه نهاده‌اید؟ عرض کرد: منتظر شمائیم پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من هم از خداوند در نامگذاری او پیشی نمی‌گیرم خداوند به جبرئیل وحی کرد برای محمد پسری متولد شده به سوی او شو و از جانب من و خودت سلام و شاد باش ابلاغ کن و بگو چون علی از برای تو همانند هارون است نسبت به موسی بدین جهت این نوزاد را با پسر هارون هم نام کن، جبرئیل خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله شد و از جانب خدا و خود تهنیت و مبارکباد گفت و فرمان خدا که:

پسرت را همانم فرزند هارون ساز را ابلاغ نمود، پیغمبر صلی الله علیه و آله پرسید: نام پسر هارون چه بود؟

جبرئیل گفت: شبر. فرمود: زبان من عربی است. گفت: او را حسن نام کن! لذا حسن نامیده شد و چون حسین علیه السلام قدم به دنیا نهاد پیامبر صلی الله علیه و آله نزد ایشان آمد و همان کارهایی را که وقت تولد «فرزندش» حسن انجام داده بود تکرار نمود. آن گاه جبرئیل بر او نازل شد و عرض کرد: خداوند - عزوجل ذکره - تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید: چون علی نسبت به تو نظیر هارون است نسبت به موسی لذا نام این کودک را نیز به نام پسر دیگر هارون بگذار. پرسید: نامش چه بود؟ گفت: شبیر. فرمود: من عرب زبانم، گفت: او را حسین نام نه. لذا پیغمبر اسم او را حسین نهاد.<sup>۲</sup>

۱. دقت رسول خدا صلی الله علیه و آله به رنگ‌ها بسیار جالب است؛ چنانچه هم اکنون با گذشت بیش از هزار سال هم اکنون امروز به مسئله روانشناسی رنگ‌ها رو کرده و آن را مؤثر در روح و روان آدمی می‌داند و این مبحث رنگ‌ها در این علم (روانشناسی) جایگاه ویژه و عمیقی دارد.

۲. معانی‌الاصحار، ج ۱، ص ۱۳۱.



### ❖ ۵۸۴. شمشیر آسمانی ❖

امام صادق علیه السلام فرمود: شمشیر علی علیه السلام را بدین جهت «ذوالفقار» نامیدند که در میانه قبضه آن خطی به درازا بود شبیه به مهره‌های تیره کمر همان شمشیری که جبرئیل از آسمان آورد و دسته‌اش از نقره بود آن شمشیری که ندا کننده‌ای از آسمان فریاد بر آورد «لا سیف الا ذوالفقار ولا فتی الا علی»<sup>۱</sup>.

### ❖ ۵۸۵. جبرئیل او را صدا کرد ❖

روزی عرب بادیه‌نشینی نزد پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و آن حضرت با عبایی ممشق (با گل سرخی که در رنگ‌آمیزی به کار گرفته می‌شود رنگین شده) پیش وی آمد، اعرابی گفت: ای محمد! همچون جوانی نزد من آمده‌ای؟ فرمود: آری! من جوانمرد فرزند جوانمرد و برادر جوانمرد هستم. عرض کرد: ای محمد! جوانمردی خودت درست اما چگونه پسر جوانمرد و برادر جوانمردی؟ فرمود: مگر قول خداوند عزوجل را نشنیده‌ای که می‌فرماید «قالوا سمعنا فتی یذکرهم یقال له ابراهیم» گفتند: شنیدیم جوانمردی آنان را یاد می‌کند به نام ابراهیم، (انبیاء آیه ۶۰). و من فرزند ابراهیم هستم و اما برادرم جوانمرد است چون در روز جنگ احد صدا زنده‌ای از فراز آسمان فریاد بر آورد که نیست شمشیری جز ذوالفقار و نیست جوانمردی مگر علی و من برادر اویم.<sup>۲</sup>

### ❖ ۵۸۶. ذکر نام علی علیه السلام در معراج ❖

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:  
چون به آسمان برده شدم به ستونی رسیدم که در دو سر آن دو دایره موازی یکدیگر قرار داشت که بن آن از نقره سپید و میانه‌اش از یاقوت و زبرجد و بالای آن از طلای سرخ بود به جبرئیل گفتم: این چیست؟ گفت: این آیین تو است که سفید و آشکار و درخشان است. پرسیدم در میانه‌اش چیست؟  
گفت: جهاد.

۱. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۱۴۶.

۲. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۲۷۶.

سؤال کردم: پس این طلای سرخ چه می‌باشد؟ پاسخ داد: هجرت و چون علی علیه السلام (واجد همه این‌ها بود) درجه ایمان او بر ایمان همه مؤمنین برتری دارد.<sup>۱</sup>

روزی جبرئیل به پیامبر نازل گردید و عرض کرد: ای محمد! خداوند تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید: من آتش جهنم را ممنوع ساختم بر پشتی که تو را آورد و شکمی که تو را حمل کرد و دامنی که سرپرست تو گردید. فرمود: ای جبرئیل این را برایم توضیح بده؟ جبرئیل گفت: اما پشتی که تو را آورد عبدالله فرزند گرامی عبدالمطلب است و شکمی که تو را حمل کرد آمنه دخت وهب می‌باشد و دامنی که تو را سرپرستی نمود ابوطالب پسر عبدالمطلب و فاطمه دختر اسد می‌باشد.<sup>۲</sup>

### ۵۸۷. همنوا با صوت علی کیست؟

انس به مالک گوید: در آن ماه رمضان که علی علیه السلام شربت شهادت نوشید در خدمتش بودم پسرش حسن علیه السلام را احضار کرد و به او فرمود: ای ابامحمد! بالای منبر برو و خداوند را فراوان حمد و ثنا گوی و بهترین یاد از جدت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بنما و بگو:

لعنت خدا بر فرزندی باد که والدینش از او ناراضی شوند و این جمله را سه بار تکرار نما! لعنت خدا بر برده‌ای که از آقای خود فرار کرده است و خداوند از رحمت خود دور گرداند گوسفندی را که از صاحب خود دور افتد و از منبر فرود آید! امام حسن فرمان پدر را انجام داد چون سخنرانی او به پایان رسید و به زیر آمد مردم دور او گرد آمدند و گفتند: ای فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام، زاده دخت پیامبر، مقصودت از این چند جمله کلی چه بود؟ ما را آگاه ساز! فرمود: پاسخ بر عهده امیرالمؤمنین است به خدمت امیرالمؤمنین آمدند فرمود: زمانی در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودم که نمازی را خوانده بودم دست راست خود را به دست من زده و آن را کشید و محکم به سینه مبارک خود چسبانید آن‌گاه به من فرمود ای علی گفتم: بلی! یا رسول الله. فرمود: من و تو دو پدر این امت هستیم خدا لعنت کند شخصی را که موجب ناخشنودی ما گردد. بگو «آمین». گفتم: آمین خدایا مستجاب گردان، بعد فرمود: من و تو دو مولای این امتیم خدا لعنت کند آن کس را که فرار کند

۱. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۲۶۵.

۲. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۳۱۸.



از ما، بگو: آمین. گفتم: آمین. سپس فرمود: من و تو سرپرست این امتیم خدا دور گرداند از رحمتش فردی را که از ما فاصله بگیرد بگو: آمین. گفتم: آمین. امیرالمؤمنین فرمود: صدای دو گوینده را شنیدم که همنوا با من می‌گفتند: آمین. به پیغمبر خدا عرض کردم: این دو که با من آمین گفتند: چه کسانی بودند؟ فرمود: جبرئیل و میکائیل بودند.<sup>۱</sup>

### ۵۸۸. علی چه کسی است؟

علی کسی است که چشمه‌های بهشت از زیر قدم‌های او جاری می‌شود و نقطه زیر بام بسم‌الله الرحمن الرحیم، او روشنایی بهشت است و او کسی است که هزار کتاب از کتب انبیاء نزد اوست و نامش در صحف جمیع انبیاء آمده و عیسی روح‌الله به ولایت او مرده را زنده کرد و کسی است که جمیع حوادث را از ازل تا صبح قیامت می‌داند و اسامی دوزخیان و بهشتیان نزد اوست.

و اوست که فرمود: «انا اقمتم السماوات السبع بنور ربی و قدرته»؛ من آنم که آسمان‌های هفتگانه را به نور و قدرت پروردگارم به پا داشتم.<sup>۲</sup>

### ۵۸۹. اسم عرشی

وقتی امام علی علیه السلام به دنیا آمد فاطمه بنت‌اسد دوست داشت اسم فرزندش را به نام پدر خود اسد بگذارد ولی حضرت ابوطالب بدین اسم راضی نبود و به فاطمه گفت: بیا با هم در شب تاریک از کوه ابوقبیس بالا رویم و خداوند را بخوانیم تا خودش ما را از این اسم آگاهی دهد چون شب فرا رسید هر دو از منزل خارج شدند و از کوه قبیس بالا رفتند و هر دو خدا را خواندند و حضرت ابوطالب این ابیات را انشاء کرد.

«یارب یا ذالغسق الدجی والفلق المبتلج المضی  
بین لنا عن امرک المغضی بما نسّمی ذلک الصبی»

۱. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۲۷۵ - ۲۷۴.

۲. خطبه‌البیان، بحرالمعارف.

یعنی: ای پروردگار من ای صاحب این شب تار و ای صاحب صبح روشن از امر خود که در قضای تو گذشته ما را مطلع فرما که نام این پسر را چه بگذاریم. در این حال صدای خش خشی بالای سر آن‌ها در آسمان پیدا شد ابوطالب سر خود را بلند کرد دید لوحی سبز فام است مثل زبرجد و در او چهار سطر نوشته شده با دو دست خود او را گرفته، محکم به سینه خود چسبانید در روی آن لوح نوشته بود.

وَالطَّاهِرِ الْمُنْتَجِبِ الرَّضِيِّ وَاصْمَةَ مِنَ الْوَالِدِ الرَّضِيِّ

وَأَسْمَةَ مِنْ قَاهِرٍ عَلِيٍّ عَلِيُّ اشْتَقَّ مِنَ الْعَلِيِّ

یعنی: من شما دو نفر را اختصاص دادم به یک فرزند پاکیزه و طاهر و اختیار شده و پسندیده و اسم او را از مقام رفیع و با عظمت، علی گذاردم که علی مشتق از اسم خودم اعلی است.

ابوطالب بسیار مسرور شد و سجده نمود و ده شتر عقیقه کرد و این لوح را در خانه کعبه آویزان نمود و بنی‌هاشم به او فخر می‌نمودند تا زمان هشام بن عبدالملک که حجاج با ابن زبید جنگ کرد و آن لوح غایب شد.<sup>۱</sup>

### ۵۹۰. همنشین فرشتگان در شب قدر

مردی به امام محمدتقی علیه السلام عرض کرد: پسر پیامبر بر من خشم مکن. امام فرمود: برای چه چیزی؟ عرض کرد: برای آنچه می‌خواهم از شما بپرسم. فرمود: بگو عرض کرد: خشم نمی‌کنی. فرمود: خشم نمی‌کنم. عرض کرد: بفرمائید این که راجع به شب قدر معتقدید که فرشتگان و جبرئیل به سوی اوصیاء نازل می‌شوند آیا برای آن‌ها امری می‌آورند که پیغمبر صلی الله علیه و آله آن را نمی‌دانسته یا امری را می‌آورند که پیغمبر صلی الله علیه و آله آن را می‌دانسته است با آن که شما می‌دانید که چون پیغمبر صلی الله علیه و آله وفات کرد علی صلی الله علیه و آله تمام علوم او را فرا گرفته بود امام فرمود: ای مرد مرا با تو چکار است چه شخصی تو را نزد من آورد؟

عرض کرد: سرنوشت مرا برای طلب این نزد شما آورد.

فرمود: پس آنچه را به تو می‌گویم خوب بفهم همانا چون رسول خدا صلی الله علیه و آله را به معراج

۱. غایة المهرام سید هاشم بحرانی، ص ۱۳ - مودة القربی شیخ سلیمان قندوزی.





بردند فرود نیامد تا این که خداوند علم گذشته و آینده را به او آموخت و مقدار زیادی از آن علم مجمل و سر بسته بود که تفسیر و توضیحش در شب قدر می آمد، علی بن ابیطالب علیه السلام نیز هم مانند پیغمبر صلی الله علیه و آله بود علوم مجمل را می دانست و تفسیرش در شب های قدر می آید. مانند آنچه برای پیغمبر صلی الله علیه و آله بود، عرض کرد: یابن رسول الله مگر در آن علوم مجمل و سر بسته تفسیری نبود؟

امام فرمود: چرا ولی در شب های قدر از طرف خدای تعالی به پیغمبر صلی الله علیه و آله نسبت به آنچه می داند دستور می آید که چنین و چنان کن و در آن شب دستور می گیرند که نسبت به آنچه می دانند چگونه رفتار کنند.<sup>۱</sup>

### ۵۹۱. جلوه جبرئیل در غدیر خم

عمر بن خطاب گفت: «نصب رسول الله صلی الله علیه و آله علیا علما»؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله علی را تعیین و نصب کرد، او را به راهنمای امت بعد از خود، به مولایی جامعه معرفی نمود. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از دعا درباره دوستان و دشمنان آن حضرت عرض کرد: «اللهم انت شهیدی علیهم» خدایا تو گواه منی بر ایشان.

در آن هنگام جوانی زیبا و با حسن صورت و بوی خوش پهلوی من نشست بود او به من گفت: «لقد عقد رسول الله عقدا لا یحلّه الا المنافع فاحذر ان تحلّه».

یعنی: عهد بست پیامبر عهدی محکم که نمی شکند این عهد را مگر منافق پس حذر کن ای عمر که تو ناقض این عهد محکم باشی.

سپس عمر می گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم وقتی شما درباره علی سخن می گفتید پهلوی من جوان خوش رو و خوشبوئی بود و با من چنین گفت: حضرت فرمود: «انه لیس من ولد آدم لکنه جبرئیل اراد ان یوگد علیکم ما قلته فی علی علیه السلام».

یعنی: او از اولاد آدم نبود بلکه جبرئیل امین بود که به این صورت جلوه گر شد تا تأکید کند بر شما آنچه را که من گفتم درباره علی.<sup>۲</sup>

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۶۸.

۲. مودة القربی، فصل ۵.

## ❖ ۵۹۲. عهد الهی ❖

«انزل الله جل وعلا صلى الله عليه وآله من السماء كتابا مسجلا نزل به جبرئيل مع امناء الملائكة»؛  
یعنی: جبرئیل با امناء ملائکه کتاب مسجلی از طرف خداوند برای رسول خدا ﷺ آورد  
سپس عرض کرد: اشخاصی که در نزد شما حاضرند از مجلس خارج شوند مگر وصی  
شما تا کتاب وصیت را تقدیم کنم.

«فامر رسول الله من عنده في البيت بالخروج ما خلا امير المؤمنين وفاطمة والحسن والحسين»  
فقال جبرئيل يا رسول الله...».

پس امر فرمود: رسول خدا ﷺ به حاضرین که همگی از حجره بیرون روند به استثناء  
علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام.

آن گاه جبرئیل عرض کرد: خداوند به شما سلام می‌رساند و می‌فرماید: این  
عهدنامه‌ایست که با تو پیمان بستم و ملائکه الهی گواهی دادند.

(کلام جبرئیل که به اینجا رسید) بدن آن حضرت به لرزه در آمد و فرمود او سلام  
است و از او است سلام و به طرف او است بازگشت سلام، آن گاه آن کتاب را از جبرئیل  
گرفت و به علی علیه السلام داد... سپس فرمود: این عهد پروردگار من است به سوی من و امانت  
من و امانت اوست همانا رساندم و ادا نمودم پیام خداوند را امیرالمؤمنین علی علیه السلام عرض  
کرد: منمهم شهادت می‌دهم با گوش و چشم و گوشت و خون خود، پدر و مادرم فدای  
تو باد.

آن گاه حضرت به امام علی علیه السلام فرمود: این وصیت من است از طرف خداوند آن را  
قبول کن و ضمانت کن برای خداوند تبارک و تعالی...

علی علیه السلام عرض کرد: به ضمانت قبول نمودم و بر خداوند است که مرا یاری کند.  
و در آن کتاب شرط شده بر امام امیرالمؤمنین که: دوستی با دوستان خدا و دشمنی  
با دشمنان خدا و بیزاری از آنها...

آن گاه جبرئیل و میکائیل و ملائکه مقربین را بر امیرالمؤمنین شاهد و گواه گرفت  
و به حسن و حسین و فاطمه رسانید آنچه را به علی رسانیده بود و تمام وقایع را برای  
آن‌ها شرح داد سپس آن را مهر کرد به مهرهایی از طلا که آتش ندیده و آن را به امام  
علی علیه السلام داد.



### ❖ ۵۹۳. یاوران علی در جنگها ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «ما بعث علی فی سرّیة الا رایت جبرئیل عن یمینه و میکائیل عن یساره و السحابة تظله حتی یرزقه الله الظفر».

علی به هیچ جنگی تنها فرستاده نشد مگر دیدم جبرئیل از راست و میکائیل از طرف چپ او، ابری سایه بر او افکنده تا آنکه فتح و پیروزی نصیب او می‌گردید.<sup>۱</sup>

### ❖ ۵۹۴. خدا او را بیشتر از من دوست دارد ❖

عبدالله بن عباس می‌گوید: روزی با پدرم عباس خدمت رسول خدا ﷺ نشستیم بودیم علی وارد شد و سلام کرد آن‌گاه پس از رد سلام رسول خدا از جا برخاست و علی را در آغوش گرفت و بین دو چشمش را بوسید و در طرف راست خود نشاند. پدرم عباس عرض کرد: یا رسول الله آیا او را دوست می‌داری؟ حضرت فرمود:

«والله والله أشد حبا له منی» یعنی! به خدا قسم محبت و دوستی خداوند به او بیشتر از من است.<sup>۲</sup>

### ❖ ۵۹۵. آدمی زادی در ابعاد خدا ❖

جنبی گوید: از امیرالمؤمنین ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «انا عین الله و انا ید الله و انا جنب الله و انا باب الله».

منم چشم خدا، منم دست خدا، منم جنب خدا (یعنی به خدا نزدیکم و مردم باید از ناحیه من به خدا نزدیک شوند) منم باب خدا (هر که معرفت و خشنودی خدا را می‌طلبد باید از طریق من داخل شود).<sup>۳</sup>

۱. کفایة الطالب، محمد بن یوسف گنجی شافعی باب ۲۷.

۲. کفایة الطالب، باب ۷.

۳. کافی، ج ۱، ص ۱۹۹.

### ۵۹۶. باعث بعثت انبیاء

روزی رسول خدا ﷺ به عبدالله بن عباس فرمود: یا عبدالله! جبرئیل به نزد آمد و گفت: یا محمد! «وَسئَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مَنْ رَسَلْنَا عَلَىٰ مَا بَعَثُوا؟!»  
ای پیامبر ﷺ از رسولان گذشته و پیامبران پیشین از رسالتی که بر آن مبعوث شدند پرس تا بیان کنم؟  
به جبرئیل گفتم: انبیای گذشته بر چه رسالتی مبعوث و مأمور شدند؟  
گفت: بر ولایت تو و ولایت علی بن ابی طالب ﷺ مبعوث شدند؟<sup>۱</sup>

### ۵۹۷. همیشه همراه او جبرئیل بود

در همه جنگ‌های امام علی ﷺ و مکائیل در سمت چپ و راست (به فصل فضایل اختصاصی امام علی ﷺ در این کتاب مراجعه شود) امام علی ﷺ می‌جنگیده‌اند و در حین غسل دادن، رسول خدا ﷺ نیز کمک امام کردند، جنگ احد و گفتار جبرئیل (لافتی الاعلی) نمونه‌ای از آنهاست و حتی در شب تشییع بدن مطهر و معطر آن امام قسمت جلوی تابوت امام مظلوم ما، در دستان جبرئیل و ملائکه الهی بوده است و همه مردم صدای جبرئیل را پس از ضربت خوردن امام شنیدند که فرمود: ارکان دینتان خراب شد در همین کتاب نیز داستانی آورده شده که امام بر دوش جبرئیل در آسمان‌ها سیر کرده است.<sup>۲</sup>

### ۵۹۸. جبرئیل در مراسم عقد علی

امام حسین ﷺ می‌فرماید: زمانی که رسول خدا ﷺ در خانه ام سلمه بود صرصائل (یکی از فرشتگان الهی) نزد پیامبر آمد و عرض کرد: یا رسول الله نور را به عقد نور درآور. رسول خدا ﷺ فرمود: چه کسی را برای چه کسی؟

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۵۵.

۲. برای مطالعه در این خصوص به داستانهای شماره ۱۲۰ - ۱۵۲ و.. در کتاب ۱۰۰۱ داستان از زندگانی امام علی ﷺ مراجعه شود.



عرض کرد: دختری فاطمه را برای علی بن ابیطالب، سپس پیامبر در حضور جبرئیل و میکائیل و صرصائیل فاطمه را به عقد علی در آورد.<sup>۱</sup>

### ❖ ۵۹۹. تابوت امام علی بر دوش جبرئیل ❖

محمد حنفیه می گوید: چون برادرانم مشغول غسل پدر شدند امام حسین آب می ریخت و امام حسن غسل می داد و احتیاجی به این نبود که کسی بدن مطهر و معطر را جابه جا کند بلکه بدن پدرم هنگام غسل، خود از این سو به آن سو می شد و بوئی خوشتر از مشک و عنبر از بدن مطهرش به مشام می رسید چون کار غسل تمام شد امام حسن فرمود: ای خواهرم حنوط جدم رسول خدا را بیاور آن گاه زینب حنوط باقی مانده ای که سهم امام بود را آورد و آن همان کافوری بود که جبرئیل آن را از بهشت برای پیامبر و فاطمه و امام علی آورده بود.

وقتی حنوط پدرم را باز کردند شهر کوفه از بوی خوش آن معطر شد آن گاه پدرم را در پنج جامه کفن کردند و در تابوت نهادند و بر اساس وصیت پدرم حسنین عقب تابوت را برداشتند و جلوی تابوت را (جبرئیل و میکائیل آن هم رزمان امام در میادین جنگ) برداشتند و به جانب نجف شتافتند بعضی از مردم می خواستند بدنبال تابوت آیند که امام حسن آن ها را به مراجعت فرمان داد و برادرم امام حسین می گریست و می گفت: «لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم» ای پدر بزرگوار پشت ما را شکستی من گریه را از جهت تو آموخته ام.<sup>۲</sup>

### ❖ ۶۰۰. باب علم و باب وحی ❖

ظریفی می فرمود از کسی پرسیدند: جبرئیل چند بار بر پیامبر نازل شد گفت: ۱۲۰۰۰ بار و در ادامه تأکید کرده بود که جبرئیل به علی ۲۴۰۰۰ بار وارد شده است بعد دلیل ادعای خود را این چنین اظهار داشته بود که پیامبر اکرم فرمود: من شهر علم و علی

۱. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۲۳، حدیث ۳۱.

۲. منتهی الامال، فصل زندگی امام علی.

باب آن پس برای ورود باید از درب وارد شد و از درب خارج شد به این جهت جبرئیل بر علی علیه السلام ۲۴۰۰۰ بار وارد شده است.

لذا می‌بینیم در روایات یکی از القاب امام علی علیه السلام معلم جبرئیل است مضافاً این که جبرئیل و میکائیل در جنگ‌های حضرت در سمت چپ و راست امام می‌جنگیده‌اند.<sup>۱</sup>

### ۶۰۱. استاد جبرئیل علی علیه السلام است

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود و جبرئیل در نزد او بود حضرت امیر علیه السلام وارد شد جبرئیل برای احترام حضرت امیر به تمام قامت برخاست رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای این جوان بر می‌خیزی؟

عرض کرد: یا رسول‌الله! علی بر من حق استادی دارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن چگونه بوده است؟ جبرئیل عرض کرد: یا رسول‌الله صلی الله علیه و آله چون خداوند متعال مرا آفرید از من سؤال کرد که: تو کیستی و نام تو چیست و من کیستم و نام من چیست؟

من در جواب متحیر بودم و در آن حال این جوان در عالم انوار حاضر شد و به من

گفت: بگو: «انت ربی الجلیل وانا العبد الذلیل واسمی جبرئیل».

یعنی: تو رب جلیلی و من بنده ذلیل هستم و اسمم جبرئیل است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای جبرئیل عمر تو چقدر است؟ عرض کرد: یا رسول‌الله ستاره‌ای از عرش هر سی هزار سال یک مرتبه طالع می‌شود و من آن ستاره را سی هزار مرتبه دیده‌ام.<sup>۲</sup>

### ۶۰۲. صدای تسلیت ملکوتیان

محمد حنفیه می‌گوید: شبی که تابوت پدرم را از کوفه به نجف حرکت می‌دادیم به خدا سوگند من می‌دیدم که جنازه آن حضرت بر هر دیوار و یا خانه‌ای و یا درختی که می‌گذشت آن‌ها خم می‌شدند و خشوع می‌کردند وقتی تابوت به موضع قبر رسید فرود

۱. خطبه ۲۰۸.

۲. حمله‌ها و جنگ‌های حضرت امیر علیه السلام، ص ۲۰۲.



آمد و امام حسن علیه السلام با جماعت همراه بر آن حضرت نماز خواند و هفت تکبیر گفت و بعد از نماز جنازه را برداشتند و موضع را حفر کردند که ناگاه قبر از پیش ساخته‌ای نمایان شد و چون خواستند پدرم را داخل قبر نمایند صدای هاتفی<sup>۱</sup> شنیدم که می‌گفت: فرو برید او را به سوی تربت طاهر که حبیب به سوی حبیب خود مشتاق گردیده است و نیز منادی صدا زد که حق تعالی شما را صبر نیکو کرامت فرماید در مصیبت سید شما و حجت خدا بر خلق خویش.<sup>۲</sup>

### ۶۰۳. پاران تر از جبرئیل

جمعیت زیادی در محضر امام علی علیه السلام بودند علی علیه السلام رو به آن‌ها کرد و فرمود: «سلونی قبل ان تفقدونی سلونی عن علم السماء فانی اعلمها زقاقا و ملکا و ملکا»؛ قبل از آن که از میان شما بروم از من مسائل خود را بپرسید، سؤال کنید از من در مورد خبرهای آسمان چرا که من به کوچه‌ها و راه‌ها و به فرد فرد فرشتگان اهل آسمان آگاهی دارم و در جایی دیگر فرمود: «سلونی عن اسرار الغیوب فانی وارث علوم الانبیاء والمرسلین»؛ درباره اسرار غیب از من بپرسید که من میراث‌دار دانش‌های پیامبران و رسولان هستم مردی از حاضران گفت: ای پسر ابوطالب آن گونه که ادعا می‌کنی بگو بدانم در این لحظه جبرئیل در کجاست؟

امام علی علیه السلام اندکی سرش را پایین انداخت و در اسرار فرو رفت و سپس سر بلند نمود و فرمود: همه آسمان‌ها را گشتم جبرئیل را در آنجا نیافتم، گمانم ای پرسنده، جبرئیل خودت هستی؟ پرسنده گفت: «بخ بخ من مثلك یابن ابیطالب وربك یباهی بك الملائكة»؛ مرحبا به تو، کیست مثل تو ای پسر ابوطالب که پروردگارت به وجود تو به فرشتگان مباحثات می‌کند.<sup>۳</sup>

۱. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را پیش از طلوع دفن کردند.

۲. منتهی الامال.

۳. احقاق الحق، ج ۷، ص ۶۳۱.

## ۶۰۴. فرشتگان خدمتکار ما هستند

امام رضا<sup>علیه السلام</sup> از پدران بزرگوارش و آنان از حضرت علی<sup>علیه السلام</sup> نقل می‌فرمایند که رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> فرمود: خدای تعالی آفریده‌ای از من برتر نیافرید و هیچ آفریده‌ای نزد خدای تعالی از من گرمی‌تر نیست علی<sup>علیه السلام</sup> می‌گوید: من عرض کردم: یا رسول الله<sup>صلی الله علیه و آله</sup> آیا تو برتری یا جبرئیل؟

فرمود: یا علی! همانا که خدای تبارک و تعالی پیامبران مرسلش را بر فرشتگان مقربش برتری داد و مرا بر همه پیامبران و مرسلین برتری بخشید و پس از من برتری از آن تو و امامان پس از تو است و همانا که فرشتگان خدمتگزاران ما و خدمتگزاران دوستان ما هستند.

ای علی! آنان که حاملان عرشند و آنان که در گرد عرش‌اند به ثنای پروردگارشان تسبیح می‌گویند و از برای کسانی که به ولایت ما ایمان آورده‌اند آمرزش می‌طلبند، ای علی اگر ما نبودیم خدای تعالی نه آدم<sup>علیه السلام</sup> را می‌آفرید و نه حوا را و نه بهشت و دوزخ را و نه آسمان و زمین را، پس چگونه ما برتر از فرشتگان نباشیم و حال آن که ما پیش از آنان پروردگار خود را شناختیم و او را تسبیح گفتیم و تهلیل و تقدیس کردیم زیرا نخستین چیزی که خدای تعالی آن را آفرید ارواح ما بود...!

## ۶۰۵. جای جبرئیل می‌نشیند!

علی<sup>علیه السلام</sup> می‌فرماید: روزی رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> در بستر بیماری بود که من به قصد عیادت حضرتش رفته بودم در آنجا مردی را حضور پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> دیدم که از حیث حسن و جمال بی‌نظیر بود آن مرد سر مبارک پیامبر خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> را در دامن خود داشت و پیامبر نیز خواب بود وقتی من داخل شدم آن مرد مرا به نزد خود خواند و گفت: نزدیک عموزاده خود شو که تو از من بر او سزاوارتری! علی<sup>علیه السلام</sup> می‌فرماید: جلو رفتم و آن مرد برخاست و جای خود را به من داد و رفت من نشستم و سر مبارک رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> را در دامن خود گرفتم، ساعتی گذشت پیامبر خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> بیدار شد و از من پرسید: مردی که سر بر دامن او داشتم کجا رفت؟ عرض کردم: وقتی من داخل شدم جایش را به من داد و رفت.

۱. عیون الاخبار الرضا<sup>علیه السلام</sup>، ج ۱، ص ۲۶۶.





حضرت فرمود: او را شناختی؟ عرض کردم: نه پدر و مادرم فدای شما. حضرت فرمود: او جبرئیل بود من سر بر دامن او نهاده بودم و به سخنانش گوش می‌دادم تا این که دردم سبک شد و خواب بر چشمانم غلبه کرد.<sup>۱</sup>

### ❖ ۶۰۶. جبرئیل با او معامله می‌کند ❖

روزی علی علیه السلام وارد خانه خود شد و دید حسن و حسین نزد فاطمه زهرا علیها السلام گریه می‌کنند.

حضرت سؤال کرد: چرا روشنایی چشمان من و میوه دل و سر و جان من می‌گیرند؟ فاطمه زهرا علیها السلام گفت: اینها گرسنه‌اند و یک روز است که چیزی نخورده‌اند! علی علیه السلام پرسید: پس این دیگ بر سر آتش چیست؟

گفت: در دیگ تنها آب است که برای دل خوشی فرزندانم بر سر آتش نهاده‌ام! علی علیه السلام دلتنگ شد عبایی داشت به بازار برد و فروخت و با شش درهم آن خوراکی تهیه کرد و آن گاه به سوی خانه باز می‌گشت که فقیری به حضرت گفت: آیا کسی در راه خدا وام می‌دهد که چند برابر گردد؟ علی علیه السلام همه آن خوراکی را به او داد و چون به خانه رسید فاطمه علیها السلام پرسید: یا علی! توفیق یافتی و چیزی آماده کردی؟ گفت: آری! لیکن همه آن را به بینوایی دادم. فاطمه علیها السلام گفت: چه خوب کردی تو همیشه توفیق کار خیر می‌یابی!

علی علیه السلام برگشت تا برای نماز به مسجد رود در راه کسی را دید که گفت: یا علی این شتر را من می‌فروشم. علی علیه السلام گفت: من فعلاً پولی ندارم. آن شخص گفت: به تو فروختم تا هر وقتی که پولی به تو رسید به من باز دهی! علی علیه السلام آن شتر را به ۶۰ درهم خرید و حرکت کرد که ناگهان شخص دیگری رسید و عرض کرد: یا علی! این شتر را به من بفروش. علی علیه السلام گفت: فروختم به چه قیمتی می‌خری؟ گفت: ۱۲۰ درهم. علی علیه السلام شتر را داد و پول را گرفت و نیمی از آن را به برگشت وام و نیم دیگر را به کار خود برد، در این وقت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و ماجرا را از علی علیه السلام شنید و فرمود: فروشنده جبرئیل و خریدار میکائیل بود و این آن وامی بود که به آن فقیر بخشیدی.<sup>۲</sup>

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۲۷۰.

۲. کشف الاسرار، ج ۱، ص ۶۶۲.

### ۶۰۷. زمان ظهور نبوت رسید

پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: هنگام ولادت علی علیه السلام جبرئیل بر من نازل شد و چنین پیام آورد.

«ای حبیب خدا! خداوند علی اعلی بر تو سلام می رساند و برای ولادت برادرت علی به تو تبریک می گوید و می فرماید: اکنون زمان ظهور نبوت تو و اعلام وحی تو و پرده برداری از رسالت تو نزدیک شده است چرا که تو را به برادرت و وزیرت و دامادت و جانشینت مؤید داشته ام کسی که با او کمر تو را محکم نمودم و ذکر تو را علنی ساختم». اکنون برخیز و به استقبال او برو و او را با دست راست در آغوش بگیر چرا که او از اصحاب یمین است و شیعیان او پیشانی سفیدان نشانه دار هستند.<sup>۱</sup>

### ۶۰۸. هدیه ای مقدس

احمد بن عماره از امام حسین علیه السلام نقل کرد که من در کنار فرات همراه پدرم بودم او پیراهن خود را در آورد تا در آب فرو رود موجی آمد و پیراهن را با خود برد آن گاه که امیر مؤمنان علی علیه السلام بیرون آمد ناگهان هاتفی صدا زد: ای امیر مؤمنان آنچه را که در طرف راست توست بردار سپس دیدم دستمالی است که پیراهن تا شده ای در آن است حضرت پیراهن را پوشید آن گاه از جیب آن رقعهای افتاد که در آن نوشته بود به نام خداوند بخشنده مهربان این هدیه ای است از جانب خدای مقتدر حکیم به علی بن ابیطالب علیه السلام این پیراهن هارون بن عمران است (این چنین آن را به ارث قوم دیگر دادیم).<sup>۲</sup>

### ۶۰۹. اهداف شیطان

مطرف فرزند مغیره نقل می کند روزی با پدرم نزد معاویه رفتیم پدرم همیشه نزد او می رفت و با او سخن می گفت و وقتی به نزد من باز می گشت از معاویه سخن می گفت و از خردمندی های او یاد می کرد تا اینکه شبی باز آمد و از غذا خوردن خودداری کرد

۱. روضة الواعظین، ص ۱۴۳.

۲. الثاقب فی المناقب، ص ۲۷۳.



وقتی دیدم که ناراحت است ساعتی درنگ کردم و از او پرسیدم: پدر چرا تو از سر شب تا الان ناراحتی؟

گفت: فرزندم! من از نزد پلیدترین مردم آمده‌ام.

به او گفتم: چرا؟

پدرم گفت: وقتی با معاویه خلوت کرده بودم به او گفتم: ای امیر مؤمنان! تو به آنچه از ما خواسته بودی رسیدی حالا اگر عدالت را آشکار کنی و خوبی‌ها را نشان دهی و اگر به برادرات از بنی‌هاشم نظری کنی و صله رحم بجا آوری بجاست چرا که تو به سن پیری رسیده‌ای بخدا قسم بنی‌هاشم امروز دیگر چیزی ندارد که تو از آن ترس و واهمه داشته باشی.

او به من گفت: هرگز! آن برادر یتیمی (یعنی ابوبکر) به حکومت رسید به عدالت رفتار کرد و انجام داد آنچه انجام داد بخدا سوگند جز این اتفاق نیافتاد که او مُرد و یادش هم از میان رفت و فقط اسم او باقی است.

سپس برادر عدوی (یعنی عمر) به حکومت رسید ده سال دامن به کمر زد و به خدا قسم وقتی از دنیا رفت یادش هم از میان رفت مگر آنکه کسی بگوید: عمر.

آن‌گاه برادرمان عثمان به حکومت رسید مردی به حکومت رسید که در نسب مانند نداشت کارهایش را انجام داد و در پایان با وی چنان کردند به خدا سوگند جز این نشد که او مُرد و یاد او و یاد کارهایی که انجام داد نیز از میان رفت ولی بنی‌هاشم آنگونه‌اند که هر روز ۵ مرتبه فریاد برآورده می‌شود «اشهد ان محمدا رسول الله».

ای بی‌مادر!

با این اعلام عمومی «اشهد ان محمدا رسول الله» چه کاری باقی ماند؟ به خدا سوگند! جز دفن کردن نام آن چاره‌ای نیست؟ و نابودی او را رقم خواهیم زد و در این راه تلاش خواهیم نمود.<sup>۱</sup>

۱. مروج الذهب، ج ۴، ص ۴۱ - شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدیید، ج ۵، ص ۱۲۹.

## ۶۱۰. علی در آغوش جبرئیل

علی می‌فرماید:

در جنگ احد وقتی شانزده زخم عمیق برداشتم از شدت جراحت چهار مورد از آن زخم‌ها نقش بر زمین شدم هر بار مرد خوش صورتی که گیسوانی زیبا بر گوش‌هایش آویخته بود و بوی خوش از او به مشام می‌رسید بالای سرم حاضر می‌شد و بازوان مرا می‌گرفت و از زمین بلند می‌کرد و می‌گفت: «برخیز و بر مشرکان و دشمنان حمله کن چه این که تو در طاعت خدا و رسول او هستی و آن دو پیوسته از تو خشنودند».

هنگامی که خدمت رسول خدا رسیدم و ماجرای آن مرد را باز گفتم آن حضرت فرمود: «علی! چشمانت روشن باد او جبرئیل بوده است»<sup>۱</sup>.

البته نکته مهم‌تر این که علی می‌فرماید: من هر شمشیری را که می‌زنم اول فکر می‌کنم ببینم کجا وارد می‌شود گذشته و آینده آن فرد را در نظر می‌گیرم و اگر بناست یک روزی این فرد انسان خوبی از کار در آید شمشیرم را وارد نمی‌کنم.

## ۶۱۱. حقیقتی واقعی

در سال ۲۸۴ هجری قمری معتضدعباسی خلیفه وقت تصمیم گرفت. لعن بر معاویه بن ابوسفیان را بر منبرها جاری کند و فرمان به نوشتن نامه‌ای در این خصوص داد تا برای مردم خوانده شود و از مردم بخواهد که بر معاویه لعن کنند معتضد دستور نامه‌ای را که مأمون عباسی در آن دستور لعن بر معاویه را داده بود را از دارالحکومه بیرون کشند آن نامه را از دیوان حکومتی بیرون آوردند در نامه مأمون عباسی پس از حمد و ثنا بر پیامبر خدا چنین آمده بود:

او (پیامبر خدا) کسی بود که بیشتر قبیله‌اش با او دشمنی ورزیده و مخالفت کردند و تکذیبش نمودند و با او پیکار کردند و بیشتر مردم او سرزنش و آزار و تهدید نمودند و با او دشمنی آغاز کردند و رو در روی او به جنگ پرداختند و پیروانش را شکنجه کردند. از آن جمله کسی که در دشمنی و مخالفت با او از همه سرسخت‌تر بود و در هر

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲ - بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۹۳.



جنگی بر علیه او پیشقدم بود و هر پرچمی که بر ضد اسلام برافراشته می شد از آن او بود و در همه جنگ‌ها از بدر و احد و خندق و فتح مکه شرکت داشت ابوسفیان و پیروان او در قبيله بنی‌امیه بودند که در قرآن کریم آن‌ها لعنت شده‌اند و بر زبان پیامبر خدا نیز چندین مرتبه لعنت شده‌اند....

و از آن جمله است که پیامبر خدا ﷺ فرمود: از این دره یکی از امت من می‌آید که بر غیر دین من محشور می‌گردد که ناگاه مردم دیدند معاویه این ابوسفیان از آن دره بیرون آمد....

طبری پس از نقل نامه فوق که بخشی از آن آورده شد می‌نویسد که اطرافیان معتضد عباسی حيله‌ای به کار گرفتند و در درج و نشر این نامه و اعلام عمومی لعن معاویه ابن ابوسفیان در منابر جلوگیری کردند و در عملی نشدن این اقدام معتضد عباسی موفق شدند باید توجه داشت که این نامه از طرف کسانی نوشته شده است که خود نیز در عین الحاد و کفری که نسبت به خداوند متعال داشتند ولی معاویه را به مراتب بدتر و پلیدتر از خود می‌پنداشتند!

### ۶۱۲. همواره همراه و همیار

در آن شب که علی علیه السلام در رختخواب رسول خدا صلی الله علیه و آله خوابید در بین مکه و مدینه این آیه فرود آمد (آیه ۲۰۷ سوره بقره): **ومن الناس من بشرى نفسه ابتغاء مرضات الله والله رؤف بالعباد**؛ نقل شده که جبرئیل در بالای سر علی علیه السلام و میکائیل در پایین پای علی علیه السلام ایستاده بودند و جبرئیل فریاد می‌زد آفرین آفرین بر مثل تو باد که خداوند به تو بر ملائکه مباحثات کرد.<sup>۲</sup>

۱. تاریخ طبری، ج ۱۰، ص ۵۴.

۲. مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۲۶۸.

## ۶۱۳. شایسته خلافت علی است

عتبه بن ابی لهب برخاست و گفت: گمان نمی‌کردم که امر (خلافت) از بنی هاشم و در میان ایشان از ابوالحسن بگذرد.

از کسی که از همه مردم در ایمان و سابقه پیش‌تر و به قرآن و سنت‌ها داناتر است آخرین کسی که پیامبر را دید و کسی که در غسل دادن و کفن کردن (پیامبر) جبرئیل یورش بود کسی که آنچه در آن‌ها است در او هست و خود آنان را در این شبهه‌ای نیست لیکن آنچه از نیکی در اوست در دیگران نیست.<sup>۱</sup>

## ۶۱۴. نجوا با قدسیان

حمران بن اعین یکی از شاگردان امام باقر و امام صادق است می‌گوید: روزی از امام باقر شنیدم که فرمود: «ان علیا کان محدثاً»؛ همانا علی محدث بود.<sup>۲</sup> او می‌گوید: من نزد دوستانم آمدم و به آن‌ها گفتم خبر عجیبی برای شما آورده‌ام. آن‌ها گفتند: آن خبر چیست؟ حمران گفت: از امام باقر این مطلب را شنیدم دوستان او گفتند تا از آن حضرت نپرسی که چه کسی اخبار آسمانی را به علی گزارش می‌دهد کاری نکرده‌ای. حمران می‌گوید: به حضور امام باقر باز گشتم و عرض کردم: سخن شما را برای دوستان خود نقل کردم. آن‌ها گفتند: اگر نپرسی که چه کسی اخبار آسمانی را به علی می‌گوید کاری نکرده‌ای اکنون آمده‌ام از شما این را بپرسم.

امام فرمود: «یحدثه ملک» فرشته‌ای با او حدیث می‌گوید. حمران عرض کرد: آیا منظورتان این است که علی پیغمبر بود؟ امام دست خود را بالا نمود (یعنی نه او پیامبر نبود)، سپس فرمود: علی در این مورد همانند همدم سلیمان (أصف بن برخیا) و همدم موسی خضر یا مانند ذوالقرنین<sup>۳</sup> بود (که فرشته به آن‌ها نیز حدیث می‌گفت) آیا این خبر

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۵۲۳.

۲. محدث: یعنی خداوند اخبار آسمانی را به وسیله فرشته یا صدا به او می‌رساند.

۳. در بعضی روایات آمده که علی روزی مقام و اوصاف ذوالقرنین را برای اصحاب خود ذکر کرد و سپس فرمود: «در میان شما نیز مانند او هست».



به شما نرسیده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «وفیکم مثله» او (علی) در میان شما مانند ذوالقرنین هست.<sup>۱</sup>

### ۶۱۵. صاحب لیلة القدر ❖ ❖

عصر پیامبر صلی الله علیه و آله بود هرگاه عمر و ابوبکر به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله می آمدند و می دیدند آن حضرت سوره قدر را با خشوع و گریه قرائت می کند و آن را با حالی جانسوز می خواند عمر و ابوبکر عرض می کردند:

ای پیامبر! چقدر دلت هنگام قرائت این سوره می سوزد چرا؟

پیامبر فرمود صلی الله علیه و آله: برای آن که در شب قدر چشمم فرشتگان را دیده و دلم فهمیده است و نیز برای آنچه که دل این شخص (اشاره به علی علیه السلام) پس از من در شب قدر آن را می فهمد و درمی یابد.

عمر و ابوبکر عرض کردند: مگر شما در شب قدر چه دیده اید؟ او (علی علیه السلام) در آن شب چه می بیند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله روی زمین برای آن ها نوشت «تنزل الملائكة والروح فیها باذن ربهم من کل امر»؛ آن گاه فرمود: پس از آن که خداوند می فرماید: «برای تقدیر هر کار» آیا دیگر چیزی باقی می ماند؟ عمر و ابوبکر عرض کردند: نه چیزی باقی نمی ماند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیا می دانید که شخصی که هر امری بر او نازل می شود کیست؟ آن ها عرض کردند: او تو هستی ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، پیامبر فرمود: آری! ولی آیا بعد از رحلت من نیز شب قدر وجود دارد؟ آن ها گفتند: آری! وجود دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیا بعد از من باز در شب های قدر آن امر (تقدیر کارها) نازل می شود؟ عمر و ابوبکر گفتند: آری. پیامبر فرمود: بنابراین بعد از من نزول هر چیزی در شب قدر بر چه شخصی است؟ عمر و ابوبکر گفتند: نمی دانیم. آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله دست مبارک خود را بر سر علی علیه السلام نهاد و فرمود: «ان لم تدر یا فادر یا هو هذا من بعدی»؛ اگر نمی دانید اینک بدانید آن شخص بعد از من این (اشاره به علی علیه السلام) است.<sup>۲</sup>

۱. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۶۶.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۹.

## ۶۱۶. محرم ملکوتیان است

امام صادق علیه السلام فرمود: جبرئیل برای ابلاغ اذان بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد در این هنگام سر مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله بر روی زانوی علی علیه السلام بود آن گاه جبرئیل فصل‌های اذان و اقامه را به پیامبر صلی الله علیه و آله آموخت هنگامی که آن حضرت از آن حالت بیرون آمد به علی علیه السلام فرمود: «آیا کلمات اذان و اقامه را شنیدی؟» امام علی علیه السلام عرض کرد: آری.

فرمود: یاد گرفتی؟ امام عرض کرد: آری. پیامبر صلی الله علیه و آله همان دم فرمود: «ادع لی بلالاً نعلمه»؛ بلال حبشی را نزد من بطلب تا اذان را به او بیاموزیم. حضرت علی علیه السلام بلال را طلبید و کلمات اذان و اقامه را به او یاد داد.<sup>۱</sup>

## ۶۱۷. چهار فرشته مقرب کمک کار علی علیه السلام

علی علیه السلام می‌فرماید: هنگامی که وصیت نامه رسول خدا صلی الله علیه و آله را مطالعه کردم دیدم در بخشی از آن چنین نوشته شده است.

«ای علی! جز تو کسی در کار غسل و کفن و دفن من شرکت نجوید». به آن حضرت گفتیم: پدر و مادرم به فدایت آیا انجام دادن آن به تنهایی برایم ممکن است؟! است؟!

حضرت فرمود: دستور جبرئیل است که بی‌شک از جانب پروردگار آمده است. پرسیدم: در صورت عجز آیا از کسی کمک بخواهم؟ فرمود: جبرئیل گفته است که: «سنت دیرینه الهی چنان بوده است که پیامبران را جز جانشینان آنان غسل نمی‌داده‌اند اکنون نیز باید تداوم این سنت به دست علی انجام یابد...».

آن گاه فرمود: برای انجام دادن غسل من محتاج به یاری کسی نخواهی شد چه این که تو را نیکو یاوران و نیکو برادرانی است!

پرسیدم: پدر و مادرم به فدایت آن‌ها چه کسانی هستند؟ فرمود: جبرئیل - میکائیل

۱. فروع کافی، ج ۳، ص ۳۰۲.





- اسرافیل - ملک الموت و اسماعیل و فرشته‌ای که امور آسمان دنیا به او واگذار شده است.<sup>۱</sup>

### ۶۱۸. فرشتگان تو را دوست دارند

علی می‌فرماید: یک روز به آب نیاز داشتم به قصد تطهیر به منزل آدمم هرچه صدا کردم حسن و حسین، فضا هیچ کس جوابم را نداد دریافتم که کسی در منزل نیست به ناگه صدایی از پشت سرم شنیدم که مرا به نام خواند: یا ابالحسن عموزاده پیامبر من سر برگرداندم اما چیزی ندیدم یک مرتبه متوجه شدم سطلی از طلا که پر از آب زلال بود در دست می‌باشد و حوله‌ای نیز بر آن آویخته بود نخست حوله را برداشتم و بر دوش راستم گذاشتم، آن گاه دستی بر آن رساندم که ناگهان آب در دستانم جاری شد و از آن وضوی کاملی ساختم.

همین که نیاز به آبم برطرف شد سطل نیز ناپدید شد و من نفهمیدم چه کسی آن را پس گرفت شگفتا! که آب در نرمی مانند کره و در طعم و شیرینی همچون عسل در خوش بویی همانند مشک بود در اینجا رسول خدا تبسمی فرمود و آن حضرت را در آغوش کشید و میان دیدگانش را بوسید.

آن گاه فرمود: ابالحسن مژده باد بر تو آن سطل و آب و حوله که دیدی همه از بهشت و فردوس برین بود... در شگفتم از مردمی که مرا به خاطر محبت و علاقه‌ای که به تو دارم سرزنش می‌کنند در حالی که خدای متعال و فرشتگان او بر فراز آسمان تو را دوست دارند.<sup>۲</sup>

### ۶۱۹. سلام جبرئیل به علی

علی به اصحاب شورای فرمایشی که عمر دستور داده بود فرمود: آیا در بین شما کسی هست مانند من باشد تا در یک ساعت سه هزار ملک که جبرئیل و میکائیل هم

۱. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۵۴۶.

۲. بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۱۶.

در میانشان بودند بر او سلام کند، در آن شبی که به چاه بدر رفته تا در اجرای امر رسول خدا ﷺ از چاه آب بیاورم؟ همه گفتند: نه.

اما شرح ماجرا:

در شب جنگ بدر رسول خدا ﷺ به اصحاب خود فرمود: کیست امشب برای ما آب بیاورد اصحاب سکوت کردند حضرت علی ﷺ مشک آبی برداشت و به طرف چاه بدر حرکت کرد آن شب شبی سرد و تاریک بود که باد نیز می آمد پس آن حضرت به چاه آب رسید و آن چاهی بود بسیار گود و تاریک، آن حضرت دلوی نیافت تا از چاه آب بکشد لاجرم به درون چاه رفت و مشک را پر از آب کرد و بیرون آمد وقتی به سمت رسول خدا ﷺ می رفت ناگهان باد سختی در گرفت که حضرت از شدت آن نشست تا باد شدید برطرف شد.

سپس برخاست و حرکت کرد مجدد باد سختی همانند آن باد قبلی آمد، آن حضرت نشست تا آن نیز رد شود، دیگر باره برخاست برود که باز همان باد رسید و آن حضرت نشست و چون باد رد شد حضرت برخاست و خود را به حضرت رسول خدا ﷺ رساند. حضرت پرسید: یا ابالحسن برای چه دیر آمدی؟ عرض کرد: سه مرتبه باد تندی وزیدن گرفت که بسیار سخت بود و مکث من به جهت برطرف شدن آن بادهای بود. حضرت فرمود: یا علی می دانی آن ها چه بود؟ عرض کرد: شما بفرمایید.

حضرت فرمود: اولین باد جبرئیل بود با هزار فرشته که بر تو سلام کردند و پس از آن اسرافیل با هزار فرشته بود که بر تو سلام کردند اینها برای کمک به ما فرود آمده اند.<sup>۱</sup>

### ۶۲۰. شرط کلمه توحید

روزی رسول خدا ﷺ در حالی که در میان عده ای از یاران خود که علی بن ابیطالب ﷺ نیز یکی از آنها بود نشسته بود و فرمودند: کسی که بگوید لا اله الا الله وارد بهشت می شود. دو نفر از یاران او گفتند: ما نیز می گوییم لا اله الا الله.  
رسول خدا ﷺ فرمود:

۱. اعمال شب هفدهم ماه رمضان مفاتیح الجنان.



گواهی به لا اله الا الله فقط از این (یعنی علی بن ابیطالب) و شیعیانش که پروردگار از آنان پیمان گرفته است پذیرفته می‌شود.  
 آن دو نفر دوباره گفتند: ما نیز می‌گوئیم لا اله الا الله.  
 در این هنگام رسول خدا ﷺ دست خود را بر سر علی ﷺ گذاشت فرمود: نشانه آن (گفتن) - پیروی از علی بن ابیطالب - این است که پیمان او را نشکنید در جایگاه او نشینید و سخن او را تکذیب نکنید.<sup>۱</sup>

### ۶۲۱. یاوران علی ﷺ در میدان نبرد

رسول خدا ﷺ فرمود: «والذی نفسی بیده ما وجهت علیا قط فی سریه الا ونظرت الی جبرئیل ﷺ فی سبعین الف من الملائکه عن یمنه...».

به خدای که جانم به دست قدرت او است علی را هرگز به جبهه جنگی نفرستادم مگر آن که دیدم جبرئیل با هفتاد هزار فرشته در سمت راست او و میکائیل در سمت چپش با هفتاد هزار فرشته و فرشته مرگ (ملک الموت) پیشاپیش او و ابری بر سرش سایه افکنده تا بهترین پیروزی نصیب او گردد.<sup>۲</sup>

### ۶۲۲. نیروی جبرئیل در بازوان علی ﷺ

رسول خدا ﷺ فرمود: روزی جبرئیل خندان نزد من آمد، به او گفتم ای دوست من جبرئیل با این که همیشه شاد هستی مقام برادرم و پسر عمم علی بن ابیطالب در نزد پروردگارش چگونه است؟

جبرئیل گفت: به آن خدایی که تو را به پیغمبری و به رسالت برگزیده در این وقت فرود نیامدم مگر برای همین مطلب. سپس گفت: ای محمد! خداوند به شما دو نفر سلام رساند و فرمود: محمد پیغمبر رحمت من است و علی بر پا دارنده حجت من، کسی که او

۱. ثواب الاعمال صدوق، ص ۱۷.

۲. بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۹۵.

را دوست بدارد عذابش نکنم... و کسی که او را دشمن بدارد اگرچه فرمان مرا برد رحم به او نخواهم کرد.

ابن عباس گوید: سپس رسول خدا ﷺ فرمود: وقتی روز قیامت شود جبرئیل نزد من می‌آید و پرچم حمد با اوست و آن پرچم هفتاد شقه دارد که هر تکه‌اش از آفتاب و ماه پهن‌تر است و من بر یکی از کرسی‌های رضوان بالای منبری از منبرهای قدس می‌نشینم پس من آن پرچم را گرفته به علی بن ابیطالب می‌سپارم، در این وقت عمر بن خطاب از جا برخاست و پرسید: یا رسول الله شما فرمودید که آن پرچم هفتاد شقه دارد و هر شقه‌اش از خورشید و ماه پهن‌تر، با این حال علی چگونه نیروی برداشتن آن پرچم را دارد؟

رسول خدا ﷺ فرمود: وقتی روز قیامت شود خداوند به علی ﷺ نیروی جبرئیل را دهد و نوری مانند نور آدم و حمی هم چون بردباری رضوان و جمالی چون زیبایی یوسف و صدایی نزدیک به صدای داود عطا می‌فرماید و اگر نه این بود که داود سخن گوی بهشت است مانند صدای داود را هم به علی می‌داد و همانا علی نخستین کسی است که از نهر سلسبیل و زنجبیل می‌آشامد.

علی گامی بر صراط بر نمی‌دارد مگر این که به جای آن گام دیگرش پا برجا است و به راستی که برای علی و شیعیانش در نزد خداوند مقامی است که اولین و آخرین بر آن رشک برند.<sup>۱</sup>

### ۶۲۳. صدای جبرئیل در عزای علی ﷺ

یکی از یاران امام علی ﷺ به نام حجر بن عدی در نیمه شب ۱۹ ماه رمضان در مسجد کوفه مشغول عبادت بود که صدای صحبت آهسته اشعث و ابن ملجم را شنید و فهمید که قصد ترور امام را دارند. حجر با عجله به طرف خانه ام‌کلثوم که حضرت در آنجا مهمان بود رفت تا امام را از قصد شوم آنها مطلع کند ولی در آن شب حضرت از راه دیگری به مسجد آمد و وقتی حجر به مسجد بازگشت کار تمام شده بود.

۱. خصال، ص ۷۰۴.



روایت شده که حضرت در آن شب این جملات را زیاد تکرار می کرد «انا لله وانا الیه راجعون - لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم - اللهم بارک لی فی الموت - استغفرالله - و...».

و مرتب از اتاق بیرون می رفت و به آسمان نگاه می کرد و می فرمود: به خدا قسم این آن شبی است که وعده شهادت در آن داده اند. حضرت برای نماز صبح به سوی مسجد رفت. ام کلثوم از امام خواست تا شخص دیگری را برای اقامه نماز به مسجد بفرستد ولی حضرت فرمود: از قضای الهی نمی توان فرار کرد. هنگام خروج امام از خانه چند مرغابی که در منزل بودند جلوی حضرت آمده و به سر و صدا پرداختند.

حضرت سفارش رسیدگی به آن ها را به دخترشان نمود و چون خواست از خانه خارج شود قلاب در خانه به لباس حضرت گیر کرد، حضرت کمر خود را محکم بست و گفت: ای علی کمرت را ببند و برای مرگ آماده شو!

امام علیه السلام به مسجد آمد چند رکعتی نماز خواند، سپس بر بام مسجد آمد و اذان گفت. آن گاه به صحن مسجد آمد و خفتگان را برای نماز بیدار کرد.

ابن ملجم بیدار بود ولی به رو خوابیده و خود را به خواب زده بود و شمشیر را زیر جامه خود پنهان کرده بود.

حضرت به او فرمود: برخیز برای نماز و این گونه نخواب که این خواب شیطان است. بعد فرمود: قصدی در خاطر داری که نزدیک است آسمان ها از قصد تو فرو ریزد، حضرت به محراب رفت.

ابن ملجم کنار ستونی در کنار محراب ایستاد و چون حضرت در رکعت اول سر از سجده برداشت ابتدا شیب شمشیرش را بالا برد تا فرود آورد ولی به سقف محراب گیر کرد اما فوراً ابن ملجم با بیان شعار خوارج **لله الحکم یا علی لا لک ولا لاصحابک**؛ یعنی حکم برای خداست نه برای تو و اصحابت، شمشیر را بر فرق حضرت زد. صدای امام علی علیه السلام بلند شد و فرمود:

**بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله فزت ورب الكعبة** و بعد فریاد زد بگیرید ابن ملجم را که مرا کشت.

در همین حال صدایی بین زمین و آسمان از جبرئیل به گوش رسید که: **تهدمت والله**

ارکان الهدی وانطمست اعلام التقی وانفصمت العروة الوثقی قتل ابن عم المصطفی قتل الوصی  
المجتبی قتل علی المرتضی قتلہ اشقی الاشقیاء.

یعنی: به خدا پایه‌های هدایت خراب شد نشانه‌های تقوا فرو ریخت، ریسمان  
نجات پاره شد، پسر عموی پیامبر و جانشین او کشته شد، آری علی مرتضی کشته شد،  
بدفراجم‌ترین انسان‌ها او را کشت، اهل کوفه شیون کنان به سوی مسجد دویدند.  
علی دیگر توان نماز خواندن با مردم را نداشت. امام حسن علیه السلام به جای پدر به نماز  
ایستاد و خود حضرت نشسته نماز خواند. ابن ملجم را در حالی که مردم آب دهان بر او  
می‌انداختند به حضور امام آوردند.

امام با صدای ضعیفی به او فرمود: امر بزرگی مرتکب شدی آیا من امام بدی برای  
تو بودم... آیا به تو احسان نکردم... ابن ملجم گریه کرد و گفت: **آفانت تنفذ من النار؛** آیا تو  
نجات می‌دهی کسی را که اهل آتش است.

انتشارات سجید نوین





## فصل هفتم

امام صادق علیه السلام فرمود:

آیه ۲۵ سوره احزاب:

«و كَفَىٰ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ...»

در شان امیرالمؤمنین علی علیه السلام

نازل شده که در جنگ خندق

عمروبن عبدود به دست آن

حضرت کشته شد.



تفسیر روح المعانی نوشته مفسر بزرگ  
اهل سنت الوسی، جلد ۲۱، ص ۱۵۶.

امام علی علیه السلام در میادین تبرد







### ۶۲۴. سخنی که بر ایمان او افزود

در تفسیر شریف عیاشی و قمی از جابر بن عبدالله انصاری از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام و عمار یاسر را بعد از جنگ احد با داشتن جراحات متعدد به تعقیب لشکر کفار و ابوسفیان فرستاد منافقان گفتند:

«این بچه را به مکه فرستاد، ای کاش غیر او را می فرستاد در حالی که در مکه بزرگان و رجال قریش وجود دارند».

سپس گفتند: «به خدا سوگند کفر برای ما بهتر از دیدن این وضعیت است».

و در این میان عده‌ای از آن‌ها خود را به علی علیه السلام و جناب عمار یاسر رساندند و سعی کردند آن‌ها را از خطر سران مکه سخت بترسانند.

ولی علی علیه السلام در پاسخ همه گفتار آن‌ها فرمود: «حسبنا الله ونعم الوکیل» و به راه خود ادامه دادند و چون وارد مکه شدند خداوند سخن آن‌ها را به پیامبر خود رساند و این آیه نازل شد.

«ام تر الی الذین قال لهم الناس...» آیا ندیدی اولی و دومی را که با علی و عمار ملاقات کردند و گفتند: ابوسفیان و عبدالله بن عامر و اهل مکه در کمین شما هستند از آن‌ها بترسید.

و این سخن بر ایمان علی و عمار افزود و آن‌ها گفتند: خدا بهترین وکیل برای ما است و او ما را کفایت خواهد نمود.<sup>۱</sup>

### ۶۲۵. سرپرست همه علی علیه السلام است

یکی از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: در جنگ حنین با رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم که صفیه دختر حنّی بن اخطب که در جنگ خیبر اسیر شد و پیامبر صلی الله علیه و آله او را به عنوان سهم خود گرفت و آزاد نمود، سپس به همسری خود در آورد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله من مثل زنان دیگر شما نیستم پدر و برادر عمومی مرا کشته‌اید (من کسی را ندارم) بنابراین پس از وفات شما به چه کسی رجوع کنم؟

۱. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۹۴.



حضرت فرمود: به این شخص - و با دست به علی بن ابیطالب - اشاره نمود.<sup>۱</sup>

### ❖ ۶۲۶. غمخوار امت ❖

وقتی امام علی علیه السلام از بصره وارد کوفه شدند حضرت بر بالای منبر رفت و به ستایش خداوند روی آورد...

مالک بن حبیب تمیمی یربوعی که یکی از نیروهای امام بود عرض کرد: به خدا سوگند بد گفتن و سخن ناپسند و زننده گفتن به آنان (اهل بصره) را من اندک می دانم به خدا اگر فرمان دهی همه آنان را بکشیم. امیرالمؤمنین در پاسخ به او فرمود: ای مالک از اندازه گذشتی و پا را از حد فراتر نهادی و کمان کین را تا آخر کشیدی. عرض کرد: ای امیرمؤمنان اندکی ستم در پاره‌ای از امور که به شما رسیده از کوتاه آمدن و مصالحت با دشمنان کار سازتر است.

امیرالمؤمنین فرمود: ای مالک خداوند چنین فرمانی نداده و فرمان او چنین نیست خدای متعال فرموده: یک تن را به جای یک تن باید کشت...<sup>۲</sup>

### ❖ ۶۲۷. سوز جان‌گداز ❖

وقتی امیر مَلک و ملکوت یعسوب‌المؤمنین علی بن ابیطالب قصد میدان در جنگ خندق کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: «اللهم احفظه من بین یدیه ومن خلفه وعن یمینه وعن شماله ومن فوق راسه ومن تحت قدمیه».

خدایا علی را از من مگیر و او را از پیش او و پشت سر و طرف راست و طرف چپ و بالای سر و زیر قدم محافظت فرما.

وقتی امام، عمرو بن عبدود را کُشت آیه شریفه: (هو الذی اَیَّدک بنصره وبالْمؤمنین) نازل شد.<sup>۳</sup>

۱. امالی مفید، ص ۳۰۴.

۲. امالی مفید، ص ۱۴۱.

۳. انفال / ۶۲ - ینابیع الموده، ص ۹۵ - الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۹۹ - حلیه الاوصیاء، ج ۳، ص ۲۶ - احقاق الحق، ج ۳، ص ۱۹۴.

### ❖ ۶۲۸. نابود کننده باطل ❖

امام صادق علیه السلام فرمود: این آیه «وَكفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا» در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده که در جنگ خندق به دست آن حضرت شرّ عمرو بن عبدود از سر مسلمانان کوتاه شد و با کشته شدن او دشمن شکست خورد.<sup>۱</sup>

### ❖ ۶۲۹. شمشیر هدایتگر و پیروز ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هذا هو الذي يضرب الناس بالسيف على الحق بعدى»؛ علی علیه السلام کسی است که بعد از من برای دین خدا با شمشیر خود گردن‌های مردم را می‌زند.<sup>۲</sup>

### ❖ ۶۳۰. صاحب سرّ رسول خدا صلی الله علیه و آله ❖

عبدالله بن مسعود نقل می‌کند که صبحگاهی وارد مسجد النبی صلی الله علیه و آله شدم و وقتی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدم دیدم مردم آن چنان به سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله توجه دارند که گویا بر سر آن‌ها پرنده‌ای نشسته است.

ناگهان دیدم علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شد و به رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام کرد پس بعضی از اصحاب به یکدیگر اشاره کردند و از علی عیب‌جویی نمودند.

پس رسول خدا به آن‌ها نظر نمود و فرمود: «**الا تسألونی عن افضلکم؟**»؛ آیا نمی‌خواهید بدانید افضل و برتر از شما کیست؟ عرض کرد: آری.

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «**افضلکم علی بن ابیطالب اقدمکم اسلاما...**».

افضل و برتر از همه شما علی بن ابیطالب علیه السلام است او از جهت تقدم در اسلام و از جهت ایمان قویتر از شما و از جهت علم و دانش بالاتر از شما و از جهت خشم در راه خدا سخت‌تر از شما و در مقابل دشمنان قویتر از شما می‌باشد.

۱. تفسیر مجمع‌البیان ذیل آیه ۲۵ از سوره احزاب (البته ماجرای جنگ حضرت با عمرو بن عبدود و نزول این آیه در منابع اهل سنت نیز به چشم می‌خورد) تفسیر الدر المنثور سیوطی، ج ۶ ص ۵۹۰ - تفسیر روح المعانی آلوسی، ج ۲۱، ص ۱۵۶ - البحر المحیط لابی حیان، ج ۷ ص ۲۲۴، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳.  
۲. کافی، ج ۱، ص ۲۹۴.



او بنده خدا و برادر رسول اوست من دانش خود را به او آموختم و اسرار خود را نزد او سپردم پس او امین من بر این امت خواهد بود.<sup>۱</sup>

### ۶۳۱. مخزن اسرار الهی علی

رسول خدا ﷺ در جنگ طائف علی را نزد خود فرا خواند و با او گفتگویی پنهان کرد آن گاه رو به اصحاب خود کرد و فرمود: «ایها الناس انکم تقولون: انی انتجیت علیا...» شما گمان می کنید تنها این منم که با علی راز می گویم خداوند نیز با او راز می فرماید که هر انسانی باید خود را به آن برساند.<sup>۲</sup>

### ۶۳۲. ولی مثل نبی

چند نفر از منافقین قصد کردند تا وقتی امام علی را به قصد قضاء حاجت می روند به دنبال او رفته و او را تماشا کنند. حضرت به قنبر فرمود: ای قنبر نزد آن درختها (درختی در یک فرسخی) برو و به آن ها بگو که وصی محمد ﷺ شما را امر کرده که بهم بچسبید. قنبر عرض کرد: آیا صدای من به آن ها می رسد حضرت فرمود: خدایی که چشم تو را به آسمان می رساند و حال آنکه میان تو و آسمان پانصد سال راه می باشد صدای تو را به آن دو درخت خواهد رساند. قنبر رفت و ندا کرد و یکی از آن درختها به سوی دیگری روانه شد و بهم چسبیدند. گروهی از منافقین لشکر گفتند: علی به پسر عمش رسول خدا در سحر شباهت دارد همانا نه او رسول خدا بود و نه این امام بلکه هر دو ساحرند. سپس منافقین گفتند: حال که چنین شد ما دور می زنیم و از طرف دیگر می رویم و به اندام علی نظر می کنیم باد به امر خداوند سخنان منافقین را به گوش حضرت رساند حضرت به قنبر فرمود: منافقین اراده کید با وصی پیامبر نمودند پس به این درختها بگو به جای خود برگرداند دفعتا آن درختها از جا کنده شدند و چون منافقین نزدیک شدند

۱. شواهد التنزیل، ج ۲ ص ۳۵۷.  
 ۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۲۴.

تا اندام حضرت را ببینند خداوند آن‌ها را کور کرد به طوری که وقتی از حضرت صورت برمی‌گرداندند بینا می‌شدند و هنگامی که قصد نگاه به حضرت را داشتند کور می‌شدند این ادامه داشت تا امام از آن محل حرکت کرد منافقین وقتی این معجزه را دیدند به کفر و عناد خود افزودند...<sup>۱</sup>

### ۶۳۳. رهبر دلسوز

امام علی علیه السلام روزی در میان جمعی فرمود: اگر کسی را امین بیابم مالی را به او می‌دهم تا برای شیعیانم در مدائن ببرد. مردی آنجا بود در دل خود گفت به امام می‌گویم که آن مال را به من بدهد تا برای شیعیانش در مدائن ببرم و وقتی مال را گرفتم به سوی شام نزد معاویه می‌روم. سپس رو به امام کرد و گفت: یا امیرالمؤمنین آن مال را به من بده تا به مدائن ببرم. حضرت سر بلند نمود و فرمود: از من دور شو و راه شام را به سوی معاویه در پیش گیر.<sup>۲</sup>

### ۶۳۴. قدرت یداللهی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اسلام قوت نگرفت مگر به شمشیر علی علیه السلام.<sup>۳</sup>

### ۶۳۵. همراهانی ممتاز

امام حسین علیه السلام با عمامه سیاه در مقابل مردم آمد و ضمن بیان اوصاف امام علی علیه السلام فرمود: در جنگ خیبر وقتی علی رو به قلعه خیبر رفت «یقاتل جبرئیل عن یمینه و میکائیل عن یساره»

یعنی: جبرئیل و میکائیل در راست و چپ او می‌جنگیدند.<sup>۴</sup>

۱. تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام.

۲. خراج راوندی.

۳. شبهای پیشاور، ص ۴۲۰.

۴. خصایص علوی نسائی، حدیث ۲۰۲.



### ❖ ۶۳۶. محافظ نبی الله ❖

قضم لقب امام علی علیه السلام بود، بچه‌های قریش این اسم را به امام نسبت می‌دادند قریش بعد از ارتحال جناب ابوطالب تصمیم گرفتند تا به وسیله بچه‌ها و کودکان رسول خدا صلی الله علیه و آله را سنگ‌باران و اذیت و آزار نمایند. امام علی علیه السلام که خود در آن زمان کودکی کم سن بود به دفاع از حریم رسول خدا صلی الله علیه و آله پرداخت و با مشت به بچه‌ها می‌زد و نمی‌گذاشت رسول خدا صلی الله علیه و آله را آزار دهند و آن‌ها وقتی به سوی پدران خود بر می‌گشتند می‌گفتند: علی ما را گوشمالی داد قضم به این معناست.

در شعب جناب ابوطالب اواخر شب می‌آمد و پیغمبر را به جای دیگر می‌برد و فرزندش علی و گاهی هم جعفر را به جای او می‌خوابانید تا اگر از طرف کفار قریش خطری متوجه جان پیغمبر شود آن حضرت سالم بماند در آن مدت علی علیه السلام هم با احساس خطر جدی فداکاری می‌کرد و خطر را به جان می‌خرید در آن زمان علی علیه السلام ۱۷ تا ۲۰ ساله بود...<sup>۱</sup> رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفری به طائف به سراغ فرد فرد اشراف شهر رفت و دعوت خود را به آن‌ها اعلام داشت و آن‌ها را از نافرمانی خداوند بیم داد ولی هیچ کدام پاسخ مثبت به آن حضرت ندادند بلکه تهدید کردند و گفتند از شهر ما بیرون برو آن‌گاه جوانان و سفیهان خود را تحریک کردند که هر جا پیغمبر را دیدند سنگ بارانش کنند جوانان و سفیهان هم در دو صف ایستادند و به طرف حضرت سنگ می‌پرانندند. در آن هنگام علی علیه السلام به دفاع از پیغمبر برخاست و تا آن جا که توانست جلو سفیهان را گرفت تا جایی که سنگ به سرش اصابت کرد و مجروح شد.<sup>۲</sup>

### ❖ ۶۳۷. توصیف یار بی نظیر ❖

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: امام علی علیه السلام در هنگام جنگ با معاویه در صحن مسجد کوفه بود و مردم گرداگردش حلقه زده بودند... در این هنگام مردی از یاران او پرسید؟

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۵۶.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۱۲۷.

ای امیرالمؤمنین اوصاف رسول خدا را آنگونه برای ما بگو که گویی او را ما می بینیم چرا که شما بیشتر از ما او را به خاطر داری؟

حضرت در حالی که یاد پیامبر ﷺ او را منقلب کرده بود سر مبارکش را پایین انداخت و به خاطر یادآوری رسول خدا ﷺ دلش سوخت و در خود فرو رفت و اشکهایش جاری شد سپس سر مبارک خود را بلند کرد و فرمود: رسول خدا ﷺ رنگ رخسارش سفید آمیخته به سرخی بود چشمانی سیاه و درشت و موهایی صاف و نرم و دماغی باریک داشت.<sup>۱</sup>

### ۶۳۸. سد بی خلل

ابن عباس روایت کرد: امام علی علیه السلام وقتی به نبرد می پرداخت چون بنیان مرصوص و سد آهنین بود و خدای سبحان آیه «ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا كانهم بنیان مرصوص» را در تحسین و تمجید او نازل کرد.<sup>۲</sup>

### ۶۳۹. بخشش بزرگ

عوانه می گوید: وقتی جنگ جمل با شکست سپاه عایشه به پایان رسید امیرالمؤمنین علی علیه السلام به عایشه فرمود: ای حمیرا کار خدا را با خود چگونه دیدی؟ پاسخ داد: اکنون که بر ما تسلط یافتی «فاسجح» یعنی جوانمردی نما و مرا ببخش.<sup>۳</sup>

### ۶۴۰. اشداء علی الکفار

صاحب کتاب تنبیه الغافلین در ذیل آیه «واثابهم فتحا قريبا (فتح/ ۱۸)» آورده مراد فتح، خیر است که به دست علی علیه السلام انجام پذیرفت.

۱. مسندزید، ص ۴۲۷.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱.

۳. معانی الاخبار، ج ۲، ص ۲۲۷.





### ۶۴۱. مرد خدایی

در ذیل آیه سوم از سوره حجرات آورده است که قریش نزد پیامبر ﷺ آمدند و گفتند بردگان ما به تو پیوسته‌اند آن‌ها را به ما باز گردان. حضرت خشمگین شد و فرمود: «بس می‌کنید یا آنکه خدا مردی از شما برمی‌انگیزد که گردنتان را برای دین بزند» و مرادش علی ﷺ بود.<sup>۱</sup>

### ۶۴۲. امام المجاهدین

صاحب کتاب تنبیه الغافلین در ذیل آیه: «لا یستوی القاعدون... والمجاهدون»<sup>۲</sup> می‌آورد که امت متفق‌اند علی ﷺ در رأس مجاهدان بود و هیچ کس به درجه جهاد به او نرسید و اندوه پیامبر ﷺ را او برطرف می‌کرد و پیش روی آن حضرت شمشیر می‌زد و همین خصلت باعث شد که عده‌ای دشمن او و فرزندانش شدند. لذا «فضل الله المجاهدین علی القاعدین»<sup>۳</sup>؛ در شأن علی است و اگر بگویند که غیر از علی ﷺ مبارزان و دلاورانی چون ابودجانه نیز بوده‌اند، گوییم خصال دیگر علی ﷺ را آن‌ها نداشتند و بحث اصلی بر سه خلیفه است که شجاعتی از آنان نقل نشده است و اگر بگویند آن‌ها (سه خلیفه) صاحب رأی بودند مگر پنداری که علی صاحب رأی نبود... او در ذیل آیه «الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا وقالوا حسبنا الله ونعم الوكيل»<sup>۴</sup> آورده که آنکه بر علیه اسلام و مسلمین جمع کرده ابوسفیان بود و آن کسی که نترسید و ایمانش فزود علی بن ابیطالب بود و در ذیل آیه: «لقد نصرکم الله فی مواطن کثیره ویوم حنین اذا اجیتکم...»<sup>۵</sup>

آورده آن کس که در جنگ حنین (و حمله هوازن) فرار نکرد و به دفاع از جان پیامبر اکرم ﷺ اقدام کرد به طور مشخص علی ﷺ بود.

۱. تنبیه الغافلین، ص ۱۸۳ و ۱۷۱.

۲. نساء / ۹۵.

۳. نساء / ۹۵.

۴. آل عمران / ۱۷۳.

۵. تنبیه الغافلین من فضائل الطالبین، ص ۴۲ و ۵۴.

۶. تنبیه الغافلین، ص ۸۳ آیه ۲۵ توبه.





آن خدایی که دانه را شکافت و انسان را خلق کرد اگر اراده می‌کردم که آسمان را لمس کنم می‌توانستم با دستم آن را لمس کنم آن گاه بت هبل را سرنگون کردم و بر پشت کعبه انداختم بلافاصله خدای با عظمت آیه «وقل جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقا»<sup>۱</sup> یعنی شعار توحید لاله الا الله و نام محمد رسول الله را به صحنه آورد. «زهوق الباطل» یعنی بت پرستی از میان رفت «وان الباطل كان زهوقا» یعنی باطل را ثباتی نیست و از بین رفتنی است. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داخل بیت‌الله شد و دو رکعت نماز شکر گزارد.<sup>۲</sup>

### ۶۴۶. اسلام شناس بزرگ

در سیره ابن‌هشام حدیث کوتاهی است مبنی بر این که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله طائف را محاصره کرد بعد از ۲۶ روز معطلی موفق بر فتح آنجا نشد....  
 بعد از چند ماه شش نفر وارد مدینه شدند و عرض کردند: یا رسول الله ما نمایندگان مردم طائف هستیم آمدیم اسلام بیاوریم اما اسلام مشروط، به نحوی که قراردادی بین ما و شما نوشته شود امضاء کنیم ما اسلام می‌آوریم.  
 رسول خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمود: شما قرارداد را بنویس و بیاورید برای من بخوانید هنگامی که امیرمؤمنان شروع به نوشتن کرد دید این‌ها خواسته‌های دیگری دارند اسلام را می‌خواهند اما اسلام منهای نماز این‌ها اسلام با رباخوری می‌خواهند.  
 امام علی علیه السلام از نوشتن خودداری فرمود: و گفت اصلاً من نمی‌نویسم.  
 سراغ شخص دیگری رفتند او نوشت هنگامی که آوردند و بندها را بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خواندند حضرت در رد هر یک از بندها آیه‌ای خواندند هنگامی که به نماز رسید فرمود: «لاخیر فی دین لاصلوة معه».<sup>۳</sup>

### ۶۴۷. صاحب تأویل قرآن

ابوسعید خدری روایت کرده که نشسته بودیم و منتظر رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم رسول خدا

۱. اسرا / ۸۱

۲. شواهد التنزیل، ج ۱ ص ۴۵۳.

۳. سیره ابن‌هشام.

از یکی از خانه‌های زنانشان بیرون آمد به پا خاستیم و همراه شدم پاشنه کفش پیامبر صلی الله علیه و آله پاره شد، علی علیه السلام ماند تا آن را بدوزد پیامبر صلی الله علیه و آله حرکت کرد و ما هم همراه او به راه افتادیم. پس از آن ایستادند و منتظر علی علیه السلام شدند ما هم با او ایستادیم پس در این حال فرمودند: در میان شما کسی است که برای تأویل قرآن نبرد کند همان طوری که من برای تنزیل آن جنگیدم! ما گردن کشیدیم ابوبکر و عمر در میان ما بودند. پیامبر فرمودند منظورم کسی است که در حال دوختن کفش است. گفت آمدیم و علی علیه السلام را بر این خبر مژده دادیم گویی که از پیش آن را شنیده بود.<sup>۱</sup>

### ❖ ۶۴۸. عملی برتر از اعمال همه مردم ❖

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله رو به امام علی علیه السلام کرد و فرمود: «یا علی فلو وزن عملك بعمل امة محمد صلی الله علیه و آله لرحح عملك بعملهم وذلك انه لم یبق بیت من بیوت المشركین الا وقد دخله وهن بقتل عمرو ولم یبق بیت من بیوت المسلمین الا وقد دخله عز بقتل عمرو».

اگر عمل امروز تو با اعمال امت محمد صلی الله علیه و آله مقایسه و موازنه شود همین یک عمل تو برتر و با فضیلت‌تر از همه اعمال امت من است.

چون هیچ خانه‌ای از مشرکان و هیچ قلبی از آنان نیست که با کشتن عمرو بن عبدود سستی و یأس و نومیدی در آن راه نیافته باشد.

و از طرف دیگر هیچ خانه‌ای از مسلمانان نیست که با کشتن عمرو بن عبدود شادی و سرور و عزت در آن داخل نشده باشد.

پس عمل واحد تو بر همه اعمال امت من رحجان و برتری دارد.<sup>۲</sup>

### ❖ ۶۴۹. نور عمل، خورشید ربانی ❖

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «لمبارزة علی بن ابيطالب علیه السلام لعمر بن عبدود یوم الخندق افضل من عمل امتی الی یوم القيامة».

۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۵۰۱ - حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۶۷ و منابع بسیاری دیگر.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲ ص ۱۲.



پادش مبارزه و فضیلت نبرد علی با عمروبن عبدود در جنگ خندق از همه اعمال امتم تا روز قیامت با فضیلت تر و برتر است.<sup>۱</sup>

❖ ۶۵۰. عمل و فضلی بزرگ ❖

امام علی فرمود: اما بعد «ایها الناس فانافقات عین الفتنة ولم یکن لیجرا علیها احدی غیری بعد عن ماج غیها واشتد کلبها»؛ ای مردم بعد از آن که موج تاریکی فتنه برخاسته بود و گزند آن همه جا را فرا گرفته بود هیچ کس غیر از من جرأت این را نداشت که این فتنه و را فرو نشاند و این من بودم که چشم این فتنه (خوارج) را از جا در آوردم.<sup>۲</sup>

❖ ۶۵۱. پاک رو و پاک خو، علی است ❖

عبدالله بن زبیر (خواهرزاده عایشه) از دشمنان سرسخت امام علی بود و در ملاء عام به امام ناسزا می گفت و در جریان جنگ جمل همین که امام در صحنه نبرد حاضر شد رو به سپاه عایشه جمله ای راجع به امام گفت که از گفتنش من شرم دارم (ابن ابی الحدید) ولی با شکست سپاه، او اسیر شده و او را نزد امام آوردند امام تنها یک جمله به او فرمود: برو که نبینمت.<sup>۳</sup>

❖ ۶۵۲. رحمت الهی از مظهر العجائب ❖

پس از شکست سپاه عایشه در جنگ جمل عایشه و مجروحان و فراریان جنگ به خانه عبدالله بن خلف که از بزرگ ترین منازل بصره بود پناهنده شدند صاحب خانه یعنی عبدالله نیز جزء سپاه عایشه بود که در جنگ کشته شده بود و برادر صاحب خانه یعنی عثمان در سپاه امام بود او نیز شهید شده بود.

وقتی که امام فهمید عایشه در این خانه است برای دیدن عایشه به این خانه آمد هنگام ورود، امام دید صدای شیون و گریه از خانه بلند است صفیه زن عبدالله که

۱. شواهد التنزیل، ج ۲ ص ۱۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۹۳.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۳.





### ۶۵۴. مقاوم شجاع

حکم بن عتیبه نقل می کند آیه شریفه «ثم انزل الله وسكينة على رسوله وعلى المؤمنين». بی شک این آیه شریفه برای چهار تن از ثابت قدمان در جنگ خنین نازل شد که در جنگ ایستادگی کردند و علی بن ابیطالب علیه السلام مقاوم ترین آن چهار تن است.<sup>۱</sup>

### ۶۵۵. نور هدایت در قلب علی علیه السلام

ربعی بن حراش می گوید:

روزی در حضور امام علی علیه السلام نشسته بودم فرزند طلحه وارد مجلس شد بر امام علی علیه السلام سلام کرد. حضرت بعد از پاسخ سلام به او خوش آمد گفت، آن گاه فرزند طلحه گفت: یا علی! تو پدرم را کشتی و اموالم را مصادره کردی؟ علی علیه السلام فرمود:

اموال تو را به بیت المال ملحق کردم برخیز و برو دارایی خویش را بستان اما درباره کشتن پدرت چاره ای در نابودیش نبود. امیدوارم خداوند من و پدرت را از مصادیق این آیه قرار دهد که در قرآن فرمود: «ونزعنا ما فی صدورهم من غل...»<sup>۲</sup>

مردی از قبیله همدان گفت: یا علی! خداوند عادل تر است که تو را مصادق این کلام قرار دهد.

علی علیه السلام چنان فریادی بر سرش کشید که دارالاماره به لرزه در آمد آن گاه فرمود: وای بر تو اگر ما آن کسان نباشیم که غل از سینه هایشان برچیده شود، پس آنان چه کسانی خواهند بود.<sup>۳</sup>

۱. شواهد التنزیل، ج ۱ ص ۳۳۱ - توبه / ۲۶.

۲. حجر / ۴۷.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱ ص ۴۱۳.

### ۶۵۶. فاتح خیبر

ابن اثیر می گوید: سیره نویسان و محدثان، کشنده مرحب خیبری را علی علیه السلام می دانند و روایات متواتر در این باره نقل شده است.  
حلبی سیره نویس معروف می گوید: در این که مرحب به دست علی علیه السلام از پای در آمد شکی نیست.<sup>۱</sup>

و در این جنگ است که یکی دیگر از فضایل امام علی علیه السلام در آسمان تاریخ تشیع چون نوری از افق اعمال عرشی علی علیه السلام می تابید آنجا که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: **ولیس بفرار؛ یعنی** او فرماندهی است که هرگز فرار نمی کند و این نشان می دهد که آن دو نفر قبلی پا به فرار گذارده باعث تضعیف جبهه حق شده اند.<sup>۲</sup>

### ۶۵۷. یاری دهنده رسول خدا صلی الله علیه و آله

ابوجعفر گوید: زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله (از جنگ احد) به خانه بازگشت شمشیر خود را به فاطمه داد و گفت: خون آن را بشوی و علی علیه السلام نیز شمشیرش را به او داد و گفت: این را بشوی که امروز به خوبی کار کرد.<sup>۳</sup>

### ۶۵۸. صالح المؤمنین

صاحب کتاب تنبیه الغافلین در ذیل آیه «فان الله هو مولاہ وجبرئیل و صالح المؤمنین»<sup>۴</sup> آورده است که صالح المؤمنین را به علی علیه السلام تفسیر کرده اند که نسبت به همه جدی تر و صمیمی تر از پیغمبر صلی الله علیه و آله دفاع می کرد و ملازم سفر و حضر پیغمبر صلی الله علیه و آله بود.<sup>۵</sup>

۱. سیره حلبی، ج ۳، ص ۴۴.

۲. تاریخ طبری - بحارالانوار ج ۲۱ ص ۱۱ باب ۲۲.

۳. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۷۴.

۴. تحریریم / ۴.

۵. تنبیه الغافلین، ص ۱۹۲.





### ۶۵۹. همه جا صاحب پرچم است

ابن هشام گوید: به دستور رسول خدا ﷺ «فیله بن عبدالله اللثی»؛ به نیابت در مدینه گمارده شد و آن حضرت در جنگ با یهود خیبر پرچم جنگ که بیرق سفیدی بود را به علی بن ابیطالب رضی الله عنه سپرد.<sup>۱</sup>

### ۶۶۰. دو ضربه بیشتر نزد

علی رضی الله عنه در شورای انتخاب خلیفه بعد از عمر بن خطاب به جمع حاضر فرمود: شما را به خدا سوگند آیا در میان خود فردی را جز من می شناسید که آن ۹ مبارز تنومند از تیره «نبی عبدالدار» که همگی از سران و پرچمداران قوم خود بودند را به خاک و خون کشیده باشد؟!

آیا به یاد دارید «صواب حبشی» برده آن مقتولان را که چگونه دیوانه وار و خشمگین به میدان جنگ آمد و دائم فریاد می زد و می گفت: من به انتقام سروران و دلاورانی که از دست داده ام به قتل شخصی جز محمد خرسند و راضی نخواهم شد.

چشمانش کاسه خون شده بود و دهانش کف آلود شده بود و شما مردم وحشت زده از برابر او فرار می گردید ولی در این حال این من بودم که به مقابله و مبارزه با او برخاستم. هنگامی که صواب آن غلام وحشی به من نزدیک می شد گویی هیولایی جلو می آمد نبرد بین ما آغاز شد اما بیش از دو ضربه بین ما رد و بدل نشد سرعت شمشیر من چنان برق آسا بود که در یک لحظه او را به دو نیم ساخت تیغه شمشیرم به پهلوی او اصابت کرد و قسمت پایین بدن او روی زمین باقی ماند و بالای تنه او به جانبی دیگر افتاد و مسلمانان می نگریستند و به او می خندیدند.<sup>۲</sup>

### ۶۶۱. علی رضی الله عنه در جنگ حنین

جابر بن عبدالله نقل کرده است: در بین هوازن مردی قدرتمند و شجاع بود او پرچم سیاه رنگی داشت که آن را بر سر نیزه بلندی قرار داده بود این مرد در جلو هوازن به

۱. سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۳۲۸.

۲. خصال، ص ۶۶۸.

جنگ مشغول بود که در این هنگام امام علی علیه السلام با مردی از انصار به جهت کشتن او به جلو رفتند امام علی علیه السلام از پشت سر حمله کرد و پاهای شتر او را قطع کرد به گونه‌ای که شتر او از عقب به زمین نشست و آن مرد انصاری هم پیش آمد و شمشیری به پای آن مرد زد که از وسط ساق پا قطع گردید و سایر مسلمانان نیز از پشت سر حمله سختی کردند سپس سوگند به خدا هنوز گریختگان از مسلمانان برنگشته بودند که گروهی از هوازن اسیر گشته و آن‌ها را به صورت اسیر و دست بسته به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند.<sup>۱</sup>

### ۶۶۲. قتل مرحب خیبری

علی علیه السلام می‌فرماید: مرحب دلاور نامی عرب به میدان مبارزه با من آمد و شعار می‌داد و می‌گفت: «من آن کس هستم که مادرم او را مرحب نامید آماده کارزارم و تکاوری آزموده، گاه با نیزه می‌جنگم و زمانی با شمشیر».

من به مصاف او رفتم. مرحب به منظور حفاظت هرچه بیشتر از خود قطعه سنگی را تراشیده بود و آن را به سر خود نهاده بود و از آن به جای کلاه خود استفاده می‌کرد چرا که هیچ کلاه خودی نمی‌توانست برای سر بزرگ او پوشش ایجاد کند من ضربتی بر سر او فرود آوردم آن گاه آن سنگ شکافته شد و تیغه شمشیر من بر فرق سرش اصابت کرد و او را به قتل رسانید.<sup>۲</sup>

### ۶۶۳. اقرار زبیر به برتری امام علی علیه السلام

امام علی علیه السلام فرمود: زبیر برای چه (به جنگ) آمده‌ای؟  
گفت: تو را شایسته خلافت نمی‌دانم و حق تو از ما بیشتر نیست...  
امام علی علیه السلام فرمود: آیا به خاطر داری روزی را که پیامبر صلی الله علیه و آله از قبیله بنی‌غنم عبور می‌کرد، رسول الله صلی الله علیه و آله به من نگریست و خندید و من نیز خندیدم و تو به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتی علی علیه السلام از غرور خود دست بر نمی‌دارد.

۱. سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۴۴۵.

۲. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۷.



و رسول خدا ﷺ به تو گفت: به خدا سوگند تو ای زبیر با او می‌جنگی و در آن حال ستمگر می‌باشی.  
 زبیر گفت: صحیح است و اگر این ماجرا را به خاطر داشتم هرگز به این راه نمی‌آمدم  
 به خدا سوگند با تو نبرد نمی‌کنم.<sup>۱</sup>

### ۶۶۴. نبرد با یهودیان فدک

رسول خدا ﷺ امام علی را با لشکری به فدک فرستاد چرا که خبر یافت در آنجا گروهی می‌خواهند به یهود خیبر کمک دهند پس علی بن ابیطالب شب راه پیمود و روز پنهان ماند تا بامداد بر آنان تاخت و آن‌ها را کشت.<sup>۲</sup>

### ۶۶۵. فاتح بزرگ

علی می‌فرماید: وقتی که فتح یکی از قلعه‌های خیبر دشوار شد رسول خدا ﷺ به ترتیب ابوبکر و عمر را برای فتح آنجا فرستاد اما فتح قلعه صورت نگرفت.<sup>۳</sup>  
 روز بعد پیامبر ﷺ مرا در حالی که مبتلا به چشم درد بودم خواست سپس حضرت با آب دهان خود درد چشمم را معالجه کرد و برایم این چنین دعا کرد: «پروردگارا! (سوزش و سختی) گرما و سرما را از او برطرف کن».  
 به برکت دعای آن حضرت تا این ساعت رنج و گرما و سرما از من برطرف شده است آن‌گاه پرچم را به دست گرفتم و به قلعه یهود یورش بردم و خدای متعال آنان را شکست داد و فتح و پیروزی را با دست من نصیب مسلمانان کرد.  
 در این جنگ بود که من ۲۵ جراحت برداشتم با همان وضع نزد رسول خدا ﷺ آمدم، حضرت وقتی مرا دید گریست سپس مقداری اشک از دیدگانش را برگرفت و بر زخم‌هایم مالید که در جا آرام گرفت و از سوزش و درد راحت شدم.<sup>۴</sup>

۱. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۷.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۴۳۸.

۳. تاریخ پیامبر اسلام / ۵۰۴ به نقل از ابن اسحاق و ابن اثیر و ابن حزم.

۴. بحارالانوار، ج ۲۱ - خصال ص ۶۵۹ - اثبات الهداة، ج ۱ - احقاق الحق، ج ۸.

## ۶۶۶. شصت نگین زخم برتن دارد

در جنگ احد پیامبر اکرم ﷺ با سپاه خود به منطقه جنگی که در حاشیه کوه احد بود وارد شدند پیامبر برای جلوگیری از حمله دشمن از پشت عبدالله بن جبیر را به همراه ۵۰ نفر از تیراندازان ماهر مأمور حفاظت از دهانه شکاف کوه کرد و تأکید فرمودند به هیچ وجه تنگه را رها نکنند، بعد از این که جنگ شروع شد و لشکر دشمن رو به فرار گذاشت مسلمانان به جمع‌آوری غنائم پرداختند و محافظین کوه به جز ۱۰ نفر پست‌های خود را برای جمع‌آوری غنائم ترک کردند.

ابوسفیان قبلاً خالد بن ولید را مأمور این کار کرده بود تا در موقع مقتضی از پشت حمله نماید؛ لذا او با حمله به عبدالله آن‌ها را کشت و از پشت به لشکر اسلام حمله کرد در همین موقع سردار رشید اسلام حضرت حمزه و بعضی دیگر از یاران پیامبر شهید شدند و عده‌ای نیز پروانه وار پیامبر را مراقبت می‌کردند بیشتر از همه علی علیه السلام بود که هر حمله‌ای را از جانب دشمن دفع می‌کرد پیامبر ﷺ آن قدر جنگید و شمشیر خود را که به ذوالفقار معروف بود به علی علیه السلام داد و خود در جایی سنگر گرفت علی علیه السلام از آن حضرت دفاع می‌کرد آن چنان که بیش از ۶۰ زخم بر سر و صورت و بدنش وارد شد در این هنگام جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد! معنای مواسات همین است.

پیامبر ﷺ فرمود:

علی از من است و من از اویم. جبرئیل گفت: من هم باهر دوی شما هستم و نیز جبرئیل در همان وقت گفت: «لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار»؛ به طوری که همه این صدا را شنیدند.<sup>۱</sup>

## ۶۶۷. شیر کوه احد

علی علیه السلام در جنگ احد شصت و یک زخم برداشت پیامبر ﷺ دستور داد تا ام سلمه و ام عطیه به معالجه جراحات آن حضرت بپردازند چیزی نگذشت که آن‌ها با نگرانی به خدمت پیامبر ﷺ رسیده و عرضه داشتند که وضع بدن علی طوری است که ما هر زخمی را می‌بندیم دیگری گشوده می‌شود و زخم‌های تن او آن چنان زیاد و خطرناک است که

۱. تفسیر نمونه، ج ۳ - مشارق الانوار - بحار الانوار ج ۲۱ ص ۴۰.



ما از ادامه حیات او نگرانیم. پیغمبر اسلام ﷺ با جمعی از مسلمانان به عنوان عیادت به منزل علی علیه السلام وارد شدند در حالی که بدن او یک پارچه زخم و پر از جراحت بود پیامبر صلی الله علیه و آله با دست مبارک خود بدن او را مسح می کرد و می فرمود: کسی که در راه خدا این چنین شود آخرین درجه مسئولیت خود را انجام داده است و زخم هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله با دست روی آن ها می کشید به زودی التیام می یافت علی علیه السلام در این هنگام گفت: الحمد لله که با این همه، فرار نکردم و پشت به دشمن ننمودم.

امام علی علیه السلام فرمود: در جنگ خیبر ۲۵ جراحت برداشتم با همان وضع نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم آن حضرت همین که مرا به آن حال دید گریست.<sup>۱</sup>

### ۶۶۸. شیرمرد میدان دینداری

علی علیه السلام می فرماید: اگر تمام عرب پشت به پشت یکدیگر بدهند و به جنگ من بیایند من فرار نمی کنم و اگر فرصت پیدا کردم گردن تمام آن ها را می زنم.<sup>۲</sup>  
و در جنگ خندق عمر بن عبدود ۸۰ ساله جنگجوی جبهه احزاب با گذشتن از خندق به دست امام علی علیه السلام جنگجوی جوان جبهه توحید کشته شد.  
قریش بعد از بدر با ۳۰۰۰ هزار شتر و ۲۰۰ اسب و ۵۰۰۰ هزار سرباز به جنگ با پیامبر آمد.

در احد علی علیه السلام دلیران جبهه کفر را به خاک مذلت افکند طلحه بن ابی طلحه و معصب برادر وی و صواب را یکی پس از دیگری به قتل رساند.  
در پی حفاظت از جان پیامبر در جنگ احد و کشتن عمرو بن عبدود در جنگ خندق رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ضربة علی یوم الخندق...»؛ پیکار علی بن ابیطالب با عمر و پسر عبدود در روز خندق برتر از عمل امت من است تا روز رستاخیز.<sup>۳</sup>

۱. اثبات الهداة، ج ۱، ص ۲۷۶.

۲. بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۶۸.

۳. جامع الاخبار، ص ۱۴.





آن حضرت جانبازی و از خودگذشتگی می‌کردم و این شجاعت و شهامتی است که خدا به من عنایت کرده و مرا به آن گرامی داشته است.<sup>۱</sup>

### ۶۷۲. عامل شکست سپاه اسلام

در جنگ حنین لشکریان اسلام دوازده یا بنا به نقلی شانزده هزار نفر بودند و لشکر مشرکان چهار هزار نفر، ابوبکر چون کثرت لشکر مسلمانان و قلت کفار را دید گفت: ما مغلوب نخواهیم شد، این سخن به سمع مبارک حضرت رسید و آن را نپسندید و به سبب این عجب و غرور در حمله اول شکست به لشکر اسلام وارد شد و همه مسلمانان از جنگ فرار کردند.

و برای پیامبر کسی نماند مگر نه نفر از بنی‌هاشم حضرت علیؑ و عباس بن عبدالمطلب و هفت نفر دیگر.

حضرت امیرؑ جلو پیامبر عَلم را به دست داشت و قتال می‌نمود و باقی در اطراف پیامبرؑ و آن حضرت سوار بر استر بود وقتی دشمنان به طرف آن حضرت حمله آوردند حضرت استر خود را نهیب زد و به دشمن حمله نمود و می‌فرمود:

انا النبى لا کذب      انا ابن عبدالمطلب

عباس عموی پیامبرؑ لجام در رکاب حضرت را گرفته بود و نمی‌گذاشتند تا حضرت در میان دشمنان رود.<sup>۲</sup>

### ۶۷۳. آینه کردار خدا

حضرت در پاسخ به کسی که از امام علیؑ پرسید: در بقلعه خیبر را چگونه از جا کنیدی؟ فرمود: «ما قلعناها بقوة بشرية ولكن قلعناها بوقه الهية ونفس بلقاء ربها مطمئنة رضية»؛ یعنی: من هرگز آن در را با نیروی بشری از جا نکندم بلکه در پرتو نیروی خداداد و با ایمانی راسخ به روز بازپسین آن را کندم.<sup>۳</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۸.

۲. منهج الصادقین، ج ۴، ص ۲۴۷.

۳. بحار، ج ۲۱، ص ۲۱.

امام در فتح خیبر تنها با مرحب جنگید بلکه عده‌ای بعد از مرحب تن به تن به میدان نبرد با امام آمدند که هر یک از آن‌ها دلاوران پهلو بودند آن‌هایی که پس از کشته شدن مرحب با علی علیه السلام جنگیدند و کشته شده‌اند عبارتند از: داود بن قابوس - ربیع بن ابی الحقیق - ابوالبائت - مره بن مروان - یاسر خیبری - ضحیح خیبری.

### ❖ ۶۷۴. شمشیر بران رسول عربی ❖

مرحوم صدوق در کمال‌الدین آورده که سلمان فارسی روایت کرده که رسول خدا ﷺ به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: ای برادر من! تو شمشیر من خواهی بود بعد از من، و زود باشد که قریش را بینی با تو در مقام عداوت در آیند و در حق تو ستم کنند و خلافت را که حق توست از تو بگیرند پس اگر در آن وقت تو را یار و یآوری بود به مدد آن‌ها با قریش مقاتله کن و اگر مددکاری برای تو نبود صبر کن...

### ❖ ۶۷۵. به فدای آن همه مهربانی ❖

امیرمؤمنان پیش از ورود به بصره در محلی به نام زاویه فرود آمد... و چهار رکعت نماز گذارد.

آن‌گاه صورت بر خاک نهاد و قطرات اشکش سرازیر شد.

سپس دستهایش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: ... پروردگارا! این گروه سرپیچی کرده و بر من ستم نمودند و بیعت مرا شکستند. خداوندا! تو خود خون مسلمانان را حفظ فرما!

«اللهم احقن دما المسلمین»<sup>۱</sup>.

### ❖ ۶۷۶. قاصه جبارین ❖

امام علی علیه السلام فرمودند: «انا وضعت فی الصغر بکلاکل العرب وکسرت نواجم قرون ربیعة ومضر».

۱. مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۶۱.





من در آغاز نوجوانی سینه‌های قهرمانان عرب را بر زمین نهادم و شاخه‌های نوو بر آمده و بلند (دلیران و بزرگان) قبیله ربیعه و مضر را درهم شکستم.<sup>۱</sup>

### ۶۷۷. اجرای فرمان رسول الله

واقعی گوید: به ماه ذی‌القعدة چند روز مانده بود که رسول الله به جنگ بنی قریظه رفت و چون تسلیم شدند الباقی آنانی که ایمان نیاوردند را فرمود: گودالی کنده سپس علی و زبیر در حضور رسول خدا همه آنان را گردن می‌زدند.<sup>۲</sup>

### ۶۷۸. پرچمدار احد

معصب بن عمیر پرچمدار مسلمانان در جنگ احد پس از آنکه کشته شد چون شباهتی با رسول خدا داشت ابن‌قمئه خیال کرد که رسول خدا را کشته است از این رو با شتاب به سوی قریش رفت و فریاد زد: محمد را کشتم پس از او رسول خدا پرچم را به دست امام علی داد و تا پایان جنگ نیز پرچم به دست امام بود و مردانه از آن دفاع کرد وقتی آتش جنگ شعله‌ور شد رسول خدا علی را مأمور کرد تا پرچم را پیش برد و خود نیز به زیر پرچم انصار رفت.

علی به میدان آمد و گفت: منم ابوالقضم.

سعد بن ابی‌طلحه که پرچم مشرکین را در دست داشت جلو آمد و گفت: ای ابوالقضم حاضری با هم بجنگیم؟

امام علی فرمود:

آری! و به دنبال آن به جلو رفت آن دو میان هر دو لشکر با هم جنگیدند و امام علی او را با ضربتی به زمین انداخت ولی به همان حال رهاپیش کرد و بازگشت، اصحاب از او پرسیدند چرا نیمه دیگر جانش را نگرفتی؟ فرمود: زمانی که به سوی او رفتم عورتش را آشکار نمود و خویشاوندی من با او مرا مانع شد و دانستم که خداوند او را نابود خواهد کرد و گفته شده است که شخصی به نام ابوسعبد بن ابی طلحه از بین

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴.

۲. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۰۴.





### ❖ ۶۸۰. پرچم دار جنگ بدر ❖

ابن اسحاق می گوید: نزد رسول خدا ﷺ در جنگ بدر دو پرچم سیاه رنگ بود یکی را به علی بن ابیطالب ﷺ سپرد که عقاب نام داشت و دیگری را در دست برخی از انصار داد.<sup>۱</sup>

### ❖ ۶۸۱. کشتگان مشرک ❖

ابن اسحاق می گوید:

از جمله مشترکینی که در راه مدینه و در وادی صفرا به دستور رسول خدا ﷺ و به دست علی بن ابیطالب ﷺ کشته شد نضر بن حارث بود.

عاص بن سعید بن امیه نیز به دست علی بن ابیطالب ﷺ به قتل رسید به گفته ابن هشام: عقبه بن ابی معیط نیز به دست علی بن ابیطالب کشته شد.

از بنی نوفل، حلیمه بن عدی بن نوفل نیز به دست امام علی ﷺ به قتل رسید و به قولی حمزه او را کشت و از بنی اسد، عقیل بن اسود بن مطلب که حمزه و امام علی ﷺ هر دو در قتلش شرکت داشتند.

و نوفل بن خویلد بن اسد که از اشرار دشمنان اسلام بود نیز به دست پر برکت علی ﷺ کشته شد.

و از بنی عبدالدار، نضر بن حارث که در محل صفرا و به دست علی ﷺ به قتل رسید از بنی تمیم بن مره، عمیر بن عثمان که ابن هشام گفته است به دست علی ﷺ کشته شد و مسعود بن ابی امیه بن مغیره نیز به دست امام علی ﷺ کشته شد.

و ابو قیس بن فاکه بن مغیره و عبدالله بن منذر به دست امام علی ﷺ به قتل رسیدند. و از بنی سهم، حاجز بن السائب بود که امام علی ﷺ او را به قتل رساند.

و عاص بن منبه و ابوالعاص بن قیس به دست امام علی ﷺ کشته شدند.

از بنی جمع، نیز اوس بن معیر توسط امام علی ﷺ کشته شد.

و از بنی عامر، معاویه بن عامر به دست امام علی ﷺ کشته شد.<sup>۲</sup>

جبرئیل در ستایش جوانمردی و قدرت رزم امام علی ﷺ در روز سخت احد فرمود:

۱. سیرة ابن هشام، ج ۲، ص ۶۱۲.

۲. سیرة ابن هشام، ج ۲، ص ۷۱۳ - ۷۰۹ - ۷۱۰ - ۷۱۱.

«لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار» جوانمردی مانند علی نیست و در همه تاریخ شمشیری مانند ذوالفقار او در راه خدا به کار گرفته نشده است.<sup>۱</sup>

## ۶۸۲. محور جنگها در اسلام علی است

تمامی جنگها اسلام بر بازوی پر قدرت حیدر کرار می چرخید محور میدان نبرد و یکه تاز میدان جانبازی در راه اهداف نورانی پیامبر اکرم ﷺ امیرالمؤمنین ﷺ بود این ادعا تنها از ناحیه راویان و محدثان شیعه مطرح نشده بلکه علمای اهل سنت نیز بر این مطلب تصریح و تأکید دارند که علی ﷺ شیر بیشه نبرد با کفارن بوده است.

برای نمونه به جنگ احزاب که در شوال سال پنجم هجرت در اوضاع نامناسب جوی (سرما و طوفان) اتفاق افتاد اشاره می نمائیم یهودیان با قبایل و طوایف متعدد مثل قریش، بنی سلیم، بنی اسد، غطفان و... متحد شدند.

تا با حمله نهایی خود مسلمانان مدینه را نابود کنند البته یهودیان بنی قریظه نیز بعدا با پیمان شکنی به این مجموعه پیوستند، مجموع سپاهییانی که از سوی اتحادیه یهودیان (احزاب) برای هجوم به مدینه آماده شده بود ده هزار نفر بود البته مورخانی همچون مسعودی تا ۲۴ هزار نفر را نیز نوشته است و فرماندهی کل آنها نیز به عهده ابوسفیان بود حدود یک ماه مسلمانان مدینه در محاصره کفار بودند.

تا این که چند نفر از سواران و قهرمانان نامدار عرب همچون عمروبن عبدود، عکرمه بن ابی جهل، هبیره بن ابی وهب، وضرار بن خطاب با اسبان خویش از نقاط کم عرض تر خندق گذشتند و به میدان آمدند.

عمروبن عبدود به صورت تحقیر آمیزی رجز می خواند و مبارز می طلبید و خطاب به مسلمانان می گفت:

آن قدر مبارز طلبیدم که دیگر گلویم درد می کند... عمروبن عبدود چنان زورمند بود که بعضا در جنگها بچه شترها را بلند می کرد و از آنها به عنوان سپر استفاده می کرد. علی ﷺ با کشتن عمروبن عبدود چنان وحشتی در دل این چند نفر ایجاد کرد که جملگی آنها پا به فرار گذاشتند در این میان یکی از این چند نفر که اسبش در میان

۱. مناقب ابن مغازی، ص ۱۹۸.



خندق گیر کرده بود نیز به دست علی علیه السلام کشته شد و در این مرحله بود که جنگ احزاب با وحشت کفار به اتمام رسید و آن‌ها به سوی مکه باز گشتند.

### ۶۸۳. قاطعیت امام علی علیه السلام

از گروه بنی‌المصطلق در جنگ بنی‌المصطلق تعداد زیادی کشته شدند از جمله کشته شدگان آن‌ها مالک و پسرش بود که توسط امام علی علیه السلام به قتل رسیدند.<sup>۱</sup>

### ۶۸۴. پرچمدار فتح مکه

ابن اسحاق گوید: یکی از مهاجرین شنید که سعد بن عباده هنگام داخل شدن به مکه رجز می‌خواند و می‌گوید: «اليوم يوم الملاحه اليوم تستحل الحرمه»؛ امروز روز جنگ و پیکار است و امروز آن روزی است که به حرمت مردم حرم مبادرت نکنیم. شخصی از مهاجرین این مطلب را به اطلاع رسول خدا صلی الله علیه و آله رسانید ابن هشام گفته است که گوینده عمر بوده است او به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: می‌شنوید سعد چه می‌گوید: ما خوف از آن داریم که امروز سعد به قریش یورش ببرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام را مأمور کرد تا نزد سعد رفته و پرچم را از دست او بگیرد و خود او به عنوان پرچمدار سپاه اسلام وارد شهر مکه شود.<sup>۲</sup>

### ۶۸۵. مظهر خشم الهی

سلمه می‌گوید: در جنگ خیبر علی علیه السلام پرچم را از رسول خدا صلی الله علیه و آله گرفت و به سرعت به سوی قلعه خیبر حرکت کرد و من نیز به دنبال او بودم پس همچنان هروله کنان تا پای قلعه آمد و پرچم را در وسط سنگ‌هایی که پای قلعه بود در زمین فرو برد مردی از یهودیان از بالای دیوار قلعه سر کشید و گفت: تو کیستی؟ علی علیه السلام پاسخ داد: من علی بن ابیطالب هستم.

۱. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۱۱.

۲. سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۴۰۶.

آن مرد یهودی فریاد زد: سوگند به آنچه به موسی نازل شد مغلوب شدید و علی بن ابیطالب از آنجا باز نگشت تا این که خداوند قلعه را به دست او گشود...<sup>۱</sup>

### ۶۸۶. فاتح همیشه پیروز

ابورافع غلام آزاده رسول خدا ﷺ می گوید:

من در روز جنگ خیبر همراه علی علیه السلام بودم وقتی به در قلعه رسید یهودیان بیرون آمده با او به جنگ پرداختند پس مردی از یهودیان به دست او ضربتی زد که سپر از دستش افتاد در این هنگام دیدم علی علیه السلام دست برد و در قلعه خیبر را از جای کند و آن را به دست گرفت و آن را سپر خود قرار داد و تا پایان جنگ آن در دست او بود و چون قلعه را فتح کرد در را به یک سو افکند در آن هنگام من و هفت نفر دیگر که روی هم هشت نفر بودیم به نزد در رفته به هم کمک داده هرچه کردیم که آن در را از جا حرکت دهیم نتوانستیم.<sup>۲</sup>

### ۶۸۷. منزلت رخشنده خورشیدی علوی

وقتی رسول خدا ﷺ عازم جنگ تبوک بود امام علی علیه السلام را در مدینه جانشین خود نمود و پس از آن که منافقان بر علیه امام سخنانی گفتند امام علی علیه السلام خود را به رسول خدا ﷺ رساند و حدیث منزلت را فرمودند.

امام علی علیه السلام مجدداً به مدینه بازگشت منافقین وقتی از بازگشت آن حضرت به مدینه مطلع شدند درصدد قتل امام بر آمدند و در مسیر راه حضرت چاهی پنجاه ذراعی را حفر کردند و روی آن را از حصیر و دیگر وسایل پوشاندند تا حضرت هنگام عبور در آن افتد از طرف دیگر طبق نقشه جملگی حضرت را سنگسار کنند و به قتل رسانند.

وقتی که اسب امام به کنار چاه رسید به عقب برگشت و به امام عرض کرد: یا امیرالمؤمنین چاهی در این مکان حفر کردند تا شما را نابود کنند حضرت در حق آن حیوان دعا کرد و فرمود: به اذن خداوند حرکت کن که او حافظ است... وقتی حضرت

۱. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۳۵.

۲. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۳۳۴ - تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۲۷ طبری نیز این واقعه را همین طور نقل کرده است.



عبور کرد آن حیوان عرض کرد: چه قدر عزیز و گرامی هستی در نزد پروردگار عالم، ای سید من.

آن گاه امام دستور داد تا روی آن چاه را برداشته تا حيله منافقین آشکار گردد و همین که اصحاب چاه را مشاهده کردند تعجب کردند....

آن حضرت به آن‌ها فرمودند: آیا می‌دانید چه کسانی این کار را انجام داده‌اند. عرض کردند: دانای اسرار ما نیستیم.

فرمود: این اسب می‌داند و با اعجاز امام اسب به سخن آمد و با زبان فصیح عرض کرد: آن‌ها ده نفر بودند و با همراهی ۲۴ نفر از منافقان که در رکاب پیامبر به جهاد رفته‌اند این کار را کردند آن‌ها نیز تصمیم گرفته‌اند تا پیغمبر را در عقبه به قتل رسانند و خداوند پیغمبرش را حفظ خواهد کرد، اصحاب عرض کردند: یا امیرالمؤمنین! نامه‌ای حضور رسول خدا بنویسید و آن حضرت را از توطئه منافقین آگاه سازید، امام فرمود: پیک خداوند زودتر از نامه من به حضورش می‌رسد و در همان زمان جبرئیل نازل شد و جریان توطئه را به پیامبر اسلام خبر داد...<sup>۱</sup>

### ۶۸۸. هرکس از مهره مهر توبه نقشی مشغول

از اسیدی و محمد بن مبشر منقول است که عبدالله بن نافع ازرق می‌گفت: اگر بدانم که از شرق تا غرب عالم کسی وجود دارد تا با من بحث کند که علی نهر وانیان (خوارج) را به حق کشت و در حق آن‌ها ستم نکرد بر مرکب خود نشسته و پیش او می‌روم. به او گفتند: اگر فرزند علی باشد چه؟

گفت: مگر در میان فرزندان او عالمی هست؟ گفتند: این اولین نشانه نادانی توست مگر می‌شود در میان آنان عالم وجود نداشته باشد؟

گفت: در حال حاضر عالم آن‌ها کیست؟ گفتند: محمد بن علی! او به قصد دیدار امام راهی مدینه شد... تا به حضور امام رسید.

در آن جلسه ابتداء امام ضمن حمد و ستایش خداوند متعال فرمود: ای گروه فرزندان

۱. تفسیر جامع، ص ۱۲۶، ج ۳.

مهاجران و انصار هر یک از شما منقبت و فضیلتی از علی بن ابیطالب علیه السلام می‌داند برخیزد و بگوید: مردم برخاستند و یکایک آن مناقب را بازگو کردند.

عبدالله گفت: من خود این مناقب را از قول اینان روایت می‌کنم اما علی علیه السلام بعد از واگذارن حکمیت به دو حکم کافر شد.

حضار همچنان مناقب و فضایل امام علی علیه السلام را بر شمردند تا به حدیث خیبر رسیدند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فردا این پرچم را به دست مردی می‌سپارم که او خدا و رسول را دوست می‌دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست می‌دارند...

امام باقر علیه السلام به او فرمود: درباره این حدیث چه می‌گویی؟

عبدالله گفت: حقیقت دارد و تردیدی در آن نیست، اما علی بعدا کافر شد: امام فرمود: مادرت به عزایت نشیند و به من بگو در آن روزی که خداوند علی بن ابیطالب را دوست می‌داشت می‌دانست که او نهروانیان را خواهد کشت یا نمی‌دانست؟

عبدالله گفت: دوباره بپرس؟ امام مجدد فرمود: عبدالله عرض کرد: اگر بگویم نه که کافر شده‌ام. لذا گفت: می‌دانست.

حضرت فرمود: در این صورت آیا خدا او را دوست داشت برای این که به طاعتش عمل کند یا برای این که به معصیت و نافرمانی او؟  
گفت: برای این که به فرمان او عمل کند.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: پس برخیز که شکست خوردی...!

### ❖ ۶۸۹. با نور خدا جلو رفته ❖

امام علی علیه السلام در بیان فضایل خود بعد از جنگ نهروان فرمود: «فَقَمْتُ بِالْأَمْرِ حِينَ فَشَلُوا وَتَطَلَعْتُ حِينَ تَقَبَعُوا وَنَطَقْتُ حِينَ تَعْتُوا وَمَضِيْتُ بِنُورِ اللَّهِ حِينَ وَقَفُوا».

زمانی که مسلمانان ناتوان بودند من به یاری اسلام برخاستم و آن‌گاه که همه سر در لاک خود فرو داشتند من سر برداشتم و آن زمان که همه الکن بودند من به سخن آمدم و در آن وقت که همه ایستادند من با نور خدا پیش رفتم.<sup>۲</sup>

۱. کافی، ج ۸، ص ۳۴۹. برای این مظلومیت نباید گریست.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۳۷.







## فصل هشتم

رسول خدا ﷺ به حضرت علیؑ فرمود:

«یا علی! باپی انت و امی»

«علی جان! پدر و مادرم به فدای تو»

شواهد التنزیل ، جلد ۱، صفحه ۵۶۱.

فضایل امام علیؑ در روایات اهل سنت





## درآمد

در این فصل سعی شده بیشتر از احادیث و کتب برداران اهل سنت استفاده شود لذا آدرس منابع اهل سنت در پاورقی با علامت \* مشخص شده است، در کل این مجموعه از کتب علمای ممتاز اهل سنت استفاده شده است ولی شایسته بود فصلی مستقل در این خصوص تدوین گردد. البته در فصل‌های قبلی نیز از این کتاب‌ها استفاده شده است.

### ۶۹۰. زحمتی بزرگ از عالمی سترگ

در گذشته با توجه به امکانات ابتدایی و نبود وسایل مورد نیاز، تألیف کتاب کاری بسیار سخت و سنگین به حساب می‌آمد، البته در این میدان، عالم بزرگ و محقق مدقق جناب حاکم حسکانی حدود ۹۰۰ سال قبل اقدام به تألیف کتابی وزین و استثنایی نموده که از حیث نگارش کاری منحصر بفرد به نظر می‌رسد؛ اگرچه در بیشتر کتب برداران اهل سنت به کرات به فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام در مقیاسی وسیع برخورد می‌کنیم ولیکن این عالم سنی با تألیف شواهدالتنزیل گوی سبقت و ممتازی را از سایر علمای اهل سنت ربوده و در قله ممتازی ایستاده است این عالم بزرگوار اهل سنت علت تألیف کتاب شواهدالتنزیل را در مقدمه کتابش اینگونه آورده است: روزی یکی از دشمنان خداوند متعال را دیدم که می‌گفت: به غیر از سوره هل اتی، آیه دیگری در قرآن کریم در حق امیرالمؤمنین علی علیه السلام نازل نشده است او می‌گوید: من مدتی منتظر ماندم تا علما و مدافعان اهل سنت نبوی صلی الله علیه و آله به گفته او اعتراض کنند و جواب قاطعی به او بدهند ولی انتظارم به سر آمد لذا بر خود واجب دیدم که او را بی‌جواب نگذارم، بنابراین کتاب (شواهدالتنزیل) را نوشتم این عالم سنی در کتاب خود با استناد به ۱۱۶۳ حدیث از طریق اهل سنت اثبات کرده است که ۲۱۰ آیه قرآن کریم صرفاً در شأن امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اهل بیت آن حضرت نازل شده است.



### ❖ ۶۹۱. راه نجات ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «اذا جمع الله الاولين والاخرين يوم القيامة نصب الصراط على جهنم لم يجز عنها احد الا من كانت معه براءة بولاية علي بن ابي طالب عليه السلام».

وقتی خداوند اولین و آخرین را در روز قیامت حاضر کند صراط را بر دوزخ نصب نماید و در آن روز احدی از صراط عبور نخواهد نمود جز آنهایی که در دست خود گذرنامه ولایت علی بن ابیطالب را داشته باشند.<sup>۱</sup>

### ❖ ۶۹۲. دوستی پر سعادت ❖

قال جبرئيل و للنبي ﷺ: «والذي بعثك بالحق نبيا لو ان اهل الارض يحبون عليا كما تحبه اهل السماء ما خلق الله النار».

جبرئیل به پیامبر اکرم ﷺ فرمود: قسم به کسی که تو را به نبوت برگزید اگر اهل زمین علی را چون آسمانیان دوست می داشتند خداوند هرگز جهنم را خلق نمی کرد.<sup>۲</sup>

### ❖ ۶۹۳. هم شأن و هم دست ❖

ابوبکر می گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: «يا ابا بكر كفى وكفّ علي في العدل سواء»؛ ای ابوبکر کف من و کف علی در عدل (یا عدد) برابر است.<sup>۳</sup>

### ❖ ۶۹۴. آب دهان شیطان بر صورت ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «الشاك في فضل علي بن ابي طالب عليه السلام يحشر يوم القيامة من قبره و في عنقه طوق من نار فيه ثلاثمائة شعبة على كل منها شيطان يكلم في وجهه ويتفل فيه».

تردید کننده درباره علی بن ابیطالب در روز قیامت از قبر خود برانگیخته می شود در

۱. بتایبع اليهودة، ص ۱۱۲.

۲. احقاق الحق، ج ۷، ص ۱۵۲.

۳. امالی مفید، ص ۳۳۲.

حالی که طوقی از آتش در گردن اوست که سیصد زبانه دارد و بر هر زبانه‌ای از آن شیطانی است که او را به ترس و هراس اندازد و به رویش آب دهان بیفکند.<sup>۱</sup>

### ۶۹۵. مرز خیر و سو عاقبت

عمار نقل کرده از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که به علی علیه السلام فرمود:

«یا علی! طوبی لمن احبک و صدق فیک و ویل لمن ابغضک و کذب فیک».

طوبی برای کسی است که تو را دوست می‌دارد و درباره تو راستگو است و ویل برای کسی است که با تو دشمن است و درباره تو و اقرار به حق، دروغ می‌گوید.<sup>۲</sup>

### ۶۹۶. صاحب گنج بی‌پایان

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «... والله لان تعلمون ما خصنا الله عزوجل به اهل البيت احب الی

مما علی الارض من ذهبة او فضة بیضاء».

به خدا سوگند اگر شما می‌دانستید خداوند عزوجل ما را به چه فضایی مخصوص نموده آن برای ما از طلا و نقره‌های سفید روی زمین بهتر بود.<sup>۳</sup>

### ۶۹۷. رزقی از جنس نور

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «یا علی من احبک ثم مات فقد قضی نحبه ومن احبک ولم یمت فهو ینتظر وما

طلعت شمس ولا غربت الا طلعت علیه برزق وایمان (ونور)».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی کسی که با دوستی تو بمیرد به پیمان خدا وفا نموده و کسی که دوست تو باشد و نمرده باشد منتظر لقای خداست و خورشید طلوع و غروب نمی‌کند مگر آنکه از طرف خداوند روزی او همراه با ایمان و نور می‌رسد.<sup>۴</sup>

۱. امالی مفید، ص ۱۵۹.

۲. تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۷۱ حدیث طوبی در منابع اهل سنت زیاد آمده از جمله در ریاض النضره طبری، ص ۲۵ و صواعق المحرقه ابن حجر، ص ۱۴۸ و تفسیر الدر المنثور سیوطی، ج ۴، ص ۵۹ - قرطبی در تفسیرش، ج ۹، ص ۳۱۷ و کنز العمال، ج ۵، ص ۳۴\*.

۳. مناقب ابن مغزیلی، ص ۲۷۰ - فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۳۸ و ثعلبی در کتاب کشف و البیان\*.

۴. کافی، ج ۸، ص ۳۰۶.





### ❖ ۶۹۸. راه نجات ❖

قال رسول الله ﷺ: «من أحب عليا فقد استمسك بالعروة الوثقى».  
هر کس علی را دوست بدارد به دستگیره محکم خدا در آویخته است.<sup>۱</sup>

### ❖ ۶۹۹. ستون دین ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «علی عمود الدین» علی ستون اصلی دین است.<sup>۲</sup>

### ❖ ۷۰۰. صاحب بهشت و دوزخ ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «یا علی! انت قسیم الجنة والنار في يوم القيامة تقول النار هذا لي وهذا لك».  
یا علی تویی قسمت کننده بهشت و دوزخ و تویی که به آتش می گویی این از آن  
من و این از آن توست.<sup>۳</sup>

### ❖ ۷۰۱. سرور دو دنیا ❖

عبدالله بن عباس می گوید: رسول خدا ﷺ نگاهی به علی بن ابیطالب علیه السلام انداخت و فرمود:  
«سید فی الدنيا و سید فی الآخرة».  
این مرد آقا و سرور است در دنیا و آخرت.<sup>۴</sup>

### ❖ ۷۰۲. به مرگ جاهلی ❖

انس بن مالک گوید: پیامبر اکرم ﷺ به علی بن ابیطالب علیه السلام نظری افکند و فرمود: ای  
علی هر کس تو را دشمن دارد خداوند وی را به مرگ جاهلیت بمیراند و روز قیامت به  
حساب اعمالش رسیدگی نماید.<sup>۵</sup>

۱. الفائق فی اللفظ الرائق، ابوالبرکات، عبدالمحسن الحنفی.\*

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۹۴.

۳. صواعق المحرقة، ص ۱۲۶.\*

۴. امالی مفید، ص ۳۱.

۵. امالی مفید، مجلس هشتم.

### ۷۰۳. مرزدوستی با خدا علیست

شهرین حوشب گوید از ابامامه باهلی شنیدم که می‌گفت: به خدا بزرگی و شکوه مقام معاویه مرا از گفتن حق درباره علی علیه السلام باز نمی‌دارد از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود علی از همه شما برتر است و داناترین شما در دین و بیناترین شما به سنت من است و از همه شما بیشتر و بهتر آن چنان که سزاوار است کتاب خدا را قرائت می‌کند. سپس گفت: «اللهم انی احب علیا فاحبه اللهم انی احب علیا فاحبه». خدایا! من علی را دوست دارم تو نیز دوستش مدار. بارخدایا! من علی را دوست دارم تو نیز دوستش مدار.<sup>۱</sup>

### ۷۰۴. حامدان عالم ازل

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی بن ابیطالب علیه السلام می‌فرمود: وقتی خداوند عزوجل آدم را آفرید و از روح خود در کالبد او دمید و فرشتگان را فرمان داد تا وی را سجده نمودند و او را در بهشت ماوی داد و کنیز خود، حوا را همسر او نمود پس آدم سر برداشت و نگاهی به گوشه عرش افکند و در آنجا پنج سطر نوشته دید و گفت: بارالها اینان که نامشان را می‌نگرم چه کسانی هستند؟ خداوند عزوجل فرمود: ایشان شخصیت‌های برجسته‌ای هستند که هرگاه آفریدگانم از آنان درخواست شفاعت کنند من بی‌دریغ، وساطت آنان را خواهم پذیرفت آدم عرض کرد: پروردگارا! به منزلت و مقامی که در پیشگاهت دارند تو را سوگند می‌دهم چگونه نام آنان را برایم بیان فرما؟ خداوند تعالی فرمود: اما نخستین آنان، من محمود و او محمد است و دوم ایشان، من علیم و او علی است و سومی، من فاطرم و او فاطمه است و چهارم من محسنم و او حسن است و پنجم من صاحب احسانم و او حسین است همگی آنان مشغول حمد و ستایش من هستند.<sup>۲</sup>

۱. امالی مفید، ص ۱۰۲.

۲. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۱۲۹.







❖ ۷۰۵. باب علم نبی باب بهشت ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «انا مدينة الجنة وعلی بابها»<sup>۱</sup>. من بهشتم و علی در بهشت.

❖ ۷۰۶. گل گفتی ❖

امام علی علیه السلام می فرماید: «انا صديق الاكبر آمنت قبل ان یومن ابوبكر»<sup>۲</sup>.  
یعنی: همانا منم راستگو و صديق بزرگ و ایمان آوردم به رسول بزرگ صلی الله علیه و آله قبل از آن  
که ابوبکر ایمان آورد.

❖ ۷۰۷. همدم بهشتی نبی ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «یا علی... انت رفیقی فی الجنة»<sup>۳</sup>. یا علی! تو در بهشت همراه و همدم منی.

❖ ۷۰۸. حد قبولی عمل ❖

امام علی علیه السلام در خطبه البیان می فرماید: «انا الذی لیس شی من عمل عامل الا معرفتی». من  
آنم که عمل هیچ عمل کننده ای جز با معرفت من (قبول) نیست.

❖ ۷۰۹. توحیدگری بی بدیل ❖

امام علی علیه السلام می فرماید: «ما رأیت شیئا الا ورأیت الله بعده»<sup>۴</sup>. یعنی: ندیدم چیزی را مگر  
این که دیدم خدا را بعد از آن.

۱. غایة المرام، ص ۵۲۰.

۲. تنبیه الخافین، ص ۱۶۴.

۳. تنبیه الخافین من فضائل الطالبین، ص ۲۸.

۴. نقد النقاد فی معرفه الوجود، سیدحیدر آملی، ص ۷۰۱ - جواهر الاسرار، ج ۱، ص ۵۴.





۷۱۴. مرز اسلام و کفر

عمار بن یاسر قال: «قال رسول الله ﷺ اوصی من آمن بی وصدقنی بولاية علی بن ابیطالب فمن تولاه فقد تولانی ومن تولانی فقد تولی الله ومن احبه فقد احبنی ومن احبني فقد احب الله ومن ابغضه فقد ابغضنی ومن ابغضنی فقد ابغض الله عزوجل»<sup>۱</sup>.

عمار یاسر به نقل از رسول خدا ﷺ گفت: به من ایمان بیاور و ولایت علی بن ابیطالب را تصدیق کن پس هر کس ولایت او را پذیرد ولایت مرا پذیرفته و هر که ولایت مرا پذیرفته ولایت خداوند را پذیرفته و هر کس او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس مرا دوست دارد خدا را دوست دارد و هر کس علی را دشمن بدارد مرا دشمن داشته و هر که مرا دشمن بدارد دشمن خداست.

۷۱۵. راه علی حق است

حروف مقطعه قرآن کریم اگر بدون تکرار کنار هم جمع شود این جمله درست می‌شود: «صراط علی حق نمسکه» راه علی حق است و پیروی می‌کنیم از آن.

۷۱۶. علی امام شماس است

ابوجعفر محمد بن جریر طبری متوفی سال ۳۱۰ هجری در کتاب الولاية خطبه رسول خدا ﷺ را در روز غدیر آورده سپس نقل نموده که رسول خدا ﷺ فرمود: «اسمعوا واطيعوا فان الله مولاکم وعلی امامکم - ثم الامامة فی ولدی من صلبه الی يوم القيامة - معاشر الناس هذا اخی ووصی وواعی علمی و خلیفتی علی من آمن بی - وعلی تفسیر کتاب ربی».

یعنی: بشنوید و اطاعت کنید - پس همانا خداوند مولای شماس است و علی امام بر شما می‌باشد - پس امامت تا قیامت در اولاد من است از صلب علی - ای جماعت مردم علی برادر من و وصی من و حافظ علم من و خلیفه من است بر کسی که ایمان به من آورده - و بر تفسیر کتاب پروردگار من.

۱. کنز العمال، حدیث ۲۵۷، ج ۶.

### ❖ ۷۱۷. وصی نبی ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «لکل نبی وصی ووارث وانّ علیا وصی ووارث» برای هر پیامبری وصی و وارثی بوده به درستی که علی وصی و وارث من است.<sup>۱</sup>

### ❖ ۷۱۸. یهودی مذهب در قیامت ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «من آذى علیا فقد آذانی ایها الناس من آذى علیا بعثت یوم القیمة یهودیان او نصرانیا».

کسی که اذیت کند علی را مرا اذیت کرده است، ای گروه مردم کسی که علی را اذیت کند در قیامت یهودی یا نصرانی محشور شود.<sup>۲</sup>

### ❖ ۷۱۹. دو جسم واحد ❖

امام علی (ع) فرمود: رسول خدا ﷺ قسمتی از موی مبارک خود را به دست گرفت و فرمود:

«یا علی من آذى شعرة منك فقد آذانی ومن آذانی فقد آذى الله ومن آذى الله فعليه لعنة الله».  
یا علی! هر کس به اندازه مویی تو را اذیت کند مرا اذیت کرده و هر کس مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده پس هر کس خدا را اذیت کند بر او لعنت خدا باد.<sup>۳</sup>

### ❖ ۷۲۰. عمل جهنمیان ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «انّ الله قد عهد الی من خرج علی علی فهو کافر فی النار».  
خداوند عهد نموده با من که بدانید هر کس بر علی خروج کند کافر است و جایگاه او در آتش می باشد.<sup>۴</sup>

۱. کفایه الطالب، ص ۱۳۱، باب ۶۲.\*

۲. مناقب ابن مغازلی، ص ۵۲، ح ۷۶.\*

۳. مناقب خوارزمی، ص ۳۲۸.\*

۴. محاکمات الخلفاء و اتباعهم، ص ۲۰.\*



۷۲۱. میدان دار دائمی حق

شهرستانی در کتاب ملل و نحل می‌نویسد: رسول خدا ﷺ فرمود: «لقد كان عليُّ عليَّ الحق في جميع احواله يدور الحق معه حيث دار»؛ علی در جمیع احوال بر حق است و حق با علی دور می‌زند.

۷۲۲. خبر عظیم

رسول خدا ﷺ فرمود: «... من شهر علم هستم و علی دروازه اوست برای خدا خبری و آیتی بزرگ‌تر از علی نیست، او امام خلق و بهترین مردم و امین خدا و نگهدار علم او و اوست اهل ذکری که خدا فرموده: از اهل ذکر سؤال کنید اگر شما علم ندارید»<sup>۱</sup>.

۷۲۳. منبع نور علم

رسول خدا ﷺ من خزانه علم هستم و علی کلید آن خزانه است، هرکس خزانه را می‌خواهد پس باید کلید را بیابد «انا خزانه العلم و علی مفتاحها فمن اراد الخزانه فلیأت المفتاح»<sup>۲</sup>.

۷۲۴. دوازده نور عرشی

رسول اکرم ﷺ فرمود: «انا سید النبیین و علی سید الوصیین وان اوصیائی بعدی اثنا عشر اولهم علی و آخرهم القائم المهدي (عج)».  
من آقا و بزرگ انبیاء و علی سید اوصیاء می‌باشد و به درستی که اوصیاء بعد از من دوازده نفر هستند، اول آن‌ها علی و آخرشان مهدی می‌باشد.<sup>۳</sup>

۱. در قرآن کریم.

۲. اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۳، ص ۳۴.

۳. فرائد السمطين، باب ۷۷.\*

### ❖ ۷۲۵. منفعت عمل در گرو عشق است ❖

جابر روایت می کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «الزمو مودتنا اهل البيت فان من اتقى الله وهو يودنا دخل الجنة معنا والذى نفس محمد بيده لا ينفذ عبدا عمله الا لمعرفة حقنا». یعنی: در دوستی ما اهل بیت ثابت قدم باشید، به درستی که اهل تقوی که ما را دوست دارند با ما نیز داخل بهشت خواهند شد به آن خدائی که جان محمد در دست اوست هیچ عملی به بندهای نفع نمی رساند مگر به شناختن دوستی ما اهل بیت.

### ❖ ۷۲۶. در رحمت خدا بودن ❖

خالد بن معدان روایت نموده که رسول خدا ﷺ فرمود: «من احب ان يمشي في رحمه الله ويصبح في رحمه الله فلا يدخلن قلبه شك بان ذريتى افضل الذريات ووصى افضل الاوصياء». کسی که دوست دارد شب کند در رحمت خداوند و صبح کند در رحمت او، پس داخل نکند در قلبش شکی به این که ذریه و اولاد من بهترین ذراری هستند، وصی من (علی) بهترین اوصیاء می باشد.

### ❖ ۷۲۷. مزد رسالت ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «لا اسئلكم على ما ادعوكم اليه الا ان تحفظوني في قرابتي على وفاطمة والحسن والحسين وابنائهما». من برای ارشاد شما به سوی خداوند مزدی نمی خواهم مگر آنکه حفظ نمائید مقام مرا در نزدیکان و خویشان من، یعنی به خاطر من آن ها را احترام کنید و آن ها علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و اولاد و ذریه آن دو می باشند.<sup>۱</sup>

### ❖ ۷۲۸. تو دنبال علی باش ❖

رسول خدا ﷺ به عمار یاسر فرمود: «يا عمار... وان سلك الناس كلهم واديا وسلك على واديا فاسلك وادي على وخل عن الناس...».

۱. تفسیر تبصره، کواشکی \* - تفسیر جامع البیان نوشته طبری، ج ۲۵، ص ۳۱\*.



ای عمار!

اگر تمام مردم دنیا به راهی می‌روند و علی تنها از راه دیگری می‌رود پس تو به راهی برو که علی می‌رود و مردم را رها کن.

ای عمار! علی تو را از هدایت برنگرداند و تو را به سوی هلاکت نمی‌برد. ای عمار اطاعت علی اطاعت از من است و اطاعت من، اطاعت خداست.<sup>۱</sup>

### ۷۲۹. شوق آتش سوز

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حب علی بن ابیطالب يأكل الذنوب كل تأكل النار الحطب». دوستی علی بن ابیطالب می‌خورد گناهان را آن چنان که آتش هیزم را می‌خورد.<sup>۲</sup>

### ۷۳۰. به راه علی رو

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ستكون من بعدی فتنة فاذا كان ذلك فالزموا علی بن ابیطالب انه اول من یرانی من یصافحنی يوم القيمة وهو معی فی السماء العلیا وهو الفاروق بین الحق والباطل». زود است بعد از من فتنه‌ای برپا شود پس اگر چنین شد شما ملزم هستید که با علی بن ابیطالب باشید چون او اول کسی است که مرا می‌بیند و با من در روز قیامت مصافحه می‌نماید و او با من و در مرتبه من است و اوست جدا کننده بین حق و باطل.<sup>۳</sup>

### ۷۳۱. برترین مرد عالم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «افضل رجال العالمین فی زمانی هذا علی علیه السلام». افضل مردان عالمیان در زمان من علی علیه السلام است.<sup>۴</sup>

۱. ینابیع المودة، باب ۴۳ - مناقب خوارزمی، ص ۱۹۳، ح ۲۳۲\*.

۲. ینابیع المودة، باب ۵۶، حدیث ۳۳\*.

۳. ینابیع المودة، باب ۶۱\*.

۴. مناقب مرتضویه نوشته محمد صالح کشفی حنفی، ص ۱۱۳ - ینابیع المودة، ج ۲، ص ۲۹۸\*.

### ۷۳۲. سرور برگزیده

رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «انه لاینبغی ان اذهب الا وانت خلیفتی وانت اولی بالمؤمنین من بعدی».

سزاوار نیست که من از میان مردم بروم مگر آن که تو (یا علی) خلیفه و اولی به مؤمنین باشی بعد از من.<sup>۱</sup>

### ۷۳۳. خوشبخت واقعی

«رسول الله صلی الله علیه و آله لامیر المؤمنین علیه السلام ان السعید حق السعید من احبک و اطاعک»؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیر المؤمنین فرمود: خوشبخت حقیقی کسی است که تو را دوست بدارد و اطاعتت کند.<sup>۲</sup>

### ۷۳۴. از جهان تا جنان

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که را خوش آید که چون من زندگی کند و چون من بمیرد و در بهشتی که خدا مرا وعده داد در آید و به شاخه‌ای که پروردگارم به دست قدرت خود کاشته دست آویزد باید علی بن ابیطالب و جانشینانش را اطاعت کند زیرا آن‌ها شما را به هیچ وجه در گمراهی وارد نمی‌کنند، و از هیچ در هدایت خارج نکنند شما به ایشان یاد دهید که آن‌ها از شما داناترند من از پروردگارم خواستم که میان آن‌ها و قرآن جدائی نیندازد تا سر حوض بر من وارد شوند این چنین (سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله دو انگشت خود را به هم چسبانید).

پهنای آن حوض به مسافت میان صنعا تا ایله است و به تعداد ستارگان، جام‌های زرین دارد.<sup>۳</sup>

۱. مناقب ابن مغزالی شافعی \* - مسند ابن جنبل، ج ۱، ص ۷۰۸، ح ۳۰۶۲.\*

۲. امالی طوسی، ص ۴۲۶.

۳. کافی، ج ۱، ص ۳۰۰ (مقصود از جدا نشدن ائمه علیهم السلام از قرآن آن است که ایشان همیشه حافظ قرآن و مفسر قرآن و عمل کننده به قرآن و دعوت کننده مردم به سوی قرآن هستند).





❖ ۷۳۵. نسیم آسودگی ❖

امام باقر علیه السلام می فرماید: «وَأَنَّ الرُّوحَ والرَّاحَةَ والفَلَاحَ والعَوْنَ والنَّجَاحَ والبرکةَ والکرامَةَ والمَغفِرَةَ والمَعافاةَ والیسرَ والبشری والرِّضوانَ والقربَ والنَّصْرَ والتمکِنَ والرَّجاءَ والمحبَّةَ من اللّهِ عَزَّوَجَلَّ لِمَن تَوَلَّى عَلِيًّا وَاَتَمَّتْ بِهِ وِبَرِيٍّ مِنْ عَدُوَّةٍ وَسَلَّمَ لِفَضْلِهِ وَلِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ ادْخَلَهُمْ فِي شَفَاعَتِي وَحَقَّ عَلَيَّ رَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَسْتَجِيبَ لِي فِيهِمْ فَاتَّبِعُوا اتِّبَاعِي وَمَنْ تَبِعَنِي فَاتَّهَ مِنْي».

امام باقر علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

همانا نسیم رحمت و آسودگی و پیروزی و کمک و کامیابی و برکت و بزرگواری و آرمزش و ایمنی و توانگری و مژده و رضوان و تقرب و یاری و توانایی و امید و دوستی خدای عزوجل برای کسی است که علی را دوست بدارد و اطاعتش کند و از دشمنش بیزارى جوید و به فضیلت او و جانشینانش معترف باشد بر من است که ایشان را در شفاعتم در آورم و بر پروردگار من است که شفاعت مرا نسبت به ایشان بپذیرد زیرا آنها پیرو منند و هر که پیروی من کند از آن من است.<sup>۱</sup>

❖ ۷۳۶. عالم امت ❖

امام باقر علیه السلام فرمود: علمی که با آدم علیه السلام فرود آمده بالا نرفت و علم به ارث منتقل می شود و علی علیه السلام عالم این امت بود.

«وكان علی علیه السلام عالم هذه امة».

و هیچ گاه عالمی از ما خانواده نمی میرد جز این که از خاندانش جانشین او شود کسی که مانند علم او یا آنچه خدا خواهد بداند.<sup>۲</sup>

❖ ۷۳۷. از علی جدا مشو ❖

«عن ابی ذر (رض) قال النبی صلی الله علیه و آله یا علی علیه السلام: من فارقنی فقد فارق الله ومن فارقک یا علی فقد فارقنی».<sup>۳</sup>

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۰۰.  
 ۲. کافی، ج ۱، ص ۳۲۲.  
 ۳. احقاق الحق، ج ۶، ص ۳۹۵.





### ۷۴۱. خبر حق

انس بن مالک روایت کرده که پیامبر خدا ﷺ به امام علی علیه السلام فرمود: تو به امت من درباره حقیقت و آنچه که آن‌ها درباره آن نزاع دارند بعد از من خبر می‌دهی.<sup>۱</sup>

### ۷۴۲. هفت سال صلوات

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

«صَلَّتِ الْمَلَائِكَةُ عَلَيَّ وَعَلَىٰ عَلِيٍّ سَبْعَ سِنِينَ وَذَلِكَ أَنَّهُ لَمْ يَرْفَعْ شَهَادَةَ أَنَّ لَالَهُ الْآلَ اللَّهَ الْأُمَّتِي وَمِنْ عَلِيٍّ». فرشتگان الهی مدت هفت سال بر من و علی علیه السلام درود و صلوات می‌فرستادند، آن‌هنگام که شعار توحید و کلمه لاله‌الاله‌الاالله جز از خانه من و علی بر نمی‌خاست.<sup>۲</sup>

### ۷۴۳. پر نورترین در قیامت

رسول خدا ﷺ فرمود: «اکثرکم نورا یوم القیامة اکثرکم حبالا محمد ﷺ».

نورانی‌ترین شما در روز قیامت آن کسی است که عاشق‌ترین افراد به آل محمد ﷺ باشد.<sup>۳</sup>

### ۷۴۴. امین امت

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «علیُّ اقدمکم اسلاما و اوفرکم ایمانا و اکثرکم علما و ارحمکم حلما و اشدکم فی الله غضبا علمته علمی و استودعته سرّی و وکلته بشأنی فهو خلیفتی فی أهلی و امینی فی أمتی».

علی سابقه‌دارترین و برترین مؤمن و عالم‌ترین انسان و حلیم‌ترین شماس است در حق الله سخت گیر، وارث علم من و محرم اسرارم، وکیل در کارم است خلیفه و جانشین در اهل و عیال و در میان امت امین من است.<sup>۴</sup>

۱. حاکم مستدرک، ج ۳، ص ۱۲۲\*.

۲. شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدیث، ج ۷، ص ۲۱۹ - شواهد التنزیل، ج ۲ ص ۱۸۴\*.

۳. شواهد التنزیل، ج ۲ ص ۳۱۰\*.

۴. شواهد التنزیل، ج ۲ ص ۳۵۶\*.

### ۷۴۵. سعادت‌مند ابدی

حضرت فاطمه علیها السلام می فرماید: «ان السعيد كل السعيد حق السعيد من احب عليا في حياته وبعد موته».

همانا خوشبختی و سعادت و رستگاری برای کسی است که علی را در دوران زندگی و پس از مرگ دوست داشته باشد.<sup>۱</sup>

### ۷۴۶. اطاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمود: «من اطاعك فقد اطاعني».<sup>۲</sup>  
یعنی: هر که از تو اطاعت کند مرا اطاعت کرده است.

### ۷۴۷. حق قطعی

صاحب کاب تنبیه الغافلین در ذیل آیه ۱۱۹ سوره توبه روایتی می نویسد مبنی بر اینکه  
«علی مع الحق و القرآن و الحق و القرآن مع علی»

### ۷۴۸. روحی واحد

سعید بن جبیر از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: من و علی علیه السلام روح واحدیم و از زمان آدم در اصلا ب منتقل شدیم تا روح من به صلب عبدالله و روح علی علیه السلام به صلب ابوطالب منتقل شد پس علی از من است و من از علی...<sup>۳</sup>

### ۷۴۹. عمل کافران

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من آذی علیا فقد آذنی ومن سب علیا فقد سبنی».<sup>۴</sup>

۱. ینابیع المودة، ص ۲۱۳ - مناقب خوارزمی، ص ۴۷\*.

۲. تنبیه الغافلین من فضایل الطالبین، ص ۴۴.

۳. تنبیه الغافلین من فضایل الطالبین، ص ۱۳۰.

۴. تنبیه الغافلین، ص ۱۵۴ (معاویه لعنه الله علیه الف الف الف، کسی بود که عمل لعن بر امام در شام را برپا کرد).



یعنی: کسی که علی را آزار دهد مرا آزرده و کسی که علی را سب کند مرا سب کرده است.

### ۷۵۰. همیشه در راه راست

جابر بن عبدالله انصاری می گوید:

از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: «اهتدوا بالشمس فاذا غاب الشمس فاهتدوا بالقمر فاذا غاب القمر فاهتدوا بالزهره فاذا غابت الزهرة فاهتدوا بالفرقدین» با نور خورشید دنبال هدایت و مطلوب خود باشید اگر خورشید غایب شد به وسیله ماه هدایت یابید، اگر ماه پنهان شد به وسیله ستاره زهره راه را بیابید، اگر زهره ناپدید شد به وسیله فرقدین به دنبال هدایت باشید.

سؤال شد یا رسول الله! شمس - قمر - زهره و فرقدان را نمی شناسیم بیان فرمایید تا بدانیم اینان کیستند؟ حضرت فرمود: من خورشید هدایتیم علی ﷺ قمر عالمتاب است، فاطمه ﷺ ستاره نورانی در شب ظلمانی است حسن و حسین ﷺ هم فرقدان این جهان هستند.<sup>۱</sup>

### ۷۵۱. علی باب الله است

رسول خدا ﷺ فرمودند: «من سره (من اراد) ان یجوز علی الصراط کالریح العاصف ویلج الجنة بغير حساب فلیتول ولی و وصی و صاحبی و خلیفتی علی اهل علی بن ابیطالب و من اراد ان یلج النار...».

هر کسی مشتاق است که از پل صراط مثل باد تند پاییزی بگذرد و خود را بدون حساب به بهشت جاویدان برساند ولایت ولی و وصی و صاحب و خلیفه من علی بن ابیطالب ﷺ را بپذیرد و بر دل بسپارد و هرکسی می خواهد در آتش جهنم سرنگون شود، ولایت علی بن ابیطالب ﷺ را رها کند.

به عزت و جلال پروردگرم سوگند علی ﷺ باب الله است هیچ کسی وارد نمی شود

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۷۷.\*

مگر از آن باب و او صراط مستقیم است، علی علیه السلام آن کسی است که خداوند در روز قیامت از ولایت او سؤال خواهد کرد.<sup>۱</sup>

### ۷۵۲. سفینه سعادت

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «یا علی مثلک فی امتی کمثل سفینة نوح من رکبها نجی ومن تخلف عنها غرق»؛

یعنی: ای علی تو در امت من همانند کشتی نوح هستی که هر کس بر آن سوار شد نجات یافت و هر کس تخلف ورزید غرق شد.<sup>۲</sup>

### ۷۵۳. عمل هفتاد پیامبر

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «والذی نفسی بیده لو عمل احد عمل سبعین نبیا لم یدخل الجنة حتی یحب هذا اخی علیا».

سوگند به خداوندی که جان من در دست اوست اگر کسی عمل هفتاد پیامبر را انجام دهد، هرگز وارد بهشت نخواهد شد مگر این که برادرم علی را دوست داشته باشد.<sup>۳</sup>

### ۷۵۴. حقیق اداء نشد

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی! کسی خدا را نشناخت مگر من و تو و کسی مرا نشناخت مگر خدا و تو و کسی تو را نشناخت مگر خدا و من.<sup>۴</sup>

### ۷۵۵. صاحب هزار باب علم

امام صادق علیه السلام فرمود: «علم رسول الله علیا ألف باب یفتح کل باب ألف باب».

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۷۴.

۲. خصال، ج ۲، ص ۳۵۶.

۳. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۶.

۴. خزینة الجواهر، ص ۵۸۱.



رسول خدا ﷺ به علی ﷺ هزار باب علم آموخت که از هر بابی هزار باب علم دیگر گشوده می‌شود.<sup>۱</sup>

۷۵۶. امیر حکمت

رسول خدا ﷺ به امام علی ﷺ فرمود:  
ای علی! به مردم خاور و باختر به عرب و عجم افتخار کن که تو گرامی‌ترین اجداد را داری...  
و در روی آوردن به اسلام پیشتاز هستی و «اقرئهم لکتاب الله» آگاه‌ترین همگان به کتاب الهی...<sup>۲</sup>

۷۵۷. عدل قرآن

ام سلمه می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «علی مع القرآن والقرآن مع علی لن یفتقا حتی یردا علی الحوض».  
علی همگام قرآن و قرآن با علی است این دو هرگز از هم جدا نشوند تا در واپسین روزگار در کنار حوض در پیش من حاضر شوند.<sup>۳</sup>

۷۵۸. مقام و شأن قرآنی علی

امیرالمؤمنین علی ﷺ فرمود: «عَلِمَ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ فِي الْقُرْآنِ وَعِلْمُ الْقُرْآنِ كُلُّهُ فِي الْفَاتِحَةِ وَعِلْمُ الْفَاتِحَةِ فِي بَسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَعِلْمُ الْبَسْمَلَةِ كُلُّهُ فِي بَارئِهَا وَاَنَا النُّقْطَةُ تَحْتَ الْبَاءِ».  
همه علوم در قرآن است و تمام علوم قرآن در سوره حمد و آنچه در این سوره است در بسم‌الله الرحمن الرحیم جمع است و آنچه در بسم‌الله است در باء آن است و آنچه در باء آن است در نقطه زیر باء است و من نقطه زیر باء هستم.<sup>۴</sup>

۱. خصال صدوق، ص ۷۹۱.

۲. احقاق الحق، ج ۴، ص ۳۳۱، ج ۴ - احقاق الحق - صرفا به بیان اوصاف و برتری‌های شخصیت امام علی ﷺ اختصاص دارد که از رسول خدا ﷺ می‌باشد.

۳. احقاق الحق، ج ۵، ص ۶۳۹.

۴. خزینه الجواهر، ص ۵۸۱.







۷۶۱. حامل دانش قرآن

امام علی علیه السلام می فرماید: «انا کلام الله الناطق»<sup>۱</sup>.  
 مرحوم علامه مجلسی در توضیح آن نوشته‌اند: بدان جهت که علی حامل دانش قرآن و دارنده اخلاق قرآن و تبلور عینی آموزه‌های قرآن است...  
 چرا که هر آن که ویژگی عمل در او به کمال رسد و حالتی در او به اوج آن فراز آید به واقع تبلور آن ویژگی و حالت و تجسد و متجسد آن است.<sup>۲</sup>

۷۶۲. جان نبوی

امام علی علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرموده: گوشت علی گوشت من و خون او خون من است علی مانند پوست و استخوان و خون و عروق من است و می فرمود: یا علی! تو از من هستی، گوشت تو گوشت من و خون تو از خون من و روح تو از روح من و سرشت تو از سرشت من است.

۷۶۳. راه صعود

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النِّجَاةِ وَيَسْتَمْسِكَ بِالْعُرْوَةِ الْوَثْقَى وَيَعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا وَلِيَأْتِمَّ بِالْهَدَاةِ مِنْ وُلْدَةِ».  
 هرکسی دوست دارد به کشتی نجات در آید و به دستگیره محکم در آویزد و به ریسمان محکم الهی اعتصام جوید ولایت علی علیه السلام و امامت فرزندان او را بپذیرد تا گمراه نشود.<sup>۳</sup>

۷۶۴. امنیت در دو دنیا

فرزند عمر بن خطاب از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین روایت کرد که جبرئیل امین برای رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر آورد: «ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی»

۱. بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۹.  
 ۲. بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۹.  
 ۳. شواهد التنزیل، ج ۱ ص ۱۶۸\*.

ولایت علی علیه السلام پناهگاه امن من است هر کسی داخل این پناهگاه شود از عذاب محفوظ خواهد ماند.<sup>۱</sup>

### ۷۶۵. طریق آشکار

سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:  
 «یا علی انت طریق الواضح وانت الصراط المستقیم وانت یعسوب المؤمنین».  
 یا علی! تو طریق آشکار و راه مستقیم و سرور مؤمنان هستی.<sup>۲</sup>

### ۷۶۶. شیوه انبیائی

ابن حمراء نقل می کند: با جماعتی در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم تا این که علی علیه السلام وارد مجلس شد رسول خدا صلی الله علیه و آله خوشحال شد و فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَنُوحَ فِي فَهْمِهِ وَابْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام».  
 هر کس می خواهد که به آدم در علمش و به نوح در فهمش و به ابراهیم در حلمش نگاه کند به علی بن ابیطالب نگاه کند.<sup>۳</sup>

### ۷۶۷. منکر انبیای قبل

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ ظَلَمَ عَلِيًّا مَقْعَدِي هَذَا بَعْدَ وَفَاتِي فَكَأَنَّمَا جَحَدَ نُبُوَّتِي وَ نُبُوَّةَ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي».  
 هر کس در حق علی علیه السلام که وصی من است بعد از وفاتم ظلم کند مثل این است که نبوت من و جمیع انبیای قبلی را منکر شده باشد.<sup>۴</sup>

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۷۰.\*

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۷۵، یعسوب به ملکه زینور عسل گفته می شود.\*

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۰۰.\*

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۷۱.\*



### ۷۶۸. سبب هدایت رهجویان

رسول خدا ﷺ فرمود: یا علی! «بک یهدی المهتدون بعدی» یا علی به وسیله تو طالبان حقیقت هدایت می‌یابند.<sup>۱</sup>

### ۷۶۹. راه ورود به بهشت

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: در سرزمین عرفات در کنار رسول خدا ﷺ بودم که علی ﷺ دورتر از پیامبر ایستاده بود رسول خدا فرمود: یا علی نزدیک بیا و خمس خود را در خمس من درآمیز آن گاه فرمود: یا علی! «خُلِقْتُ أَنَا وَأَنْتَ مِنْ شَجَرَةٍ أَنَا أَصْلُهَا وَأَنْتَ فَرْعُهَا وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ اغْصَانُهَا يَا عَلِيُّ مِنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهَا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ».

یا علی! من و تو از درخت واحدی هستیم من اصل و تو فرع آن هستی حسن و حسین ﷺ شاخه‌های آن درخت‌اند، ای علی هر کسی به شاخه این درخت چنگ زند خدای بزرگ او را وارد بهشت می‌کند.<sup>۲</sup>

### ۷۷۰. شجره طیبه

رسول خدا ﷺ فرمود «خُلِقَ النَّاسُ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى وَخُلِقْتُ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ فَأَنَا أَصْلُهَا وَعَلِيٌّ فَرْعُهَا فَطُوبَى لِمَنْ اسْتَمْسَكَ بِأَصْلِهَا وَآكَلَ مِنْ فَرْعِهَا».

مردم از اشجار مختلف و معتدندند اما من و علی از درخت واحدی هستیم من اصل درختم و علی فرع آن، خوشا به حال کسی که به اصل چنگ زند و از فرعش تناول کند.<sup>۳</sup>

### ۷۷۱. همنشین رسول خدا ﷺ در بهشت

رسول خدا ﷺ به عمر بن خطاب فرمود: «اما علمت ان منزلی ومنزل علی فی الجنة واحدة وقصری وقصر علی فی الجنة واحد وسریری وسریر علی فی الجنة واحد».

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۰\*.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۷۸\*.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۷۶\*.





### ۷۷۵. درخت طوبی

از طریق اهل بیت علیهم السلام روایت شده که: «أَنَّ شَجْرَةَ طُوبَى أَصْلُهَا فِي دَارِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَكَيَسَ مُؤْمِنِ الْأَوْفَى دَارَهُ غُصْنٌ مِنْ اغْصَانِهَا».

درخت طوبی اصلش در خانه علی بن ابیطالب علیه السلام است و مؤمنی نیست مگر آن که در خانه او شاخه‌ای از شاخه‌های آن درخت وجود دارد.

### ۷۷۶. انا عین الله

از امام علی علیه السلام پرسیدند: کیف اصبحت؟

حضرت فرمودند: «اصبحت انا الصديق الاكبر والفاروق الاعظم وانا وصي خير البشر وانا الاول وانا الاخر وانا الباطن وانا الظاهر وانا بكل شي عليم وانا عين الله وانا جنب الله وانا امين الله علي المرسلين بنا عبد الله ونحن خزان الله في ارضه وسمائه وانا احبي وانا اميت وانا حي لاموت»<sup>۱</sup>.

یعنی: از امام پرسیدند: چگونه صبح کردید؟ فرمود: صبح کردم در حالی که من صدیق اکبر و فارق اعظم هستم و وصی رسول اکرم، منم اول و منم آخر و منم باطن و ظاهر...

### ۷۷۷. شاهدان ازدواج فاطمه

روزی در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که فاطمه علیها السلام در حالی که دو فرزندش حسن و حسین را بر دوش گرفته بود گریه کنان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای فاطمه! سبب گریهات چیست، خدایت نگریاند؟

عرض کرد: یا رسول الله! چگونه گریه نکنم که زنان قریش مرا سرزنش کرده می‌گویند: پدرت، تو را به مردی شوهر داد که مالی در دست ندارد؟ رسول خدا به او فرمود: «لاتبکی یا فاطمه فوالله ما زوجتك انا بل الله زوجك به من فوق سبع سماواته وشهد علی ذلك جبرئیل ومیکائیل واسرافیل ثم ان الله عزوجل اطلع الی اهل الارض فاختر من الخلاق اباک فبعثه نبیا ثم اطلع الی الارض ثانیة فاختر من الخلاق علیا فزوجک الله اباه وتخذته وصیا فعلی منی»

۱. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۳۴۷.

وانا منه فعلی اشجع الناس قلبا واعلم الناس علما واحلم الناس حلما واقدم الناس سلما واسمهم كفا خلقا...»<sup>۱</sup>

ای فاطمه! گریه مکن که به خدا سوگند من تو را به همسری او در نیاوردم بلکه خداوند تو را به همسری او در آورد، از فراز هفت آسمان خود، و گواهی داد بر آن جبرئیل و میکائیل و اسرافیل سپس خدای عزوجل توجهی به زمینیان فرمود و از میان خلائق پدرت را برگزیده و به نبوت مبعوث فرمود، سپس برای بار دوم توجهی فرموده و از میان آن‌ها علی را برگزید و خدای تعالی بود که تو را به همسری او در آورد و من نیز او را وصی خود گرداندم پس علی از من است و من از اویم و علی در دل شجاع‌ترین مردم است و در علم عالم‌ترین مردم و در حلم و بردباری بردبارترین مردم و در اسلام جلوترین آن‌ها و در سخاوت سخاوت‌ترین و در اخلاق نیکوترین آن‌ها است.

### ۷۷۸. از من بپرس

رسول خدا ﷺ به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «یا علی! اذا انامت فاستق لی ست قرب من بئر غرس فغلسنی وکفنی وحنطنی فاذا فرغت من غسلی فخذ بمجامع کفنی واجلسنی ثم سلنی عما شئت فوالله لاتسألنی عن شی الا اجبتک»<sup>۲</sup>

یا علی! بعد از آن که رحلت کردم من را غسل بده وقتی تجهیز تمام شد و کفن کردی، اطراف کفنم را بگیر و مرا بنشان وقتی اطراف کفنم را گرفتی و مرا نشاندی هرچه خواستی از من بپرس و من هرچه گفتم یادداشت کن.

### ۷۷۹. از نور چهره او

رسول خدا ﷺ فرمود: «خلق الله من نور وجه علی بن ابیطالب سبعین الف ملك يستغفرون له ولمحبیة یوم القیامة».

خداوند از نور روی علی هفتاد هزار ملک آفرید که برای او و دوستانش تا روز قیامت طلب آمرزش می‌کنند.<sup>۳</sup>

۱. احقاق الحق، ج ۵، ص ۱۹ - ۲۲.

۲. کحل البصر محدث قمی، ص ۱۸۱.

۳. مناقب خطیب، ص ۷۱.\*



❖ ۷۸۰. صدای علی علیه السلام در معراج ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خاطبني بلغة علي بن ابي طالب» خداوند در معراج با صدای علی علیه السلام با من سخن گفت.<sup>۱</sup>

❖ ۷۸۱. جان نبی صلی الله علیه و آله ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «علی منی کنفسی»؛ یعنی: نسبت علی با من مثل جان خود من

است.<sup>۲</sup>

❖ ۷۸۲. حب و شوق جهنم سوز ❖

ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «حب علی بن ابي طالب يأكل الذنوب كما

تأكل النار الحطب».

دوستی علی همانند آتش که هیزم را می خورد گناهان را از بین می برد.<sup>۳</sup>

❖ ۷۸۳. پدر امت محمد صلی الله علیه و آله ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حق علی بن ابي طالب علی هذه الامة كحق الوالد علی ولده»؛

حق علی بن ابي طالب بر مردم مثل حق پدر بر فرزندانش می باشد.<sup>۴</sup>

❖ ۷۸۴. شجره ای از نور ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «انا الشجرة وفاطمة فرعها وعلی لقاحها والحسن والحسين ثمرتها وشيعتنا

ورقها واصل الشجرة في جنة عدن وسائر ذلك في سائر الجنة».<sup>۵</sup>

من درخت توحید هستیم و فاطمه شاخه اوست و علی پیوند او و حسن و حسین میوه

۱. مناقب خطیب، ص ۷۸.\*

۲. ینابیع المودة، ص ۵۳، باب هفتم\* اصرار مسقیم، ج ۱ ص ۲۵۲/جامع الاخبار، ص ۵۱، ح ۵۶، بشارة المصطفی، ص ۱۹.

۳. کنز العمال، ج ۶ ص ۱۵۸.\*

۴. فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۱۳۲، ح ۲۶۷۴ - کفایه الطالب، ص ۱۳۴.\*

۵. مستدرک الحاکم، ج ۳، ص ۱۶۰ - تاریخ ابن عساکر، ج ۴، ص ۳۱۸ - الریاض النضرة محب الدین طبری، ج ۲.\*

ص ۲۵۳ - الفصول المهمة ابن صباغ مالکی، ص ۱۱ - نزهة المجالس صفوری، ج ۲، ص ۲۲۲.\*







علی بن ابیطالب و خیر شبا بکم الحسن و الحسین و خیر نساءکم فاطمة بنت محمد علیه الصلاة والسلام».

بهترین و نیکوترین مردان شما علی بن ابیطالب است و برترین و بزرگترین جوانان شما حسن و حسین هستند و والاترین و پاکترین زنان شما فاطمه زهرا علیه الصلاة والسلام هستند.<sup>۱</sup>

۷۸۹. پیشوای اهل تقوا

پیامبر اکرم ﷺ به حضرت علی علیه السلام چنین خطاب فرمودند: «مرحبا سید المسلمین و امام المتقین».<sup>۲</sup>

خوش آمدی ای سرور مسلمانان و ای پیشوای اهل تقوا.

۷۹۰. همه جا سرور اوست

رسول خدا ﷺ فرمودند: «علی سید المسلمین و امام المتقین و قائد الغر المحجلین».<sup>۳</sup>  
علی سرور مسلمانان و پیشوای تقوا پیشگان و رهبر نورانی صورتان است.

۷۹۱. عمود بهشت

عمرو بن حمق می گوید:

در نزد پیامبر اکرم ﷺ نشسته بودم که فرمودند: «یا عمرو اتحب ان اریک عمود الجنة».  
ای عمرو می خواهی ستون بهشت را ببینی؟  
عرض کردم: آری ای رسول خدا ﷺ در این هنگام بود که حضرت علی علیه السلام نزد پیامبر اکرم ﷺ آمد آن گاه رسول خدا ﷺ فرمود: «هذا واهل بینه عمود الجنة» او و خاندانش ستون بهشت می باشند.

و در روایت دیگریست که صدای کوبه درب بهشت یا علی می باشد؛ لذا بهشتیان درب بهشت را وقتی می زنند صدای درب یا علی می باشد.

۱. بنایع المودة، ص ۲۴۷.\*

۲. حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۶۶.\*

۳. مناقب ابن مغازلی، ص ۶۵، ح ۹۳.\*





### ۷۹۵. صدیق اکبر علیست

از معاذ عدویه نقل شده است که می گوید: از امام علی بن ابیطالب در حالی که بر منبر بصره بود شنیدم که می فرمود:

«انا الصدیق الاکبر امنت قبل ان یومن ابوبکر واسلمت قبل ان یسلم»؛

منم صدیق اکبر و ایمان آوردم قبل از آنکه ابوبکر ایمان آورد و اسلام آوردم قبل از آنکه دو مسلمان شوند.<sup>۱</sup>

### ۷۹۶. کفو فاطمه

قال رسول الله ﷺ: «لو لم یخلق علی ما کان لفاطمة کفو»؛

اگر خدا علی را خلق نمی کرد کسی همتای فاطمه (برای ازدواج) نبود.<sup>۲</sup>

### ۷۹۷. صراط رستگاری

حدیث متواتر از موافقین و مخالفین است که: علی و شیعة هم الفائزون.<sup>۳</sup> یعنی: علی و شیعیانش فائزون در دو دنیا هستند.

### ۷۹۸. دستور خداست

در ینابیع الموده از انس بن مالک روایت نمود که «بعث النبی ﷺ بالبراءة مع ابی بکر الصدیق ثم دعاة...».

یعنی: رسول خدا ﷺ ابلاغ آیات اول سوره توبه را ابتدا جهت ابلاغ به ابوبکر داد ولی بعد از آنکه جبرئیل نازل شد و گفت: سزاوار نیست این آیات را ابلاغ کند مگر مردی از اهل بیت تو حضرت رسول اکرم ﷺ علی را فرا خواند و فرمود برو و آن آیات را از ابوبکر بگیر و به مردم مکه ابلاغ کن.

۱. کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۴۶، حدیث ۳۶۴۹۷.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۰۷.

۳. منهج الصادقین، ج ۴، ص ۲۴۲.





نخستین کسی که در کنار حوض کوثر بر من وارد می‌شود نخستین کسی است که اسلام را پذیرفته و او علی بن ابیطالب است.<sup>۱</sup>

❖ ۸۰۳. خورشید ربانی ❖

قال رسول الله ﷺ: «علی خیر من طلعت علیه الشمس وغربت بعد».<sup>۲</sup>  
علی بهترین کسی است که خورشید بر او تابیده و غروب کرده است.

❖ ۸۰۴. برترین‌ها ❖

قال رسول الله ﷺ: «علی بن ابیطالب خیر هذه الامة من بعدی وفاطمة والحسن والحسين ﷺ فمن قال غیر هذا فعليه لعنة الله».  
علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین بعد از من بهترین افراد این امتند، پس هر کس غیر از این را بگوید لعنت خدا بر او باد.<sup>۳</sup>

❖ ۸۰۵. بی‌قیاس بی‌مانند ❖

روی عن النبی ﷺ قال لفاطمة: «بعلك لامقایس علیه احد من الناس».  
پیامبر خدا ﷺ به فاطمه فرمود: هیچ کس با شوهر تو قابل مقایسه نیست.<sup>۴</sup>

❖ ۸۰۶. خیرالبریه ❖

قول رسول الله ﷺ: «علی خیرالبریه»؛ علی بهترین مردم است.<sup>۵</sup>  
رسول خدا ﷺ فرمود: «علی مع القرآن و القرآن مع علی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»؛ علی همگام با قرآن و قرآن همراه و قرین علی است این دو هرگز از هم جدا نشوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند.<sup>۶</sup>

۱. الجوهره، ص ۸.  
۲. احقاق الحق، ج ۴، ص ۲۵۰.  
۳. کنز الفوائد، ص ۶۳.  
۴. احقاق الحق، ج ۳۱/۱۷.  
۵. احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۸۷.  
۶. الصواعق المحرقة، سیوطی، ص ۷۵.\*

### ۸۰۷. باب بیت الحکمة

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «انا دار الحکمة وعلی بابها» من خانه علم و حکمتم و علی در آن خانه است.<sup>۱</sup>  
همان گونه که قرآن دستور فرموده هر کس بخواهد وارد خانه‌ای شود باید از در آن وارد شود.

«واتوا البيوت من ابوابها»<sup>۲</sup>

### ۸۰۸. صاحب حکمت

عبدالله بن عباس می گوید: نزد پیامبر ﷺ بودم که درباره امام علی از حضرت سؤال شد. پیامبر فرمود: «قسمت الحکمة عشرة اجزاء فاعطى علی تسعة اجزاء واعطى الناس جزء واحد».

دانش و حکمت ده قسمت شده ۹ قسمت آن به علی داده شده و یک قسمت باقی آن به همه مردم.<sup>۳</sup>

### ۸۰۹. فهمیدید مولا کیست؟

رسول خدا ﷺ در فراز آخر خطبه غدیر در روز عید غدیر خم خطاب به مردم فرمود: «معاشر الناس قد بینت لکم وافهمتکم وهذا علی يفهمکم بعدی».

ای مردم! شاهد باشید که من همه حقایق را در این خطبه برایتان بیان کردم و به شما تفهیم نمودم و این علی بن ابیطالب است که پس از من به شما حقایق را تفهیم خواهد نمود.

### ۸۱۰. راه تشخیص

پیامبر خطاب به علی ﷺ فرمود: «لا یحبک الا مؤمن ولا یبغضک الا منافق».  
یعنی: تو را دوست نمی‌دارد الا مؤمن و دشمن تو نیست مگر منافق.

۱. صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۶۳۷ حدیث ۳۷۲۳\*.

۲. بقره / ۱۸۹.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، حدیث ۱۴۶\*.



❖ ۸۱۱. صراط راست ❖

رسول خدا ﷺ خطاب به علی علیه السلام فرمود: «لولاك ما عرف المؤمنون من بعدی». یعنی: اگر تو نبودی مؤمنان بعد از من شناخته نمی شدند.<sup>۱</sup> و در روایتی دیگر پیامبر به علی علیه السلام می فرماید: «لو لانت یا علی لم يعرف المؤمنون بعدی».

❖ ۸۱۲. اعلام جنگ با خدا ❖

قال رسول الله ﷺ: «من ناصب علیا حارب الله ومن شك فی علی فهو كافر».<sup>۲</sup> یعنی: کسی که علی را صب کند به خدا اعلام جنگ کرده و کسی که در مقام او شک کند کافر است.

❖ ۸۱۳. نشانه بزرگی ❖

قال رسول الله ﷺ «لولا ان تقول فيك طوائف من امتی ما قالت انصاری فی عیسی بن مریم...». یا علی! اگر خوف آن نبود که گروهی از امت من مطلبی را که مسیحیان درباره مسیح علیه السلام گفته اند درباره تو نیز بگویند (این که تو پسر خدایی) در حق تو سخنی می گفتم که از جایی عبور نمی کردی مگر اینکه خاک زیر پای تو را برای تبرک بر می گرفتند و از آب وضوء و طهارت استشفاء می نمودند...<sup>۳</sup> پیامبر ﷺ خطاب به علی علیه السلام فرمود: «هذا واهل بيته عمود الجنة» او علی و خاندانش ستون بهشت می باشند.<sup>۴</sup>

❖ ۸۱۴. امیرالمؤمنین ازلی است ❖

رسول خدا ﷺ فرمود: «لو يعلم الناس متی سمی علی امیرالمؤمنین...». اگر مردم می دانستند

۱. عمدة عیون صحاح الاخبار، ج ۱، ص ۲۷۱.\*  
 ۲. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۳۳.\*  
 ۳. بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۲۴۷.\*  
 ۴. مناقب، ص ۹۷، فصل ۱۴.\*

که علی چه موقع به لقب امیرالمؤمنین نامیده شد فضایل او را منکر نمی‌شدند زمانی که آدم بین روح و جسد بود او امیرالمؤمنین نامیده شد.<sup>۱</sup>

### ۸۱۵. آقای بهشتیان

«عن انس ان رسول الله ﷺ قال: يا علي انت سيد شهاب اهل الجنة».

به روایت انس رسول خدا ﷺ به علی (ع) فرمود: یا علی! تو سید و مهتر جوانان بهشتی هستی.<sup>۲</sup>

### ۸۱۶. صفات انبیائی علی

قال رسول الله ﷺ لعلي بن ابي طالب (ع) «يا علي انت مني بمنزلة هبة الله من آدم ومنزلة سام من نوح وبه منزلة اسحق من ابراهيم ومنزلة هارون من موسى ومنزلة شمعون من عيسى الا انه لاني بعدى يا علي انت وصيى وخليفتي فمن جحد وصيتك وخلافتك فليس مني ولست منه وانا خصمه يوم القيامة يا علي انت افضل امتى فضلاً واقدامهم سلماً واكثرهم علماً واوفرهم حلماً واشجعهم قلباً واسخاهم كفا يا علي انت الامام بعدى والامير وانت صاحب بعدى والوزير ومالك في امتي من نظير يا علي انت قسيم الجنة والنار بمحبتك بعرف الابرار من الفجار ويميد بين الاشرار والاخبار وبين المؤمنين والكفار».

رسول اکرم ﷺ به امیرالمؤمنین (ع) فرمود: یا علی تو در نزد من جایگاه هبه‌الله را در پیشگاه آدم (ع) و منزلت سام در نزد نوح (ع) و منزلت اسحق در نزد ابراهیم (ع) و منزلت هارون (ع) نزد موسی (ع) و منزلت شمعون را در نزد عیسی (ع) داری جز آن که پیغمبری پس از من نیست.

یا علی! تو وصی و جانشین من می‌باشی هر کس انکار وصیت و خلافت تو کند از من نیست و من از او نیستم و من در روز قیامت خصم او خواهم بود یا علی تو برترین امت من از حیث فضل می‌باشی اسلام تو از همه بیشتر و علم تو از همه بیشتر و حلم و بردباریت از همه فزون‌تر و قلبت از همه شجاع‌تر و دستت از همه بخشنده‌تر است، یا علی تو پس از من امام و فرمانروایی و تو پس از من صاحب اختیار و وزیری و در امت

۱. فردوس الاخبار - ينابيع المودة، ج ۲، ص ۲۴۳\*.

۲. الامام علی من تاريخ دمشق ابن عساکر، ج ۲، ص ۲۶۱\*.





من نظیر نداری، یا علی تو قسمت کننده بهشت و دوزخی به وسیله محبت و دوستی تو نیکان از تبهکاران باز شناخته می‌شوند و میان بدان و نیکان و مؤمنین و کافران امتیاز داده می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۸۱۷. روایت پیامبر بعد از خیبر

قال علی علیه السلام قال لی رسول الله صلی الله علیه و آله یوم ففتح خیبر: «لولا ان تقول فیک طوائف من امتی ما قالت النصارى فی عیسی بن مریم لقلت الیوم فیک مقالا لآمر علی ملا من المسلمین الا اخذ وامن تراب رجلیک وفضل طهورک یتشفون به ولكن حسبک ان تكون منی وانا منک ترثنی وارثک...».

علی علیه السلام می‌فرماید: روزی که قلعه خیبر را فتح کردم رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: یا علی! اگر خوف آن نبود که گروهی از امت من مطلبی را که مسیحیان درباره حضرت مسیح صلی الله علیه و آله گفته‌اند درباره تو نیز بگویند (اینکه تو پسر خدایی)... در حق تو سخنی می‌گفتم که از جایی عبور نمی‌کردی مگر اینکه خاک زیر پای تو را برای تبرک بر می‌گرفتند و از زیادی آب وضو و طهارت استشفاء می‌نمودند.

اما برای تو همین افتخار بس که تو از منی و من از توأم و تو میراث بر من هستی و من نیز از تو ارث می‌برم...<sup>۲</sup>

### ۸۱۸. اذان حق

رسول خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمود: «المؤذن یومئذ عن الله ورسوله صلی الله علیه و آله علی بن ابیطالب علیه السلام...».

تویی آن کسی که خداوند این آیه را درباره او نازل فرمود: «واذان من الله ورسوله الی الناس یوم الحج الاکبر».<sup>۳</sup>

یعنی: و این اعلانی است از طرف خدا و رسول او به مردم در روز حج اکبر که خدا و رسولش از مشرکان بیزارند، البته در ابتدا قرار بود این آیات را ابوبکر برای مردم مکه بخواند ولی جبرئیل نازل شد و به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: یا رسول الله آیات فوق را

۱. امالی صدوق، ص ۴۶.

۲. بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۲۴۷ - اعلام‌الوری، ج ۱، ص ۱۸۶.

۳. توبه / ۳، مناقب خوارزمی، ص ۲۴ - منازل من القرآن فی علی علیه السلام، ص ۲۶۹ - حاکم حسکانی نیز در شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۳۱ روایتی از امام سجاده علیه السلام آورده که مقصود از اذان در آیه مذکور علی علیه السلام است.\*

علی ابن ابیطالب ابلاغ نماید لذا امام خود را به ابوبکر رساند و آیات را از او گرفت و خود حضرت آن را به مردم مکه ابلاغ کرد.

### ❖ ۸۱۹. بهترین و برترین خانه‌ها ❖

وقتی آیه شریفه: «**فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذكر فیها اسمة الایة**»<sup>۱</sup> به پیامبر نازل شد مردی برخاست و پرسید: یا رسول الله اینها چه خانه‌هایی است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خانه‌های پیامبران است آن‌گاه ابوبکر به خانه علی و فاطمه علیهم السلام اشاره نمود و عرض کرد: یا رسول الله! این خانه نیز از آن‌ها محسوب می‌شود؟ پیامبر فرمود: «**نعم من افضلها؛ بلی از بهترین آن‌هاست**»<sup>۲</sup>.

### ❖ ۸۲۰. صالح مؤمنین کیست؟ ❖

«**فان الله هو مولاة وجبرئیل و صالح المؤمنین**»<sup>۳</sup>  
رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آیه فوق فرمود: صالح المؤمنین در این آیه علی علیه السلام پسر ابوطالب است.<sup>۴</sup>

### ❖ ۸۲۱. زدیگان محمد صلی الله علیه و آله چه کسانی هستند؟ ❖

ابن المنذور و ابن ابی حاتم و ابن مردویه و طبرانی در المعجم الکبیر از ابن عباس روایت کرده‌اند که فرموده است: هنگامی که آیه ۲۳ سوره شوری «**قل لا اسألکم علیه اجرا الا المودة فی القربی**» نازل شد و گفتند: ای پیغمبر خدا! زدیگانی که در این ذکر شده و محبت و عشق آنان بر ما واجب گشته چه کسانی هستند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: **علی و فاطمة و لداهما: علی و فاطمه و پسرانشان**.<sup>۵</sup>

۱. نور / ۳۶.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۹ - ألو سی در تفسیر روح المعانی، ج ۱۸، ص ۱۵۷ - تأویل الایات، ج ۱، ص ۳۶۱\*.

۳. تحریم / ۴.

۴. سیوطی در تفسیر الدر المنثور - کنز العمال متقی هندی، ج ۱، ص ۲۳۱ - عسقلانی در فتح الباری، ج ۳، ص ۲۷ و هیثمی در مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۹۴\*.

۵. این روایت در این کتب آمده است: تفسیر الدر المنثور سیوطی، ج ۶، ص ۷ - المعجم الکبیر طبرانی - مسند الامام الحسن، ج ۱، ص ۱۲۵ هیثمی - مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۸ - اسباب النزول واحدی - تفسیر کشف زمخشری - الجامع الاحکام القرآن، ص ۲۱، ج ۱۶\*.



## ۸۲۲. علی با قرآن است

روایتی در کتب شیعه و سنی با سندهای متصل از رسول خدا نقل شده که فرمود: «علی مع القرآن و القرآن مع علی لن یفتقا حتی یردا علی الحوض»<sup>۱</sup>.  
علی با قرآن و قرآن با علی است هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

حاکم حسکانی یکی از دانشمندان اهل سنت در کتاب شواهدالتنزیل ضمن نقل حدیث فوق آن را صحیح دانسته و در آن کتاب فصلی را در یگانه بودن امام علی در شناخت قرآن و معانی آن و علم به آنچه در آن است آورده و ۲۲ روایت را با سند در این مورد آورده است.<sup>۲</sup>  
و مرحوم صدوق نیز نظیر این روایت را با سند صحیح و متعدد در خصال آورده است.<sup>۳</sup> **۷۶۰. خدا به من امر کرد تا...**

روزی پیامبر اکرم به امام علی فرمود: «یا علی! ان الله امرنی ان ادنیک ولا اقصیک وان احب من یحبک و ان اعلمک و تعی و حق علی الله ان تعی».  
یا علی! خدای بزرگ به من فرمان داد تو را به خویشتن نزدیک سازم و لحظه‌ای از خود دور نکنم دوستدار تو را دوست بدارم تو را علم و حکمت پیاموزم تا گوش تو شنوا گردد و خدای توانا نیز چنین کرد و گوش تو را شنوا گردانید.  
پس خدای سبحان آیه شریفه: «وتعیها اذن واعیه» را نازل کرد.  
آن گاه پیامبر اکرم خطاب به علی بن ابیطالب فرمود: یا علی! از پروردگارم خواستم گوش تو را از گوش‌های شنوا و «اذن واعیه» قرار دهد.  
از آن پس علی پیوسته می‌گفت: «ما سمعت اذنانی شیئا من الخیر و العلم و القرآن الا واعیته و حفظته»

یعنی پس از نزول آیه شریفه و دعای خیر پیامبر اکرم در حق من، هر چیزی از علم قرآن به سمع و گوش من اصابت کرد همه را ضبط و ثبت کردم و هرگز فراموش نکردم.<sup>۳</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۲۲۳، حدیث ۲- جامع‌الخبار، ج ۱، ص ۶۴

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۹، حدیث ۲۸ - ۴۹.\*

۳. شواهد التنزیل، ج ۱ - حاقه / ۱۲.\*





مخلف فیکم الثقلین کتاب الله عزوجل وعترتی اهل بیتی ثم اخذ بید علی علیه السلام فقال: «هذا علی مع القرآن والقرآن مع علی ولا یفترقا حتی یردا علی الحوض فاسالکم ما تخلفونی فیهما».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای مردم نزدیک است که از دنیا بروم در میان شما دو چیز گران قیمت می‌گذارم کتاب خدا و عترتم سپس دست علی علیه السلام را گرفتند و فرمودند: این علی با قرآن است و قرآن با علی است و از همدیگر جدا نمی‌شوند تا این که وارد حوض من شوند بینم چگونه با آن‌ها رفتار خواهید کرد.<sup>۱</sup>

### ۸۲۷. فضلی پر نور

در جز دوم صحیح نسائی از محمدبن کعب آمده که طلحه و عباس علی علیه السلام در گفتگو بودند طلحه گفت:

من کلیددار خانه خدا هستم؛ عباس گفت: من صاحب سقایه‌ام (به حاجیان آب می‌دادم). علی علیه السلام فرمود: من نماز خواندم به قبله شش ماه پیش از تمام مردم و من صاحب جهاد هستم پس آیه شریفه: «اجعلتم سقایة الحاج...»<sup>۲</sup> درباره آنکه جهاد در راه خدا بالاتر از کلیدداری خانه و آب دادن به حاجیان است در شأن جهادگر ممتاز جهان اسلام حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نازل شد.

«ابن‌المغازلی وحموینی وابونعیم حافظ و مالکی در فصول المهمة» نیز این حدیث را ذکر کرده‌اند.<sup>۳</sup>

وقتی عباس عموی پیامبر اسیر شد مسلمانان او را به شرک و قطع رحم سرزنش کردند عباس به آن‌ها گفت: شما از خوبی‌های ما نمی‌گوئید و فقط از بدی‌های ما می‌گویند.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به او فرمود: شما چه چیز دارید که آن را از محاسن می‌توان شمرد؟

عباس گفت: ما به عمارت مسجدالحرام قیام می‌نمائیم و خانه کعبه را تعظیم می‌کنیم و سقایت حاج و اسیران را از قید می‌رهانیم.

۱. ینابیع‌المودة، ص ۱۸.\*

۲. ینابیع‌المودة، ص ۹۳، باب ۲۲، حدیث اول آیه ۱۹ از سوره مبارکه توبه.\*

۳. فصول المهمة، ص ۱۲۴ (صاحب کشف - فخررازی - بیضاوی - ثعلبی - شعبی - حسن بصری - محمدبن کعب و حاکم ابوالقاسم حسکانی به اسناد خود از ابن‌بریده و او از پدرش روایت نموده‌اند که هر سه آیه ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ در شأن علی علیه السلام نازل شده است که تفصیل آن در متن بالا آمده است و همه این‌ها از علمای ممتاز اهل سنت هستند)\*.





### ۸۳۰. جانشینی و وصی محمد

رسول اکرم ﷺ فرمود: «ان الله تبارك وتعالى اصطفاني واختراني وجعلني رسولا وانزل علي سيد الكتب فقلت الهی وسیدی انك ارسلت موسی الی فرعون فسالك ان تجعل معه اخاه هرون وزیرا تشدُّ به عضده...».

خداوند متعال مرا برگزید و مرا پیغمبر قرار داد و بهترین کتابها را بر من نازل گردانید پس من عرض کردم: خدایا موسی را فرستادی به سوی فرعون پس او از تو خواست تا این که برادرش هارون را وزیر او قرار دهی و بازوی او را محکم نمایی به وجود او و به وسیله او تصدیق نمایند دعوت او را - اینک من از تو درخواست می‌نمایم که از اهل من قرار دهی برای من وزیری که به وجود او محکم گردد بازوی من پس قرار ده برای من علی را به مقام وزارت و اخوت؛ و شجاعت را در قلب او قرار ده و هیبتی در مقابل دشمنان به او مرحمت کن...

آن‌گاه فرمود: من این درخواست را که از خداوند نمودم او به من عطا نمود پس علی آقای اوصیا می‌باشد.<sup>۱</sup>

مقصود رسول خدا ﷺ از این حدیث شریف آن بود که به امت برساند که همان طوری که هارون واجد مقام نبوت بود ولی تابع پیغمبر اولوالعزمی مانند حضرت موسی بود؛ حضرت علی هم واجد مقام نبوت می‌باشد منتها در اطاعت شریعت رسول خدا ﷺ ، ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه خود در ذیل حدیث منزله آورده که پیامبر با این حدیث و بیان شریف اثبات کرد که برای علی بن ابیطالب ﷺ جمیع مراتب و منازل هارونی داراست...

و اگر حضرت محمد ﷺ خاتم الانبیاء بود هر آینه شریک در امر پیغمبری او را داشت ولی با جمله «انه لانی بعدی» می‌رساند که اگر بنا بود پیامبری بعد از من بیاید علی واجد آن مقام بود.

### ۸۳۱. گل فردوس برین

پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

آن هنگام که خداوند آدم و حوا را آفرید آنان در بهشت به خود مباحثات می‌کردند آدم

۱. بنابیع الموده، باب ۱۲.\*







### ۸۳۴. تو لایق نبوتی

رسول خدا ﷺ روزی به هنگام دریافت وحی به امام علی ﷺ فرمود: یا علی ﷺ! اگر من خاتم پیغمبران نبودم پس از من تو شایستگی مقام نبوت را داشتی ولی تو وصی و وارث من و سرور اوصیاء و پیشوای متقیان هستی.<sup>۱</sup>

### ۸۳۵. وحی الهی برای تزویج فاطمه

پیامبر اکرم ﷺ به حضرت صدیقه کبری ﷺ فرمود: دخترم آیا نمی‌دانی که خداوند بر روی زمین نظر کرد و از بین آن‌ها پدرت را به نبوت برگزید و آن‌گاه بار دیگر نظر افکند و شوهرت را برگزید و به من وحی فرمود تا تو را به ازدواج او در آورم و او را وصی خود قرار دهم.<sup>۲</sup>

### ۸۳۶. محرم سزای الله

رسول خدا ﷺ در غزوه طائف علی ﷺ را فرا خواند و ساعتها با او به صحبت و نجوا پرداخت به طوری که اعتراض بعضی از اصحاب به گوش پیامبر اکرم ﷺ رسید آن حضرت فرمود:

«انکم تقولون انی انتجیت علیا ما انا انتجیته ان الله انتجاه وفي ذلك فلیتنا المتنافسون» سخن شما این است که من با علی ﷺ به نجوا پرداختم ولی بدانید من تنها با او نجوا نمی‌کردم بلکه خدای رحمان نیز با علی ﷺ نجوا می‌کرد و به این کار هر مشتاق و راغبی میل و علاقه دارد.<sup>۳</sup>

### ۸۳۷. همیشه به فکر توأم

علی ﷺ می‌فرماید: روزی مریض شده بودم که رسول خدا ﷺ به دیدنم آمد من در بستر بودم که آن حضرت کنارم نشست و جامه‌ای از خود را بر رویم کشید ولی چون شدت بیماری مرا دید برخاست و به مسجد رفت و در آنجا لحظاتی را به دعا و نماز پرداخت؛ سپس نزد من بازگشت و جامه‌ام را پس زد و فرمود: علی برخیز که بهبودی خود را باز

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۱۰.\*

۲. ذخایر العقبی، ص ۳۲.\*

۳. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۲۴.\*

یافتی من از بستر برخاستم در حالی که هیچ دردی احساس نمی کردم، آن گاه فرمود: من هیچ گاه از خداوند درخواستی نکردم مگر آن که بر آورده کرده و هر گاه چیزی برای خود خواستم برای تو نیز طلب کردم.<sup>۱</sup>

### ۸۳۸. عالم غرق خون شد

صبحگاه روزی که امیرالمؤمنین علیه السلام کشته شدند هر ریگی را که از هر نقطه زمین بر می داشتند در زیر آن خون تازه بود.<sup>۲</sup>

### ۸۳۹. مأموریت به سرزمین طی

در سال نهم هجرت در ماه ربیع الاول رسول خدا صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام را با جمعی به سرزمین طی اعزام نمود تا به آن‌ها حمله برد و آن‌ها را اسیر کند و دو شمشیر مشهور را که در بت خانه آنجا بود و یکی رسوب و دیگری مخذم نام داشت و حارث بن ابی شمر برای آنجا نذر کرده بود را بیاورد و از جمله اسیران وی خواهر عدی بن حاتم بود.<sup>۳</sup>

### ۸۴۰. کاتب صلح نامه حدیبیه

رسول خدا صلی الله علیه و آله از امام علی علیه السلام خواست و به او فرمود: پیمان و صلح نامه حدیبیه را بنویسید.<sup>۴</sup>

### ۸۴۱. تنها یک نفر به این آیه عمل کرد

از ابن عباس نقل شده که گفت: امیرالمؤمنین علی علیه السلام یک دینار داشت و آن را به ده درهم فروخت و قبل از هر سؤالی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله می نمود یک درهم آن را صدقه می داد (جهت عمل کردن به آیه شریفه ۱۲ و ۱۳ سوره مجادله که خداوند جهت مکالمه با رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور فرمود: که قبل از آن صدقه دهند) تا این که ده چیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱. مناقب خوارزمی، ص ۱۴۳.\*

۲. خصائص الکبری، ج ۲، ص ۱۲۴.\*

۳. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۸۶.\*

۴. سیرة ابن هشام، ج ۳، ص ۳۱۷.\*



پرسید و سپس آیه فوق نسخ شد در حالی که جز امام علی علیه السلام کسی به آن آیه عمل نکرده بود.<sup>۱</sup>

و اما سؤالات علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله که قبل از آن صدقه داد ده سؤال بود. علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید وفا چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: وفا عبارت از است توحید و شهادت به یگانگی خداوند متعال.

پرسید: فساد چیست؟ فرمود: فساد کفر و شرک به خداوند عزوجل است.

پرسید: حق چیست؟ فرمود: حق، اسلام و قرآن و ولایت است.

پرسید: حيله چیست؟ فرمود: حيله در حيله نکردن است.

پرسید: تکلیف من چیست؟ فرمود: تکلیف تو اطاعت از خدا و رسول اوست.

پرسید: خدا را چگونه بخوانم؟ فرمود: خدا را با صدق و یقین بخوان.

پرسید: برای نجات خود چه کنم؟ فرمود: برای نجات خود حلال بخور و راست بگو.

پرسید: سرور و شادی چیست؟ فرمود: سرور و شادی بهشت است.

پرسید: راحت چیست؟ فرمود: راحت در لقای خداست.<sup>۲</sup>

### ۸۴۲. گوهر فشان معرکه عشق

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ما فی القرآن آیه فیها یا ایها الذین آمنوا الا علی رأسها وقائدها» هر آیه‌ای که در قرآن کریم با جمله «ای اهل ایمان» آغاز گردیده علی علیه السلام در بالاترین مرتبه و در مقام پیشوایی آنان است.<sup>۳</sup>

### ۸۴۳. روایات امر سلمه در باره امام علی علیه السلام

از ام سلمه روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: علی و پیروانش در روز رستاخیز فیروزند<sup>۴</sup> و در روایتی دیگر فرمود: مؤمنی تو را دشمن نمی‌دارد و منافقی تو را دوست نمی‌دارد.<sup>۵</sup>

۱. ینابیع الموده، ص ۱۰۰.

۲. نظم درالسمطین، ص ۹۰ (نوع سؤالات نیز دلالت بر بزرگی سائل دارد چرا که می‌توان از نوع سؤال به بخشی از هم و توجه سائل پی برد که چه موضوعی برای او مهم است) و ینابیع الموده ص ۱۰۰.

۳. مناقب خوارزمی، ص ۱۷۹.

۴. مسند احمد، ج ۴، ترمذی ۳۷۱۹ - ینابیع الموده، ص ۲۸۱.

۵. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۸۳.

و در روایتی دیگر فرمود: علی از من و من از علی هستم هیچ کس ذمه مرا نپردازد مگر خودم یا علی علیه السلام.<sup>۱</sup>

و در روایتی دیگر فرمود: خدا برای هر پیامبری جانشینی برگزید و علی جانشین من است بعد از من، در عترت و اهل بیت امت من.<sup>۲</sup>

و در روایتی دیگر فرمود: کسی که علی را دشنام دهد مرا دشنام داده است.<sup>۳</sup>

#### ۸۴۴. بر پشت نبی صلی الله علیه و آله

عبدالله بن مسعود می گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهما السلام را بر پشتش سوار کرده نشسته به راه افتاد و گفت: «نعم المظی مطیعكما ونعم الراكبان آن وأبوكما خير منكما»؛ بهترین مرکب، مرکب شماست و بهترین سواره شما دو نفر هستید اما پدرتان از شما دو تن برتر و بهتر است.<sup>۴</sup>

#### ۸۴۵. ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد

محمد بن یزید از پدرش نقل کرد که پدرش از ابو جعفر علیه السلام درباره تفسیر آیه شریفه «وبالنجم هم یهتدون»<sup>۵</sup> سؤال کرد منظور از نجم چیست؟

امام فرمود: منظور از نجم امیرالمؤمنین علی علیه السلام است زیرا مانند ستاره نجم در میان خلائق می درخشد.<sup>۶</sup>

#### ۸۴۶. یار عرشی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که در مسیر معراج مرا به آسمان هفتم هدایت کردند جبرئیل به من گفت: ای محمد! پیش از من به حرکت خود ادامه بده به خدا سوگند تا به حال هیچ پیغمبر مرسلی به این موقعیت و کرامت که تو در حال حاضر به آن نایل شده‌ای دست نیافته بود در همین هنگام مطالبی از طرف خداوند به گوش من رسید و

۱. ینابیع الموده، الباب السادس و الخمسون به نقل از مستدرک حاکم و اوسط طبرانی\*.

۲. طبقات الكبرى - سنن ترمذی - ینابیع الموده الباب الخامس عشر، ص ۹۰\*.

۳. کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۷ - ینابیع الموده الباب السادس ص ۳۳۹ تمامی روایات از ام سلمه روایت شده است\*.

۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۵۵\*.

۵. نحل / ۱۶.

۶. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲۵\*.



هنگامی که می‌خواستم برگردم از پشت حجاب ندائی رسید که: ابراهیم برای تو خوب پدری و علی هم برای تو نیکو برادری می‌باشد.  
ای محمد! پس از بازگشت از معراج، بزرگی و عظمت علی را برای مردم یادآوری کن.<sup>۱</sup>

### ۸۴۷. قاری مصحف انبیاء

در حالی که نوزاد کعبه در آغوش پیامبر بود رو به آن حضرت کرد و پرسید: یا رسول الله بخوانم؟! حضرت فرمود: بخوان، امیرالمؤمنین سینه صاف کرد و شروع به خواندن کتب انبیاء گذشته نمود، ابتدا از صحف حضرت آدم که به دست پسرش شیث نگهداری شده بود آغاز کرد و آن‌ها را چنان خواند که اگر حضرت شیث حاضر بود اقرار می‌کرد که علی آن‌ها را از او بهتر می‌داند، سپس صحف حضرت نوح و بعد صحف حضرت ابراهیم را خواند و بعد از آن تورات حضرت موسی را خواند؛ سپس زبور حضرت داود را طوری خواند که اگر آن حضرت حاضر بود اقرار می‌کرد که علی زبور را بهتر از او می‌داند و سپس انجیل را خواند.<sup>۲</sup>

### ۸۴۸. نشانه بزرگی

رسول خدا فرمود:

«یا علی! ان فیک مثلا من عیسی بن مریم ابغضة الیهود حتی بهتوا امه واحبه النصارى حتی انزلوه بالمنزلة التي لیس بها».

یا علی! تو مانند عیسی بن مریمی که یهودیان او را دشمن داشتند تا آنجا که به مادرش بهتان زدند و مسیحیان آنقدر او را دوست داشتند که مقامش را فراتر از آنچه بود رساندند؛ یعنی او را به درجه الوهیت رساندند.<sup>۳</sup>

۱. کنز العمال، ج ۶ ص ۱۶۱\*.

۲. روضة الواعظین، مجلس ۸، ص ۱۴۴.

۳. صواعق المحرقة ابن حجر، ص ۱۲۳ - تاریخ الکبیر بخاری، ج ۲، ص ۲۸۱ - تاریخ دمشق ابن عساکر، ج ۲، ص ۲۳۴\*.

### ۸۴۹. مقام جمع الجمعی

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس می‌خواهد دانش آدم را ببیند و پیش نوح و بردباری ابراهیم و پارسایی یحیی بن زکریا را و خشم موسی بن عمران را به علی بن ابیطالب بنگرد.<sup>۱</sup>

### ۸۵۰. حرفی عرشی

جیش بن جناده روایت کرد که در سفر حجه الوداع در صحرای عرفات رسول خدا ﷺ فرمود: «علی منی وانا من علی ولا یوَدی عنی الا انا وعلی».<sup>۲</sup>  
علی از من است و من از علی؛ از من کسی دین و بدهی اداء نمی‌کند مگر خودم یا علی.<sup>۲</sup>

### ۸۵۱. دو گل هستی

ثعلبی در تفسیرش و عالم فاضل سیداحمد شهاب‌الدین از بزرگان اهل سنت در کتاب توضیح الدلائل علی ترجیح الفضائل آورده که: «ولاتخفی ان مولانا امیرالمؤمنین قد شابه النبی فی کثیر بل اکثر الخصال الرضیة والفعال الزکیة وعاداته و عباداته واحواله العلیة وقد صح ذلك له بالاخبار الصحیحة والاثار الصریحة ولا یتحتاج الی اقامة الدلیل والبرهان ولا یفتقر الی ایضاح حجة و بیان وقد عد بعض العلماء بعض الخصال لامیرالمؤمنین علی التی هو فیها نظیر سیدنا النبی الامی».  
یعنی: پوشیده و پنهان نمی‌باشد این که مولای ما امیرالمؤمنین شباهت دارد به رسول اکرم ﷺ در بیشتر خصال رضیه و افعال زکیه از عادات و عبادات و احوال آن حضرت و این معنا را اخبار صحیحه به اثبات رسانده که احتیاجی به دلیل و برهان ندارد و احتیاج به توضیح و بیان ندارد و عده‌ای از علماء بعضی از آن خصال حمیده را به شمار آورده‌اند که در آن خصائل علی (ع) همانند و نظیر رسول خدا ﷺ می‌باشد...  
و اگر کسی تتبع و تفحص در احوال آن حضرت کند می‌بیند که در بسیاری از فضایل مخصوصه و شمائل منصوصه شباهت تام با رسول خدا ﷺ دارد که غیر از او احدی افتخار این خصائص را ندارد.

۱. تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۲۸۰\*.

۲. سنن ابن ماجه، ص ۹۲ جزء اول و ابن حجر در حدیث ششم از چهل حدیثی که در فضائل امیرالمؤمنین در صواعق المحرقه نقل نموده - مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۱۶۴ - کفایه الطالب، باب ۶۷\*.





## فصل نهم

ابن ابی الحدید شارح نهج البلاغه  
می نویسد:

ولولا ابوطالب و ابنه  
لما مثل الدين شخصاً فقاماً

«اگر ابوطالب و پسرش علی نبودند  
دین اسلام قدرت و قوامی نداشت»

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید،  
جلد ۲، صفحه ۳۱۸.

برتری‌های امام علی علیه السلام در کلام اصحاب و علماء











زقاء گفت: شنیدم که خداوند در قرآن به پیامبر ﷺ فرمود: ای رسول من، تو منذر این امتی و هر قومی هدایتگری دارد و سخن رسول الله است که: علی ﷺ هدایتگر و ولی خداست.<sup>۱</sup>

### ۸۵۴. شمس آسمان دین

عبدالله پسر عمر بن خطاب می گوید: ما چون می خواهیم رهبران و بزرگان خود را نام ببریم می گوییم،  
ابوبکر - عمر - عثمان.

از او پرسیدند: چرا نام علی ﷺ را نبردی؟

قال: ابن عمر: «ويحك علي ﷺ من اهل البيت لا يقاس بهم علي ﷺ مع رسول الله ﷺ في درجة ان الله يقول: «والذين آمنوا واتبعتهم ذريتهم» ففاطمة مع رسول الله ﷺ في درجة وعلى معهما ﷺ». عبدالله بن عمر گفت: وای بر تو! علی ﷺ با آن ها مقایسه نمی شود او از اهل بیت پیامبر ﷺ می باشد.

سپس گفت:

علی ﷺ در درجه و رتبه رسول خدا ﷺ است و خدا فرموده: «والذين آمنوا...» یعنی: فاطمه و علی ﷺ در قیامت در درجه رسول خدا ﷺ هستند.<sup>۲</sup>

### ۸۵۵. ممتازی بی بدیل

عروه بن الزبیر: «كنا جلوسا في مسجد النبي ﷺ فتذاكرنا احوال اهل بدر...» عروه بن زبیر گوید: در مسجد پیامبر ﷺ نشستیم و از احوال اهل بدر و بیعت رضوان یاد می کردیم ابودرداء گفت: ای جماعت دوست دارید از کم مال ترین ولی در عین حال ثروتمندترین مردم و پارساترین و سخت کوش ترین آن ها در عبادت به شما خبر دهیم؟ گفتند: آری او کیست؟ گفت: علی بن ابیطالب ﷺ.<sup>۳</sup>

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۰۳.

۲. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۹۷.

۳. تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۵۶.





ولولا ابوطالب وابنه  
فذاك مكة اوى وحامى  
لما مثل الدين شخصا فقاما  
وهذا بيثرب جسّ الحماما

اگر ابوطالب و پسرش علی نبودند دین اسلام تشخص و قوامی نداشت.  
ابوطالب در مکه آن حضرت را یافت و حمایت نمود، علی در مدینه نبوت را با  
تجسس به دست آورد و حمایت کرد.<sup>۱</sup>

۸۶۰. علی مظلوم است

ابوالفرج اصفهانی در آخر مقاتل الطالبین آورده که: «لما ان جاء عایشه قتل امیرالمؤمنین  
علی سجده کرد».  
وقتی خبر قتل و شهادت امام علی بر عایشه رسید سجده شکر کرد.

۸۶۱. عالمی مؤمن

ابوعبدالرحمن احمدبن علی نسائی عالم سنی مذهب و صاحب خصائص العلوی در  
قرن سوم به دست متعصبان به جهت بیان فضایل امام علی کشته شد او در سال  
۳۰۳ قمری وارد دمشق شد و متوجه شد که اهالی آن شهر در اثر تبلیغات سوء بنی امیه  
علنی بعد از هر نماز حتی در خطبه‌های نماز جمعه امام علی را سب و لعن می‌نمایند،  
لذا احادیثی را با سلسله اسناد خود از رسول خدا در فضایل امیرالمؤمنین علی به  
تحریر در آورد.

بنابراین کتاب خصائص العلوی را در اثبات مقامات عالیه و فضایل بی‌همتای آن  
امام نوشت و بر روی منبر آن کتاب و احادیث را برای مردم می‌خواند تا به این طریق  
فضایل امام را نشر دهد. در یکی از روزهایی که بالای منبر مشغول فضایل امام بود  
عده‌ای متعصب سنی مذهب او را از منبر به زیر کشیده، و مورد ضرب و شتم شدید و  
بسیار زشت و زنده‌ای قرار گرفت که بعد از چند روز فوت کرد و طبق وصیت جنازه‌اش  
را در مکه دفن نمودند.

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۳۱۸.

### ❖ ۸۶۲. علی اعلی می‌تواند ❖

حافظ ابن عبدالبر مغربی در کتاب استیعاب فی معرفه الاصحاب می‌گوید: «ان کلمه سلونی قبل ان تفقدونی ما قالها احد غیر علی بن ابیطالب الا کان کاذبا»؛ کلمه سلونی را احدی غیر از علی بن ابیطالب نگفته مگر آن که کاذب و دروغگو بوده (یعنی به جهت همان ادعا رسوا و مفتضح گردیده).

### ❖ ۸۶۳. چه اقرار زیبایی ❖

فخر رازی سنی مذهب در ج ۷ تفسیر کبیر خود در ذیل آیه شریفه: «قل لاسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی»؛ این شعر را از امام شافعی سنی مذهب آورده است.

|                             |                           |
|-----------------------------|---------------------------|
| یا راکبا قف بالمحصب من منی  | واهتف بساکن خیفها والناھض |
| سحرا اذا فاض الحجیج الی منی | فیضا کلتطم الفرات الفانض  |
| ان کان رفضا حب آل محمد      | فلیشهد الثقلان انی رافض   |

یعنی: ای سوار رونده به سوی مکه بایست و در ریگزار منی به ساکنین مسجد خیف در وقت سحر که حجاج به سوی منی می‌آیند (بدون تکیه و علنی) بگو اگر رفض دوستی آل محمد است پس شهادت بدهند جن و انس که من (امام شافعی) رافضی هستم.

### ❖ ۸۶۴. یار و معین پیامبر ﷺ علی است ❖

ابن سبع مغربی در شفاء الصدور در بیان شجاعت امام علی می‌گوید: «علماء العرب اجمعوا علی ان نوم علی بن فراس رسول الله وسلم افضل من خروجه معه وذلك انه وطن نفسه علی مفاداته لرسول الله وآثر حیاته واطهر شجاعته بین اقارنه».

اتفاق علماء عرب آن است که خوابیدن علی در لیله الهجرة در فراس رسول خدا افضل بود از بیرون رفتن او با حضرت، زیرا که خود را در جای آن حضرت قرار داد و زندگانی خود را فدای آن حضرت نمود و به این وسیله شجاعت خود را بین همه ظاهر نمود.



### ۸۶۵. علی از اهل بیت است

میرسید علی همدانی در کتاب موده القربی در فصل مودت هفتم از احمد بن الکرزی نقل کرده که گفت: شنیدم از عبدالله بن احمد حنبل که گفت: سؤال کردم از پدرم احمد بن حنبل (رئیس الحنبله) از درجه و مقام فضل صحابه رسول خدا و نام ابوبکر و عمر و عثمان را آورد آن گاه ساکت شد.

«فقلت: یا ابت این علی بن ابیطالب قال هو من اهل البيت لا یقاس به هولاء».

یعنی: پس گفتیم: پدر علی بن ابیطالب را نام نبردی؟  
پدرم گفت: او از اهل بیت رسالت است و نمی توان این ها (ابوبکر و عمر و عثمان) را با او قیاس نمود.

### ۸۶۶. علی برتر است چون عالم است

ابن ابی الحدید از جاحظ نقل می کند که ایمان ابی بکر افضل از ایمان علی بوده! آن گاه جوابی را که ابوجعفر اسکافی از بزرگان علماء معتزله بر رد او داده به طور مفصل آورده تا آنجا که می نویسد «اننا لانکر فضل الصحابة وسوا بقهم ولكننا نکر تفضیل احد من الصحابه علی بن ابیطالب».

یعنی: ما انکار فضل صحابه و سوابق آن ها را نمی نماییم ولیکن انکار می کنیم، برتری احدی از صحابه را بر فضایل علی بن ابیطالب<sup>۱</sup>.

### ۸۶۷. گنج نهان

سؤالات حضرت علی از رسول خدا که در فرازهای مختلف در بین کتب نقل شده در باب مصلحتی انجام می گرفته مولای ما امیرالمؤمنین و امام کشف و یقین از این جهت سؤال می کرده اند تا این حقایق در نظر دیگران مکشوف افتد و گرنه خود او حقایق علوم و رازهای پنهانی را در همان مقام عقلی و شأن غیبی که دارد از رسول خدا استفاده می فرمود پیش از آن که به عالم مثال و نشئه خیال قدم بگذرد تا چه رسد به

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۷۴.

آنکه استفاده آن حضرت منوط به این باشد که آن حقایق به شکل الفاظ و کلام تنزیل نماید تا مورد استفاده شأن قرار گیرد و مؤید مطلب حدیث نبوی است که فرمود: من شهر علمم، علی امّ در است.<sup>۱</sup>

### ۸۶۸. حرف بوعلی

بوعلی سینا در رساله معراج نامه آورده است اکمل انبیاء صلوات‌الله علیه درباره مدینه علم و مرکز عقل گفت: یا علی «اذا تقرب الناس الی خالقهم بانواع البر تقرب الیه بانواع العقل». و این چنین خطابی، جز با چنان بزرگی که در میان مثل معقول در میان محسوس، بود جزء این صواب نبود و معنی این حدیث آن است که فرمود: ای علی چون مردم در کثرت عبادت رنج برند تو در ادراک معقولات مجتهد شو تا بر همه سابق شوی. لاجرم چون به گوش قبول بشنید و به حسب استعداد اجتهاد نمود تا به دیده بصیرت مدرک اسرار گشت و حقایق اشیاء را دریافت و تمام معقولات را ادراک کرد گفت که: «لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا» و به حقیقت، هیچ سعادت آدمی را زیاده از ادراک معقولات نیست...<sup>۲</sup>

### ۸۶۹. پرده دار کعبه عشق علی

قیس بن ابوحزیم روایت کرده است که سعد بن ابی وقاص به مردی از اهل دمشق در حالی که علی بن ابیطالب را لعن می کرد و گفت: مرد چرا علی را لعن می کنی؟ آیا او اول کسی نبود که اسلام را پذیرفت. آیا او اول کسی نبود که با رسول خدا ﷺ نماز خواند؟ آیا عالم‌ترین مردم در میان آنان نبود. سپس گفت: خدایا! این مرد یک نفر از پرهیزگارترین بندگان تو را لعنت می کند من

۱. مصباح الهدیة امام خمینی «ره».

۲. معراج‌نامه، ص ۱۳۴.





از تو می‌خواهم که نگذاری این گروه این جا را ترک کنند مگر قدرتت را به آنان نشان دهی!

آن مرد دمشقی خود را از بالای اسب بر روی سنگی انداخت و سرش شکافت و در دم جان داد.<sup>۱</sup>

### ۸۷۰. ای اصل همه آبادی

ابن ابی الحدید در مقدمه شرح نهج البلاغه خود می‌نویسد: وقتی محسن بن ابی محسن به معاویه گفت: من از نزد ناتوان‌ترین مردم در سخن گفتن به نزد تو آمده‌ام؟ معاویه به او گفت: وای بر تو! چطور علی ناتوان‌ترین سخن‌گویان است؟ به خدا او بود که فصاحت و سخنوری را در قریش معمول ساخت.<sup>۲</sup>

### ۸۷۱. مرتضای پاک دین

حسابن ثابت در روز غدیر گفت:

|                          |                               |
|--------------------------|-------------------------------|
| ینادیهم یوم الغدیر نبیهم | بم فاسمع بالرسول منادیا       |
| یقول: فمن مولاکم وولیکم  | فقالو- ولم یدوا هناك التعامیا |
| الهک مولانا وانت ولینا   | ولم ترمنا فی الولاية عاصیا    |
| فقال له قم یا علی فانی   | رضیتک من بعدی اماما وهادیا    |
| فمن کنت مولاه فهذا ولیه  | فکونوا له انصار صدق موالیا    |
| هناک دعا اللهم وال ولیه  | وکن للذی عادا علیا معادیا     |

در روز غدیر پیامبرشان آنان را ندا می‌کند و ندای رسول را شنیدن چه شایسته است و می‌فرماید: مولا و ولی شما کیست؟ بی‌آنکه غفلت ورزند می‌گویند: خدای تو مولای ما و تو خود ولی ما هستی، و کسی در میان ما نیست، که از ولایت تو سرپیچی کند. پس پیامبر ﷺ به علی ﷺ فرمود: یا علی! برخیز که همانا بعد از من تو امام و هادی

۱. مستدرک الحاکم، ج ۳، ص ۴۹۹.

۲. ص ۲۳ /

هستی پس هر که من مولای اویم این علی مولای اوست، پس همگی یار و دوستدار او باشید و اینگونه دعا فرمود:

خدایا دوست بدار دوستدارش را و دشمن بدار دشمنش را.  
فهم کن گر مؤمنی فضل امیرالمؤمنین فضل حیدر شیر یزدان مرتضای پاک دین.  
فضل آن کس کز پیمبر بگذری فاضل تراست فضل آن رکن مسلمانی امام المتقین.

### ۸۷۲. ولایت معنوی

روایت است که «ان شجرة طوبى اصلها في دار علي بن ابي طالب عليه السلام وليس مؤمن الا وفي داره غصن من اغصانا».

یعنی: درخت طوبی اصلش در خانه علی بن ابیطالب عليه السلام است و هیچ مؤمنی نیست مگر آن که در خانه او شاخه‌ای از شاخه‌های آن درخت وجود دارد.  
پس تأویل این روایت در رابطه با علم آن است که کلیه معارف الهیه خصوصاً آنچه به احوال آخرت و آنچه که خرده‌ها با فکر ناتوان خود به آن نمی‌رسند همانا از چراغ نبوت خاتم الانبیاء و نور ولایت ایشان که در رسالت ایشان است اقتباس می‌گردد و شعاع‌های این نور از ولایت افضل اوصیاء آن حضرت علی در جان کسانی که قابلیت هدایت و ایمان را دارند و برای علم و عرفان مستعدند منتشر می‌گردد چه میوه‌های علوم الهی نورهایی هستند و معارف حقیقی در دل عارفان این امت بهره‌مند از رحمت و از بذر ولایت و ستاره هر آیت آن حضرت علی منتشر شده است.

همان گونه فرمایش رسول خدا صلى الله عليه وآله این نکته را به روشنی بیان می‌کند که فرمود: «انا مدينة العلم وعلی بابها» و نسبت ذات مقدس رسول خدا با سایر اولیاء و علماء در ولایت معنوی مانند نسبت آدم ابوالبشر است با سایر مردم در ولایت ظاهری و برای همین از رسول خدا روایت شده که فرمود: «یا علی انا وانت ابو هذه الامة» ای علی! من و تو پدران این امتیم.<sup>۱</sup>

۱. اسفار، ج ۹، ص ۳۷۹.



❖ ۸۷۳. به بلوغ بلاغت رسیدم ❖

عبدالحمید بن یحیی عامری را درباره‌اش گفته‌اند که:  
هنر کتابت به او آغاز شده است وقتی از او می‌پرسند که فصاحت را از چه کسی آموختی؟  
می‌گوید: هفتاد خطبه از خطبه‌های اصلع<sup>۱</sup> (علی علیه السلام) را از بر کردم و این خطبه‌ها در ذهن من چون چشمه‌ای جوشید.<sup>۲</sup>

❖ ۸۷۴. غیر قابل وصف ❖

امام خمینی «ره» می‌فرماید: مولود امروز وصف کردنی نیست آنچه وصف کرده‌اند از او، درون شأن اوست و آنچه شعراء و عرفا و فلاسفه و دیگران درباره او گفته‌اند شمه‌ای از آن چیزی است که او هست غالباً مسائلی که درک می‌کرده‌اند و می‌کنند راجع به مولا علی بن ابیطالب عرضه می‌داریم آن چیزهایی را که ما نمی‌توانیم درک کنیم و دست عرفا و فلاسفه و دیگران از آن کوتاه هست آن چیز قابل ذکر نیست انسان تا نشناسد نمی‌تواند بگوید و آن مقداری هم که در دسترس است آن قدر زیاد است که گفتن او محتاج به زمان‌های طولانی است.  
و لهذا ما باید در پیشگاه مبارک ایشان عذرخواهی کنیم و عذر تقصیر بخواهیم که ما قاصریم و نمی‌توانیم بیان کمال شما را بکنیم.  
آن چیزی که موجب تأسف است این است که نگذاشتند حضرت امیر سلام‌الله علیه آن طور که باید و دلخواه اسلام است جلوه پیدا کند.<sup>۳</sup>

❖ ۸۷۵. دریای بی‌کرانه ❖

از علقمه روایت شده به ابن مسعود گفت: آیا علی علیه السلام را ملاقات کرده‌ای؟

۱. اصلع به کسی می‌گویند که جلوی سرش مو ندارد و این اصلع را عمر گاهی به امام علی علیه السلام می‌گفت چون حضرت کمی در جلوی سر مبارکش مو نداشت.  
۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ترجمه مهدوی دامغانی، ج ۱، ص ۲۰.  
۳. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۲۵.

گفت: بلی او را ملاقات کردم و از او علم قرآن را فرا گرفته‌ام و از او استفاده کرده و بر او قرائت کرده‌ام بهترین و داناترین مردم بعد از رسول خدا ﷺ هموست و او را مانند دریایی جاری دیدم.<sup>۱</sup>

و در روایتی دیگر ابن عباس می‌گوید: علم پیامبر ﷺ از علم خداست و علم علی از علم پیامبر و علم من از علم علی و علم من و اصحاب محمد ﷺ در برابر علم علی مانند قطره‌ای در برابر هفت دریا است.<sup>۲</sup>

### ۸۷۶. جامعیتی عجیب

استاد محمدتقی جعفری در کتاب خلافت و ولایت می‌نویسد:  
علی اسلام مجسم است آن حضرت فرمود: «ماییم موازین عدل در قیامت» اعمال همه امت با اعمال او و ائمه بعد از او سنجیده می‌شود که: «یوم ندعوا کل اناس بامامهم... ونضع الموازین القسط لیوم القیامة».

علی ﷺ در همه مراحل زندگی خود سرمشق است و جمیع طبقات باید به او اقتدا کنند.

فردی از خانواده کارگر و و سرباز و افسر ارتش و فرمانده کل و امام جماعت و خطیب دینی و سخنور سیاسی و اجتماعی و معلم دین و اخلاق و سرپرست خانواده و مجتهد و عالم و عابد و عارف و زارع و مالک و قاضی دادگاه و هر یک از دو طرف دعوی تا زمامدار مملکت همگی می‌توانند از رفتار و کردار علی ﷺ سرمشق بگیرند چون او در همه این مشاغل و مناقب بوده است.

و صاحب این قلم گوید: علی امام عشق و اشک و پیشوای شب روان است اوست که با همه هستی با لحن عاشقی تکلم می‌نماید و دنیای سرد انسانی ما، عاطفه منجمد و پوچ ما را روح و معنا بخشید و اگر او نمی‌بود کسی چه می‌دانست عشق چیست و شیوه عاشقی چگونه، صاعقه چشمان آسمانی پر نگاهش را بر همه مُلک ملکوت تابانید تا کسی بی‌بهره از عشق نباشد.

۱. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۰۵.

۲. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۰۵.



اگر او نبود ما در این دنیا با چه واژه‌های محبت را معنا می‌کردیم عشق چگونه تجسم می‌یافت و هستی چنان به پستی می‌گرایید که تحمل زیستین را از همه سلب می‌نمود. علی قرآن مجسمی است که هر روز و هر لحظه در جان من و تو جاریست و همچون قرآن جاوید؛ خدا را سپاس‌مندیم از این وجود ملکوتی که با دستانش ما را از عفن دنیا رهانید.

دست ما گیرد و در آن مجلس کشان گز رحیقت مستند آن سر خوشان.

### ۸۷۷. مرتبط با عالم ملکوت

و ابودرداء روایت کرده که عالمی در شام هست (یعنی خودش) و عالمی در کوفه (یعنی ابن مسعود) و عالمی در مدینه (یعنی امام علی علیه السلام) سپس می‌گوید: آن که در شام است از آنکه در کوفه است می‌پرسد اما آنکه در مدینه است از احدی سؤال نمی‌کند.<sup>۱</sup>

### ۸۷۸. آگاه‌ترین مردم

در روایتی عمر بن خطاب تأکید کرده است: «علی اعلم الناس بما انزل الله علی محمد»؛ یعنی: علی آگاه‌ترین مردم است به آنچه خدا بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده است.<sup>۲</sup>

### ۸۷۹. حبی جان فزا

ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «حب علی بن ابیطالب یا کل الذنوب كما تأکل النار الحطب»؛ دوستی علی همانند آتش که هیزم را می‌خورد گناهان را از بین می‌برد.<sup>۳</sup>

۱. تنبیه الغافلین...، ص ۱۳ - ۱۹.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۹.

۳. کنز العمال، ج ۶ ص ۱۵۸.

### ❖ ۸۸۰. پرن ديار قدسی ❖

ابن عبد ربّه اندلسی (۳۲۸ هـ) گفته است.

«کان ابوبکر شاعرا و عمر شاعرا و علی علیه السلام اشعر الثلاثة»<sup>۱</sup>.

ابوبکر شاعر بود و عمر شاعر بود و علی علیه السلام شاعرترین این سه تن بود. البته ابن سلام در طبقات، ابوطالب را نیز از شاعران پیش رو و سرآمد روزگار خود می‌داند.

و قلقشندی (ت ۸۲۱ ق) گفته است: «...عن سعیدبن المسیب انه قال: کان ابوبکر و عمر و علی یجیدون الشعر و علی اشعر الثلاثة»... به نقل از سعیدبن مسیب که او گفته: ابوبکر و عمر و علی علیه السلام خوب شعر می‌گفتند و علی شاعرترین این سه تن بود.<sup>۲</sup>

### ❖ ۸۸۱. رهبر مذهب عشق ❖

عبدالله بن خراش در مقام علی علیه السلام از عوام و او از مجاهد چنین روایت کرده است. «کُلُّ شَيْءٍ فِي الْقُرْآنِ (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) فَإِنَّ لِعَلَى سَبْقَهُ وَفَضْلَهُ»، هر جا آیه «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» در قرآن نازل شده علی علیه السلام را سبقت و فضیلت بر همه آن مؤمنان است.<sup>۳</sup>

### ❖ ۸۸۲. سایه لطف تو بود ❖

سفیان ثوری می‌گوید: علی علیه السلام در میان مسلمانان و مشرکان چونان قله فرازمندی است که خداوند با او مسلمانان را عزت بخشید و مشرکان را بر خاک خواری نشانده.<sup>۴</sup>

### ❖ ۸۸۳. ناله‌های دل یک مسیحی ❖

سلیمانی کتانی نویسنده مسیحی لبنانی می‌گوید:

۱. العقد الفريد، ج ۳، ص ۸۸، چاپ قاهره، ۱۳۱۶ ق.

۲. صبح الاعشى، ج ۱، ص ۲۷۲. (دیوان اشعار امام علی علیه السلام تحت عنوان انوار العقول نوشته کیدری جمع‌آوری شده است).

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۷۲.

۴. رسائل الجاحظ، ج ۴، ص ۱۲۵.



ای سرور من! آیا این روا و سزا است که به جای فراهم آمدن به خدمتت دربارها  
 اختلاف پیدا کنند؟!  
 بعضی از آن‌ها تو را از دست دادند و تو را نیافتند... گروهی تو را از دست دادند و  
 یافتند و فرقه‌ای تو را یافتند آنکه از دست دادند...  
 بی‌شک این شگفت‌حیرت‌زایی است!...  
 و این از مسخره‌های روزگار است که حتی آنان که تو را یافتند چگونه شخصیت تو  
 را مشخص کرده و بر وجود نامتناهی تو حد و مرزی قائل گشتند؟!  
 کلمه‌ای که از دو لب فرو غلطید هنوز که چهارده قرن می‌گذرد شرم دارد تا به اقلیم  
 زمان یا مکانی در آید زیرا که از ارزش‌های اندیشه و تپش‌های قلب زندگی باردار است  
 و بسی دورتر از آن که در محدوده‌ای بگنجد.<sup>۱</sup>

### ۸۸۴. ریشه رسالت در ولایت

مرحوم استاد محمدتقی شریعتی می‌گوید:  
 من بارها با خود می‌اندیشیدم که در بین آیات نازل شده در شأن مولا کدامیک از  
 همه مهم‌تر است و عظمت مقام او را بهتر می‌شناساند چند بار در این خصوص تغییر  
 عقیده دادم عقیده ماقبل آخرم این بود که آیه کریمه: «یا ایها الرسول بلِّغ ما انزل الیک فان لم  
 تفعل فما بلِّغ رسالته والله یعصک من الناس»<sup>۲</sup> مهم‌تر از همه است.  
 زیرا خداوند می‌فرماید: ای پیغمبر آنچه به سوی تو فرود آمده به مردم برسان که اگر  
 نکردی وظیفه رسالت را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از مردم نگهداری می‌کند. چنین  
 تهدید عجیبی که اگر پیغمبر دستوری را تبلیغ نکند اصلاً به وظیفه پیغمبری عمل نکرده  
 و مثل این است که هیچ یک از عقاید و احکام را ابلاغ نفرموده باشد در سراسر قرآن  
 نظیر ندارد آن هم در حجه‌الوادی که اصول دین از توحید و نبوت و معاد و فروع آن تماماً  
 به مردم تبلیغ شده و خمس و زکات پرداخته و مناسک حج را با پیغمبر انجام داده‌اند  
 غزوات بدر و خندق و احد را گذرانده‌اند یعنی به وظیفه جهاد نیز عمل کرده‌اند آن وقت

۱. امام علی مشعلی و دژی، سلیمان کتانی، مترجم: جلال‌الدین فارسی، ص ۱۲.

۲. مائده / ۳.

چه دستور مهمی است که آن را از ترس مردم تبلیغ نکرده و آن مردم کیستند که آن حضرت از آن‌ها بیمناک است در صورتی که مشرکین مغلوب شده و فتح مکه اسلام را بر همه نیروها و طوایف پیروز گردانیده است.

بسیار روشن است که این امر مهم جز ولایت و نصب امیرالمؤمنین به امامت و خلافت نمی‌تواند باشد که مطابق عقیده شرط قبول همه طاعات است بنابراین تمام دین بدون این شرط مقبول نیست... در این جا برای آنکه دیگر دچار اشتباه نشوم به تفاسیر هم رجوع کردم خوشبختانه دیدم خود امیرالمؤمنین نیز این آیه را مهم‌تر از همه می‌دانند چنانچه فیض و ابوالفتح و بسیاری دیگر از مفسیرین نقل نموده‌اند دیگر جای تأمل و تردید نبود حال ملاحظه بفرمایید که اولاً علی در برابر خداوند شاهد قرار داده شده و ثانیاً صدق پیغمبر در ادعای رسالت و حقانیت دیانت و شریعت اسلام به شهادت علی اثبات گردیده است و از آن حضرت به کسی که علم الکتاب را دارا است تعبیر فرموده است یعنی چنین مقام شامخ و عظمت بی‌مانندی را به سبب این علم پیدا کرده است.<sup>۱</sup>

### ❖ ❖ ❖ ۸۸۵. خورشید جهان آرای هستی ❖ ❖ ❖

ابن عباس می‌گوید: مصداق «من عنده علم الکتاب»؛ علی بن ابیطالب است و نه جز او، چون او است که تفسیر و تأویل و ناسخ و منسوخ و حلال و حرام این قرآن را می‌داند.<sup>۲</sup>

### ❖ ❖ ❖ ۸۸۶. واقف سر کتاب ❖ ❖ ❖

ابوعبدالرحمن سلمی می‌گوید: من کسی را آگاه‌تر از علی به قرآن ندیدم او همواره می‌گفت از من بپرسید به خدا سوگند درباره هر آنچه از قرآن بپرسید پاسخ خواهم گفت. ابن شبرمه نیز می‌گوید: هیچ کس بر فراز منبر کسی این سخن بر زبان نراند که: از قرآن هر آنچه خواهید بپرسید جز علی بن ابیطالب.<sup>۳</sup>

۱. چشمه کوی، ص ۳۲۶.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۵، ینابیع المودة، ج ۱، ص ۳۰۷.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲ و ۴۸.





❖ ❖ ❖ ۸۸۷. مولوی علوی منش ❖ ❖ ❖

مولوی در مثنوی ۶ جلدی خود که شامل ۲۶۰۰۰ بیت می‌باشد شدیداً با علاقه‌ای وافر از امام علی علیه السلام توصیفات بسیار بلندی دارد او در دو بیتی زیبایی به عربی می‌گوید:

مرحبا یا مجتبی یا مرتضی      ان تغب جاء القضا ضاق الفضا  
انت مولی القوم من لایشتهی      قدردی کلا لئن لم ینتهی

او طولانی‌ترین مثنوی‌اش در دفتر اول صحنه مواجهه امام علی علیه السلام را در جنگ احزاب با عمر بن عبدود آورده:

از علی آموز اخلاص عمل      شیر حق را دان منزه از دغل

این شعر بیشتر از ۲۰۰ بیت است که توصیف شادمانه مولوی از مولای متقیان علی علیه السلام می‌باشد.

مولوی در دفتر دوم مثنوی نیز با ذکر نام شمشیر امام علی علیه السلام اشاره کرده و می‌گوید: ذوالفقار شمشیر پیغمبر بود که به علی علیه السلام بخشید.

زان نماید ذوالفقاری حربهای      زان نماید شیر نر چون گربه‌ای

مولوی در مثنوی دفتر دوم به کندن در خیر نیز اشاره می‌کند و از آن نتیجه‌ای عرفانی می‌گیرد.

یا تبر برگیر و مردانه بز      تو علی وار این در خیر بکن

مولوی در مثنوی به شهادت مولا علی علیه السلام نیز اشارات بسیار لطیف ظریفی دارد. او حتی در مثنوی دفتر ششم اشاره به مسئله غدیر خم نیز می‌نماید و به توصیف زیبایی آن می‌پردازد.

استاد مطهری در کتاب حماسه حسینی آورده: مولوی این داستان (جنگ امام علی با عمرو بن عبدود) را خیلی عالی به نظم آورده است.

آن‌گاه می‌گوید: این نظم دو بیت دارد که به نظر من بهتر از این در مدح علی علیه السلام گفته نشده است.

تو ترازوی اُحدخو بوده‌ای      بل زبانه‌ی هر ترازو بوده‌ای

در شجاعت شیر ربا نیستی      در مروت خود که داند کیستی<sup>۱</sup>

۱. حماسه حسینی شهید مطهری، ج ۱، ص ۱۴۸.

شاید روی همین دلیل باشد که مرحوم قاضی‌الله شوشتری در مجالس المؤمنین مولانا را شیعه می‌داند.

و در آخر چه زیبا سرود که گفت:

هر کو را منم مولا و دوست      ابن‌عم من علی مولای اوست  
کیست مولا؟ آن که آزادت کند      بند رقیبت زپایت بر کند<sup>۱</sup>

### ۸۸۸. سجده به نهج‌البلاغه

ابن‌ابی‌الحدید گوید: اگر تمام فصیحان در مجلسی گرد آیند و این خطبه (خطبه ۲۲۱) برای آن‌ها خوانده شود شایسته است به آن سجده کنند.... سپس می‌گوید: به آنچه تمام امت‌ها سوگند یاد می‌کنند، سوگند یاد می‌کنم که از پنجاه سال پیش تاکنون بیش از هزار بار این خطبه را خوانده‌ام و هرگاه خواندم قلبم تپید اعضای بدنم لرزید و لرزش و ترس وجودم را فرا گرفت و از آن پند گرفتم. هرگاه در آن تأمل کردم مردگان از خویشان و نزدیکان و دوستانم را به یاد آوردم و یقین کردم او که در این جمله‌ها وصف می‌شود من هستم...<sup>۲</sup>

### ۸۸۹. سرچشمه دانش تفسیر قرآن

ابن‌ابی‌الحدید می‌گوید: دانش تفسیر از او (علی) سرچشمه گرفته و از تعالیم او دامن گشوده است اگر به کتاب‌های تفسیر مراجعه کنی استواری این سخن را در می‌یابی چرا که بیشترین نقل‌ها در تفسیر از اوست...<sup>۳</sup>

### ۸۹۰. بی‌مقدار بی‌عقل، بی‌هویت

ولیدبن‌عقبه در مقام خودستایی در مقابل امام علی علیه‌السلام بر آمده و با آن حضرت به مناظره و مشاجره پرداخت و گفت: «یا علی! انا احد منك سنانا واسلط منك لسانا واملامنك

۱. مثنوی دفتر ششم، بیت ۴۵۳۹.

۲. نهج‌البلاغه، ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۱، ص ۱۵۳.

۳. شرح نهج‌البلاغه، ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۱۹.



**حشوا فی الکتبیه؛** یا علی! نیزه من از نیزه تو برنده‌تر، فصاحت من از تو بیشتر و قوت من از تو افزون‌تر است.

علی فرمود: خاموش باش ای فاسق! وای بی‌مقدار! تو را نرسد که خود را با من مقایسه یا برتر بدانی!<sup>۱</sup>

### ۸۹۱. پیشتاز دانش تفسیر

محمد بن طلحه شافعی می‌گوید: پیشوایی ابن عباس در تفسیر قرآن میان امت شهره است او پیشتاز دانش تفسیر است... و روشن است که ابن عباس شاگرد علی و پیرو او است و تفسیر را از او گرفته و از علی بهره‌ها برده است.<sup>۲</sup>

### ۸۹۲. خورشید محراب اندیشه

از عبدالله بن مسعود نقل کرده‌اند که گفت: در میان اهل مدینه علی آگاه‌ترینشان بود به قرآن.<sup>۳</sup>  
این سخن را نیز عایشه گفته که: علی آگاه‌ترین اصحاب رسول الله به قرآن می‌باشد. و عمر بن خطاب نیز می‌گفت: علی بن ابیطالب از همه ما به معارف قرآن آگاه‌تر بود.

### ۸۹۳. در سایه سار سروهستی

ابن عباس می‌گوید: آنچه را که علی می‌گفت: فرا گرفتم آن‌گاه در اندوخته‌ها و آموخته‌های خود اندیشیدم و دریافتم که دانش من به قرآن در سنجش با دانش علی مثل برکه‌ای است خرد در برابر دریایی موج خیز.<sup>۴</sup>

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۷۲.

۲. مطالب السنول، ج ۱، ص ۱۳۵.

۳. شواهد التنزیل، ص ۴۳، ج ۱ و ص ۴۷ و ۳۵.

۴. قاموس الرجال، ج ۶، ص ۴۴۸.





### ❖ ۸۹۸. سرّ جمیع انبیاء ❖

شیخ اکبر محی الدین عربی می گوید: او (پیامبر اکرم ﷺ) سید عالم است به تمام هستی و اول ظاهر در عالم وجود است و وجودش از آن نور الهی و از هبء و از حقیقت کلی بود و در هبء عین او و عین عالم به همگی آن ظاهر و نمایان گشت و نزدیک ترین مردم به او علی بن ابیطالب بود و امام عالم و او سرّ جمیع انبیاء است.

«واقرب الناس الیه علی بن ابیطالب رضی الله عنه امام العالم و سرّ الانبیاء اجمعین»<sup>۱</sup>

### ❖ ۸۹۹. کلید هر چیز ❖

قعقاع بن زراره بر سر قبر علی رضی الله عنه ایستاد و گفت: خشنودی خدا بر تو باد ای امیرالمؤمنین که به خدا سوگند زندگانی ات کلید هر چیز بود و اگر مردم تو را می پذیرفتند از بالای سر و زیر پای خود می خوردند لیکن اینان نعمت را ناسپاس کردند و دنیا را بر آخرت برگزیدند.<sup>۲</sup>

### ❖ ۹۰۰. جلوه جمال او در هستی ❖

عمر بن خطاب به ابن عباس گفت: آیا علی را هم شایسته خلافت می بینی؟ پس گفتیم: با فضیلت و سابقه و خویشاوندی پیامبر و دانشی که دارد چرا شایسته نباشد؟

عمر گفت: بخدا سوگند او چنان است که گفتمی و اگر بر مردم حکومت یابد آنان را به راه راست برد و راه روشن را در پیش گیرد، جز این که در او خصلت هایی است؟ شوخی کردن درانجمن، استعداد در رأی و بی اعتنایی به مردم در عین جوانی.

ابن عباس گفت: چرا روز خندق او را کم سن نشمردید... در روز بدر هنگامی که سر از تن دشمنان برگرفت پس چرا در اسلام از او پیش نیفتادید...  
عمر گفت:

ای پسر عباس به خدا سوگند که پسر عمویت علی از همه مردم به خلافت سزاوارتر

۱. فتوحات مکیه، ج ۱، باب ۶، بحث هبء، به تحقیق عثمان یحیی، ص ۱۱۹.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴۰.

است لیکن قریش زیر بار او نمی‌رود و اگر بر مردم حکومت یابد البته ایشان را به امر حق و می‌دارد... و اگر چنین کند البته بیعت او شکسته شود و سپس با او بجنگند.<sup>۱</sup>

### ❖ ۹۰۱. از ولایت می‌پرسند ❖

آلوسی بغدادی عالم متعصب سنی در تفسیر خود.<sup>۲</sup> در ذیل آیه شریفه: «وقفوهم انهم مسؤولون»؛ نگاه داریشان که مسئولند.<sup>۳</sup>

آورده: نزدیک‌ترین این اقوال به صحت این است که در آن روز (قیامت) از عقاید و اعمال (انسان) می‌پرسند و در رأس اینها همه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است و مهم‌ترین آن‌ها ولایت علی - کرم‌الله وجهه - است.

### ❖ ۹۰۲. محبوب‌ترین مخلوقات در نزد خداوند ❖

انس خادم معروف پیامبر اکرم ﷺ بعد از آن حضرت عمر طولانی داشت روزی بیمار شد محمد بن حجاج به اتفاق گروهی به عیادت او رفتند سخن از هر دری به میان آمد تا به نام مبارک حضرت علی ﷺ رسید، فرزند حجاج نسبت به آن حضرت اهانت کرد انس بر آشفت گفت: این مرد کیست؟ مرا بنشانید او را نشانند.

انس گفت: ای فرزند حجاج! چرا عیب‌جویی و اهانت نسبت به علی بن ابیطالب می‌کنی قسم به کسی که محمد ﷺ را به حق مبعوث کرد من خادم آن حضرت (پیامبر ﷺ) بودم و هر روز یکی از جوانان انصار به آن حضرت خدمت می‌کردند در آن روز نوبت من بود، ام‌ایمن مرغ بریانی برای آن حضرت آورد و در برابر او گذاشت پیامبر ﷺ فرمود: ای ام‌ایمن این پرنده را از کجا آورده‌ای؟

گفت: من خودم این پرنده را صید کردم و برای شما درست نمودم، آن گاه پیامبر دعا کرد:

خداوندا! محبوب‌ترین خلقت در نزد خود را نزد من بیاور تا با من این پرنده را بخورد.

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۷.

۲. روح المعانی، ج ۲۳، ص ۷۴.

۳. صافات، آیه ۳۷، (تعجب دارد کسی که شیوه‌اش انکار بدیهیات ولایت امام علی ﷺ است چگونه در تفسیر خود به ولایت امام علی ﷺ تصریح و تأکید می‌نماید).



در این هنگام، در خانه به صدا آمد. رسول خدا ﷺ فرمود: ای اَنَسَ ببین چه کسی پشت در است؟ من پیش خود گفتم: خدایا او را یکی از انصار قرار بده ولی هنگامی که در را گشودم دیدم علی ﷺ پشت در است.  
به او عرض کردم:

رسول خدا ﷺ فعلاً مشغول انجام کاری است و برگشتم چیزی نگذشت که باز صدای در آمد، رسول خدا ﷺ فرمود: ای انس برو و هر کس هست وارد شود تو اولین کسی نیستی که علاقه به قوم خود داری آن شخص از انصار نیست.

من رفتم و او را وارد کردم پیامبر ﷺ فرمود: ای انس پس مرغ را به او نزدیک کن من آن را نزد پیامبر ﷺ و علی ﷺ گذاشتم و هر دو از آن خوردند.  
پسر حجاج گفت: ای انس خودت حاضر بودی و این جریان را دیدی؟  
انس گفت:

آری، سپس فرزند حجاج گفت: من با خدا عهد می‌کنم که بعد از این به علی ﷺ خرده نگیرم و هرگاه بدانم کسی به او خرده می‌گیرد صورت او را زشت می‌کنم.<sup>۱</sup>

### ۹۰۳. امیر مسلمانان علیست

روزی امام علی ﷺ در اطراف کعبه مشغول طواف بود در این هنگام مردی در حال طواف به زن نامحرمی نگاه کرد. امام علی ﷺ چشم چرانی این مرد را دید؛ لذا بعد از طواف آن مرد را به حضور طلبید و به عنوان تأدیب چند سیلی بر صورت او زد آن مرد در حالی که صورتش را با دستش گرفته بود، با آه و ناله به عنوان شکایت نزد عمر بن خطاب رفت و چنین شکایت کرد: ای امیر مسلمانان! علی ﷺ به صورتم زده باید قصاص شود چرا مرا زده است...

عمر علی ﷺ را خواست و سؤال کرد: یا ابالحسن به این مرد سیلی زده‌ای؟ حضرت فرمود: در طواف دیدم این شخص چشم چرانی می‌کند و به زن نامحرم نگاه می‌کند، عمر به آن مرد گفت: برای خدا چشم‌هایی در زمین است... «قد رأی عین الله وضرب یدالله»؛

۱. مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۱.

چشم خدا دیده و دست خدا زده است همانا علی چشم بینای خداست و با این تعبیر چشم چران را محکوم کرد.<sup>۱</sup>

### ۹۰۴. صاحب فضایل بی حد

روزی مردی از ابن عباس درباره علی بن ابیطالب علیه السلام پرسش کرد؟ ابن عباس در پاسخ او گفت: علی بن ابیطالب بر دو قبله (منظور قبله اول مسلمین بیت المقدس و کعبه می باشد) نماز خواند و در هر دو بیعت (بیعت قبل از هجرت و بیعت رضوان) شرکت جست و هرگز بت نپرستید و قماری نباخت او بر آیین پاک توحید به دنیا آمد و به اندازه چشم به هم زدنی شرک نیاورد.

آن مرد گفت: سؤال من از این‌ها نبود سؤال من از این است که او شمشیر بر دوش نهاد و با حالت تبختر و تکبر به بصره وارد شد و چهل هزار نفر را در آنجا کشت.<sup>۲</sup> آن‌گاه به سوی شام رفت و در برخورد با سران و بزرگان عرب چنان آنان را درهم کوفت تا همه را کشت؛ سپس به سوی نهر روان رفت و با این که آنان مسلمان بودند همه آن‌ها را تا آخرین نفر به قتل رساند.

ابن عباس گفت: علی نزد تو داناتر است یا من؟ او گفت: اگر علی را از تو داناتر می دانستم از تو پرسش نمی کردم!

ابن عباس به خشم آمد تا حدی که خشمش شدت گرفت و گفت: مادرت به عزایت بنشیند علی به من علم آموخته است، علم او از جانب رسول خداست و رسول خدا صلی الله علیه و آله را خداوند از بالای عرش خود آموزش داده است، بنابراین علم پیامبر صلی الله علیه و آله از جانب خدا و علم علی از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله و علم من از جانب علی علیه السلام است و علم تمام یاران محمد صلی الله علیه و آله در برابر علی علیه السلام همچون قطره‌ای است در برابر هفت دریا.<sup>۳</sup>

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۶۴.

۲. تعداد کشته شدگان این جنگ به این اندازه نبوده بلکه همیشه کار طرف مقابل خود را بزرگ جلوه می دهد.

۳. امالی شیخ مفید، ص ۲۶۲.





❖ ۹۰۵. او اساس اسلام است ❖

مردی نزد عمر امام علی علیه السلام را به خودخواهی متهم کرد خلیفه دوم رو به آن مرد کرد و گفت:

مانند علی کسی حق دارد که تکبر ورزد به خدا سوگند اگر شمشیر او نبود اساس اسلام استوار نمی شد علاوه بر آن او داناترین فرد این امت است قضاوت، و با سابقه ترین و شریف ترین آنان است.<sup>۱</sup>

لذا خلیفه دوم برای دریافت خراج از پیروان ادیان دیگر طبق نظر حضرت علی علیه السلام عمل کرد.<sup>۲</sup>

بارها عمر در نزد مردم می گفت: زنان عاجزند تا کسی چون علی علیه السلام را به دنیا آورند.<sup>۳</sup>

❖ ۹۰۶. شاعری که تمام فضایل او را به شعر آورد ❖

سیدحمیری شاعر بزرگ اهل بیت روزی سوار بر اسب در کناسه کوفه ایستاد و خطاب به مردم گفت: هر کسی که یک فضیلتی از علی علیه السلام نقل کند که من درباره آن فضیلت شعری نگفته باشم این اسب را همراه آنچه با من است به او پاداش می دهم. پس هر یک از حاضرین شروع کردند به نقل فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام و سید حمیری نیز اشعار خود را که متضمن آن فضیلت بود انشاد می کرد.

تا این که به ناگه مردی از ابوالوعل مرادی نقل کرد و گفت: من در خدمت علی علیه السلام بودم که او مشغول تطهیر وضو شد برای نماز لذا کفش خود را از پای بیرون آورد ناگاه ماری داخل کفش آن حضرت شد پس زمانی که حضرت می خواست کفش خود را بپوشد کلاغی به سرعت از هوا فرود آمد و کفش آن حضرت را ربود و بالا برد، آن گاه آن را از بالا انداخت تا آن مار از کفش خارج شد.

سید حمیری تا این فضیلت را شنید آنچه را که وعده کرده بود به وی عطا کرد آن گاه درباره آن فضیلت شعری را به نظم آورد و گفت:

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۱۵.

۲. الخراج، ابویوسف، ص ۲۹.

۳. خوارزمی، المناقب، ص ۱۰.

الا يا قوم للعجب العجاب      لخف ابي الحسين وللحباب  
 عدو من عداة الجن عبد      بعيد في المرارة من صواب  
 كرية اللون اسود ذو بصيص      حديد الناب ازرق ذو لعاب<sup>۱</sup>

دوست و دشمن درباره شجاعت، عبادت و زهد و علم و... علی علیه السلام زبان به ستایش گشوده‌اند که در اینجا به چند نمونه آن اشاره می‌شود.

### ۹۰۷. روایتی عجیب

عثمان بن عفان می‌گوید: از عمر و او از ابوبکر و او از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که فرمود: همانا که خدا از نور صورت علی بن ابیطالب فرشتگانی آفرید که خداوند را تسبیح و تقدیس گویند و ثواب آن را برای دوستان علی علیه السلام و دوستان فرزندانش ثبت و ضبط کنند.<sup>۲</sup> و معاویه ابن ابی سفیان وقتی خبر شهادت امام علی علیه السلام را شنید گفت: «ذهب الفقه والعلم بموت ابن ابی طالب»؛ یعنی: با مرگ علی علیه السلام فقه و علم از میان رفت.

و عمر بن خطاب می‌گوید: به خدا سوگند اگر شمشیر علی علیه السلام نبود هرگز اسلام پا برجا نمی‌شد و او بعد از چنین موقعیتی بالاترین و برترین قاضی و پیشگام در اسلام و صاحب شرف است.

و ابوبکر می‌گوید: ای مردم بر شما باد دوستی و پیروی از علی بن ابیطالب پس همانا من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: علی بعد از من بهترین کسی باشد که خورشید بر او تابیده و غروب کرده است.

ضرار بن ضمیره ضیایی می‌گوید: به خدا قسم علی علیه السلام نیرومند و بلند همت بود از دنیا و زرق و برق آن در وحشت، اما با شب و تاریکی‌های آن مأنوس، گریه‌اش زیاد و اندیشه‌اش طولانی بود...

عمر بن خطاب یک روزی بر منبر گفت: مرا رها کنید و در حالی که علی در بین

۱. بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۲۴۳، غانی، ج ۷، ص ۱۵. (از این داستان این گونه دریافت می‌شود که فضایل امام علی علیه السلام در جامعه اسلامی جاری بوده است).

۲. خوارزمی، مقتل الحسین، ص ۹۷.



شماست.<sup>۱</sup> و عمر بن خطاب گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «حب علی براءة من النار»؛ دوستی علی مایه رهایی از آتش دوزخ است.<sup>۲</sup>  
و در جائی دیگر عمر می گوید: «علی اعلم الناس بما انزل الله علی محمد».  
علی علیه السلام آگاهترین مردم است به آنچه خدا بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده است.<sup>۳</sup>

### ۹۰۸. کعبه در زنجیر

عروه بن زبیر از جدش نقل می کند که مردی در حضور عمر بن خطاب به علی بن ابیطالب جسارت کرد، عمر به او گفت: صاحب این قبر را می شناسی (اشاره به قبر پیامبر اسلام) او محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب است و علی نیز پسر ابیطالب بن عبدالمطلب است جز به نیکی نام علی را مبر که اگر او را عیب جوئی کنی و جسارت و بدگویی او را کنی این را (اشاره به قبر شریف پیامبر اسلام) در قبرش آزار کردی.<sup>۴</sup>

### ۹۰۹. خاتمه ولایت

از هنگامی که فاطمه بنت اسد به امیرالمؤمنین علیه السلام حامله شد زیبایی چهره اش افزون گشت فاطمه صدای فرزندش را از درون می شنید که می گفت:  
«لأله الا الله محمد رسول الله به تخرم النبوة و بی تخرم الولاية» خدایی جز الله نیست محمد پیامبر خداست با او نبوت و با من ولایت ختم می شود.  
گاهی حضرت از شکم مادر با مردم بیرون سخن می گفت، حتی روزی با برادر خود جعفر سخن گفت، که جعفر با شنیدن صدای علی علیه السلام از درون شکم فاطمه بنت اسد بی هوش روی زمین افتاد.<sup>۵</sup>

۱. سیر العالیین.

۲. فردوس الاخبار، ج ۲.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۹.

۴. امالی شیخ صدوق، ص ۳۸۹.

۵. مناقب ابن شهر آشوب، ص ۳۵۸.





### ۹۱۲. عاشقی دلباخته

اینکه رسول خدا ﷺ قبل از بعثت چگونه زندگی می‌کرد و چگونه عبادت می‌کرد و احوالات شخصی آن بزرگوار را قبل از بعثت فقط علی می‌داند چون بیشترین کسی است که با آن حضرت همدم و همراه بوده است. چنانچه امام علی می‌فرماید: رسول خدا ﷺ شب‌ها مرا در آغوش خود می‌خوابانید و در جایی دیگر می‌فرماید: رسول خدا ﷺ هر روز مرا بالا می‌برد.<sup>۱</sup>

### ۹۱۳. باب آسمان‌ها

ابن ابی الحدید می‌گوید: درهای غیب برای پیامبر زمانی باز شد که علی به دنیا آمد.

### ۹۱۴. تو با من وفا نکنی

بعد از این که امام علی به حکومت رسید حبیب بن منتخب که فرماندار و والی اطراف یمن از جانب عثمان بود را بر ریاستش ابقا کرد و طی نامه‌ای به او سفارش تقوا کرد و خواست تا از مسلمانان آنجا بیعت بگیرد، حضرت نامه خود را مهر زد و با یک مرد عرب فرستاد، حبیب وقتی نامه امام را گرفت مردم را به بیعت امام فرا خواند، مردم آن دیار نیز اطاعت کردند.

آن‌گاه گفت:

من می‌خواهم ده تن از سران و شجاعان شما را به جانب آن حضرت روانه کنم آن‌ها پذیرفتند در ابتدا صد نفر را انتخاب کرد و از جمع آن‌ها هفتاد تن و از هفتاد تن، سی نفر، سپس ده نفر را انتخاب کرد و به جانب امام فرستاد، بعد از این که آن ده نفر به حضور امام رسیدند و به امام تبریک گفتند امام نیز به آن‌ها خوشامد گفت در آن جمع ده نفر ابن ملجم - لعنه الله علیه - حرکت کرد و در مقابل امام ایستاد و گفت: سلام بر تو ای امام عادل، بدر کامل، شیر بزرگوار، قهرمان دلاور، سوار بخشنده، و کسی که خداوند او

۱. این بالا بردنی که امام به آن اشاره فرمود مخصوص امام علی بوده و معلوم است این بالا بردن چه صعود و تعالی داشته است.

را بر بقیه مردم فضیلت داد صلوات و درود خدا بر تو و خاندانت شهادت می‌دهم که تو به حق و حقیقت امیرالمؤمنین هستی و تو وصی رسول خدا ﷺ خلیفه او و وارث علم او می‌باشی خداوند لعنت کند کسی را که حق و مقام تو را منکر شود!... حضرت امیر ﷺ به جانب ابن ملجم خیره شد و پس از آن به گروه اعزامی نظر کرده آن‌ها را مقرب داشت... حضرت دستور داد که به هر نفر از آن‌ها حله‌ای یمنی و عبایی عدنی بخشیدند فرمان داد که مورد احترام قرار بگیرند.

هنگامی که حرکت کردند ابن ملجم در مقابل حضرت ایستاد و مجدد اشعاری را انشاد کرد:

تو گواه پاک، صاحب خیر و نیکی و فرزند شیران طراز اول می‌باشی ای وصی محمد...<sup>۱</sup>

### ۹۱۵. عجائب علی ﷺ

سیدرضی مؤلف نهج البلاغه می‌فرماید: از عجائب علی ﷺ که منحصر به خود او است چنانچه احدی با او در این جهت شریک نیست این است که وقتی انسان در آن گونه سخنانش که در زهد و موعظه و تنبیه است تأمل می‌کند، موقتا از یاد می‌برد که گوینده این سخن خود شخصیت اجتماعی عظیمی داشته و فرمانش همه جا نافذ و مالک‌الرقاب عصر خویش بوده است شک نمی‌کند که این سخن از آن کسی است که جز زهد و کناره‌گیری چیزی را نمی‌شناسد و کاری جز عبادت و ذکر نمی‌شنود گوشه‌خانه یا دامنه کوهی را برای انزواء اختیار کرده جز صدای خود چیزی نمی‌شنود و جز شخص خود کسی را نمی‌بیند و از اجتماع و هیاهوی آن بی‌خبر است کسی باور نمی‌کند سخنانی که در زهد و تنبیه و موعظه تا این حد اوج دارد از آن کسی است که در میدان جنگ تا قلب لشکر فرو می‌رود شمشیرش در اهتزاز است و آماده ربودن سر دشمن است دلیران را به خاک می‌افکند.

۱. بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۲۶۱، باب ۱۲۷.



و از دم تیغش خون می‌چکد و در همین حال این شخص زاهدترین زهاد و عابدترین عباد است...<sup>۱</sup>

### ۹۱۶. اعتراف عایشه

وقتی روز حرکت عایشه (از بصره به مدینه) رسید علی علیه السلام پیش وی آمد اشخاص نیز حضور یافتند عایشه بیرون شد و افرادی با او وداع کردند و او نیز با آنها خداحافظی نمود و گفت:

فرزندانم! برخی از ما بر برخی دیگر پرخاش می‌کند ولی این کار باعث تعدی نشود به خدا سوگند میان من و علی جز آنچه میان زن و بستگان او رخ می‌دهد چیز دیگری نبود و اگرچه مورد خشم من قرار گرفت (ولی) از بزرگان و نیکان است.<sup>۲</sup>

### ۹۱۷. در دینداری تو برتری

ثابت بن قیس بن شماس انصاری در حین بیعت با امام علی علیه السلام گفت: سوگند به خدا ای امیرمؤمنان اگر در زمامداری و حکومت عده‌ای از تو پیش افتادند پس در دین از تو پیش نرفتند و اگر دیروز بر تو سبقت گرفتند امروز به آنان رسیدی و آنان و تو چنان بودید که شأنت پنهان و مقامت ناشناخته نبود (یعنی مردم تو و آنها را نمی‌شناختند) همانا آنها آنچه نمی‌دانستند به تو نیاز داشتند و تو با دانشت به کسی نیاز نداشتی...<sup>۳</sup>

### ۹۱۸. از یاد تو مستند

عارف اهل سنت شیخ مکی (قرن ۹ و ۱۰) می‌نویسد: خاتم نوع اول از ولایت محمدی که جامع است میان تصرف صوری و معنوی و مقرون به خلافت باشد علی بن ابیطالب است.

۱. ترجمه بخشی از مقدمه سیدرضی بر نهج البلاغه.

۲. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۶۰.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۷۶.

او آن گاه حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ نقل می کند که مؤید ولایت علوی است: «من خاتم الانبیاء هستم و تو یا علی خاتم اولیاء».<sup>۱</sup>

### ❖ ۹۱۹. مزد ولایت، شهادت ❖

حجر بن عدی گفت: ای امیر مؤمنان خدا به بهشت نزدیک نگرداند کسی را که نزدیک شدن به تو را دوست ندارد...

پس علی شادمان شد و حجر را نیکو ستود و گفت: «لا حرمك الله الشهادة فاني اعلم انك من رجالها»؛ خدا تو را از شهادت محروم نسازد چه من می دانم که تو از مردان شهادتی.<sup>۲</sup>

### ❖ ۹۲۰. حق مدار میدان خشم و خشنودی علی ❖

پس از شهادت امام علی ﷺ مردم جمع شدند و با حسن بن علی بیعت کردند و حسن بن علی به مسجد رفت و خطبه ای طولانی ایراد کرد و عبدالرحمن بن ملجم را خواست. پس عبدالرحمن گفت: پدرت به تو چه فرموده است؟ گفت: فرموده است که جز کشنده اش را نکشم و شکمت را سیر گردانم و بسترت را نرم، تا اگر زنده ماند قصاص کند یا ببخشد و اگر مرد تو را به او ملحق کنم. ابن ملجم گفت: راستی پدرت در حال خشم و خشنودی حق می گفت و به حق حکم می کرد.<sup>۳</sup>

### ❖ ۹۲۱. علی اهل الله است ❖

ملاصدرا در کتاب مفاتیح الغیب امام علی ﷺ را جزء اهل الله خوانده و در وصف اهل الله می نویسد.  
اهل الله آن کسانی اند که دائم و پیوسته چه در دنیا و چه در آخرت در مشاهده عیانی و همیشگی اند.<sup>۴</sup>

۱. شیخ مکی، الجانب الغربي به کوشش مایل هروی، ص ۷۳.  
۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۳.  
۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴۰.  
۴. مفاتیح الغیب، صدرالدین شیرازی، ترجمه محمد خواجهی، نشر مولی، ص ۴۰۱.





عبدالرحمان بن ملجم مرادی ده روز مانده به آخر شعبان سال ۴۰ به کوفه آمد و چون علی از رسیدنش خبر یافت گفت: «وقد وافی؟ اما انه مابقی علی غیره هذا اوانه»؛ آیا رسید؟ هان! به درستی که به عهده من چیزی غیر از او نیست (ابن ملجم) و اکنون هنگامه اوست.<sup>۱</sup>

### ۹۲۲. گفتار ابومریم قرشی مکی به علی

ابومریم قرشی مکی که دوست علی بود بر او وارد شد پس چون امام را دید فرمود: «ما اقدمک یا ابا مریم» به چه منظور آمده‌ای ای ابا مریم؟ گفت: به خدا سوگند برای حاجتی نیامده‌ام لیکن دیری است که تو را ندیده‌ام و خواستم تو را ببینم و اگر مردم زمین بر تو فراهم شده بودند آنان را به راه می‌داشتم. امام فرمود: ای ابا مریم به خدا سوگند من همان امام توام که می‌دانی لکن گرفتار بدترین خلق شده‌ام جز آنکه خدا رحم کند، مرا می‌خوانند پس ایشان را رد می‌کنم سپس به ایشان پاسخ می‌دهم پس از من پراکنده می‌گرداند...<sup>۲</sup>

### ۹۲۳. صاحب اسفار

امام خمینی می‌فرماید: بدان ای عزیز! که سفرهای چهارگانه عرفانی برای اولیای کمال نیز دست می‌دهد حتی سفر چهارم چنانچه برای مولا امیرالمؤمنین و فرزندان معصومش نیز دست داده است.<sup>۳</sup>

### ۹۲۴. عشق چاره‌ساز

نسائی عالم بزرگ اهل سنت و صاحب سنن نسائی که از صحاح سته است در سال ۳۰۳ هجری وارد دمشق شد و حدیثی درباره فضیلت امام علی نقل کرد گفتند: حدیثی در فضایل معاویه نقل کن گفت:

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۸.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۱.

۳. مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية، ص ۲۱۲.

از فضایلش چیزی نمی‌دانم جز آنچه پیامبر (ص) درباره‌اش فرمود که: خداوند هیچ گاه شکم او را سیر نکند.  
مردم شام بر سرش ریختند و آنقدر او را زدند تا اینکه بر اثر ضربات در زیر دست و پای آن‌ها کشته شد.

### ❖ ۹۲۵. معقول به محسوس ❖

شیخ‌الرئیس بوعلی سینا گوید: علی در میان خلق آنچنان بود که معقول در میان محسوس.<sup>۱</sup>

### ❖ ۹۲۶. نور قیامت علیست ❖

روزی سلمان فارسی به امام علی (ع) عرض کرد:  
یا علی هرگاه خدمت رسول‌خدا (ص) می‌رسیدم آن حضرت دست بر کتفم می‌گذاشت و می‌فرمود:  
«یا سلمان هذا و حزبه هم المفلحون» ای سلمان این مرد (علی (ع)) و حزبش از رستگارانند.<sup>۲</sup>

### ❖ ۹۲۷. صاحب علم رسول اکرم (ص) ❖

ابن‌ابی‌الحدید در کتاب نهج‌البلاغه ج ۱ در چند جا به مناسباتی نقل می‌کند که عمر بن خطاب بارها به علی (ع) گفته است که یا علی من نسبت به شما در شگفتم زیرا در مورد هر مشکلی که از شما سوال شود کلمه نمی‌دانم به زبان خود جاری نمی‌کنی و بدون تأمل پاسخ سؤال کننده را می‌گوئی.  
حضرت علی (ع) پنج انگشت دست خود را به عمر نشان داد و فرمود: عمر اینها چند انگشت است؟

۱. هزار و یک کلمه آیت‌الله حسن حسن زاده آملی، ج ۱، ص ۳۱۲.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۸۹.



عمر فوراً در جواب عرض کرد: پنج انگشت، آن گاه حضرت علی علیه السلام فرمود: آگاه باش تمام علوم و پاسخ هر مشکل و سؤالی در نزد من به همین آسانی است.

◆ ۹۲۸. هفتاد مدال درخشان ◆

مجاهد در مناقب علی علیه السلام گفت «ان لعلی علیه السلام سبعین منقبه ما کانت لاحد من اصحاب النبی صلی الله علیه و آله مثلها وما من شیء من مناقبهم الا وقد شکرهم فیها».

برای علی بن ابیطالب علیه السلام هفتاد فضیلت و منقبت وجود دارد که هیچ یک از اصحاب مصطفی صلی الله علیه و آله در آن‌ها سهمی و نصیبی ندارند اما منقبتی که اصحاب محمد صلی الله علیه و آله دارند علی علیه السلام در آن مناقب شریک است.<sup>۱</sup>

◆ ۹۲۹. صد ویژگی ◆

محمد بن معتمر از جدش نقل کرده است که:

«کان لعلی بن ابیطالب علیه السلام عشرون ومائة منقبه لم یشارك معه فیها احد من اصحاب محمد صلی الله علیه و آله وقد اشترك فی مناقب الناس».

علی علیه السلام را یکصد و بیست منقبت از مناقب مخصوص است که احدی از اصحاب محمد صلی الله علیه و آله را در آن مناقب نصیب و سهمی نیست اما علی علیه السلام در مناقب دیگران شریک است یعنی هر منقبتی را که اصحاب مصطفی صلی الله علیه و آله داراست علی علیه السلام نیز همان فضیلت و منقبت را دارد.<sup>۲</sup>

◆ ۹۳۰. برترین فضل او عاشقی است ◆

ابن عباس شاگرد امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بیان فضایل حضرت گفته است:

«لقد کان لعلی بن ابیطالب علیه السلام ثمانية عشر منقبه لو لم یکن له الا واحدة لنجابها ولقد کانت له ثلاث عشرة منقبه لم تکن لاحد من هذه الامة».

برای علی علیه السلام هجده منقبت وجود دارد که حتی اگر کسی یکی از این هجده منقبت

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۴.  
 ۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۴.

را می‌داشت اهل نجات بود همچنین سیزده منقبت از این هجده کرامت مختص آن سید و سرور است واحدی را در آن نصیبی نیست.<sup>۱</sup>

### ۹۳۱. ذکر حین وفات

«لما عبدالله بن عباس الوفاة قال: اللهم انى اتقرب اليك بولاية علي بن ابيطالب.<sup>۲</sup>»

ابن عباس در حین فوت این دعا را خواند: خدایا من با ولایت علی بن ابیطالب به تو تقرب می‌جویم.

### ۹۳۲. شیطان و راه توسل

روزی مؤمنی شیطان را دید در وسط دریا سرش را بالا کرده و می‌گوید: «الهی بحق علی بن ابیطالب» مرا عذاب نکن. راوی جریان را برای امام صادق علیه السلام تعریف کرد و به امام عرض کرد: یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله من به شیطان گفتم: تو را چه به علی علیه السلام؟

شیطان به من گفت: شش هزار سال قبل از خلقت آدم در عالم اعلاء در بین ملائکه بودم پس اطلاع دارم از همان اول تا الان در تمام عوالم وجود تنها کسی که محبوب و عزیز و آبرومند نزد خداست اسدالله الغالب علی بن ابیطالب می‌باشد.

من می‌دانم که هر کس خدا را به حق او قسم بدهد خدا او را میامرزد من هم خدا را قسم می‌دهم به علی بن ابیطالب علیه السلام.

امام نکته‌ای فرمود: «حاصل روایت شریفه» این است که فرمود: درخواست شیطان به زبان بود نه به دل، لذا شیطان بهره‌ای از علی علیه السلام نمی‌برد اگر بدل بود برای آدم سجده می‌کرد ولی بالاخره نکته درستی گفته است می‌گوید: بعد از اینکه این جمله را از شیطان شنیدم به شیطان گفتم: ای ابلیس تو معلم ملائکه بوده‌ای به من نصیحتی کن.

شیطان گفت: یک کلمه برای دنیای تو و یک کلمه برای آخرت می‌گویم: اینکه در

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۶.

۲. ورواة عنه فی الرياض النضرة، ج ۲ ص ۲۲۷.



دنیا همیشه قناعت کن تا در دنیا راحت باشی و نکته‌ای برای آسایش آخرت، اینکه علی را دوست داشته و ولایت او را در دل.<sup>۱</sup>

### ❖ ۹۳۳. شیطان هر نپسندیده است ❖

سلمان فارسی می‌گوید: روزی شیطان با چند نفر برخورد کرد که به امام علی علیه السلام جسارت می‌کردند او در مقابل آن‌ها ایستاد. آن‌ها پرسیدند تو کیستی ای مرد؟ شیطان گفت: من ابومره‌ام؟<sup>۲</sup> گفتند: آیا سخن ما را شنیده‌ای؟ شیطان گفت: خوشی نبینید.

آیا به سرور و مولای خود علی بن ابیطالب جسارت می‌کنید؟ آن‌ها گفتند: تو از کجا فهمیدی که علی سرور و مولای ماست؟ شیطان گفت: از گفتار پیغمبرتان که فرمود: «من كنت مولاة فعلی مولاة اللهم وال من والاة وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خزله».

یعنی: هر که من مولای او هستم علی نیز مولای اوست، خدایا دوست بدار کسی را که او را دوستش دارد و دشمن بدار هر که را که علی را دشمن می‌دارد، خدایا یاری کن هر کس را که او را یاری می‌کند.

آن‌ها گفتند: ای ابومره تو از شیعیان علی هستی؟ شیطان گفت: نه ولی او را دوست دارم و هر که با او دشمن باشد من در مال و فرزند او شریکم.

گفتند: ای ابومره درباره علی چیزی برای ما نقل کن؟ شیطان گفت: ای جماعت ناکثان و قاسطان و مارقان... من در میان فرشتگان بودم و با آن‌ها مشغول بودیم و خدای متعال را تقدیس و تسبیح می‌کردیم یک نور پرطلعت از مقابل ما گذشت که به واسطه آن نور همه فرشتگان در برابر آن نور، صورت خود را بر زمین نهادند و گفتند: سبوح قدوس. سپس گفتند: این نور یا نور فرشته مقرب است یا

۱. آیت‌الله شهید دستغیب، برگرفته از بحارالانوار مجلسی رحمه‌الله‌علیه.

۲. ابومره کینه شیطان است.

نور پیغمبری مرسل، در این موقع صدایی از طرف خداوند رسید که این نور نه از فرشته مقرب و نه از پیغمبر مرسل است. بلکه این نور طینت علی بن ابیطالب است.<sup>۱</sup>

### ❖ ۹۳۴. شیطان آب دهان بر چهره او انداخت ❖

شیخ صدوق روایت کرده از ابن عباس و او از حضرت رسول خدا ﷺ که آن حضرت فرمود: شک کننده در فضل علی بن ابیطالب ﷺ در روز قیامت در حالی از قبر خود برانگیخته می شود که در گردن او حلقه ای از آتش باشد و در آن حلقه سیصد شعبه وجود دارد که بر هر شعبه ای از آن شیطانی وجود دارد که در روی او آب دهن می افکند.<sup>۲</sup> لذا در روایات متعدد بر اعتقاد افضلیت علی ﷺ تصریح شده است و در روایتی پیامبر ﷺ می فرماید: «علی خیر البشر و من ابا فقد کفر».<sup>۳</sup>

### ❖ ۹۳۵. تمام فضایل به او ختم می شود ❖

ابن ابی الحدید می گوید: من نمی دانم درباره بزرگ مردی که دشمنانش اعتراف به فضائش کردند و نتوانستند مناقبش را نادیده بگیرند یا آنهارا کتمان کنند چه بگویم؟! بنی امیه در شرق و غرب عالم اسلام حاکمیت اسلامی را قبضه کردند و در قلمرو حکومت خودبا نیرنگهای گوناگون سعی در خاموش ساختن نور علی ﷺ نمودند. آن ها حقایق را تحریف کردند و به جای آن روایات دروغ در نکوهش او ساختند در منبرها زبان به لعن او گشودند و کسانی را که از وی به نیکی یاد می کردند با تهدید و حبس و قتل کیفر دادند. از انتشار روایات پیامبر ﷺ که بیانگر فضیلت و یا برتری بخشیدن نام امیرالمؤمنین ﷺ بود جلوگیری به عمل آوردند حتی از نامگذاری نوزادان مسلمان به نام علی جلوگیری کردند.

۱. امالی شیخ صدوق، ص ۳۴۷.

۲. بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۱۱.

۳. من لایحضره الفقیه، حدیث ۴۷۴۴.



ولی با این وصف همه این مخالفتها و کارشکنیها جز با بالا بردن مقام و نام علی تأثیر دیگری نداشت.

نام علی و یاد او مانند مشک بود که هر چه آن را می پوشاندند باز بوی عطر آن به مشام جان انسانها می رسید او همچون خورشید تابان بود که با کف دست پنهان نمی شد و مثل روز روشن بود که اگر چشمی آن را نبیند چشمهای دیگری آن را دیده یا خواهند دید من نمی دانم درباره مردی که تمام فضایل انسانی به او منتهی می شود و کلیه فرقه های اسلامی خود را به وی منسوب می دارند چه بگوییم؟

علی سر آمد همه فضایل و سرچشمه آنهاست و کمالات هیچ کس به پای او نرسیده است هر کس بعد از وی در علم و فضیلت به مقامی رسیده علوم و فضایل خود را از او گرفته و از وی پیروی نموده و به روش او رفتار کرده است...<sup>۱</sup>

### ۹۳۶. سرآمد همه علوم

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«قسمت الحکمة علی عشرة اجزاء فاعطی علی تسعة اجزاء والناس جزءا واحدا» حکمت ده قسم است که نه قسمت آن به علی ﷺ داده شده است و یک قسمت بقیه بین تمامی مردم تقسیم شده است.<sup>۲</sup>

و عجیب تر آنکه در روایتی عمر بن خطاب تأکید کرده است که: «علی اعلم الناس بما انزل الله علی محمد»؛ یعنی: علی آگاه ترین مردم است به آنچه خدا بر محمد ﷺ نازل کرده است.<sup>۳</sup>

### ۹۳۷. صبر علی ﷺ عجیب است

قال رسول الله ﷺ «لو كان الحلم رجلا لكان عليا»<sup>۴</sup>

اگر شکیبایی به شکل مردی در می آمد هر آینه آن مرد علی بود. رسول گفت:

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۶.

۲. حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۶۵.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۹.

۴. مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۶۰.







از جمله سؤالاتی که از امام کردم این بود گفتم: یا امیرالمؤمنین درباره حوض پیامبر ﷺ به من خبر بده آیا در دنیا است یا در آخرت؟  
فرمود: در دنیا (یعنی مقدمات آن در دنیا فراهم می‌شود) پرسیدم: چه کسی از آن کنار می‌زند؟ فرمود: من با همین دستم.  
دوستانم بر آن وارد می‌شوند و دشمنانم از آن بازگردانده می‌شوند.<sup>۱</sup>

### ۹۴۱. الگوئی برای جهانیان

امروز بشریت معاصر از ما سؤال می‌کند:  
این اسلامی که شما از آن دم می‌زنید و فکر می‌کنید رسالت آن جهانی است درصدد ساختن چگونه انسانی است؟  
برای پاسخ چه کسی را بهتر و زیباتر و جامع‌تر و والاتر از علی بن ابیطالب می‌توان نشان داد؟ و چهره علی بن ابیطالب ﷺ در هیچ جا مانند نهج البلاغه آشکار نمی‌شود.<sup>۲</sup>

### ۹۴۲. آفتاب آمد دلیل آفتاب

مرحوم علامه بزرگ حضرت آیت‌الله امینی (رضوان الله علیه) در جلد سوم کتاب وزین و با ارزش الغدیر که ما حاصل زحمات طاقت فرسای معظم‌له است بحث بسیار مشروحی را در مورد اول ایمان آورنده به پیامبر اکرم ﷺ آورده و حضرت مولی الموحدین علی بن ابیطالب ﷺ را به عنوان نخستین نفر از مردان بعنوان ایمان آورنده به پیامبر ﷺ آورده است و مدارک بسیار گسترده‌ای از معروف‌ترین کتب اهل سنت در آنجا جمع کرده و حتی اشعار زیادی از شعرای اسلامی نیز در این زمینه آورده‌اند.<sup>۳</sup>

### ۹۴۳. رخ چهره خورشید جهان

حاکم حسکانی از ابن عباس در شواهد التنزیل نقل می‌کند: که پیشگامان (در ایمان)

۱. اسرار آل محمد ﷺ، ص ۱۵۳.

۲. مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای / ۱۳۶۰.

۳. الغدیر، ج ۳، ص ۲۲۱.

سه نفرند «یوشع» پیشگام نسبت به ایمان (ایمان به) موسی علیه السلام بود و صاحب یاسین (حیی بنجار) نسبت به عیسی علیه السلام و علی علیه السلام نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله پیشگام بود.<sup>۱</sup>  
سیدحمیری سروده:

|                        |                     |
|------------------------|---------------------|
| یا بایع الدین بدنیاه   | لیس هذا امرالله     |
| من این ابغضت علی الرضی | واحمد قد کان یرضاه  |
| من الذی احمد من بینهم  | یوم غدیر الخم ناداه |
| اقامه من بین اصحابه    | وهم حوالیه فسماه    |
| هذا علی بن ایطالب      | مولی قد کنت مولاه   |
| فوال من ولاه یا فالعلی | وعاد من قد کان عله  |

ای آن که دین خود را به دنیا فروخته‌ای، بدان که این دستور خداوند نبوده است که چنین کنی، چگونه است که با رضی (علی) کینه ورزیدی، حال آن که احمد از وی راضی و خشنود بوده است.

کیست آن کس که احمد از میان حاضران در روز عید غدیر خم او را فرا خواند و در میان یارانش که گرداگرد او را احاطه کرده بودند او را به پا داشت و آن که به نامش خواند و فرمود: این علی پسر ابوطالب است و مولای هر آن کس که من مولای اویم پس ای خداوند بلند مرتبه دوست دارش را دوست بدار و دشمنش را دشمن دار.<sup>۲</sup>

### ◆ ۹۴۴. سوره شفاء ◆

در جنگ صفین یک دست هشام بن عدی قطع شد حضرت علی علیه السلام دست او را برداشت و با قرائت جمله‌ای که هشام آن را شنید او را به بازویش متصل کرد. هشام عرض کرد: یا علی! چه چیزی قرائت فرمودی؟  
امام فرمود: فاتحه‌الکتاب را خواندم.<sup>۳</sup>  
هشام از روی تعجب و انکار گفت: فاتحه‌الکتاب؟

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۱۳، حدیث ۹۲۴.

۲. از اشعار سیدحمیری.

۳. سوره حمد دارای هفت نام می‌باشد که یکی از نام‌های با برکت این سوره شفاء می‌باشد و در روایات به قرائت این سوره در بیماریها تصریح و تأکید شده است.



ناگاه دست او از محل قطع شدن آن جدا و حضرت نیز او را رها کرد و رفت.<sup>۱</sup>  
حاکم حسکانی در شواهد التنزیل از ربیع بن خثیم نقل می‌کند: که روزی نام مقدس  
امیرالمؤمنین علی را پیش او ذکر کردند.

او گفت: «م ارم یجدون علیه فی حکمه والله تعالی یقول ومن یوت الحکمة فقد اوتی خیرا  
کثیرا»؛ ندیدم کسی از مردم بتواند ایرادی بر حکم و داوری آن حضرت بگیرد و خداوند  
متعال می‌گوید: کسی که دانش به او داده شده است خیر فراوانی به او داده شده است.<sup>۲</sup>

### ۹۴۵. کلمات، شادمانه اسیر او شدند

ابن ابی الحدید می‌گوید: فصاحت را ببین که چگونه افسار خود را به دست امام  
علی داده و مهار خود را به او سپرده است نظم عجیب الفاظ را تماشا کن که یکی پس  
از دیگری با زیبایی خاص می‌آیند و در اختیار او قرار می‌گیرند....  
سبحان الله! جوانی از عرب در شهری مانند مکه بزرگ می‌شود با هیچ حکیمی  
برخورد نکرده است اما سخنانش در حکمت نظری بالا دست سخنان افلاطون و ارسطو  
قرار نگرفته است...  
میان شجاعان تربیت نشده اما شجاع‌ترین شجاعان شد که بر روی زمین راه رفته  
است.

### ۹۴۶. حرکتی سخیف

روزی معاویه که رویه سیاسی‌اش در ضدیت با امام علی به آنجا انجامید تا دستور  
داد حضرت مولا را در منابر لعن نمایند به عنوان اعتراض به سعد ابی وقاص گفت: چرا  
به علی ناسزا نمی‌گویی؟  
او در پاسخ وی چنین گفت: من هر موقع به یاد سه فضیلت از فضایل علی می‌افتم  
آرزو می‌کنم ای کاش من یکی از این سه فضیلت را می‌داشتم.  
۱. روزی که پیامبر او را در مدینه جانشین خود قرار داد و خود به جنگ تبوک رفت

۱. بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۲۱۰.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۰۷، حدیث ۱۵۰.





دارند با اینکه جایگاه آن‌ها نیز یکی است؟ چه فرقی است بین خوابهای راست و دروغ است با اینکه محل آن‌ها نیز یکی است؟  
عمر در پاسخ ماند و اشاره به امام علی علیه السلام کرد.

حضرت فرمود: اما مسئله حب و بغض خداوند متعال ارواح را دو هزار سال قبل از اجساد خلق کرد پس در عالم ذر هرگاه (دو نفر) با هم شناسایی و الفت پیدا کردند در این عالم نیز قلب آن‌ها خود به خود بهم مایل می‌شود و محبت و دوستی بین آن‌ها پیدا می‌شود و هرگاه در عالم ذر این شناسایی و الفت حاصل نشده در این عالم نیز حاصل نخواهد شد.

اما حفظ و فراموشی برای این است که خداوند هنگامیکه فرزندان آدم را خلق کرد برای قلب او پرده‌ای قرار داد و هرگاه آن پرده بالا زده می‌شود هرآنچه بشنود و بخواند او حفظ می‌کند و هرگاه آن پرده قلب را بپوشاند او را دچار فراموشی می‌کند و اگر چیزی را بخواند یا بشنود نمی‌تواند حفظ کند. اما رویای صادق و کاذب، خداوند روح را که خلق کرد برای آن سلطانی قرار داد که به آن نفس می‌گویند هنگامیکه کسی می‌خواهد روح از بدن بیرون می‌رود ولی سلطان او که نفس می‌باشد در مرکز خود حضور دارد هرگاه روح به جمعی از ملائکه برخورد کرد آنچه را در خواب ببیند راست است و هرگاه به دسته‌ای از شیاطین واجنه مواجه شود آنچه را در خواب ببیند همه آن‌ها دروغ است آن دو نفر مسلمان شدند تا اینکه در جنگ صفین در رکاب با صفای مولای متقیان علی بن ابیطالب علیه السلام به شهادت رسیدند.<sup>۱</sup>

### ۹۴۹. دابة الارض

مردی به عمار یاسر گفت: آیه‌ای در قرآن است که فکر مرا پریشان ساخته و مرا در شک انداخته است؟ عمار گفت: کدام آیه؟ او گفت: «و اذا وقع القول عليهم اخرجنا\* لم دابة من الارض»...<sup>۲</sup> عمار گفت: به خدا سوگند من روی زمین نمی‌نشینم غذایی نمی‌خورم و آبی نمی‌نوشم تا دابة الارض را به تو نشان دهم سپس همراه آن مرد خدمت علی علیه السلام آمد و

۱. کنز العمال، ج ۷، ص ۲۶.

۲. نمل / ۸۲.

در حالی که آن حضرت مشغول خوردن غذا بود به محضرش رسیدند هنگامی که چشم امام علیه السلام به عمار افتاد فرمود: بیا، عمار آمد نشست و با امام غذا خورد، آن مرد سخت در تعجب فرو رفت و با ناباوری به این صحنه می‌نگریست زیرا عمار به او قول داده بود و قسم خورده بود که تا به وعده‌اش وفا نکند غذا نخورد گویی قسم و قول خود را فراموش کرده بود هنگامی که عمار برخاست و با علی علیه السلام خداحافظی کرد آن مرد رو به او کرد و گفت: عجب است تو سوگند یاد کردی که غذا نخوری و... تا اینکه دابۀ الارض را به من نشان دهی؟ عمار گفت: من او را به تو نشان دادم اگر می‌فهمیدی، یعنی: منظور علی علیه السلام است.

### ❖ ۹۵۰. لذت عشق تو در جان من است ❖

هیچ ضعفی از هیچ طرف در شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام نیست در عین حال یکی از مظلوم‌ترین چهره‌های تاریخ است مظلومیت در همه بخشهای زندگیش بود در دوران نوجوانی مظلوم واقع شد در دوران جوانی - بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله مظلوم واقع شد در دوران کهولت و خلافت مظلوم واقع شد. بعد از شهادت هم تا سالهای متمادی بر سر منبرها از او بدگویی کردند و به او نسبت‌های دروغ دادند شهادت او هم مظلومانه است.<sup>۱</sup>

### ❖ ۹۵۱. قصه مستی ❖

«عن ابی ناجیه مولى ام هانی قال كنت عند علی علیه السلام فأتاه رجل علیه زی السفر، فقال: یا امیرالمؤمنین علیه السلام انی اتیتك من بلدة ما رأیت لك بها محبا قال: من این اتیت؟ قال: من البصرة قال علیه السلام: اما انهم لو یستطیعون ان یحبونی لا حبونی انی وشیعتی فی میثاق الله لایزاد فینا رجل ولاینقص الی یوم القیمة».

یعنی: از ابن‌ناجیه آزاد شده ام هانی نقل است که گفت: نزد امام علی علیه السلام بودم ناگهان مردی از سفر به خدمتش آمد و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! من از شهری نزد تو آمده‌ام که در آن هیچ دوستداری از تو دیده نمی‌شد.

۱. مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.



حضرت فرمود: از کجا آمده‌ای؟

گفت: از بصره، امام فرمود: آن‌ها هم اگر می‌توانستند دوست می‌داشتند که دوستدار من باشند اما من و شیعیان تا روز قیامت در میثاق خدایم نه یک نفر به ما افزوده می‌شود و نه یک نفر کم خواهد شد.<sup>۱</sup>

### ۹۵۲. امیرمؤمنان راستین هستی

زمانی که امیرمؤمنان علی علیه السلام از جنگ نهروان بر می‌گشت در منطقه‌ای به نام بُراثا فرود آمد در آن منطقه راهبی به نام حباب در صومعه خویش به سر می‌برد همین که هیاهوی لشکریان را شنید از جایگاه ویژه خود به بیرون نگریست و نظاره‌گر سپاهیان امیرمؤمنان شد وی با مشاهده این وضع سراسیمه بیرون آمده و سؤال کرد: این شخص کیست؟ و فرمانده این لشکر چه کسی است؟ گفتند: امیرمؤمنان علیه السلام است که از جنگ نهروان بر می‌گردد، حباب با شتاب خود را به آن حضرت رسانده و در حضور وی ایستاد و آغاز سخن نمود و عرضه داشت، درود بر تو ای پیشوای راستین مؤمنان که به حق امیرمؤمنان هستی، حضرت فرمود: چگونه دانستی که من امیرمؤمنان راستین و بر حق هستم؟

عرض کرد: دانشمندان و عالمان دینی ما چنین به ما آموخته‌اند، حضرت فرمود: ای حباب راهب، حباب عرض کرد: چگونه نام مرا می‌دانی؟ حضرت فرمود: حبیب من پیامبر صلی الله علیه و آله مرا آموخت، در این لحظات بود که حباب به آن حضرت عرض کرد: دستت را بده من شهادت می‌دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست و...

امیرمؤمنان از او سؤال کرد: کجا زندگی می‌کنی؟ گفت: در صومعه خویش حضرت به او فرمود: از امروز به بعد در آن سکونت مکن اما در اینجا مسجدی بنا بگذار و آن را به نام بانی و صاحب این منطقه نام گذاری کن.

بدین ترتیب مسجدی را در آنجا ساخت و نام آن را بُراثا گذاشت سپس حضرت فرمود: ای حباب از کجا آب می‌نوشی؟ عرض کرد: همین جا از دجله.

فرمود: چرا چشمه و چاهی حفر نمی‌کنی؟ عرض کرد: ای امیرمؤمنان هر وقت به

۱. شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدیید، ج ۴، ص ۹۴.







غیر خدا سجده کرد؟ مگر می‌شود در برابر غیر قرآن کسی سجده کند؟ این چه حرفی است که ابن ابی الحدید درباره خطبه می‌زند؟ ایشان فرمودند:

تعجب نکنید این دقیقاً سجده برای قرآن است منتهی از کانال نهج البلاغه بیان شده است همان سخنان قرآن را علی بن ابیطالب علیه السلام که سخنگوی وحی است بیان فرموده و این سجده در حقیقت برای کلام خدا است.<sup>۱</sup>

### ❖ ۹۵۵. منت خدای متعال بر بندگان ❖

صاحب این قلم گوید:

خداوند در اعطاء و بخشش همه نعمت‌هایش به بندگان چه نعمت‌های مادی و چه نعمت‌های معنوی هیچ منتی بر سر بندگان خود نمی‌گذارد و اساساً خداوند کریم اهل منت گذاردن بر سر کسی نیست در سراسر قرآن فقط یک جا است که خداوند بر سر مؤمنان منت می‌گذارد و آن هم صرفاً در جریان بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است می‌فرماید: «لقد من الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولاً من انفسهم».<sup>۲</sup>

خداوند برای ظهور رسولش بر سر مردم منت می‌گذارد پیامبر مبعوث شد تا دستورات الهی را به مردم برساند و دین آن‌ها را تدوین و تبیین نماید در آیه‌ای دیگر خداوند می‌فرماید: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی».<sup>۳</sup>

دین را با ولایت امیرمؤمنان کامل می‌نماید و فی الواقع تکمیل دین را همانی می‌داند که رسول خاتم برای آن مبعوث شد که تا دین کامل شده‌ای را به دست مردم برساند اساس رسالت در امامت است و امامت است که رسالت را حفظ می‌کند، پس ولایت جایگاه رفیعی نسبت به بعثت دارد.

۱. بیانات حضرت آیت‌الله جوادی آملی در خصوص منزلت امام علی علیه السلام.

۲. آل عمران / ۱۶۴.

۳. قصص / ۵.

### ۹۵۶. خبائتی از جنس ابلیس

عامر فرزند سعد بن ابی وقاص نقل می‌کند: که روزی معاویه به پدرم سعد گفت: چرا سبّ علی بن ابیطالب را نمی‌کنی؟  
 او در جواب گفت: من هرگاه سه چیز را که رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره او فرمود: به خاطر می‌آورم از سبّ و دشنام او خودداری می‌کنم همان سه چیزی که اگر یکی از آن‌ها برای من بود نزد من محبوب‌تر بود از شتران گران قیمت سرخ موی!  
 معاویه از آن سه چیز سؤال کرد. سعد بن ابی وقاص نخست اشاره به جریان حدیث شریف کساء کرد، سپس اشاره به حدیث منزلت در داستان جنگ تبوک که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «انت منی منزلة هارون من موسى»؛ و سرانجام اشاره به جنگ خیبر نمود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لا تعین الراية رجلاً يحب الله ورسوله ويفتح الله علی یدیه»؛ پرچم را به دست کسی می‌سپارم که خدا و رسولش را دوست دارد و خداوند با دست او قلعه‌های خیبر را خواهد گشود سپس سراغ علی علیه السلام را گرفت و با آب دهان مبارکش چشم او را شفا داد پرچم را به او سپرد من هرگاه یکی از این سه حدیث را به خاطر می‌آورم نمی‌توانم او را سب و دشنام دهم به خدا سوگند معاویه سکوت کرد و یک کلمه به او نگفت تا از مدینه خارج شد.<sup>۱</sup>

### ۹۵۷. روزگار بی‌وفا

روزی عده‌ای نزد ابن عباس تغییرهای نامناسبی درباره علی علیه السلام کردند او سخت عصبانی شد و گفت: اُف بر آن مردمی باد که درباره مردی اینگونه سخن می‌گویند که بیش از دوازده فضیلت دارد که برای هیچ کس مانند آن نیست.  
 سپس فضایل علی علیه السلام را یک به یک بر شمرد و نخستین مطلب ابن عباس داستان پرچم دادن رسول خدا صلی الله علیه و آله به دست علی علیه السلام در روز جنگ خیبر است.<sup>۲</sup>

۱. تلخیص المستدرک ذهبی.

۲. مستدرک، ج ۳، ص ۱۳۲.



### ۹۵۸. پدر دو سبط پیامبر

به ابن عباس گفتند: نظرت درباره علی چیست؟  
او گفت: «ذکرت والله احد الثقلین سبق بالشهادتین وصلى بالقبلتین...»؛ علی کسی است که قبل از دیگران شهادتین را به زبان جاری کرد و به دو قبله نماز گزارد و با پیغمبر دو بیعت کرد به او سبطین عطا شد او پدر حسن و حسین است او کسی است که دو بار خورشید بعد از آن که از دیده جن و انس نهان شد برای او بازگشت.<sup>۱</sup>

### ۹۵۹. پسر عموی رسول خدا

روزی عمر بن خطاب سراغ امام علی را گرفت گفتند: به سوی زمین مزروعی اش رفته، گفت: ما را نزد او رهبری کنید او علی را مشغول کار در روی زمین دید، سپس ساعتی با امام به کار پرداخت.  
آن گاه نشسته و با آن امام گفتگو کرد در میان سخن، امام علی به عمر فرمود: ای عمر! اگر گروهی از بنی اسرائیل نزد تو آیند و یکی از آنها به تو بگوید من پسر عموی موسی می باشم آیا او را بر یارانش ترجیح می دهی؟  
عمر گفت: آری یا ابالحسن.  
امام علی به او فرمود: پس به خدا سوگند من برادر رسول خدا و پسر عموی اویم، عمر فوراً برخاست و عبایش را از دوشش برگرفت، سپس آن را روی زمین انداخت و به علی گفت: «لا والله لایکون لك مجلس غیره حتی نفترق»؛ بخدا سوگند غیر از اینجا نباید بنشینم تا از هم جدا شویم.  
امام علی روی عبای عمر نشسته بود تا از هم جدا شدند.<sup>۲</sup>

### ۹۶۰. انتقال ماده در عالم

دانشمندان در حال حاضر مبحثی تحت عنوان انتقال ماده در عالم را مطرح کرده اند آن‌ها به عنوان آخرین دانش، پیگیر آن هستند و گفته‌اند شاید تا ۵۰۰ سال دیگر بخشی

۱. مناقب خوارزمی، ص ۲۶۰.

۲. الصواعق المحرقة، ص ۱۰۷.

از آن را به دست آوردند این موضوع در زمره دانشی است به نام جفر کامل و جامع که همه آن نزد حضرت علی علیه السلام است و همه دانشمندان هم به این موضوع اشاره کرده‌اند و خود حضرت هم در فرازهایی به این موضوع اشاره می‌کند دانش جفر یک دانش حقیقی است که رموز حروف مقطعه و رموز حروف اعداد در آن قرار دارد که حتی نهضت حروفیه در برهه‌ای از زمان که عمادالدین نسیمی و جاراالله و... هم از رهبران آن بودند دنبال کسب و کشف این دانش بودند این‌ها یک چشمه از صدها و هزاران اقیانوس علم و عظمتی است که در وجود امیرالمؤمنین علیه السلام متجلی است.<sup>۱</sup>

### ۹۶۱. شعری پرنور

جابرین عبدالله انصاری می‌گوید:

شنیدم که علی علیه السلام این شعر را خود می‌خواند و رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال شنیدن آن بود:

|                              |                             |
|------------------------------|-----------------------------|
| انا اخو المصطفى لاشك في نسبي | مه ریت و سبطاه هما ولدی     |
| جدی وجد رسول الله منفرد      | وزوجتی فاطمه لاقول ذی فند   |
| صدقته و جمیع الناس فی بهم    | من الضلالة والاشراك والنكد  |
| الحمد لله شكرا لاشريك له     | البر بالعبد والباقي بلا احد |

یعنی: من برادر مصطفایم تردیدی در نسبم نیست با او تربیت یافته‌ام و فرزند زادگانش فرزند منند، جد من و جد رسول خدا یکی است و همسر من فاطمه است این سخنی غیر قابل تردید، وقتی مردم همه در گمراهی و شرک و بدبختی بودند من او را تصدیق کردم، سپاس خدای بی‌شریکی است که بر بنده نیکی می‌کند و بی‌نهایت پایدار است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: راست گفتمی یا علی علیه السلام.<sup>۲</sup>

۱. مجله غدیر، ص ۲۶، دکتر محفوظی، شماره ۲۹، جهت مطالعه در خصوص جفر جامع به کتاب هزار و یک داستان از زندگانی امام علی علیه السلام، ص ۹۱ مراجعه شود.

۲. کنز العمال، ج ۶ ص ۳۹۸.



❖ ۹۶۲. اولین تصدیق کننده ❖

اصبغ بن نباته می‌گوید: روزی حارث همدانی با گروهی از شیعیان بر امیرمؤمنان علیه السلام وارد شدند حارث به آن حضرت عرض کرد: مردم درباره شما و سه خلیفه پیشین با هم اختلاف و دشمنی دارند امام پس از سخنانی فرمود: یا حارث! «الا انی عبدالله واخو رسوله وصدیقه الاول قد صدقته و آدم بین الروح والجسد ثم انی صدیقه الاول فی امتکم حقا»<sup>۱</sup>.  
یعنی: ای حارث! آگاه باش که من بنده خدا و برادر رسولش و اولین تصدیق کننده او هستم و در حالی پیامبر را تصدیق کردم که هنوز آدم بین روح و جسد بود پس من در میان امت به حق اولین تصدیق کننده‌ام.

❖ ۹۶۳. اقرار مأمون عباسی ❖

مأمون عباسی با یکی از علمای معروف اهل سنت در عصر خود به نام اسحاق مباحثه‌ای دارد مبنی بر این که اولین کسی که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان آورد علی علیه السلام است. مأمون به اسحاق گفت: آن روزی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبعوث شد از تمام اعمال کدام عمل افضل بود؟ اسحاق گفت: اخلاص در شهادت به توحید و بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. مأمون گفت: آیا کسی را سراغ داری که بر علی علیه السلام در اسلام پیشی گرفته باشد؟ اسحاق گفت: علی علیه السلام اسلام آورد در حالی که سن و سال کمی داشت لذا احکام الهی بر او جاری نمی‌شد. مأمون گفت: آیا اسلام علی علیه السلام به دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله نبود؟ آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسلام علی را نپذیرفت؟ چگونه ممکن است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسی را به اسلام دعوت کند در حالی که اسلامش پذیرفته نباشد؟ اسحاق از پاسخ دادن در ماند.<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۶ ص ۱۷۹.  
۲. عقد الفرید، ج ۳ ص ۴۳.





و عمر بن خطاب در این خصوص می گوید: ما در زمان پیامبر چنان به علی می نگریم که بر ستارگان نگاه می کردیم.

### ۹۶۷. علی پیشوای شریف

رسول خدا ﷺ فرمود: «علی امیر البرة وقاتل الفجرة منصور من نصره مخذول من خذله الا وان الحق معه يتبعه فمیلوا معه» علی پیشوای نیک مردان است و نابود کننده نابکاران کسی که او را یاری کند از سوی خدا نصرت می یابد و اگر کسی او را خوار کند، خوار می شود و حق همراه اوست و از او پیروی می کند پس باید با او همراه شوید.<sup>۱</sup>

### ۹۶۸. دلسوز واقعی

ابن عباس می گوید: روزی تعدادی از شیعیان ساکن شام نامه ای از وضعیت خود به امام علی ﷺ نوشتند.

حضرت را دیدم وقتی نامه آن ها را مطالعه کرد در گوشه ای از رختخواب ناراحت نشسته است به حضرت عرض کردم: «مالك يا امیر المؤمنین اللیلة»؛ یا علی! شب را چگونه گذراندی؟

فرمود: «ویحك یابن عباس»؛ سلطان جوارح بدن تو قلب است.

وقتی که به تو چیزی نازل شد خواب از سرت بیرون می رود من از اول شب تا الان که می بینی از فکر و ناراحتی بیدارم.

ابن عباس می گوید:

در این لحظه بود که مؤذن اذان گفت: حضرت فرمود: «الصلوة یابن عباس».<sup>۲</sup>

### ۹۶۹. امام شرق و غرب عالم

ابوالفرج ابن جوزی عالم بزرگ اهل سنت و نویسنده کتب متعدد در شعری می گوید:

اقسمت بالله و آلائه      الیه القی بها ربی

۱. کنز العمال، ح ۳۲۹۰۹.

۲. کتاب یقین، سید بن طاووس، ص ۳۲۱.







عرض کرد: خدا بر تو رحمت کند من تو را عالم خدا و عارف بر آیات الهی یافتم به خدا قسم این سخن را از سر جهل نگفتم بلکه از حذیفه بن یمان<sup>۱</sup> شنیدم که می گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: «علی امیر البرة وقاتل الفجرة منصور من نصره مخذول من خذله الا وان الحق معه و يتبعه الا فمیلوا معه»؛ علی پیشوای نیک مردان و نابود کننده نابکاران است کسی که او را یاری کند از سوی خدا نصرت می یابد و اگر کسی او را خوار کند خوار می شود و حق همراه اوست و از او پیروی می کند پس باید با او همراه شوید.<sup>۲</sup>

### ۹۷۲. مولای همه مؤمنان

دو نفر عرب برای محاکمه و قضاوت نزد عمر آمدند او از حضرت علی ﷺ خواست که بین آن دو قضاوت نماید بعد از اتمام محاکمه یکی از آن دو که محکوم شده بود به حالت اعتراض به عمر گفت: «این کیست که بین ما قضاوت می کند؟». عمر از جا برخاست و گریبان او را گرفت و گردنش را پیچاند و او را بر زمین کوفت و گفت: «اما تدری من هذا، هذا مولای و مولی کل مؤمن و مؤمنة و من لم یکن هذا مولاه فلیس مؤمن»؛

یعنی: هیچ می دانی این شخص کیست؟ او سرور من و تمامی زنان و مردان مؤمن است و کسی که بر ولایت او نباشد ایمان ندارد.<sup>۳</sup>

### ۹۷۳. تلاش گر موحد

عبدالله بن حسن می گوید: علی ﷺ هزار برده و بنده را آزاد کرد و بهاء و قیمت آن ها را از پینه دست و عرق پیشانی خود پرداخت کرد.<sup>۴</sup>

۱. حذیفه از یاران حضرت رسول ﷺ بود و از دوستان خاص علی ﷺ نیز بود، او کسی بود که پیامبر خدا ﷺ احوالات منافقین صحابه را به او خبر داده بود.

۲. الطرائف، سید بن طاووس، ج ۱، ص ۱۰۴.

۳. مناقب، ص ۹۷، فصل ۱۴.

۴. ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۱۴۲.

### ❖ ۹۷۴. زاهدی عاشق ❖

ابوالاشعث عنزی از پدرش روایت می‌کند که گفت: علی علیه السلام را دیدم که روز جمعه در فرات غسل کرد سپس جامه‌ای از کرباسی خرید به سه درهم و با مردم نماز گزارد در حالی که هنوز گریبان جامه خود را ندوخته بود.<sup>۱</sup>

### ❖ ۹۷۵. عمل‌کننده به آیات قرآن ❖

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: برای علی علیه السلام طعامی آوردند از خرما و مویز و روغن. علی علیه السلام از آن نخورد، عرض کردند: آقا حرام است؟ فرمود: خیر ولی بیم آن دارم که نفس مشتاق آن شود. سپس تلاوت کرد: «در زندگی دنیوی از چیزهای پاکیزه و خوش بهره‌مند شوید».<sup>۲</sup>

### ❖ ۹۷۶. کثرت تألیفات درباره امام علی علیه السلام ❖

علامه طباطبائی «ره» می‌فرماید: بحث‌هایی که درباره شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام انجام گرفته و کتاب‌هایی که پیروان مذاهب و کنجکاوان در این باره نوشته‌اند درباره هیچ یک از شخصیت‌های تاریخ اتفاق نیفتاده است.<sup>۳</sup>

### ❖ ۹۷۷. دانای به معارف ❖

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: علی علیه السلام در قول و فعل خود از معصیت به دور است هر سخنی که می‌گوید و هر کاری که کند با دعوت دینی مطابقت دارد و داناترین مردم به معارف و شرایع اسلام است.<sup>۴</sup>

۱. الغارات، ص ۴۳.

۲. الغارت، ص ۴۲.

۳. شیعه در اسلام، ص ۱۲۸.

۴. شیعه در اسلام، علامه طباطبائی، ص ۵.



۹۷۸. امانتدار امین، پرورده محمد امین

حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای خطاب به زیاد بن ابیه که در بصره به خدمت مشغول بود می‌نویسد: «... و همانا من به خداوند سوگند می‌خورم سوگندی راست که اگر خبر به من برسد که تو نسبت به اموال مسلمین در چیزی چه کم و چه زیاد خیانت کرده‌ای هر آینه با چنان شدتی با تو برخورد خواهم کرد که تو را با مالی کم و پستی سنگین و بی‌مقدار و پست منزوی شوی. والسلام»<sup>۱</sup>.

۹۷۹. عادل و عارف آگاه

از ابواسحاق همدانی نقل شده است که روزی دو زن نزد علی علیه السلام آمدند یکی از آن‌ها عرب بود و دیگری کنیز آزاد شده امام چند درهم و مقداری غذا به طور مساوی به هر کدام داد زن عرب اعتراض کرد و گفت: من عرب هستم و این زن از عجم است، چرا به من بیشتر ندادی؟ امام علیه السلام فرمود: سوگند به خدا من در تقسیم بیت‌المال، فرزندان اسماعیل را بر فرزندان اسحاق نیز برتر نمی‌بینم.<sup>۲</sup>

ابولعینای شاعر گفته است: اگر من بخواهم فضایل تو را باز گویم چنان است که به هنگام ظهر از روشنی روز خبر دهم که بر هیچ کس پوشیده نیست.<sup>۳</sup>

۹۸۰. عابد عادل دلسوز

ضرار بن ضمیره ضبابی موقعی که وارد شد بر معاویه و او درباره امام علی علیه السلام از ضرار پرسید؟ او گفت: گواهی می‌دهم که در شب تاریک او را دیدم در محراب عبادت ریش‌های مبارک را روی دست گرفته بود و مانند مار گزیده به خود می‌پیچد و همانند شخصی

۱. نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۵، ص ۱۳۸، نامه ۲۰.

۲. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۳۷.

۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۸.

داغدار گریه می کرد و می فرمود: ای دنیا! از من دور شو! آیا برای من نقشه داری و یا  
علاقه به من پیدا کرده‌ای!

وقت تو نیاید.

افسوس! دیگری را گول بزن! من نیازی به تو ندارم! تو را سه طلاقهات کردم.  
و دیگر رجوعی به تو نمی‌کنم. زندگی تو کوتاه و ارزش تو کم و آرزویت پست است  
آه از کمی توشه سفر و از راه طولانی و سختی قرارگاه.<sup>۱</sup>

### ۹۸۱. همیشه همراه

خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب تجرید الاعتقاد از امیرالمؤمنین علی علیه السلام چنین یاد  
می‌کند: علی علیه السلام داناتر از همگان بود او حدسی نیرومند داشت همیشه همراه رسول صلی الله علیه و آله  
بود. بخشش او از همه افزون بود و پس از پیغمبر پارساترین و فرزانه‌ترین مردم به شمار  
می‌آمد.

ایمانش بر همه مقدم و سخنش از همه فصیح‌تر و اندیشه‌اش از همه محکم‌تر بود او  
سرچشمه فیاضی بود که دانشمندان دانش‌های خود را به او استناد می‌دادند.<sup>۲</sup>  
ابن عباس می‌گوید:

چون بعد از شش روز که از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله گذشت ابوبکر و علی علیه السلام برای زیارت  
قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند، علی علیه السلام به ابوبکر گفت: بفرما (حضرت برای ورود به او تعارف  
کرد) ابوبکر گفت:

من هیچ گاه جلوتر از مردی قدم نمی‌گذارم که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که درباره او  
می‌فرمود:

«علی منی کمزلتی من ربی»؛ یعنی: نسبت علی علیه السلام با من مثل منزلت من است نسبت

به خدای من.<sup>۳</sup>

۱. نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۸، ص ۲۲۴ قصار ۷۵.

۲. فاتح خبیر، ص ۱۰۱.

۳. الصواعق المحرقة، ص ۱۰۸.



### ۹۸۲. شیربیشه شرف

۱۹ رمضان برابر با ۹ بهمن سال ۳۹ هجری شمسی فرا رسید:<sup>۱</sup>  
 وقتی خبر شهادت مولا امام علی علیه السلام به عمروعاص رسید با اشتیاق به پیش معاویه رفت و گفت: ای معاویه مژده!  
 معاویه: چه مژده‌ای؟  
 عمروعاص گفت: آن شیری که سرزمین عراق را زیر چنگال خود داشت از دنیا رفت.  
 معاویه گفت: به خرگوش‌ها بگو هرکجا می‌خواهند برای چرا بروند...<sup>۲</sup>

### ۹۸۳. زیبا فرموده

احمدبن حنبل شیبانی معروف به ابن حنبل می‌گوید:  
 درباره هیچ یک از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله به اندازه علی بن ابیطالب علیه السلام فضایل نقل نشده است و در صحیح مسلم آمده است که: دوست داشتن علی علیه السلام نشانه ایمان و دشمن داشتن او نشانه نفاق است.<sup>۳</sup>

### ۹۸۴. پیرو رسول خدا صلی الله علیه و آله هستم

امام وقتی به طلحه و زبیر فرمود: به چه علتی شما با من مخالفت می‌کنید مگر شما نبودید که از من خواستید زمام امور را به دست گیرم؟  
 آن‌ها گفتند: ... عاملی که ما را رنجانده است مخالفت تو با روش عمر بن خطاب است او در تقسیم بیت‌المال سابقه افراد را در نظر می‌گرفت ولی تو امتیاز ما را نادیده گرفته و ما را در ردیف بقیه مسلمانان قرار دادی....

۱. این تاریخ برابر با سال ۶۶۱ میلادی و برابر ۹ بهمن ماه سال ۳۹ هجری شمسی است.

۲. بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۶۹

۳. آن‌گاه که هدایت شدم، ص ۲۳۲، به نقل از صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۸.

امام علی علیه السلام به آن‌ها فرمود: ... در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله دیدیم که او بیت‌المال را به طور مساوی تقسیم می‌کرد.<sup>۱</sup>

### ❖ ۹۸۵. نخستین وفادار ❖

مرحوم علامه امینی در ج ۳ الغدیر روایات بسیاری از کتب معروف اهل سنت آورده است که پیامبر اسلام پس از بعثت تا ۳ سال فرمان نیافت تا اسلام را آشکار کند. در این مدت تنی چند به او ایمان آوردند و نخستین کس از مردان علی علیه السلام بود.

### ❖ ۹۸۶. تشنه حکمت ❖

نرسیسیان یکی از فضلالی مسیحی می‌گوید: اگر امروزه این خطیب بزرگ بر منبر کوفه پای می‌نهاد می‌دیدید که مسجد کوفه با آن پهناوریش از سران و بزرگان اروپا موج می‌زد آنان می‌آمدند تا روحشان را از دریای بی‌انتهای دانش او سیراب سازند.<sup>۲</sup>

### ❖ ۹۸۷. اولین‌ها و برترین‌ها علی علیه السلام ❖

مرحوم علامه امینی در کتاب شریف و عزیز الغدیر نام بیش از ده هزار نفر شاعر را ذکر کرده که در لابلای اشعارشان به این نکته که امام علی بن ابیطالب علیه السلام جزء اولین نفری بود که به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورده و روزه گرفته و لاله الا الله گفته است.<sup>۳</sup> و در همین جلد مرحوم علامه بیش از یکصد حدیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و صحابه و تابعین و مورخان و محدثان دیگر نقل می‌کند که همگی گواهی می‌دهند بر این که علی علیه السلام نخستین نفر از مردان بوده که به رسول منجی صلی الله علیه و آله ایمان آورده است. خداوند درباره قرآن فرمود: «لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا

۱. شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید، ج ۷، ص ۴۲.

۲. حساس‌ترین فراز تاریخ، ص ۲۸۲.

۳. الغدیر، ج ۳، ص ۲۳۱.



من خشیتة الله»<sup>۱</sup>؛ یعنی: اگر قرآن بر کوه نازل شود کوه متلاشی می‌گردد وقتی به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردند: سهل بن حنیف در کوفه رخت بریست (فوت کرد). امام فرمود: کوه اگر بخواهد محبت و ولایت مرا تحمل کند متلاشی می‌شود: «لو اجبتى جبل لتهافت...»<sup>۲</sup> اگر طایر اندیشه متفکری بخواهد به اوج مقام علی علیه السلام بار یابد پرش می‌سوزد، کوه مرتفع پرنده را خسته می‌کند، فرمود: فکر هیچ کسی به مقام والای من نمی‌رسد...<sup>۳</sup>

### ۹۸۸. سی هزار ویژگی و برتری

نویسنده کتاب تذکره الخواص که خود از نویسندگان حنفی اهل سنت است می‌نویسد: «مردی از ابن عباس پرسید: راستی که چقدر فضائل علی علیه السلام زیاد است فکر می‌کنم که به سه هزار فضیلت رسیده باشد؟». ابن عباس در جواب گفت: «فضائل علی علیه السلام به سی هزار نزدیک‌تر است تا به سه هزار».

سپس در ادامه گفت: اگر درخت‌ها قلم گردند و دریاها مرکب و جن و انس نویسنده و حسابگر آن شوند نمی‌توانند فضائل علی علیه السلام را شمارش کنند.<sup>۴</sup>

### ۹۸۹. پرچم دار مؤمنان در قرآن

طبری در ذخائر العقبی پس از ذکر ۹ آیه درباره علی علیه السلام می‌نویسد: «در آیات قرآن هر کجا کلمه‌ای «آمنوا» باشد علی علیه السلام رهبر و پرچمدار و بزرگ‌ترین نمونه آن است».<sup>۵</sup>

### ۹۹۰. گوی سبقت از همه ربود

ابوجعفر اسکانی معتزلی متوفای سال ۲۴۰ در رساله خود می‌نویسد: همه مردم

۱. حشر / ۲۱.

۲. حکمت، ص ۱۱۱.

۳. گفتاری از علامه بزرگوار حضرت آیت‌الله جوادی.

۴. تذکره الخواص، ص ۱۳.

۵. ذخائر العقبی، ص ۸۹.

می‌دانند که علی علیه السلام افتخار پیشگامی در اسلام دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز دوشنبه مبعوث شد و علی علیه السلام روز سه‌شنبه به او ایمان آورد.

لذا می‌فرمود: من نخستین کسی هستم که اسلام آوردم.

این مسأله از هر مشهوری مشهورتر است و ما کسی را در گذشته نیافته‌ایم که اسلام علی را سبک شمارد یا بگوید او اسلام آورد در حالی که کودک خردسال بود عجب اینکه افرادی مثل عباس و حمزه برای پذیرش اسلام منتظر عکس‌العمل ابوطالب بودند ولی فرزند ابوطالب هرگز منتظر پدر نشست و ایمان آورد.<sup>۱</sup>

### ۹۹۱. نورانی‌ترین بخشش زندگی علی علیه السلام

درخشیدن امام علی علیه السلام در ماجرای «انذر عشیرتک الاقرین ولیة المبیة»؛ (خواهیدن در رختخواب پیامبر صلی الله علیه و آله) از نورانی‌ترین بخش زندگی آن حضرت می‌باشد که علمای اهل سنت نیز به آن اشاره کرده‌اند.<sup>۲</sup>

نویسنده کتاب ینابیع‌المودة که خود از مذهب اهل سنت می‌باشد درباره امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌نویسد: من درباره مردی که اهل ذمه (یهود و نصاری) در عین اینکه پیغمبری محمد صلی الله علیه و آله را قبول ندارند ولی به علی علیه السلام احترام می‌گذارند چه بگویم؟...

درباره شخصیتی که پادشاهان فرنگ و روم صورتش را در عبادتگاه خود نقاشی کرده... و عکس او را بر روی شمشیرهای خود نیز نقاشی کرده بودند چه بگویم؟  
من درباره کسی که وی روی شمشیر عضدالدوله بن بویه و فرزندش رکن‌الدوله و آلپ ارسلان و فرزندش ملکشاه دیده می‌شد چه بگویم؟ درباره کسی که پادشاهان ترک و دیلم به شمشیری که عکس آن حضرت را داشت تبرک می‌جستند و آن را وسیله پیروزی و فتح خود می‌دانستند چه بگویم؟...<sup>۳</sup>

### ۹۹۲. گفتاری حکیمانه از سرانصاف

ایلیایا ولیج مورخ و خاورشناس روسی در کتاب اسلام در ایران درباره امام علی علیه السلام

۱. به نقل از کتاب شریف‌الغدیر، ج ۳، ص ۲۳۷.

۲. سیره ابن‌هشام، ج ۱، ص ۴۸۳.

۳. ینابیع‌المودة، ص ۱۷۸.





می نویسد: علی علیه السلام پرورده محمد صلی الله علیه و آله و عمیقا به وی و امر اسلام وفادار بود علی تا سر حد شور و عشق پای بند دین بود صادق و راستکار زیست... هم سلحشور بود و هم شاعر و همه صفات لازمه اولیاءالله در وجودش جمع شده بود.<sup>۱</sup>

### ۹۹۳. راه انحراف

از عبدالرحمن بن سلمی که از قراء بزرگ کوفه بود پرسیده شد: تو را به خدا سوگند چرا از علی علیه السلام رو گردان شدی و کناره گرفتی؟ آیا از زمانی که علی در تقسیم اموال کوفه سهمی ویژه به تو و خاندانت نداد از او جدا نشدی؟ وی پاسخ داد: حال که به خدا سوگند دادی، آری.<sup>۲</sup> اما معاویه این طور نبود روزی معاویه با یارانش در کنار شاه راهی به تفرج نشستند بود که کاروانی از زر و سیم و غلام و کنیز از آن او، از برابرش می گذشت او گفت: خدا ابوبکر را رحمت کند که با دنیا پیوندی نداشت اما عمر دنیا به سراغش آمد ولی او نرفت، ولی دنیا در پی عثمان رفت و او استقبال کرد، ولی ما و دنیا به هم در آمیختیم، به خدا سوگند این قدرتی است که خداوند آن را به ما ارزانی داشته است.<sup>۳</sup>

### ۹۹۴. علی علیه السلام در میان شماست

ابوبکر (خلیفه اول) می گوید: مرا به خود واگذارید و از من دست بکشید من بهترین شما نیستم در حالی که علی در میان شماست. «اقیلونی لست به خیر منکم و علی فیکم»؛ و در جای دیگر می گوید: علی نزدیک ترین مردم به خدا، و بهترین فرد از نظر منزلت و بالاترین کس از خدمت فداکاری و مجاهدت است. و عمر بن خطاب می گوید: ما در زمان پیغمبر چنان به علی می نگریستیم که بر ستارگان نگاه می کنیم.

۱. شرح نهج البلاغه، علامه جعفری، ج ۱، ص ۱۷۶.

۲. بحار الانوار، ج ۳۴/۲۹۶.

۳. تاریخ امم و الملوك، ج ۴، ص ۲۴۷.

### ❖ ۹۹۵. صاحب روح کلی جهان علیست ❖

جبران خلیل جبران نویسنده پر شور مسیحی می گوید: به عقیده من فرزند ابی طالب نخستین کسی بود از عرب که با روح کلی جهان ارتباط برقرار کرد و با آن هم نشین شد....

مرگ علی علیه السلام مانند مرگ پیامبران روشن بین بود همان پیامبرانی که به شهری روی می آوردند و با مردمانی می زیستند که هرگز شایسته آنان نبودند.<sup>۱</sup>

### ❖ ۹۹۶. ۱۸ شرف و شایستگی ❖

«عن ابن عباس قال: كانت لعلي عليه السلام ثمانی عشرة منقبة لو لم يكن له الا واحدة لنجا ولقد كانت له ثمانی عشرة منقبة لم تكن لاحد من هذه الامة».

ابن عباس می گوید: علی علیه السلام را هیجده افتخار و بزرگی داشت که اگر کسی یکی از آنها را نیز داشت نجات می یافت در حالی که (به جای یکی) هجده افتخار و فضیلت داشت که در هیچ یک از این امت نبود.<sup>۲</sup>

### ❖ ۹۹۷. اولین بار که به منبر نشست ❖

عمر بن خطاب بعد از آنکه ابوبکر از دنیا رفت و به خلافت رسید در اولین منبر خود در حضور مردم به مسجد رفت و گفت: ای مردم! برای علی بن ابیطالب علیه السلام دوازده ویژگی و برتری هست که دیگران دارای آن فضایل نیستند و احدی همانند او آن ویژگی ها را ندارد.  
۱. تولد او در خانه خدا؛ ۲....

### ❖ ۹۹۸. نکته عجیب ❖

نکته ۱: در قرآن کریم آیات زیادی در شأن والای عزیز دو جهان حضرت زهرا علیها السلام در کتب تفسیری اهل سنت و شیعه وجود دارد که عبارتند از:  
بقره ۳۱ - ۳۲ - ۳۷ - ۱۲۴ - ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۲۳۸ و آل عمران ۶۱ - ۱۹۵ - رعد ۲۹ -

۱. حساس ترین فراز تاریخ، ص ۲۹۶.

۲. خصال صدوق، ج ۲، ص ۶۰۵.



ابراهیم ۲۴ و ۲۵ حجر ۴۷ - نحل ۴۳ - اسراء ۲۶ - ۲۸ - ۵۷ - طه ۱۱۵ - ۱۳۲ - انبیاء - ۱۰۲ - ۱۰۳ - مؤمنون ۱ و ۲ و ۲۳ نور - ۱۰ و ۳۵ - ۳۶ - فرقان ۲۰ - ۵۴ - ۷۴ - روم ۴ - ۵ - ۳۰ سجده ۱۶ - ۲۴ - احزاب ۳۳ - ۴۱ - ۵۷ - ۵۸ فاطر ۳۴ - ص ۳۵ - زمر ۶۵ - شوری ۲۳ - دخان ۱ - ۳ - جائیه ۲۱ - احقاف ۱۵ - محمد(ص) ۱۱ - ذاریات ۱۷ - طور ۱۷ - ۲۱ - الرحمن ۱۹ - حشر ۹ - تحریم ۸ - ۱۲ - مزمل ۹ - مدثر ۳۵ و ۳۶ - دهر ۸ - ۱۳ - عبس ۳۸ - ۳۹ - مطفیین ۲۲ - ۲۸ - طارق ۱۵ - فجر ۱ - ۴ - لیل ۳ - ضحی ۵ - قدر ۱ - بینه ۵ - عصر ۳ - کوثر. (تفسیر این آیات در کتاب ۱۰۰۱ نکته از زندگانی حضرت زهراء آمده است.)

نکته ۲: سیدبن طاووس می‌فرماید: این که مکرر در مکرر مولی علی بن ابیطالب است برای حفظ جان سرورمان رسول خدا خود را سپر بالای ایشان قرار دادند غیر قابل انکار است برای مثال:

حضرت امیر در بستر رسول خدا خوابید تا آن حضرت بتواند هجرت کند و در جنگ احد با این که همه فرار کردند جان مبارکش را سپر رسول خدا کرد و بعد از هجرت رسول خدا امام علی تک و تنها ۳ روز در مکه ماند تا افراد تحت تکفل سرورمان رسول خدا را به مدینه ببرد این در حالی بود که ایشان کاملاً در خطر بودند و سایر فدکاری‌های امیر یکتاپرستی حضرت علی به تواتر در کتب اهل سنت و شیعه آمده است که اصلاً جای انکار نیست.

نتیجه آنکه: تمامی نتایجی که بر اثر نبوت رسول خدا در عالم به وجود آمد و همه آن خیرات و ثوابها و پاداشها و زنده ماندن دین خدا و باقی ماندن مسلمانان تا الان به واسطه رشادت‌های آن عزیز یعنی امام علی است لذا امیرالمؤمنین علی در همه این خیرات و نیکی‌ها و ثوابها شریک رسول الله هستند.

۹۹۹. حدیثی از حضرت معصومه بنت محمد

محدثه و عالمه آل محمد حضرت فاطمه معصومه بنت حضرت موسی بن جعفر با سندی متصل از مادرشان حضرت زهرا بتول نقل می‌کنند که: رسول خدا فرمود: وقتی مرا در معراج به آسمان بردند داخل بهشت شدم در آنجا قصری از در سفید دیدم که آن با یاقوت و در زینت شده بود و بر آن در پرده‌ای بود بر آن در نوشته است: «لا اله

الا الله، محمد رسول الله، علی ولی القوم» و بر پرده آن نوشته شده بود: «عجبا! کیست مثل شیعیان علی؟».

وقتی داخل آن شدم قصری از عقیق سرخ دیدم که در آن از نقره و آن در با زبرجد سبز زینت شده بود و بر آن در نیز پرده‌ای بود، بر در نوشته شده بود: «محمد رسول خداست و علی وصی اوست» و بر پرده آن بود: «بشارت بده شیعیان علی را به حلال‌زادگی».... و بر پرده قصر بعدی نوشته شده بود: «شیعیان علی رستگارند».<sup>۱</sup>

### ۱۰۰۰. سبع العلویات

ابن ابی الحدید سنی مذهب هفت قصیده طولانی در ستایش پیامبر ﷺ و مولای متقیان ﷺ دارد که به سبع العلویات معروف است و قصیده عینیه او در ۸۰ بیت بهترین قصیده او نیز محسوب می‌شود. این قصائد در مجموعه‌ای به نام الروضة المختاره در دمشق بارها به چاپ رسیده است.

### ۱۰۰۱. موحبتی وسیع

پیامبر اسلام ﷺ فرمود: جبرئیل با برگ سبزی از طرف خدا نزد من آمد که در آن برگه با خط سفید نوشته شده بود: به درستی که دوستی و محبت علی بن ابیطالب ﷺ را بر همه مخلوقاتم واجب کرده‌ام (ای رسول) این پیام من را به همه‌ی آنها برسان.<sup>۲</sup> عثمان به حضرت علی ﷺ عرض کرد: یا علی! گناه من چیست که قریشیان تو را دوست ندارند - چرا که تو ۷۰ نفر از مردانشان را که چهره هایشان مانند شمشیرهای طلایی بود را کشته‌ای.<sup>۳</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۷۶، حدیث ۱۳۶.

۲. امالی طوسی، ج ۱۳۷۶.

۳. معرفة الصحابة، احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۸۶، ح ۳۲۸.





## فصل دهم

استاد علی موسوی گرمارودی:



«علی جویی ما، حق جویی ماست.»

منبع: خط خون.

اشعار شعراء در باب ولایت و امامت





## اشاره‌ای بشار

به راستی می‌توان شعری که در مدح حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام سروده شده است را دلیلی بر برتری و اثبات امامت حضرتش محسوب کرد؟  
شاعران پارسی زبان به جهت ارتقاء و القاء مفاهیم بلند اشعار خود مجبورند به شکل تلمیح از آیات و روایات استفاده کنند پس به طور طبیعی بایستی به مطالعه قرآن و تفاسیر و احادیث، آن هم به شکل عمیق اقدام نمایند آن‌ها پس از بررسی و درک حقیقتی به نام ولایت و امامت به مدح مولا امیرمؤمنان علی علیه السلام پرداخته‌اند و این سروده‌ها از بررسی دقیق شعراء در این زمینه حکایت دارد؛ لذا در اینجا اشعاری در باب امامت حضرتش آورده شده است.

## شادباش ای دل

مرحوم عارف بزرگ آقای آیه‌الله سیدعلی قاضی برای روز غدیر آمادگی زیادی را تدارک می‌دیدند لباس‌های فاخر در برمی‌کردند و با شیرینی از میهمانان پذیرائی می‌نمودند و همیشه به یکی از دوستان یا فامیل تکلیف می‌نمودند که خطبه روز غدیر حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله را با صدای رسا قرائت نمایند. در یکی از همین روزها بود که حالت وجد و نشاط بر او مستولی گشته و فی‌البداهه به گفتن این قصیده پرداختند و یکی از حاضرین در مجلس آن را یادداشت کردند.

|                              |                                |
|------------------------------|--------------------------------|
| هم مخور اندوه که آید دیر دیر | شاد باش ای دل که شاد آمد غدیر  |
| لیلۃ القدر است شب‌ها بی‌نظیر | روزهایت زو چو نوروز است عید    |
| یا که گردد لطف یزدان دستگیر  | کی توانی مدح این فرخنده گفت    |
| تا شود مدح و ثنایت دلپذیر    | پس درود کردگار اول بگوی        |
| چشم خود سرمه نکردستی تو دیر  | گفتمش این جادویی از جادوئیست   |
| نقطه او عالم بگردش مستدیر    | بس غدیر ای جان در او اسرارهاست |
| که فرو ماند در او عقل دبیر   | مدح مداحان عالم آن اوست        |
| شادی عشاق جان و دل اسیر      | روز فضل و فصل و اصل روزهاست    |
| فرشی از سندس لباسی از حریر   | روز الطاف است از یزدان پاک     |





روز جنات است و غلمان و قصور  
 باغها از قدرت حق ساخته  
 گر بگویم تا ابد من روز روز  
 بازگو آخر چه بود ای جان دل  
 که پس از پیری تو خندانی و خوش  
 رو تو خاک خویش آماده بکن  
 گفت از آن شادم که اللهم خدا است  
 از چه پزمان کردم و آشفته رنگ  
 پیر بودم گشتم از یوسف جوان  
 بس به ملک فقر عین سلطنت  
 سر بنهفته همان ناگفته به  
 بانگ نای و چنگ و گوش گاو و خر  
 همچو کس کو بمررداری خوش است  
 لوز و شکر طوطی خوش لهجه راست  
 شرح نهج و آن حکایتها ببین  
 یا پیامبر یا که قرآن مجید  
 جمله عالمهای جاوید خدای  
 خویش را مسکین رها کن زین مقال  
 خویش را می کن فدای خاندان

سلسبیل جاری از عرش کبیر  
 نه در او حروه مندرش ز مهریر  
 اندکی گر گفته آید از کثیر  
 از چه از شادی نتابی گشت سیر  
 ای عجب سور و سرور از کهنه پیر  
 تا یکی وردی کنی موی چو شیر  
 پس پیمبر احمد و حیدر وزیر  
 می رسد در سر بشارات بشیر  
 کور بودم گشتم از نورش بصیر  
 می زیم به از کیان وارد شیر  
 حوروش آن به که باشد در ستیر  
 خوش نیاید صوتشان صوت الحمیر  
 هست از لوز و شکر بی میل و سیر  
 که شد از صوت حسن در دارو گیر  
 بشنوی تا شر شر شر شیر  
 با علی کاری ندارد این نفیر  
 پیش اینان خورده تر از یک فقیر  
 حیف میدان یاد سگ در نزد شیر  
 حسبک الرحمن ذوالعرش الکبیر

❖ ❖ علی عليه السلام قرآن جامع ❖ ❖

چکامه غدیر خم، که در سال ۱۳۵۶ ه. ق. توسط حضرت آیه الله آفاسید علی قاضی (ره) سروده شده است:

وَكُلُّ فِرْدَلُهُ وَجْهٌ يَبِينُ بِهِ      يَمْتَأُزُّ عَنْ غَيْرِهِ كَالْخَطِّ فِي الْكُتُبِ

و هر عالمی دارای صورتی است که بدان صورت مشخص می شود و از دیگران ممتاز می گردد، همچون خط در کتاب ها.

وَهُوَ الْكِتَابُ الَّذِي لَا رَيْبَ فِيهِ كَمَا      لَا رَيْبَ يَعْزُضُ فِي قُرْآنِنَا الْعَجَبِ

این عوالم کتابی است که نشانه‌های عظمت خداوند است و نشانه صفات و معنای اسماء و دلائل اعجاز او می‌باشد، و شکی هم در آن نیست. «ذَکَ الْکِتَابِ لَا رِیْبَ فِیْهِ وَ اِیْنَ کِتَابِ بِیْ هِیْجِ رِیْبٍ وَ شَکِّ (آیه ۲ بقره).

هُمَا کِتَابَانِ لِدَلِیلٍ وَاحِدٍ اَبَدًا      لَا تُکْرِیْبُهُمَا فَاَقْرَاهُمَا تُصِیْبُ

قرآن و جهان هستی دو کتاب آفرینش هستند و اختلافی در آن دو هم وجود ندارد پس در آن دو تدبر کن.

یَهْدِیْ اِلَی الرُّشْدِ مِنْهَا کَلِمَا نَزَلَتْ      لِلْاَنْبِیَاءِ مَدَى الْاَعْصَارِ وَ الْحِقَبِ

این قرآن راهنمای هدایت است، همچنان که همه آنچه برای پیامبران دیگر نازل شده است، در دوران‌های مختلف، برای هدایت بوده است.

کَصْحَفِ مُوسَى وَ اِبْرَاهِیْمَ وَ الْوَالِدِیْنَ      مَخْلُوْقِ رُوْحًا عَلٰی جِسْمٍ بَغَیْرِ اَبٍ

چون کتاب موسی و ابراهیم و فرزند آفریده شده از روح و در بدن فرود آمده که پدر ندارد.

مَا اَوْقَى الْاَنْبِیَاءَ مِنْ رَبِّهِمْ وَ کَذَا      مَا جَاءَ وَحِیًا وَ مَا یَدْرِیْهِ کُلُّ نَبِیٍّ

آنچه از طرف خداوند به پیامبران عطا شده است، و نیز آنچه بر آنان به صورت وحی نازل شده و آنچه همه پیامبران از آن آگاه بوده‌اند.

وَ کُلِّ عِلْمٍ فِی الْقُرْآنِ اَجْمَعُهُ      مُهِّیْمُنُ الْکِتَابِ فِی تِبْیَانِ الْعَجَبِ

قرآن جامع همه دانش‌ها است و با بیان عربی خود در برگیرنده همه کتب است. قرآن در عین حالی که کمترین الفاظ را دارا است شامل همه معانی است.

وَ کَلِمًا فِیْهِ مَجْمُوْعٌ بِجُمْلَتِهِ      فِی سُوْرَةِ الْحَمْدِ سَعَّ نَخْبَةُ النَّحْبِ

و هر آنچه در سوره حمد است، خلاصه‌ای است از معانی بسیار که در قرآن موجود است و این از آنچه در اهمیت و فضیلت این سوره آمده است و اینکه این سوره در بردارنده مطالب همه قرآن است معلوم می‌گردد.

وَ کَلِمًا قَدْ حَوَتْهُ الْحَمْدُ بِسَمَلَةٍ      قَدْ اُحْتَوَتْهُ کَامِ الْاُمِّ فِی النَّسَبِ

بسم‌الله در برگیرنده کل معانی حمد است، و این زاییده آن و آن مادر این است.

وَ الْبَابُ کُلُّ مَا فِیْهَا وَ نُقِطَتْهَا      تَحْوِی الْجَمِیْعَ فَسَبَّحْ فِیْهِ وَ اقْتَرِبْ

همچنین است در مورد باء و نقطه آن، پس تسبیح و تقرب بجوی.



فَهَيَّ الْوَلَايَةَ فِيهِمْ قَائِمٌ أَبَدًا      أَكْرَمَ بِقَاعِدِهِمْ فِيهَا وَمُنْتَصِبٍ

آنان کسانی هستند که ولایت در ایشان برقرار است و گرامی باد آنان که هم اکنون منصوب بوده‌اند.

يَا صَاحِبَ دَعْوِ يَوْمِزِ أَنْتَ قَاصِدُهَا      فَالْفَضْلُ فِي سِتْرِهَا عَنِ جَاهِلٍ وَعَبِيٍّ

ای دوست من پوشیده بودن حقایق بهتر از آشکار کردن آن‌ها است و برای شخص خواهان اشاره‌ای مختصر کفایت می‌کند. زیرا همین مقدار اشاره برای اشخاصی که مورد عنایت قرار گرفته‌اند کافی است تا او را به جستجو و حرکت وا دارد.

فَأَنْزَلَ اللَّهُ يَوْمَ الدَّوْحِ آيَتَهُ      مِنْجَاةً خَلَقَ مِنَ الْأَوْصَابِ وَالنَّصَبِ

پس خداوند روز درخت تنومند (یعنی روزی که زیر درخت تنومند و در کنار آب غدیر مستتر شد) آیه خود را نازل نمود، آیه‌ای که نجات خلق از سستی و رنج در آن بود.

أُظْهِرَ مِنَ الْبَالِهَةِ الْخَلْقَ نُقْطَتَهَا      لِيُعْرِفُوهَا كَمَا هُمْ يَعْرِفُونَكَ بِي

آشکار کن برای خلائق رمز نقطه «ب» را تا آن‌ها هم آن را بشناسند، همچنان که تو را بوسیله من شناختند. در حدیث دعا آمده است که: «اللهم عرفني نبيك...»

آيَا بَابَاكَ اعْنِي وَاسْمَعِي نَزَلَتْ      فَلَا تَحْتَلِ لِخَيْرِ الْخَلْقِ مِنْ عَتَبِ

حقائقی را بر ما آشکار کن و آیه‌هایی مانند ضرب‌المثل عربی «ایاک اعنی واسمعی یا جارة» (به در می‌گویم دیوار بشنود)، نازل شده است و جای گله‌گذاری از پیامبر باقی مگذار.

بَلِّغْ وَالْأَقْلَمُ تُبَلِّغْ رِسَالَتَهُ      وَاللَّهُ عَاصِمُهُ مِنْ شَرِّ ذِي النَّصَبِ

ابلاغ کن که در غیر این صورت رسالت را ابلاغ نکرده‌ای و خداوند تو را از شر بدخواهان حفظ می‌کند.

فَهَيَّيْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ مَرْقَبَةً      مِنَ الْحِجَارَةِ وَالْإِحْدَاجِ وَالْقَتَبِ

پس جای بلندی برای رسول خدا آماده شد از سنگ و مکانی و جایی.

وَقَامَ سَيْدٌ مِنْ فِي الْكُونِ يَخْطُبُهُمْ      بِخُطْبَةٍ هِيَ حَقٌّ أَحْسَنُ الْخُطَبِ

سرور کائنات برخاست و خطبه‌ای ایراد نمود که از بهترین خطبه‌ها است.

فَقَالَ مَا قَالَ فِي هَذَا وَاسْمَعَهُمْ      وَأَيْ سَمِعَ تَرَى لِلْجَاهِلِ الْوَعْبِ؟!

پس در این باره آنچه را باید بگوید بگفت اما نادان و پست کجا و گوش شنوا کجا.





در روز غدیر این مردم پاک نسب هستند که شادمانی می‌کنند، اما ناپاکان شادمانی نمی‌کنند، اشاره به حدیثی از حضرت پیامبر است که در این مورد صادر شده است.

أَوْ أَنْ يَقُومَ بِأَمْرِ اللَّهِ قَائِمُهُ      يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ شَرِّكَ وَمَنْ نَصَبَ

تا این که به دستور خداوند قائم بالحق پهنه زمین را از شرک و کینه توزی نسبت به خاندان عصمت پاک گردانی

يَا صَاحِبَ الدَّارِ أَنْتَ الْمُرْتَجَى أَبَدًا      وَأَنْتَ أَدْرَى بِمَا فِيهَا وَمَنْ تَغِيبُ

ای صاحب خانه تو آرزوی همیشگی ما هستی و تو بهتر می‌دانی که بر ما چه می‌گذرد (پس در میان ما درآی) و تو بر این حوادث آگاهی و غایب نبودی.

يَا صَاحِبَ الدَّارِ أَنْجِ حَاجَ مُمْتَدِحٍ      بِالْعَجْزِ مُعْتَرِفٍ وَالْجَهْلِ مُكْتَسِبِ

ای صاحب خانه (دنیا) نیاز این ثناگوی را که به ناتوانی خود معترف است و جز نادانی چیزی ندارد بر آورده ساز.

يَا لَذَلِّ مُقْتَرِبٍ بِالْقَلِّ مُنْتَسِبِ      لِلْفَضْلِ مَرْتَقِبٍ بِالْبَابِ مُنْتَصِبِ

با حقارت روی به شما آورده و به حرمت و عطای شما امید دارد و در درگاه شما انتظار می‌کشد.

فَالْعِلْمُ وَالْكَشْفُ وَالْإِبْقَانُ قَدْ ظَهَرَتْ      مِنْ أُمَّنْبَأَ مِنْ أَنْبَاءِ الْحُجْبِ

هرچه بدانیم و هر یقینی که برای ما حاصل شود همه و همه از خزائن اسرار خداوندی است (که به وسیله شما نصیب ما می‌شود). (این شعر به طور تقطیع آورده شده است).

### سروده حسان بن ثابت

حسان بن ثابت اولین کسی است که حادثه بزرگ غدیر را به شعر در آورد او بلافاصله پس از خطبه رسول اکرم در 9م در غدیر خم و نصب امام علی 7 به امامت مسلمین به پا خواست و خواند:

يُنَادِيهِمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيَّهُمْ      بِخَمِّ وَالسَّمْعِ بِالرَّسُولِ مُنَادِيَا

فَقَالَ لَهُ: قُمْ يَا عَلِيُّ فَانْتَنِي      رَضِيْتُكَ مِنْ بَعْدِي أَمَامًا وَهَادِيَا

فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا أَوْلِيَّهِ      فَكُونُوا لَهُ اتِّبَاعَ صَدَقِ مَوَالِيَا

۱. الغدير، ج ۲، ص ۳۴، ص ۱۸۰، ص ۳۵۰.

کمیت اسدی نیز چنین شعری را گفته است:

و يوم الدوح دوح غدیرخم  
ابان له الولاية لو أطيعا  
واضعوا امر قائدهم فضلاً  
واقومهم لدى الحدثان ربعا<sup>۱</sup>  
و دعبل خزاعی نیز این گونه سروده است:  
وما قيل اصحاب السقيفة جهرة  
بدعوى تراث في الضلال نتاب  
ولو قلدوا الموصى اليه امورها  
لزمّت ممامون عن العثرات<sup>۲</sup>

### سروده‌ای از امام شافعی

امام شافعی طی اشعاری می‌گوید:

قالوا ترفضت قلت كلاً  
ما الرفض ديني ولا اعتقادي  
لكن توئيت غير شك  
خير امام و خير هاد  
ان كان حب الوصي رفضا  
فانني ارفض العباد

یعنی: به من گفتند رافضی (شیعه) شدی گفتیم ابداء، رفض دین من نیست و نه اعتقاد من، لیکن دوست می‌دارم بدون شک بهتر این امام و بهترین هادی، اگر معنی رفض (شیعه) دوستی و صبی<sup>۳</sup> پیغمبر است پس بدرستی که من رافضی‌تر از همه مردم هستم.<sup>۴</sup>

### ولایت و مثال آن در فیه ما فیه مولانا

عقل در تن آدمی همچون امیری است مادام که رعایای تن مطیع او باشند همه کارها به اصلاح باشد اما چون مطیع نباشند همه به فساد آیند... پس وقتی کارها به صلاح باشند که در آن ده (روستا) سالاری باشد و ایشان مطیع باشند اکنون عقل وقتی اندیشه اصلاح این رعایا (مردم) کند که به فرمان او باشند مثلاً فکر کرد که «بروم» وقتی برود که پای به فرمان او باشد و گرنه این فکر را نکند...

۱. الغدير، ج ۲، ص ۳۴، ص ۱۸۰، ص ۳۵۰.

۲. الغدير، ج ۲، ص ۳۴، ص ۱۸۰، ص ۳۵۰.

۳. جناب وصی در کتب قدیم به القاب امام علی علیه السلام گفته می‌شد چرا که وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله بود معاویه تلاش بسیاری کرد تا این لقب و صفت زیبا را که صرفاً اختصاص به امام علی علیه السلام را دارد را در تاریخ و احادیث حذف کند.

۴. ینابیع الھودۃ، ص ۳۵۵.



اگر سایه عقل بر آدمی نباشد همه اعضای او معطل شوند دست به هنجار نگیرد پای در راه راست نتواند رفتن

چشم چیزی نبیند... و در حقیقت آن همه کارها از عقل می‌آید اعضا آلتند. ... خلیفه وقت، او همچون عقل کل است عقول مردم همچون اعضای وی‌اند، هر چه کنند از سایه او باشد و اگر از ایشان (مردم) کرده‌ای بیاید، از آن باشد که آن عقل کل، سایه از سر او برداشته باشد.

همچنان که مردی چون دیوانگی آغاز کند معلوم گردد که عقل او از سر برفته است<sup>۱</sup>

### ❖ ❖ سروده‌ای از حکیم وفایی شوشتری ❖ ❖

|                                 |                                    |
|---------------------------------|------------------------------------|
| ساقی بریز باده مرا هی به ساغرا  | هی شعله زن به جانم وهی بر دل آذرا  |
| هی هی کنون عید غدیر خم است قُم  | خم خم بیاور باده نخواهیم ساغرا     |
| در حیرتم خدا به چه می‌شد شناخته | گر شخص کامل تو نبودیش مطهرا        |
| یا مظهرا العجائب یا مرتضی علی   | خواندن تو را به یاری از هر چه بهتر |

### ❖ ❖ شعر استاد علی موسوی گرمارودی ❖ ❖

جناب آقای علی موسوی گرما رودی این شعر را سروده‌اند.

|   |                                |
|---|--------------------------------|
| ساقی زمی زلال کوثر می‌ریز   | برخیز و از آن شراب برتر می‌ریز |
| از خم غدیر پر کن و پی در پی   | با یاد رخ علی حیدر، می‌ریز     |
| البته ایشان شعری بسیار پر مغز و زیبا با نام حماسه‌بان غدیر برای علامه امینی |                                |
| نویسنده کتاب الغدیر سروده‌اند   |                                |

### ❖ ❖ شعر استاد اخوان ثالث ❖ ❖

از میان همه شعرهایی که در رثای علامه گرانقدر مرحوم حاج شیخ عبدالحسین

۱. فیه ما فیه، مولانا جلال الدین بلخی.







ولیّ ولایت وصیّ وصایت  
 اگر نور او در میانه نبودی  
 بود گرد راهش بود نقش پایش  
 بود نور او سرّ ایجاد عالم  
 به فرض محال ار دهد زهر قاتل  
 چو او حمله آرد چه رستم چه داستان  
 بیابر سر کوی جاه و جلالش  
 بینی اگر روضه پاک او را  
 همه خادمانش عقول مجرد  
 چه بدبخت باشد که در حشر گردد  
 اگر قرب او با پیمبر نبودی  
 ترقّی بود بی ولایش تنزل  
 به عشرتگه حضرت بی زوالش  
 امامت کسی را سزا شد که دارد  
 قوی بازو، از خاطر اوست، دانش  
 دل مرده از گفته اوست زنده  
 فدای ره او چه دانش چه بینش  
 شهی کز شرف کرده اوصاف او را  
 کلام الهی چه سابق چه لاحق

هدیّ هدایت هم اعلی هم ادنی  
 بماندی دو عالم چو عینین اعمی  
 دم عیسی مریم و دست موسی  
 بود ذات او قدرت حق تعالی  
 بود به که غیرش دهد من و سلوی  
 چو او معجز آرد چه موسی چه عیسی  
 بین ریخته بر سر هم تجلی  
 کم آید به چشم تو خورشید اعلی  
 همه چاکرانش نفوس معلی  
 جدا از در او به جنت تسلی  
 نمی گشت واجب مودّت به قربی  
 تنزل بود با ولایش ترقی  
 تمنی فرو ریخته بر تمنی  
 تجلی به فضل از رذایل تخلی  
 گرنامه از صحبت اوست تقوی  
 چه باشد ازین بهتر احیای موتی؟  
 طفیل در او چه دنیا چه عقبی  
 خداوند تنزیل صد جای املی  
 همه مدحت اوست حق کرده انشی





به تنزیل شد «هل اتی» از چه منزل  
 که از «انما» بود مقصود ایزد  
 که بود آن که با او به فرمان ایزد  
 به رد برائت که گردید مأمور  
 کرا با نبی بود فضل اخوت  
 به شأن که جبرئیل شد لافتی گو  
 به روز غدیر از برای که می گفت  
 برای که بود این که گردید صادر  
 چرا کرد امر سلام امامت  
 کسی کاین فضایل مر او راست ثابت  
 بود در امامت ز هر غیر سابق  
 یقین محض جهل است و عین شقاوت  
 چه جا دارد این کز ره علم گوید  
 مرا نیست باور که از اهل دانش  
 مگر این که در نیل جاه و مراتب  
 خدایا تو دانی که قیاض مجرم  
 به وی بخش دانسته تقصیر او را  
 زمن کم مکن نعمت مهر او را

نبی را ز بلّغ چرا کرد عتبی  
 به سایل که انگشتی کرد اعطی  
 نبی شد مباحل به قوم نصاری  
 به اعطای رایت کرا کرد انهی  
 کرا با اولوالعزم حدّ تساوی  
 پیمبر برای که گفت انت منی  
 به بالای منبر نبی است اولی  
 حدیثی که نقل است در طیر مشوی  
 چرا اجر تبلیغ شد حبّ قربی  
 کسی کاین دلایل در او هست مجری  
 بود در خلافت ز هر غیر آحری  
 نمودن به او دیگری را مساوی  
 کسی این که غیری ازو هست اولی  
 به دل کرده باشد کسی این تجری  
 نماید تقرّب به ارباب دنیی  
 ندارد به جز درگه شاه ملجی  
 به وی بخش چندین گناهان عظمی  
 که درهر دو عالم مرا این بس اجری<sup>۱</sup>

۱. دیوان قیاض لاهیجی، به کوشش دکتر امیر بانوی کریمی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۲، ه ش، تهران صص





کارهای مرا چنان گردان  
یافتم ره به سوی درگه تو  
دیده روشن شد از غبار رهش  
با من آن کرد، کان سزای وی است  
من ندانم چه سان کنم شکرش؟  
شکر آن کور هم نمود به تو  
گنهم گرچه هست بی حد و حصر  
نامهام گر تهی است از حسنات  
مهر او می برد مرا به بهشت  
همچو سایه که می رود پی مهر

که بود جمله در رضای علی  
از سخنهای جانفزای علی  
راه دیدم به توتیای علی  
نیستم من ولی سزای علی  
هم تو از من بده جزای علی  
تو بیفزای بر علای علی  
لیک هستم زاویای علی  
دل پُر دارم از ولای علی  
می روم سوی حق به پای علی  
می رود «فیض» در قفای علی<sup>۱</sup>

### سروده‌ای از حزین لاهیجی

آمد سحر زکوی تو دامن کشان صبا  
شد زان سلام زنده عظام رمیم من  
آن خوش نسیم کرد چو آهنگ باز گشت  
یک دامن اشک در قدمش ریختم به عجز  
چون می کنی زیارت آن خاک آستان  
از من بکن به خاک درش عرض سجده‌ای  
پس بعد ازین زمین ادب بوسه ده بگو  
روزی که بود در کف من دامن وطن  
آشوب دهر زد سرپا بر بساط من  
برداشت صرصر از سر شاخ آشیان من  
اکنون چوبید با کف خالی نشسته‌ام

أهدى السَّلام منکَ علی تابع الهدی  
گفتم به صد نیاز که اهلاً و مرحباً  
باز آمدم به خویش از آن سُکر دلگشا  
گفتم به او نهفته که: روحی لک الفدا  
چون می رسی به درگه آن کعبه صفا  
گردد اگر قبول، زهی عزّ و اعتلا  
کاین خسته نیست بی تو دمی از غمت جدا  
پایم همین به دامن خود بود آشنا  
بگرفت ذره ذره کف خاک من هوا  
افکند هر طرف خس و خاشاک من جدا  
شرمندگی است حاصلم از خویش و آشنا

۱. دیوان ملامحمد محسن فیض کاشانی، با تصحیح مصطفی فیض کاشانی، ج ۱، از انتشارات اسوه وابسته به سازمان اوقاف تهران ۱۳۷۱ ه. ش.، ص ۴۲۳.





بی تولا بر علی و آل او دوزخ تو راست  
 هر کسی کودل به نقص<sup>۱</sup> مرتضی معیوب کرد  
 ای به کرسی بر، نشسته آیت الکرسی به دست  
 گربه تخت و گاه و کرسی غره خواهی گشت خیز  
 سیصد و هفتاد سال از وقت پیغمبر گذشت  
 منبری کآلوده گشت از پای مروان و یزید  
 مرتضی و آل او با ما چه کردند از جفا  
 کان همه مقتول و مسموم اند و مجروح از جهان  
 ای «کسای» هیچ مندیش از نواصب و زعدو

خوار و بی تسلیمی از تسنیم و از خلد برین  
 نیست آن کس بر دل پیغمبر مکی مکین  
 نیش زنبوران نگه کن پیش خان انگبین  
 سجده کن کرسیگران رادر نگارستان چین  
 سیر شد منبر ز نام و خوی سکین و تگین<sup>۲</sup>  
 حق صادق کی شناسد و آن زین العابدین؟  
 ما چه خلعت یافتیم از معتصم یا مستعین  
 وین همه میمون و منصورند امیرالفاستین  
 تا چنین گویی مناقب، دل چراداری حزین؟

◆◆ سروده‌ای از سنائی غزنوی<sup>۳</sup> ◆◆

کار عاقل نیست در دل مهر دلبر داشتن  
 از پی سنگین دل نامهربانی روز و شب  
 چون نگر دی گرد معشوقی که روز وصل او  
 هر که چون کر کس به مرداری فرو آورد سر  
 رایت همت زساق عرش بر باید فراشت  
 تا دل عیسی مریم باشد اندر بند تو

جان نگین مَهر مَهر شاخ بی برداشتن  
 بر رخ چون زر نثار گنج گوهر داشتن  
 بر تو زبید شمع مجلس مهر انور داشتن  
 کی تواند همچو طوطی طَمَعِ شکر داشتن؟  
 تا توان افلاک زیر سایه برداشتن  
 کی روا باشد دل اندر سمّ هم خر داشتن؟!

۱. عیب گرفتن.

۲. نام فرمانروایان آن روز خراسان.

۳. سلطان سنجر بن ملک‌شاه در باب مذهب از حکیم سؤال کرد: سنائی جواب او بدین قصیده فرستاد. از شعرهای سنائی غزنوی شاعر قرن ششم.



یوسف مصری نشسته با تو اندر انجمن  
 احمد مرسل نشسته کی روا دارد خرد  
 بحر پر کشتی است لیکن جمله در گرداب خوف  
 من سلامت خانه نوح نبی بنمایت  
 شو مدینه علم را در جوی و پس در وی خرام  
 چون همی دانی که شهر علم را حیدر دراست  
 کی روا باشد به ناموس و حیل در راه دین  
 از تو خود چون می‌پسندد عقل نابینای تو  
 مرمر باری نکو ناید ز روی اعتقاد  
 آن که او را بر سر حیدر همی خواند امیر  
 تا سلیمان وار باشد حیدر اندر صدر ملک  
 گر همی خواهی که چون مُهرت بود مهرت قبول  
 جز کتاب الله و عترت ز احمد مرسل نماند  
 از گذشت مصطفای مجتبی جز مرتضی  
 از پس سلطان ملکشه چون نمی‌داری روا  
 از پی سلطان دین پس چون روا داری همی  
 هشت پستان را کجا هرگز توانی یافتن  
 علم دین را تا نیابی چشم دل را عقل ساز  
 تا تو را جاهل شمارد عقل سودت کی کند

زشت باشد چشم را در نقش آزر داشتن  
 دل اسیر سرت بوجهل کافر داشتن؟  
 بی‌سفینه نوح نتوان چشم معبر داشتن  
 تا توانی خویشتن را ایمن از شر داشتن  
 تا کی آخر خویشتن چون حلقه بر در داشتن  
 خوب نبود جز که حیدر میر و مهتر داشتن  
 دیو را بر مسند قاضی اکبر داشتن  
 پارگین را قابل تسنیم و کوثر داشتن  
 حق حیدر بردن و دین پیمبر داشتن  
 کافر مگر می‌تواند کفش قنبر داشتن  
 زشت باشد دیو را بر تارک افسر داشتن  
 مِهَر حیدر بایدت با جان برابر داشتن  
 یادگاری کان توان تا روز محشر داشتن  
 عالم دین را نیارد کس معمر داشتن  
 تاج و تخت پادشاهی جز که سنجر داشتن  
 جز علی و عترتش محراب و منیر داشتن؟  
 جز به حبّ حیدر و شبّیر و شبّر داشتن  
 تا نباید حاجت، بر روی معجر داشتن  
 مذهب سلمان و صدق و زهد بوذر داشتن





علم چبودک فرق دانستن حقی از باطلی  
ای «سنائی» وارهان خود را که نازیبا بود  
بندگی کن آل یاسین را به جان تاروز حشر  
زیور دیوان خود ساز این مناقب را از آنک

نی کتاب زرق شیطان جمله از برداشتن  
دایه را بر شیرخواره مهر مادر داشتن  
همچو بی دینان نباید روی اصراف داشتن  
چاره نبود نوعروسان را ززیور داشتن<sup>۱</sup>

### آن ولی نازنین یعنی علی

آن امیرالمؤمنین یعنی علی  
آفتاب آسمان لافتی  
شاه مردان پادشاه ملک دین  
نام او روح القدس از بهر نام  
گر امامی بایدت معصوم و پاک  
گر محمد هست ختم انبیا  
ساقی کوثر امام انس و جان  
فتح و نصرت داشت در روز غزا  
پیشوایی گر گزینی ای عزیز!  
مخزن الاسرار اسمای اله  
بود با سر نبوت روز و شب  
دین و دنیا رونقی دارد که هست  
این نصیحت بشنو از من یاددار  
ناز دارد بر جمیع اولیا  
صورتش در طا وها می جو که هست  
دست برده از ید بیضا به روز

وان امام المتقین یعنی علی  
نور رب العالمین یعنی علی  
سرور خلد برین یعنی علی  
می نویسد بر جبین یعنی علی  
می طلب شاهی چنین یعنی علی  
گشته بر خانم نگین یعنی علی  
مصطفی را جانشین یعنی علی  
بر یسار و بر یمین یعنی علی  
این چنین شاهی گزین یعنی علی  
نفس خیر المرسلین یعنی علی  
رازدار و هم قرین یعنی علی  
کارساز آن و این یعنی علی  
دایما میگو همین یعنی علی  
آن ولی نازنین یعنی علی  
معنی اش در «یا» و «سین» یعنی علی  
معجزه در آستین یعنی علی

۱. دیوان سنائی غزنوی، به سعی و اهتمام مدرّس رضوی انتشارات سنائی، ۱۳۵۴ ه. ش، تهران، ص ۴۶۷ قصیده

به اختصار نقل شد.

۲. شاه نعمت الله ولی ۷۳۱ - ۸۳۴ ه. ش.





چندان که در آفاق نظر کردم و دیدم  
 خاتم که در انگشت سلیمان نبی بود  
 آن شاه سرافراز که اندر شب معراج  
 آن کاشف قرآن که خدا در همه قرآن  
 علاوه بر این، در دیوان شمش سه غزل  
 «ای شاه شاهان جهان، الله مولانا علی  
 حمد است گفتن نام تو، ای نور فرخ نام تو  
 خورشید مشرق خاوری، در بندگی بسته کمر  
 خورشید باشد ذره‌ای، از خاکدان کوی تو  
 موسی عمران در غمت، بنشسته بدر کوه طور  
 آدم که نور عالم است، عیسی که پور مریم است  
 داوود را آهن چون موم، قدرت نموده کرد گار  
 آن نور چشم انبیا، احمد که بُد بدر دُجا  
 قاضی و شیخ و محتسب، دارد به دل بغض علی  
 گر مقتدای کاهلی کرده است در دین جاهلی  
 شاهم علیّ مر تزی، بعدش حسن نجم سما  
 آن آدم آل عبا، دانم علی زین العباد  
 موسی کاظم هفتمین، باشد امام و رهنما  
 سوی تقی آی و نقی، در مهر او عهدی بخوان  
 مهدی سوار آخرین، بر خصم بگشاید کمین

از روی یقین در همه موجود، علی بود  
 آن نور خدایی که بر او بود، علی بود  
 با احمد مختار یکی بود، علی بود  
 کردش صفت عصمت و بستود، علی بود  
 با ردیف الله مولانا علی آمده است.  
 ای نور چشم عاشقان، الله مولانا علی  
 خورشید. مه هندوی تو، الله مولانا علی  
 ماهت غلام نیک پی، الله مولانا علی  
 دریای عمان شبمنی، الله مولانا علی  
 داوود و می خواندت زبور، الله مولانا علی  
 در کوی عشقت در هم است، الله مولانا علی  
 زیرا به دل اقرار کرد، الله مولانا علی  
 می گفت در قرب دنی، الله مولانا علی  
 هر سه شدند از دین بری، الله مولانا علی  
 تو مقتدای کاملی، الله مولانا علی  
 خوانم حسین کربلا، الله مولانا علی  
 هم باقر و صادق گوا، الله مولانا علی  
 گوید علی موسی الرضا، الله مولانا علی  
 با عسگری رازی بگو، الله مولانا علی  
 خارج رود زیر زمین، الله مولانا علی





مثنوی است. به راستی چرا مولانا طولانی‌ترین شعر خود را از مثنوی به امام علی علیه السلام اختصاص داده است.

«گفت پیغمبر علی را کای علی  
لیک بر شیری مکن هم اعتماد  
اندر آدر سایه آن عاقلی  
ظلّ او اندر زمین چون کوه قاف  
گر بگویم تا قیامت نعت او  
در بشر روپوش کرده است آفتاب  
یا علی از جمله طاعات راه  
و نیز:

«از علی آموز اخلاص عمل  
در غزا بر پهلوانی دست یافت  
او خدو انداخت بر روی علی  
او خدو انداخت بر رویی که ماه  
در زمان انداخت شمشیر آن علی  
گفت: بر من تیغ تیز افراشتی  
آن چه دیدی بهتر از پیکار من  
آن چه دیدی که چنین خشم نشست  
آن چه دیدی که مرا زان عکس دید  
آن چه دیدی برتر از کون و مکان  
در شجاعت شیر ربا نیستی  
در مروّت ابر موسایی به تیه

...

ای علی که جمله عقل و دیده‌ای  
تیغ حلمت جان ما را چاک کرد  
باز گو دانم که این اسرار هوست

شیر حقی، پهلوانی، پر دلی  
اندر آدر سایه نخل امید  
کش تتاند برد از ره ناقلی  
روح او سیمرخ بس عالی طواف  
هیچ آن را مقطع و غایت مجو  
فهم کن والله اعلم بالصواب  
برگزین تو سایه خاص اله»

شر حق را دان منزه از دغل  
زود شمشیری بر آورد و شتافت  
افتخار هر نبی و هر ولی  
سجده آرد پیش او در سجده‌گاه  
کرد او اندر غزایش کاهلی  
از چه افکندی، مرا بگذاشتی؟  
تا شدی تو سست در آشکار من؟  
تا چنان برقی نمود و باز جست؟  
در دل و جان شعله‌ای آمد پدید؟  
که به از جان بود و بخشیدیم جان؟  
در مروّت خود که داند کیستی؟  
کامد از وی خوان و نان بی شبیه

شمّه‌ای و اگو از آنچه دیده‌ای  
آب علمت خاک ما را پاک کرد  
زان که بی‌شمشیر کشتن کار اوست





تو تبار و اصل و خویشم بوده‌ای  
 من غلام آن چراغ چشم جو  
 من غلام موج آن دریای نور  
 عرضه کن بر من شهادت را که من  
 قرب پنجه کس ز خویش و قوم او  
 او به تیغ حلم چندین حلق را  
 تیغ حلم از تیغ آهن تیزتر

تو فروغ شمع کیشم بوده‌ای  
 که چراغت روشنی پذیرفت از او  
 که چنین گوهر بر آرد در ظهور  
 مر تو را دیدم سرافراز زمن  
 عاشقانه سوی دین کردند رو  
 وا خرید از تیغ چندین خلق را  
 بل زصد لشکر ظفر انگیزتر»

....

«زین سبب پیغمبر با اجتهاد  
 گفت: «هر کاو را منم مولا و دوست  
 کیست مولا؟ آن که آزادت کند  
 چون به آزادی نبوت هادی است  
 ای گروه مؤمنان، شادی کنید

نام خود وان علی مولا نهاد  
 این عمّ من، علی، مولای اوست»  
 بند رقیّت زیایت بر کند  
 مؤمنان را زانبیا آزادی است  
 همچو سرو و سوسن آزادی کنید»

❖ سروده‌ای از حضرت آیت‌الله الهی قمشه‌ای<sup>۱</sup> ❖

سروش غیبم به پرده دل سراید از عشق داستان‌ها  
 که جز به مهر علی فروزان نگردد انوار آسمان‌ها  
 چو حسن او ماه دلربایی چو طلعتش جلوه خدایی  
 چو قامتش سرو با صفایی ندیده چشمی به بوستان‌ها  
 به هر دل افتد زمهر نورش بنوشد از باده ظهورش  
 به جامی از کوثر حضورش شود مجرد تن و روان‌ها  
 شنیده نیروی سنانش، فکندن عمرو و صد چو آتش  
 ندیده‌ای قدرت روانش به کشور ملک لامکانها  
 به ملک جان شاه کشور است او، به شهر علم نبی در است او  
 به گنج حق پاک گوهر است او، خراج یک جلوه‌اش جهان‌ها  
 زحق مجیب دعای آدم به امر ایزد وصی خاتم  
 فروغ‌الله و نور عالم، فدای او جان جان جان‌ها

۱. الهی قمشه‌ای، و: ۱۳۵۲ ه. ش ..



ظهور عین الکیمال ایزد شهود کل الجمال ایزد  
 به قهر و سطوت جلال ایزد خدا نمایی به چشم جانها  
 خرد به کار علی است حیران که چیست این سرّ سرّ سبحان  
 مثالی از بی‌مثال یزدان، دراواز آن بی‌نشان نشانها  
 خلیفه‌الله اعظم است او، معلم روح آدم است او  
 امیر پاکان عالم است او امام مطلق بر انس و جانها  
 کتاب ناطق امام بر حق معین طاها ولی مطلق  
 خلافتش بر جهان محقق حکومتش بر تن و روانها  
 علی عالی امیر ایمان ولی ایزد خدیو امکان  
 وصیّ احمد سمیّ سبحان جلالتش برتر از بیانها  
 دو دیده‌اش بر جمال سرمد دو نرگش مست حسن ایزد  
 بهشتیان را به نص احمد دو گوهرش سید جوانها  
 هزار یک از صفات نکرده وصف ای امیر عالم  
 اگر فرستد هزار دفتر، فرشته وحی از آسمانها  
 تو ظلّ خورشید لا یزالی، تو ذات بی‌مثل را مثالی  
 تو ساقی جرعه وصالی به باغ رضوان به بوستانها  
 تو جوهر قدرت خدایی تخلّق وصف کبریایی  
 زمهر حق در مثل ضیایی تو را سزد قدر و عزّ و شانها  
 تو در غدیر از خدای قادر امیر باطن شدی و ظاهر  
 که تاجداری شرع اطهر تو راست شایسته نی فلانها  
 به ملک دین جز تو شه نزید بر این فلک جز تو مه نزید  
 شهی به هر دل سیه نزید تویی گل و خارت این و آنها  
 تو بسمل دفتر خدایی، به کشتی شرع ناخدایی  
 شهنشه تاج آتمایی ثنای حسن تو بر زبانها  
 تو خسرو هلّ آتی مقامی بشیر رحمت به خاص و عامی  
 ز کوثر عشق یا رجامی به عاشقان بخش و تشنه جانها  
 تویی که شمشیر آبدارت فکند سرها به خاک ذلّت  
 بس آتش قهر و اقتدار زمشرکان سوخت دودمانها





زامر بَلِّغْ به حکم ایزد شدی تو چون جانشین احمد  
 رقیب گشت از حسد مَخْلَد به نار محرومی از جنانها  
 به شکر اعزاز پادشاهی به شیعیان از کرم نگاهی  
 مخواه ما را بدین تباهی نظر کن ای شه به پاسبانها  
 تو پرده دار ظهور ذاتی تو آینه جلوه صفاتی  
 تو کشتی نوح را نجات فراتر از گردش زمانها  
 چو خوانمی دفتر و کتابت فصاحت بی حد کلامت  
 فزایدم معرفت پیامت زدایدم شبهت و گمانها  
 تبارک آن خوش کتاب ایمان مفسر مجملات قرآن  
 فصاحتش نور چشم سَحْبان مسخرش عقل نکته دانها  
 به خیل خوبان تو پیشوایی بر اهل دل شاه اولیایی  
 غرض زمعراج مصطفایی که آرد از غیبت ارمغانها  
 شبی که راز کمیل خوانم چو شمع روشن شود روانم  
 زشوقت از دیده خون فشانم زدل کشم ناله و فغانها  
 صباح اگر خوانمی دعایت به پیشگاه ازل ثنایت  
 به چشم دل بینمی صفایت در آن حقایق وز آن بیانها  
 زعلم و عقل و سخا و قدرت به زهد و حلم و تقی و همت  
 ندید چشم جهان منالت نه در زمین نی در آسمانها  
 به سجده گه سر نهادی زجور ابن ملجم مرادی  
 به گلشن قدس پر گشادی برستی از جور سرگرانها  
 به تیغ زهر آبداده ناگاه شکافت آن جبهه به از ماه  
 فرشته فریاد زد که الله بر آمد از قدسیان فغانها  
 منم (الهی) گدای کویت زهر طرف چشم دل به سویت  
 که اقدام یک نظر به رویت به وقت رحلت زجسم جانها  
 الهیم بنده تو شاهم به کوی عشقت فتاده را هم  
 که بخشد از غرقه در گناهم محبتت زآتشم امانها<sup>۱</sup>

۱. کلیات دیوان حکیم الهی قمشه‌ای.





یاعلی خواهمت آن شعشعه تیغ زرافشان  
بایدم این لمعان دیده، ندانم به چه لَمی

هم بدو کفر سرافشان  
بآبی آنت و امی<sup>۱</sup>

سروده‌ای از میرزا حبیب خراسانی<sup>۲</sup>

ای گلرخ دلفریب خودکام  
شد وقت که باز دور ایام  
برخیز تو نیز آسمان وار  
بستان و بده بگو سرودی  
چون خرمن گل به عشوه بنشین  
از شام به عیش کوش تا صبح  
امروز بگو مگر چه روز است  
موجود شد از برای امروز  
امروز زروی نص قرآن  
امروز به امر حضرت حق

وی دلبر دلکش دل آرام  
گامی بزند موافق کام  
یکروز به کام ما بزن گام  
برخیز و برو بیا بزن جام  
چون سرو روان به جلوه بخرام  
وز صبح به طیش باش تا شام  
تا گویمت این سخن به اکرام  
آغاز وجود تا به انجام  
بگرفت کمال، دین اسلام  
شد نعمت حق به خلق اتمام

امروز وجود، پرده برداشت  
رخساره خویش جلوه گر داشت

امروز که روز دار و گیر است  
چون جام دهی به ما جوانان  
از جام و سبو گذشت کارم  
برد از نگاهی دل همه خلق  
در عشوه آن دو آهوی چشم  
در چنبر آن دو هندوی زلف  
می نوش که چرخ پیر امروز  
امروز به امر حضرت حق

می ده که پیاله دلپذیر است  
اول به فلک بده که پیر است  
وقت خم و نوبت غدیر است  
آهوی تو سخت شیر گیر است  
گر شیر فلک بود، اسیر است  
خورشید سپهر، دستگیر است  
از ساغر خور پیاله گیر است  
بر خلق جهان علی امیر است

۱. غدیر در شعر فارسی، صص ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸.  
۲. حاج میرزا حبیب خراسانی، ت: ۱۲۶۶ هـ و: ۱۳۲۷ هـ.ق.

امروز به خلق گردد اظهار  
آن پادشه ممالک جود  
آن سرّ نهران که در ضمیر است  
در ملک وجود بر سریر است  
چندان که به مدح او سرودیم  
یک نکته زصد نگفته بودیم<sup>۱</sup>

### درباره ولایت و امامت مولی الموالی علی علیه السلام<sup>۲</sup>

هله شمع بزم صفوت دُر برج لافتایی  
که وسیله نجاتی و صحیفه وجودی  
همه خلعت و صفایی که خلیل را سلیلی  
هله برفراز شاهها! به فلک لوای دولت  
بفراز چتر میری بفروز تخت شاهی  
بگذار شهر غربت بدر آژ چاه عزلت  
تو شهاب دیو سوزی بستان زد یو خاتم  
بشکن شکوه دیوان بنشین به صدر ایوان  
ز فلک فرشته آید به تو تهنیت بگوید  
همه شب به چرخ ناهید سراید این ترانه  
ز زلال عمر بخشش قدحی به تشنگان ده  
نه عجب بود که نَسْرِبُنْ فلک شکار سازم  
نه ز موج بحر ترسم نه ز انقلاب دریا  
به سفینه‌ای نشستم که در او تو ناخدایی

۱. دیوان حاج میرزا حبیب خراسانی، به سعی و اهتمام علی حبیب، کتابفروشی زوار، تهران، چ ۴، ۱۳۶۱ ه. ش. صص ۳۲۴، ۳۲۵.

۲. فرهنگ شیرازی چهارمین فرزند وصال شیرازی، (۱۳۴۲ - ۱۳۰۹ ه. ش.).



چو ندای فقر و فخری بشنیدم از پیمبر  
به همه دیار رفتم ز همه نشان گرفتم  
ز کست نشان چه جویم که تو در میان جانی  
مِسِ کم بهای «فرهنگ» چگونه زر توان شد

ندهم به سلطنت دولت فقر و بینوایی  
نه کس از توام نشان داد و نگفت از کجایی  
زدلم سراغ گیرم که تو با دل آشنایی  
نکند اگر عیار قدم تو کیمیایی<sup>۱</sup>

### در تهنیت غدیر<sup>۲</sup>

شراب تاک ننوشم دگر زخمِ عصیر  
به مهر ساقی کوثر از آن شراب خورم  
از آن شراب کز آن هر که قطره‌ای بچشد  
به جان خواجه چنان مست آل یاسینم  
دو صد قرابه شراب اربیک نفس بخورم  
عجب مدار که گوهر فشان شوم امروز  
دمیده صبح جنونم چنان که بر وی دم  
بر آن مبین که چو خورشید چرخ عریانم  
نهفته مهر نبی، گنج فقر در دل من  
فقیر را به زر و سیم و گنج چاره کنند  
اگر چه عید غدیرست و هر گنه که کنند  
ولیک با دهن پاک و قلب پاک اولیست  
نسیم رحمت یزدان قسیم جنت و نار  
بزرگ آینه‌یی هست در برابر حق  
نبد ز لوح مشیت بزرگ تر لوحی  
دمی که رحمتش از خلق سایه برگیرد

شراب پاک خورم زین سپس زخمِ غدیر  
که دُرد ساغر او خاک را کند اکسیر  
شود ز ماحصل سر کاینات خبیر  
که آید از دهنم جای باده بوی عبیر  
که مست تر شوم اصلا نمی‌کند توفیر  
که صد هزارم دریاست در درون ضمیر  
ز قلّ اَعُوذُ بربّ الفلق دمد زنجیر  
بر آن نگر که جهان رادهم لباس حریر<sup>۳</sup>  
که گنج نقره نیرزد برش به نیم نقیر  
ولی علاج ندارد چو گنج گشت فقیر  
ببخشد از کرم خویش کرد کار قدیر  
که نعت حیدر کرّار را کنم تقریر  
خدایو پادشهان پادشاه عرش سریر...  
که هر چه هست سراپا دروست عکس پذیر  
که نقش بند ازل صورتش کند تصویر  
همان دم از همه اشیا برون رود تأثیر

۱. گلشن وصال، روحانی وصال، تهران، ۱۳۱۹ ه. ش. ص ۴۱۲.

۲. سروده حکیم قانی شیرازی ۱۲۲۲ - ۱۲۷۰ ه. ش.

۳. غدیر در شعر فارسی، سید مصطفی موسوی گرمارودی، دفتر نشر الهادی، قم، ۱۳۷۴ ه. ش. ص ۸۵.





جلوه به صد ناز کرد، لیلی حسن قدم  
 نغمه‌گری ساز کرد، معدن کل حکم  
 به هر که مولا منم، علی است مولای او  
 سرّ معّمّا منم، علی است مَجَلای او  
 طور تجلّی منم، سینه سینا علی است  
 درّه بیضا منم، لؤلؤ لالا علی است  
 حلقه افلاک را، سلسله جنبان علی است  
 دفتر ادراک را، طراز و عنوان علی است  
 دایره کُن فکان، مرکز عزم علی است  
 در حرم لامکان، خلوت بزم علی است  
 قبله اهل قبول، غرّه نیکوی اوست  
 قوس صعود و نزول، حلقه ابروی اوست  
 طلعت زیبای او، ظهور غیب مضمون  
 سرّ سویدای او، منزّه از چند و چون  
 یوسف کنعان عشق، بنده رخسار اوست  
 موسی عمران عشق، طالب دیدار اوست  
 ای به فروغ جمال، آینه ذوالجلال  
 گرچه بُراق خیال، در تو ندارد مجال

پرده زرخ باز کرد، بدر منیر ظّم  
 یا سخن آغاز کرد، عن اللطیف الخیر؟  
 نسخه اسما منم، علی است صغرای او  
 محیط انشا منم، علی مدار و مدیر  
 سرّ انالله منم، آیت کبری علی است  
 شافع عقبی، علی مُشار و مشیر  
 قاعده خاک را، اساس و بنیان علی است  
 سیّد لولاک را، علی وزیر و ظهیر  
 عرصه کون و مکان، خطّه رزم علی است  
 روی زمین و زمان، به نور او مستتیر  
 کعبه اهل وصول، خاک سر کوی اوست  
 نقد نفوس و عقول، به بار گاهش حقیر  
 لعل گهرزای او، مصدر کاف است و نون  
 صورت و معنای او، ننگجد اندر ضمیر  
 خضر بیابان عشق، تشنه گفتار اوست  
 کیست سلیمان عشق؟ بر در او یک فقیر  
 «مفتقر» خوش مقال، مانده به وصف تو لال  
 ولی زآب زلال، تشنه بود ناگزیر<sup>۱</sup>

### ❖ غدیریّه<sup>۲</sup> ای از عمان سامانی ❖

بر یخت صاف و نشاط از خم غدیر به جام  
 چه خوش نسیم است الله که از تبسم او  
 غلام روی کسی‌ام که بر هوای بهشت  
 بریز خون کبوتر زحلق بط به نشاط

صلای سر خوشی ای صوفیان دُرد آشام  
 شکوفه طرب از هر کنار شد بَسام  
 ز جای خیزد، خیز ای بهشت روی غلام  
 به ساغر ای بت طاووس چهر کبک خرام

۱. دیوان شیخ محمدحسین غروی اصفهانی، دارالکتب اسلامیّه، ۱۳۳۸ ه. ش.، تهران، صص ۲۶، ۲۷، ۲۸.

۲. عمان سامانی، وفات - ۱۳۲۲ ه. . .







### سروده‌ای از فردوسی<sup>۱</sup>

|   |   |
|---|---|
| <p>برانگیخته موج از او تندباد<br/>همه بادبان‌ها برافراخته<br/>بر آراسته همچو چشم خروس<br/>همه اهل‌بیت نبی و وصی<br/>خداوند امر و خداوند نهی<br/>دُرست این سخن گفت پیغمبر است<br/>بنزد نبی و وصی گیر جای<br/>ستاینده خاک پای وصی</p> | <p>خردمند گیتی چو دریا نهاد<br/>چو هفتاد کشتی بر او ساخته<br/>میانہ یکی خوب کشتی عروس<br/>پیمبر بدو اندرون با علی<br/>چه گفت آن خداوند تتریل و وحی<br/>که من شهر علمم علیم در است<br/>اگر خلد خواهی به دیگر سرای<br/>منم بنده اهل‌بیت و نبی</p> |
|---|---|

### گنجینه اسرار<sup>۲</sup>

|   |  |
|---|--|
| <p>شد نام تو از نام خدا، نامی و مشتق<br/>یعنی که ترا خواند علی قادر مطلق<br/>سلطان دو عالم توئی ای ذات مقدس<br/>گوی خم چوگان تو نه چرخ مقرنس<br/>گرد ره جولان تو هفت ارض مطبق<br/>همجنس رسولی و من الله مؤید<br/>در شأن تو گفت اول من آمنه احمد<br/>ایمان تو سابق بود و ذات تو اسبق<br/>بخشیده از آن منصب عالی امامت<br/>زین مرتبت و رتبه والای ولایت<br/>بر تخت خلافت تو سزاواری و ذیحق<br/>بر کنگره عرش پر خویش کشاندی<br/>یعنی شب معراج شدی شیر و ستاندی</p> | <p>آثار ربوبیت، از ارشاد تو منشق<br/>معموره کونین زحکم تو مؤسس<br/>در پنجه تو ضبط جهت‌های مسدس<br/>نور تو بُود نور خداوند محمد<br/>ایمان تو از بدو ازل هست مؤید<br/>ایمان تو سابق بود و ذات تو اسبق<br/>هم شاه رُسل مرحمت کرده وزارت<br/>حق داده ترا مرتبه خاص و کالت<br/>تو توسن تقویم بر افلاک جهانندی<br/>خود را به مقامی که ترا بودی رسانندی</p> |
|---|--|

۱. فردوسی.

۲. سروده یغمای جندقی.

انگشتر دستور زیغمبر بر حق

در طفلی و گهواره، دریدی زهم اژدر  
در حرب زشمشیر تو شد عمرو دو پیکر  
کردی تو جدا سر زتن مرحب و عنتر  
کندی تو زسر پنجه قدرت در خبیر

ای وصف شکن بدر و حنین فاتح خندق

کس نیست ز تو در فحصای عرب أفصح  
هستی نمک نعمت خوان انا املح  
فصل تو صریح است و کمالات تو اصرح  
افعال تو چون فعل نبی و همه اصح

اقوال تو چون قول نبی و همه اصدق

آبای ترا رتبه والا حسبی بود  
اجداد ترا پایه والا نسبی بود  
ابن علم و کفو تو رسول عربی بود  
تو جان نبی بودی و جان تو نبی بود

این مسئله از لحمک لحمی است محقق

طوفان زده معصیت، از کثرت عصیان  
هرچند کند گریه به همچشمی عمان  
تا می شود آن غرفه دریای گناهان  
کش غیر ولای تو بود قلم امکان

تو بحر نجاتی و بود حبّ تو زورق

واندم که گدازد چومس، اجزاء گل و خار  
آتش چه کند با تن بیجان گنهکار  
از کثرت اکسیر تو حالی تو به گفتار  
(یغما) بزند نعره ی یا حیدر کرار

آتش پرد از وحشت نام تو چو زنبق

کوه وقار

نوشته بر در فردوس کاتبان قضا  
ز نام اوست معلق سما و کرسی و عرش  
علی امام و علی ایمن و علی ایمان  
علی علیم و علی عالم و علی اعلم  
علی نصیر و علی ناصر و علی منصور  
علی عزیز و علی عزت و علی افضل  
علیست فتح فتوح و علیست راحت روح

نبی رسول و ولیعهد حیدر کرار  
ز ذات اوست مطبق زمین بدین هنجار  
علی امین و علی سرور و علی سردار  
علی حکیم و علی حاکم و علی مختار  
علی مظفر و غالب علی سپهسالار  
علی لطیف علی انور و علی انوار  
علیست بحر سخا و علیست کوه وقار

۱. حافظ شیرازی.



علی سلیم و علی سالم و علی مسلم  
علی صفی و علی صافی و علی صوفی  
علی نعیم و علی نعمت و علی منعم

علی قسیم قصور و علی است قاسم ناز  
علی وفی و علی صفدر و علی کَرّار  
علی بود اسدالله قاتل الکفار

سروده‌ای از عبدالرحمن جامی

چون شاه زنگ تیغ مَهَنَد کند عَلم  
یعقوب لیل از مژّه گوهر فشان شود  
ماهّی شرق یونس مه را برافکند  
نیلوفری شود فلک از شبَنم نجوم  
صَرَاف صبح بر زبر نطع نیلگون  
دوشیزگان پرده‌ی شب رخ نهان کنند  
بازار شام را چو فروزان بود چراغ  
وانگه مداد سازد از آن دوده و کند  
الله شکل پنجه قدرت نمای تست  
از عاصیان اُمّت احمد کمینه است

دارای روم باز گذارد سریر جم  
چون یوسف نهار فتد در چه طَلم  
ثعبان غرب ضیغم خود را کشد به دم  
مانند سبزه‌زار ارم در صباح نم  
ریزد نقود ثابت و سیّاره چون درم  
چون دیده‌بان صبح برآرد سر از عدم  
عَطّار صبح جمع کند دوده ظلم  
مدح و ثنای شاه ولایت علی رقم  
این است فی الحقیقه یدالله فوقهم  
بر وی ترحمی بکن ای قبله امم

قصر جلال<sup>۱</sup>

أصبحتُ زیرا لک یا شحنة النجف  
تو قبله دعائی و اهل نیاز را  
می‌بوسم آستانه قصر جلال تو  
گر پرده‌های چشم مرصع به گوهرم  
خوشحالم از تلاقی خدّام روضه‌ات  
رو کرده‌ام ز جمله اکناف سوی تو

بهر نثار مرقد تو نقد جان بکف  
روی امید سوی تو باشد زهر طرف  
در دیده اشک عذر ز تقصیر ما سلف  
فرش حریم قبر تو گردد زهی شرف  
باشد کنم تلافی عمری که شد تلف  
تا گیریم ز حادثه‌ی دهر در کَنف

۱. عبدالرحن جامی.



دارم توقّع اینکه مثال رجای من  
 مه بی کلف ندیده کسی وین عجب که هست  
 بر روی عارفان ز تو مفتوح گشته است  
 جز گوهر ولای ترا پرورش نداد  
 خصم تو سوخت در تب تبّت چو بولهب  
 رفت از جهان کسی که نه پی بر پی تورفت  
 اوصاف آدمی نبود در مخالفت  
 زان پایه برتری تو که کنه کمال تو

### ❖ سروده‌ای ناب از خواجهی کرمانی ❖

مرحبا ای نکهت عنبر نسیم نوبهار  
 سنبل اندر جیب داری یاسمن در آستین  
 دوش هنگام سحر بر کوفه افکندی گذر  
 یا نسیم روضه دار القرار آورده‌ای  
 شاه مردان چون خلیل الله به صورت بت شکن  
 مهر او از آسمان لافتی الاعلی  
 تیغ او از گوهری لاسیف الا ذوالفقار  
 عالم او را گر امیرالمؤمنین خواند رواست  
 او را گر امام المتقین داند سزاست  
 غزه ماه منور بین که غرّا کرده‌اند  
 شامیان را طره مشکین مطرّا کرده‌اند



بر امید آنکه سازندش قبا آل عبا  
چون بر آمد جوش جیش شاه مردان در مصاف  
روشنان قصر کحلی گرد خاک پای او  
با وجود شمسه گردون عصمت فاطمه  
خون او را تحفه سوی باغ رضوان برده‌اند

اطلس زربفت را پیروزه سیما کرده‌اند  
از غبار تازیان چرخ معلاً کرده‌اند  
سرمه چشم جهان‌بین ثریا کرده‌اند  
زهره را این تیره روزان نام زهرا کرده‌اند  
تا از آن گلگونه رخسار حورا کرده‌اند

آنکه طاوس ملایک پای‌بند دام اوست  
هفت اندام نه گردون سه حرف نام اوست

باز دیگر بر عروس چرخ زیور بسته‌اند  
چرخ کحلی‌پوش را بند قبا بگشوده‌اند  
اطلس گلریز این سیمابگون خرگاه را  
مهد خاتون قیامت می‌برند از بهر آن

پرده زربفت بر ایوان اخضر بسته‌اند  
کوه آهن چنگ را زرین کمر در بسته‌اند  
نقش پردازان چینی نقش شوشتر بسته‌اند  
دیده‌بانان فلک را دیده‌ها بر بسته‌اند  
نقره خنگ آسمان را از زمین در بسته‌اند  
نام اهل البیت بر بال کبوتر بسته‌اند  
تازیانش شیهه اندر قصر قیصر بسته‌اند

یا زبهر حبه‌الحق مهدی آخر زمان  
دانه ریزان کبوتر خانه روحانیان  
دل در آن تازی غازی بند کاندز غز و روم

عصمت احمد زمطردان بوجهلی مجوی  
قصه حیدر به مردودان مروانی مگوی

معشر العمستغفرین صلّوا علی خیرالوری  
قلعه‌گیر کشور دین حیدر درنده حی  
کاشف سرّ خلافت رازدار لو کشف

زمره‌المسترحمین حیوالوفی المرتضی  
دسته‌بند لاله عصمت وصی مصطفی  
قاضی دین نبی مسندنشین هل اتی





هر که او چون حلقه نبود بر در حیدر مقیم

رهروان راه دین چون حلقه‌اش بر در زند

مؤمنان حیدری را می‌رسد کز بهر دین

حلقه ناموس حیدر بر در خیبر زند

ره به منزل برد هر کو مذهب حیدر گرفت

آب حیوان یافت آنکو خضر را رهبر گرفت

### از سروده‌های حافظ شیرازی

طالع اگر مدد کند دامنش آورم بکف

گر بکشم زهی طرب ور بکشد زهی شرف

طرف کرم زکس نسبت این دل پر امید من

گرچه سخن همی برد قصه من بهر طرف

چند بناز پرورم مهر بتان سنگدل

یاد پدر نمی‌کنند این پسران ناخلف

از خم ابروی توأم هیچ گشایشی نبود

وه که درین خیال کج عمر عزیز شد تلف

ابروی دوست کی شود دستکش من ضعیف

کس نزدست ازین کمان تیر مراد بر هدف

من به خیال زاهدی گوشه‌نشین و طرفه آنک

مغیچه‌ای بهر طرف می‌زندم به چنگ و دف

بی‌خبرند زاهدان نقش بخوان و لاتقل

مست ریاست محتسب باده بنوش ولا تخف

صوفی شهریین که چون لقمه شبه می‌خورد

پار دمش دراز باد آن حیوان خوش علف

«حافظ اگر قدم زنی در ره خاندان بصدق

بدرقه رهت کنم همت شحنه‌النجف

### سروده‌ای از محتشم کاشانی

ای نثار شام گیسویت خراج مصر و شام

هندوی خال ترا صد یوسف مصری غلام

چهره‌ات افروخته، ماه درخشان را عذار

جلوه‌ات آموخته، کبک خرامان را خرام



کاکلت بر آفتاب از ساحری افکنده ظلّ  
 طوبی از قدت پیایی می کند رفتار، کسب  
 گل ببویت گرچه می باشد، نمی باید بسی  
 گر نسازم سر فدایت، بر تو خون من حلال  
 کوکب اوج جلالی باد حسنت لایزال  
 شاه خوبانی چو جولان می کنی بر پشت زین  
 صد هزاران شیوه دارد، آن پری در دلبری  
 یافتم دی، رخصت طوف ریاض عارضش  
 روضه ای دیدم چو جنت، جنت از وی برده فیض  
 بر لب آن چشمه، از خالش نشسته هندویی  
 مانع لب تشنه ها زان چشمه زمزم صفات  
 غیر تم زد در دل آتش، کز چه باشد بی سبب

سنبلت بر روی آب از جادوئی گسترده دام  
 طوطی از نطق دمامم می کند گفتار، وام  
 مه برویت گرچه می ماند نمی ماند تمام  
 ور نمیرم در هوایت، زندگی بر من حرام  
 آفتاب بی زوالی باد ظلّت مستدام  
 ماه تابانی چو طالع می شوی از طرف بام  
 من ندارم جز دلی، آیا نهم دل بر کدام؟  
 زد صبا زان گلستان، بوی بهشتم بر مشام  
 چشمه ای دیدم چو کوثر، کوثر از وی جُسته کام  
 چون سواد دیده مردم، بعین احترام  
 ناهی دلخسته ها زان شربت عَناب فام  
 هندوی شیرین مذاق، از دلیر ما تلخ کام

### جمال یزدان<sup>۱</sup>

ای آینه جمال یزدان  
 تابنده چو مهر، ز آسمانها  
 تا عرش کمال پر گشوده  
 مقصود توئی تو ز آفرینش

پیدا زرخست کمال یزدان  
 از چهره تو جلال یزدان  
 با قوت عشق و بال یزدان  
 از حکمت بی مثال یزدان

۱. مهرداد اوستا.





در آینه خیال بندم  
جلوه تو کنی به چشم خاطر  
رخسار تو از جمال یزدان  
گر وهم کند خیال یزدان  
چون دل درّ معنی از خرد سفت  
عشق آمد و مدحت علی گفت

ای چرخ به مهر بر کشیده  
در سایه پرّ آسمانیت  
وی مهر به چرخ سر کشیده  
خورشید زکوه پر کشیده  
تا بر تو برد نماز، هر صبح  
اسلام به یمن مقدم تو  
از خورشید به سوی روی تو سر  
از خاور دین طلوع کرده  
سر از بر باختر کشیده  
ای از بر چرخ بارگاہت  
سر منزل عشق شاهرهات

ای آیت رازگوی قرآن  
باقی، درد و آن می صاف  
دل پیشرو شمیم مویت  
هم رایت حق به دست احمد  
ای چهر تو آبروی اسلام  
تحریر تو رازگوی هستی  
وی رایت عرش پوی قرآن  
تابان ز تو در سبوی قرآن  
از رایحه نکوی قرآن  
هم آیت دین به روی قرآن  
وی مهر تو آبروی قرآن  
تقریر تو بازگوی قرآن  
تو بوالحسنی تو مرتضائی  
تو جلوه حق تو مصطفائی

ای جان جهان و جان هستی  
جولانگه نور دلفریبت  
هستی است بمدحتت سخنگوی  
جاوید شده به یمن بودت  
ای ماه به شامگاه گیتی  
روشن به عنایت خدائی  
وی زنده به تو روان هستی  
جولانگه بی کران هستی  
گفتار تو ترجمان هستی  
این هستی جاودان هستی  
ای مهر به آسمان هستی  
از چهر تو اختران هستی

## ای مشغل دلفروز ایمان

شمشیر خدا بدست یزدان

ای شمع ولایت محمد  
 با فرّ و شکوه آسمانی  
 نور دل و آیت محمد  
 در دست تو رایت محمد  
 لعل تو حکایت محمد  
 آغاز و نهایت محمد  
 مهر تو حمایت محمد  
 در ذیل عنایت محمد

ای امر تو چیره بر شب و روز

وی خیل تو بر ستاره پیروز

ای از بر سدره پر گرفته  
 یکسر همه حق شده همه عشق  
 جز حق زهمه نظر گرفته  
 تا شاهد حق به بر گرفته  
 بر خرمن شرک در گرفته  
 هر دم زکف سحر گرفته  
 تا آنسوی باختر گرفته  
 آفاق به زیر پر گرفته

ای صبح فروغ بخش اسلام

با ذکر توایم بام تا شام

ای گوهر گوهر ولایت  
 ای مهر فروغ بخش اسلام  
 خورشید منور ولایت  
 وی مشعل انور ولایت  
 وی رایت و افسر ولایت  
 والی هنر ور ولایت  
 تاج سر و مفخر ولایت  
 ای جان مجسم نبوت  
 وی روح مصور ولایت

مقصود نبی زلفتائی

ممدوح خدا زهل اتائی



### حافظ شیرازی این گونه سروده است

علی ز بعد محمد زهر که هست به هست  
 که نیست دین هدی را به قول پاک رسول  
 اگر تو مؤمن پاکی بکن بر این اقرار  
 امام غیر علی بعد احمد مختار

### سروده‌ای از شیخ فریدالدین عطار نیشابوری

خواجه حق پیشوای راستین  
 ساقی کوثر امام رهنما  
 مرتضای مجتبی جفت بتول  
 در بیان رهنمونی آمده  
 مقتدای دین به استحقاق اوست  
 چون علی از عین‌های حق یکیست  
 از دم عیسی چو مرده زنده خاست  
 گشته اندر کعبه آن صاحب قبول  
 در ضمیرش بود مکنونات غیب  
 گر ید بیضا نبودش آشکار  
 گاه در جوش آمدی از کار خویش  
 کان علم و بحر حلم و قطب دین  
 ابن‌عمّ مصطفی شیر خدا  
 خواجه معصوم و داماد رسول  
 صاحب سرّ سلونی آمده  
 معنی مطلق، علی الاطلاق اوست  
 عقل را در پیش او خود کی شکست  
 او بدم دست بریده کرد راست  
 بت‌شکن بر پستی دوش رسول  
 زان بر آوردش ید بیضا زجیب  
 کی گرفتی ذوالفقار آنجا قرار  
 گه فرو گفتی به چه اسرار خویش

در همه آفاق همدم می نیافت  
 در درون می گشت و محرم می نیافت

### غزلی پر مغز از وحشی بافقی

دل‌م دارد به چین کاکلش صد گونه حیرانی  
 به عالم هیچکس یارب نیفتد در پریشانی  
 ز ما صد جان نمی گیری که دشنامی دهی زان لب  
 به سودای سبک روحان مکن چندین گرانجانی  
 چو کان در سینه دارم رخنه‌ها از تیغ بد خوئی  
 ز پیکان‌های خون آلود او پر لعل پیکانی

۱. حافظ، نسخه قدسی.





زراح روح بخش مهر او خصم است بی بهره  
 بلی کی بهره‌ور باشد جماد از روح انسانی  
 به سلطانی نشان مهرش از آباد خواهی دل  
 که بی‌والی چو باشد، ملک رو آرد به ویرانی  
 دل سخت عدو خون می‌شود از تاب شمشیرش  
 شعاع مهر سازد سنگ را لعل بدخشانی  
 اگر یابد خیر از ریزش دست گهر بارش  
 صدف دیگر ندارد کاسه پیش ابر نیسانی  
 کجا کان لاف بخشش با کف جودش تواند زد  
 چه داند رسم لطف و شیوه بخشش قهستانی  
 عجب نبود که دارد گرگ پاس گله‌اش چون سگ  
 اگر سگبان در گاهش کند آهنگ سلطانی  
 به روز رزم اگر سازد علم تیغ درخشان را  
 دواند بر سر خصم سیه دل رخس جولانی  
 نهد رو در بیابان گریز از تاب شمشیرش  
 چنان کز شعله آتش رمد غول بیابانی  
 شها در شیوه مدحت سرایی آن فسون سازم  
 که چون ره آورد هاروت فکرم در فسون خوانی  
 به افسون سخن بندم زبان نکته‌گیری را  
 که خود را بی‌نظیر عصر داند در سخندانی  
 نیم آن کس که دزدم گوهر مضمون مردم را  
 چو بحر طبع دربار آورم در گوهر افشانی  
 به ملک نظم بعضی می‌کنند از خسروی دعوی  
 که شعر شاعران کهنه را سازند دیوانی  
 سراسر دزد ناشاعر تمامی پیش خود برپا  
 برابر مونس خاطر پس سر دشمن جانی  
 جمادی چند اما کوه دانش پیش خود هر یک  
 نشستگوش بر آواز چون دزدان تالانی  
 که دردم بر تو خوانند از طریق خودپسندیها  
 چه مضمونی ز نظم خود بر آن سنگین دلان خوانی



ز کافر ماجرائی طبعشان را کی قبول افتد  
 اگر خوانی بر آن ناقابلان آیات قرآنی  
 از آن دزدان ناموزون بی‌انصاف ناشاعر  
 شد آن مقارها بیقدر آئین سخندانی  
 که هر جا سحر ساز نکته پرداز است در عالم  
 زعریانی بود در جامه رندان چوپانی  
 دلا «وحشی» صفت یک حرف بشنود در لباس از من  
 مکش سر در گریبان غم از اندوه عریانی  
 بین آب روان را با وجود آن روان بخشی  
 که از عریان تنی می‌لرزد از باد زمستانی  
 خوش آنکو بر در دونان نریزد آبروی خود  
 به کنج فقر اگر جانش برون آید زبی نانی  
 زبان خامه را کوتاه سازم از سر نامه  
 که در عرض شکایاتم حکایت گشت طولانی  
 الهی نامه نو کشتی خود را نگون بیند  
 درین دریا که از طوفان دورش نوح شد فانی  
 خسی کز بهر مهرت در کناری می‌کشد خود را  
 چو کشتی باد سرگردان در این دریای طوفانی

### ❖ بو علی سینا در شعری زیبا گفته است ❖

خداوند متعال آنقدر علی بن ابیطالب را دوست دارد که در پیشانی و چهره هر فردی  
 (چه زن چه مرد) نام دو علی را به شکل معکوس و بالعکس نوشته است. (چشم‌ع)،  
 دماغ‌ل) دو ابرو (ی بالعکس)).  
 بر چهره‌ها به خط لم یزلی معکوس نوشته شده است نام دو علی



## ◆ نکته‌های آخر ◆ ..

۱. در مساجد ایران اسلامی و در تنها کشور شیعی امام عصر علیه السلام در موقع که اذان گویان نام نورانی امام‌المتقین و یعسوب‌الدین علی بن ابیطالب علیه السلام را می‌خوانند کسی صلوات نمی‌فرستد.

امام علی علیه السلام در احادیث در مقام مقایسه با رسول‌الله صلی الله علیه و آله با تعابیری مثل: من و علی از یک نوریم، از یک درختیم، گوشت او گوشت من، خون او خون من، همانند سر من نسبت به تنم، جان من، مثل بازو برای شانه، هم ریشه و همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله، توصیف شده‌اند و در آیه شریفه مباحله به منزله جان پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است.

پس شایسته است در موقع اذان مستعمین و شنوندگان مثل نام رسول خدا صلی الله علیه و آله برای نام مقدس امام علی علیه السلام نیز صلوات بفرستند.

امیدواریم جوانان شیعی ولایی بتوانند این نقص را از مساجد ما براندازند.

۲. مؤلف به جهت ملاحظات و ضرورت‌هایی که در نظر داشته تکرار بعضی از فضایل حضرت مولا را لازم می‌دانسته لذا یکی از علت‌های آن اهمیت خود مطلب بوده است.

۳. استفاده منقطع روز به روز برای کتبی که حجیم می‌باشند مثل قرآن خوانی جزء جزء در ماه مبارک رمضان بهترین شکل بهره بردن از کتب حجیم می‌باشد لذا شایسته است در استفاده از این کتاب از همین روش استفاده کرد.

۴. در این مجموعه روایت و حدیث بسیاری از کتب کهن و معتبر برادران اهل سنت استفاده شده است. البته وسعت فضایل امیرالمؤمنین علی علیه السلام در کتب مذکور خیلی بیشتر از آنست که آمده است.

۵. هر انسان منصفی می‌پذیرد که هر یک از فضایل درخشنده و بی‌بدیل امیرالمؤمنین علی علیه السلام در جای خود به منزله دلیلی بر برتری و اثبات امامت و ولایت آن سرور عزیز محسوب می‌شود.

و به راستی این حجم وسیع احادیث که در کتب برادران اهل سنت و شیعه موج آن تا آسمان حقیقت ارتفاع گرفته است را چگونه بعضی نادیده می‌گیرند و حقیقت نورانی آن امام همام را انکار می‌نمایند!!!

۶. وسعت فضایل و برتری مردی بی‌همتا و استثنایی همانند امیرالمؤمنین علی علیه السلام که

نور باطن او در مجموعه هستی نمی‌گنجد با چند خط و صفحه به پایان نمی‌رسد در این مجموعه به همه فضایل آن امام در موضوعات و صحنه‌های مختلف اشاره نشده است بلکه صرفاً به ۵ جنبه از اضلاع و ابعاد آن وجود نورانی نامتناهی پرداخته‌ایم و بعضی از موارد آن مثل تفسیر آیات قرآن کریم توسط امام و جنبه‌های علمی و پاسخ به سؤالات آن بزرگوار هر یک در مجموعه‌ای مستقل تدوین گردیده است، که به زودی توسط همین مؤسسه به چاپ می‌رسد.

لذا در پایان یادآوری می‌نماید که رسول ممتاز زبیا، اکرم خلائق محمد ﷺ فرمود:  
**«لو ان الرياض اقلام والبحر مداد والجن حساب والانس كتاب ما احصوا فضائل علي بن ابي طالب ﷺ».**

یعنی: اگر تمامی باغ‌ها قلم و دریاها مُرکب و همه جنیان حسابگر و همه انسان‌ها نویسندگان باشند قادر به شمارش فضایل علی بن ابیطالب ﷺ نخواهند بود.<sup>۱</sup>

۷. نظر به اینکه بعضی از داستان‌ها و روایات این کتاب بیشتر از یک فضیلت را در خود جای داده است اعداد هر فضیلت به طور تفکیکی ۱۰۰۱ نشده است ولیکن با جمع آندسته از روایات و داستان‌هایی که فضایل بیشتری را با خود دارند جمع کل فضایل به ۱۰۰۱ رسیده است برای نمونه به سر تیتراهایی مثل: علی در قرآن کریم - شأن انبیائی علی ﷺ - کلمات عرشی - علی شبیه به ده نفر از پیامبران، هفتاد صفت بزرگ و... می‌توان اشاره نمود.

۸. در پایان این کتاب شایسته است این مجموعه به نام حضرت فاطمه معصومه ﷺ به اتمام رسد و لذا در اینجا به مکاشفات و کلمات بعضی از عرفاء بالله درباره حرم نورانی این بانوی عرشی نسب اشاره می‌نماید.

الف: حضرت امام خمینی قدس سره می‌فرمایند: ما می‌خواهیم مردم در پناه امام زادگان آرامش یابند.

ب: جناب عارف واصل حضرت میرزا اسماعیل دولابی می‌فرمایند: من هیچ وقت از قم سیر نشدم همیشه وقتی از قم خارج می‌شوم یک نگاهی به پشت سرم دارم این سرزمین همه‌اش حرم است. سرزمین امن و امنیت است.

ج: عارف بزرگ جناب حاج سیدهاشم حداد از شاگردان حضرت آیت‌الله سیدعلی

۱. ینابیع‌المودة، قندوزی، ج ۲، ص ۲۵۴.





قاضی می فرمایند: قبر مطهر حضرت معصومه علیها السلام فضای قم و اطراف را باز و گسترده و سبک و نورانی کرده است و به واسطه برکات آن حضرت است که گویا خشکی از زمین قم و خاک آن برداشته شده است.

د: مرحوم آیت الله علامه حاج سید محمدحسین طباطبایی صاحب تفسیر بزرگ میزان را دیدند در موقع ورود به حرم حضرت معصومه علیها السلام از خاک اطراف درهای صحن حرم به چشمانش می کشد وقتی علت این کار را پرسیدند فرمود: ما که لیاقت نداریم از گرد و غباری که به ضریح مقدس این خانم نشسته به چشممان بکشیم. و مرحوم آیت الله مرعشی نجفی نیز همیشه لباس های نو خود را به ضریح حضرت می کشید تا متبرک شد بعد آن را می پوشید.

ه: عارف واصل جناب حاج آقا جعفر مجتهدی می فرمود: صفای صحن و حرم حضرت معصومه علیها السلام را در هیچ جایی ندیده ام.

و: حضرت آیت الله مصباح فرمود: اگر مردم قدر و منزلت حضرت معصومه علیها السلام را می دانستند آنقدر از اطراف حرم ایشان خاک به عنوان تبرک بر می داشتند تا آنجا که بواسطه خاک بردن مردم اطراف حرم خندق درست می شد.

\* (خدایا! بهره های ما را از این بانوی بزرگ در دنیا و برزخ و قیامت دائمی مستمر بگردان) امید آنست که در کشور ما روزی را به عنوان گرامیداشت مقام و منزلت امامزادگان مدفون در ایران اسلامی اختصاص یابد تا مردم در هر شهری به تکریم و توسل این مراکز نورانی و معنوی اقدام نمایند.

اللهم عجل لوليک الفرج والحمد لله رب العالمین کثیرا

محمد رضا رمزی اوحدی

قم مقدس